

فرہنگ اشتراک

جواد محدثی



جواد محدثی

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱ - Mohadesi, Javad عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ انتظار / جواد محدثی.
 مشخصات نشر : قم : نشر معروف، ۱۴۰۱. مشخصات ظاهری : ۴۵۶ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۱۶-۵۷-۴ وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق - موضوع : Muhammad ibn Hasan - Imam XII موضوع : مهدویت Mahdism
 مهدویت -- احادیث Mahdism -- Hadiths مهدویت -- انتظار *Waiting Mahdism -- *Waiting
 رده بندی کنگره : ۱۵PB
 رده بندی دیوبی : ۹۵۹/۷۹۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۰۵۵۱۸۳
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا

فرهنگ انتظار

جواد محدثی

معروف

اطلس - قم

بوستان کتاب - قم

۹۷۸-۶۰۰-۸۹۱۶-۵۷-۴

۱۰۰۰ نسخه

۲۲۰ هزار تومان



مرکز تخصصی

نشر معروف - قم - خیابان معلم - مجتمع ناشران واحد ۳۱۶

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۳۷۰

فهرست مطالب

۶۲.....	امام خمینی علیه السلام و انتظار فرج
۶۷.....	امام زمان علیه السلام
۶۸.....	امتحان — آزمایش و امتحان
۶۸.....	امر الله
۶۸.....	امر
۶۹.....	امن و امان
۷۰.....	انتظار
۷۴.....	انتظار سبز
۷۴.....	انتظار سرخ
۷۴.....	انتظار فرج
۷۵.....	انتظار و ادبیات و هنر
۷۷.....	انتظار و اعتراض
۷۹.....	انتظار و امید
۸۰.....	انتقام — منتقم
۸۰.....	انجمن حجتیه
۸۲.....	انصار الحجة — یاران امام زمان علیه السلام
۸۲.....	انکار مهدی علیه السلام
۸۲.....	انواع حضور و غیبت
۸۴.....	اوضاع سیاسی عصر غیبت صغری
۸۵.....	ایام الله
۸۶.....	ایرانیان در عصر ظهور
ب . پ . ت	
۸۸.....	باب
۸۸.....	باب الله
۸۹.....	بابی گری — بهائیت
۸۹.....	بال سرخ شهادت، بال سبز انتظار
۹۱.....	بداء در وقت ظهور
۹۲.....	برکات وجود امام زمان علیه السلام — آثار وجودی امام غایب
۹۲.....	بشارت منجی — اشارات و بشارات
۹۲.....	بشرین سلیمان
۹۳.....	بعد غیبی مهدی موعود علیه السلام
۹۵.....	بقیة الله
۹۷.....	بهائیت
۹۸.....	بیت الحمد
۹۸.....	بیت المقدس — قدس
۹۸.....	بیداء — خسف در بیداء
۹۸.....	بیست و هفت حرف علم
۹۹.....	بیعت
۹۹.....	پاداش دینداری در عصر غیبت
۱۰۱.....	پانزدهم شعبان — نیمه شعبان
۱۰۱.....	پرچم قائم
۱۰۲.....	پرچم های سیاه
۱۰۳.....	پرچم یمانی — خروج یمانی، یمانی
۱۰۳.....	پیاده روی اربعین و آخر الزمان
۱۰۸.....	پیر جوان نما
۱۰۸.....	پیشگویی های نوستر آداموس — نوستر آداموس
۱۰۸.....	پیوند حسین علیه السلام و مهدویت
۱۱۱.....	تربیت مهدوی کودکان
۱۱۲.....	تسمیه (نام بردن)
۱۱۵.....	تشرّف یافتگان
۱۱۷.....	تشکیلات و کالت
۱۱۹.....	تطبیق علائم ظهور
۱۲۰.....	تعجیل در ظهور — استعجال، دعا برای فرج
۱۲۰.....	تکالیف منتظران — آیین انتظار
۱۲۰.....	تکلیف ما نسبت به امام زمان علیه السلام
۱۲۲.....	تمهید — زمینه سازی برای ظهور
۱۲۲.....	توقیت
۱۲۳.....	توقیعات

خراسان ← سید خراسانی ۱۵۲	ثائر ۱۲۴
خرافات و بدعت‌ها ← آسیب شناسی مهدویت ۱۵۲	ثانی عشر ← اثنی عشریه ۱۲۵
خروج دجال ← دجال ۱۵۲	
خروج سفیانی ← سفیانی ۱۵۲	ج . چ . ح . خ
خروج یمانی ۱۵۲	جاء الحق وزهق الباطل ۱۲۶
خسف در بیداء ۱۵۲	جائلقا و جائلسا ۱۲۷
خسوف و کسوف در ماه رمضان ۱۵۴	جزیره خضراء ۱۲۷
خضرو مهدی (عج) ۱۵۴	جشن‌های نیمه شعبان و ساواک ۱۲۹
خلف صالح ۱۵۵	جعفر کذاب ۱۳۱
خلیفه الله ۱۵۶	جغرافیای یاران مهدی (عج) ۱۳۲
خواسته‌های مهدوی ۱۵۶	جمعه و انتظار ۱۳۲
خورشید پشت ابر ۱۵۸	جمکران ← مسجد جمکران ۱۳۴
	جملات ادبی ۱۳۴
د . ن	جهان پراز ظلم ۱۳۶
دابة الأرض ۱۶۱	جهانی شدن و مهدویت ۱۳۷
دادگری ← عدالت ۱۶۲	چگونگی غلبه بر جهان ۱۴۰
دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی (عج) ۱۶۲	چند کتاب مهم ۱۴۲
دجال ۱۶۳	چهل حدیث مهدوی ۱۴۳
دشمن شناسی ۱۶۴	حتمیت ظهور ۱۴۴
دعا برای فرج ۱۶۵	حجت ۱۴۵
دعاهای مهدی (عج) ۱۶۶	حجة بن الحسن (عج) ← حجت ۱۴۶
دعای افتتاح ۱۶۷	حجت شناسی ۱۴۶
دعای سلامتی امام زمان (عج) ۱۶۷	حجتیه ← انجمن حجتیه ۱۴۷
دعای عهد ۱۶۸	حسن بن مثله جمکرانی ← مسجد جمکران .. ۱۴۷
دعای فرج ۱۷۰	حسین بن روح ← ثواب اربعه ۱۴۷
دعای ندبه ۱۷۱	حضور در موسم حج ۱۴۷
دکترین مهدویت ← مهدویت ۱۷۳	حکومت صالحان ۱۴۸
دوازده امامی ← اثنی عشریه ۱۷۳	حکومت مستضعفان ← حکومت صالحان ... ۱۴۹
دوران صلح و صفا ۱۷۴	حکومت واحد جهانی ۱۴۹
دوران غیبت ← غیبت، عصر غیبت ۱۷۴	حکیمه خاتون ۱۵۱

فهرست مطالب

دولت کریمه	۱۷۴	زیارت ناحیه مقدسه	۲۱۰
دولت مستضعفین	۱۷۶		
دیدار امام زمان علیه السلام	۱۷۷	س . ش	
دینداری در عصر غیبت	۱۷۸	ساختن و ویران کردن	۲۱۲
نخیره الهی	۱۷۹	ساعت ← روز ظهور، ظهور	۲۱۳
نهی ظوی	۱۸۰	سامرا	۲۱۳
		سپاه رعب	۲۱۴
ر . ز		سپاه مهدی علیه السلام	۲۱۵
رایه المهدی علیه السلام ← پرچم قائم	۱۸۲	سرداب مقدس	۲۱۵
رجعت	۱۸۲	سردابیه	۲۱۷
رستاخیز ظهور	۱۸۴	سرمن رأی ← سامرا	۲۱۷
رشیق	۱۸۷	سفرای اربعه ← نواب اربعه	۲۱۷
رضوی ^۱	۱۸۷	سفارت ← نواب اربعه	۲۱۷
رُعب ← سپاه رعب	۱۸۸	سفینتی	۲۱۷
رکن و مقام	۱۸۸	سلاح امام زمان علیه السلام ← قیام به سیف	۲۱۹
روایت ظهور	۱۸۹	سلام بر مهدی علیه السلام	۲۱۹
روز جهانی مستضعفین ← نیمه شعبان	۱۹۲	سودانی	۲۲۲
رهبری دینی در عصر غیبت ← ولایت فقیه	۱۹۲	سیاست کلی دولت مهدوی	۲۲۳
روز ظهور	۱۹۲	سید حسنی	۲۲۵
رهبران فاسد	۱۹۳	سید خراسانی	۲۲۶
زیور	۱۹۴	سید محمد	۲۲۷
زمان و مهدی علیه السلام	۱۹۵	سیره مهدوی	۲۲۸
زمینه سازان ظهور	۱۹۶	سیره مهدوی و سیره نبوی	۲۳۱
زمینه سازی برای ظهور	۱۹۷	سیصد و سیزده	۲۳۳
زمینه سازی برای غیبت	۲۰۰	سیمای جهان در عصر ظهور	۲۳۴
زوراء	۲۰۲	سیمای مهدی علیه السلام	۲۳۵
زنان مهدی یاور	۲۰۲	شباهت های مهدی علیه السلام و موسی علیه السلام	۲۳۷
زندگی مهدوی	۲۰۴	شب قدر ← لیلة القدر	۲۴۰
زیارت آل یاسین	۲۰۸	شرایط ظهور	۲۴۰
زیارت امام زمان علیه السلام	۲۰۹	شریک القرآن	۲۴۴

ع . غ

- شعار یاران مهدی علیه السلام ← یالشارات الحسین ۲۴۵
 شعراشتیاق ۲۴۵
 شعر مهدوی ۲۵۲
 شعیب بن صالح ۲۵۴
 شکوفایی عقل و علم ۲۵۴
 شَلَمَغَلِی ۲۵۵
 شمایل مهدی علیه السلام ← سیمای مهدی علیه السلام ۲۵۶
 شمشیر ۲۵۶
 شهر منتظران ۲۵۸
 شهرها در روایات عصر ظهور ۲۵۹
 شیعه در عصر ظهور ۲۶۰
 شیوه‌های فراطبیعی ۲۶۲
- ## ص
- صاحب الأمر ۲۶۴
 صاحب الدار ← نام‌ها و اوصاف و القاب ۲۶۵
 صاحب الزمان علیه السلام ۲۶۵
 صاحب الغیبه ← نام‌ها و اوصاف و القاب ۲۶۶
 صبر در عصر غیبت ۲۶۶
 صلح جهانی ۲۶۷
 صهیونیسم مسیحی، مسیحیت صهیونیستی ۲۶۹
 صیحه آسمانی ← ندای آسمانی ۲۷۱
- ## ط . ظ
- طالقان ← یاران امام زمان علیه السلام ۲۷۲
 طاووس بهشتیان ۲۷۲
 طلوع خورشید از مغرب ← علائم ظهور، اُشراط الساعه ۲۷۲
 طول عمر امام زمان علیه السلام ۲۷۲
 طین الأرض ۲۷۵
 ظهور ۲۷۶
- ## ع . غ
- عاشورا و انتقام ۲۷۷
 عاقبة الدار ← نام‌ها و اوصاف و القاب ۲۷۸
 عبدالله ← نام‌ها و اوصاف و القاب ۲۷۸
 عثمان بن سعید ← ثواب اربعه ۲۷۸
 عَجَلُ اللَّهِ فَرْجَهُ ۲۷۸
 عدالت ۲۷۸
 عدالت جهانی ۲۷۹
 عریضه نویسی ۲۸۱
 عشق به مهدی علیه السلام ۲۸۱
 عصر حیرت ۲۸۲
 عصر ظهور ۲۸۳
 عصر ظهور و حضور ۲۸۳
 علائم آخر الزمان ← آخر الزمان، علائم ظهور ۲۸۵
 علائم ظهور ۲۸۵
 علل غیبت ← فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام ۲۸۹
 علی بن محمد سیمری ← ثواب اربعه ۲۸۹
 عنایت خاص به شیعه ۲۸۹
 عوامل غیبی و بشری ۲۹۰
 عهدنامه یاران مهدی علیه السلام ۲۹۱
 عهد و پیمان ← عهدنامه یاران مهدی علیه السلام ۲۹۳
 عیسی علیه السلام ← مهدی علیه السلام مقتدای مسیح ۲۹۳
 غایب ۲۹۳
 غَرْبُهُ وَبَلْبَلُهُ ۲۹۳
 غرب و مهدویت ← صهیونیسم مسیحی ۲۹۴
 غریم و شریذ ۲۹۴
 غلام احمد خان ← قادیانی گری ۲۹۴
 غیب ۲۹۴
 غیبت ۲۹۶
 «غیبت شأنیه» و «حضرت شئونیه» ۲۹۷

غیبت صغری ۲۹۸	قضاوت داود و سلیمان ۳۱۸
غیبت کبری ۳۰۰	قطب عالم امکان ۳۱۹
ف . ق	قم، قائم، قیام ۳۲۰
فارس الحجاز ۳۰۲	قیام برای «قائم» ۳۲۱
فایده امام غایب ← آثار وجودی امام غایب ۳۰۲	قیام به سیف ۳۲۲
فتن و ملاحم ← علائم ظهور ۳۰۲	قیام قبل از ظهور ۳۲۵
فتنه آخر الزمان ← فسادهای آخر الزمان ۳۰۲	قیام ناگهانی ۳۲۶
فتوحات مهدویه ۳۰۳	ک . گ
فتور یسم ۳۰۴	کارکردهای انقلاب مهدوی ۳۲۷
فراگیری ظلم ← جهان پر از ظلم ۳۰۴	کافی (شیخ احمد) ← مهدیه ۳۲۹
فرج ۳۰۵	کتاب الغیبة ← کتابشناسی مهدویت ۳۲۹
فرج بعد از شدت ۳۰۵	کتابشناسی شعر مهدوی ۳۲۹
فرق شرایط ظهور و علائم ظهور ۳۰۷	کتابشناسی مهدویت ۳۳۱
فرود آمدن عیسی ۳۰۸	کتاب غیبت ۳۳۹
فرهنگ انتظار ← آیین انتظار ۳۰۸	کعبه و مسجد الحرام ۳۴۰
فسادهای آخر الزمان ۳۰۸	کمال الدین ← کتابشناسی مهدویت ۳۴۱
فلسطین ← قدس ۳۱۰	کودکان و مهدویت ۳۴۱
فلسفه انتظار ← فلسفه غیبت ۳۱۰	کوه رضوی' ← رضوی ۳۴۲
فلسفه غیبت امام زمان ۳۱۰	کیستیه ۳۴۳
قائم ۳۱۲	گل نرگس ۳۴۳
قائم آل محمد ← قائم ۳۱۴	گم گشتگان ۳۴۴
قائمیه ۳۱۴	ل . م
قادیانی گری ۳۱۵	لقب های امام زمان ۳۴۵
قاعده لطف ۳۱۵	والقاب ۳۴۵
قتل نفس زکیه ← نفس زکیه، علائم ظهور ۳۱۷	لیلة القدر ۳۴۵
قدس ۳۱۷	ماء معین ۳۴۵
قرقیسا ۳۱۸	متمهیدی ۳۴۶
قسط و عدل ← عدالت ۳۱۸	مثلث برمودا ← جزیره خضراء ۳۴۶
	مجلات و نشریات مهدوی ۳۴۶

۳۷۲.....ملیکه ← نرجس خاتون
 ۳۷۲.....مُهمّهدون ← زمینه سازان ظهور
 ۳۷۲.....منتخب الأثر ← کتابشناسی مهدویت
 ۳۷۳.....منتظر ← منتظر
 ۳۷۴.....مُنْتَقِم
 ۳۷۵.....منجی باوری، منجی گری
 ۳۷۶.....منصور ← نام ها و اوصاف و القاب، سپاه رعب
 ۳۷۶.....منکران مهدی موعود علیه السلام
 ۳۷۸.....مواعظ ظهور
 ۳۷۹.....موعود ← مهدی موعود
 ۳۷۹.....مؤمّل و مأمول
 ۳۸۰.....مهدویت
 ۳۸۰.....مهدویت در ادیان و آیین های دیگر
 ۳۸۱.....مهدویت و غرب
 ۳۸۳.....مهدویت و محورهای پژوهش
 ۳۸۸.....مهدویت و مشترکات مذاهب
 ۳۸۹.....مهدویون
 ۳۹۰.....مهدی علیه السلام
 ۳۹۰.....مهدی بیا، مهدی بیا
 ۳۹۱.....مهدی علیه السلام در روایات اهل سنت
 ۳۹۳.....مهدی علیه السلام در قرآن
 ۳۹۴.....مهدی شخصی، مهدی نوعی
 ۳۹۵.....مهدی علیه السلام، مقتدای مسیح
 ۳۹۶.....مهدی موعود
 ۳۹۷.....مهدی موعود
 ۳۹۷.....مهدیه
 ۳۹۹.....ناحیه مقدسه
 ۴۰۰.....نار دانه
 ۳۴۸.....م. ح. م. د. علیه السلام
 ۳۴۹.....محمد بن عثمان ← نواب اربعه
 ۳۴۹.....محور وحدت
 ۳۵۰.....مخفی بودن ولادت ← ویژگی های امام زمان ...
 ۳۵۰.....مذّت حکومت مهدی علیه السلام
 ۳۵۱.....مذّعیان مهدویت
 ۳۵۵.....مدینه فاضله ← آرمان شهر
 ۳۵۶.....مراکز مهدویت پژوهی
 ۳۵۸.....مرکز حکومت مهدی علیه السلام
 ۳۵۹.....مرگ جاهلی
 ۳۶۰.....مرگ سرخ و سفید
 ۳۶۰.....مستضعفین ← دولت مستضعفین، وراثت
 ۳۶۰.....مستضعفین
 ۳۶۰.....مستور ← نام ها و اوصاف و القاب
 ۳۶۱.....مسجد آیه الله انگجی
 ۳۶۱.....مسجد جمکران
 ۳۶۳.....مسجد سهله
 ۳۶۴.....مسجد کوفه
 ۳۶۵.....مسجد هزار در
 ۳۶۶.....مصلح جهانی
 ۳۶۷.....مضطرّ حقیقی
 ۳۶۹.....معجزات امام زمان علیه السلام
 ۳۷۰.....مُعزّ الاولیاء
 ۳۷۰.....مُعَمَّرین
 ۳۷۱.....مفاسد آخر الزّمان ← فساد های آخر الزّمان
 ۳۷۱.....مقام صاحب الزّمان علیه السلام
 ۳۷۱.....مکان امام زمان علیه السلام
 ۳۷۲.....ملاحم و فتن ← علائم ظهور
 ۳۷۲.....ملاقات با امام زمان ← تشرف یافتگان، دیدار با امام
 ۳۷۲.....زمان علیه السلام

فهرست مطالب

نام‌ها و اوصاف و القاب.....	۴۰۰.....
نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه	۴۰۲.....
نثر ادبی و انتظار.....	۴۰۲.....
ندای آسمانی.....	۴۱۲.....
نُنبه.....	۴۱۳.....
نرجس خاتون.....	۴۱۴.....
نرجسیه.....	۴۱۵.....
نشانه‌های ظهور و علائم ظهور.....	۴۱۵.....
نظام وکلایی و تشکیلات وکالت.....	۴۱۵.....
نفس زکیه.....	۴۱۶.....
نقش زنان در عصر ظهور و زنان مهدی یاور... ..	۴۱۶.....
نقش یمنی‌ها در عصر ظهور.....	۴۱۷.....
نماز امام زمان و مسجد جمکران.....	۴۱۷.....
نُواب اربعه.....	۴۱۷.....
نوستر آداموس.....	۴۲۱.....
نهان زیستی و غیبت.....	۴۲۱.....
نهج البلاغه و مهدویت.....	۴۲۲.....
نیابت خاصه و عامه.....	۴۲۴.....
نیمه شعبان.....	۴۲۵.....
ولادت مخفی و ویژگی‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه	۴۲۳.....
ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه و نیمه شعبان.....	۴۲۳.....
ولایت فقیه.....	۴۲۳.....
ولی الله اعظم عجل الله تعالی فرجه	۴۲۵.....
ولی عصر عجل الله تعالی فرجه	۴۲۵.....
ویژگی‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه	۴۲۵.....
هرج و مرج.....	۴۲۷.....
همسر و فرزندان.....	۴۲۸.....
یاد مهدی عجل الله تعالی فرجه	۴۳۹.....
یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه	۴۴۰.....
یائثرات الحسین علیه السلام	۴۴۲.....
یمانی.....	۴۴۳.....
یمنی‌ها و آخر الزمان.....	۴۴۴.....
یوم الله و ایام الله.....	۴۴۵.....
یوم الفتح.....	۴۴۵.....
یوم الخلاص.....	۴۴۵.....
فهرست منابع.....	۴۴۶.....
فهرست موضوعات و مفاهیم.....	۴۵۱.....

و. ه. ی

وادی السلام.....	۴۲۶.....
وارث سنت‌های انبیایی.....	۴۲۷.....
وجه الله.....	۴۳۰.....
وحدت ادیان.....	۴۳۱.....
وراثت صالحان و وراثت مستضعفین.....	۴۳۲.....
وراثت مستضعفین.....	۴۳۲.....
وظایف منتظران و آیین انتظار.....	۴۳۳.....
وَقَاتُونَ و توقیت.....	۴۳۳.....
وکیل، وکلا و تشکیلات وکالت.....	۴۳۳.....

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

فرهنگ تشیع که برگرفته از خط نبوی «قرآن و عترت» است، بر سه پایه مهم استوار است:

۱. امامت، ولایت و اهل بیت علیهم السلام

۲. جهاد و قیام در راه حق بر ضد فساد و ستم

۳. عقیده به وعده الهی بر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان برای اصلاح جهان.

به تعبیر دیگر، سه مفهوم و عنصر «غدیر»، «عاشورا» و «انتظار»، شاخص اصلی تفکر شیعی و مرام اهل بیت علیهم السلام است. فرهنگنامه‌هایی که در سال‌ها پیش با نام «فرهنگ عاشورا» و «فرهنگ غدیر» به همین قلم نگارش و انتشار یافت، زمینه را برای جلد سوم و پژوهش و تدوین «فرهنگ انتظار» فراهم کرد. اینک این اثر فرهنگنامه‌ای با تأخیر به جامعه ایمانی و دوستدار فرهنگ عترت تقدیم می‌شود. علت تأخیر، تردید در انجام کار بود، چون چند اثر مشابه با همین نظام الفبایی از سوی دیگران چاپ شده بود و نگارنده را در نوشتن این اثر مردّد ساخت.^۱ لیکن با احترام به آن نویسندگان و تقدیر از زحماتشان، سبک و سیاق آن کتاب‌ها را متفاوت از سبکی یافتیم که در «فرهنگ عاشورا»، و «فرهنگ غدیر» داشتیم، سرانجام مصمم شدم به نیت و انگیزه خود جامعه عمل بپوشانم.

۱. همچون: فرهنگ قائم، فرهنگ نامه مهدویت، موعود نامه و ...

عقیده به منجی و انتظار موعود و آرزوی عدالت جهانی در آخر الزمان، در همه ادیان و مکاتب و فرقه‌ها با تفاوت‌هایی وجود دارد و کامل‌ترین صورت این ایده و باور در اسلام به خصوص از دیدگاه تشیع و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام به طور روشن و با جزئیات آن در روایات متواتر و منابع اسلامی آمده است.

آن چه می‌خوانید مجموعه‌ای از اطلاعات و دانستنی‌ها و معارف دینی و تفسیرها و تحلیل‌های مرتبط با موضوع «مهدویت» است که به صورت الفبایی نگارش و تدوین یافته و شما را از مراجعه به بسیاری از کتاب‌های دیگری نیاز می‌سازد و دانستنی‌های مورد نیاز را (در حد اختصار و گنجایش این اثر) در کمترین زمان، با عباراتی فشرده و مطالبی با جامعیت نسبی در اختیارتان قرار می‌دهد.

همچنان که یاد شد، مبنای کاربر «نظام الفبایی» است و چون ممکن است خوانندگان برای یافتن موضوع، مدخل و عنوان خاصی را در نظر داشته باشند، برخی از مدخل‌ها به صورت ارجاعی، هم در فهرست، هم در متن کتاب آمده است.

به عنوان نمونه:

مدینه فاضله ← آرمان شهر

جمکران ← مسجد جمکران

ملیکه ← نرجس خاتون

وقت‌گذاری برای ظهور ← توقیت

حسین بن روح ← نواب اربعه

برای مطالعه مطالب مرتبط و معلومات بیشتر، در پایان هر مبحث هم به چند مدخل و موضوع دیگر ارجاع داده شده است که مطالعه آن‌ها بر غنای موضوع می‌افزاید. مثلاً در ذیل «زمینه‌سازی برای ظهور»، به این مدخل‌ها هم ارجاع داده شده است ← آیین انتظار، زمینه‌سازان ظهور، مهتدین، یاران امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف. و در ذیل بحث «صلح جهانی» به عناوین دیگری همچون ← امن و امان، حکومت واحد جهانی، فرج، کارکردهای انقلاب

مهدوی اشاره شده است.

در پایان کتاب هم برای همه این مدخل‌ها، فهرستی موضوعی و تفکیک شده فراهم آمده، تا دستیابی به موضوعات مورد نظر را آسان تر سازد.

گفتنی است که افزون بر منابع مورد استفاده این اثر که در پایان آمده است، در بسیاری از مدخل‌ها درپاورقی به منابعی اشاره شده که علاقه‌مندان به تحقیق و مطالعه بیشتر را به کار آید، مانند منابع معرفی شده درپاورقی مدخل‌های: آرماگدون، آیین انتظار، انتظار و اعتراض، تسمیه، رجعت، تشرف یافتگان و

جواد محدثی - بهار ۱۴۰۱

آ. ۱

آثار تربیتی انتظار

در عصر غیبت، انتظار ظهور و فرج که از افضل عبادت‌ها به شمار آمده است، برای منتظران چه به صورت فردی چه اجتماعی آثار سازنده و تربیتی دارد، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. امید آفرینی: از آن جا که یأس، بازدارنده از عمل و فرساینده روح است، امید بخشیدن به افراد یک کار سازنده تربیتی است. انتظار، امید به آینده است، آینده‌ای بهتر که انگیزه حرکت می‌دهد.

۲. سازندگی روحی و اخلاقی: چون منتظر، چشم به راه حکومت صالحان و تحقق قسط و عدل و برچیده شدن فسادهاست، پس باید در اصلاح نفس و تهذیب اخلاق بکوشد. به تعبیر استاد محمد رضا حکیمی: «خلق‌ی که در انتظار ظهور «مصلح» به سر می‌برد، باید خود «صالح» باشد»^۱.

۳. جامعه سازی: انتظار بدون تلاش برای تحقق هدف، بی معنی است. منتظران اصلاح جهان و حاکمیت قسط و عدل، باید زمینه ساز تحقق آن باشند و در حدّ توان برای این هدف بکوشند، با مفاسد مقابله کنند، اهل امر به معروف و نهی از منکر و مسئولیت شناسی باشند و بی تفاوت نباشند.

۴. آراستگی به ارزش‌ها: ویژگی‌هایی که برای یاران امام زمان و منتظران او بیان شده، اُمت منتظر را پای بند به ارزش‌های اخلاقی و اهل عزم و اراده و حق طلبی و صبور و مقاوم بار می‌آورد، تا در فساد محیط و جامعه حلّ نشوند و با طول کشیدن زمان غیبت، امید و ایمان و

۱. خورشید مغرب، ص ۴۳۰.

انگیزه خود را از دست ندهند و خود، مظهر و نمونه اوصاف و ارزش‌هایی باشند که به تحقق آن‌ها در عصر ظهور، دل بسته‌اند.

۵. مراقبت از ایمان: در روایات، از «ریزش نیروها» در عصر غیبت سخن گفته شده است. اگر انتظار، واقعی و عمیق باشد، منتظران در حفظ ایمان خود در برابر تشکیک‌ها و تردید آفرینی‌ها و شبهه‌هایی کوشند و به تقویت ایمان و عقاید خود می‌پردازند، تا به ثواب‌های وعده داده شده برسند. طبق احادیث، کسی که در عصر غیبت، انتظار و ایمان صحیح خود را حفظ کند، همچون کسی است که در رکاب پیامبر، یا در حضور مهدی عج جهاد کرده و شمشیر زده است.

۶. تحمل مشکلات: هر عاشقی در راه عشق خود، سختی‌ها و فراق‌ها و طعنه‌ها را تحمل می‌کند. انتظار، نیروی تحمل جامعه را نسبت به دشواری‌های مسیر دینداری و پاک‌زیستی و ولایی بودن می‌افزاید و عزم او را تقویت می‌کند. «برزمستان صبر باید، طالب نوروز را».

۷. احساس حضور: وقتی کسی منتظر آمدن امامی باشد که مهربان و رؤوف است و به شیعان‌ش عنایت ویژه دارد و از حال آنان بی‌خبر نیست و از یاد نمی‌برد و زنده و مراقب و ناظر بر اعمال است، حتی بودن در حضور امام را در او ایجاد می‌کند و پیوند روحی با امام ایجاد می‌شود و این احساس حضور در محضر حجت خدا، هم روحیه بخش است، هم بازدارنده از گناه.

۸. معنویت زندگی: انتظار اگر همراه با همه شئون و آیین‌ها و آداب‌ها باشد، زندگی انسان را رنگ معنوی می‌بخشد و مراقبت از اعمال عبادی و ذکر و دعا و توجه و توشل، به آن صفا می‌بخشد. دعا برای فرج، ندبه در فراق امام، انتظار پیوسته برای ظهور ناگهانی آن موعود، کوشش برای کسب شایستگی برای خدمت در رکابش و امتثال اوامرش، آمادگی برای کسب لیاقت برای دیدار ویاری و... از لوازم زندگی منتظرانه و از آثار سازنده انتظار به شمار می‌رود.

می‌رسد شبی مردی، از ورای حیرانی	کوچه می‌شود مس‌هاله‌های نورانی
آیه آیه چشمانش، از تلاوت شب‌نم	غرق بوسه‌های گل، در طلوع روحانی

نذر مقدم سبزش، چلچراغ و آئینه در ضیافت چشمش، آیه های قرآنی^۱
 ← انتظار و امید، انتظار فرج، آیین انتظار.

آثار وجودی امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف

با آن که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظرها پنهان است و ما در عصر غیبت کبری به سر می بریم، چه نقش و تأثیری در زندگی ما مسلمانان و بشریت دارد و ما از او چگونه بهره مند می شویم؟ در روایات است که نحوه استفاده و انتفاع مردم از او همچون بهره بردن از خورشید پشت ابر است: «كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ»^۲. کیفیت بهره مندی از او را می توان این گونه برشمرد و به آثار وجودی امام عصر در عصر غیبت اشاره کرد:

۱. پایداری جهان به برکت وجود او. علاوه بر روایاتی که نقش حجت را در جهان بیان می کند و این که اگر زمین خالی از حجت باشد، اهلش را در کام خود فرو می برد^۳، در دعای عدیله است: «الَّذِي بَقَايُهُ بَقِيَّتِ الدُّنْيَا وَبَيُّمْنُهُ رُزْقُ الْوَرَى وَبُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»^۴ که بیانگر نقش او در ثبات جهان و زمین است.

۲. هدایت نهانی انسان های مستعد، چرا که وجود او لطف برای همه است.

۳. حضور ناشناخته در میان مردم و حضور همه ساله در موسم حج، که مردم را می بینند، مردم هم چه بسا او را می بینند و نمی شناسند.

۴. ملاقات های ویژه ای که با بعضی از پاکان و اهل تقوا دارد و هدایت های معنوی.

۵. ارتباط معنوی مردم با او از طریق دعا و توسل و یاری رساندن به درماندگان.

۶. رهبری جامعه دینی با واسطه، از طریق ارجاع امور دینی مردم به فقها.

۷. ایجاد امید در مردم برای آینده بشریت و اصلاح جهان.

۸. دفع برخی از شرور و زیان ها و خطرات که متوجه اسلام است.

۱. غلامرضا ذوالفقاریا.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۳. الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۷۹، الغیبة، نعمانی، ص ۱۳۸.

۴. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گی
ل
م
ن
و
ه
ی

۹. او مایه امنیت و امان برای مردم و اهل زمین است (اَنِّیْ اَمَانٌ لِّاَهْلِ الْاَرْضِ...)^۱.

۱۰. مانند خوردشید پشت ابر، برکات وجودش به جهان و مردم می‌رسد، هرچند غایب از نظر باشد، که خود فرمود: «وَجْهُ الْاِنْتِفَاعِ بِي فِي غِيْبَتِي فَكَالْاِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ اِذَا غَیَّبَتْهَا عَنِ الْاَبْصَارِ السَّحَابُ»^۲.

۱۱. ولایت و رهبری باطنی اعمال. علامه طباطبایی در پاسخ به این اشکال که امامی که مردم هیچگونه دسترسی به او ندارند، چه فایده‌ای بر وجودش مترتب است، می‌گوید: «وظیفه امام، تنهاییان صوری معارف و راهنمایی ظاهری مردم نیست و امام چنانکه وظیفه راهنمایی صوری مردم را به عهده دارد، همچنان ولایت و رهبری باطنی اعمال را به عهده دارد و اوست که حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد. بدیهی است که حضور و غیبت جسمانی امام در این باب تأثیری ندارد و امام از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اشراف و اتصال دارد، اگرچه از چشم جسمانی ایشان مستور است و وجودش پیوسته لازم است، اگرچه موقع ظهور و اصلاح جهانی‌اش تا کنون نرسیده است»^۳.

بیا که دل به تو ای یار مهربان بدهیم اگر قبول تو افتد، ز شوق جان بدهیم
ز راه دیده خود هر چه خون دل داریم به پای بوس غم صاحب الزمان بدهیم^۴
— خوردشید پشت ابر، فلسفه غیبت، امن و امان، غیبت شائیه.

آخر الزمان

آخرین دوره زندگی بشر در روی زمین قبل از قیامت. این اصطلاح در متون دینی و اعتقادات ادیان به دوره قبل از ظهور منجی بزرگ جهان و مصلح عالم گفته می‌شود که پس از همه‌گیری ظلم و فساد در جهان و ناکارآمدی دولت‌ها و قدرت‌ها و اشخاص برای اصلاح، موعود منجی ظهور می‌کند و عدالت جهانی را برپا می‌سازد. در حدیث پیامبر ﷺ

۱. کمال الدین، ص ۵۸۵.

۲. همان، ص ۴۸۵.

۳. شیعه در اسلام، چاپ نخست، ص ۱۵۲.

۴. قدسی مشهدی.

آمده است: «المهدی يخرج في آخر الزمان»^۱ که نوید بخش خروج مهدی در آخر الزمان است. در روایات بسیاری آمده که اگر از دنیا جزیک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک ظهور کند و جهان را پراز عدالت کند. فتنه‌ها، آشوب‌ها و جنگ‌هایی که در آخر الزمان و پیش از ظهور اتفاق خواهد افتاد، در روایات با عنوان «ملاحم و فتن» یاد شده و علائم آخر الزمان مجموعه‌ای از گناهان و ناهنجاری‌های اجتماعی و مفسد است که در احادیث بیان شده و پیش در آمد قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریک است. مفهوم آخر الزمان در ادیان و اندیشه‌های دیگر هم دیده می‌شود، اما در اعتقاد اسلامی و شیعی، اختصاص به شرایط جهان قبل از ظهور دارد. توصیه‌های فراوان شده که در آخر الزمان، عقاید و دین و پاکی و ایمان خود را از دستبرد حوادث و آسیب فتنه‌ها حفظ کنید و از کسانی که در آن دوران، برایمان و تقوا ثابت قدم می‌مانند، ستایش بسیار شده است.

فرهنگ
انتظار

در مجموعه‌ای از روایات هم به مفسد و گناهان رایج در آخر الزمان اشاره شده که بعضی آن‌ها را مقدمه و پیش در آمد ظهور امام زمان دانسته‌اند.^۲ در کتب مهدویت، نشانه‌هایی بیشتر از آخر الزمان و تحولات آن دوران بیان شده است.^۳ آخر الزمان هم به مقطع تاریخی پیش از ظهور آن حضرت و متصل به قیامت گفته می‌شود، هم در یک نگاه کلی تر از بدو تاریخ، به دوره رسول خدا صلی الله علیه و آله هم اطلاق می‌شود، همچنان که از قول راهب شامی در سفری که پیامبر خدا با جمعی از قریش به سفر تجاری شام رفته بود، نقل شده که از دیدن حضرت محمد صلی الله علیه و آله به همراهان خودش گفت: «هذا والله نبی آخر الزمان...»^۴ به خدا این پیامبر آخر الزمان است و به زودی مبعوث خواهد شد....

— علائم ظهور، فسادهای آخر الزمان، آرماگدون.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱،

۲. روضة کافی، ص ۵۲، حدیث ۷.

۳. از جمله: رک: آخر الزمان در ادیان ابراهیمی، مرکز تخصصی مهدویت، قم.

۴. کمال الدین، ص ۱۹۰.

آخر الزمان و قیامت

اصطلاح آخر الزمان لزوماً به معنای پایان عمر دنیا و به آخر رسیدن زمان زندگی بشر در عالم نیست. در تقسیم بندی کلی دوره های عمر دنیا، بخشی در اوایل است و بخشی در میانه و بخشی در اواخر. مثلاً در روایات و بشارات بعثت پیامبر اسلام ﷺ آمده است که در آخر الزمان پیامبری برانگیخته خواهد شد. در حدیث بشارت خداوند به حضرت عیسی از پیامبری یاد شده که در آخر الزمان خواهد بود: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمان»^۱. در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هم روایت ها چنین است که: بشارت باد که مهدی در آخر الزمان، در دوره سختی ها، زلزله ها و شدایدی می آید و زمین را پراز قسط و عدل می کند، یعنی در آخرین قطعه زمان خواهد آمد. در روایات نیز آمده که: پیدایش خوارج در آخر الزمان خواهد بود. پیامبر خدا ﷺ در سخنی سلام و درود خود را به برادران خودش فرستاد که در آخر الزمان خواهند بود، که این شامل عصر غیبت هم می شود. حضرت در این روایت، ایمان و یقین قومی راستوده که در آخر الزمان می آیند و پیامبر را ندیده اند، ولی بر نوشته های کاغذها ایمان می آورند.^۲ امام سجاد علیه السلام فرمود: چون خدا می دانست که در آخر الزمان اقوامی ژرف اندیش خواهند آمد، سوره توحید و آیات اول سوره حدید را نازل کرد.^۳ احادیثی هم که برخی حوادث، علائم و تحولات را در آخر الزمان و در آستانه ظهور بیان کرده که به «اشراف الساعه» معروف است.

پس اصطلاح آخر الزمان، تنها یک دوره محدود زمانی نیست، بلکه از بعثت پیامبر، تا دوره غیبت، زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و تا قیام قیامت را شامل می شود و همه این دوره ها در یک نگاه کلی و در مقیاس عمومی زمان، «آخر الزمان» محسوب می شود. و ممکن است پایان دوره حکومت امام زمان و پیشوایان پس از او و حکومت صالحان در عصر رجعت، به قیامت که «آخر الزمان واقعی» است منتهی گردد.

۱- اشراف الساعه، علائم ظهور، آخر الزمان، رستاخیز ظهور.

۱. دلائل الامامه، ص ۴۹۷.

۲. کمال الدین، ص ۲۸۸.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۹۱.

آخرین دولت

از آغاز تا کنون و تا پایان دنیا، همیشه قدرت‌ها و حکومت‌هایی بر سر کار آمده‌اند که ادّعای اصلاح امور مردم و جهان را داشته‌اند و برخی هم تا حدّی موفق بوده‌اند. آخرین دولت و حکومتی که در آخر الزّمان بر سر کار خواهد آمد و پس از ناامیدی مردم از حکومت‌ها و حاکمان، جهان را اصلاح می‌کند، دولت حقّه و کریمه امام زمان و اهل بیت علیهم‌السلام است که ما آن را به عنوان دولت صالحان و حکومت عدالت‌گستر و جهانی می‌شناسیم و پس از آن، پایان جهان خواهد بود.

تعبیر «آخرین دولت» در روایات آمده است و دولت نه به معنای کابینه به مفهوم رایج، بلکه به مفهوم چرخش قدرت و حکومت از افراد عادی به صالحان است. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ...»^۱ دولت ما آخرین دولت‌هاست و هیچ دودمانی که حکومتی داشته باشند نخواهند بود مگر آن که پیش از ما به حکومت برسند، تا چون سیره و روش حکومتی ما را ببینند، نگویند: ما هم اگر حکومت می‌یافتیم، مثل اینان رفتار می‌کردیم، و این همان سخن خداوند است که فرمود: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۷). روایاتی هم که می‌گوید: قائم وقتی قیام می‌کند، عهد و پیمان و تعهد هیچ کس برگردن او نیست،^۲ بازتاب همین معناست. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمود:

لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَدَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ^۳

برای هر گروه از مردم دولتی است که چشم به راه آنند، و دولت ما در آخر روزگار آشکار می‌شود.

«دولت کریمه، حکومت صالحان، فتوحات مهدویه.

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۳۲ و ۳۳۹؛ غیبت نعمانی، ص ۲۷۴.

۲. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۹۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۹.

آرماگدون^۱



نامی یونانی یا عبری برای منطقه‌ای در
شام و فلسطین است که در گذشته، شاهد
جنگ‌های بسیار بین یهودیان و دیگران بوده
و طبق پیش‌گویی‌های کتب عهد قدیم،
محل وقوع جنگی بزرگ در آخر الزمان خواهد
بود و به عقیده مسیحیان محل بازگشت

دوباره مسیح است. معتقدند که نبردهایی بین نیروهای خیر و شر پیش خواهد آمد و تلفات
و خرابی‌های بسیار خواهد داشت. براساس این بینش، فیلم سینمایی آرماگدون در سال
۱۹۹۸م در آمریکا ساخته شد و فیلم‌های دیگری هم با همین نام و محتوا ساخته شده و
مؤسسات غربی روی این موضوع، سال‌هاست که کار می‌کنند و به تولید محتوای پردازند و
به القای اندیشه‌های ضدّ مسلمانی مشغول‌اند. برخی کوشیده‌اند آن چه را در روایات اسلامی
با عنوان «المّاحة الکبری» (نبرد بزرگ) آمده و از «قرقسیا» به عنوان محل درگیری بزرگ
و نابودکننده در دوره آخر الزمان و پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است، بر همین
موضوع منطبق سازند. در لغت نامه‌های آمریکایی هم آن را به معنای نبرد نهایی حق و باطل
در آخر الزمان دانسته‌اند.^۲ قرقسیا هم اکنون نام شهری در سوریه و نزدیک رقه است.

۱- قرقسیا، ملاحم، آخر الزمان، نوستراداموس، صهیونیسم مسیحی.

آرمان شهر

از دیرباز، انسان در آرزوی داشتن و رسیدن به جامعه‌ای آرمانی، کامل و برین بوده که
حکومت بر مبنای اخلاق، انسان‌مداری، عدالت و برابری، آزادی و حقوق انسانی و... باشد
و جامعه‌ای کاملاً روحانی، معنوی اخلاقی و انسانی به وجود آید که هدف آن رسیدن به

۱. آرماگدون، آرمجّدون، Armageddon.

۲. رک: مجله موعود، شماره ۲۸ و ۳۲ مصاحبه مبسوطی با شفیعی سروستانی، نیز ویژه‌نامه «شمس ولایت»
۱۳۸۵، مقاله علی اصغر رضوانی، «دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، ج ۱، ص ۱۵۰.

سعادت باشد. از این آرزو و آرمان با عباراتی مختلف یاد شده است، همچون: آرمان شهر، مدینه فاضله، اتوپیا،^۱ شهر نیکان، ناکجا آباد، دنیا یا شهر و جامعه‌ای است که هنوز محقق نشده و در اندیشه و آرمان انسان‌هاست.^۲

این شهر آرمانی در اندیشه افلاطون و ارسطو مطرح بوده و در فلسفه و اندیشه اسلامی از آن به (مدینه فاضله) تعبیر شده است. «لا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۳، به گوشه‌ای از آن اشاره دارد که بعد حقوق اجتماعی را می‌رساند (نه ظلم کن به کسی، نی به زیر ظلم برو). چنین جامعه‌ای که سعادت، رفاه، امنیت، کمال و آزادی را برای همه انسان‌ها، فراتر از محدوده‌های جغرافیایی، نژادی، زبانی، و منطقه‌ای بخواهد فراهم آورد، همان مدینه فاضله و دارالاسلام و بهشت گمشده انسان‌ها و جامعه موعود در آخر الزمان است.

فرهنگ
انتظار

مجموعه آن چه از ویژگی‌های حکومت قائم و عصر پس از ظهور بیان می‌شود، منطبق بر این آرمان شهر و جامعه موعود و آینده ایده آل انسان و جهان است، که در آرزوی آنیم و وعده‌اش در ادیان ابراهیمی بخصوص اسلام و تشیع داده شده است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق بخش این امیدها و آرمان‌هاست. در دعای افتتاح، بر پیشوایی درود می‌فرستیم که (قائم مؤمل و عدل منتظر) است^۴، پیشوای قیام کننده‌ای که مورد امید و آرزوی انسان‌ها و تجسم عدالتی است که همه در انتظار آنند. در دولت کریمه مهدوی، رشد عقلی انسان‌ها به بالاترین حد می‌رسد، یکتاپرستی در همه جا حاکم می‌شود، قسط و عدل جهانی به دست مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در دنیا فراگیر می‌شود، همه راه‌ها امن، همه فقرها نابود، همه حقوق تأمین، همه امکانات و ثروت‌ها عادلانه تقسیم و همه محکمه‌ها و قضاوت‌ها بر اساس حق، همه رفتارها بر محور محبت و دوستی و همه بنیان‌های ستم و طاغوت‌ها مستبد و

۱. utopia

۲. دی شیخ گرد شهر همی گشت با چراغ
گفتند یافت می نشود گشته ایم ما
کلیات شمس تبریزی، ص ۱۷۵ غزل ۴۴۱.

۳. بقره، آیه ۲۷۹.

۴. اللهم صل علی ولی امرک القائم المؤمل والعدل المنتظر (مفاتیح الجنان، دعای افتتاح)

قدرت‌های باطل، نابود می‌گردد و مگر از آرمان شهر چه انتظاری جز این است؟
قرآن کریم از وعده خداوند، براستخلاف و حاکمیت و وراثت صالحان و نیکان بر کره زمین یاد می‌کند که دین مورد رضای الهی همه جا حاکم شود و مردم از امنیت کامل برخوردار باشند و در سایه آن موحدانه خدا را بپرستند «وعد الله الذین آمنوا...»^۱
در روایات هم تجلی و تحقق این نوید و وعده، به دوره امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است، دوره ای سرشار از علم و حکمت، قسط و عدالت، حق و شجاعت، خویشنداری و انسانیت.

فشرده ویژگی‌های (آرمان شهر مهدوی) را که بشارت اسلام است می‌توان این چنین جمع بندی کرد:

۱. آرمان شهر عدالت. مبنای آن ویژگی قسط و عدل جهانی است که در روایات عصر ظهور آمده است و خود آن حضرت، «قائم مؤمل و عدل منتظر» است، تعبیری که در دعای افتتاح به کار رفته است.

۲. آرمان شهر آسایش و رفاه. این هدف، با استخراج همه ذخایر و توزیع عادلانه ثروت و فقرزدایی فراهم می‌آید. در روایات است که مردم به حدی از رفاه می‌رسند که وقتی کسی می‌خواهد زکات بپردازد، فقیری نمی‌یابد که به او بدهد.

۳. آرمان شهر امنیت و آرامش. تأمین امنیت عمومی در شهرها، راه‌ها، مشاغل، ادای حقوق در سایه دولت عدل مهدوی چهره جامعه بشری را زیبا می‌سازد.

۴. آرمان شهر تربیت و پرورش. رشد افکار و تکامل اخلاق و عقول و نهادینه شدن فضایل و ارزش‌ها از ویژگی‌های آن دوره است. ارتقاء سطح معرفت و معنویت و شمول آموزش‌های قرآنی و کمال جویی افراد، این شاخصه را پدید می‌آورد.

۵. آرمان شهر علم و دانش. گسترش علم و سطح بالای معرفت دینی مردم حتی زنان پرده نشین و برپایی کرسی‌های قرآن‌آموزی در مساجد کوفه و مطرح شدن علوم مخزون (بحث دو

۱. نور، آیه ۵۵.

حرف و بیست و هفت حرف دیگر از علوم) جلوه‌ای از این آرمان شهر است.

۶. آرمان شهر مستضعفان و محرومان. وعده الهی به وراثت و امت مستضعفان و حکومت یافتن «عباد صالح» و تمکّن و امنیت یافتن مؤمنان و تبدیل خوف‌ها به امنیت و درهم ریختن بنیان حکومت‌های جور و طاغوت‌های مستکبر، جلوه‌ای از آن آرمان شهر موعود است، که مترفین و مستکبرین، جای خود را به اقشار تحت فشار و مظلوم و محروم می‌دهند.^۱

فردا بهار، فصل بزرگی است، بی‌گمان فردا که می‌رسیم به یک انتهای سبز^۲

آرمان شهر، جامعه موعود و آرزوی همه انسان‌هاست. «شهری که تا گلودر بیکرانگی غرق شده، مردمش به شایعه شیطان گوش نمی‌دهند، گوشت شهوانی خوک نمی‌خورند، در استکان‌های مرارت عرق نمی‌ریزند، به عظمت عاشقان سوگند یاد می‌کنند، عشق را می‌نوشند، عشق را می‌پوشند، خیابان‌هایش پر از مسافران ماوراء است. کوچه‌هایش رودخانه سلام و مسقط شکوفه‌ها و ملتقای عبودیت و ابدیت است. شهری که فواره‌ها را دست خدا بالا می‌کشد و مأذنه‌ها را شانه پرهیزکاران نگاه داشته.»^۳

باد از بیشه سرسبز دعا می‌آید

از گلستان مفاتیح و جنان

منتظر باید ماند

فصل روییدن گل نزدیک است

عطریک جمعه سبز

فصل بوییدن گل نزدیک است.

— سیره مهدوی، انتظار فرج، سیمای جهان در عصر ظهور، کارکردهای انقلاب مهدوی.

۱. رک: گفتمان مهدویت، گفتمان پنجم، مقاله «مهدویت و جهانی شدن».

۲. انسیه موسویان.

۳. واژه‌نامه ابدی، احمد عزیزی، ص ۶۶ (برگرفته با تلخیص).

آزمایش و امتحان

از سنت‌های الهی، آزمون و ابتلاست، تا صادقان از مدعیان بازشناخته شوند. آزمون، هم در مورد اصل ایمان و اسلام است، هم شاخ و برگ‌های آن. دوران غیبت امام عصر نیز یکی از آزمایش‌های الهی است، تا صابران بر این عقیده و صادقان در انتظار موعود شناخته شوند. غربالگری مردم سنت خداوند است. مردم نیز در دوران غیبت طولانی مدت آن حضرت غربال می‌شوند. کسانی با طول زمان، اعتقاد خود را از دست می‌دهند یا در عقیده سست و دچار شک می‌شوند. با دسترسی نداشتن به امام معصوم، بعضی در دینداری و مراعات وظیفه شرعی دچار تزلزل و خطا می‌شوند. تشکیک‌ها و تردیدآفرینی‌های مخالفان نیز میدانی برای امتحان افراد ثابت قدم است. پیامبر خدا ﷺ فرمود: دینداری در آخر الزمان، سخت‌تر از دست کشیدن بر شاخه پرتیغ درخت خار در شب تاریک، یا نگه داشتن آتش در کف دست است.^۱

در عصر غیبت و آخر الزمان، وقتی فساد و گناه و دروغ و بی‌دینی رواج می‌یابد و همه از هراهی در پی پول و مقام و شهرت‌اند، باقی ماندن بر زندگی تقوایی و حرکت بر مدار دین و پای‌بندی به عهدی که با امام زمان عجل الله تعالی فرجه بسته‌ایم، دشوار است و همه از عهده این امتحان بر نمی‌آیند. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يَبْدُ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُحْصُوا وَيُمَيَّزُوا وَيُغْرَبَلُوا، وَسَيَخْرُجُ مِنَ الْغُرْبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ»^۲ مردم حتماً باید امتحان و آزمایش و غربال شوند. گروه بسیاری بیرون از غربال می‌مانند.

فتنه‌های دینی، اختلافات مذهبی، کشمکش‌ها و فرقه‌ها و دسته‌بندی‌ها همه زمینه آزمون برای ثابت قدمان در جبهه حق است. امام صادق علیه السلام در حدیثی هشدار دادند که: چگونه خواهید بود وقتی که بی‌امام و بی‌دانش بمانید، گروهی از گروهی دیگر برائت بجویند؟ آن زمان، زمان آزمون و غربال شدن است. آن قدر امتحان می‌شوید که جز اندکی از

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۲. همان، ص ۱۱۴.

شما برایمان و حق باقی نمی ماند.

امام کاظم علیه السلام هم فرمود: صاحب این امر را غیبتی خواهد بود و مردم آن قدر امتحان می شوند، تا آن جا که برخی از اعتقاد خود برمی گردند. این امتحانی از سوی خدا برای خلق خود است: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مَحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ»^۱.

امام سجاد علیه السلام در حدیثی فرموده است: مردم زمان غیبت قائم که به امامت او معتقد و به ظهورش منتظرند، از اهل هر زمانی برترند، چون خداوند به آنان عقل و فهم و معرفتی داده که «غیبت» نزد آنان همچون «مشاهده» است، آنان همچون مجاهدان مسلح در کنار پیامبرند. آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین و دعوت کنندگان به دین الهی در نهان و آشکارند.^۲ کسانی در عصر غیبت، به تکلیف الهی امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با فساد عمل می کنند، کسانی هم بی تفاوت اند و اصلاح امور را موکول به عصر حضور می کنند. این نیز گوشه ای از امتحان و تصویری از قبول شدگان و مردودین این آزمون را ترسیم می کند.

در روایات آمده است: زمانی خواهد آمد که مردم دچار حیرت و سرگشتگی می شوند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک می کنند، میان آنان اختلاف و تفرقه می افتد، مردم به یکدیگر نگاه می کنند و به اهل شرافت و اقتدا می نمایند و راه خیر، بی رهرو می ماند، اهل باطل بر اهل حق چیره می شوند، شر آشکار و رایج می شود و کسی از آن نهی نمی کند، فاسقان در راه فساد خود چیره و مورد توجه اند، پیروان حق مورد تمسخر قرار می گیرند و... از این گونه امور که در ویژگی های دوران آخر الزمان بیان شده و هر کدام صحنه ای از آزمون ایمان و دینداری و شیعه گی است. در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان فرمودند: یا علی! با یقین ترین مردم در آخر الزمانند، چون پیامبر را ندیده اند و حجت خدا هم از آنان مخفی است و به سیاهی روی سفیدی ایمان

۱. همان، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲. کمال الدین، ص ۳۲۵.

آورده‌اند^۱ (یعنی به قرآن و روایت و آثار مکتوب برجای مانده از اولیای دین).
 سه‌غریبه و بلبله، دینداری در عصر غیبت، زندگی مهدوی، آخرالزمان.

آسیب‌شناسی شعر مهدوی

شعر، چه عاشورایی باشد، چه ولایی، چه فاطمی و چه مهدوی، اگر از نظر فورم و محتوا و قالب و مضمون و جهت‌گیری معنایی، آن باشد که باید، مطلوب و مورد تأیید است و اگر از نظرون و قافیه و قالب و مضمون و الفاظ، ضعف داشته باشد و از نوآوری تهی گردد، این‌ها ضعف و آفات شعرآیینی است.

مهدویت و انتظار، یک باور و نگرش و جهت‌گیری مکتبی نسبت به انسان و جامعه و آینده و اصلاح جهان است و در تعالیم دینی درباره آن بسیار سخن گفته شده و سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اهمیت انتظار، چشم انداز آینده جهان، وظیفه منتظران در عصر غیبت، تعهد و تقوای مهدی باوران، ویژگی‌های حکومت امام زمان، ظلم ستیزی و عدالت گستری و طاغوت زدایی از جهان و... در روایات و معارف مهدوی بیان شده است. شاعرآیینی اگر تنها به تبریک و شادباش نیمه شعبان و سوز و گداز عاشقانه در فراق مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آرزوی دیدن خورشید جمالش پردازد و از ابعاد دیگر غافل باشد، شعرش آسیب و آفت دارد و اگر از جنبه شعوری و عقلانیت، تنها به بعد احساسی و دلی روی آورد، به مکتب انتظار و عقیده مهدویت جفا کرده است. شعر مهدوی و آیینی باید از نظر قوت شعری، صلابت کلمات، استواری متن، صحت و اعتبار مضمون، انطباق با قواعد شعر و جذابیت ادبی و هنری سرآمد باشد و بدرخشد و جاودانه بماند، و الا یک بار مصرف می‌شود و از یادها می‌رود. هزاران شعر درباره امام زمان و غیبت و انتظار و ظهور و... گفته شده است، ولی نمونه‌های اندکی از آن بیشمار سروده‌ها، جاودانه گشته است.

برخی از موضوعاتی که درون مایه ارزشی شعر مهدوی می‌تواند باشد و گاهی مورد غفلت از

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

سوی شاعران قرار می‌گیرد، این‌هاست.^۱

۱. معرفی مهدی موعود به عنوان تنها مصلح جهانی

۲. به تصویر کشیدن ولایت تکوینی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. تبیین رسالت‌های جهانی امام منتظر مثل مبارزه بنیادی با بیدادگران

۴. رویارویی تمام عیار با کفر جهانی و ایادی آن

۵. برقراری نظام عدل و قسط واقعی در گستره جهان خاکی

۶. واگویی ناگفته‌های مقوله «عصمت» با ابزار کارآمد بیانی و هنری

۷. تحقق جهان شمولی دین مقدس اسلام و احیای ارزش‌های دین

۸. برقراری حکومت جهانی اسلام و حاکمیت فرهنگ اسلامی

۹. رسوایی متمدنیان و داعیه داران مهدویت نوعی^۲ و معرفی دجالان

۱۰. استقرار صلح و آرامش واقعی در جهان و بنای مدینه فاضله که انبیای الهی مبشران

بوده‌اند.»

فرهنگ
انتظار

وی، علاوه بر موارد یاد شده، نکاتی را هم به عنوان «بایدهای شعر مهدوی» بیان می‌دارد،

همچون:

۱. بیان حسی و عینی و تأثیر آن در برقراری ارتباط با مخاطبان

۲. زبان ساده و بی‌پیرایه و پرهیز از واژه‌های مهجور و دشوار

۳. تصویرگرایی و عنصر خیال و دوری از ترکیبات کلیشه‌ای و نامأنوس

۴. استفاده از اوزان جدید عروضی که به نوآوری در زمینه شعر مهدوی بیانجامد

۵. بهره‌گیری از قالب‌های متنوع شعری و تنوع آفرینی

۶. استفاده از ردیف‌های پیام‌دار و پرجاذبه و صمیمی

۷. رویکرد جدی به آرایه‌های نوین شعری از قبیل ایماژ و تخیل عینی

۱. این محورهای دهگانه، از دیدگاه استاد محمد علی مجاهدی است در مقاله خود در ویژه‌نامه شمس ولایت، سال ۱۳۸۲ ش با عنوان «آسیب‌شناسی شعر مهدوی در زبان فارسی».

۲. به مدخل «مهدی شخصی، مهدی نوعی» مراجعه شود.

۸. روایت جزء به جزء، نه صرفاً کلی گویی، با بررسی متون مستند اسلامی
۹. رعایت ادب کلامی و پاسداشت حرمت عصمت آن ذوات مقدّس و دوری از ردیف قرار دادن اسامی حضرات معصومین
۱۰. طبقه بندی موضوعی که با روایات جزء به جزء، ارتباط تنگاتنگ دارد
۱۱. آشنایی با فنون نقد شعرآیینی و آموختن «خود نقدی».
- در کنار این «بایدها»، نکاتی هم در شمار «نبایدهای شعر مهدوی» قرار می‌گیرد، همچون: تقلید از زبان شعری دیگران، پرهیز از گذشته‌گرایی و رویکرد افراطی به نمادهای تاریخی، به تصویر کشیدن مقوله‌های ضدّ ارزشی و غیر مستند و خرافی، پرهیز از برخی اوزان جدید عروضی ناخوش‌آهنگ و ردیف‌های عاری از پیام.^۲
- شعر مهدوی، انتظار و ادبیات و هنر، شعراشتیاق.

آسیب‌شناسی مهدویت

- سطحی‌نگری به مسأله مهدویت، ضعف بینش و بصیرت و دوری از حقیقت اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تکلیف در عصر غیبت، به علاوه شهرت طلبی برخی و نفوذ بیگانگان به حوزه باورهای دینی، روی هم رفته آسیب‌هایی را متوجّه این عقیده ناب و تحوّل ساز کرده است. این آسیب‌ها از دیرباز تا عصر حاضر، در زمان‌های مختلف و به شکل‌های گوناگون بروز یافته است. مهم‌ترین و برجسته‌ترین آسیب‌های یاد شده از این قرار است:
۱. انتظار بدون عمل و آمادگی و آماده‌سازی زمینه برای ظهور، که چنین وضعیتی با اصل معنای انتظار ناسازگار است.
 ۲. انتظار مصلح، اما دوری از صلاح و اصلاح و آلودگی به گناه و فساد و پرهیز نکردن از معاصی.
 ۳. عقیده به این که در عصر غیبت، تکلیفی جز انتظار مصلح نداریم، یعنی آماده‌خواهی نه آماده‌سازی.

۲. رک: شمس ولایت (ویژه‌نامه نیمه شعبان مسجد آیه الله انگجی تبریز، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۰۱).

۴. پیدایش مدعیان دروغین مهدویت یا وکالت از طرف امام غایب، یا واسطه بودن، یا ادعای دیدار. مسائلی همچون پیدایش بهائیت و قادیانی‌گری در قرن ۱۳ از این قبیل است.
۵. عقیده به لزوم افزایش فساد و گناه، جهت تسریع در امر فرج، بر این اساس که وقت ظهور آنگاه است که جهان پراز ظلم و فساد شده باشد، پس باید جلوی مفاسد را بازگذاشت تا شرایط ظهور فراهم شود. (به مدخل «اعوجاج فکری» رجوع شود).
۶. تعجیل و شتاب‌زدگی برای تحقق ظهور و غفلت و بی‌توجهی به حکمت و تدبیر و صلاح دید خداوند. امام جواد علیه السلام فرمود: «یَهْلِكُ فِينَا الْمُسْتَعْجِلُونَ»^۱، عجله‌کنندگان در امر ما هلاک می‌شوند. (به مدخل «استعجال» رجوع شود).
۷. توقیت و معین کردن سال و زمان خاص و قطعی برای ظهور و تطبیق دادن بعضی از حوادث و شرایط موجود بر علائم آخر الزمان و اشخاص معین. با توجه به این که امامان ما بارها با تعبیری همچون «کذب الوقتون»^۲ (تعیین‌کنندگان وقت، دروغ می‌گویند)، تعیین زمان معین را رد کرده‌اند و وقت آن را جز خدای متعال نمی‌دانند.
۸. ادعاهای بی‌اساس یا توهم‌گرایانه و عوام‌فریبانه نسبت به ملاقات با امام زمان و جذب افراد به خود و پدید آوردن فرقه یا گرایش و گروه خاص. البته اصل دیدار با آن حضرت منتفی نیست و شماری از صالحان با تقوا توفیق دیدار و تشرّف داشته‌اند، لیکن دکانداری عده‌ای عوام‌فریب و دغل‌باز، موجب فریب عده‌ای می‌شود و جریان‌های انحرافی پدید می‌آید.
۹. مدعیان دروغین نیابت خاصه از امام زمان و ارتباط با آن حضرت.
۱۰. گرایش شدید به دیدار و اصاله دادن به آن و غفلت از عمل به وظایف‌های دینی، زیرا در توصیه‌های بزرگان دین، داشتن تقوا و پرهیزکاری مطرح است، نه تلاش برای رؤیت چهره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۱. ادعای همسری یا فرزندى نسبت به امام عصر. در دوره‌ما نمونه‌های متعدد از بانوان

۱. کمال الدین، صدوق، ج ۲، ص ۳۸۷.

۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۲۵.

گمراه بوده‌اند که با ادعای آن که همسر امام زمان‌اند، جمعی را فریفته و به دور خود جمع کرده‌اند و در نهایت، دستگیری و رسوا شده‌اند.

۱۲. انکار وجود آن حضرت و توهم دانستن این عقیده، به سبب طول کشیدن عمر آن امام و انتظار فرج و حصول یأس و نومیدی از تحقق وعده‌های اولیای دین.
 ← انتظار، متمهدی‌ها، فرهنگ انتظار، اعوجاج فکری، دشمن شناسی، معترین.

آفتاب پشت ابر ← خورشید پشت ابر

آمادگی جهانی ← زمینه سازی برای ظهور

آمار و ارقام

مطالب و نکاتی درباره امام زمان و مهدویت که به صورت عدد و رقم است، گوناگون و فراوان است. به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود:

- سال تولد امام زمان ۲۵۵ هجری، روز ۱۵ شعبان
- سال آغاز امامت آن حضرت ۲۶۰ هجری
- آغاز امامتش پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در ۵ سالگی
- مدت غیبت صغری ۶۹ سال
- سال آغاز غیبت کبری ۳۲۹ هجری
- تعداد سفیران و نواب خاص او در غیبت صغری ۴ نفر
- سن حضرت هنگام ظهور، در شمایل یک فرد ۴۰ ساله
- تعداد یاران خاص او هنگام ظهور ۳۱۳ نفر
- شمار زنان در میان اصحاب خاص او ۵۰ نفر
- نشانه‌های حتمی علائم ظهور ۵ تا است: خروج سفیانی، خروج یمانی، قتل نفس زکیّه، خسف پیداء، صیحه و ندای آسمانی
- مدت حکومت آن حضرت متفاوت گفته شده ۷ سال، ۷۰ سال، ۳۰۹ سال و ...
- سپاه اولیّه او هنگام خروج و قیام ۱۰ هزار نفر است.

- ثواب و پاداش منتظران ظهور با ثبات عقیده و ایمان، برابر با ۱۰۰۰ شهید است.
- مدت سلطه سفیانی بر مناطق تحت نفوذ پس از خروج، ۹ ماه.
- مناطق ۵ گانه نفوذ و سیطره سفیانی: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب.
- آیات تفسیر و تأویل شده بر امام زمان بیش از ۲۶۰ آیه^۱.
- علائم ظهور فراوان است، بعضی تا ۲۵۰ علامت هم ذکر کرده‌اند.^۲ (علائم ظهور)
- توان و قدرت هریک از یاران امام زمان به اندازه ۴۰ نفر از افراد معمولی است.
- ابدال، صفت ۳۰ نفر از یاران خاص آن حضرت در عصر غیبت است.
- القاب به کار رفته درباره آن حضرت در روایات: «مهدی» در ۲۷۳ حدیث، «قائم» در ۳۶۱ حدیث، «صاحب الأمر» و «صاحب الزمان» در ۲۴ حدیث، «المنتظر» در ۸ حدیث، «بقیة الله» در ۸ حدیث، «الحجة» و «حجة الله» در ۳۶ حدیث. (این آمار، کامل و نهایی نیست).
- حضرت عیسی پس از نزول از آسمان در عصر امام زمان، مدت ۴۰ سال در زمین می‌ماند، سپس از دنیا می‌رود.
- کهن‌ترین و معتبرترین کتب شیعه که احادیث مهدویت را گردآوری کرده است سه تا است: «کتاب الغیبة» از شیخ طوسی با ۵۰۵ حدیث، «الغیبه» نعمانی با ۴۷۶ حدیث، «کمال الدین» صدوق با ۵۹۲ حدیث در ۵۸ باب.
- عمر شریف امام زمان علیه السلام هم اکنون (سال ۱۴۰۰ شمسی) ۱۱۴۵ سال است.
- تعداد اصحاب کهف که رجعت کرده و با امام زمان بیعت می‌کنند هفت نفرند، همراه با ۵ نفر از قوم موسی خواهند بود که به حق راهنمایی می‌کردند.
- هنگام نزدیک شدن قیام قائم، ۴۰ روز مداوم (ماه جمادی الآخره و ده روز رجب) باران‌های سرشار و مفید خواهد بارید.

۱. مأتان و خمسون علامة حتى ظهور الامام المهدی، محمد علی طباطبائی حسنی.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه معارف اسلامی، ج ۵.

۳. البته این ارقام تنها در احادیث کتاب «منتخب الأثر» است، از لطف الله صافی، نه همه روایات.

- علم ۲۷ حرف است، تمام آن چه پیامبران آورده اند ۲ حرف است، چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند ۲۵ حرف دیگر را هم بیرون می آورد، تا همه ۲۷ حرف نشر یابد (کنایه از گسترش کمی و کیفی دانش).
- مسجد مقدس جمکران در سال ۳۹۳ قمری به دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست حسن بن مثله جمکرانی ساخته شد.
- مجموعه نامه ها و توقیعات شریفه امام زمان خطاب به نمایندگان و دیگران که در کتب مختلف آمده است حدود ۸۰ نامه است.
- بر اساس کتاب «امام مهدی در آینه قلم» تا کنون ۷۵۵۰ اثر درباره امام زمان و مهدویت تألیف شده است.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جانشینان من ۱۲ نفرند، دوازدهمی قائم است و او فرزند نهم از نسل حسین علیه السلام است.
- طبق احادیث متعدد، هنگام ظهور قائم ۱۳۰۰۰ فرشته (و به نقلی ۱۳۳۱۳) به یاری او می آیند، همان فرشتگانی که با نوح در کشتی بودند، و با ابراهیم هنگام افکندن او در آتش، و با موسی هنگام شکافتن دریا، و با عیسی هنگام عروج به آسمان و با حسین علیه السلام هنگام شهادتش در کربلا، که تا قیامت براو می گریند.^۱
- جامع ترین حدیثی که از امام صادق علیه السلام روایت شده است، ۱۰۸ علائم ظهور را یک جا آورده است،^۲ البته مجموعه علائم ظهور تا ۲۵۰ مورد هم می رسد.
- بعد از ظهور، به درخواست مردم و فرمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مسجدی بیرون کوفه ساخته می شود با ۱۰۰۰ در که گنجایش همه را داشته باشد.
- در حدیث پیامبر آمده است که امت اسلام را از ۷ فتنه که پس او واقع می شود بیم داده است: فتنه ای از سوی مدینه، فتنه ای در مکه، فتنه ای از سوی یمن، فتنه ای از طرف

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۲۵۶ تا ۲۶۰.

شام، فتنه‌ای از سمت مشرق، فتنه‌ای از سمت مغرب و فتنه‌ای از قلب شام که همان فتنه سفیانی است.^۱

• در کتاب «الإيقاظ من الهجعة» شیخ حرّ عاملی ۶۰۰ حدیث درباره «رجعت» نقل شده است.

• احادیث مهدوی را از زوایای مختلف می‌توان فهرست بندی کرد. یکی هم این آمار است: احادیث پیامبر اکرم درباره آن حضرت، تنها در موضوع پیشگویی از غیبت امام زمان ۲۹ حدیث، از امیر المؤمنین علیه السلام ۱۶ حدیث، از امام حسن مجتبی علیه السلام ۱ حدیث، از امام حسین علیه السلام ۵ حدیث، از امام سجاد علیه السلام ۸ حدیث، از امام باقر علیه السلام ۱۹ حدیث، از امام صادق علیه السلام ۶۲ حدیث، از امام موسی بن جعفر علیه السلام ۱۰ حدیث، از امام رضا علیه السلام ۱۱ حدیث، از امام جواد علیه السلام ۵ حدیث، از امام هادی علیه السلام ۶ حدیث و از امام عسکری علیه السلام ۱۸ حدیث نقل شده است.^۲

فرهنگ
انتظار

• آمار زیر از کتاب «منتخب الأثر» آیه الله صافی گلپایگانی است و مربوط به احادیثی است که تنها در این کتاب سه جلدی آمده است و به نوعی محورهای احادیث مهدوی را بیان می‌کند:

- احادیث در مورد این که جانشینان پیامبر دوازده نفرند ۱۴۸ حدیث
- احادیثی که دوازده نفر را تصریح می‌کند ۱۶۱ حدیث
- احادیث بشارت دهنده به ظهور آن حضرت در آخر الزمان ۱۰۹۲ حدیث
- این که او از عترت پیامبر و ذریه اوست ۴۰۷ حدیث
- این که نام و کنیه و شمایلش شبیه پیامبر است ۵۴ حدیث
- درباره ویژگی‌ها و شمایل آن حضرت ۲۰۲ حدیث
- این که از اولاد امام حسن و امام حسین علیه السلام است ۱۲۵ حدیث
- از فرزندان امام حسین علیه السلام است ۲۰۸ حدیث

۱. المهدی، صدرالدین صدر، ص ۲۰۱.

۲. من هو المهدی، ابوطالب تجلیل، فصل ۹.

آمار و ارقام

آ	○ جزو امامان ۹ گانه از نسل حسین علیه السلام است ۱۶۵ حدیث
ا	○ این که فرزند نهم از نسل امام حسین است ۱۶۰ حدیث
ب	○ از فرزندان امام سجاد علیه السلام است ۱۹۷ حدیث
پ	○ هفتمین فرزند از نسل امام باقر علیه السلام است ۱۲۱ حدیث
ت	○ از نسل امام صادق و ششمین فرزند اوست ۲۳۶ حدیث
ث	○ از نسل موسی بن جعفر و پنجمین فرزند اوست ۲۳۶ حدیث
ج	○ فرزند چهارم از نسل امام رضا علیه السلام است ۱۱۱ حدیث
چ	○ از فرزندان امام محمد تقی علیه السلام است ۱۰۹ حدیث
ح	○ از فرزندان امام هادی علیه السلام است ۱۰۷ حدیث
خ	○ فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است ۱۰۷ حدیث
د	○ اسم پدرش حسن است ۱۰۸ حدیث
ذ	○ این که فرزند بهترین کنیزان است ۱۱ حدیث
ر	○ دوازدهمین امام از ائمه اثنی عشر است ۱۵۱ حدیث
ز	○ زمین را پیر از عدل و داد می کند ۱۴۸ حدیث
ژ	○ دو غیبت دارد، یکی طولانی تر از دیگری ۱۰ حدیث
س	○ غیبت او طولانی است تا خدا اذن خروج دهد ۱۰۰ حدیث
ش	○ علت غیبت امام زمان ۹ حدیث
ص	○ فواید وجود او و بهره مندی مردم از او در عصر غیبت ۷ حدیث
ض	○ عمری بسیار طولانی دارد ۳۶۳ حدیث
ط	○ سیمای جوان دارد و با گذشت ایام پیر نمی شود ۱۰ حدیث
ظ	○ ولادتش پنهانی است ۱۳ حدیث
ع	○ بیعت هیچ کس بر گردن او نیست ۱۲ حدیث
غ	○ دشمنان خدا را می کشد و جهان را از ستم پاک می سازد ۱۸ حدیث
ف	○ امر خدا و دین الهی را آشکار می کند و بدعت ها را می زداید ۵۱ حدیث
ق	○ مردم را به هدایت و قرآن و سنت برمی گرداند احادیث بسیار
ک	
گ	
ل	
م	
ن	
و	
هـ	
ی	

آمار و ارقام

- از دشمنان خدا و رسول و امامان انتقام می‌گیرد ۱۳ حدیث
- سنت‌هایی از انبیای گذشته در اوست ۲۳ حدیث
- اوقائیم به سیف و جهاد با شمشیر است ۱۰ حدیث
- سیره او وزهد و عدالتش و علم و جودش ۱۰۳ حدیث
- معجزات الهی به دستش آشکار می‌شود ۱۵ حدیث
- ظهورش پس از امتحانات شدید الهی است ۴۲ حدیث
- عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می‌خواند ۳۶ حدیث
- درباره پرچم و نقش پرچم او ۹ حدیث
- حرکت پرچم‌های سیاه ۵ حدیث
- ولادت و تاریخ و اسامی و معجزات او ۴۲۶ حدیث
- آنان که او را در زمان پدرش دیده‌اند ۲۰ حدیث
- آنان که در غیبت صغری او را دیده‌اند ۲۷ حدیث
- برخی از معجزاتش در دوره غیبت صغری ۲۶ حدیث
- حالات نواب اربعه و سفیرانش در غیبت صغری ۲۷ حدیث
- معجزاتش در غیبت کبری و دیدار کنندگانش در این دوره ۲۸ حدیث
- فتنه‌ها و بدعت‌ها و فسق و فجور در عصر غیبت ۹۰ حدیث
- برخی از علائم ظهور ۳۰ حدیث
- بعضی از ویژگی‌های هنگام ظهور در عالم ۵۲ حدیث
- خروج سفیانی، خسف، کشته شدن نفس زکیه، یمانی و... ۶۳ حدیث
- خروج دجال ۲۶ حدیث
- نهی از تعیین وقت ظهور ۱۲ حدیث
- سال و ماه و روز خروجش و مکان خروج ۲۸ حدیث
- حوادث بعد از ظهور و فتوحات او و بیعت مردم ۴۵ حدیث
- ظهور برکات زمین و آسمان و نعمت‌های دیگر ۱۴ حدیث
- حضور یافتن اصحابش و شمار آنان ۳۰ حدیث

- پرشدن جهان از عدالت او و کارهای اصلاحی حضرت ۱۵۴ حدیث
- فضایل یاران آن حضرت و اوصافشان ۲۷ حدیث
- مدت حکومت، کیفیت زندگی و نحوه دعوتش ۴۴ حدیث
- فضیلت انتظار فرج و تکالیف شیعه و نحوه دعوتش ۴۴ حدیث
- انتظار فرج و تکالیف شیعه نسبت به او ۸۵ حدیث
- ثابت قدمان و مطیعان او در عصر غیبت ۳۱ حدیث
- کیفیت صلوات بر او، و برخی دعاهاى آن حضرت ۲۲ حدیث

آینده جهان ← آخر الزمان

آیین انتظار

انتظار که از آیین‌های مهم مذهبی و دارای فضیلت بسیار است، تنها به چشم دوختن به آینده و انتظار کشیدن نیست، بلکه تکالیف و تعهداتی بردوش منتظران می‌گذارد و باید همراه با ویژگی‌هایی باشد که آن را از «افضل اعمال» سازد. برخی از آداب و آیین‌ها از این قرار است:

۱. معرفت و شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس روایات بسیاری که این مفهوم را می‌رساند که هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱.

۲. انتظار فرج داشتن و چشم به راه حاکمیتی الهی از سوی امام عادل بودن و تأثیرگذاری این حالت انتظار بر عمل و زندگی منتظر. پیامبر خدا فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۲.

۳. ثبات بر این عقیده و متزلزل نشدن، علی‌رغم کثرت دشمنان و تشکیک معاندان و غربت منتظران و شداید دوران و شماتت‌ها از سوی مخالفان. در روایات است که بسیاری با طول کشیدن زمان غیبت، دچار تزلزل و تردید می‌شوند. امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ ثَبَّتَ

۱. کمال الدین، ص ۴۰۹، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۵۲۸.

۲. کمال الدین، صدوق، ص ۲۸۷.

مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَلَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولَ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعَى فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ هرکس از شیعیان ما بردین خود ثابت بماند و با طول کشیدن زمان غیبت امامش، دچار قساوت دل نشود، در روز قیامت با من و در درجه من خواهد بود.

۴. زندگی با تقوا و اخلاق و دینداری. در حدیث است: «مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ»^۲ هرکس دوست دارد از اصحاب قائم باشد، منتظر باشد و عمل با ورع و پارسایی کند و اخلاق نیکو داشته باشد.

۵. آمادگی برای آن زمان و آماده سازی برای ظهور و تهیه مقدمات. امام صادق (ع) فرمود: هر یک از شما برای خروج و ظهور قائم و سائل را فراهم سازد، هر چند به اندازه یک تیر، خداوند اگر این را در نیت او ببیند، امیدوارم که عمرش را طولانی سازد تا زمان آن حضرت را درک کند و از یاوران او باشد: «لَيُعِدَنَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا...»^۳.

۶. دعا برای سلامتی آن حضرت. امام رضا (ع) به یونس بن عبدالرحمان آموخت که در عصر غیبت، چنین دعا کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ»^۴ همچنین دعای معروف دیگر: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ...»^۵ (دعای فرج) ۷. به پا خاستن هنگام شنیدن نام او به خصوص نام «قائم» که این نوعی آمادگی برای حرکت در مسیر نهضت اوست و این احترام ظاهری و بدنی، احترام قلبی و خشوع به نام و یاد اوست. حضرت رضا (ع) هم هنگام شنیدن اشعار دعبل، وقتی به نام آن حضرت رسید، برخاست و دست روی سر گذاشت.^۶ (دعای فرج)

۸. صدقه دادن به یاد امام زمان و انجام عبادات و زیارات به نیابت از آن حضرت.

۹. هماهنگی اعمال و مواضع ما با جانشینان امام عصر در دوره غیبت که فقهای دین اند

۱. همان، ص ۳۰۳.

۲. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۲۰۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۴. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۳۲.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۱۰۲.

۶. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۸۶۵.

و تبعیت از فتوای مراجع و ولایت پذیری در عصر حاکمیت ولی فقیه. در توقیع شریف آن حضرت به محمد بن عثمان، راویان احادیث و ائمه به عنوان حجت او بر مردم معرفی شده‌اند و دستور است که در حوادث واقعه به آنان رجوع شود: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ...»^۱. امام صادق علیه السلام هم در حدیث عمر بن حنظله، مردم را به فقه‌های دین ارجاع داده و نپذیرفتن از آنان را در حدّ سبک شمردن حکم خدا و ردّ کردن امامان دانسته است.^۲

۱۰. پیوند روحی با حضرت و داشتن حالت تضرّع و دعا و التجاء و توسّل، براساس ادعیه‌ای که تعلیم داده‌اند تا در عصر غیبت خوانده شود، از قبیل دعا برای سلامتی او و دعای ندبه و دعای افتتاح در شب‌های ماه رمضان.

۱۱. تجدید عهد و پیمان با آن حضرت و خواندن هر روزه دعای عهد «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ و...»^۳ که مضمون آن تجدید پیمان با او و اظهار آمادگی برای هرگونه فداکاری و جانبازی در رکابش و دعا برای زنده شدن در ایام ظهورش و ایام رجعت، برای جهاد و انتقام و اطاعت است.

۱۲. عمل به وظایف دینی، امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با منکرات در حدّ توان و اصلاح جامعه برای آمدن مصلح کّل و تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی در حدّ توان و امکانات.

این گونه است که انتظار به مفهوم واقعی در اندیشه و عمل منتظران نقش می‌بندد و سازنده می‌گردد و می‌توان به آن «انتظار مثبت» گفت.^۴

← زندگی مهدوی، انتظار و اعتراض، آثار تربیتی انتظار، اعوجاج فکری، کارکردهای انقلاب مهدوی، دعای عهد، زمینه سازی برای ظهور.

۱. کمال الدین، صدوق، ص ۴۸۲.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۶۷.

۳. متن آن در کتب دعا، از جمله مفاتیح الجنان آمده است.

۴. در زمینه هویت انتظار و تکالیف مترتب بر آن، از جمله رک: خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، فصل سیزدهم، آداب عصر الغیبه، حسین الکورانی، دانشنامه امام مهدی علیه السلام، محمدی ری شهری، ج ۵، انتظار پویا، مهدی آصفی، ترجمه تقی مثقی.

ابا صالح عليه السلام

بسیار اتفاق می افتد کسانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه را با عنوان یا «ابا صالح المهدی» یاد می کنند. این کنیه، از کنیه ها و القاب امام زمان نیست. ولی طبق روایتی از امام صادق عليه السلام که فرموده است: «هرگاه در بیابان گم شدید، صدا بزنید: ای صالح، یا: ای ابا صالح، خدا رحمتان کند، مرا به راه هدایت کنید، بعضی با این نام امام زمان را صدا می زنند. نیز روایت است که صالح، مأمور نجات در خشکی است و حمزه، مأمور نجات در دریا.^۱ از این حدیث برخی برداشت کرده اند که باندای یا ابا صالح، می توان از امام عصر مدد خواست. در احادیث، صالح نام یکی از اجته به شمار آمده که مأمور نجات ره گم کردگان در بیابان است.^۲ نجات بخش بیابان را حضرت خضر هم گفته اند^۳ لقب عبد صالح در مورد خضر هم آمده است.^۴

با این حساب، در منابع دینی چنین کنیه ای برای آن حضرت نیامده است، تنها از او به عنوان خلف صالح، فرزند امام عسکری، صاحب الزمان و مهدی^۵ در حدیثی یاد شده است. شهرت آن بین دوستان آن حضرت، از روی علاقه است و با این نام، ارتباط قلبی با او می یابند.

۴- نام ها و اوصاف و القاب، مهدی عليه السلام، امام زمان عليه السلام، خلف صالح.

ابدال و اوتاد

ابدال، جمع بدل، به معنای اولیا و عبادت پیشگان است. از این رو به آنان ابدال گفته می شود که هرگاه یکی از آنان از دنیا برود، به دیگری تبدیل می شود.^۶ از امام رضا عليه السلام می پرسند: ابدال چه کسانی اند؟ می فرماید: اوصیاء هستند. خداوند آنان را در عصر نبودن

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۸، المحاسن، برقی، ص ۳۶۲، حدیث ۸۸.

۲. همان.

۳. المحاسن، ص ۳۸۰.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۸ (پاورقی).

۵. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

۶. همان، ص ۴۳.

۷. رک: النهایه و غریب الحدیث.

پیامبران، بدل انبیاء قرار داده است.^۱ از امام باقر علیه السلام نیز روایت است که سیصد و اندی بین رکن و مقام با «قائم» بیعت می‌کنند که در میان آنان نجبایی از مصر و ابدالی از اهل شام و اخیاری از اهل عراق اند.^۲ در دعایی منقول از امام صادق علیه السلام نیز صلوات و درود بر ابدال و اوتاد و... فرستاده می‌شود،^۳ که بعضی آن را ائمه دانسته‌اند و برخی اصحاب خاص ائمه شمرده‌اند. معمولاً ابدال و اوتاد را با هم ذکر می‌کنند و مقصود، انسان‌های کامل و صالحی‌اند که استوانه‌ها و پایه‌های زمین و جهانند. در احادیث نبوی، ابدال به عنوان صفتی دربارهٔ ۳۰ نفر از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار رفته که در عصر غیبت، با آن حضرت ارتباط دارند و همکاری می‌کنند.^۴

این کلمه در اصطلاحات صوفیه هم آمده و آنان معتقدند که خداوند، زمین را هفت اقلیم گردانید و برای هر یک از اقالیم، یک تن از بندگان خاص خود را برگزید، هر اقلیمی را هر یک از آن ابدال هفتگانه محافظت می‌کند.^۵ از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که: ابدال در شام خواهند بود که چهل مردند، هرگاه یکی از آنان بمیرد، خداوند مرد دیگری را جایگزین او می‌سازد، به سبب آنان است که باران می‌بارد و پیروزی بردشمنان حاصل می‌شود و عذاب از شامیان برگردانده می‌شود.^۶ البته محققان دربارهٔ این حدیث، بحث و مناقشه دارند. نیز دربارهٔ اوصاف ابدال چنین روایت شده است: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مِنَ الْإِبْدَالِ: الرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَالصَّبْرُ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ، وَالْغَضَبُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^۷، سه صفت است در هر که باشد، او از «ابدال» است، از آنان که قوام دنیا و مردم دنیا به آنان بسته است: رضا به قضای

۱. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۴۸.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۴، کتاب الغیبه، طوسی، ص ۴۷۷.

۳. همان، ج ۲۷، ص ۴۸.

۴. المعجم الموضوعی لأحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۹۳.

۵. فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، سید جعفر سجادی، ص ۹.

۶. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۸۳.

۷. همان، ص ۴۷۸.

الهی، صبر از حرام‌های خدا و خشم و غضب برای خدا.

• یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه

ابودجانه انصاری

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، از پشت کوفه (وادی السلام) ۲۷ نفر را بیرون می‌آورد؛ ۱۵ نفر از قوم موسی، هفت نفر از اصحاب کهف، نیزیوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر^۱ با این حساب، او از یاران امام زمان خواهد بود که طبق برنامه رجعت، زنده می‌شود و در رکاب آن حضرت، فداکاری می‌کند. نام ابودجانه «سماک بن خرشه» است، از خاص‌ترین و شجاع‌ترین یاران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که در نبردهای مختلف شرکت داشت و در جنگ احد رشادت‌ها نشان داد^۲ و در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام هم از یاران باوفای آن حضرت بود. وی در جنگ با مرتدّان پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله هم از قهرمانان شجاع به شمار می‌آمد و در جنگ با مسیلمه کذاب دریمامه به شهادت رسید.^۳

• یاران امام زمان، رجعت.

اثنی عشریه

اثنی عشر یعنی دوازده. شیعه اثنی عشری یعنی دوازده امامی که به امامت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز معتقد است، در مقابل فرقه‌های دیگر شیعه مثل زیدیه، فطحیه، کیسانیه و سبعیّه (هفت امامی) ... که دوازده امام را قبول ندارند. این تعبیر، از روایات متعدّدی گرفته شده که امامان را دوازده نفر نام برده است یا شمار آنان را دوازده دانسته است. روایات آن در اصول کافی آمده است.^۴ امام باقر علیه السلام فرمود: «نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً مِنْهُمْ حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ ثُمَّ الْأَئِمَّةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ»^۵، ما دوازده امامیم، حسن و حسین هم از

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۷۰.

۳. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۳۱۹.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵.

۵. همان، ص ۵۳۳.

آنان است، سپس امامان دیگر از فرزندان حسین علیه السلام. حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم مشهور است که فرمود: «الْأَيُّمَةُ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ فَهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي...»^۱ امامان پس از من دوازده نفرند، اولین ایشان علی بن ابی طالب و آخرینشان قائم است، آنان جانشینان، اوصیا و اولیای من و حجت های خداوند بر امت من پس از من اند.

اگر لقب «امام ثانی عشر» به آن حضرت گفته می شود، یا به برکت وجود و امامت امام دوازدهم، فرقه ناجیه از مسلمانان «شیعه اثنی عشری» است، به استناد همین روایات است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي إِثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ وَآخِرُهُمُ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ»^۲ جانشینان و اوصیای من که حجت های خدا بر بندگان پس از من هستند دوازده نفرند، اولین آنان علی، و آخرینشان فرزندم مهدی است. به شیعیان اثنی عشریه، اصحاب الانتظار هم گفته شده است.

به یازده خُم منی گرچه دست ما نرسید بریز باده، که یک خُم هنوز سر بسته است^۳

احادیث مهدوی

مقصود، سخنان و احادیثی است که به صورت مکتوب یا شفاهی از امام زمان علیه السلام نقل شده یا طبق روایات، هنگام ظهور بیان خواهد کرد. این بخش، شامل «توقیعات و دعاها» هم می شود. جز احادیثی که به صورت پراکنده در کتب حدیثی نقل شده، آثار مستقلی هم در این مورد نگارش یافته است. به برخی از این منابع و مجموعه ها اشاره می شود:

۱. موسوعة کلمات الامام المهدي، مؤسسه امام هادی، ۴۲۴ صفحه، قم، ۱۳۹۱ ش.^۴

۱. کمال الدین، صدوق، ص ۲۹۵.

۲. المهدي، صدر الدین صدر، ص ۱۱۵ به نقل از ینابیع الموده، ص ۴۴۷.

۳. قادر طهماسبی (فرید).

۴. در این کتاب، سخنان آن حضرت را هنگام ولادت، دوران کودکی، دوران غیبت صغری و سفرای اربعه و در عصر غیبت کبری و آن چه پس از ظهور در موارد مختلف خواهد گفت و دعاها و زیارت های منقول از آن حضرت آمده است.

۲. الصحیفة المهدویة^۱، گردآوری سید محمد باقر موحد ابطحی، مؤسسه امام مهدی، قم، ۱۳۷۸ ش.
 ۳. صحیفه الامام المهدی، جواد قیومی اصفهانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۷ ش.
 ۴. فرمایشات بقیه الله، محمد خادمی شیرازی، مؤسسه الغدیر، ۱۳۶۸ ش.
 ۵. مکاتیب الأئمه (ج ۲)، محمد بن فیض کاشانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ق.
 ۶. موسوعة سيرة اهل البيت (ج ۳۵)، باقر شریف القرشی، نشر معروف، قم.
 ۷. صحیفه مهدیه، سید مرتضی مجتهدی، دارالثقلین، ۱۳۷۹ ش.
 ۸. بحار الأنوار، (ج ۵۳)، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت.
 ۹. حکمت های مهدوی، جواد محدثی، مشهد، به نشر، ۱۳۹۱ ش.
 ۱۰. صحیفة المهدی، شیخ عیسی الأهری، الرساله، قم، نشر رسالت، ۱۳۸۵ ش.
 ۱۱. کلمات قصار مهدی، کتاب جمکران، قم.
 ۱۲. کلمة الامام المهدی، سید حسن شیرازی، رشید، قم، ۱۳۸۴ ش.
 ۱۳. موسوعة احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم.
- البته «احادیث مهدوی» به مجموعه هایی که حدیث های مربوط به امام زمان و غیبت و ظهور و ویژگی های او دارد نیز گفته می شود که که در کتب دیگر آمده است، مانند «معجم احادیث الامام المهدی» در ۵ جلد، «منتخب الأثر» در ۳ جلد، «کمال الدین» صدوق و مجلدات ۵۱-۵۲-۵۳ بحار الأنوار و...^۲
- توقیعات، کتاب شناسی مهدویت، چهل حدیث مهدوی.

احمد بن اسحاق قمی

از اصحاب امام هادی و امام عسکری علیه السلام و راوی احادیث آنان و مورد وثوق اهل بیت و بزرگ قمی ها، از راویان بزرگ شیعه که توفیق داشت در زمان امام حسن عسکری علیه السلام،

۱. این بخش در جلدی که با عنوان «الصحیفة الرضویة» است آمده و شامل ۸۸ دعا از آن حضرت است.

۲. به مدخل «کتاب شناسی مهدویت» رجوع شود.



سرپل ذهاب. مزار احمد بن اسحاق قمی

حضرت مهدی را در سه سالگی اش دیدار کند و سخنش را بشنود و بر بصیرت و ایمان او افزوده گردد و حجت خدا را بعد از امام یازدهم بشناسد. وی از اشعریان قمی بود و توسط حسین بن روح، از خبر دادن امام زمان از زمان مرگش با اطلاع شد.

← تشریف یافتگان.

احمدیه ← قادیانی گری

احیاگری

از سیره و سنت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک «احیاگری» است. بر اساس روایات، احیای دین، احیای قرآن و کتاب خدا، احیای احکام الهی، احیای سنت نبوی، احیای زمین، احیای حق و عدالت از کارهای اوست. در کنار این احیاگری، بدعت‌ها و ضلالت‌ها را هم از بین می‌برد. اگر احیاگر سنت است، میراننده بدعت هم هست. به تعبیری که دردعای ندبه آمده است: «أَيُّنَ الْمُتَذَكِّرُ لِمَتَجَدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟» کجاست تجدید کننده فرائض و سنت‌ها. و به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام: «يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ»، آن چه از کتاب و سنت مرده است را احیا می‌کند. امام حسین علیه السلام نیز فرمود: خداوند زمین را به وسیله او پس از مرگ زمین، زنده می‌کند و دین را غالب و آشکار می‌نماید و حق را احقاق و اثبات می‌کند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند^۱. مرگ زمین، کفر مردم و گمراهی اهل زمین است. احیای آن هم به نشر آیین توحید و حیات بخشیدن به دین و دینداران و مؤمنان است.

دردعای ندبه می‌خوانیم: «أَيُّنَ الْمُؤَمِّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيُّنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ؟»، کجاست آن که آرزوست که کتاب خدا و حدود الهی را زنده کند؟ کجاست آن که احیاگر نشانه‌های دین و دینداران است؟ این گونه تعبیر در زیارت‌ها و دعاها بسیار است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲. روزگارهایی، ج ۱، ص ۸۶ به نقل از اعلام الوری، ص ۳۸۴.

دم مسیحایی او، هم حق و عدل و راه خدا را حیات می بخشد، هم دل های اهل ایمان را زنده می کند. در دعای عهد می خوانیم: «وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ»، خدایا با وجود او، شهرهایت را آباد و بندگان را زنده کن.

ای مهر سپهر حق و توحید	احیاگر سنت رسولان
تو مهدی و هادی و هدایی	ای جان جهان، امید انسان ^۱

← سیره مهدوی، سیره مهدوی و سیره نبوی، کارکردهای انقلاب.

ادعای ارتباط و رؤیت

طبق روایات، دیدار حضرت در عصر غیبت از هر که اظهار و ادعا کند، پذیرفته نیست، چون بسیاری از مدعیان برای فریب مردم و کسب وجهه یا منافع مادی چنین اظهار می کنند. این مسأله از دیرباز وجود داشته و اکنون هم هست. تأکید امامان بر این که ادعای رؤیت را نپذیرند، برای جلوگیری از عوام فریبی جمعی بی تقوایان شهرت طلب بوده است. البته در طول تاریخ، کسانی هم توفیق دیدار و تشرّف داشته اند که شرح آن ها در کتب خاصّی آمده است. هم باید ایمان و اعتقاد را حفظ کرد، هم ساده لوح نبود و هر ادعایی را از هر کسی نپذیرفت، چون کسانی با همین شیوه، برای خود مرید جمع می کنند، یا فرقه های خاص پدید می آورند. همچنین کسانی که به دروغ مدعی ارتباط و نیابت و وکالت و مأموریت خاص از جانب آن حضرت بوده اند. نمونه هایی از این قبیل، حتی در دوره غیبت صغری و عصر ثواب اربعه هم وجود داشته است.

← مدعیان مهدویت، ارتباط با امام زمان، تشرّف یافتگان، آسیب شناسی مهدویت.

ادیان و مهدویت ← مهدویت در ادیان و آیین های دیگر

۱. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۲۰.

ارتباط با امام زمان علیه السلام

از بحث‌های مهم و حساس مهدویت، ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبری و دیدار اوست. براساس این اعتقاد که امام زمان هم اکنون هست، ولی دوران غیبت را می‌گذرانند و از چشم‌ها پنهان است، گاهی کسانی توفیق دیدار او را پیدا می‌کنند که البته لیاقت می‌خواهد و زمینه ساز آن تقوا و ترک گناه است.

درباره رؤیت آن حضرت و ارتباط با او، گاهی دروغ‌ها و ادعاهای بی‌اساس و فریبنده و داستان‌های ساختگی رواج می‌یابد که همه، سوء استفاده از این باور مقدس به وجود آن امام است و بیشتر هم افراد ساده و کم اطلاع، پذیرای اینگونه ادعاهایند.

در عصر غیبت صغری (از زمان تولد او تا سال ۳۲۹ هجری)، در دوران حیات امام عسکری و پس از آن، کسانی سیمای آن حضرت را دیده‌اند، یا با آن حضرت دیدار و مکاتبه داشته‌اند، مثل نواب خاص.

اما ارتباط در عصر غیبت کبری، به صورت‌های مختلف اتفاق افتاده است، از قبیل: دیدن بدون شناخت، ملاقات با شناخت، دیدار و گفتگو و تشرّف به حضور او، شهود معنوی، یا دیدن در رؤیای صادقه، یا مکاشفه. هر چند گروهی از علما، امکان ارتباط و دیدار با او را قبول ندارند، اما بیشتر علما آن را ممکن و تحقیق یافته می‌دانند. آن چه راهم که آن حضرت در توقیع خود خطاب به نایب چهارم، علی بن محمد سیمری نوشت که: «غیبت تا مه واقع شد و کسانی که از این پس ادعای مشاهده کنند قبل از خروج سفیانی و صیحه، دروغ می‌گویند»،^۱ حمل بر آن کرده‌اند که برای بستن راه به روی مدّعیان دروغگو و عوام فریب است، تا هر کس به راحتی ادعای رؤیت نکند و مردم را دور خود جمع نسازد.

معتقدان به امکان ارتباط و وقوع دیدار و تشرّف، دلایلی از روایات و داستان‌های واقعی و قطعی و موثّق از دیدار کنندگان را می‌آورند و این توفیق را ویژه مؤمنان صالح و با تقوا و درستکار می‌دانند. علمای پیشین در کتاب‌های خویش نمونه‌هایی از این دیدارهای مستند و قطعی

۱. کمال الدین، صدوق، ص ۵۱۶.

را نقل کرده‌اند، مثل سید بن طاووس در «فرج المهموم»، محدّث نوری در «جَنَّة المأوی»، علامه مجلسی در «بحار الأنوار»، شیخ عباس قمی در «منتهی الآمال» و «مفاتیح الجنان» و صدوق در «کمال الدین»، باب ۴۳، و منابع دیگر.

البته اغلب دیدار کنندگان، خودشان ادعایی نداشته‌اند، یا قضیه را کتمان کرده‌اند و به دیگران گفته‌اند که تا زنده‌اند به کسی نگویند و این راز را فاش نکنند.

هر که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

شرط این دیدار و تشرّف هم، پاکی روح و تقوای عملی و درستکاری در زندگی و در یک کلمه «تقوا» است، آن هم اگر صلاح‌دید آن حضرت باشد. انتظار رؤیت جمال او، با داشتن زندگی آلوده به حرام و گناه، بیهوده است.

یکی از خواصّ، به علی بن مهزیار که در پی دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، گفت: «مَا هُوَ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ وَلَكِنْ حَاجَبُهُ سُوءُ أَعْمَالِكُمْ»^۱ «او از شما پوشیده و پنهان نیست، لیکن کارهای بد شما او را از تو پوشیده داشته است.

به سَرّ جام جم آن گه نظر توانی کرد	که خاک میکده، کُحل بصر توانی کرد
تو کز سر طبیعت نمی‌روی بیرون	کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد؟
جمال یار ندارد نقاب و پرده، ولی	غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد ^۲
	— ادعای ارتباط و رؤیت، تشرّف یافتگان.

ارکان اعتقادی مهدویت

موضوع مهدویت از مباحث متقن اعتقادی شیعی و اسلامی است که با دلایل عقلی و نقلی اثبات شده است. این اعتقاد، مبتنی بر یک سلسله از اصول دینی در حوزه تفکر شیعی است. عمده‌ترین اصول و ارکان اعتقادی آن از این قرار است:

۱. امامت به منزله استمرار نبوت (حجّت الهی)

۱. دلائل الامامه، طبری، ۲۹۶، المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة، ص ۱۱۸.

۲. حافظ.

۲. ویژگی های خاص امامان، بویژه علم و عصمت آنان
 ۳. نصب الهی به عنوان تنها عامل اثبات کننده امامت ائمه
 ۵. تعیین شمار مشخص دوازده امام، بدون کاستی و افزونی از سوی پیامبر ﷺ
 ۵. معرفی و ابلاغ هر امام به مردم بانص خاص معصومان پیشین
 ۶. اثبات منجی موعود با ادله نقلی
 ۷. اعتقاد به منجی شخصی (در مقابل اعتقاد به منجی نوعی)
 ۸. تعیین امام محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان مهدی موعود
 ۹. تولد امام مهدی در دوره امامت امام حسن عسکری علیه السلام
 ۱۰. غیبت امام مهدی و ظهور ایشان پس از دوره غیبت
 ۱۱. حتمی بودن انقلاب جهانی مهدوی
 ۱۲. فراگیر شدن عدل و انصاف در جهان پس از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- از این ۱۲ اصل، پنج اصل اولی به موضوع کلی امامت مربوط می شود به عنوان پایه این موضوع و هفت اصل بقیه عناوین خاص مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و پشتوانه این ها در آیات و روایات و منابع متقن تاریخی موجود است. موضوع مهدویت از مباحث زیرمجموعه «امامت» به شمار می رود.

— مهدویت، حجت شناسی، اثنی عشریه.

اسامی امام ← نام ها و اوصاف و القاب او

استخلاف

به معنای جایگزین سازی و خلیفه و جانشین قرار دادن. وعده الهی است که انسان های پاک و صالح را جانشین حاکمان فاسد در روی زمین قرار دهد و این مربوط به عصر حضور حضرت قائم و دولت کریمه اوست. آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

۱. دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۱۹۵.

لَيْسَتْ خُلُفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ^۱ که وعده خدا بر جانشین ساختن مؤمنان و نیکوکاران در روی زمین است و به سنت های گذشته هم اشاره دارد، درباره آخر الزمان است و این که خداوند به صالحان قدرت و تمکّن و امنیت پس از خوف و ناامنی می دهد تا در روی زمین جز خدای یکتا پرستش نشود. امام صادق (ع) در ذیل این آیه فرمود: این آیه درباره قائم نازل شده است.^۲ در روایاتی هم که «مضطرّ» را در آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ» به امام عصر تفسیر کرده است، در خود آیه به همین مسأله استخلاف اشاره شده است: «وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ».^۳

امام سجاد (ع) در مورد آیه استخلاف مؤمنان در روی زمین فرمود: «هُمْ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِّ رَجُلٍ مِنَّا، وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۴، آنان شیعیان ما اهل بیت اند که خداوند با آنان چنین می کند، به دستان مردی از ما و او مهدی این امت است و او کسی است که اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند که مردی از عترت من که همانا من است به حکومت برسد و زمین را پراز قسط و عدل کند، آنگونه که پراز ظلم و جور شده باشد.

ما ایستاده ایم به امید آفتاب	در انتظار آن که شود باز، مشّت ابر
دل های خویش بسته به این روشنای محض	در انتظار آن که بیاید ز پشت ابر

← وراثت مستضعفین، حکومت واحد جهانی، خلیفه الله.

استعجال

شتاب و عجله داشتن، خواستار تعجیل در امری بودن، در روایات فضیلت انتظار فرج و دعا برای آن از حالتی به نام «استعجال» نهی و نکوهش شده است، استعجال یعنی کاری

۱. نور، آیه ۵۵.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۲۴۰، ۲۴۷.

۳. نمل، آیه ۶۲.

۴. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲.

۵. سعید ایران نژاد.

را پیش از موعد و موقع مناسب انجام دادن، یا خواستار انجام کاری شدن قبل از آن که زمان آن فرا برسد. در قرآن کریم هم از استعجال نهی شده است «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۱ امام صادق علیه السلام در پاسخ مهزم که از وقت ظهور پرسید، فرمود: وقاتون دروغ می گویند (تعیین کنندگان وقت برای ظهور)، مستعجلون هلاک می شوند و تسلیمان نجات می یابند و به سوی ما ره می سپارند «هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ»^۲ در روایتی هم از «محاضیر» نکوهش شده و امام، در پاسخ این سؤال که محاضیر کیانند؟ فرمود: مستعجلانند.

وقتی غیبت بر اساس اراده حکیمانه خداست، ظهور هم طبق همان حکمت در زمان مناسب خواهد بود. گرچه دعا برای تعجیل در ظهور و فرج مستحب است، ولی این به معنای فراهم شدن اسباب و زمینه و مقدمات آن است، نه عجله داشتن برای وقوع چیزی پیش از زمان مناسب. در حدیثی امام صادق علیه السلام در پاسخ کسانی که نسبت به حکومت اهل بیت و ظهور منجی استعجال داشتند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعِجَالَةِ الْعِبَادِ»^۳، خدا به سبب عجله بندگان عجله نمی کند، این امر غایت و زمانی دارد که به آن منتهی می شود و اگر وقتش برسد، ساعتی هم دیر یا زود نمی شود.

ابومسلم خراسانی درباره قیام خود نامه ای به امام صادق علیه السلام نوشت و خواستار حمایت بود. امام به نامه او جواب رد داد. وقتی اصحاب امام به گفتگو با یکدیگر درباره آن مشغول شدند، امام صادق علیه السلام همین سخن را فرمود که خدا به سبب عجله بندگان عجله نمی کند. جابه جا کردن کوه، آسان تر از پایان دادن به حکومتی است که هنوز زمانش نرسیده است.^۴ پس جزو آیین انتظار، دعا برای ظهور و فرج است، ولی شتاب برای تحقق پیش از موعد آن، ناپسند است.

نمی گویی کجا در ناکجایی بگو جانا، بگو جانا، کجایی؟

۱. نحل، آیه ۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴.

۳. همان، ص ۱۱۸، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۹۷.

شب و روز از دل سرگشته پرسم
تو ای پیدای ناپیدا، کجایی؟
— ظهور، توقیت، دعا برای فرج، عجل الله فرجه.

استنصار

یاری طلبی، نصرت خواهی، درخواست کمک از دیگران. کسی که مورد ستم و هجوم قرار می‌گیرد، طبیعی است که برای دفع هجوم و مقابله با دشمن، از دیگران کمک بخواهد. این کمک خواهی و استنصار، در فرهنگ قرآن و حدیث و در آموزه‌های دینی، از جمله در موضوع مهدویت هم وجود دارد. حضرت عیسی از حواریون خواست که یاوران او در مسیر خدا باشند: «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ» اصحاب او هم گفتند ما انصار الله و یاران تو هستیم، «قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ»^۱ در میان مسلمانان هم عده‌ای مهاجرین بودند، عده‌ای انصار. خداوند هم به مظلوم اجازه داده که برای رفع ظلم و مقابله با ظالم از دیگران یاری بطلبد.

از آن جا که اهل بیت علیهم‌السلام مظلومان تاریخ‌اند و امام زمان هم در پایان تاریخ برای ایجاد قسط و عدل جهانی و دفاع از مظلومان جهان نیاز به یاری مسلمانان دارد، یکی از القاب او «منصور» است. سپاه مهدی هم انصار آن حضرت‌اند. در دعاها نیز می‌خوانیم که خداوند ما را از اعوان و انصار او قرار دهد. خود آن حضرت در آغاز ظهور، از خدا و از مردم یاری می‌طلبد. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی که به جابر جعفی از وقایع ظهور قائم سخن گفته، می‌فرماید: هنگام ظهور، بین رکن و مقام می‌ایستد، نماز می‌خواند و بعد می‌گوید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَ سَلَبَ حَقَّنَا...»^۲ ای مردم، ما از خداوند علیه کسانی که به ما ظلم کرده و حق ما را گرفتند، نصرت می‌طلبیم. و در ادامه می‌فرماید: ما و هر مسلمانی امروز شهادت می‌دهد که ما مظلوم و مطرود و رانده شده از سرزمین خویشاوندان خود و آواره و مقهوریم، ولی امروز از خدا و هر مسلمان یاری می‌طلبیم: «إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَ كُلَّ مُسْلِمٍ».

هرچند آن حضرت، از نصرت الهی و امداد غیبی برخوردار است، ولی حضور مردم در

۱. مشفق کاشانی.

۲. آل عمران، آیه ۵۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳ و ۲۳۸.

صحنه مبارزه با فساد و ظلم هم لازم و پشتوانه آن حرکت جهانی است. در حدیث دیگر آمده که حضرت مهدی پس از معرفی خود به عنوان بازمانده آدم، ذخیره نوح، برگزیده ابراهیم و انتخاب شده از محمد ﷺ، مردم را به حق خدا و رسول و حق خودش بر مردم سوگند می دهد و می گوید: ما را یاری کنید، در مقابل ستمگران از ما دفاع کنید، ما ترسانده شده و مظلوم و مطرود شده ایم. ما را از حقمان محروم کرده و اهل باطل بر ما ستم کرده اند. خدای را، خدای را، ما را خوار نسازید، از کمک به ما دریغ نکنید، ما را یاری کنید تا خدا هم شما را یاری کند: «... قَالَ اللَّهُ، اللَّهُ فِينَا، لَا تَخْذُلُونَا، وَأَنْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ»^۱.

← سپاه رعب، نام ها و اوصاف و القاب، یاران امام زمان.

اشارات و بشارات

آیات مرتبط به مهدویت در قرآن، برخی دارای بشارت هایی به آینده بشریت و جهان و بندگان صالح و وراثت جوانان بر زمین و دنیا است و در این مقوله ها صراحت و نوید روشن دارد، برخی دیگر حاوی اشاراتی به امام زمان و حکومت اهل بیت در آخر الزمان و موضوع مهدویت است که از ظاهر آیه بر نمی آید، بلکه طبق تفسیر و تأویل و تطبیقی که ائمه علیهم السلام بر موضوع امام زمان کرده اند، جزء اشارات محسوب می شود. آیاتی که بر قیام امام زمان تأویل شده بسیار است (← مهدی در قرآن) و کتاب های مستقلی هم در این موضوع نگاشته شده است، مثل «المحجّة فیما نزل فی القائم الحجة» سید هاشم بحرانی. در کتب حدیثی دیگر هم بحث هایی و نمونه هایی از این آیات دیده می شود.^۲ پس آیات را می توان بر دو بخش تقسیم کرد:

۱. آیاتی را که از پیشگویی جهانی شدن اسلام سخن می گوید (صف، آیه ۹، توبه، آیه ۳۳، فتح، آیه ۲۸) و وعده حکومت صالحان بر زمین می دهد (انبیاء، آیه ۱۰۵) و از وراثت زمین بر مستضعفان و پیشوایی آنان می گوید (قصص، آیه ۵) و از استخلاف و جانشینی مؤمنان

۱. همان، ص ۲۳۹.

۲. رک: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۴ (باب المأولة لقیام القائم) و «معجم احادیث الامام المهدی»، ج ۵.

صالح و رسیدن به امن و امان یاد می‌کند (نور، آیه ۵۵) و سخن از پایان فتنه و حاکمیت دین خدا می‌گوید (بقره، آیه ۱۹۲ و ۱۹۳، انفال، آیه ۳۹) در زمره آیات بشارت دهنده شمرده‌اند.

۲. آیاتی که از حیات زمین پس از مرگش (حدید، آیه ۱۷) و پیروزی حق بر باطل (اسراء، آیه ۸۱) و حتمیت وعده‌های الهی (مریم، آیه ۷۵) و تجلی روز (لیل، آیه ۲، شمس، آیه ۳) یاد می‌کند و این‌ها به قیام امام مهدی و دوران حکومت عدل جهانی تأویل شده است، در زمره آیات اشارت است. آیاتی هم که از قدرت الهی و نصرت مؤمنان و وراثت صالحان و آمدن قومی که دوستدار خدا و محبوب خداوند و در راه خدا جهاد می‌کنند می‌گوید و در روایات بر اصحاب امام زمان و یاوران او در عصر ظهور تطبیق و تأویل شده است، از این دسته است.

به یک نمونه اشاره می‌کنیم. آیه‌ای که از حیات زمین سخن می‌گوید: «أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يُحْيِيهَا بِعَدْلِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجُورِ أُمَّةٍ الظُّلْمِ وَالضَّلَالِ»^۱ خداوند زمین را که با ستم رهبران ستمگرو پیشوایان گمراهی مرده است، با عدالت حضرت قائم زنده می‌کند.^۲

قرآن و مهدویت، استخلاف، شیعه در عصر ظهور.

أَشْرَاطُ السَّاعَةِ

اشراف به معنای علایم است و ساعت، کنایه از قیامت. پس معنای اشراف الساعه، علائم قیامت می‌شود. از جمله علایم نزدیک شدن قیامت، ظهور مردی از اهل بیت است به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. در قرآن هم به اشراف قیامت اشاره شده است (محمد، آیه ۱۸). در مجموع، به علایم آخر الزمان و حوادثی که پیش از برپایی قیامت اتفاق می‌افتد، اشراف ساعت گفته می‌شود. در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ده نشانه از علایم نزدیکی قیامت شمرده شده، از قبیل: خروج سفیانی و دجال، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب، نزول عیسی از آسمان و... که همه این‌ها مربوط به عصر ظهور است. مفصل‌ترین

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۴.

۲. رک: دانشنامه امام مهدی، ج ۲، ص ۷۲ تا ۱۱۲.

حدیث درباره این علایم، گفتگوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله با سلمان فارسی است.^۱ کتاب‌های مستقلى هم در این مورد تألیف شده است.^۲ این اصطلاح که به مفهوم علائم قیامت است، در برخی نوشته‌ها با علائم ظهور به هم آمیخته و گاهی علائم قیامت هم جزء علائم ظهور بیان شده است، مثل طلوع خورشید از مغرب.

← علائم ظهور، آخر الزمان.

اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ← یاران امام زمان، سیصد و سیزده

اصحاب و انصار

در روایات، هم از اصحاب امام زمان و هم از انصار او یاد شده و اوصاف و جزئیاتی بیان گشته است. «اصحاب»، یاران خاص اویند به تعداد ۳۱۳ نفر همچون اصحاب جنگ بدر که از قدرت و علم و صلاحیت‌های ویژه‌ای برخوردارند و نقش فرماندهی و کارگزاری در امور را دارند و به تعبیر امام صادق علیه السلام، صاحبان پرچم و حاکمان الهی در روی زمین بر خلق خدایند: «وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَوَّلِيَّةِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ».^۳ اما انصار، عموم یاران مؤمن و دوستدار و فرمانبردار آن حضرت‌اند که در حرکت اصلاحی او شرکت دارند. در دعاهاى متعدّد از خداوند مى‌خواهیم که ما را از انصار و یاران او قرار دهد: «وَجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ»^۴: خدایا مرا از یاران، یاوران، پیروان و شیعیان او قرار بده. حتی شمار زیادی از فرشتگان هم جزو انصار او هستند و این توفیق برای هر انسان شایسته‌ای می‌تواند فراهم آید. درباره یاران آن حضرت در جای دیگر بحث شده است.

← یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیصد و سیزده.

۱. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۰۸.

۲. رک: «الاشاعة لأشراط الساعة»، محمد بن رسول برزنجی، «أشراط الساعة»، صالح بن محمد صالح، مؤسسة الزاد، قاهره.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۴. همان، ج ۹۹، ص ۸۳، مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین، همچنین در زیارت عاشورا و دعا برای یاری و خونخواهی سید الشهداء علیه السلام در رکاب آن حضرت.

اعمال نیمه شعبان ← نیمه شعبان

اعوجاج فکری

در کنار صورت درست موضوع مهدویت و انتظار، یک سری کج اندیشی و کج رفتاری هم وجود دارد که از آن به «اعوجاج فکری» یاد می شود. از نمونه های اعوجاج فکری در مسائل مربوط به امام زمان این هاست: ترک مسئولیت و عمل در دوران غیبت، به امید آمدن مصلح جهان، پرهیز از مبارزه با ستمگران زیر پوشش نام تقیه یا این که جهاد مربوط به دوران حضور امام است، پرداختن به مسائل فرعی و غیر ضروری مهدویت مثل این که آن حضرت زن و فرزند دارد یا نه و چند تاست و کجایند؟ تعیین وقت ظهور، عجله کردن در کار خدایی که به تقدیر اوست نه میل ما (← استعجال)، تطبیق دادن علائم ظهور که در احادیث آمده بر اشخاص و وقایع دور و برمان یا زمانمان، افراط در محبت ورزی به امام زمان و نداشتن تبعیت عملی و تقوای کسب و کار، ملاقات گرایی و ساده لوحی در پذیرش ادعاهای افراد در دیدار یا ارتباط با آن حضرت، دم از ولایت زدن ولی ترک تبعیت از ولی فقیه، عدم تلاش برای فساد زدایی به بهانه این که این گونه کارها آمدن امام را به تأخیر می اندازد، بهانه دادن به انقلاب و جهاد و شهدا و نظام ولایی به بهانه روایاتی که از قیام ها و پرچم های قبل از ظهور انتقاد می کند. این گونه اندیشه ها و برداشت های ناقص یا انحرافی از انتظار و وظیفه ما در دوره غیبت، کج اندیشی است.

تعبیر اعوجاج فکری را امام خمینی رحمته الله در مورد انجمن حجتیه ای ها به کاربرد که با انقلاب اسلامی قهر کردند و از حمایت و یاری آن خودداری نمودند. در یکی از سخنرانی های مبسوط خود، از جمله فرمود: «یک دسته دیگر هم که ترشان این است که بگذارید معصیت زیاد بشود، تا حضرت صاحب بیاید، حضرت مگر برای چی می آید؟ حضرت صاحب می آید معصیت را بردارد. ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید...» امام خمینی در انتقاد از شیوه کجروانه این جماعت در یکی از پیام ها نوشتند: «دیروز حجتیه ای ها مبارزه

فرهنگ
انتظار

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۶.

را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات، تمامی تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده اند! ولایتی های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند، در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند...»^۱

تفکر اعوجاجی حجتیه از نظر پژوهشگران غربی هم دور نماند. مایکل ام جی فیشر در سخنرانی مبسوط خود در کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو در سال ۱۹۸۴ در تحلیل جریان های درونی ایران از جمله به گروه حجتیه پرداخت و ضمن بیان سابقه این گروه از جمله گفت: «حلبی تلویحاً اشاره می کرد که او هر روز با امام زمان ارتباط برقرار می کند. او عاقبت با خمینی به مخالفت پرداخت و این مطلب را که خمینی نایب برحق امام زمان است تکذیب کرد... شعار حلبی این بود: «هر کس قبل از آمدن مهدی، علمی را بلند کند، طاغوتی و بت پرست است یا چیز دیگری غیر از خدا را می پرستد». حلبی عقاید قدیمی اصولیون را مورد تصدیق قرار می داد مبنی بر این که: امام زمان وقتی ظهور خواهد کرد که جهان پر از ظلم و بی عدالتی شود و جهان قبل از آمدن مهدی و گسترش عدل و داد به دست او، باید مملو از فسق و فساد شود و مؤمنان باید منتظر ظهور حضرت مهدی باشند».^۲

پیش از انقلاب اسلامی دو نوع نگرش و تفکر وجود داشت، یکی مبارزه با ظلم و تلاش برای به دست گرفتن قدرت در جامعه و فعالیت علیه طاغوت و رژیم شاه، دیگری سکوت و سازش و تمسک به این که در عصر غیبت، نباید هیچ گونه تلاش و مبارزه ای با قدرت های باطل داشت، تا آن که امام عصر ظهور کند و خودش جهان را اصلاح کند، که این همان کج اندیشی مخالف با رهنمودهای قرآن و احادیث و سیره امامان است.

زنده یاد استاد محمد رضا حکیمی می نویسد: «از جمله مسائل یاد شده (بدفهمی مفاهیم

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۳ (پیام خطاب به مراجع اسلام و روحانیون ۶۷/۱۲/۳)

۲. تشیع، مقاومت و انقلاب (مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو در ۱۹۸۴، ص ۱۷۷).

الْعَجَل

دین)، یکی مسئله انتظار و ظهور است. این مسأله را اینگونه معنی کرده‌اند که شیعه باید متعزّض هیچ امری نشود و به هیچ موضوع اجتماعی نگراید، و با هیچ ظلم و ظالمی درنیفتد و در سیاست و امور اداره مملکت دخالت نکند، چون این‌ها اموری است که به هنگام ظهور و در دولت مهدی درست خواهد شد. آن چه یاد شد، برداشت عوامانه و باطلی است از مفهوم مهدویت و ظهور^۱.

← آسیب شناسی مهدویت، انجمن حجتیه، امام خمینی و انتظار فرج، جشن‌های نیمه شعبان، آیین انتظار.

الْعَجَل

العجل یعنی شتاب کن، در دعای فرج (إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ) و برخی دعا‌های دیگر خطاب به امام زمان گفته می‌شود: الْعَجَلْ و درخواست شتاب در ظهور و عدالت‌گستری است. در آخر دعای عهد هم آمده است: الْعَجَلْ الْعَجَلْ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ. این همان دعا برای فرج است که به صورت‌های مختلف مطرح می‌شود. هنگام نام بردن از آن حضرت هم «عَجَل الله فرجه» گفته می‌شود، یا دعا می‌کنیم که: اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ. البته ظهور، به دست او نیست که عجله کند و بیاید، بلکه به امر و مشیت خداست.

تو بین منتظران هم، عزیز من چه غریبی

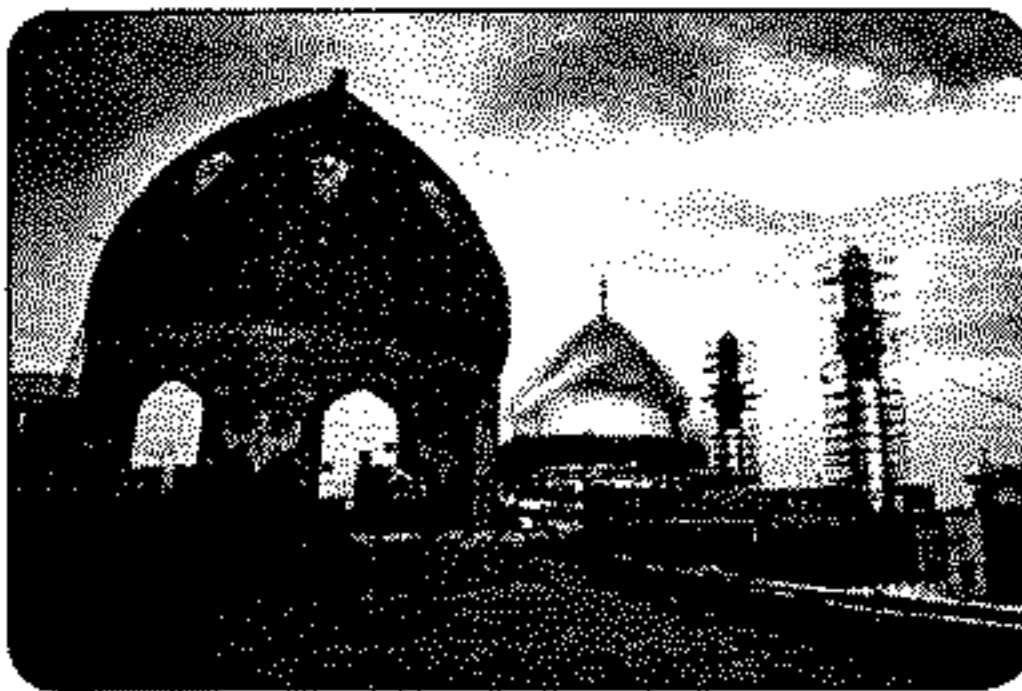
چه بی خیال نشستیم، نه کوششی، نه وفایی

عجیب‌تر که چه آسان، نبودنت شده عادت

فقط نشسته و گفتیم: خدا کند که بیایی

← عجل الله فرجه، مهدی بیا مهدی بیا، دعا برای فرج، استعجال.

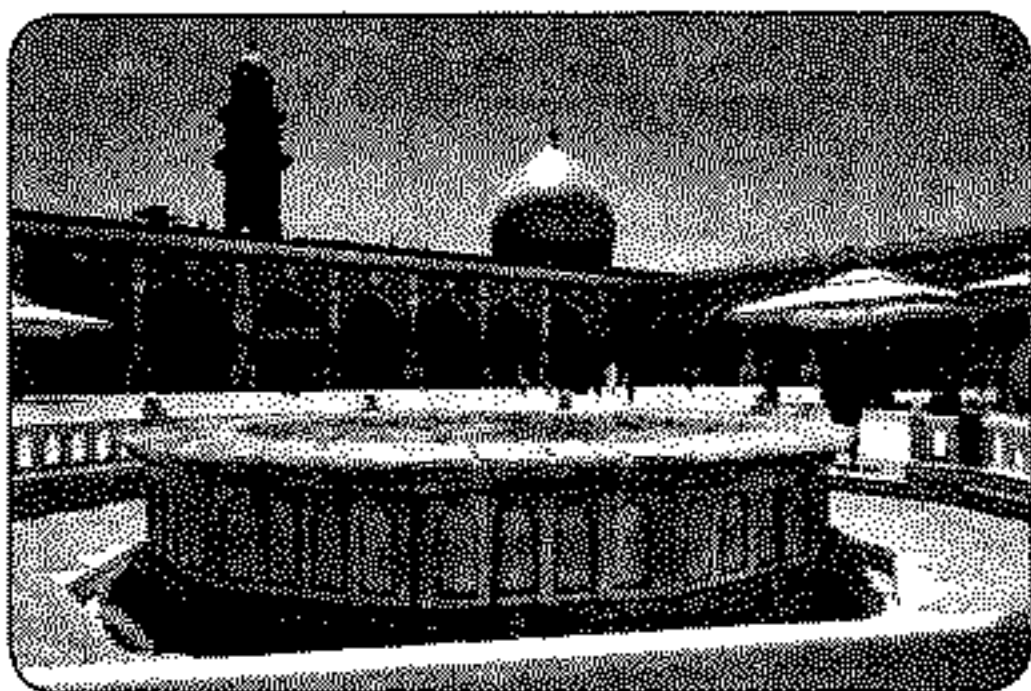
اماکن منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف



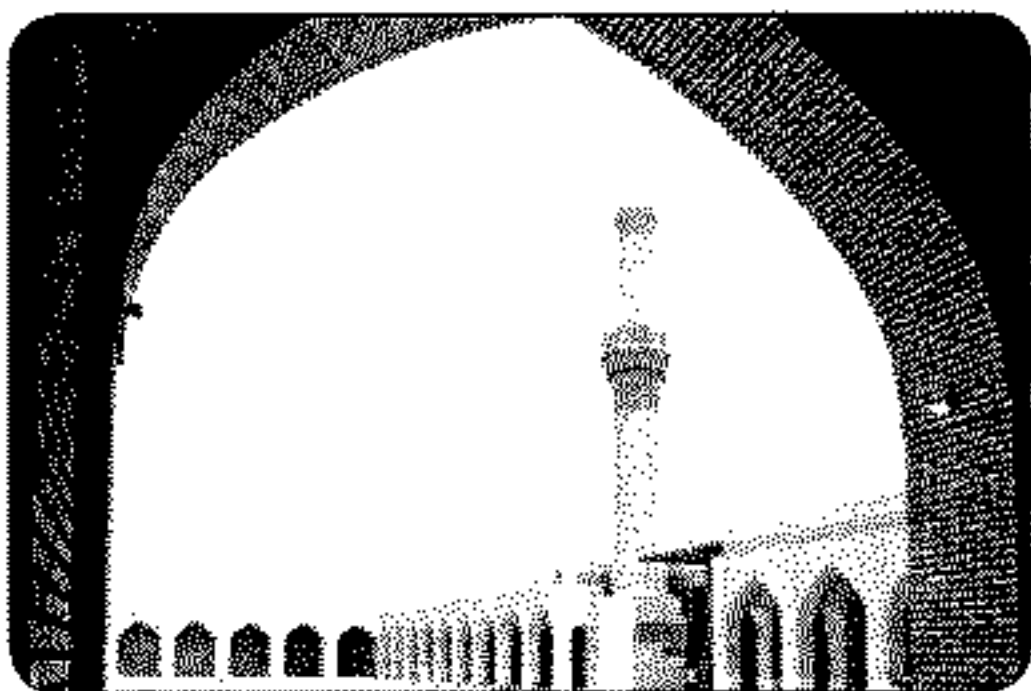
جاها و بناهای خاصی منسوب به امام زمان است، یا به خاطر حادثه خاصی یا از روی علاقه مردم. این اماکن بسیار است، اما معروف‌ترین آن‌ها از این قرار است:

سرداب مطهر، در سامرا نزدیک حرم

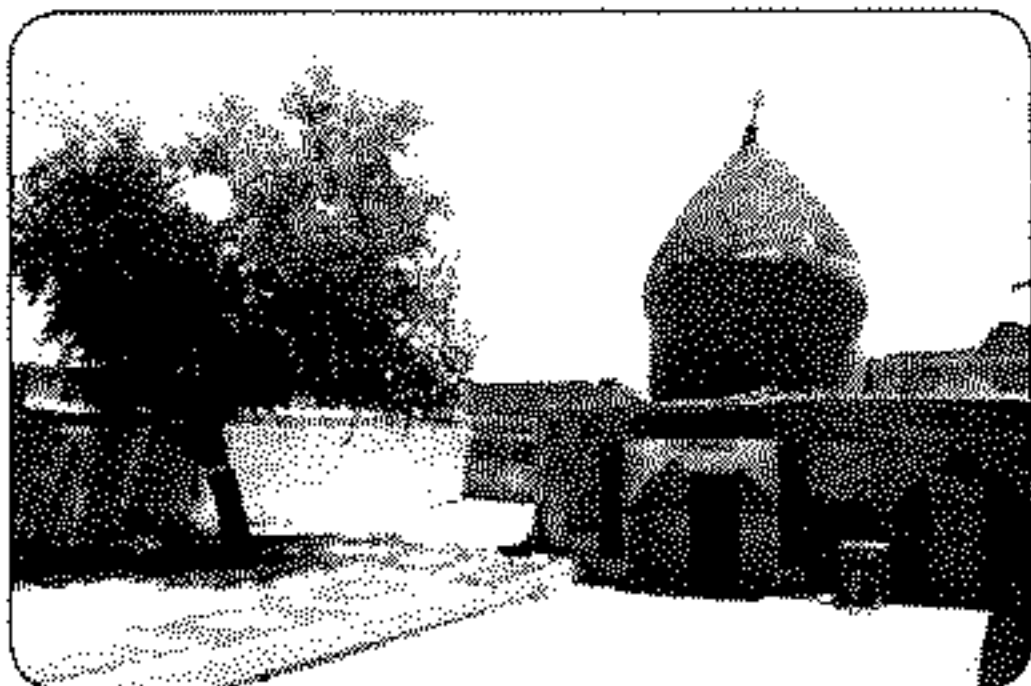
۱. تفسیر آفتاب، محمد رضا حکیمی، ص ۳۲۲.



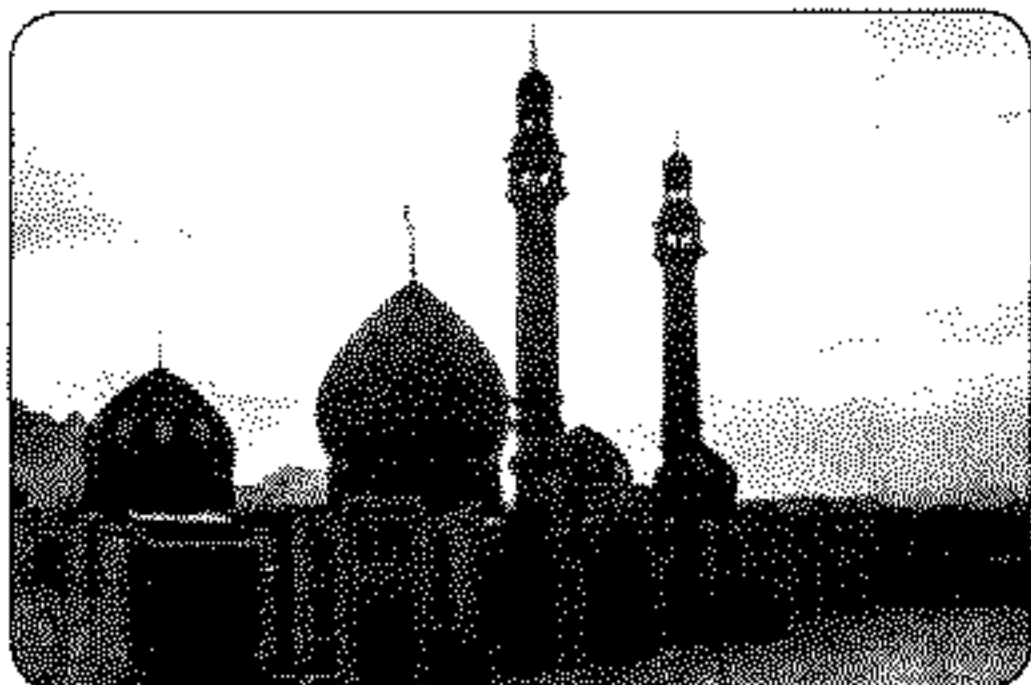
عراق. کوفه. مسجد کوفه



عراق. کوفه. مسجد سهله



عراق. نجف. وادی السلام. مقام صاحب الزمان



ایران. قم. مسجد جمکران

عسکرتین، که محل نماز و عبادت آن حضرت بوده و از آن جا غایب شده است. مسجد کوفه، که طبق روایات، مرکز حکومت آن حضرت خواهد بود. بسیاری از تشریف‌ها به حضور حضرتش نیز در این مسجد مقدس بوده است.

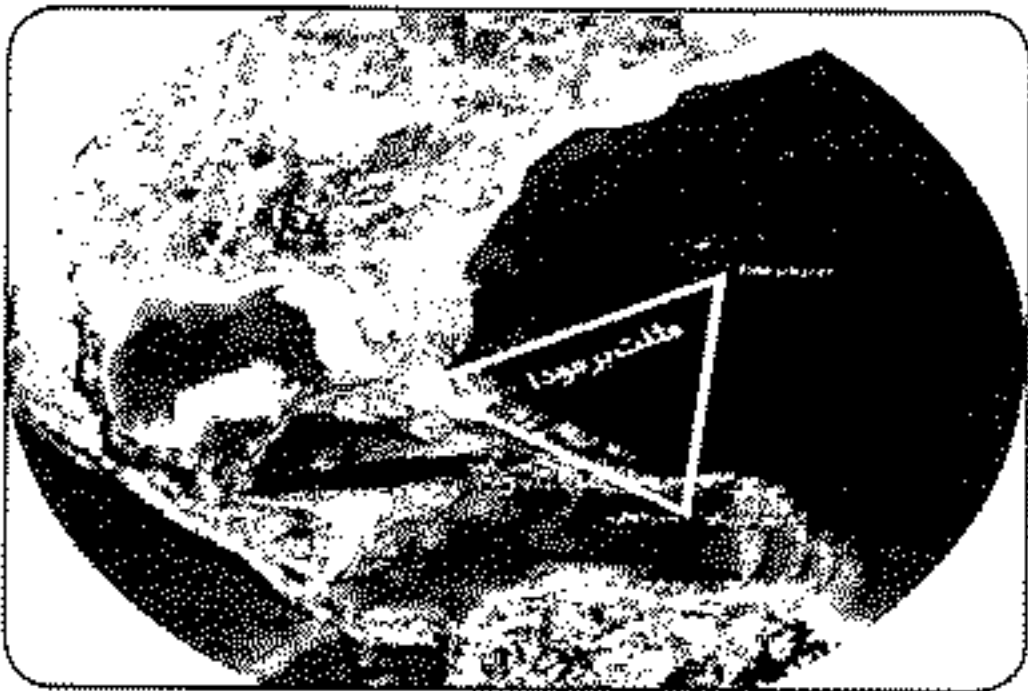
مسجد سهله، در عراق و نزدیک مسجد کوفه و شهر نجف است و قداست خاصی دارد و برای آن آداب و عبادات خاصی نقل شده است. کسان زیادی چهل شب جمعه برای عبادت و بیتوته به آن جا می‌رفتند تا توفیق دیدار امام زمان (عج) نصیبشان شود. وادی السلام، در نجف اشرف و بزرگترین گورستان مقدس که «مقام صاحب الزمان» نیز در آن قرار دارد. در روایات به عنوان محل منبر آن حضرت و جایی که در روزهای آغازین ظهور از آن جا عبور کرده و به مسجد کوفه می‌رود از آن یاد شده است.

مسجد جمکران، در ۵ کیلومتری شهر قم که به امر آن حضرت و توسط حسن بن مثله جمکرانی ساخته شده و میعادگاه عاشقان مهدی است و نماز خاصی دارد. در سال‌های اخیر توسعه فراوان یافته و نماد

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی



عراق. کوفه. مسجد صعصعه



قسمت غربی اقیانوس اطلس شمالی. مثلث برمودا



عراق. حله. مقام صاحب الزمان



عراق. نُعْمانیه. مقام صاحب الزمان

عشق و انتظار شده است.

مسجد صعصعه، در کوفه که نزدیک مسجد سهله است و به نام صعصعه از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

مقام صاحب الزمان، که هم در وادی السلام نجف و مسجد سهله است، هم در نزدیکی حرم حسینی در کربلا، نزدیک نهر علقمه و شمال بین الحرمین.

جزیره خضراء، مکانی در اقیانوس اطلس، که از هفتصد سال پیش کسانی ادعا کردند که فرزندان امام عصر در آنجا زندگی می کنند. البته این ادعا ثابت نشده و این نظر موافق و مخالف هایی دارد و در این زمینه، کتاب ها و مقالات زیادی نگاشته شده است. بعضی هم کوشیده اند آن را بر «مثلث برمودا» تطبیق دهند. درج ۵۲ و ۵۳ بحار الأنوار هم حکایات مربوط به آن آمده است.

مقام صاحب الزمان، در حله عراق و مقام صاحب الزمان در شوشتر و برخی موارد دیگر. ناگفته نماند که در شهرها مساجدی به نام امام زمان ساخته شده و می شود با عنوان های

۱. از جمله: جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت، جزیره خضراء و مثلث برمودا و فصلنامه انتظار، شماره های ۱ تا ۴.

مختلف، همچون مسجد قائم، مهدیه، مسجد امام زمان، مسجد المهدی، مسجد صاحب الزمان، مسجد ولی عصر، مسجد حجت و... که صرفاً روی علاقه و تکریم نام اوست و واقعه خاصی ندارد.

س قائمیه، مسجد جمکران، وادی السلام، مسجد سهله، شهرها در روایات عصر ظهور

امامت در کودکی

از ویژگی های امام زمان، یکی هم منصب امامت در کودکی و ۵-۶ سالگی است. البته پیش از آن حضرت نیز امام جواد و امام هادی علیهما السلام قبل از سن بلوغ به امامت رسیدند. این مسأله چندان شگفت نیست. وقتی به گفته قرآن، حضرت عیسی مسیح در کودکی و در گهواره، خود را صاحب کتاب آسمانی و دارای نبوت معرفی کرد «آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»^۱، و خداوند در کودکی به یحیی پیامبر، کتاب و حکم نبوت داد «وَأَتَيْنَاهُ الْكِتَابَ صَبِيًّا»^۲. اشکالی ندارد که مقام امامت و علم امامت را به امامان ما هم بدهد. امام رضا علیه السلام به معمر بن خلاد فرمود: ما خاندانی هستیم که کوچک های ما از بزرگان ما، موبه مواریث می برند «إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ يَتَوَارَثُ أَصَاغِرُنَا عَنْ أَكْبَرِنَا الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ»^۳ امام عصر در کودکی جانشین امام یازدهم شد و هدایت امت را بر عهده گرفت و با آن که از چشم ها نهان شد، با نامه ها و هدایت ها و ارتباطش خط امامت را تداوم بخشید و کرامات بسیاری از او ظاهر شد.

س ویژگی های امام عصر، بعد غیبی مهدی موعود.

امام خمینی، انقلاب اسلامی، زمینه سازی ظهور

وظیفه مسلمانان در عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریک زمینه سازی و حرکت تمهیدی برای ظهور آن حضرت است. در روایات مربوط به عصر غیبت هم تعبیر «يُؤْتُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ» آمده است^۴ و از این زمینه سازان ظهور ستایش شده است. بنیانگذار جمهوری

۱. مریم، آیه ۳۰.

۲. همان، آیه ۱۲.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۰.

۴. يخرج اناس من المشرق، فيؤتون للمهدي يعني سلطانه (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۷).

اسلامی امام خمینی رحمته الله علیه بارها حرکت انقلاب و جان فشانی های شهدا و نهضت مردم را در راستای حرکت تمهیدی و مقدمه آن نهضت جهانی مهدوی دانسته است. به برخی از سخنان ایشان در این مورد اشاره می شود:

«امید است که این انقلاب، جرّقه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیرستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفدا منتهی شود».^۱

«امیدواریم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفدا باشد».^۲

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت ارواحنا فداه است».^۳
 «به جمهوری اسلامی که ثمره خون پدران است، تاپای جان وفادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم اوصیا و مفاخر اولیا، حضرت بقیه الله روحی فداه فراهم سازید».^۴

فرهنگ
انتظار

هزار سدّ ضلالت شکسته ایم و کنون قوام ما به ظهور تو منتظر بسته است
 زمینه ساز ظهورند شاهدان شهید اگر چه ماتمشان داغ بر جگر بسته است^۵
 - زمینه سازی برای ظهور، زمینه سازان ظهور.

امام خمینی رحمته الله علیه و انتظار فرج

بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در مناسبت های مختلف درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه، انتظار فرج، وظیفه منتظران، زمینه سازی برای ظهور، تبیین مفهوم صحیح انتظار، نقد تفکرهای انحرافی و نادرست درباره مهدویت و ... سخن گفته است. گردآوری

۱. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۷۵.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۸۸.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۴. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۹۷.

۵. قادر طهماسبی (فرید).

همه آن‌ها یک کتاب خواهد شد. در این جاتنها به یکی از موارد آن که به مناسبت نیمه شعبان سخنانی مبسوط و جامع ایراد کرده می‌پردازیم، آن‌هم نه به صورت کامل. علاقه‌مندان به اصل سخنان مراجعه کنند؛^۱

«بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند. این‌ها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند... این‌ها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند، امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری از شان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری نکنند نبودند.

یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکالیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایدان شاء الله درست می‌کنند، دیگر تکلیفی نداریم، تکلیف ما همین است که دعا کنیم...

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالمی پر معصیت بشود تا حضرت بیاید، ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناه زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

یک دسته از این بالاتر بودند و می‌گفتند باید دامن زد به گناه‌ها، دعوت کرد مردم را به گناه، تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت سلام الله علیه تشریف بیاورند. البته در بین این دسته منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق شود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آن‌ها مغرور بودند، آن‌هایی که بازیگر نبودند مغرور (فریب خورده) بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این که هر علمی

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶، در دیدار با مسئولین وزارت پست و تلگراف به مناسبت نیمه شعبان، در تاریخ ۶۷/۱/۱۴.

بلند شود قبل از ظهور حضرت، آن علم باطل است. در صورتی که آن روایات که هر کس علم بلند کند، علم مهدی، به عنوان مهدویت بلند کند. حالا فرض می‌کنیم که همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که ما تکلیفمان دیگر ساقط است؟! یعنی خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنی که ما دیگر معصیت نکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید، حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چه می‌آیند؟ برای این که گسترش بدهند عدالت را، برای این که حکومت را تقویت کنند. برای این که فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه دهیم گناهان را برای این حضرت بیایند، حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌خواهند همین کارها را بکنند. الآن ما دیگر هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد؟ بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟ به حسب رأی این جمعیت که بعضی شان بازیگرند و بعضی شان نادان، این است که ما باید بنشینیم دعا کنیم به صدام، هر کسی نفرین به صدام کند خلاف امر کرده است، برای این که حضرت دیر می‌آیند! ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنا بشیان از قبیل صدام باشیم تا این که این ها عالم را پر می‌کند از ظلم و جور و حضرت تشریف بیاورند! بعد حضرت تشریف بیاورند چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند، همان کاری که ما می‌کنیم. ما اگر دستمان می‌رسید قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتهی ما نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت، عالم را پر می‌کند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.

ما تکلیف داریم، اینی که می‌گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد، اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن طور فساد پر می‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آن که می‌گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هرج و مرج بشود، همه هم را بکشند، همه به هم ظلم بکنند برای این که حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای این که رفع کند این را، یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاستی این کار

را نکرده باشد که بازی بدهد ما را که ما کار به آن ها نداشته باشیم، آن ها بیایند هر کاری بخواهند انجام دهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد. مسأله این است که دست سیاست در کار بوده، همان طوری که تزریق کرده بودند به ملت ها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت های دنیا که سیاست کار شماها نیست، بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است بدهید به دست امپراطورها. آن ها از خدا می خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت ها و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال اینها...

این هایی که می گویند هر علمی بلند شود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این بر خلاف انتظار فرج است. این ها نمی فهمند چه دارند می گویند... ما اگر فرض می کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می زدیم، برای این که خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست و این نفهم ها نمی دانند دارند چی می گویند...

عالم پر از ظلم است. اگر ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم باید بگیریم. تکلیفمان است. قرآن و ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی توانیم، چون نمی توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند، اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه. در هر صورت این مصیبت هایی است که به مسلمان ها وارد شده است و سیاست های خارجی دامن بهش زدند، برای چاپیدن این ها و برای از بین بردن عزت مسلمین، و باورشان هم آمده است خیلی ها شاید الآن هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد و زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت، و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب باطل است! یعنی هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش کند! ما درستش می کنیم تا حضرت بیاید. انشاء الله خداوند اصلاح کند این ها را...»^۱

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند بیا که صاف شود آن هوای بارانی
کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که بیاد تو آرامشی است طوفانی
— انتظار، زمینه‌سازی برای ظهور، اعوجاج فکری، انجمن حجتیه.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در هر زمانی امام وجود دارد که باید او را شناخت و تبعیت کرد و هر کس امام زمان خود را نشناسد و بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱. در حدیث دیگری فرمود: هر قومی را با امام زمان خودشان در قیامت فرامی‌خوانند.^۲ امام حسین علیه السلام نیز خداشناسی را آن دانسته که هر کس و هر قوم، امام زمان خودشان را بشناسند، امامی که اطاعت او بر آنان واجب است.^۳

هر یک از دوازده امام، در زمان خودشان امام آن زمان بودند. در عصر ما که در دوره غیبت امام دوازدهم به سر می‌بریم، امام زمان ما حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و معرفت او بر ما واجب است. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۴ هر کس شبی را به صبح آورد، در حالی که امام زمان خودش را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

امام زمان، یکی از معروف‌ترین نام‌ها و لقب‌هایی است که در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار برده می‌شود. او هم پیشوای اسلام در هر زمان است، هم امام در زمان ماست. امام زمان محور همه بحث‌های مهدویت و انتظار است. در این مجموعه مدخل‌های متعددی اختصاص به آن حضرت دارد.

— زمان و مهدی، نام‌ها و اوصاف، مهدی.

۱. سلمان هراتی.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۰.

۴. همان، ج ۲۳، ص ۸۳.

۵. همان، ص ۷۸.

امتحان ← آزمایش و امتحان

امر الله

فرمان خدا، طبق برخی روایات، آن چه در قرآن آمده است «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۱ (امرو فرمان خدا آمد، پس درباره آن شتاب نکنید) بر ظهور حضرت قائم و حکومت اهل بیت علیهم السلام و رجعت آنان در عصر ظهور تفسیر شده است. به فرموده امام صادق علیه السلام: در آغاز ظهور، جبرئیل فرود می آید و در مسجد الحرام با مهدی علیه السلام بیعت می کند و با صدای رسا اعلام می کند: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۲. در روایت دیگر، درباره این آیه آمده است که آن حضرت فرمود: امر الله، امر ما اهل بیت است، که خدا فرموده است شتاب نکنیم تا خداوند، دولت ما را با سه سپاه تأیید کند: سپاه ملائکه، سپاه مؤمنان و سپاه رُعب^۳. حدیثی هم از امام باقر علیه السلام است که درباره آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ»^۴ (آیا منتظرند که فرشتگان نزد آنان آیند، یا آن که فرمان خدا برسد) فرمود: امر رب، یا عذاب است، یا مرگ، یا خروج قائم^۵.

این نمونه ای از تأویلات آیه قرآن است که امامان، شایسته اینگونه تأویل اند.

← مهدی علیه السلام در قرآن، امر.

امر

امربه معنای فرمان است، اما در اصطلاح دینی و قرآنی و روایی به معنای ولایت و حکومت است. در قرآن دستور به اطاعت از خدا و رسول و «اولی الامر» داده شده است. یعنی صاحبان فرمان، که به ائمه اهل بیت علیهم السلام تفسیر شده است. در روایات بسیاری هم مسأله اعتقاد به امر، کتمان امر، دشواری امرائمه و... مطرح شده که همان جایگاه ولایی آنان است. به

۱. نحل، آیه ۱.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۴.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۵۴ و ۲۵۱.

۴. انعام، آیه ۱۵۸.

۵. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۴.

همین جهت یکی از القاب امام زمان هم صاحب الأمر و ولی الله است، چون او حاکم و ولی مسلمانان است و ولایت او از جانب خداوند است.

— صاحب الأمر، امر الله.

امن و امان

این دو واژه به موضوع مهدویت مربوط می شود. امام زمان خودش امان برای زمینیان است، و برای مردم هم امنیت می آورد. از وعده های الهی به مؤمنان صالح آن است که به مقام خلافت در زمین می رسند، دینشان حاکمیت می یابد و خداوند پس از خوف و نگرانی به آنان امنیت می بخشد تا خدا را بی هراس و ترس عبادت کنند «وَلْيُبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^۱ این آیه به دوران ظهور آن حضرت تفسیر شده است که با تشکیل حکومت صالحان به رهبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه، هم مؤمنان هم عموم بشریت در صلح و امنیت به سر خواهند برد و شرایط ناامنی و خوف که در اثر حکومت جباران و فساد مجرمان پیدا می شود از بین خواهد رفت، حتی طبق روایات، حیوانات هم در صلح و صفا با هم زندگی خواهند کرد، راه های خطر و امن خواهد شد و امنیت مالی و جانی برقرار خواهد گشت و «امن بعد از خوف» تحقق خواهد یافت.

در توقیع امام زمان به اسحاق بن یعقوب هم آمده است: «إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»^۲، همچنان که ستارگان مایه امنیت آسمانیانند، من هم مایه امن و امان برای اهل زمینم. این اشاره ای به احادیث مربوط به نقش حجت الهی در زمین نیز دارد که معصومین علیهم السلام فرموده اند: اگر حجت نباشد، زمین اهلش را در کام خود فرو می برد،^۳ و این که امامان، مایه ثبات و استقرار آسمان و زمین اند. این ها گوشه ای از «امان» بودن آن حضرت را برای زمینیان بیان می کند.^۴

۱. نور، آیه ۵۵.

۲. کمال الدین، ص ۴۸۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴. کتاب «نوید امن و امان» از آیه الله صافی گلپایگانی نیز درباره امام زمان و مهدویت است.

می‌آید آن که در عطش آباد عاطفه
 دل‌های رنج‌دیده سراپای، مست اوست
 آری پس از گذشتن این لحظه‌های سرد
 تسخیر کردن شب یلدا به دست اوست^۱
 — آثار وجودی امام غایب، ویژگی‌های امام عصر علیه السلام، عدالت جهانی

انتظار

از مفاهیم بلند، سازنده، امیدبخش و انگیزه‌آفرین در مهدویت، انتظار است، انتظار فرج، انتظار ظهور، انتظار آمدن امام زمان، انتظار تحقق وعده الهی، انتظار سامان یافتن امور مردم و جهان در سایه حکومت واحد جهانی برپایه قسط و عدل، انتظار برچیده شدن بساط ستم و تبعیض و کفر و استکبار با حاکمیت قائم آل محمد علیهم السلام در آخر الزمان. همه این آرمان‌ها در مفهوم انتظار نهفته است و آن که منتظر است، برای تغییر وضع موجود می‌کوشد و زمینه‌ساز وضع مطلوب می‌گردد. تهی‌و آمادگی و آماده‌سازی در متن انتظار است، آن که منتظر مهمان است، خانه را برای پذیرایی از او آماده می‌سازد.

پاکیزه شو، جمال پری طلعتان طلب آماده ساز خانه، سپس میهمان طلب
 امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتیه، و المطیعین له فی ظهوره»^۲ خوشا به حال شیعیان قائم ما، که در دوران غیبت او، منتظر ظهور اویند و هنگام ظهورش فرمانبردار اویند. پس انتظار، هم در دوره غیبت و هم در عصر ظهور، تعهد و رفتار منتظرانه و مطیعانه بردوش منتظران می‌نهد و چون زمان ظهور معلوم نیست، آماده باش شبانه‌روزی و در طول سال می‌طلبد.

ابن بطوطه در سفرنامه خود می‌نویسد: «ندبه شیعیان حله برای امام زمان... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری آویزان است و آن جا را مسجد صاحب الزمان می‌خوانند. شب‌ها پس از نماز، صد مرد مسلح با شمشیرهای آویخته، اسبی یا استری می‌گیرند و به سوی مسجد صاحب الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا،

۱. سعید ایمان نژاد.

۲. کمال الدین، ص ۳۵۷.

طبل و شیپور زده می شود، سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می کنند و چون به مشهد صاحب الزمان می رسند، در برابر در ایستاده آواز می دهند که، بسم الله صاحب الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی، تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا کند» و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می دهند، تا نماز مغرب فرارسد...»^۱.

این می رساند که در تلقی و برداشت صحیح از انتظار، آمادگی و آماده سازی نهفته است. این که امام صادق علیه السلام فرمود: خود را برای خروج قائم آماده سازید، حتی به اندازه فراهم کردن یک تیر «لِيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا»^۲ زمینه ساز چنین آمادگی هایی در امت است. «در گذشته شیعیان به این امر توجه بیشتر داشتند، تا جایی که برخی اسلحه نیز در خانه نگاه می داشتند و این چنین آماده شرکت در استقرار عدل بزرگ بوده اند»^۳. امام خمینی رحمته الله علیه درباره بعضی از منتظران در گذشته فرموده است: «بعضی از آن ها را که من سابقاً می شناختم، بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب سلام الله علیه بود»^۴. این که انتظار، افضل اعمال امت شمرده شده و پیامبران را عبادت دانسته و برترین جهاد امت را انتظار فرج بیان کرده است «أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»^۵ و امام صادق علیه السلام، منتظر ظهور را همچون رزمنده ای که با سلاح در راه خدا جهاد می کند می داند و در سخن دیگر، همچنان شهیدان در رکاب پیامبر معرفی می کند و بسیار احادیث دیگر درباره انتظار فرج، به خاطر نقش سازنده و حرکت آفرین آن است.

«منتظر، هم از نظر فکری و هم از نظر عملی و مادی، یک انسان آماده است. یک هنگ سربازخانه را نگاه کنید. اگر آن ها منتظر باشند هر لحظه فرمانده برسد و شیپور جنگ نواخته

۱. در فجر ساحل، محمد حکیمی، انتشارات طباطبائی، ص ۵۳، به نقل از سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه)، ص ۲۱۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۶۶.

۳. خورشید مغرب، ص ۳۵۱.

۴. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۵. تحف العقول، حرانی، ص ۳۷.

شود، هیچگاه در خوابگاه، به پاسوربازی و هروئین کشی و چرت زدن و قصه و افسانه گفتن و از این قبیل کارها نمی پردازند. آماده باش است و هر لحظه آماده شرکت در یک جهاد، گوش به فرمانند... در همین روستاهای ما تا چندی پیش، هنوز روحانیون و امام جماعت هایی بودند که جوان ها را هر هفته به تیراندازی می بردند و اسب سواری یاد می دادند و شمشیر بسته و مسلح در نماز جمعه شرکت می کردند، پس می بینیم که منتظر، انسان آماده ای است که هر لحظه احتمال می دهد شیپور انقلاب نهایی نواخته شود و او خود را مسئول شرکت در این جهاد که بر اساس قوانین جبری الهی قطعاً آغاز خواهد شد می داند و خود به خود هم آماده است، هم متعهد، هم مجهز، و هر شیعه به امید شنیدن آواز امام، سر بر بستر می نهد.^۱

درباره ابعاد دیگر انتظار و آیین انتظار و انتظار مثبت و منفی و وظایف منتظران و انتظار زمینه ساز و تمهیدی در بخش های دیگر این کتاب مطالبی آمده که مراجعه کنید.

در این قسمت، جملاتی از «در فجر ساحل» می آوریم که مفهوم انتظار را روشن تر می سازد: «انتظار، آمادگی است و حالت آماده باش داشتن و تهیه مقدمات برای آن چه که انتظار داریم... اگر در حقیقت، ما منتظر انسانی هستیم که به هم زنده اساس هاست و دگرگون کننده اصول تحریف شده زندگی و باطل کننده اندیشه های شیطانی و آورنده طرح های نو برای ساختن زندگی های نو، باید برای آن دوران و آن روش ها آماده باشیم».

«مردم سرزمین های اسلام، باید چون ارتشی باشند که فرمانده کل قوا چند روزی سفر کرده و گفته است همین که رسیدم، فرمان پیشروی می دهم و نمی گوید کی می آیم».

«در انتظار، این معنی نهفته است که فراموش نکنید، حقی هست و باطلی، چیرگی چند روزی باطل شما را مایوس کند، حق را از یاد ببرید، فضیلت را فراموش نکنید، انسانیت را به دست فراموشی سپارید... تسلیم مشویم، حتی در شدیدترین دوران و سیاه ترین روزگار».

«دوران دولت مهدی به تعبیر قرآن، دوران «عباد صالح» است، یعنی آنان که صالح اند و ارث زمین می شوند، و آیا انتظار این دوران، بدون به وجود آمدن عباد صالح و صلاح و

۱. انتظار مذهب اعتراض، علی شریعتی، (چاپ ارشاد)، ص ۴۵.

شایستگی، درست است، یا انتظاری است کاذب؟»

«آنان که دعای فرج می خوانند، اگر آن انقلاب جهانی و نهایی پیش آید، باید وارد کارزار شوند، بخروشند، بجنگند و سکوت میدان ها را بشکنند. آن جادِیگر تسبیح به دست گرفتن شرط نیست... پس باید پیش از انتظار فرج شایستگی فرج را به وجود آورد، آنگاه منتظر رستاخیز دولت مهدی بود»^۱.

ای قبله قسط و کعبه عدل	وی محور دین و روح قرآن
در سنگر عشق، نام و یاد	گرمای دل است و مونس و جان
در جبهه، شراب شوق دیدار	در جام دلِ دلیر مردان
فرمانده جبهه ها تویی، تو	ما منتظر صدور فرمان
در جبهه، حضور توست پیدا	از دیده ما رخ تو پنهان... ^۲

جلوه های انتظار مطلوب و مثبت را می توان در سه بعد دانست:

۱. اعتقادی: یعنی اعتقاد به این که آن موعود منجی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، او وجود دارد، آمدنش حتمی است، رسالت او اصلاح جهان است، عمرش طولانی است و مورد تأیید الهی است. این اعتقاد، بخشی از ایمان به غیب محسوب می شود (← غیب).
۲. روحی و نفسانی: آمادگی برای تحقق بخشیدن به طرح عدالت گستری او، پذیرش آن طرح برای اصلاح جهان، فداکاری در راه آن، زمینه سازی برای تحقق شرایط، از دست ندادن امید و انتظار، دچار یأس نشدن، آینده نگری و احساس خوشایند به آینده جهان.
۳. عملی و رفتاری: در بعد عمل و رفتار، التزام به احکام الهی، اجرای آن ها در زندگی فردی و اجتماعی، زندگی بر مدار تقوا و رعایت حلال و حرام، پیاده کردن دستورهای دین در همه ابعاد، پرهیز از گناه، تربیت خود و فرزندان با این فرهنگ و تعالیم (← زندگی مهدوی). نتیجه این سه عنصر، کمال فردی و صلاح اجتماعی و سهیم شدن در زمینه سازی برای ظهور و

۱. در فجر ساحل، محمد حکیمی، صفحات ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۹ و ۶۵.

۲. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۲۰. درباره انتظار، رک: «نظریه انتظار در اندیشه آیه الله العظمی خامنه ای»، تدوین سید حامد شاهرخی، ۱۳۹۹.

کسب رضای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.^۱

→ آیین انتظار، امام خمینی و انتظار فرج، جمعه و انتظار، زندگی مهدوی، دعای ندبه، دعای عهد، آسیب شناسی مهدویت.

انتظار سبز

نام یک برنامه رادیویی که سال ها از رادیوایران پخش شد و روزهای جمعه را به نام و یاد امام زمان عطرآگین کرد، تلفیقی بود از مصاحبه، گزارش، شعر، کارشناس، سرود و مباحث مهدویت و معرفی کتاب در موضوع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، شروع پخش آن از سال ۱۳۷۰ ش بود.^۲

انتظار سرخ

تعبیری ادبی در مورد انتظار متعهدانه و راستین است که همراه با آمادگی برای جهاد و شهادت است. در روایت و دعاها، انتظار هم، سخن از آمادگی، زمینه سازی، شوق جهاد در رکاب امام زمان، آرزوی شهادت در رکاب او و فدا کردن مال و جان است. برخلاف انتظار کسانی که نشسته اند و هیچ کاری برای تمهید ظهور نمی کنند و از صحنه های جانفشانی برای برپایی نظام عدالت و مقابله با مستکبران جهانی گریزان اند. عافیت طلبان کجا و شهادت طلبان کجا؟

برای آمدن انتظار، کافی نیست	برای سبز شدن، یک بهار کافی نیست
نشسته چشم به راه تو ذوالفقار، ار چند	برای دست تو یک ذوالفقار کافی نیست ^۳

انتظار فرج

هر چند انتظار فرج بیشتر در مورد ظهور امام زمان مطرح می شود، اما امید گشایش و فرج پس از هر سختی و گرفتاری، هم در نهاد و فکر انسان ها است، هم در دعاها آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ... وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ، وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ»^۴ کتاب هایی هم نوشته شده و

۱. با الهام از: تاریخ الغيبة الكبرى، محمد الصدر، ص ۳۴۲.

۲. توفیق نگارش متن برنامه و معرفی کتاب با نویسنده بود.

۳. علی خیری.

۴. مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز عصر.

داستان‌های آنان که بعد از گرفتاری برایشان فرج پیش آمده است در آن‌ها آمده است.^۱ اما در مورد ظهور حضرت حجت، چون دوره قبل از ظهور، همراه با ستم‌ها، سختی‌ها، آشوب‌ها، گرفتاری مؤمنان و سلطه اشرار است، خداوند وعده و مژده داده که این سختی‌ها و ابتلاعات، با حکومت مستضعفان و امامت خوبان برطرف شود. پیامبر و امامان هم «انتظار فرج» را از برترین عبادات دانسته‌اند و آن را هم‌ردیف جهاد در راه خدا و آغشته شدن به خون در این راه شمرده‌اند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ».^۲ پس دو نوع انتظار فرج است: یکی فرج عمومی پس از شداید و بلاها، یکی فرج امت اسلام و بشریت در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. در دعاها و صلوات‌ها هم درخواست این فرج از خداوند بسیار آمده است. در دعای «الهی عظم البلاء»، این‌گونه درخواست می‌شود: «فَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجلاً قریباً»، در دعای عهد، خواسته ما چنین است: «وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ». در زیارتی هم توقع ظهور، انتظار جهاد و جان‌فشانی در رکابش آمده است.^۳

انتظار فرج نیز گاهی به همین صورت کلی «انتظار فرج» مطرح است، گاهی هم انتظار فرج و ظهور حضرت مهدی و چشم به راه «قائم» بودن بیان شده است.

در شبستان به سرآورده و خورشید طلب راه خورشیدی ما در دل شب می‌گذرد^۴
 ← فرج، دعای فرج، دعا برای فرج، آثار تربیتی انتظار

انتظار و ادبیات و هنر

برای تبیین، تفسیر و ترویج هر فکر و مکتب، یکی از بهترین و مؤثرترین راه‌ها بهره‌گیری از هنر و ادبیات است. نقشی که هنر در تثبیت یک فرهنگ و اندیشه دارد، بی‌نظیر است. از این جهت، برای ترویج افکار فلسفی و اجتماعی و ایده‌های مختلف و جاانداختن یا زدودن یک فرهنگ، از این ابزار استفاده می‌شود. در این زمینه چند نکته گفتنی است:

۱. کتاب‌هایی با عنوان: الفرج بعد الشده، فرج بعد از شدت و ...

۲. کمال الدین، ص ۲۸۷.

۳. «وبظهورک الا متوقعا ومنتظرا و لجهادی بین یدیک...» (زیارت حضرت صاحب الامر، مفاتیح الجنان).

۴. خورشید مغرب، حکیمی، ص ۴۵۲.

۱. غربی‌ها برای ایجاد رعب و هراس از اسلام و تشیع و ضربه به انتظار و مهدویت، فیلم‌های سینمایی بسیاری ساخته‌اند که مضمون آن‌ها القای خشونت و کشتار از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایجاد بدبینی و شیعه‌هراسی است. این حرکت سال‌ها است انجام می‌گیرد و هنوز هم ادامه دارد. ضروری است که مسلمانان نیز از عنصر هنر و فیلم و سریال در موضوع مهدویت غفلت نکنند. متأسفانه گاهی آثار تولید شده در این زمینه، بی‌کیفیت و ضعیف است و از قوت هنری و اثرگذاری خالی است.

۲. با توجه به تأثیر فرهنگ ساز شعر و سرود و داستان و نمایشنامه، بهتر است از این قالب‌های هنری حداکثر استفاده بشود. شعر و داستان‌های مهدوی باید محتوایی غنی، صلابت و استواری ادبی، ظرافت و لطافت بیان، اتقان و درستی مضمون، نوآوری در قالب، جاذبه برای کودکان و نوجوانان داشته باشد و از سطحی‌نگری و ساده‌انگاری و ارائه آثار بی‌کیفیت پرهیز شود. حتی در موضوع تشریف یافتگان به محضر امام زمان هم کارهای قوی و پرجاذبه و دور از گزافه و خرافات تولید شود.

۳. به ادبیات کودکان توجه ویژه شود، چون آن‌چه در برنامه‌های تلویزیونی و در کتاب‌های قصه و رمان پیرامون این موضوع ارائه می‌شود تبدیل به باور می‌گردد. ضروری است که آثار مهدوی، نگاه صحیح و محتوای استوار و عرضه جذاب داشته باشد.^۱

۴. ضرورت کشاندن ادبیات داستانی به این سو و ایجاد انگیزه در صاحبان قلم.

۵. ضرورت مطالعه نسبتاً عمیق شاعران، قصه‌نویسان و هنرمندان درباره امام زمان و مسائل مهدویت و انتظار.

۶. پرهیز از سطحی‌نگری و ترویج خرافات و خواب و خیال و افسانه به خاطر جذاب‌سازی.

۱. برخی از آثار داستانی در این حوزه را نام ببریم: درباره مادر امام زمان نرجس خاتون: «خاتون عشق»، از زهرا زواریان، «شاهزاده روم»، از محمد حسن مؤمنی، «گل نرگس» از محمد علی شهاب، «غریبه آشنا»، از احمد پهلوانیان، «بانوی نور»، از مریم بصیری، «مفرد مذکر غایب»، از علی مؤذنی. درباره لطف‌ها و امدادهای آن حضرت: «سرود سرخ انار»، از الهه بهشتی، «نیرنگ یاقوت»، از سلمان غدیری، درباره تشریف علمای شیعه به محضر امام: «آبی‌ترین دریا»، و مجموعه نمایش‌نامه «تایکدلی»، از مسعود اسماعیلی. در قالب شعر: «بوی نرگس» از ناصر کشاورز، «انتظار سبز»، منیره پلنگ پوش، «به احترام آفتاب»، گردآوری علی کاظمی.

۷. لزوم ارتباط مستمر و فعال هنرمندان، قصه نویسان، شاعران و فیلم سازان با مراکز دینی و مهدی پژوهی. کسانی باید نقش واسطه و پل ارتباطی میان این دو قشر را ایفا کنند. در احادیث ما حرف های بسیاری است که می تواند در قالب های هنری عرضه شود.

۸. بهره گیری از شیوه های اثرگذار و تربیت کننده و نافذ. حاصل کارهای هنری و ادبی درباره مهدویت، باید تربیت انسان هایی صالح، پرامید، مشتاق و مسئولیت پذیر باشد و در زندگی افراد هم اثر بگذارد، نه صرفاً یک امر قدسی و ماورایی و آرمانی ارائه شود، بی تأثیر در روحیات و رفتار مخاطبان. در کارهای مهدوی، اغلب تأثیر آرزومندی و دعا و شوق است و کمتر محتوای تربیتی و انسان ساز.

۹. در آثار تخیلی و قصه پردازی، آن قدر به فضا سازی های داستانی نپردازیم که چهره غیر واقعی و ناپذیرفتنی از موضوع انتظار و امام زمان عرضه شود، یا مطالبی گفته شود که با مستندات تاریخی و حدیثی ناسازگار است.

۱۰. باید فضایی از تقدیر و تکریم و ارج گذاری برای صاحبان ذوق و هنر و قلم پدید آید که ورود به این عرصه و اثر آفرینی در موضوع مهدویت را وسیله آبرومندی و مایه افتخار بدانند و کسر شأن نپندارند و از برچسب مذهبی خوردن نهراسند. مخالفان می کوشند با تحقیر و استهزاء، اهل قلم را از این عرصه دور نگه دارند.

فخر قلم از تو سخن گفتن است قدر بیان، فضل تو آموختن است

از تو سرودن شرف ماندگار مدح تو گفتن، ادب و افتخار

مهر قبول تو مرا افتخار تا بکند شعر مرا ماندگار

← کتابشناسی مهدویت، مهدویت و محورهای پژوهشی، شعراشتیاق، آسیب شناسی شعر مهدوی، شعر مهدوی.

انتظار و اعتراض

آن چه از مجموع احادیث مهدویت و انتظار برمی آید، آن است که مکتب انتظار، با نگاهی به مدینه فاضله دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و چشم انداز آن حکومت و اوضاع، در پی جامعه ای آرمانی، حکومتی مکتبی، حاکمانی دیندار و متعهد، مردمی عدالت خواه

و روابطی سالم و انسانی است. پس هر چه جزاین‌ها باشد، نامطلوب و مایهٔ اعتراض است. با وجود آن همه حدیث دربارهٔ دوران امام زمان، تسلیم بودن در برابر ستم و حکام فاسد، تن دادن به ذلت، رضایت به وضع موجود و بی‌تحرکی در راه آن اهداف موعود و آرمانی، با «فرهنگ انتظار»، ناسازگار است. داشتن انتظار، یعنی نگاهی حرکت‌آفرین برای رسیدن از «وضع موجود» به «وضع مطلوب». به گفتهٔ استاد حکیمی: «انسان مسلمان که به قرآن کریم معتقد است و آن را کتاب خدا می‌داند و به حضرت محمد ﷺ معتقد است و او را پیامبر و فرستادهٔ خدا می‌داند و تعالیم او را تعالیم الهی می‌شناسد، باید به «مهدی» و «انتظار» معتقد باشد و به «آداب انتظار» عمل کند و خویشتن را برای چنان «ظهور عظیم» آماده سازد.^۱ این نتیجه‌گیری، پایهٔ اعتقاد این نویسنده است که با آن همه حدیث و روای و سند و تألیف و قول صریح و... باید سراسر جهان تستن، پیرو «مذهب اعتراض» باشند و از وجود این ولی بزرگ الهی غافل نباشند. این جاست که دو عنوان «انتظار مثبت» و «انتظار منفی» پیش می‌آید که متفکران و نویسندگان اسلامی معمولاً در مباحث مهدویت مطرح می‌کنند و یکی را عامل تحرک و اقدام و تغییر می‌دانند و دیگری را وسیله و بهانه‌ای برای تسلیم و سکوت و ذلت‌پذیری و تن دادن به وضع موجود.^۲ بر اساس انتظار درست، در عصر سلطهٔ مستکبران و ظالمان و رواج فرهنگ بی‌دینی و فساد، هر که معترض است، منتظر است و هر که منتظر است معترض است. منتظر وضع مطلوب و معترض به وضع موجود. پس در عقیده به موعود، مبارزه هم وجود دارد، به قول شهید مطهری: «ظهور مهدی موعود، حلقه‌ای است از حلقات مبارزهٔ اهل حق و باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد».^۳

یاران عاشق گذشتند، از مرز سرخ شهادت بردند داغ فراق، بر وسعت لاله‌زاران

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۱۰۲.

۲. رک: قیام و انقلاب مهدی، مرتضی مطهری، انتظار مذهب اعتراض، علی شریعتی، مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم، صحیفهٔ نور، امام خمینی، ج ۲۰، ص ۱۹۶، خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.

۳. قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، انتشارات وحی، ص ۶۴.

در عرصه خون و شمشیر، چون پانهی بهر پیکار ریزند سر پیش پایت، از بیم جان تکسواران^۱
 — آیین انتظار، امام خمینی و انتظار فرج، زمینه سازی برای ظهور، اعوجاج فکری.

انتظار و امید

سبک زندگی هر کس بر اساس نگرش و باور و بینش اوست. عقیده به فرجام نیک دنیا در آخر الزمان و انتظار فرج، نوعی مثبت نگری است و امید و انگیزه می آفریند. قرآن می گوید: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲، بندگان صالح من وارثان زمین خواهند شد. این انتظار، امید به زندگی و انگیزه برای تلاش آینده سازان را می افزاید. برخلاف نگاه منفی و مأیوسانه که فرساینده روح است و زداینده امید.

«انتظار فرج»، با ویژگی هایی که در منابع دینی آمده، یعنی داشتن طرحی برای آینده بشریت و جهان و روشن بودن خط مشی آینده، نه مبهم بودن آینده تاریخ. اگر هم ملت ها و آیین هایی امید به آینده دارند، امیدی کلی و مبهم است. ولی در دیدگاه شیعی مشخصات روشن و فراوانی از منجی موعود، اهداف و برنامه هایش، یاران و نیرو هایش، قلمرو جهانی حکومتش، عمق اصلاحات و فراگیری اش. سلوک فردی و اجتماعی اش، وضع جهان در آن عصر و... بیان شده است. انتظار، نشانه آرمان گرایی و در پی جامعه ایده آل بودن و اندیشیدن به وضعیتی بهتر از این است. این حالت منتظره، همراه با کمال جویی و آرمان گرایی، روح امید می دهی و سطح فکرو بینش را هم می افزاید. حرکت تمهیدی هم نتیجه حالت انتظار است و انتظار، امید به جامعه ای پویا و تحوّل گرا و حرکت آفرین را در دل ها زنده نگه می دارد. وقتی این انتظار، همراه با شوق و عشق باشد، رکود و سکون و افسردگی را هم از بین می برد. در دعاها و درودها به آن حضرت با عنوان «الْعَدْلُ الْمُؤَمَّلُ» و عدالت مورد آرزو از او یاد می کنیم. اگر فرموده اند: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»، بر اساس این آثار مثبت آن است. در سخن

۱. عباس براتی پور.

۲. انبیاء، آیه ۱۰۵.

حضرت سجّاد علیه السلام است: «إِنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنَ الْفَرَجِ»^۱، انتظار فرج خودش نوعی و بخشی از فرج و گشایش است و از گشایش های بزرگ است.

عمری به آرزوی وصال تو سوختیم با یاد آفتاب جمال تو سوختیم
ما را اگر چه چشم تماشا نداده اند ای غایب از نظر به خیال تو سوختیم
← آیین انتظار، آثار تربیتی انتظار، انتظار سرخ، زمینه سازی برای ظهور

انتقام ← منتقم

انجمن حجتیه



انجمن خیریه حجتیه مهدویه

تشکیلات مذهبی که با انگیزه مقابله با فرقه بهائیت، توسط شیخ محمود حلبی (متوفای ۱۳۷۶ ش) با همکاری شماری از تاجران مذهبی در سال ۱۳۳۵ ش تأسیس شد. در برخی منابع هم آغاز کار انجمن سال ۱۳۳۲ گفته شده است. در دوران شاه، بهائیان میدان یافته و در عرصه های مختلف سیاسی و اقتصادی کشور نفوذ داشتند و مردم را به کیش استعماری خود جذب می کردند. کسانی با انگیزه های مختلف علیه آنان فعالیت می کردند، از جمله انجمن حجتیه فعال بود. آنان با بزرگنمایی خطر بهائیان به عنوان دشمن اصلی، کاری بارزیم طاغوت نداشتند. از آئین نامه های آنان عدم دخالت در امور سیاسی و تزجدایی دین از سیاست و نهی اعضای انجمن از گرایش به مسائل سیاسی بود. معتقد بودند که قیام های قبل از ظهور امام زمان علیه السلام محکوم به شکست است و جهاد در عصر غیبت رادّ می کردند. با فلسفه مخالف بودند. اعضای این گروه، با انقلاب و حرکت های مردم در نهضت امام خمینی همسو نبودند، بلکه مخالفت می کردند و آن را بی نتیجه می دانستند. در دورانی که انقلابیون زیر شکنجه یا در تبعید و منبری های متعهد از سخنرانی و جلسات ممنوع بودند، آنان آزادی عمل داشتند و از سوی ساواک تعرّضی به آنان نمی شد و جلسات علنی آنان در شهرهای

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

مختلف برپا بود و عمدتاً به نقد بهائیان و کتاب‌های آنان می‌پرداختند. این گروه چون عمدتاً مسائل مهدویت را مطرح می‌کردند به نام «حجتیه» شهرت داشتند. امام اَمّت جشن‌های نیمه شعبان را در سال ۱۳۵۷ منع کرده بود تا اعتراضی به جنایات رژیم شاه باشد و آن ایام را عزای عمومی اعلام کرد، ولی آنان جشن‌های خود را برپا کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عناصری از آنان در بدنه انقلاب و برخی نهادهای حساس نفوذ کردند و حرکت عمومی شان به نحوی در مسیر خلاف با اَمّت انقلابی بود. بعضی هم واقعاً به انقلاب پیوستند.

امام خمینی رحمه‌الله در یکی از سخنرانی‌های خود در سال ۱۳۶۲ به نقد آنان پرداخت و در بخشی از سخنان خود که دعوت به همبستگی ملت و پرهیز از حرکت برخلاف موج انقلاب بود، فرمود: «یک دسته دیگر هم که تزشان این است که بگذارید که معصیت زیاد بشود تا حضرت صاحب بیاید. حضرت صاحب مگر برای چه می‌آید؟ حضرت صاحب می‌آید معصیت را بردارد. ما معصیت کنیم که او بیاید؟ این اعوجاجات را بردارید، این دسته بندی‌ها را برای خاطر خدا اگر مسلمید و برای خاطر کشورتان اگر ملّی هستید، این دسته بندی‌ها را بردارید و در این موجی که الان این ملّت را به پیش می‌برد، در این موج خودتان را وارد کنید و برخلاف این موج حرکت نکنید که دست و پای تان خواهد شکست»^۱.

پس از این موضع‌گیری امام، که آنان را دارای «اعوجاج فکری» و کج اندیشی دانست، انجمن حجتیه طی بیانیه‌ای رسماً انحلال خود را اعلام کرد، ولی افرادی که سابقه عضویت در این انجمن را داشتند، زیرکانه به حضور خود در مراکز مختلف ادامه دادند و همان خط‌مشی را دنبال کردند.

امام خمینی در اواخر عمرش در پیامی مفصل که به مراجع اسلام و روحانیون سراسر کشور داد، مسائل مهم و سرنوشت‌سازی را بیان کرد، از جمله به کارشکنی‌ها و مخالفت‌های متحجران و روحانی نمایان غیرهمراه با جریان نهضت و مقدّس نمایان واپس‌گرا اشاره کرده و نوشتند:

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۶، سخنرانی تاریخ ۶۲/۴/۲۱.

«خطر تحجر گرایان و مقدّس نمایان احمق در حوزه های علمیه کم نیست...»

خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورده است... باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست، از لایه های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند...

طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده اند...

دیروز حجتیه ای ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تراز انقلابیون شده اند...

ولایتی های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند... امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند.^۱

درباره انجمن حجتیه، کتاب ها و نقدهای متعددی نوشته شده است.^۲

← حجت، حجت شناسی، اعوجاج فکری، آیین انتظار

انصار الحجة ← یاران امام زمان (عج)

انکار مهدی (عج)

با وجود دلایل بی شمار و مستندات قطعی درباره امام مهدی و وجودش، امامتش، غیبتش، ظهورش و عدالت گستری اش در سطح جهان، راهی برای انکار او باقی نمی ماند، جز لجاجت یا جهالت یا عداوت. در روایات، نکوهش بسیار از منکران مهدی (عج) شده است. در حدیثی امام صادق (ع) فرمود: هر کس همه امامان را (از نیاکانم و از فرزندانم) بپذیرد، ولی «مهدی» را انکار کند، همچون کسی است که همه پیامبران را قبول داشته باشد ولی حضرت محمد (ص) را انکار کند «كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

۱. همان، ج ۲۱، ص ۹۱ تا ۹۳، تاریخ پیام ۶۷/۱۲/۳.

۲. از جمله رک: «در شناخت حزب قاعدین زمان»، ع. باغی، «ولایتی های بی ولایت»، محمدرضا اخگری، «جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران»، رسول جعفریان، ص ۳۶۸ به بعد.

وَالَّهِ^۱. در حدیثی هم پیامبر خدا ﷺ فرمود هر کس در دوران غیبت او را انکار کند مرا انکار کرده است و هر که او را تکذیب کند مرا تکذیب کرده است، یا به مرگ جاهلیت مرده است.^۲
 ← حجت شناسی، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منکران مهدی موعود.

انواع حضور و غیبت

رهبران الهی از نظر حضور در جامعه و غیبت از مردم، وضعیت های مختلفی داشته اند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از این نظریه ها بهره ای دارد. استاد محمدرضا حکیمی از «وضعیت های پنجگانه حضور و غیبت» که حجت ولی خدا از نظر اعمال ولایت تشریعی و حق حاکمیت اجتماعی دارد چنین یاد می کند:

۱. حاضر و فعال، مانند حضرت موسی به هنگام بسیج کردن بنی اسرائیل و درگیری با فرعون تا سقوط فرعون و فرعونیان، و مانند حضرت محمد صلی الله علیه و آله در دوران ۱۰ ساله مدینه، و مانند حضرت علی علیه السلام در دوران ۵ ساله خلافت.

۲. حاضر و غیر فعال، مانند حضرت عیسی در سالهای نزدیک به بعثت، و مانند علی علیه السلام در دوران ۲۵ ساله خانه نشینی.

۳. حاضر و فعال در پاره ای از ابعاد تکالیف اجتماعی و تربیتی و سیاسی...، مانند ائمه طاهرين علیهم السلام با توجه به شئون مختلف اقدام و حماسه و درگیری های مخفی و غیر مخفی آنان و معارضات ایشان با حکومت های مستکبر و جبار.

۴. غایب، به غیبت های کم زمان (- غیبت صغری) مانند غیبت برخی از پیامبران (- مثلاً حضرت صالح) از قوم خویش و مانند غیبت حضرت حجت بن الحسن در عصر «غیبت صغری».

۵. غایب، به غیبت طولانی (- غیبت کبری)، مانند غیبت کبرای حضرت ولی عصر، مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف.^۳

← غیبت شأنیه و حضرت شئونیه، غیبت، آثار وجودی امام غائب.

۱. کمال الدین، ص ۴۱۱.

۲. همان، نیز ص ۴۱۳.

۳. خورشید مغرب، صفحه ۲۱۳.

اوضاع سیاسی عصر غیبت صغری

شرایط سیاسی دوره غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ ق) همراه با تلاطم تحولات دستگاه خلافت بود. شش نفر از خلفای عباسی این دوره عبارت بودند از: معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹ ق)، معتضد (۲۷۹-۲۸۹ ق)، المکتفی بالله (۲۸۹-۲۹۵ ق)، المقتدر بالله (۲۹۵-۳۲۰ ق)، القاهر بالله (۳۲۰-۳۲۲ ق) و احمد بن مقتدر، بالقب الرضی بالله (۳۲۲-۳۲۹ ق). در این دوره، زمام امور و تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً به دست ترکان بود که در دربارها نفوذ داشتند و در برکناری یک خلیفه یا روی کار آمدن خلیفه دیگر نقش مهم داشتند. جنبش‌های اعتراضی گوناگونی هم در این دوره رخ داد که در تضعیف خلافت مرکزی موثر بود مثل قیام در بصره و خوزستان، فعالیت قرمطیان در نواحی بحرین و شام و عراق، قدرت یافتن فاطمیان در شمال آفریقا، تشکیل امارت‌های خودمختار، قیام زیدیان که قبل از این دوره آغاز شده بود و ادامه داشت و...

فشارها و سختگیری‌ها بر شیعه نیز در این دوره افزایش یافت، چون دستگاه خلافت در پی دست یافتن به جانشین امام یازدهم و وکیلان امام در مناطق مختلف و سران شیعه بود و پیروان اهل بیت در شرایط تقیه به سر می‌بردند و با خوف و خطر از سوی خلفا، ارتباطات پنهانی خود را داشتند. قیام‌های مختلف از سوی دربارها بیشتر به شیعیان نسبت داده می‌شد. از این رو گاهی در توقیعات امام عصر یا تألیفات علمای شیعه نقدی بر عقاید اهل غلو یا اسماعیلیان و قرمطیان دیده می‌شد و به طور کلی آثار و عواقب جنبش‌های اعتراضی دامنگیر شیعیان می‌شد و اوضاع را دشوار می‌ساخت. شیعیان خط امام از این شورش‌ها فاصله می‌گرفتند و علما نیز اغلب در زمینه مباحث کلامی و فقه و حدیث و تدوین روایات معصومین کوشا بودند تا مکتب اهل بیت را در آن آشفته بازار اندیشه‌ها و گرایش‌ها و ادعاهای و رواج مناظرات، از خطرات حفظ کنند و پاسخگوی شبهات و سؤالات مختلف باشند.^۱

← زمینه سازی برای غیبت، آخر الزمان.

۱. با استفاده از «دانشنامه امام مهدی (عج)»، ج ۳.



ایام الله

یوم الله وایام الله، یعنی روز خدا، روزهای خدا. از آنجا که همه روزها به خدا تعلق دارد، پس همه روزها ایام الله است. ولی روزهایی که اراده و قدرت الهی بیشتر جلوه کرده و به عنوان روزهای بزرگ، تاریخی و سرنوشت ساز است، «یوم الله» نامیده می شود، چه روزهای قهر و غضب الهی بر گروهی، چه روزهای

لطف و عنایت ویژه پروردگار. از این رو، روز قیام امام مهدی هم که آغاز تحوّل بزرگ در جهان و سرنوشت انسان هاست، «یوم الله» به حساب می آید و باید گرامی داشته شود، چون هم روز نعمت بزرگ الهی بر بشریت است، هم روز انتقام الهی از ستمگران و طاغوت ها و هم روز ظهور قدرت غیبی پروردگار.

امام باقر علیه السلام فرمود: «ایام الله سه روز است: روز قیام قائم، روز رجعت و بازگشت و روز قیامت.»^۱ خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمان می دهد که روزهای خدا را به یاد مردم آورد.^۲ حضرت علی علیه السلام هم در نهج البلاغه، از کسانی یاد و ستایش می کند که در برهه های زمانی مردم را به یاد ایام الله می اندازند.^۳ و در نامه به کارگزار خود در مکه (قثم بن عباس) هم می نویسد که حج را برای مردم به یاد او ایام الله را به یادشان آور «فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ، وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ...»^۴.

روز حکومت جهانی مهدی و تحقق اراده الهی بر شکست همه طاغوت ها و پیروزی حجت قائم و امام زمان و گسترش عدل در همه گیتی، روزی بزرگ و استثنایی است و یوم الله بزرگ است. همچنان که امام خمینی رحمه الله، روزهایی چون ۱۷ شهریور، ۲۲ بهمن و ۱۵ خرداد را «ایام الله» می دانست و به بزرگداشت خاطر آنها توصیه می کرد و می فرمود: «۱۷

۱. معانی الأخبار، صدوق، ص ۳۶۶، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۵.

۲. ابراهیم، آیه ۵.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲ (یذکرون بایام الله).

۴. همان، نامه ۶۷.

شهریور از «ایام الله» است که ملت شریف ایران، یاد او را زنده نگه می دارد.^۱
 «بعد غیبی مهدی موعود علیه السلام، چگونگی غلبه بر جهان، شیوه های فراطبیعی.

ایرانیان در عصر ظهور

در احادیث مهدویت، برای برخی مناطق و گروه ها نقش پررنگ تر و بیشتری بیان شده است. یکی از آنها نقش ایرانیان است که گاهی با تعبیر عجم (ملت های غیر عرب) آمده است، گاهی فرس، گاهی مشرق و اهل مشرق و قوم سلمان، از جمله در حدیث علوی که از خیمه های قرآن آموزی عجم در مسجد کوفه به مردم دیگر یاد شده است.^۲ پیش از ظهور نیز احادیث در مورد پرچم هایی از سوی خراسان یا قیام مردمی در مشرق که در پی حق اند و در نهایت پرچم را به دست صاحبش می دهند نکاتی دیده می شود. «در برخی احادیث، اشاره شده است به حضور فعال «عجم» در جامعه مهدی، البته مقصود از عجم، ملت های غیر عرب است، ولیکن به احتمال قوی، بیشترین مصداق آن در هنگام ظهور، ایرانیان خواهند بود، به ویژه که مرکز ثقل تشیع نیز در ایران است، این سرزمین مقدس، به هر حال، شرق (-شرق کشورهای اسلامی) و خراسان (-سرزمین خورشید طالع) و طالقان و ایران و مکه مکرمه و مدینه منوره و نجف اشرف و کوفه، در جریان ظهور حق مطلق، نقش هایی عمده دارند...»^۳

در احادیث مربوط به زمینه سازان دولت مهدی هم از آنان یاد شده است. همچنین از خروج پرچم سیاه از خراسان و فرماندهی شعیب بن صالح...^۴ در حدیث است که: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، يُؤَيِّدُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»^۵. نیز صحبت از گنجینه هایی برای امام زمان در طالقان است که طلا و نقره نیست، بلکه مردانی با ایمان و یقین و قلب هایی استوار و

۱. صحیفه نور، جلد ۹، ص ۶۳ و ۶۵. به نکات علامه طباطبائی در ذیل آیات ایام الله در «المیزان» دقت شود؛

ج ۱۳، ص ۱۴ و ج ۱۸ ص ۱۷۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۳. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۳۸۰.

۴. المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی، ص ۵۹۶، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۵. همان، ص ۵۹۹.

اراده‌هایی پولادین اند که اهل فتح و پیروزی اند و به وسیله آنان خداوند امام حق را یاری می‌کند،^۱ که به یاران ایرانی آن حضرت تفسیر شده است.

مجموعه این احادیث نشان می‌دهد که ایرانیان و قوم سلمان، چه در دوره غیبت باقیام‌ها و حرکت‌های زمینه‌ساز، و چه در آغاز ظهور آن حضرت و یاری و جانفشانی و مراحل بعد، از یاوران خاص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف اند و در صف منتظران واقعی قرار می‌گیرند.

در رهت به انتظار، صف به صف نشسته‌اند کاروانی از شهید، کاروانی از بهار^۲
سقم، قائم، قیام، یاران امام زمان، زمینه‌سازان ظهور.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۲. علیرضا قزوه.

ا
 ب
 ب
 ب
 ت
 ث
 ج
 چ
 ح
 خ
 د
 ذ
 ر
 ز
 ژ
 س
 ش
 ص
 ض
 ط
 ظ
 ع
 غ
 ف
 ق
 ک
 گ
 ل
 م
 ن
 و
 ه
 ی

ب . پ . ت

باب

باب به معنای درست و در اصطلاح، کسی که واسطه ارتباط یک شخصیت با دیگران و محرم اسرار او باشد، باب او محسوب می شود. امامان معصوم، هر کدام بابی داشتند که یار خاص و حامل علوم و واسطه انتقال معارف به دیگران بودند، و شیعیان از طریق آنان سؤالات و خواسته هایشان را به امام می رساندند. باب امام سجاد علیه السلام یحیی بن امّ طویل بود و باب امام صادق علیه السلام نیز جابر جعفی. سفرای اربعه در عصر غیبت صغری باب امام زمان علیه السلام بودند. در زمان غیبت صغری، کسانی به دروغ، مدعی بودند که باب و نایب و وکیل آن حضرت اند. پیدایش فرقه بهائیت در ایران هم از همین جا آغاز شد، علی محمد باب، ابتدا خود را باب حضرت حجت نامید، سپس ادّعی امام زمانی کرد و گروهی را گمراه ساخت. ← بهائیت، مدعیان مهدویت، آسیب شناسی مهدویت، متمدی.

باب الله

یکی از القاب امام زمان علیه السلام است، یعنی واسطه فیض الهی، در احادیث، امامان به عنوان «باب الله» معرفی شده اند. امام صادق علیه السلام امامان را باب الله می داند «نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ، وَنَحْنُ بَابُ اللَّهِ»^۱، امیرالمؤمنین علیه السلام هم فرموده است: «أَنَا بَابُ اللَّهِ»^۲. امام صادق علیه السلام حضرت علی علیه السلام را باب خدا دانسته است «كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ»^۳.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۹۶.

این‌ها می‌رساند که امامان معصوم وسیلهٔ تقرب به خدا، اسباب شناخت دین و معرفهٔ الله و واسطهٔ فیض پروردگارند و هر که بخواهد به خدا برسد باید از این دروازه شود. همچنان که خود رسول خدا ﷺ هم باب الله بود و یکایک امامان نیز چنین بودند.^۱ براین اساس، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم باب الله است. در آغاز زیارت آل یاسین، او را «باب الله و دین دینه» خطاب می‌کنیم و در دعای ندبه هم با همین عنوان سراغ او را می‌گیریم و استغاثه می‌کنیم: «أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى». همچنان که به فرمودهٔ پیامبر خدا ﷺ که «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» (منم شهر علم و علیم در است) امامان، درگاه ورود به علم و حکمت و رحمت و فیض الهی اند و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم درگاهی الهی است که هر که بخواهد به رحمت و فیض خدا برسد باید از این طریق وارد شود.

← نام‌ها و اوصاف و القاب، حجت، حجت‌شناسی.

بابی‌گری ← بهائیت

بال سرخ شهادت، بال سبز انتظار

آن‌چه به یک جامعه، انگیزهٔ حرکت و قیام و فداکاری می‌دهد، یکی «فرهنگ شهادت طلبی» است، دیگری امید به آینده‌ای روشن در سایهٔ عدالت و آزادی. این دو مقوله، یکی در «فرهنگ عاشورا» نهفته است، دیگری در «فرهنگ انتظار» یکی از گذشته است، دیگری از آینده. هر دو موضوع هم در نگرش دینی و شیعی جایگاه ممتازی دارد. البته ضلع سوم این فرهنگ شیعی «فرهنگ غدیر» و امامت است.^۲

مشهور است که «فوکویاما»، تاریخ‌نگار ژاپنی و تبعهٔ آمریکا و مطرح‌کنندهٔ تئوری جنگ آخر الزمان در مؤسسهٔ پژوهشی پنتاگون در سال ۱۳۶۵ که در دورهٔ جنگ تحمیلی پس از عملیات خیبر، کنفرانسی اسرائیلی را برگزار کرد، با عنوان «بازشناسی هویت شیعه» از تشیع به عنوان مرغی که با این دو بال پرواز می‌کند و اوج می‌گیرد یاد کرده و گفته که باید این دو بال را قیچی

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. دلیل نامگذاری سه تألیف نویسنده به نام‌های: فرهنگ عاشورا، فرهنگ غدیر و فرهنگ انتظار همین است.

کرد.^۱ براساس همان نقل، فوکویاما د رکنفرانس اورشلیم با عنوان «بازشناسی هویت شیعه» می‌گوید: «شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست، پرنده‌ای که دو بال دارد: یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده، مهدویت و عدالتخواهی است و بال سرخ شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است. شیعه بعد سؤمی هم دارد که اهمیتش بیشتر است. این پرنده زرهی بنام ولایت‌پذیری به تن دارد و قدرتش با شهادت دوچندان می‌شود، شیعه عنصری است که هرچه او را از بین می‌برند، بیشتر می‌شود.

ادامه می‌دهد: برای پیروزی بزرگ ملت باید میل مردم را تغییر داد... ابتدا ولایت فقیه را خط بزنید، در گام بعد شهادت طلبی این‌ها را به رفاه طلبی تبدیل کنید. اگر این دو تا را خط زدید، خود به خود اندیشه‌های امام زمانی از جامعه شیعه رخت می‌بندد... شما بیایید برای غرب هم امام زمان و کربلا و ولی فقیه بتراشید. اگر این دو فرایند تحقق یافت، خود به خود اندیشه‌های امام زمانی و عدالت طلبانه از جامعه ایران رخت می‌بندد.^۲

به هر حال، اگر نقل کلام او هم موثق نباشد، اصل مطلب یک حقیقت روشن است، دشمنان چون با مفهوم این دو عنصر نتوانستند مقابله کنند، به تحریف و بدل‌سازی در مورد این دو پرداختند. تا حقیقت انتظار و عاشورا را بی‌خاصیت کنند و سعی کنند در حد یک سلسله شعائر سطحی نگه دارند. از این رو فرهنگ عاشورا و مهدویت را نشانه رفته‌اند.

سوژه بال سرخ شهادت و بال سبز انتظار، مفاهیم خوبی را نشان می‌دهد. بر این اساس، فعالیت‌های فرهنگی مختلفی هم انجام گرفته است. از جمله نمایشگاهی با همین نام و عنوان در سال ۱۳۹۲ ش در مهدشت ابرقو.

س. آسیب شناسی مهدویت، انجمن حجّتیّه، پیوند حسین (علیه السلام) و مهدویت.

۱. هر چند برخی این سخنان را غیر مستند می‌دانند و می‌گویند خودش در سال ۸۹ این سخنان و حضور در آن کنفرانس را تکذیب کرده است.

۲. نقل از سایت‌ها و جراید دهه شصت و خبرگزاری فارس در اسفند ۱۳۸۷ و سایت خبری عصر ایران، ۱۵ بهمن ۸۸.

بداء در وقت ظهور

«بداء» که به معنای آشکار شدن نظر و اراده اصلی است، از موضوعات اعتقادی است و مقصود از آن، این است که خداوند گاهی در موردی، حکمی یا اراده‌ای را ابلاغ می‌کند و به نظر می‌رسد که حکم اصلی و ابدی همین باشد، ولی پس از مدتی عوض می‌شود و روشن می‌گردد که مسأله قبلی، اصلی و ابدی نبوده و اراده اصلی روشن می‌شود، یا به سبب برخی حوادث تغییر می‌یابد، نظیر نسخ در احکام الهی که در قرآن بیان شده و آیات ناسخ و منسوخ داریم. در مورد وعده الهی با حضرت موسی علیه السلام هم ابتدا قراری روزه بوده است که ده شب دیگر به آن اضافه می‌شود تا چهل شب تمام گردد: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِهَا» و این گونه موارد را به تعبیر علامه مجلسی نباید دروغ حساب کرد و از جمله موارد آن هم زمان قیام قائم و تعیین زمانی برای آن از سوی ائمه است، برای امید بخشی به شیعه.^۱ از برخی روایات بر می‌آید که در مورد حکومت ائمه و دوره عدالت فراگیر، خداوند زمان خاصی را تعیین کرده بوده که ظهور انجام گیرد، ولی به سبب افشای راز و عدم کتمان که از سوی بعضی پیروان انجام گرفته و بی‌تعهدی نسبت به رازداری داشته‌اند، با اراده الهی به تأخیر افتاده است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: آیا آن امر، زمان خاص دارد که تا فرارسیدن آن دوره، آسوده خاطر باشیم؟ امام فرمود: آری، ولی شما آن را فاش کردید و خدا بر مدت آن افزود: «بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ أَذَعْتُمْ فَرَادَ اللَّهُ فِيهِ».^۲ با آن که در روایات، از توقیت نهی شده و امامان فرموده‌اند ما وقتی تعیین نمی‌کنیم و تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند «كَذِبَ الْوَقَّاتُونَ»^۳، ولی تعیین وقت مورد اشاره بوده که در آن بداء حاصل شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: آزمایش و بلاتا سال ۷۰ بوده است و پس از آن آسودگی است. چون واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام پیش آمد، خشم الهی بر زمینیان سخت شد و آن تا سال ۱۴۰ به

۱. اعراف، آیه ۱۴۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۰.

۳. همان، ص ۱۰۵.

۴. همان، ص ۱۰۴.

تأخیر افتاد. ما به شما در این باره سخن گفتیم، ولی شما آن را فاش ساختید و پرده‌ها را کنار زدید، خداوند هم آن را به تأخیر انداخت و پس از آن نزد ما وقتی برای آن تعیین نشده است، خدا هر چه را بخواهد محو و اثبات می‌کند و ام‌الکتاب نزد اوست.^۱

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمود: «یا اسحاق! انّ هذا الأمر قد أخر مرتّین»^۲، این مسأله دوبار به تأخیر افتاده است. در حدیث دیگر نوع دیگری از زمان و عدد سال‌ها بیان شده است و علامه مجلسی در تبیین این اعداد و توضیح اینگونه احادیث مشکل که در تطبیق آن با تاریخ حوادث و این که مبدأ زمان را از بعثت یا هجرت باید حساب کرد، مناقشه و بیانی دارد که علاقه‌مندان مراجعه کنند.^۳ پس حصول بداء برای خداوند در امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمان آن، مسأله‌ای مورد بحث در میان علماست و بهتر که به همان نهی از توقیت و پرهیز از تعیین زمان ظهور توجه کنیم.

← توقیت.

برکات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ← آثار وجودی امام غایب

بشارت منجی ← اشارات و بشارات

بشر بن سلیمان

تاجر برده فروشی که از فرزندان ابویوب انصاری و از شیعیان خاصّ امام هادی و امام عسکری علیه السلام و همسایه آنان در سامرا بود. امام هادی علیه السلام غلامش «کافور» را در پی او فرستاد و به او مأموریت داد که به بغداد رود و در روز معینی کنار پل بغداد حاضر شود و چون کشتی حامل اسیران رسید، کنیز خاصی را (که همان نرجس، مادر امام زمان بود) بخرد. او هم طبق دستور رفت و از عمرو بن سعید آن کنیز را خرید و نزد امام هادی علیه السلام آورد. در نهایت، او همسر امام عسکری علیه السلام شد و حضرت مهدی از او به دنیا آمد. داستان در کتب حدیث و تاریخ،

۱. همان، ص ۱۰۵ و ۱۱۷.

۲. همان، ص ۱۱۷، حدیث ۴۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۵.

مفصل آمده است.^۱

← نرجس خاتون، حکیمه خاتون.

بعد غیبی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

در ابعاد و بخش‌های مختلف موضوع مهدویت و امام زمان، بعد غیبی و الهی و فوق بشری آن دیده می‌شود و ماجرای حضرت بقیه الله را نمی‌توان تنها با جنبه علمی و طبیعی تحلیل کرد. در آغاز مسأله و تداومش و تحققش و فرجامش قدرت خدا جلوه‌گراست.

هم اصل موضوع (ذخیره‌سازی یک منجی برای فرجام تاریخ در قالب غیبت و ظهور، بعد متافیزیکی دارد، هم حوادث بارداری، تولد، نهان زیستی، حفاظت از دشمنان، عمر طولانی... متکی به قدرت فوق بشری است، هم سیمای مهدی و شخصیت و قهرمان این مسأله، غیبی و غیرعادی است، هم ظهورش و تشکیل حکومت در سطح جهان با مقیاس‌های طبیعی قابل تحلیل نیست. اینک نگاهی جزئی‌تر به ابعاد ماورایی این مسأله:

۱. طرح عدالت جهان شمول و حکومت قسط جهانی و وراثت صالحان و برچیده شدن بساط ستمگران در عالم، ایده‌ای الهی و قرآنی است که از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم اطلاع‌رسانی شده است. (← مهدی در قرآن).^۲ مسأله استخلاف در روایات فراوان هم مطرح است. این عقیده، تنها مخصوص شیعه نیست، در مذاهب دیگر و در ادیان آسمانی و باور همه ملت‌ها وجود دارد.

۲. شباهت‌های متعدد میان سرگذشت حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل و نجات آنان و زوال فرعونیان، با تولد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت و ظهورش و نوید امن و امان در عالم، گوشه‌ای از بعد فوق طبیعی جریان را می‌رساند. (← شباهت‌های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موسی).

۳. ماجرای شگفت و معجزه‌آسای ملیکا (نرجس، مادر امام زمان) و رؤیای او و به هم خوردن مراسم ازدواجش با برادرزاده قیصرروم و اسارتش در جنگ و خریداری شدنش توسط

۱. از جمله: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۴۶.

۲. رک: قرآن کریم، قصص ۵، نور ۵۵، انبیاء ۱۰۵، توبه ۳۳ و... .

امام هادی علیه السلام و مادری او برای حجت خدا، همه و همه سناریویی شگفت و خارج از روال طبیعی است (← نرجس خاتون).

۴. اختفای بارداری مادرش، نحوه ولادتش در نیمه شعبان، دخالت فرشتگان در مورد تولد او، سجده و تکلمش هنگام ولادت، کتمان ولادتش، ناکامی تلاش دستگاه خلافت برای یافتن و دستگیری او، گوشه دیگری از بُعد غیبی مسأله است.

۵. طول عمر بیش از هزار سال، پنهان زیستی اش در این مدت، نقش اراده خدا در زمان ظهورش، حوادث شگفت آخر الزمان در طلیعه قیام آن منجی، جوان بودن او هنگام ظهور، فیض رسانی او به عالم و آدم از ورای پرده غیب و به تعبیر روایات: همچون خورشید پشت ابر، جلوه دیگری از نقش قدرت الهی در این مسأله است. امام عسکری علیه السلام فرمود: «مَثَلُهُ مَثَلُ الْخَضِرِ وَمَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقُرْنَيْنِ . إِنَّ الْخَضِرَ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يُنْفَخَ فِي الصُّورِ»، مثل آن حضرت، مثل خضرو ذوالقرنین در ظلمات است، خضر از آب حیات نوشید، پس زنده است و نمی میرد تا در صور دمیده شود.

زان چشمه حیات که در کوی دوست بود تا روز حشر، ملک سکندر گرفته ایم^۱
امام رضا علیه السلام در حدیثی به ابابصلت هروی در مورد علامات حضرت قائم فرمود: «عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمُنْظَرِ حَتَّى إِنَّ النَّاطِلَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا»^۲ علامت او آن است که با آن که سن او بسیار است و سالخورده است، ولی چهره اش جوان است و هر که او را بنگرد، می پندارد که چهل ساله یا کمتر است.

۶. در روایات است که خداوند، کار او را یک شبه سامان می دهد «يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ»^۳.

۱. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۸۳، (آیه الله صافی در ذیل این احادیث، بحث مبسوطی در پاورقی همین کتاب، ص ۲۷۲ دارد).

۲. عطار نیشابوری.

۳. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۸۶.

۴. همان، ص ۲۹۲.

۷. امام باقر علیه السلام فرمود: قائم از ما، با رُعب یاری می شود، با نصرت الهی یاری و تأیید می گردد، زمین زیر گام های او در نور دیده می شود، گنجینه های زمین برای او آشکار می گردد، حکومتش به شرق و غرب جهان می رسد: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَتُظْهِرُهُ الْكُنُوزُ، يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ».^۱

درباره تأیید او با امدادهای غیبی و سپاهی از فرشتگان و پیشرفت کارها با رعبی که خدا در دل دشمنان می افکند و این که یارانش هر جا باشند صدایش را می شنوند و فرمان او را در می یابند، با طیّ الأرض در صبح ظهور خود را به او می رسانند، حتی سنگ ها و صخره ها محلّ اختفای دشمنان مشرک و کافرش را لوم می دهند و گرگ و میش و گاو و شیروانسان و مار، با کمال امنیت با هم همزیستی می کنند.^۲

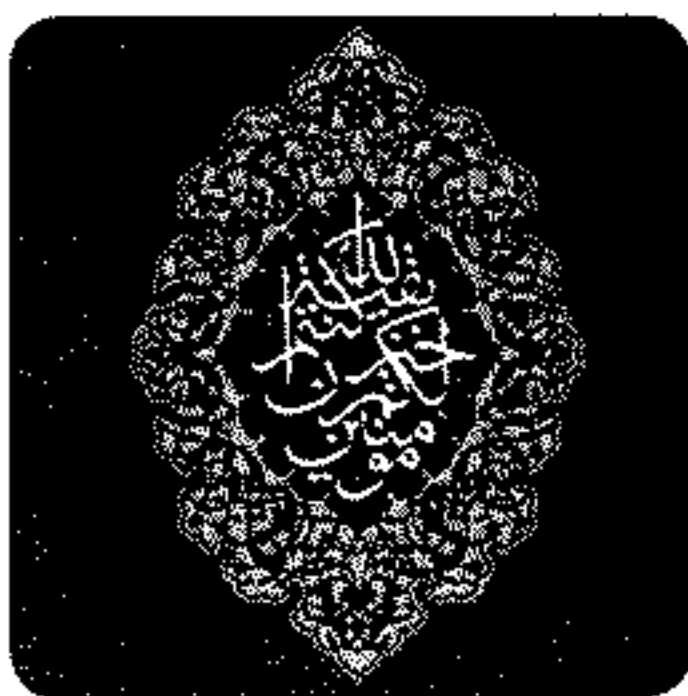
از این گونه مطالب و روایات فراوان است و همه نشان می دهد که مسأله آخر الزمان و دولت کریمه جهانی حضرت مهدی بعد غیبی و الهی دارد و فراتر از معادلات طبیعی و بشری است.

رواق منظر چشم من آشیانه توست کرم نما و فرود آ، که خانه خانه توست

تو قطب عالمی ای شهسوار، ورنه چرا که توسنی ز ملک، رام تازیانه توست^۳

عوامل غیبی و بشری، معجزات امام زمان، سپاه رعب، ویژگی های امام عصر علیه السلام، چگونگی غلبه بر جهان.

بقیة الله



از لقب های مشهور امام زمان علیه السلام است، به معنی آن چه خدا باقی گذاشته است. ریشه آن به آیه «بَقِيتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۴ برمی گردد که حضرت شعیب وقتی مردم گرانفروش را موعظه می کرد، در مورد زیاده خواهی و حرص آنان گفت: آن چه را خداوند از درآمدهای مشروع

۱. همان، ص ۳۰۰.

۲. همان، ص ۳۰۴، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۸ و ۳۸۸.

۳. فیض کاشانی.

۴. هود، آیه ۸۶.

برای شما باقی گذارد، برایتان بهتراست، اگر مؤمن هستید، پس هر خیری که خدا برای انسان بخواهد و هر شخصی که خداوند برای هدایت بشر باقی بدارد «بقیة الله» است. از این رو امام زمان نیز که بازمانده عترت پیامبر و امام باقی مانده از دوازده امام و ذخیره الهی برای نجات بشر و مبارزه باستم است، «بقیة الله» است.

این تعبیر، در روایات مربوط به امام عصر علیه السلام و زیارت نامه ها فراوان به کار رفته است. امام باقر علیه السلام در روایتی که جزئیات ظهور آن حضرت را و این که نخستین سخن او در کنار کعبه، همین آیه است، نقل می کند، از قول امام عصر بیان می کند که می فرماید: من بقیة الله و حجت خدا و خلیفه او و حجت خدا بر شمایم. آنان هم که به او سلام می دهند، می گویند: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».^۱ در روایت است وقتی احمد بن اسحاق به محضر امام عسکری علیه السلام می رسد و از او درباره امام پس از او سؤال می کند، آن حضرت هم حضرت مهدی سه ساله را نزد او می آورد و نشان می دهد، وی نشانه و علامت اطمینان بخشی می طلبد. حضرت مهدی علیه السلام چنین می گوید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُسْتَقَمُّ مِنْ أَعْدَائِهِ»^۲ من بقیة الله در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدایم. در دعای ندبه هم «أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ؟» آمده است. در زیارت جامعه نیز از امامان به عنوان «بقیة الله» یاد شده است.

این تعبیر و عنوان، نشان دهنده لطف خدا بر بندگان است که همیشگی است و پایان ندارد و همواره در روی زمین حجتی از سوی خداوند موجود است که راهنمای مردم به سوی حق و ادامه دهنده خط نورانی پیامبران است و باید به خدا و حجت او امیدوار بود.

طلوع مغربی آفتاب، نزدیک است جهان به ورطه یک انقلاب نزدیک است
ز سمت کعبه می آید صدای ابراهیم شبی که بتکده گردد خراب نزدیک است^۳
← نام ها و اوصاف و القاب، مهدی در قرآن، وارث سنت های انبیایی.

۱. اثبات الهداة، شیخ حر عاملی، ج ۷، ص ۳۹۲، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۲۵، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۲. کمال الدین، ص ۳۸۴ و ۳۳۱.

۳. غلامرضا رزمی.

بهائیت

یکی از فرقه‌های استعماری و ساخته و پرداخته انگلیس که ادعای دروغین مهدویت برای «علی محمد باب» داشتند. خلاصه پیدایش فرقه از این قرار است: جاسوسی به نام «کنیاز دالگورکی» در سال ۱۸۳۴ میلادی به قصد مبارزه با اسلام، به عراق رفت و لباس روحانیت پوشید و با سید علی محمد شیرازی که از شاگردان سید کاظم رشتی بود طرح دوستی ریخت و به او اصرار کرد که خود را حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بنامد. علی محمد از کربلا به بصره و سپس به بوشهر رفت و ادعا کرد که نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و «باب» او (واسطه و نماینده خاص) محسوب می‌شود. پس از آن ادعا کرد که خود مهدی است و به شیراز رفت و با ادعاهای خود عده‌ای را فریفت. علمای شیراز در مقابل او موضع گرفتند و هوادارانش فتنه‌ها به پا کردند. وی دستگیر و محاکمه و زندانی شد و پس از آزادی به اصفهان رفت. جاسوس روسی تلاش کرد تا موقعیت او تثبیت شود. او دوباره دستگیر و به تبریز اعزام شده و محاکمه گردید و در زمان ناصرالدین شاه قاجار اعدام گردید. پس از او حسین علی بهاء و میرزا یحیای صبح ازل راه او را ادامه دادند و با ادعای مهدویت، جمعی را فریفتند و ماجراهای بسیاری در جهان اسلام و در ایران و ترکیه و فلسطین اشغالی پیش آمد. بساط پیروان این فرقه از کشورهای اسلامی برچیده و در اسرائیل گسترده شد. پیروان این فرقه را به لحاظ علی محمد باب، «بابیه» و به جهت حسین علی بهاء، «بهائیه» گویند.^۱ سران این فرقه، کتاب‌هایی جعل کردند و با ادعای این که به آنان وحی شده، پس از ادعای نبوت، ادعای الوهیت هم کردند. در ایران، «انجمن حجتیه» بیشتر برای مبارزه با افکار و تبلیغات این گروه استعماری و منحرف تأسیس شد. علی محمد باب پس از محاکمه، در سال ۱۲۶۶ ق در تبریز تیر باران شد.

۱- انجمن حجتیه، قادیانی‌گری، مدعیان مهدویت، آسیب‌شناسی مهدویت، باب.

۱. برداشتی خلاصه از «امام مهدی از ولادت تا ظهور»، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۵۷۳.

بیت الحمد

سرای حمد و ستایش، ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه. امام باقر علیه السلام فرمود: برای صاحب الأمر، اتاق و خانه‌ای است که به آن «بیت الحمد» گفته می‌شود. از روزی که آن حضرت به دنیا آمده، تا روزی که با شمشیر قیام کند، همواره چراغی در آن روشن است و می‌درخشد: «لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ يَتَنَبَّأُ لَهُ بَيْتُ الْحَمْدِ فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ مِنْذُ يَوْمٍ وَلَدَ إِلَى يَوْمٍ يَقُومُ بِالسَّيْفِ»^۱، ولی چگونگی و مکان آن و این که در دنیا است یا در بهشت یا در آسمان، روشن نیست.

— ویژگی‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

بیت المقدس — قدس

بیداء — خسف در بیداء

بیست و هفت حرف علم

از ویژگی‌های عصر ظهور، کمال علم و عقل در بشر است. این که در روایات آمده که هرگاه قائم ماقیام کند، خداوند دست او را بر سر بندگان می‌گذارد و بدین وسیله عقل و خرد آنان به کمال می‌رسد: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»^۲ از نشانه‌های آن کمال عقلی است. در حدیث امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حُرُوفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا»^۳ دانش، بیست و هفت حرف است، همه آن چه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم تا امروز جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، چون قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند، بیست و پنج حرف را هم بیرون می‌آورد و میان مردم پخش می‌کند و آن دو حرف را هم به آن‌ها ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف را پخش و نشر کند.

۱. کتاب الغیبه، طوسی، ص ۴۶۷.

۲. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۷۰.

۳. همان، ص ۱۷۱.

این حدیث‌ها نشان‌دهنده رشد علمی در عصر ظهور است.

← سیمای جهان در عصر حضور، شکوفایی عقل و علم.

بیعت

عهد و پیمانی که میان امت و امام بسته می‌شود و به مقتضای آن، تعهد اطاعت و اجرای فرمان و یاری داده می‌شود. در دعای عهد، شیعه منتظر هر روز صبح در طول عمرش با امام زمانش عهد و پیمان می‌بندد و آن عهد را تجدید می‌کند که یاور امام زمان خود باشد «اللّٰهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ... عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي». در روایات آغاز ظهور آن حضرت نیز آمده است که اصحاب امام زمان، در مسجد الحرام و کنار کعبه، بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند.^۱ میثاق دیگری بین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او در طلیعه ظهور بسته می‌شود و بر رعایت شیوه‌ها و خصلت‌های ۳۰ گانه با امام بیعت می‌کنند و متعهد می‌شوند که دستورهای دین را در ارتباط با خود و مردم و پیشوای خود به کار بندند.^۲ بیعت، میان بیعت‌کنندگان با حاکم اسلامی تعهداتی به وجود می‌آورد و شکستن بیعت نیز از خلاف‌های بزرگ به شمار می‌آید. ← عهدنامه یاران مهدی، رکن و مقام.

پاداش دینداری در عصر غیبت

ارزش هر عمل به تناسب سختی‌های آن است. در عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که مردم از فیض دیدارش محروم‌اند و اسباب و عوامل فاصله گرفتن از دین خدا و تبلیغات مخالفان هم بسیار است، دینداری و اطاعت از خدا و پای‌بندی به ارزش‌های الهی، هم دشوارتر است، هم پاداش مضاعف دارد و توصیه‌های مؤکد به صبر و ثبات در آن دوره، روی همین اساس است.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از شما اقوامی می‌آیند که یک نفر از آنان پاداشی به اندازه پنج‌جاه نفر از شما را دارد. گفتند: یا رسول الله! ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما

۱. کمال الدین، ص ۲۸۵.

۲. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۲۸.

بودیم و قرآن در میان ما نازل شده است. فرمود: شما اگر آن چه را آنان متحمل می شوند تحمل می کردید، همچون آنان صبر و مقاومت نداشتید.^۱ در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: بر مردم زمانی خواهد آمد که امامشان از آنان غایب می شود. خوشا به حال آنان که در آن زمان بر امر ولایت ما استوار بمانند. کمترین پاداش آنان این است که خدای متعال به آنان ندا می دهد: ای بندگان من! شما به سر من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید، مؤده باد به شما به پاداش نیکوی من، شما به راستی که بندگان من هستید...^۲

در حدیث جالب دیگری امام صادق علیه السلام به عمار سباطی می فرماید که عبادت پنهانی و همراه با خوف و خطر در دوره حکومت باطل و غایب بودن امام، افضل از عبادت در دوره ظهور حق و همراه با امام ظاهر است، مثل صدقه پنهانی که از صدقه آشکار برتر است، عبادت خائفانه هم در دولت باطل چنین است (و حسنات و پاداش های آن را می شمرد). دلیل این افضل بودن را چنین می فرماید: چون در آن دوره، شما به دین خدا وارد می شوید و با وجود امام پنهان، خدا را پنهانی و همراه با ترس از دشمنانتان می پرستید، منتظر دولت حقیق، بر جان امامتان و بر خودتان نگران و بر حق خودتان و حق امامتان که در دست ستمگران است بیم دارید، بر دین خود صبر می کنید و پروردگارتان را اطاعت می کنید، از این رو خداوند پاداش مضاعف به اعمال شما می دهد، گوارایتان باد.

راوی می گوید: با این حساب چرا تمنای آن را داشته باشیم که از اصحاب قائم علیه السلام در دوره ظهور دولت حق باشیم؟ امروز که با امامت شما و اطاعت از شما، از اصحاب دولت حق برتریم. امام، با تبیین آثار و برکات دوره حکومت حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: «سبحان الله! آیا دوست ندارید که خدای متعال، حق و عدالت را در همه شهرها آشکار و حاکم سازد، حال عموم مردم خوب شود، مردم با وحدت کلمه و همدلی و الفت زندگی کنند، در روی زمین معصیت خدا انجام نشود، حدود الهی در میان بندگان اجرا گردد و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۴۵.

حق به صاحبش برگردد و حق را چنان آشکار و غالب سازند که هیچ کس از احدی ترس نداشته باشد و پیرو حق گردد؟ به خدا سوگند ای عمار! هر کس در حال و شرایطی که شما دارید از دنیا برود (عبادت و بندگی در حال خوف و خطر ظالمان) نزد خداوند برتر از بسیاری از کسانی است که در بدر و احد شرکت داشتند. پس بشارت باد بر شما!

پس امروز که عصر غیبت است و ظالمان بر جهان مسلط اند و شیاطین جن و انس در فاصله انداختن بین مردم و ارزش های اخلاقی می کوشند، حفظ ایمان و عمل طبق وظیفه، برتر است و پاداش بیشتری دارد.

← دینداری در عصر غیبت.

پانزدهم شعبان ← نیمه شعبان

پرچم قائم

پرچم، نشانه و علامت یک حکومت و دولت است. اهتزاز پرچم هم نماد قدرت و استقرار و برپایی یک حکومت یا سپاه و تشکیلات است. در روایات است: وقتی مهدی ظهور کند، بر بلندای کوفه می ایستد، پرچم رسول خدا ﷺ را می گشاید «يَنْشُرُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ»^۱، همراه او پرچم رسول خدا ﷺ است. جبرئیل این پرچم را برای او می آورد و ۱۳ هزار فرشته که همگی منتظر قائم بوده اند، فرود می آیند، وقتی پرچم را می گشاید، هیچ مؤمنی نمی ماند مگر آن که دلش مانند پاره های آهن «زُبُرُ الْحَدِيدِ» محکم می شود. شعار پرچم آن حضرت «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» و به نقلی «اسْمَعُوا وَ اطِيعُوا» است که هم دعوت به بیعت با خدا و پذیرش حکومت الهی است، هم دعوت به اطاعت و فرمانبرداری.^۲ به روایتی دیگر شعار پرچم او «الرَّفْعَةُ لِلَّهِ» است.^۳

این که پرچم پیامبر در دست اوست و جبرئیل برایش می آورد، می رساند که راه او راه پیامبر، دعوتش دعوت رسول و هدفش همان هدف الهی است و دولت کریمه او امتداد

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۷.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۳۱۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۵.

۴. همان، ص ۳۲۴.

همان شیوه است، چون امام مهدی، احیاگردین حق و سنت نبوی است. روز ظهور و دوره حکومتش، روز پیروزی بزرگ برای حق و عدالت و یکی از ایام الله است و او پرچم هدایت و دین را می‌گستراند و به امتزاز در می‌آورد، پرچمی که نشان اقتدار حق و حاکمیت الله است. از این رو در دعای ندبه از آن امام، به این صورت یاد شده است: «أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرِ رَايَةِ الْهُدَى»، کجاست آن صاحب روز پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت؟

← سیره مهدوی و سیره نبوی، پرچم‌های سیاه.

پرچم‌های سیاه

«رایات السود» یا پرچم‌های سیاه، از جمله موضوعاتی است که در روایات علائم ظهور آمده است. امام باقر علیه السلام فرمود: پرچم‌های سیاه از خراسان بیرون می‌آید و به سوی کوفه می‌رود. وقتی مهدی ظاهر شد، آنان را به بیعت دعوت می‌کند.^۱ خروج پرچم‌های سیاه از جانب خراسان که در روایات متعددی آمده، حکایت از قیام‌هایی دارد که در آستانه ظهور از سرزمین خراسان (قسمت وسیعی از ایران و افغانستان و تاجیکستان و ...) اتفاق می‌افتد و افراد زیر این پرچم‌ها از یاران امام و همراهان نهضت آن حضرت‌اند. برخی این پرچم‌ها را اشاره به قیام سیاه‌جامگان (افراد ابومسلم خراسانی) دانستند که بنی عباس را روی کار آوردند، ولی قرائن بیشتری آن را مربوط به آخر الزمان می‌سازد که هدف و مسیر نهایی آنان به سمت قدس است و فرمانده آنان هم صالح بن شعیب نام دارد و از زمینه‌سازان حکومت مهدی علیه السلام هستند.^۲ این سپاه، بی‌ارتباط با سید خراسانی نیست که در احادیث به جنبش و قیام او نیز اشاره شده است.^۳ در حدیث نبوی آمده است: هرگاه دیدید که رایات سود (پرچم‌های سیاه) از سوی خراسان آمدند، خود را به آن پرچم‌ها برسانید، اگرچه خویشتن را به روی برف بکشید، زیرا که مهدی خلیفه الله در میان آنان است. پرچم‌هایی سیاه از سوی خراسان می‌آیند، مردمی که با آن پرچم‌ها حرکت می‌کنند، دل‌هایی دارند چنان پاره‌های پولاد... آنان راهبان

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۱۷.

۲. عصر الظهور، کورانی، ص ۱۷۸.

۳. به پژوهشی درباره روایات «رایات سود» در جلد ۶ دانشنامه امام مهدی علیه السلام ص ۶۰ مراجعه کنید.

شب اند و شیران روز^۱

از خراسان برسند آن همه رایات سیاه
عیسی آنکه به نماز آید و موسی به طواف
ای خوش آن حسن جهانگیر که یک جلوه او
از سرای عجم و ملک عرب می گذرد^۲
← سید خراسانی، زمینه سازان ظهور، پرچم قائم، علائم ظهور.

پرچم یمانی ← خروج یمانی، یمانی

پیاده روی اربعین و آخر الزمان



طبق آن چه وعده داده شده، قرار است
در آخر الزمان و دوره حکومت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف،
«مدینه فاضله» تشکیل شود و مردم جهان
در سایه دولت کریمه آن حضرت، در صلح
و صفا زندگی کنند، کینه ها برود، ایثار و
گذشت در روابط انسانی شکل گیرد، همه
عالمیان زیر یک پرچم و با نام یک رهبر
زندگی کنند، پیروان ادیان دیگر، به منجی

موعود لبیک بگویند، تنها اسلام همه جا حاکم و مورد عمل و پیروی قرار گیرد، مسیحیان
هم پشت سر حضرت مسیح، به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا کنند، هر که هر چه دارد در اختیار قرار
دهد، مسلمانان از مسلمان سود نگیرد، همه جا امنیت باشد، بساط سلطه گران برچیده شود،
و خیلی جلوه های زیبای دیگر که نوید آن در کتب و بشارت ها آمده است.

رسیدن به این مرحله، مقدمات می خواهد. شرایط را باید فراهم ساخت، زمینه سازی باید
کرد و بستر تحقق آن جامعه موعود را به وجود آورد. به نظر می رسد حرکت جهانی اربعین و

۱. خورشید مغرب، ص ۴۱۲، به نقل از البرهان، علاء الدین متقی، ص ۱۴۷.

۲. همان، ص ۴۵۲.

این پیاده روی ده‌ها میلیونی از چهار سوبه سمت «کربلا» با محوریت عشق به امام حسین و جلوداری «پرچم کربلا» و شعار «لبیک یا حسین» در راستای این چشم انداز موعود، قابل توجه و تأمل و تفسیر باشد.

وقتی تجمع‌های خیلی کوچکتتر، بازتاب گسترده در رسانه‌های غربی پیدا می‌کند، ولی نسبت به این راهپیمایی عظیم، بی سرو صدا از کنارش می‌گذرند و در سکوت خبری رسانه‌های غربی و آمریکایی برگزار می‌شود، معنا و مفهوم دیگری می‌یابد. امروز اربعین، تنها یک روز دینی و مذهبی نیست، وقتی اهل تسنن و مسیحی و ایزدی و از شرق و غرب با تفکرهای گوناگون در آن شرکت می‌کنند، می‌توان آن را روزی «بین‌الدیانی» و «بین‌المللی» حساب کرد. اربعین خودش به عنوان بزرگترین رسانه جهان، الهام بخش جهان آشوب زده است و می‌توان آن را قدرت نرم شیعه و اقتدار دشمن شکن دانست که می‌تواند تبدیل به قدرت سخت شیعه هم بشود. تأثیر آن در خنثی سازی توطئه‌های داعش در عراق نیز روشن است. پس اگر آن را «رسانه جهان» بدانیم، گراف نیست. آن چه در پیاده روی اربعین محسوس و مشهور است، بعد غیبی و ماورائی آن است که فراتر از نقشه‌های معمولی افراد است و یک مدد غیبی در آن نهفته است و علاوه بر اخوت ایمانی و دینی، «اخوت انسانی» را هم به نمایش می‌گذارد و تمرینی برای یکپارچگی و وحدت و یگانگی الهی، برای مقابله با گسست‌های اجتماعی و پارگی‌های دنیای مدرن است. دیگران هم به این بعد قضیه اشاره کرده‌اند.

«هنری کسینجر» وزیر خارجه سابق آمریکا در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۳ از تأثیر انقلاب اسلامی ایران گفت و با تعبیر «امپراتوری پارس» یا امپراتوری ایران از آن یاد کرد و افزود: نوعی کمر بند شیعی از تهران تا بغداد و از آن جا تا بیروت شکل گرفته است. این وضعیتی، این فرصت را به ایران می‌دهد تا امپراتوری پارس باستان را این بار با عنوان شیعی احیا کند.

وی در سال ۱۳۹۶ هم همین اظهارات را خطاب به ترامپ، رئیس جمهور وقت آمریکا تکرار کرد و گفت: «ساخت یک امپراتوری (چه پارسی، چه ایرانی، چه اسلامی، چه شیعی)

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

به نوعی نیروی برتر فرهنگی و فکری محتاج است که بتواند بیرون از قدرت تکنیکی، تبلیغی، سیاسی و فکری غرب مدرن، عرض اندام کند. ایران به چنین شرایطی - ست یافته و ایجاد چنین امپراتوری در جهانی که تحت سلطه تمدن غرب است، فقط با یک تمدن رقیب و جدید و پیرانرژی ممکن است، اربعین می تواند طلعه این نگاه جهانی و فراملی باشد.»

پرفسور روسی، الکساندر دوگین مسیحی هم در راهپیمایی اربعین شرکت کرده و می گوید: «این پیاده روی، نشانه ای مهم از آمادگی برای یک تحوّل معنوی جهانی و آخرالزمانی است. من به عنوان یک مسیحی ارتدوکس، با رویکرد آخرالزمانی انقلاب اسلامی که خود را حرکتی آماده گری برای ظهور مسیح و مهدی می داند موافقم و امیدوارم با آن حادثه عظیم که پیروان همه ادیان منتظر آن هستند، فاصله زیادی نداشته باشیم. پیاده روی اربعین به یک حادثه آخرالزمانی شباهت بیشتری دارد تا یک حادثه عادی و معمولی. ما و همه کسانی که در جستجوی عدالت و معنویت در دنیای ظلمت و ستم زده مدرن هستیم، باید با همدیگر متحد شویم و این پیاده روی جلوه ای از این اتحاد است»^۱.

فرهنگ
انتظار

این همان حرکت تمهیدی و زمینه ساز است که در روایات مربوط به آخرالزمان و در آستانه ظهور مطرح است و عمق تمدن دینی را نشان می دهد که در تعاملات مردم آخرالزمان به ظهور خواهد پیوست و همه برخوردی ایثارگرانه و محبت آمیز با خود خواهند داشت.

یکی از بزرگان می گوید:^۲ «گاهی ۲۳ میلیون و گاهی ۳۰ میلیون نفر در مراسم اربعین شرکت می کنند. این جمعیت در آن جا چگونه پذیرایی می شوند؟ از چه کسانی پذیرایی می شوند؟ از همان افرادی که هشت سال با یکدیگر جنگیدند. وقتی این رابطه را به تمدن غرب دادید، دولت را دشمن یکدیگر کرد، ولی وقتی که آن را به تمدن اسلامی می دهید، همان کشور دشمن را به بهترین دوست شما تبدیل می کند. اگر این جمعیت میلیونی اربعین را به دست غرب می دادید، بزرگترین بازار اقتصادی را به راه می انداخت و هر چیزی را به برابر می فروخت،

۱. روزنامه قدس، ۴ مهر ۱۴۰۰ ش، مقاله «نسبت پیاده روی اربعین و آخرالزمان».

۲. گفتار آیه الله حائری شیرازی، روزنامه قدس، مهر ۱۴۰۰.

چون تقاضا وجود داشت، ولی آیا دولت و مردم عراق در برابر امکاناتی که برای شما فراهم می‌کنند، پولی دریافت می‌کنند؟ کجای عالم این کار را می‌کند؟ ... برادرم می‌گفت: در سفر پیاده از نجف به کربلا به اصرار شخصی وارد منزل او شدیم. او لگنی آورد و گفت: «اجازده دهید پاهایتان را بشویم» و برادرم زیر بار این کار نمی‌رفت و گفت: نیازی نیست. این میزبان لگن را گذاشت و روبه حرم حسین بن علی علیه السلام ایستاد و با اشک گفت: «یا ابا عبدالله! ببین زائرت چقدر بخیل است و نمی‌گذارد من ثواب ببرم! ... اربعین این گونه انسان را به انسان گره می‌زند. انسانی که تمدن غرب او را خشک و فاقد محبت می‌کند... اگر می‌خواهید نهال دوستی بنشانید، باید اربعین را به عنوان پرچم کشتی تمدن اسلامی به عالم نشان دهید. این تمدن می‌تواند چنین کند. رسانه‌های غربی یک سرسوزن از جریان‌های اربعین را منعکس نمی‌کنند، آنها ناراحت هستند که شما چنین دریای محبتی دارید.»

نویسنده‌ای دیگر می‌نویسد: «وقتی زائران سید الشهداء علیه السلام در پیاده روی اربعین شرکت می‌کنند، تابلویی در انتهای حرکت آن‌ها وجود دارد که برنامه‌های حیات سالم همراه با مبارزه با جهالت‌ها و بدعت‌ها و ظلم و ستم را برایشان ترسیم می‌کند... اربعین پدیده‌ای تمدنی است که بخشی از نیازهای انسان خسته از خرافات، ظلم‌ها و بدعت‌ها را پاسخ می‌دهد... اربعین با فطرت آدمی سازگاری و همخوانی دارد. وقتی زائر در مسیر پیاده روی اربعین قرار می‌گیرد، در طول مسیر هر چه به امام و اربعین می‌اندیشد خواسته‌های خود را می‌یابد. برای همین هم این حضور برایش لذت بخش است، چون اربعین یک تلاقی و همبستگی و وابستگی عقلانی عاطفی در انسان ایجاد می‌کند... هر انسانی در این فضا قرار بگیرد، مدینه فاضله را به دور از تبعیض‌ها، فخر فروشی‌ها، نژادپرستی‌ها و تفاوت‌ها درک می‌کند و با یکرنگی و همدلی، ذیل لوای سید الشهداء علیه السلام جمع می‌شوند. این‌ها مردم را جذب اربعین کرده است.»^۱

این که در راهپیمایی اربعین، از کشورهای غیر اسلامی (اروپا و آمریکا) هم حضور دارند و

۱. روزنامه قدس، ۴ مهر ۱۴۰۰، مقاله «اربعین، تمدن معنویت و اخلاق»، عباس نصیری فرد.

مسیحیان و غیرمسلمانان هم قدم در این راه نهاده و دوش به دوش و پا به پای حسینیان و عاشورائیان حرکت می‌کنند، جلوه‌ای دیگر از بعد آخر الزمانی این ماجرا است. روایت‌های متعددی از راهپیمایان غربی و غیرمسلمان در رسانه‌ها و مطبوعات منعکس می‌شود.^۱ نشریه آمریکایی «هافینگتون پست» در مقاله‌ای به مناسبت زیارت اربعین حسینی می‌نویسد:

«اربعین بزرگترین گردهمایی جهان است و با این وجود، احتمالاً شما تا کنون چیزی در مورد آن نشنیده‌اید. اربعین هر تجمع دیگری را در نظر کوچک می‌کند و در سال گذشته جمعیت آن به مرز ۲۰ میلیون شرکت کننده رسید، این رقم حدود ۶۰٪ کل جمعیت عراق است. اربعین یک ویژگی عجیب دیگر دارد: در حالی که واقعه صرفاً در ارتباط با امور معنوی شیعیان است، ایزدی‌ها، زرتشتی‌ها و صابئین در هر دو فعالیت زیارت و خدمت به سایر زائرین و نیازمندان شرکت می‌کنند. این یک ویژگی منحصر به فرد است که به یک رخداد مذهبی داده شده است و تنها می‌تواند یک معنی داشته باشد: مردم فارغ از رنگ پوست و عقیده‌شان، حسین را به عنوان یک نماد جهانی و بدون مرز آزادی و شفقت می‌شناسند.»^۲

در این تجمع و راهپیمایی، عنصر عشق و محبت به جای عنصر رسانه و ارتباطات عمل می‌کند و موج فرهنگی نوینی را در جهان پدید می‌آورد. همچنان که امام حسین علیه السلام جایگاه ویژه‌ای در بین ادبا و نویسندگان غیرمسلمان دارد و حتی مسیحیان درباره‌ی عاشورا و سید الشهداء علیه السلام کتاب نوشته و تحلیل دارند، اربعین حسینی هم توجه‌های زیادی را به این فرهنگ و بعد ماورائی آن جلب کرده است. این همان چیزی است که در حرکت موعود جهانی و در آخر الزمان و عصر ظهور، به روشنی و گستردگی و عمق بیشتر رخ خواهد نمود.

← پیوند حسین علیه السلام و مهدویت، صلح جهانی.

۱. کتاب «موکب آمستردام»، از بهزاد تشکر، روایت‌ها و گفته‌هایی از کسانی است که از لندن، آمستردام، کپنهاک، هامبورگ و لاهه به راهپیمایی آمده‌اند و دل‌باخته‌ی حسین علیه السلام شده‌اند.

۲. نقل از فضای مجازی، در تاریخ ۴ خرداد ۱۴۰۰.

پیر جوان نما

از مختصات و ویژگی‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سیمای جوان اوست که با گذشت سالیان دراز و عمر طولانی، به قدرت الهی جوان و شاداب می‌ماند و نیروی جسمی و نشاط او هم جوانانه است. در روایات متعدد آمده است که او در قیافه و سیمای جوان ظاهر می‌شود. از امام رضا علیه السلام پرسیدند: علامت قائم وقتی ظهور کند چیست؟ فرمود: «عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمُنْظَرِ...»^۱، نشانه او آن است که سن او زیاد، ولی منظرو سیمای او جوان است و وقتی کسی به او می‌نگرد او را چهل ساله یا کمتر می‌بیند و از علامت او این است که با گذشت شب‌ها و روزها پیر نمی‌شود تا آن که اجل او فرا برسد. در روایاتی هم سی ساله ذکر شده است، در حدیثی این وضعیت او از جمله آزمون‌ها به شمار آمده که مردم او را پیرو سالخورده می‌پندارند، ولی او به صورت جوان آشکار می‌شود.^۲

ارباب زمین، امیر تاریخ، بیا تا نخل ستم برکنی از بیخ، بیا

از قول همه منتظران می‌گویم: ای پیرترین جوان تاریخ، بیا

— طول عمر، سیمای مهدی، و ویژگی‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیشگویی‌های نوستر آداموس ← نوستر آداموس

پیوند حسین علیه السلام و مهدویت

میان امام حسین علیه السلام و حادثه عاشورا و شهادت آن حضرت و قضایای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباط‌هایی وجود دارد:

۱. احادیث متعددی می‌گوید آن حضرت، از فرزندان حسین علیه السلام و نهمین فرزند از نسل اوست. «تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ، وَالتَّاسِعُ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۲۸۷.



مهدی‌هم»^۱.

۲. در احادیثی امام حسین علیه السلام به وجود و غیبت و عمر طولانی و ظهورش و عدالت گستری‌اش در جهان اشاره فرموده است، از جمله: «قَائِمُ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ...»^۲.

۳. زیارت ناحیه مقدسه که از سوی امام زمان علیه السلام است سوگنامه مفصلی از عاشورا و شهادت آن حضرت و یاران و فرزندان و برادران اوست. (← زیارت ناحیه مقدسه)

۴. امام زمان علیه السلام منتقم و خونخواه سید الشهداء علیه السلام است و از القاب او «منتقم» است. «اِنَّ الظَّالِمَ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا» (← منتقم، نائر، یالثارات الحسین)

۵. هنگام ظهور، وقتی به مسجد الحرام می‌رسد، بین رکن و مقام، خود را امام قائم و منتقم معرفی می‌کند و خود را زاده حسین معرفی می‌کند که عطشان به شهادت رسیده است: «يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا»^۳.

۶. در دوره رجعت قبل از قیامت و در دوران ظهور امام زمان، اولین کسی که در پی آن حضرت ظهور می‌کند و رجعت خواهد داشت، حسین بن علی علیه السلام است. به فرموده امام صادق علیه السلام: «أَوَّلُ مَنْ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا، الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ»^۴. امام عصر، انگشتر به او می‌دهد و هم اوست که عهده دار غسل و کفن و دفن حضرت قائم است، و حکومتی طولانی هم خواهد داشت. در روایت است اولین کسی که پس از امام زمان حکومت را به دست می‌گیرد، حسین بن علی علیه السلام است.^۵

۷. به نقل روایات، وقتی حضرت حجت قیام کند، ذریه و نسل قاتلان حسین علیه السلام را هم می‌کشد. راوی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: آیا فرزندان از نسل قاتلان را به جرمی که

۱. منتخب الأثر، ج ۱، ص ۱۴۲ و صفحات دیگر.

۲. کمال الدین، ص ۳۱۷.

۳. سیمای جهان در عصر امام زمان، ج ۱، ص ۴۶۸ (به نقل از الزام الناصب ۲/۲۸۲).

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶ و ۱۰۳.

۵. همان، ص ۴۶، حدیث ۱۹.

پدرانشان مرتکب شده اند می کشد؟ مگر نه این که هرکسی مسئول اعمال خویش است؟ امام می فرماید: درست است، ولی نسل آن قاتلان به کار پدرانشان و نیاکانشان راضی اند و به آن افتخار می کنند و هرکس به فعل دیگری راضی باشد، مثل آن است که خودش مرتکب آن شده باشد: «... لَكِنَّ ذَرَارِي قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَرْضَوْنَ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ وَيَفْتَخِرُونَ بِهَا وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ...»^۱.

۸. پس از ظهور امام عصر علیه السلام امام حسین علیه السلام همراه هزاران نفر، به علاوه ۷۲ یابوری که با او شهید شدند ظاهر می شوند و به یاری امام زمان می پردازند و یاران حسین علیه السلام یاران اویند. این در حدیث مفصلی آمده است که مفصل از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.^۲

۹. پیاده روی اربعین امام حسین علیه السلام با میلیون ها جمعیت از کشورهای مختلف و مذاهب گوناگون و با همدلی و محبت و ایثار، نمونه ای از جامعه پراز صلح و صفا و اتحاد دوران مهدی موعود است و اربعین، بُعد آخر الزمانی یافته است.

۱۰. در زیارت وارث، حسین علیه السلام وارث آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد علیه السلام معرفی شده است. امام زمان وقتی ظهور کند، خود را اولی از همه به آدم و ابراهیم و پیامبران الهی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله معرفی می کند و خود را بازمانده و بقیه آدم و نوح و ابراهیم و محمد و... اعلام می کند.^۳

۱۱. قیام حسین علیه السلام، برای احیای دین اسلام و زدودن بدعت ها و تحریف ها و تجدید سنت نبوی و ادای تکلیف امر به معروف و نهی از منکر و زنده کردن احکام تعطیل شده قرآن بود. امام زمان هم طبق روایات متعدد، در خطبه ای که در آغاز قیامش در مکه ایراد می کند، از مظلومیت اهل بیت و از بدعت ها و دگرگونی ها در امر دین و احیای سنت های فراموش شده و احیای احکام قرآن سخن می گوید، تا حدی که مردم می پندارند دین تازه و قرآن جدیدی آورده، در حالی که احیاگر احکام فراموش شده قرآن است.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۱۶.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۵.

۱۲. شباهت یاران امام حسین علیه السلام و یاران مهدی، ارتباط دیگری میان این دو امام و دو حادثه را می‌رساند. همگونی و همسانی اصحاب امام حسین علیه السلام در کربلا و یاران امام عصر علیه السلام پس از ظهور، نشان می‌دهد که شهدای کربلا و یاران مهدی در صفات و ارزش‌هایی همچون بصیرت و بینش، عشق و فداکاری در راه حجت خدا، دین‌مداری و تکلیف محوری، تبعیت محض از امام، عهد و پیمان با ولی خدا و دست از حمایت نکشیدن و وفاداری به میثاق، مانند هم‌اند.^۱

۱۳. انگیزه آفرینی عاشورا و انتظار برای حرکت‌های اجتماعی و مبارزه با ستم و تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی و عدالت محور، پیوند دیگری میان امام حسین علیه السلام و مهدویت و بین شهادت و انتظار را می‌رساند و اهمیت دو بال سرخ شهادت و سبز انتظار را تبیین می‌کند.^۲

ای کعبه مقدس توحید	ای قبله مدینه ایمان
میراث دار خط شهادت	خونخواه کربلا و شهیدان
یاران با وفای تو از جان	آماده‌اند و گوش به فرمان ^۳

← پیاده روی اربعین، منتقم، یالثارات الحسین، بال سرخ شهادت و بال سبز انتظار.

تربیت مهدوی کودکان

تربیت دینی و مذهبی فرزندان و انتقال فرهنگ ولایی و محبت اهل بیت به آنان، از وظایف والدین و مربیان و معلمان است و باید شیوه‌های آن را آموخت.^۴ نسبت به موضوع امام زمان علیه السلام و مهدویت و تربیت کودکان و نوجوانان نیز همین تکلیف وجود دارد. پدران و

۱. کتاب «الحركة الاصلاحية من الحسين الى المهدي»، سید صدرالدین القبانچی (مرکز تخصصی مهدویت، قم) مجموعه سخنرانی‌های نویسنده کتاب در ایام محرم ۱۴۲۶ ق است که بر محور تشابهات و مشترکات و متمایزات قیام حسینی و قیام مهدوی انجام گرفته است و در زمینه ارتباط بین این دو حرکت اصلاحی و انقلابی، مفید است.

۲. به مدخل «بال سرخ شهادت، بال سبز انتظار» مراجعه کنید.

۳. از نویسنده.

۴. ر. ک: عشق برتر (راه‌های ایجاد محبت اهل بیت در کودکان و نوجوانان)، جواد محدثی.

مادران می‌توانند با رعایت ظرفیت فکری و پذیرش کودکان و با رعایت سیرت‌دریجی، مطالبی مناسب با ذهن آنان را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انتقال دهند. از جمله به کار بستن نکات زیر، در آشنایی بیشتر فرزندان با فرهنگ مهدوی مؤثر است:

۱. صحبت‌های پیوسته در خانه درباره امام زمان ۲. نقل داستان‌هایی از تشریف یافتگان به محضر امام زمان ۳. اختصاص دادن بخشی از کتابخانه منزل به کتب مربوط به امام زمان و متناسب برای استفاده کودکان ۴. آموزش ادب و احترام نسبت به امام زمان در خانه ۵. ترویج سلام دادن همه روزه به آن حضرت و خواندن دعای فرج ۶. استفاده از تابلوهای زیبای مهدوی در خانه ۷. پرهیز از طولانی شدن جلسات و برنامه‌های مهدوی جهت حفظ اشتیاق کودکان ۸. هدیه دادن به کودکان در پایان جلساتی همچون نیمه شعبان یا دعای ندبه ۹. خواستن از آنان که در مناسبت‌های مختلف شعریا مطلبی درباره آن حضرت بخوانند ۱۰. تشویق به حفظ کردن برخی دعاها، آیه‌ها، شعرها و سرودها درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۱. خواستن از آنان که نامه‌ای به امام عصر بنویسند ۱۲. سفرهایی همچون زیارت حرم‌ها و مسجد جمکران ۱۳. تهیه نرم‌افزارهای جذاب مهدوی و نواها و نغمه‌های امام زمانی در گوشی‌های همراه و تبلت‌ها ۱۴. صحبت از محبت‌ها و عنایت‌های امام زمان به شیعیان و پیروان ۱۵. تشویق به خاطر اسامی مرتبطی که دارند و ایجاد حس خوشحالی به سبب نامشان، یا نام مدرسه و کلاس و کوچه و مسجدشان ۱۶. آموختن شعرهای زیبا و ساده و توشیح مناسب، مثلاً شعر:

مانند خورشید، در پشت ابری هم با شهامت، هم کوه صبری

هم پاک و زیبا، هم مهربانی یعنی امام و صاحب زمانی

شیوه‌های دیگری را نیز خودتان می‌توانید برای انس و محبت کودکان با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار بندید.

— زندگی مهدوی، آثار تربیتی انتظار، کودکان و مهدویت.

تسمیه (نام بردن)

نام بردن، ذکر نام کسی، در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از بحث‌های فقهی این بوده که آیا

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

تسمیه (نام بردن)



در عصر غیبت آن حضرت، جایز است نام اصلی او را به صراحت بر زبان آورد، یا باید با القاب گوناگون از او یاد کرد؟ نام آن حضرت، «محمد» است و در کتاب‌های قدیم، براساس همین بحث، گاهی به صورت «م ح م د» می‌نوشتند تا صراحتاً نام او را نگفته باشند.

در احادیث از قول پیامبر خدا ﷺ بارها آمده

است که نام او نام من و کنیه او کنیه من است، یعنی نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم است. اما این که درباره تصریح به نامش اختلاف است و برخی آن را ممنوع می‌دانند و برخی مجاز، به روایات برمی‌گردد و هر گروه از علما هم برای نظر خود، استدلال‌هایی دارند. شیخ صدوق در روایات غیبت، فصلی را با عنوان «النهی عن تسمیة القائم» گشوده و احادیثی را آورده که از آوردن نام آن حضرت نهی می‌کند.^۱ و در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که «وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ»^۲. در برخی روایات نیز که مؤدّه ولادتش را می‌دهد، نام «محمد» در آن‌ها ذکر شده است. علمای بزرگ درباره همین مسأله کتاب‌های مستقلی نگاشته‌اند، مثل میرداماد که «شريعة التسميه حول حرمة التسميه» را نوشته است.^۳ بعضی آن را مطلقاً ممنوع دانسته‌اند، برخی تا قبل از ظهور، بعضی هم در حال تقیه، برخی هم آن را مختص دوره غیبت دانسته‌اند.^۴

به نظر می‌رسد آن نهی‌ها یا تحریم‌ها در زمان تقیه شیعه و وجود خطر برای جان آن حضرت و رعایت اصول پنهان‌کاری بوده که سفارش شده از او با لقب و با کنایه یاد کنند. در یکی از

۱. کمال الدین، ص ۶۴۸.

۲. همان، ص ۳۳۳ و ۳۳۸.

۳. با تحقیق رضا استادی و انتشارات «مهدیه میرداماد»، نیز: رساله تحریم تسمیه، شیخ سلیمان الماحوزی و کشف التعمیه فی حکم التسمیه، شیخ حر عاملی.

۴. رک: تاریخ الغیبة الکبری، محمد الصدر.

توقیعات شریف آن حضرت، به گفته علی بن عاصم کوفی آمده است که: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَانِي فِي مُحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ»^۱، ملعون است کسی که در محفلی از مردم، از من نام ببرد. ظاهراً این سخن نیز می‌رساند که برای رعایت شرایط خوف و خطر است.^۲ در پاورقی کتاب صدوق، آمده است که این‌گونه روایات، حمل می‌شود بر دوران بنی عباس نه زمان ما، چون آن موقع، زمانه سختی بود و نام بردن از او خطراتی داشت و امروز آن شرایط نیست. و از قول علی بن عسی اربلی نقل شده است که: شگفتا از شیخ طبرسی و شیخ مفید که می‌گویند ذکر نام و کنیه او جایز نیست، در حالی که خودشان می‌گویند او همانم و هم کنیه رسول خدا ﷺ است و خیال می‌کنند که نام و کنیه او را نگفته‌اند و این عجیب است. آن چه به نظرم می‌رسد این است که این منع و نهی، مربوط به زمان خوف بوده، چون (دشمنان) در طلب او بودند و از او جويا می‌شدند، ولی حالا چنان نیست.^۳

ابو خالد کابلی خدمت امام باقر علیهما السلام رسید و ضمن گفتگویی درخواست کرد که نام و مشخصات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را برایش بگوید تا او را به نام بشناسد، امام فرمود: ای ابا خالد، سؤال سختی کردی! از چیزی پرسیدی که اگر قرار بود به کسی بگویم به توهم می‌گفتم... آنگاه خطرات آن را می‌گوید.^۴ پس از شهادت امام عسکری علیهما السلام برخی از شیعیان از ابو عبد الله صالحی خواستند که از نام و مکان آن حضرت بپرسد و به آنان بگوید. جوابی از ناحیه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) آمد که: اگر نام مرا به آنان بگویی آن را فاش می‌کنند و اگر جای مرا بدانند، دیگران را به آن مکان دلالت می‌کنند (لومی دهند).^۵ همه این‌ها مقطعی بودن دستور نهی از ذکر نام را نسبت به دوره خوف و خطر و احتمال دست یابی دشمنان به آن حضرت می‌رساند. در روایات متعددی هنگام نقل حدیث از امام عسکری علیهما السلام از او با عنوان «ابا محمد»^۶ یاد شده

۱. کمال الدین، ص ۴۸۲، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳.

۲. در این زمینه از جمله رک: دانشنامه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳. کمال الدین، صدوق، ص ۳۶۹ و ۴۸۳ (پاورقی).

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۱.

۵. همان، ص ۳۳.

۶. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹.

که نوعی تصریح به نام امام زمان است. شیخ مفید هم در عنوان دلایل امامتش با «القائم بالحق، محمد بن حسن» یاد می‌کند.^۱

تو کیستی، ز کدامین قبیله‌ای ای ماه
که از نظاره‌ات آینه‌ها درخشیدند
ز نسبت تو و نام تو، در دل ایام
بسان آینه، آدینه‌ها درخشیدند^۲
«م.ح.م.د»، نام‌ها و اوصاف و القاب، ویژگی‌های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)

تشرّف یافتگان

مقصود کسانی‌اند که در دوران غیبت صغری و غیبت کبری توفیق ملاقات و دیدار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) را داشته‌اند و تشرّف آنان در روایات و کتب شرح حال انعکاس یافته است. البته خیلی از آنان که توفیق ملاقات داشته‌اند، این راز سربه مهر را بازگو نکرده‌اند (آن را که خبر شد، خبری باز نیاورد).

۱. بعضی‌اوقات در دوران خردسالی و زمان امامت امام عسکری (عجل الله تعالی فرجه) دیدار کرده‌اند، همچون عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، فرزندان مهزیار در اهواز، فرزندان رکولی در کوفه، فرزندان نوبخت در بغداد، گروهی از مردم قزوین، قم و شهرهای دیگر که در پی شناخت امام بعد از حضرت عسکری (عجل الله تعالی فرجه) بودند و مورد اعتماد امام یازدهم قرار داشتند.

۲. گروهی که در دوران ۶۹ ساله غیبت صغری توفیق دیدار داشته‌اند، که مرحوم صدوق نام آنان را ذکر کرده است، همچون محمد بن ایوب، محمد بن عثمان، یعقوب بن منقوش، طریف ابونصر، عبدالله سوری، احمد بن اسحاق قمی، ابراهیم بن مهزیار، عثمان بن سعید، علی بن مهزیار، شیخ مفید، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سیمری و ... که چهار نفر از این افراد، «نواب اربعه» آن حضرت بودند.^۳ صدوق، حکایات این جمع را نقل کرده است.

۳. کسانی که در عصر غیبت کبری به حضور آن حضرت رسیده‌اند. البته ادعاهای

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۳۴۲.

۲. عباس شبخیز.

۳. کمال الدین، صدوق، ص ۴۳۴ تا ۴۷۹.

زیادی وجود دارد که بعضی از آن‌ها دروغ است یا ثابت نشده است، مواردی هم هست که سند معتبر دارد و علمای بزرگ آن‌ها را نوشته‌اند و بعضی از معاصرین هم در این مورد تألیفاتی داشته‌اند، از جمله: سید هاشم بحرانی در «تبصرة الولی فی من رأى القائم المهدی»، میثمی عراقی در «تذکرة الطالب فی من رأى الامام الغائب»، مرحوم نوری در «دار السلام»، سید جمال الدین طباطبایی در «بدایع الکلام فی من اجتمع بالإمام»، میرزا محمد نقی الماسی در «البهجة فی من فاز بلقاء الحجة»، جواد جعفری در «شرح وصال»، میرزا علی اکبر نهاوندی در «العبری الحسنان»، مرحوم نوری در «التجمل الثاقب» و «جنة المأوی»، علامه مجلسی در «بحار الأنوار»، جلد ۵۲ و دیگران^۱ و شیخ عباس قمی در «منتهی الآمال»، و مرحوم قزوینی در «الامام المهدی من المهد الى الظهور»^۲.

از جمله کسانی که نام آنان در میان تشرّف یافتگان دیده می‌شود اینان‌اند: اسماعیل هرقلی در سامرا، محمد بن عیسی در بحرین، سید احمد جبل عاملی، سید عطوة حسنی، سید بحر العلوم، حسن بن مثله جمکرانی، میرزا مهدی اصفهانی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالزهره کعبی، سید محمد حجت کوه کمری، شیخ محمد تقی بافقی یزدی، شیخ انصاری، شیخ مجتبی قزوینی، علامه حلی، ملا احمد مقدس اردبیلی، بهاء الدینی، حسنعلی نخودکی، علامه طباطبایی، میرزا جواد ملکی تبریزی، شیخ مرتضی زاهد، محمد حسین غروی اصفهانی، سید محسن جبل عاملی، کربلایی احمد، شیخ رجبعلی خیاط، آیه الله مرعشی، سید علی آقا قاضی طباطبایی، حاج علی بغدادی و... بسیاری از کسانی که این توفیق را داشته‌اند و حکایات آنان در کتب مختلفی آمده و چه بسا کسان دیگری که تشرّف یافته‌اند، اما ماجرای آنان در پرده کتمان مانده است و لب فرو بسته‌اند.

علامه مجلسی نام ۲۶۵ نفر از تشرّف یافتگان و نحوه ملاقاتشان را آورده است.^۳ در کتاب

۱. موعودنامه، ص ۲۲۵.

۲. رک: ترجمه این کتاب به نام «امام مهدی از ولادت تا ظهور»، ص ۴۰۳ به بعد.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱ تا ۷۷.

«کفایة الموحّدين» سید اسماعیل طبرسی هم نام عده‌ای آمده است.^۱ همچنین شیخ طوسی در «کتاب الغیبه»، شماری از آنان و واقعه تشریفشان را نقل کرده است.^۲ در «دانشنامه امام مهدی» جلد پنجم نیز ضمن پژوهشی درباره مسأله دیدار، به طور مفصل از دیدارکنندگان با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیش از غیبت، دوران غیبت صغری و غیبت کبری یاد کرده و شماری از عالمان را که مورد عنایت امام مهدی قرار گرفته‌اند برشمرده است.^۳

ای آشکار پنهان، برقع ز رخ برافکن
تا جلوه‌ات ببینم، پنهان و آشکارا
بی جلوه‌ات ندارد ارض و سما فروغی
ای آفتاب معنی، هم ارض و سما را^۴
— ارتباط با امام زمان، دیدار امام زمان.

تشکیلات وکالت

امامان معصوم، از جمله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ارتباط با شیعیان، «نظام وکلایی» داشتند و ارتباطات مردم با آنان در غیر مکان حضور امام، از طریق وکیل و نماینده انجام می‌گرفت. شبکه ارتباطی وکالت، با توجه به شرایط بحرانی دوره بنی عباس و دشواری ارتباط شیعه با امامان، از زمان امام جواد علیه السلام آغاز شد و در عصر امام هادی، امام عسکری و امام دوازدهم ادامه یافت. هدف این شبکه ارتباطی عبارت بود از: ارتباط با مردم و شیعیان، پاسخ به سؤالات و شبهات و مشکلات، آماده‌سازی مردم برای عصر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دریافت خمس و زکات و هدایای مردم و رساندن به امام، مصرف آن اموال و وجوهات طبق دستور امام، رسیدگی به موقوفات و نحوه مصرف آن‌ها، راهنمایی شیعیان و کمک فکری به آنان در مناظره با مخالفان، نقش واسطه بودن وکلا با سفیران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کمک به رفع مشکلات معیشتی و نیازهای مالی شیعیان، ارسال و دریافت نامه‌ها و پاسخ‌ها به صاحبان نامه‌ها.

۱. کفایة الموحّدين، ج ۲، ص ۷۹۲ به بعد.

۲. کتاب الغیبه، طوسی، فصل ۳.

۳. اثر محمدی ری شهری، ج ۵، ص ۹ تا ۳۰۱.

۴. فؤاد کرمانی.

این‌ها مجموعه‌ای از کارها و مسئولیت‌ها بود، نه این که اگر کسی مثلاً در اهواز یا بصره وکیل امام است، به همه این امور رسیدگی کند. به عنوان نمونه: احمد بن اسحاق قمی، وکیل امام عسکری علیه السلام در بین قمی‌ها بود و پس از آن حضرت، وکیل امام عصر علیه السلام گشت و نامه‌هایی هم از طرف امام خطاب به او صادر می‌شد. نقش خاص سفرای اربعه، تسهیل دسترسی وکلا به امام در عصر غیبت بود. در حدیثی امام عسکری علیه السلام به گروهی از شیعیان فرمود: «عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش محمد، وکیل پسر مهدی است»^۱. این وکیلان کارگزار امور امام و رابط او با مردم بودند و از اشخاص مورد وثوق و خوشنام و باتقوا انتخاب می‌شدند. اغلب مشاغلی داشتند که پوشش و محملی برای فعالیت‌ها و ارتباط‌ها و عادی‌سازی روابط بود، مثل عثمان بن سعید که زیات و روغن فروش بود. محمد بن شاذان، احمد بن حمزه، داود بن قاسم جعفری، احمد بن اسحاق اشعری، محمد بن احمد بن جعفر، جعفر بن سهیل الصیقل از جمله وکلا بودند، این روش و نظام وکلایی در عصر امامان رایج بود و مردم به خصوص در دوره امام هادی و امام عسکری به آن عادت کرده بودند و این شیوه و قالب تا پایان غیبت صغری ادامه داشت.^۲ سفرای چهارگانه مدیریت و رهبری وکلادر مناطق مختلف را برعهده داشتند و خودشان مستقیماً با امام زمان علیه السلام در ارتباط بودند، ولی وکلای دیگر با واسطه به امام مرتبط می‌شدند. دستگاه خلافت می‌کوشید تا نمایندگان و شبکه ارتباطی آنان را کشف و ایشان را دستگیر کند، ولی آنان هم دقیق و با رعایت احتیاط و تقیه عمل می‌کردند تا گرفتار نشوند. «اصطلاح «سازمان وکالت»، به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که تقریباً از ابتدای دوران معاصرت ائمه علیهم السلام با حاکمیت عباسی شروع شد و تا آخرین روزهای غیبت صغری ادامه داشت»^۳. وکلای ائمه، اعضای این سازمان بودند و برای احراز این مقام، لازم بود شرایط خاصی را داشته باشند، مثل وثاقت و عدالت، رازداری و پنهان‌کاری.

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۵.

۲. رک: تاریخ الغيبة الصغری، محمد الصدر، ص ۶۰۹ تا ۶۳۰.

۳. تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی و ...، ص ۱۸۰.

آن چه این تشکیلات را ضروری می ساخت، عبارت بود از:

۱. لزوم ارتباط رهبری و پیروان^۲. جوّ خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام^۳. آماده سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت^۴. رفع بلا تکلیفی از شیعه در ایام حبس امامان و در عصر غیبت^۱. دامنه این نظام تشکیلاتی وکلا گسترده بود و در شهرهای مدینه، مکه، یمن، کوفه، بغداد، سامرا، واسط، بصره، خراسان، قم، ری، قزوین، اهواز، آذربایجان، همدان و مناطق دیگر وجود داشت^۲.

۱- غیبت صغری، ثواب اربعه.

تطبیق علائم ظهور

در کتب حدیث و منابع مهدویت، نکات بسیاری به صورت پیشگویی از «علائم ظهور» بیان شده است، چه علائم حتمی یا احتمالی، که شمار آن ها در مجموع تا ۲۵۰ نشانه هم می رسد.^۲ از زمان ائمه علیهم السلام تا کنون پیوسته کسانی کوشیده اند آن ها را بر اشخاص یا حوادثی که پیش آمده تطبیق دهند و اظهار کنند که ظهور نزدیک است. حتی زوال بنی امیه و به قدرت رسیدن بنی عباس را در عصر ائمه هم از نشانه های نزدیکی ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دولت اهل بیت علیهم السلام پنداشته اند.

این تطبیق، از سویی ریشه در اشتیاق به فرارسیدن ظهور و پایان بی عدالتی ها و سلطه ظالمان و به ستوه آمدن از سختی های زمانه داشته، از سوی دیگر بر اساس فکرو سلیقه شخصی نویسندگان و گویندگان و چهره های مردمی بوده که یا قابل اثبات دقیق نبوده، یا گذشت زمان عدم صحت آن ها را به اثبات رسانده است. روی کار آمدن فاطمیان در مصر، به قدرت رسیدن صفویان در ایران، پیروزی انقلاب اسلامی، حوادث و فتنه های پدید آمده در عراق و شام، بحران داعش و جنگ های منطقه ای، و بسیاری از این گونه حوادث را برخی نشانه های نزدیکی ظهور امام زمان دانسته اند، که البته احتمالاتی است که هیچ کدام قابل

۱. همان، ص ۱۸۲.

۲. رک: تاریخ عصر غیبت، از ص ۱۷۵ تا ۲۳۴.

۳. مأتان و خمسون علامه، محمد علی طباطبایی.

اثبات قطعی و تأیید نبوده و نیست. از این رو ضمن آرزوی نزدیکی فرج و ظهور و از دست ندادن امید و عقیده، در تطبیق این علائم بر حوادث و اشخاص معاصر باید جانب احتیاط را رعایت کرد. به صرف شباهت یک واقعه با یکی از علائم یا تشابه به صفات و عملکرد یک شخص با بعضی از نشانه‌ها که در روایات آمده است، نمی‌توان به صورت قطعی آن‌ها را بر این حوادث تطبیق داد. در اوایل انقلاب، کسانی حوادث نهضت و پیروزی انقلاب و رخداد های جبهه و... را نشانه‌های قریب الوقوع ظهور می‌دانستند، حتی کسانی تعیین سال می‌کردند (← توقیت) و چون درست از آب در نمی‌آمد، ضربه به اعتقادات می‌خورد. امیدواری به فرج و گشایش، نباید به ساده‌اندیشی، زودباوری و سطحی‌نگری بیانجامد.^۱

← توقیت، علائم ظهور، جهان پراز ظلم، شرایط ظهور.

تعجیل در ظهور ← استعجال، دعا برای فرج

تکالیف منتظران ← آیین انتظار

تکلیف ما نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در مدخل «آیین انتظار» مجموعه‌ای از وظایف و تکالیف منتظران در عصر غیبت یاد شد، که اغلب به صورت تکلیف کلی و عمومی بود. اما نسبت به تکلیف خاص شیعه نسبت به خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نکاتی در احادیث است، از جمله دعا برای سلامتی او و احترام هنگام شنیدن نامش و دعا برای تعجیل فرج و امور دیگر.

در کتاب «مکیال المکارم» حدود ۸۰ تکلیف برای بندگان خدا نسبت به او ذکر شده و درباره آن‌ها به تفصیل سخن گفته شده است. خلاصه و فشرده تعدادی از آن‌ها از این قرار است:^۲

۱. کسب معرفت نسبت به صفات و ویژگی‌های او و علائم حتمی ظهورش.
۲. رعایت ادب هنگام نام بردن از او و یاد کردن با القاب شریف و تصریح نکردن به نام

۱. رک: دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۷، بحث «پژوهشی درباره علائم ظهور»، ص ۴۱۳.

۲. آنچه آورده‌ایم، برگرفته از منتخب الأثر مرحوم آیه الله صافی است، ج ۳، ص ۲۱۹ (پاورقی).

خاص او.

۳. محبت داشتن به او و او را در نظر مردم محبوب ساختن و انتظار فرج و ظهورش و اظهار اشتیاق به دیدارش و ذکر فضایل و مناقبش و اندوه در فراقش و حضور در مجالسی که به نام او برپا می شود و صرف مال در این راه و سرودن شعر در مدحش و گریستن در فراقش و حضور در مجالسی که به نام او برپا می شود و صرف مال در این راه و سرودن شعر در مدحش و گریستن در فراق او، صدقه دادن به نیت سلامتی اش، انجام حج و زیارت حرم های مطهر به نیابت از او و تجدید پیمان با او پس از هر نماز واجب و خواندن دعای عهد چهل صبحگاه.
۴. نیکی و احسان به شیعیانش و شاد کردن مؤمنان که موجب مسرت او می شود.
۵. زیارت آن حضرت و سلام دادن بر او و توسل و شفاعت خواهی و استغاثه به محضرش و عرض حاجت به پیشگاهش.
۶. فراخواندن مردم به سوی آن امام و مراقبت بر ادای حقوقش.
۷. تهذیب نفس از صفات رذیله و آراسته شدن به صفات و اخلاق نیک و احترام به کسانی که به نحوی منسوب به اویند، همچون سادات و علما و مؤمنین.
۸. تکریم و تعظیم نسبت به جاهایی که منسوب به اوست، همچون مسجد سهله و مسجد جامع کوفه.
۹. تعیین نکردن وقت برای ظهور و تکذیب کردن آنان که وقت معین می کنند، یا ادعای نیابت خاص یا وکالت از او در عصر غیبت کبری دارند.
۱۰. خواستار دیدارش شدن و دعا برای فیض ملاقات، اقتدا به آن حضرت در کارها و اخلاق و زیارت قبر سید الشهداء (ع) و قبور پیامبر و امامان، چون این کار، نوعی پیوند با آن حضرت است.
۱۱. ادای حقوق برادران دینی و ...

← آیین انتظار، انتظار فرج، خواسته های مهدوی، دعای سلامتی امام زمان (عج)، زمینه سازی برای ظهور.

تمهید ← زمینه‌سازی برای ظهور

توقیت

وقع معین کردن. از مسائل مهدویت، زمان ظهور و وقت تحقق وعده الهی برای آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این از اسرار الهی است و کسی از آن خبر ندارد و در روایات است که آمدنش دفعته خواهد بود. البته در این که روز جمعه ظهور می‌کند و امثال آن، حدیث هست، اما این که چه سالی و چه روزی؟ معلوم نیست و در روایات از توقیت نهی شده است و تعیین کنندگان وقت، دروغگو شمرده شده‌اند و در اصول کافی بابی تحت عنوان «کراهیه التوقیت» وجود دارد.^۱

من کمترم از آن که بگویم شتاب کن خود، صاحب زمانی و دانی زمان خویش امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال مهزم که از زمان ظهور پرسید، فرمود: وقت تعیین کنندگان دروغ می‌گویند، عجله کنندگان هلاک می‌شوند، تسلیمان به امر خدا نجات می‌یابند.^۲ و به ابوبصیر هم فرمود: «كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ»^۳، تعیین وقت کنندگان دروغ می‌گویند، ما خاندانی هستیم که وقت تعیین نمی‌کنیم. در دوره‌های مختلف، کسانی وقت خاصی را تعیین کرده و مثلاً گفته‌اند: فلان سال، سال ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، و آن سال آمده و گذشته و ظهوری صورت نگرفته است. منتظران ظهور، بی آن که زمان خاصی را در نظر داشته باشند، باید همواره آماده و چشم به راه و گوش به زنگ باشند. خود این حالت، هم امید آفرین است، هم ایجاد انگیزه می‌کند. «شاید این جمعه بیاید، شاید!»

هر صبح جمعه، ندبه‌کنان در دعای صبح از کردگار خویش تمنا کنم تو را^۴ عمر طولانی آن حضرت از تقدیرات الهی و از اسباب امتحان پیروان است و در مقابل مشیت خدا باید تسلیم بود. مرحوم شیخ مجتبی قزوینی می‌گوید: «از روایات و بیانات

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. همان، و کتاب الغیبة، طوسی، ص ۴۲۶.

۳. همان.

۴. سید رضا مؤید.

توقیعات

گذشته روشن شد که عمر مبارک حضرت طولانی است و مدّتی برای غیبت آن حضرت و وقتی برای ظهورش معین نشده است، بلکه جداً از تعیین وقت معین، منع و نهی شده، پس تعیین وقت ظهور، از بعضی درویش یا مدّعیان علوم غریبه، مخالف با دستورات و روایات است.^۱

— غیبت، طول عمر امام زمان، علائم ظهور، بداء در وقت ظهور.

توقیعات



توقیع، امضا کردن یک نامه و فرمان است. به نامه‌ای که به خط صاحب نامه یا با مهر و امضای او در پایان آن باشد توقیع گفته می‌شود و معنای امروزی آن همان امضاء است. امامان معصوم، نامه‌هایی که می‌نوشتند، همراه با مهر یا امضا بوده است، ولی اصطلاح توقیع شریف، بیشتر در مورد نامه‌هایی است که در دوره غیبت صغری از سوی امام

زمان علیه السلام خطاب به یاران خود و بزرگان شیعه نوشته شده است، از جمله آن چه به نواب اربعه نوشته است. علامه مجلسی در بحار الأنوار، متن ۲۳ نامه از نامه‌های حضرت راتحت عنوان «باب ما خرج من توقیعاته» آورده است.^۲ برخی از این نامه‌ها به خط خود آن حضرت بوده و برخی به خط کاتب مخصوص که در زمان امام عسکری علیه السلام هم نامه‌ها را می‌نگاشته و به مهر و امضای امام می‌رسیده است. این نامه‌ها برخی خطاب به نواب خاص است، یا به بعضی از علما و راویان، یا در پاسخ به سؤالات علمی و دینی و اجتماعی، یا در مورد اشخاص و حوادث یا موضع‌گیری علیه برخی منحرفان است، یا کمک به بعضی از شیعیان و رفع نیازهای آنان و پاسخ به طلب دعا و بعضی پاسخ‌های فقهی است به سؤالات مختلف، یا درباره معارف اعتقادی و سیاسی است.

۱. بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۱۷ (به نقل از خورشید مغرب، ص ۱۳۰).

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵۰ تا ۱۹۸.

مجموع توقیعات آن حضرت در کتب مختلف حدود ۸۰ نامه است، متن این توقیعات، از جمله در کتاب‌های زیر آمده است: «کمال الدین» صدوق، ص ۴۸۲، «بحار الأنوار»، ج ۵۳، «مکاتیب الأئمه»، ج ۲، «احتجاج»، طبرسی، ج ۲، «کتاب الغیبه»، شیخ طوسی، «دانشنامه امام مهدی»، ج ۴. بیشترین توقیعات در کمال الدین صدوق و غیبت شیخ طوسی است.^۱ توقیعاتی از امام دهم و یازدهم نیز نقل شده است.^۲ صدور توقیعات از سوی امام عصر از جمله دلائلی است که می‌توان در مقابل منکرین آن حضرت به آن‌ها استناد کرد. ^۳ احادیث مهدوی.

ثائر

از القاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، به معنای خونخواه و انتقام گیرنده، از ریشه «ثار» است به معنای خونخواهی، در مورد «ثار الله» و «یا لثارات الحسین» هم همین معنی نهفته است. به انتقام گیرنده و صاحب خونی که جز با خونخواهی و قصاص آرام نمی‌گیرد ثائر گویند. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خون جدّ خود را مطالبه می‌کند. در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيْنَ الظَّالِمِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الظَّالِمِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَزْبِ الْأَعْيُنِ» و آن حضرت را خونخواه همه پیامبران شهید و پیامبرزادگان و خونخواه شهید کربلا می‌دانیم. در زیارت عاشورا نیز از خدا درخواست می‌کنیم که توفیق خونخواهی شهید کربلا را در رکاب امام منتظر و مهدی از آل محمد به ما عطا کند: «... وَأَنْ يُؤَفِّقَنِي لِلظَّلْبِ بِثَارِكُمْ مَعَ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ الْهَادِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»^۳، «أَنْ يَرْزُقَنِي ظَلْبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ»^۴، «وَأَنْ يَرْزُقَنِي ظَلْبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ»^۵.

۱. برای بحث و بررسی‌های دقیق‌تر درباره توقیعات و ارزیابی سندی و محتوایی آن‌ها، رک: «دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، محمدی ری شهری، ج ۴، نشانی از امام غایب (بازنگری و تحلیل توقیعات)، محمد مهدی رکنی.

۲. رک: سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۷۶.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورای غیر معروفه.

۴. همان، زیارت عاشورا.

۵. همان.

امام عصر با لقب «منتقم» ہم درد عاها و زیارت‌ها و روایات بیان شده است کہ آن ہم بعد دیگری از خونخواهی و طبِ ثار است. در عربی روز، ثورہ و ثائر بہ معنای انقلاب و انقلابی است. اگر در زیارت امام مہدی ہم آمدہ است: «الْقَائِمُ بِقِسْطِكَ وَالثَّائِرُ بِأَمْرِكَ...»،^۱ اشارہ بہ قیام عدالتخوانہ و عدالت گسترانہ او و نہضت انقلابی و خونخواہانہ آن حضرت بہ فرمان پروردگار است.

بہر خونخواہی یاران خدا برخیزد وارث خامس اصحاب کسا خواهد شد^۲
«منتقم»، پیوند حسین (علیہ السلام) و مہدویت.

ثانی عشر ← اثنی عشریہ

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (علیہ السلام)، ص ۵۲۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی.

ج · چ · ح · خ

جاء الحق وزهق الباطل

خداوند به پیامبرش فرمان می‌دهد که: بگو حق آمد و باطل رفت و نابود شد، همانا باطل، رفتنی است: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»^۱، گرچه آیه، بیانگر از بین رفتن باطل با ظهور آیین حق اسلام است، ولی در موارد دیگری هم که حق می‌آید و باطل از بین می‌رود گفته می‌شود. مصداق روشن آیه در دولت حق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهد بود. امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه شریفه فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ»^۲. هرگاه قائم بیاید، دولت و حکومت باطل از میان می‌رود.

حکیمه خاتون، عمه امام عسکری علیه السلام وقتی جریان شب نیمه شعبان و ولادت آن حضرت را که خود شاهد بوده نقل می‌کند، می‌گوید: وارد اتاق نرجس شدم، چهره او را دیدم که غرق در نور بود، کودک گرانمایه‌ای را که تازه به دنیا آمده بود دیدم که در حال سجده است و بر بازوی راست او این آیه نوشته شده است «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۳ و این که بر بازوی این مولود خجسته این آیه نقش بسته بود، حکایت از آن می‌کند که این پیشوای حق که ذخیره الهی است، مأمور باطل زدایی و ستم ستیزی در جهان است و با آمدنش، حق همه جا حاکم می‌شود و باطل و قدرت‌های باطل از میان می‌روند.

۱. اسراء، آیه ۸۱.

۲. روضه کافی، حدیث ۴۳۲ (ج ۸، ص ۲۸۴)، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در قرآن، ص ۲۸۰.

۳. امام مهدی، از ولادت تا ظهور، ص ۱۹۲، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۹.

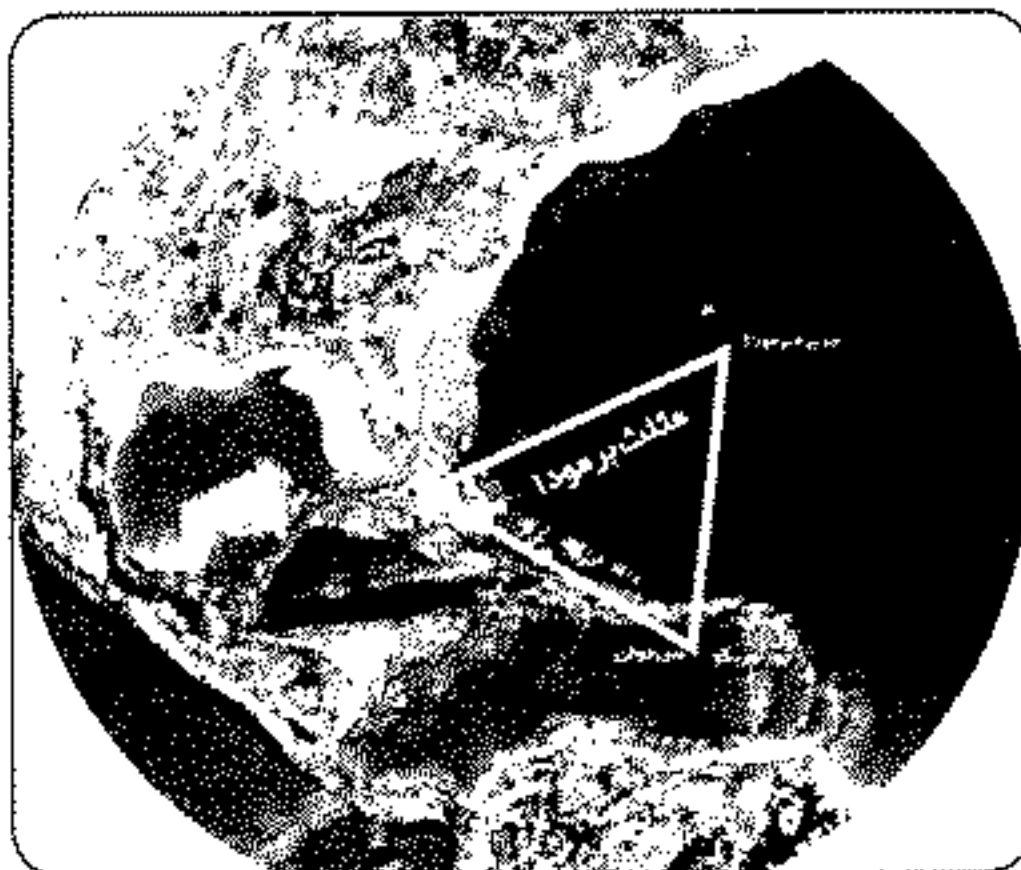
منظر دل نیست جای صحبت اغیار دیو چو بیرون رود فرشته در آید^۱
 مهدی عجل الله تعالی فرجه له در قرآن، دولت کریمه، انتظار.

جابلقا و جابلسا

در برخی روایات، از دو شهر بزرگ و دور دست در شرق و غرب عالم یاد شده به نام جابلقا و جابلسا (یا: جابرسا) که مردم آن جا از یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له اند و در هنگام ظهور حضرت، در محضر او خواهند بود.^۲ به نقل علامه مجلسی از منتخب البصائر: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند شهری در مشرق دارد به نام جابلقا که ۱۲ هزار در طلایی دارد که بین درها یک فرسخ فاصله است و بر هر دری برجی است که ۱۲ هزار رزمنده نگهبانی می دهند و مسلحانه آماده و منتظر قیام قائم ما هستند. شهری هم در غرب دارد به نام «جابرسا» با همین ویژگی ها که منتظر قائم مایند و من حجت بر آنانم.^۳

با همین ویژگی ها و قدری مفصل تر، از مردمی و شهرهایی در مشرق و مغرب نام برده شده که خصوصیات دین داری و اطاعت و فرمانبرداری آنان زیاد است و از جابلقا و جابرسا هم نام برده شده است و نام این دو شهر هم در عنوان فصلی ویژه شهرهای زمین آمده است.^۴
 شهرها در روایات عصر ظهور، یاران امام زمان.

جزیره خضراء



به معنای جزیره سرسبز است و به نظر بعضی محل سکونت امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و فرزندان اوست. البته این نظر، ناقدان و مخالفینی هم دارد. ریشه و سابقه قضیه به قرن هفتم برمی گردد. شخصی به نام علی بن

۱. حافظ.

۲. نجم الثاقب، ص ۳۰۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۳۳۴، ح ۱۹، و ص ۳۳۶.

۴. همان، ص ۳۳۳ و ۳۱۶.

فاضل مازندرانی در سال ۶۹۰ هجری سفری چند روزه در اقیانوس اطلس می‌کند و در جزایر شیعه نشین، می‌شنود که جزیره‌ای به نام «جزیره خضراء» وجود دارد که فرزندان امام زمان در آن زندگی می‌کنند. وی با تلاش‌های فراوان پس از ۱۶ روز دریانوردی خود را به آن جامی رساند. جزیره‌ای آباد و سرسبز و با شکوه که شخصی به نام سید شمس الدین که نوه پنجم امام زمان علیه السلام است مدیریت آنجا را برعهده دارد. داستان طولانی و مفصل است. مجموعه قضایا در کتابی با عنوان «الجزیره الخضراء» نگاشته می‌شود که علامه مجلسی متن کامل آن رساله را در بحار الأنوار آورده است.^۱ به نحو دیگری این قضیه را به روایت ابن انباری در جای دیگر نقل کرده است.^۲

از ویژگی‌های جزیره در نقل‌های یاد شده، آن است که هیچ متجاوزی قدرت ورود و تعدی به محدوده آن را ندارد. برخی سعی کرده‌اند آن را با منطقه‌ای به نام «مثلث برمودا» در اقیانوس اطلس تطبیق دهند که هیچ کشتی یا هواپیمایی به آن منطقه نمی‌تواند نزدیک شود. این داستان به صورت فارسی و کتابی مستقل هم در ایران چاپ شد و موافقان و مخالفانی را برانگیخت. بعضی علما این داستان را پذیرفته و در کتاب‌های خود در بخش تشریف یافتگان به محضر امام آورده‌اند، و بعضی هم آن را بی‌اساس و افسانه دانسته‌اند و به تناقضات سندی و محتوایی آن اشاره کرده‌اند و در این باره که امام زمان علیه السلام اصلاً فرزندی دارد تا در جزیره سرسبزی هم حکومت داشته باشند بحث نموده‌اند. در مجموع به این داستان نمی‌توان اعتماد کرد.^۳

تو را من با تمام انتظارم جستجو کردم کدامین جاده امشب می‌گذارد سربه پای تو؟

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹ تا ۱۷۴.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۲۱۴. رک: موعودنامه، مجتبی تونه‌ای، ص ۲۴۳.

۳. رک: «جزیره خضراء و مثلث برمودا»، ناجی نجار، «جزیره خضراء»، سید جعفر رفیعی، «جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت»، ابوالفضل طریقه دار، مقاله «افسانه جزیره خضراء»، مجتبی کلباسی در فصلنامه انتظار، شماره‌های ۱ تا ۴.

نشان خانه‌ات را از هزاران شهر پرسیدم مگر آنسو تراست از این تمدن، روستای تو؟^۱
 ← اماکن منسوب به امام زمان (عج) .

جشن‌های نیمه شعبان و ساواک

گرامیداشت ایام ولادت امامان به خصوص امام عصر (عج) همواره مورد توجه شیعه بوده است، لیکن از سال ۱۳۴۰ به بعد حساسیت خاصی یافت و مقامات امنیتی رژیم شاه را به مجالس نیمه شعبان حساس کرد.

در مهر ۱۳۴۱ اعتراض علما به ویژه امام خمینی به تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی از سوی رژیم طاغوت و حادثه حمله به فیضیه و سخنان مهم امام امت در عصر عاشورای سال ۱۳۴۲ و قضایای ۱۵ خرداد و دستگیری امام، اوضاع را ملتهب ساخت. نیمه شعبان آن سال، فرصتی برای واکنش مردم بود تا در قالب جشن‌های ولایت مراسمی برگزار کنند. ساواک وارد عمل شد و پرچم‌ها و تصاویر امام را جمع کرد. در تبریز که مراسم نیمه شعبان با شکوه بیشتری برگزار می‌شد، با دستگیری بعضی از علمای تبریز، کمرنگ‌تر برگزار شد.

فرهنگ
انتظار

امام راحل در اوایل سال ۱۳۴۳ به قم بازگشتند، ولی در ۱۳ آبان، و در پی سخنرانی علیه تصویب کاپیتولاسیون دستگیر و به ترکیه تبعید شدند. در مراسم جشن‌های نیمه شعبان سال ۱۳۴۴ که امام در تبعید بودند، در مجالس جشن و سخنرانی‌ها نام و یاد از امام برده می‌شد و بعضی از وعاظ هم دستگیر شدند. گزارش‌هایی از این مجالس در اسناد ساواک موجود است. در نیمه شعبان سال ۱۳۴۵ هم در مسجد نارمک تهران تجمعی شد که رنگ و بوی سیاسی داشت. در سال‌های بعد هم اینگونه تحرکات از سوی انقلابیون و گزارش‌ها و برخوردها از سوی ساواک ادامه داشت و کسانی همچون شهید مطهری و شهید محلاتی در این زمینه فعال بودند. سخنرانی‌های مرحوم شیخ احمد کافی چه در مهدیه تهران و چه در شهرستان‌ها با اقبال عمومی مواجه می‌شد و انتقاداتی از وضع جامعه و مفاسد می‌شد و ناراحتی ساواک و رژیم در گزارش‌های آن دوره محسوس است، چون در پوشش شعائر

۱. یوسفعلی میرشکاک.

مذهبی و سخنرانی‌های دینی، شعارها و جهت‌گیری‌های سیاسی هم دیده می‌شد. در آستانه انقلاب و در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ و اوج اقتدار ساواک، مدتی فضای باز سیاسی کشور باز شد و در سال ۱۳۵۶ و بعد از درگذشت حاج آقا مصطفی خمینی، در مراسم یادبود دکتر شریعتی و حاج آقا مصطفی، سخنرانان آشکارتر به انتقاد پرداختند و نام امام خمینی را بر زبان آوردند. پس از حادثه قیام ۱۹ دی قم، امام خمینی و مراجع دیگر، عید سال ۱۳۵۷ را به عنوان اعتراض به جنایات رژیم شاه تحریم کردند. اربعین‌های شهدای قم و تبریز و یزد و جهرم و... کشور را در فضای ملتهبی قرار داد.

امام خمینی در پیامی از تبعیدگاه، از مردم خواستند که در اعتراض به کشتارها و همدردی با خانواده‌های داغدار، ایام سوّم و نیمه شعبان را جشن نگیرند و در مجالس و اجتماعات، مصائب وارده بر مردم را بازگو کنند. تحریم برگزاری جشن‌های نیمه شعبان بازتاب وسیعی داشت و با استقبال علما و مردم مواجه شد. امام در اعلامیه‌ای دیگر از همبستگی مردم تقدیر کردند.

در نهایت، تلاش‌های فعالان انقلابی و توده مردم در ماه شعبان و رمضان و راهپیمایی شگفت عید فطر سال ۱۳۵۷ در قیطریه و فاجعه شهادت مردم در ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران و اوج‌گیری نهضت اسلامی، انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و بساط ساواک و رژیم شاه و سلطه و نفوذ آمریکا از کشور امام زمان برچیده شد و نظام ولایی حاکم گشت.^۱

عدالت تو فراگیر می‌شود، مولا	چو بغض شیعه سرازیر می‌شود مولا
و ذوالفقار تو گردد و غبار خواهد کرد	حکومت علوی برقرار خواهد کرد ^۲

— اعوجاج فکری، انجمن حجتیه، نیمه شعبان.

۱. تلخیص شده و برگرفته از مقاله مفصل «نیمه شعبان در انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک» به قلم رحیم نیکبخت، در ویژه نامه «شمس ولایت» بنیاد خیریه آیه الله انگجی در تبریز، سال ۱۳۸۶.
۲. محمد کامرانی.

جعفر کذاب

جعفر، فرزند امام هادی علیه السلام و عموی امام زمان علیه السلام است. او با دربار عباسی رابطه داشت و از نظر اخلاقی فاسد بود و پس از رحلت برادرش امام حسن عسکری علیه السلام ادعای امامت داشت و در زمان حیات او نیز به امام حسد می‌ورزید، در پی آن بود که اموال مربوط به امامت را تصاحب کند. پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام می‌خواست بر جنازه او نماز بخواند که امام زمان علیه السلام در حالی که ۵-۶ سال داشت آمد و او را کنار زد و بر پدر خود نماز گزارد. او دربار خلافت را در جریان وجود این فرزند گذاشت و از حکومت خواست که برای یافتن او، خانه امام عسکری را تفتیش کنند. امام سجاد علیه السلام حدیث پیشگویی پیامبر را درباره او نقل فرموده که: «نام او جعفر است، از روی گستاخی و جرأت برخدا و دروغ، ادعای امامت می‌کند و به خدا افترا بسته و آن چه را که اهلش نیست ادعا می‌کند، او به برادرش حسد می‌ورزد و در پی کشف و افشای ولی خدا هنگام غیبت خواهد بود». سپس فرمود: گویا جعفر کذاب را می‌بینم که طاغوت زمانش را به تفتیش امر ولی خدا برمی‌انگیزد و کسانی را برای تفتیش به خانه پدرش می‌گمارد و برای کشتن ولی خداوند حریص است و طمع در تصرف ناحق میراث برادرش دارد»^۱.

فرهنگ
انتظار

امام زمان علیه السلام در یکی از توقیعات شریفش در رد او با عنوان «الْمُنْبِطِلُ الْمُفْتَرِي عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ بِمَا ادَّعَاهُ» از او یاد کرده است،^۲ که گواه افترا و دروغ‌گویی و ناحق بودن اوست. بعضی هم صفت کذاب را از این جهت بر او نهاده‌اند تا با امام جعفر صادق علیه السلام متمایز باشد. خطاهای او علاوه بر فساد اخلاقی، ادعای امامت و انکار وارث امام و تحریک حکومت برای دستگیری حضرت مهدی علیه السلام بود و از طرف حکومت بنی عباس هم حمایت می‌شد. چون به نحوی عامل و جاسوس دربار بود، امام هادی و امام عسکری هم علیه او موضع گرفتند و عثمان بن سعید (سفیر امام) هم او را رسوا نمود. وی در سال ۲۷۱ در سامرا در ۴۵

۱. کمال الدین، ص ۳۱۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۵.

سالگی درگذشت، قبر او در همان شهر است.^۱

در بهاری تمام لطف و صفا گل نرگس به گلستان آمد
پی تکذیب جعفر کذاب مهدی صاحب الزمان آمد
مصلح کل، اما جن و بشر بانی صلح جاودان آمد^۲

جغرافیای یاران مهدی علیه السلام

از آن جا که نهضت امام زمان علیه السلام جهانی و دور از قومیت مداری و نژادگرایی است، یاران اصلی او هم از سرزمین ها و کشورهای مختلف اند. در روایاتی که نام اصحاب او و شهر و کشور آنان ذکر شده است، نام حدود ۲۳ کشور دیده می شود، از قبیل: عراق، آفریقا، حجاز و عربستان، یمن، ایران، لبنان، ارمنستان، فرانسه، مصر، ترکیه، بیت المقدس و فلسطین، سوریه، بحرین، هندوستان، مرو یا خراسان بزرگ، افغانستان، اردن، عمان، پاکستان، اتیوپی، ازبکستان و منطقه قفقاز. البته نام بعضی از این کشورها در روایات نیست، ولی شهرها و مناطقی که یاد شده در آن ها واقع است. این ها غیر از اسامی شهرهای خاصی همچون: قم، اهواز، قزوین، طالقان، مدینه، همدان و ... است. نام این مناطق در روایات ظهور، گستره جغرافیایی و تنوع قومی یاران امام زمان علیه السلام را می رساند.^۳

← حکومت جهانی مهدی علیه السلام، یاران امام زمان، شهرها در روایات عصر ظهور.

جمعه و انتظار



روز جمعه به نحوی اختصاص به امام زمان دارد. طبق روایات، ظهور او روز جمعه خواهد بود. در زیارت آن حضرت آمده است: «هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ»

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۹.

۲. سید رضا مؤید خراسانی.

۳. رک: امام مهدی از ولادت تا ظهور، قزوینی، ص ۵۸۷ تا ۶۰۰.

وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ...»^۱

هی انتظار پشت دلم صف کشیده است تا جمعه ظهور، دلم را صبور کن
 خطی بزن به دفتر شب‌های انتظار ای آخرین ستاره روشن، ظهور کن^۲
 اعمال و مستحباتی که برای روز جمعه است، برخی مرتبط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است،
 مثل خواندن دعای ندبه، نماز خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دعای اِلهی عَظَمَ البلاء،
 خواندن دعای: اَللّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ...، خواندن صلوات خاص آن حضرت،
 زیارت مخصوص امام زمان در این روز، دعای حضرت مهدی (اَللّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ...) و مسائل دیگر.^۳ از این روشیعیان همواره جمعه‌ها را از آن حضرت یاد می‌کنند، دعای
 ندبه می‌خوانند، انتظار ظهور دارند و غروب‌های جمعه دلتنگ می‌شوند که این جمعه هم
 گذشت و امام زمان نیامد. در ادبیات و اشعار هم فراوان از جمعه و ندبه و انتظار و آدینه ظهور
 و شوق دیدار یاد شده است. از انبوه اشعار جمعه و انتظار، چند نمونه آورده می‌شود:

فرهنگ
انتظار

درست مثل شکفتن دوباره می‌آیی	به صبح جمعه‌ای از این مسیر، درباران
جمعه‌ها هر بار می‌گویند «می‌آیی» بگو	کی تبرک می‌کنی آن جمعه موعود را
صبح جمعه باز هم یک ندبه دیگر رسید	خسته بود از این همه پنهان و پیدایی که داشت
عیدی چشم ما تبسم توست	جمعه شد صبح عید شد، برگرد
وقتی غروب جمعه رسد، بی تو آفتاب	انگار بر گلوی خودش دار بسته است
گفتند سبز پوش تو از کعبه می‌رسد	هر جمعه رو به قبله نشستم نیامدی
آدینه و صبح و ندبه خوانی تا چند	آدینه و این سنگ پرانی تا چند
کدامین جمعه می‌آیی که از شوق	کنم تقدیم تو صد جمکران دل
طی شد دوباره جمعه دیگر، نیامدی	معنای ناب سوره کوثر، نیامدی

۱. مفاتیح الجنان، زیارت آن حضرت در روز جمعه.

۲. مجتبی تونه‌ای.

۳. رک: مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه.

چشم انتظار جمعه دیگر نشسته‌ایم این هفته هم گذشت و تو آخر نیامدی
 شعر اشتیاق، کتابشناسی شعر مهدوی، انتظار، ندبه، دعای ندبه.

جمکران ← مسجد جمکران

جملات ادبی

گاهی یک مفهوم دینی و اعتقادی یا اجتماعی و سیاسی، در یک جمله کوتاه بیان می‌شود که به اندازه یک مقاله یا کتاب ارزش دارد و پیام رسان و اثرگذار است. غیر از شعرهای زیبا که در بخش «شعر اشتیاق» آمده و بجز متون زیبا و قطعات جالب که در بخش «نثر ادبی و انتظار» می‌خوانید، در این جای یک سلسله تک جمله‌های ادبی تقدیم می‌شود که در جای خود کاربرد مناسب دارد. این جملات، از نویسندگان و از منابع گوناگون گلچین شده است:

۱. خلقی که در انتظار «مصلح» به سر می‌برد، باید خود «صالح» باشد.

۲. از شمشیر مهدی، برای خون آشامان خون می‌بارد و برای انسان‌های محروم و مظلوم، رحمت و حیات.

۳. مهدی موعود، پُست‌های کلیدی جهان را از انسان‌های پُست می‌ستاند.

۴. مهدی، میزان عدالت، معیار حق، نوید رهایی و نجات بخش انسان است.

۵. یاران مهدی، صاحبان ایمان و عرفان و مُصلح و مسلح‌اند، شیران روز و زاهدان شب، معجونی از اشک و آهن و تهجد و جهاد.

۶. منتظر ظهور، کسی است که در درگیری حق و باطل و داد با بیداد، بی طرف نماند و سرباز جبهه حق گردد.

۷. یاران مهدی را باید در میان سلاح بردوشان و کفن پوشان و جان برکفان و مبارزان و سنگر نشینان یافت، نه در جمع خموشان و عافیت طلبان و دین فروشان و باده نوشان!

۸. هیچ حضوری، چون غیبت امام زمان، تاریخ و زمین و زمان را نیاکنده است.

۹. حاضرترین حاضران هم به گرد پای «حضور غایبانه مهدی» نمی‌رسد.

۱۰. بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد.

۱۱. قائم آل محمد، روزی جهان را به قیام حق طلبانه وامی دارد.
۱۲. مهدی موعود، چله چراغ روشن شبستان تاریک تاریخ است و نوید بخش صبح در شب انتظار.
۱۳. مهدی، مرکز اسرار ربوبی و خاور انوار ازلی است.
۱۴. در کوی مهدی، فیض دیدار نصیب دیده های پاک و قلب های خاضع و دل های با تقوای گردد.
۱۵. مهدی، یادگار پیامبران، خلاصه ابراهیم، عصاره محمد و احیاگر سنت هاست.
۱۶. انتظار، چیزی نیست جز تهیه مقدمات انقلاب نهایی و جهانی برای آزادی بشر از اسارت جباران.
۱۷. امید به صلح و عدالت و جهاد در راه آزادی، ثمره «بذر انتظار» در دل منتظران است.
۱۸. باید دریای پرتلاطم جهان را با کشتی انتظار و امید پیمود، تا به ساحل فرج و رستگاری رسید.
۱۹. سلام بر مهدی، انتظار سبز دوران ها و آرمان مجسم انسان ها.
۲۰. «عصر ظهور»، رجعت دوباره بعثت در حرا و امامت در غدیر است.
۲۱. مهدی، کعبه مقصود و قبله موعود و راه رسیدن به معبود است.
۲۲. انتظار راستین، درختی است که جز «اقدام» و «اصلاح»، میوه ای نمی دهد.
۲۳. غیبت، دوران «انتظار» جوشش دوباره غدیر عاشورایی در نینوای تاریخ است، در بستری از فرات ظهور و علقمه نور!
۲۴. دولت مهدی، تجسم آرمان «بعثت» و «غدیر» و «عاشورا» است.
۲۵. «مهدی»، همان «محمد» است، در جلوه علوی و درخشش فاطمی و حسن حسنی و شور حسینی.
۲۶. نیمه شعبان، افروختن چراغ شوق در دل شیعیان و امید دادن به محرومان است.
۲۷. غیبت کبری، دوره آزمایش منتظران راستین با کنکور انتظار است.

۲۸. وقتی بذرا انتظار می‌روید، غنچه امید جوانه می‌زند و بوستان فرج به بار می‌نشیند.
۲۹. مهدی، محمد شمشیر به دست، مسیح جوشن پوش، موسای متکلم است.
۳۰. امروز همه جهان «جزیره خضر» است، زیرا زمین هر لحظه قدم‌های مبارک امام زمان را بر خود حس می‌کند.
۳۱. امام زمان، مسئول برگزاری امتحانات نهایی تکامل در ثلث آخر تاریخ است.
۳۲. امام، ولی عصر خویش و رئیس انجمن اولیا و مربیان عالم است.
۳۳. خمینی آخرین تجلی ذوالفقار بود، مردی که ظهور کرد تا غیبت را باور کنیم، مردی که ما را به اوایل آخر الزمان رساند.
۳۴. شب طولانی انتظار را تنها با چراغ روشن امید می‌توان به صبح ظهور رسانید.
۳۵. آفتاب ظهور به استوای رستاخیز رسیده است. صدای ازابه‌های فرج از سنگفرش قنوت می‌آید.
۳۶. جاده سبز جمکران را اشک‌های شوق و مژه‌های خیس، آب و جارو می‌کند تا بر سنگفرش انتظار، گام‌های امید راحت پیش برود.
۳۷. دل‌های ما چاه عریضه‌ای است که هزاران رنج‌نامه غم‌آلود در آن بایگانی شده است.
۳۸. هر صبح آدینه، قصه انتظار را برگوش «کودک دل» زمزمه می‌کنیم، تا رؤیای رؤیت خورشید را تعبیر کند.
۳۹. انتظار، شمع‌ای است که میلیون‌ها پروانه سوخته، به پای آن پر پر شده‌اند.
۴۰. با شوق بوئیدن گل‌های فرج در بهار ظهور، شب‌های زمستانی و فراق را تحمل می‌کنیم.
- نشر ادبی و انتظار، شعراشتیاق، انتظار و ادبیات و هنر، شهر مهدوی.

جهان پراز ظلم

در روایات، زمان ظهور برای پر کردن جهان از قسط و عدل، وقتی دانسته شده است که دنیا پراز ستم شده باشد (کَمَا مِلَّتْ ظُلُمًا وَ جَوْرًا). پس فراگیری و عمومیت ظلم و ستم در سطح جهان، از زمینه‌ها و شرایط ظهور است، و این نه با جبر و الزام از سوی خداوند، بلکه

به صورت جریان طبیعی گرایش اغلب مردم به منافع شخصی و تسلیم شدن در برابر امواج فساد و هوسرانی است. رسیدن جهان به این وضع، خارج از اراده فردی و شخصی است، بلکه نتیجه طبع فسادپذیر جامعه ناقص بشری است. البته در مقابل این موج، اراده صلاح و اصلاح افراد بشر برای مقابله با وضع فاسد و فراهم کردن شرایط ظهور هم وجود دارد. تفکر غلط برخی آن است که وقتی شرط ظهور، پرشدن جهان از ظلم و فساد است، پس باید کمک کرد تا این شرط زودتر فراهم شود (تفکر حاکم بر انجمن حجتیه) بلکه برداشت صحیح از این روایات آن است که سیر طبیعی بشر به سوی افزایش گناه و بی ایمانی و بی عدالتی است، تا آن جا که نظام های حاکم بر جهان، مبتنی بر ظلم و بیداد می شود و اثرات آن ستم ها و فسادها در همه جهان مشهود می گردد، تا زمینه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیدایش امید و انتظار برای اصلاح جهان به دست یک منجی غیبی در همه دل ها حاصل آید. از این رو، آن همه تأکید برای حفظ دین در عصر غیبت و ثبات بر عقیده و انتظار فرج و تلاش برای زمینه سازی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد.

فرهنگ
انتظار

← اعوجاج فکری، زمینه سازی برای ظهور، آیین انتظار، فسادهای آخر الزمان، شرایط ظهور

جهانی شدن و مهدویت

درباره آینده جهان و بشر از دیدگاه ادیان و ملت ها، امیدها و نگاه های متفاوتی وجود دارد و صاحبان اندیشه و باورهای مختلف، آینده را از آن خود می دانند. عده ای با تصور «مدینه فاضله»، آینده ای خوب، یکدست، مترقی، اخلاق بنیان و فضیلت گرا را در ذهن خود می پرورانند، کسانی و قدرت هایی هم در پی ایجاد جهانی واحد و یکپارچه بر پایه فرهنگ واحدند تا همه با یک جهت گیری به سوی هدفی واحد و در راستای فرهنگ مورد نظر آنان پیش روند. این همان چیزی است که با عنوان «جهانی شدن» از آن یاد می شود و بیشتر از سوی نظام سلطه و سرمایه داری غرب پیگیری می شود، تا خورده فرهنگ ها را از بین ببرند و فرهنگ واحد، پول واحد، اقتصاد واحد، زبان واحد و سیاست واحد را بر اساس منافع خود پدید آورند و حتی اگر بتوانند مرزهای جغرافیایی را هم از میان بردارند و «دهکده جهانی»

تشکیل دهند.

از سوی دیگر، دیدگاه موّخذان هم برای آینده بشر و جهان، آن است که با پیروزی مطلق حق و حاکمیت ارزش های معنوی، مدینه فاضله تشکیل شود و حکومت واحد جهانی بر پایه قسط و عدل و اجرای احکام الهی، سعادت همگان را تضمین کند و مرزهای جغرافیایی و حکومت های منطقه ای و قطب بندی های موجود برچیده شود و اسلام و دین خدا بر کلّ جهان حاکم گردد. این آرمان، همان است که در مباحث مهدویت و موعودگرایی و عقیده به آخر الزمان و ظهور موعود منجی جلوه گراست. البته «جهانی شدن»، نیاز به «جهانی سازی» دارد و صاحبان و پیروان هر دو دیدگاه، برای تحقق آرمان های خود در تلاش اند و از همه امکانات و زمینه ها و بسترها و نیروها و ابزار استفاده می کنند.

زمانی جنگ قدرت و تلاش برای سلطه یکپارچه بر جهان، از سوی دو قدرت بزرگ جهانی شرق و غرب وجود داشت و یک جبهه می کوشید کمونیسم و سوسیالیسم را بر کلّ جهان حاکم کند و جبهه دیگر در تلاش گسترش نظام کاپیتالیسم و سرمایه داری بود. کمونیسم جهانی شکست خورد و آمریکا کوشید که نظام تک قطبی در جهان پدید آورد، که آن هم با چالش های مهمی روبه رو بود که در پایان به آن اشاره می شود.

«حکومت واحد جهانی» که ما برای آینده جهان معتقدیم، با چهارچوبی روشن، با امامت امام زمان و بانصرت الهی و جهاد یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و فراهم شدن بستر ظهور خواهد بود و این نویدی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و آیات قرآن و امامان معصوم مؤدّه آن را داده اند، تا «عباد صالح» و «مستضعفین مؤمن» به خلافت زمین برسند (← استخلاف) و دینی جز دین اسلام و حکومتی جز حکومت الهی امام عصر نباشد و همه فسادها و مفسدان و کافران و ظالمان از بین بروند و افراد شایسته، مدیریت دنیا را بر عهده بگیرند. این گونه از «جهانی سازی» با آن چه استعمارگران غرب دنبال آنند، تفاوت اساسی دارد و می توان شاخصه های آن را چنین ترسیم کرد:

۱. نور، آیه ۵۵ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...».

۱. حکومت واحد جهانی، برپایه قسط و عدل و حکومت صالحان و بندگان شایسته خداست، نه برپایه سلطه جویی مادی از سوی تشنگان قدرت و بردگان نروت و شهوت.
۲. محور برنامه ها و مدیریت جهان، براساس دستاوردهای وحی و احکام خدا و تعالیم اسلام است، نه قوانین و نظام ها و سیاست های بشری.
۳. در این نوع حکومت جهانی، همه امور و سیاست ها برمدار «دین خدا» است و اقتصاد و سیاست و فرهنگ و تکنولوژی و ابزار و افراد، همه در خدمت «اسلام» و آیین و حیانی است، نه آن که همه این ها در استخدام منافع قدرت های بزرگ و سلطه گری باشد.
۴. وحدت جهانی برپایه دین و اسلام است و پیروان ادیان دیگر هم در نهایت مسلمان می شوند و به فرموده امام باقر علیه السلام در هنگام خروج مهدی آل محمد هیچ کس نخواهد بود مگر آن که دین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را پذیرا باشد «... فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ مُحَمَّدٍ». آیات قرآنی هم که با تعبیرات گوناگون می فرماید: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۱ اشاره به همان مقطع زمانی است. روایاتی هم که می گوید حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد و همه گنج های زمین برای او آشکار می شود و همه جا آباد می گردد، اشاره به همین نوع از جهانی شدن است: «يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»^۲ امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»^۳ فرمود: تأویل این آیه آن است که دین محمد صلی الله علیه و آله تا آن جا می رسد که شب، سایه می گسترد و روی زمین شرکی باقی نمی ماند. در حدیث دیگر فرمود: وقتی قائم قیام کند، در روی زمین هیچ جایی نمی ماند مگر آن که در آن سرزمین، ندابه شهادت بر توحید و رسالت محمد صلی الله علیه و آله داده می شود.^۴

آن چه در روایات مهدویت درباره وحدت دل ها، اتحاد امت ها، زدوده شدن کینه ها و

۱. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. صف، آیه ۹، امام باقر علیه السلام: «إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ» (منتخب الآثار، ج ۲، ص ۳۵).

۳. منتخب الآثار، ج ۳، ص ۱۶۸.

۴. انفال، آیه ۳۹.

۵. منتخب الآثار، ج ۲، ص ۳۰۲.

جنگ‌ها، و حاکمیت قرآن در همه جا، امنیت فراگیر در سطح جهان، نابودی همه نظام‌های ظلم و جور، همبستگی همه مردم بر محور آن امام موعود و... آمده است، همه این‌ها گوشه‌ای از «جهانی سازی مهدوی» را می‌رساند.^۱

عالم آن‌گونه که از ظلم و جفا پرگشته
پرز انوار عدالت همه جا خواهد شد
بازوی دشمن غدار به هم خواهد بست
کمر خصم فرومایه دو تا خواهد شد^۲
— حکومت واحد جهانی، فتوحات مهدویه، آرمان شهر، سیمان جهان در عصر ظهور.

چگونگی غلبه بر جهان

با وجود سلاح‌های پیشرفته کنونی و قدرت‌های نظامی بزرگ جهان، چگونه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر همه قدرت‌ها غلبه می‌کند و پیروز می‌شود؟ به علاوه در روایات، از «قیام به شمشیر» سخن گفته شده است، مگر می‌توان با شمشیر، بر سلاح‌های مدرن روز و سلاح‌های اتمی و... غلبه کرد. در مورد نحوه غلبه آن حضرت بر جهان بحث‌های مفصلی شده است، فشرده آن‌ها از این قرار است:

۱. آمادگی جهانی برای پذیرش حکومت دادگستر و نجات از سلطه‌های جباران.
۲. برخورد قهرآمیز و نبرد جدی و خونین با مستکبران و طاغوت‌ها، نه با روش موعظه و ارشاد و محبت.

۱. در این زمینه، از جمله رک: «به سوی حکومت جهانی امام مهدی»، علی اکبر حصاری، «موعود شناسی»، علی اصغر رضوانی، ص ۳۹، فصلنامه انتظار، شماره ۷، ص ۱۸۵، مقاله «جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی» و سالنامه «شمس ولایت» تبریز، سال ۱۳۸۴، ص ۱۷۲، مقاله «مهدویت و جهانی شدن»، در «گفتمان مهدویت» نیز سخنرانی میسوطی از هاشمی رفسنجانی با عنوان «حکومت واحد جهانی» چاپ شده که ضمن برشمردن داعیه داران سه‌گانه حکومت واحد جهانی یعنی اسلام، مارکسیسم و سرمایه‌داری، در این که آمریکا به دلیل مشکلات عدیده‌ای که گرفتار آن است، نمی‌تواند داعیه دار نظام تک‌قطبی و جهانی سازی باشد و تعدادی از مشکلات چهل‌گانه آمریکار را برمی‌شمارد، از قبیل: پوچ‌گرایی، بحران خانواده، اعتیاد، خشونت، مشکل امنیت، تبعیض، فقر، بی‌بند و باری جنسی، ابتذال رسانه‌ای، بی‌اعتمادی، اقتصاد بیمار، وابستگی به منابع و بازارهای دنیا، نارضایتی مردم دنیا، سیستم آموزشی ناکارآمد. (گفتمان مهدویت، سخنرانی‌های گفتمان اول و دوم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱. نیز رک: «دانشنامه امام مهدی»، دارالحدیث، ج ۱، مقاله «مهدویت و جهانی شدن».

۲. ناصر مکارم شیرازی.

۳. در اختیار داشتن سلاح‌های مدرن و برتر که جهان را وادار به تسلیم می‌کند و سلاح‌های موجود هم با ضعف و سقوط حکومت‌ها در اختیار نهضت جهانی او قرار می‌گیرد. قدرت علمی و سلاح دانش و گرایش دانشمندان جهان به او ورشد شگفت علمی که زمینه ساز پذیرش دولت کریمه او خواهد بود.

۵. در اختیار داشتن قدرت‌های فوق طبیعی و یاران کارآمد و پرتوان.

۶. برخورداری از پشتوانه گسترده و نیرومند مردمی که دعوت و یاری خواهی او را لبیک می‌گویند و وقتی مردم در صحنه باشند قیام جهانی هم به راحتی به پیروزی می‌رسد.

۷. امدادهای غیبی و الهی که نمونه آن در حکومت سلیمان عليه السلام هم بوده و در زمان پیامبر هم گاهی به یاری آن حضرت می‌آمده است. در روایات، از سپاه رعب و ترس که در دل دشمنان می‌افتد و فرشتگان انبوهی که به یاری او می‌آیند و ویژگی‌هایی که در یاران خاص او هست و موضوع طی الأرض و ارتباطات فوق العاده و... یاد شده است.

در مجموع، وقتی اراده الهی بر غلبه دین حق بر همه ادیان و حاکم ساخت قسط و عدل جهانی به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و چشاندن طعم شیرین «دولت کریمه» به مستضعفان جهان و تحقق بخشیدن به وعده‌های نجات و فلاح و عزت محرومان و مظلومان باشد، زمینه و شرایط آن راهم فراهم می‌کند. همچنان که در اصل وجود آن حضرت و خفای ولادتش و طول عمرش و بی نتیجه بودن تلاش قدرت‌ها و مخالفان، قدرت الهی جریان داشته و مشیت او حاکم گشته است.

بهار عشق، شکوفا نمی‌شود بی تو بیا که غنچه دل و نمی‌شود بی تو
بر آبی از افق، ای آفتاب صبح امید که شب رسیده و فردا نمی‌شود بی تو^۱
بعد غیبی مهدی موعود، ویژگی‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حکومت واحد جهانی، سپاه رعب، شیوه‌های فراطبیعی.

چند کتاب مهم

درباره مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند هزار کتاب نوشته شده است. در همین کتاب در

۱. مصطفی قلیزاده.

بخش «کتابشناسی مهدویت» و «کتابشناسی شعر مهدوی» هم کتاب‌های بسیاری یاد شده است. اما در این جا چند کتاب جداگانه به سبب جامعیت، مرجع و کلیدی بودن یا اعتبار و قدمت زمانی معرفی می‌شود:

۱. «کتاب الغیبه»، شیخ طوسی (۴۰۸-۳۸۵ ق)، که چاپ‌های مختلف دارد و بحث‌های مهمی در موضوع امام عصر علیه السلام دارد، از جمله چاپ مؤسسه معارف اسلامی، قم.
۲. «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق (تاریخ نگارش سال ۲۵۲ ق)، برخی هم از آن با نام «اکمال الدین» یاد می‌کنند. جامعیت و دسته‌بندی احادیث آن جالب است.
۳. «بحار الأنوار»، علامه مجلسی، جلد‌های ۵۱، ۵۲ و ۵۳. در چاپ‌های رحلی و سنگی قدیم جلد ۱۳ بود که با نام «مهدی موعود» هم به فارسی ترجمه و چاپ شده است.
۴. «منتخب الأثر»، لطف الله صافی گلپایگانی، چاپ مکتبه الداوری در قم. بعدها کاملتر و با اضافات و تجدید نظر در ۳ جلد چاپ شد و در سال‌های اخیر نیز همراه با ترجمه در ۶ جلد منتشر گشت. پیشتر ترجمه این کتاب با عنوان «گفتمان مهدویت» هم چاپ شده بود.
۵. «موسوعة الامام المهدی»، محمد الصدر در ۴ جلد قطور به بررسی چهار دوره پرداخته و با عنوان‌های «تاریخ الغیبة الصغری»، «تاریخ الغیبة الکبری»، «تاریخ ما بعد الظهور» و «اليوم الموعود» منتشر شده است. قسمت‌هایی از آن به فارسی هم ترجمه شده است.
۶. «دانشنامه امام مهدی»، محمدی ری شهری و گروهی از محققان، نشر دارالحدیث، قم، در ۸ جلد که بیشتر متکی به متون حدیثی و تاریخی است و همراه ترجمه است و از جامعیت خوبی برخوردار است.
۷. «المعجم الموضوعی لأحادیث الامام المهدی»، علی الکورانی، ۱۴۲۷ ق، که به نوعی بازآفریده «معجم احادیث الامام المهدی» در چند جلد است، این کتاب به فارسی هم چاپ شده است، با نام «فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی»، نشر معروف، قم.
۸. «التجمل الثاقب»، میرزا حسین نوری طبرسی، از علمای قرن ۱۳، نشر جعفری، مشهد و جمکران قم، در ۱۱ باب تنظیم شده است.

۹. «ینابیع المودّه»، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، قرن ۱۳. کتاب یک مقدمه و صد باب دارد و بر اساس روایات اهل سنت نگاشته شده است، نشر اسوه و ناشران دیگر.
 ۱۰. «خورشید مغرب»، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، و دلیل ما، بانگاهی نو و مباحث جدید.
 ۱۱. «امام مهدی از ولادت تا ظهور»، سید محمد کاظم قزوینی، ترجمه علی کرمی و سید محمد حسینی، الهادی، قم.
 ۱۲. «الزام الناصب فی اثبات الحجّة الغائب» (۲ جلد)، علی یزدی حائری، مکتبه الرضی، قم.
- کتابشناسی مهدویت.

چهل حدیث مهدوی

غیر از مجموعه‌هایی که از سخنان امام زمان گردآوری و نشر شده است (— احادیث مهدوی)، مجموعه‌های چهل حدیثی هم تدوین شده است، یا درباره آن حضرت، یا از سخنان آن حضرت. حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله چهل حدیث درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گردآوری کرده که علی بن عیسی اربلی کل آن‌ها را در کتاب خود (کشف الغمّة) آورده است.^۱ به مجموعه‌های دیگری هم می‌توان اشاره کرد:

۱. چهل حدیث مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، جواد محدثی، انتشارات زائر، قم، ۱۳۸۹.
۲. حکمت‌های مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جواد محدثی، به نشر، مشهد، ۱۳۹۲.
۳. چهل حدیث انتظار، محمود شریفی، نشر معروف، قم، ۱۳۸۹ و سازمان تبلیغات، ۱۳۷۰.
۴. چهل حدیث گهرهای مهدوی، محمود شریفی، نشر معروف، قم، ۱۳۸۹.
۵. چهل حدیث سیره مهدوی، محمود مدنی بجستانی، نشر معروف، قم، ۱۳۷۷.
۶. چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا، علی اکبر مهدی پور، حاذق، قم، ۱۳۷۲.

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۷ تا ۲۶۴.

۷. اربعون حديثاً في المهدي، سراج الدين محدث بغدادی، قرن ششم.

۸. سیره مهدوی، جواد محدثی، به نشر، مشهد.

و... کتاب های متعدد دیگر.

← احادیث مهدوی، دعاهاى مهدی.

حتمیت ظهور

نویدی که برای ظهور منجی داده شده، روشن و قطعی و تردید ناپذیر است. در روایات، تأکید بر حتمی بودن و تخلف ناپذیر بودن ظهور، خروج و قیام بسیار دیده می شود، همچنین با عبارت «لَا يُخْلَفُ اللَّهُ وَعْدُهُ»^۱ بر حتمیت ظهور طبق وعده الهی تصریح شده است و با عبارات کنایه آمیز نیز بیان شده، مثل این که مکرر در احادیث آمده است که: اگر از دنیا، یا از روزگار، جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند که مردی از اهل بیت ظهور کند و دنیا را پراز عدالت سازد: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ عَشْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا»^۲. این مضمون که با عبارات مختلف آمده، کنایه از حتمی بودن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه است. یا عباراتی شبیه این که: قیامت برپا نخواهد شد مگر آن که...، دنیا به آخر نمی رسد، الا این که... در زیارت آن حضرت هم از او به عنوان وعده تضمین شده الهی یاد شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي صَمِنَهُ»^۳، یا «وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ فِيكَ حَقٌّ، لَا أَزْبَابُ لِطُولِ الْغَيْبَةِ»^۴ پس طول کشیدن زمان غیبت، نباید مؤمنان را به تردید و سستی افکند.

در حدیثی آمده است که جمعی در محضر امام جواد علیه السلام بودند و سخن از سفیانی و حتمی بودن او بود. کسی پرسید: آیا در امر محتوم هم ممکن است «بداء»^۵ حاصل شود؟ امام

۱. روم، آیه ۶.

۲. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۲۷، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۵.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه.

۴. همان.

۵. رک: مدخل «بداء در زمان ظهور موعود».

حجّت

فرمود: آری. گفتند: می‌ترسیم برای خداوند در مورد قائم هم بدا حاصل شود. حضرت فرمود: قائم از موارد میعاد است، «القائم من الميعاد»^۱. اشاره به این است که در امر ظهور آن حضرت بدا پیش نمی‌آید، چون خداوند فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»^۲ و چون ظهور قائم وعده الهی است و خدا خلف وعده نمی‌کند، پس در مورد این موضوع، بداء نخواهد شد. این نیز گواه دیگری بر حتمیت ظهور است.

از سراپرده غیبت خبری باز فرست
که خبر یافتگان بسی خبراند هنوز
رهروان در سفر بادیه حیران تو اند
با تو آن عهد که بستند، برآند هنوز
سه مهدی موعود، غیبت، قیام ناگهانی، بداء در زمان حضور.

حجّت

به معنای برهان، دلیل و سند است، آن چه به وسیله آن با دیگران برای اثبات یارده چیزی استدلال و احتجاج کنند. خداوند، پیامبران را حجت‌های خود بر مردم دانسته و خود را صاحب «حجّت بالغه» و دلیل رسا و محکم دانسته است «فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ»^۳. در حدیث امام کاظم علیه السلام برای خداوند دو نوع حجّت بر مردم بیان شده است، حجّت آشکار که پیامبران و امامان اند و حجّت باطنی که عقل است.^۴ در نهج البلاغه هم سخن از حجّت پنهان یا آشکار خداوند است.

پس پیامبران، اوصیای پیامبران، امامان، عقل، معجزات الهی، قرآن کریم، همه حجّت‌های خدا بر مردم اند. در عصر غیبت، علمای دین و راویان احادیث ائمه، حجّت بر مردم از سوی امام زمان علیه السلام اند. اگر در اذان، شهادت می‌دهیم که علی علیه السلام ولی خدا و حجّت اوست، از این باب است. با توجه به این که همه امامان، حجج الهی اند، آن گونه که در دعای توسل به تک تک آنان «یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ» می‌گوییم، در زیارت امام عصر در

فرهنگ
انتظار

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰.

۲. آل عمران، آیه ۹، رعد، آیه ۳۳.

۳. نساء، آیه ۱۶۵ و انعام، آیه ۱۴۹.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۶.

روز جمعه هم می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»، اما شهرت حجت خدا بودن بیشتر در مورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است و حجت یکی از لقب‌های اوست و به او حجت الله و حجة بن الحسن می‌گوییم. در حدیثی خود آن حضرت فرموده است: زمین خالی از حجت نمی‌ماند و به خدا قسم منم آن حجت. ^۱ نیز آن حضرت در روایت معروف «حوادث واقعه» فرموده است: «فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» ^۲، راویان احادیث ما حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر آنانم. امام عسکری عليه السلام به داود بن قاسم جعفری درباره امام بعد از خودش فرمود: شما شخص او را نمی‌بینید و نام بردن او برای شما حلال نیست. پرسید: پس او را چگونه یاد کنیم؟ فرمود: بگویید: «حجت از آل محمد» ^۳.

ای حجت حق، پرده زرخسار برافکن
کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم ^۴
← حجت شناسی، انجمن حجتیه، نام‌ها و اوصاف و القاب.

حجة بن الحسن عليه السلام ← حجت

حجت شناسی

در روایات بسیار آمده است که زمین خدا خالی از حجت نمی‌ماند، یعنی آن وجود کاملی که قوام دنیا و دین به اوست و در هر زمانی تکیه‌گاه مردم و هادی آنان است «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ» و اگر حجت الهی در زمین نباشد، زمین اهل خود را فرو می‌برد. ^۵ از این رو، حجت خدا را در هر زمان باید شناخت و از او تبعیت کرد و اعمال خود را منطبق با دستور و عمل او ساخت. در دعای معروفی که از عمری روایت شده (اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ) درخواست معرفت حجت خدا هم وجود دارد و بدون این معرفت، انسان به گمراهی می‌افتد و مرگش به مرگ جاهلیت خواهد بود: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» ^۶.

۱. همان، ص ۱۷۹.

۲. کمال الدین، ص ۴۸۴.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ارشاد، ج ۲، ص ۳۴۹.

۴. نوغانی (از شعر: افسوس که عمری پی اغیار دویدیم...).

۵. رک: اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجة، بحار الأنوار، ج ۵ و ۷.

۶. کمال الدین، صدوق، ص ۵۱۲، مفاتیح الجنان، دعای عصر غیبت، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷، الغيبة،

و چه بسیارند فرقه‌هایی از مسلمانان که چون معرفت او را ندارند، از حق فاصله گرفته‌اند. در عصر ما که دوره غیبت حجّت دوازدهم الهی است، باید آن حضرت را بشناسیم و به فرزندان خود بشناسانیم و پیوسته به یاد او باشیم و با اعمال خود، رضایت او را جلب کنیم و چون دسترسی مستقیم به او نداریم، در انطباق عمل خود با فتوا و نظر فقهای دین که حجّت آن حضرت بر مایند، بکوشیم. اگر جزاین باشد، طبق احادیث متعدد، هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱.

← حجّت، امام زمان، انجمن حجّتیہ، آیین انتظار.

حجّتیہ ← انجمن حجّتیہ

حسن بن مثله جمکرانی ← مسجد جمکران

حسین بن روح ← نواب اربعه

حضور در موسم حج

امام عصر علیه السلام از نظرها پنهان و جای او نامعلوم است، اما در جای جای این کره خاکی حضور می‌یابد و کسانی مشمول عنایتش می‌شوند. طبق روایات، در عصر غیبت، در موسم حج و عرفات حضور می‌یابد. امام صادق علیه السلام فرمود: «يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»^۲، مردم امام خود را نمی‌یابند، او در موسم (حج) حضور می‌یابد، مردم را می‌بینند ولی مردم او را نمی‌بینند. در روایاتی تعبیر حضور است (يحضر الموسم) و اشاره به حضور همه ساله (كل سنة)^۳. از قول سفیر آن حضرت، یعنی عمری نقل شده که آن حضرت هر سال در موسم شرکت می‌کند، مردم را می‌بیند و آنان را می‌شناسد، و آنان هم او را می‌بینند

نعمانی، ص ۱۶۶.

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۱۳۰.

۲. کمال الدین، ص ۳۵۱، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۷۳.

ولی نمی شناسند (يَرَوْنَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ).^۱

کسانی هم به دیدار او در موسم حج و روز عرفه موفق شده اند. از آن جا که وقوف در عرفات از واجبات حج است، بسیاری از مشتاقان در عصر روز عرفه در عرفات، چشمشان در پی آن حضرت است و در این زمینه چه دل نوشته ها و شعرها که پدید آمده است.

«تنگ غروب است و در این صحرای عرفان

عطر حضور حضرتش را می توان یافت

مهدی، کدامین خیمه را دیدار کرده است؟

توفیق دیدار،

سهم کدامین حاجی خوشبخت گشته است

این جا در این دشت

هرسوی، آثاری زرد پای مهدی است

فریاد «یا مهدی» در این صحرا بلند است...»^۲

سه تشریف یافتگان، دیدار امام زمان، مکان امام زمان، خضر و مهدی عج.

حکومت صالحان

تعبیری از حکومت حق حضرت قائم عج و مؤمنان و صالحان در عصر ظهور او. این تعبیر در قرآن و روایات و دعاها هم آمده است. امام باقر عج در تفسیر آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۳، فرمود: «هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»^۴، عباد صالحی که وارث زمین خواهند شد، یاران مهدی عج در آخر الزمان اند.

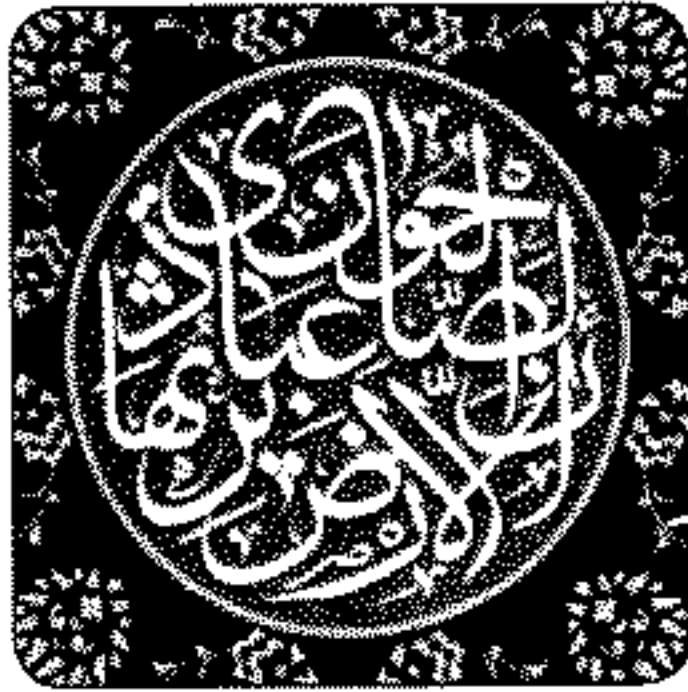
این چشم انداز برای فرجام دنیا و آخر الزمان، در باورهای مردم از ادیان و فرقه های مختلف نهفته و در اعتقادات اسلامی به وضوح و قطعیت بیان شده است و حکومت مستضعفان و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

۲. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۲۱.

۳. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۵۰.



امامت آنان و وراثت بر جهان که در قرآن آمده است (قصص، آیه ۵) اشاره و نوید به این آینده است. «دولت کریمه»، تعبیر دیگری از حکومت امام زمان و یاران صالح اوست که در متون دینی آمده است.^۱ امام صادق (ع) نیز فرموده است: «إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ»^۲، ما هم دولتی داریم که آن وقت که خدا بخواهد آن را می آورد. خداوند به مؤمنانی

که اهل «عمل صالح» اند، وعده حکومت در زمین و تمکن و استقرار دین و تبدیل خوف به امنیت داده است «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^۳. امام زمان پیشوای امت صالحی است که به این وراثت می رسند و پیمان او با مسئولان حکومتی در دولت خود، براساس ایمان، عدالت، تقوا، عمل صالح، مردم داری و ظلم ستیزی است و این ها شاخصه های حکومت صالحان است.

← دولت کریمه، وراثت مستضعفین، کارکردهای انقلاب مهدوی، عدالت جهانی، صلح جهانی.

فرهنگ
انتظار

حکومت مستضعفان ← حکومت صالحان

حکومت واحد جهانی

امروز، دنیا را مجموعه ای از حکومت های ریز و درشت، مستقل و وابسته، ثروتمند و فقیر، با فرهنگ ها و تفکرات مختلف اداره می کنند و کشورهای سلطه جو و قدرت های استکباری براساس منافع خود، ملت های دیگر را تحت سلطه قرار می دهند و منابع آن ها را غارت می کنند. زمانی هم در دنیای دو قطبی، تنازع میان شرق و غرب (کمونیسم و سرمایه داری) بود. گرچه در ابتدا به نظر غیر ممکن می آید که در کل کره زمین، یک حکومت وجود داشته باشد، ولی وعده حاکمیت دین واحد، حکومت واحد، رهبر واحد، و سیاست واحد در همه دنیا، چیزی است که در اشارت ها و بشارت های خدا و رسول و امامان داده شده است. وقتی

۱. از جمله در دعای افتتاح: اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ....

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۲۰۰.

۳. نور، آیه ۵۵.

مردم از حکومت‌ها به تنگ آیند و دولت‌ها در ادارهٔ عادلانه جهان ناتوان شوند و ستم و فساد سیاسی و اقتصادی همه جا را فرا بگیرد، امید و آرمان بشرو نوید و بشارت الهی تحقق می‌یابد و جهان با حکومت قائم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به نام اسلام و با جهت‌گیری قسط و عدل اداره می‌شود. احادیث بسیاری در این مورد نقل شده که می‌رساند دولت موعود مهدوی، عالمگیر و جهانی است و شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد و همه جا را آباد می‌کند و در همه جا گلبانگ محمدی به گوش می‌رسد. در حدیث امام باقر ع پس از اشاره به مدت ۳۰۹ سال حکومت امام زمان ع به شمار سال‌های حضور اصحاب کهف در غار، می‌فرماید: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجُورًا، فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا وَيَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ...»^۱ دنیا را پراز قسط و عدل می‌کند، آن‌گونه که پراز ظلم و جور شده باشد، پس خداوند شرق و غرب زمین را برای او فتح می‌کند و او آن قدر مردم را (که تن به حکومت عدل الهی نمی‌دهند) می‌کشد تا جز دین محمد، دینی نماند.

تعبیر پر کردن دنیا از عدالت، گشودن شرق و غرب عالم، حاکمیت دین توحید، شکست و خواری همه گردن‌کشان، فراگیری عدالت و نسبت به همه جا و همه خانه‌ها، برقراری امنیت و صلح در گسترهٔ زمین و این‌گونه تعبیرات که در انبوهی از روایات و ادعیه و متون آمده است، همان «حکومت واحد جهانی» را می‌رساند. قرآن هم از امامت مستضعفین در «ارض»^۲ - کرهٔ خاکی - و از استخلاف و حاکمیت مؤمنان صالح بر کرهٔ زمین سخن می‌گوید.^۳ وقتی خدا چنین اراده کرده باشد، اسباب آن را هم فراهم می‌کند. آگاهی و اقدام و حمایت و خواسته بشریت هم می‌تواند زمینه‌ساز آن باشد. این چشم‌انداز، در فقرات پایانی دعای ندبه هم آمده است (وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضُ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ أَغْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا).

امام باقر ع می‌فرماید: وقتی قائم ماقیام کند، به هراقلیمی از اقلیم‌های زمین، نماینده‌ای می‌فرستد که عهد و حکم مأموریتش در کف دست اوست و سپاهی به قسطنطنیه می‌فرستد

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲. قصص، آیه ۵.

۳. «لَيَسْخُلَنَّ فِي الْأَرْضِ...» (نور، آیه ۵۵).

... رومیان با دیدن شگفتی‌های یاران او، درهای شهرشان را می‌گشایند و آنان وارد می‌شوند و تاملات‌ها حکومت می‌کنند.^۱ این مأموریت‌ها نشان حکومت جهانی او و قلمرو وسیع دولت مهدوی است.

← وراثت مستضعفین، استخلاف، جهانی شدن، فتوحات مهدویه، سیمای جهان در عصر ظهور، جهان پراز ظلم.

حکیمه خاتون

عمّه امام عسکری علیه السلام، فرزند امام جواد علیه السلام که در شب میلاد امام زمان در نیمه شعبان در خانه امام عسکری علیه السلام ماند و شاهد ولادت آن حضرت بود. زنی با فضیلت و روایتگر نحوه تولّد حضرت حجت از مادرش نرجس خاتون و گواه اعجاز الهی درباره حمل و تولّد



فرهنگ
انتظار

این حجت خدا. در دوران طفولیت حضرت مهدی علیه السلام، آن حضرت و مادرش مدتی در منزل حکیمه خاتون پنهان بودند تا جاسوسان، پی به ولادتش نبرند.^۲ وی به نرجس خاتون در مدتی که در خانه امام هادی علیه السلام بود، احکام و معارف اسلام را

می‌آموخت. وی در سال ۲۷۴ هـ از دنیا رفت. قبر او در حرم امام عسکری علیه السلام، پایین پای اوست.^۳

← نرجس خاتون، نیمه شعبان، عوامل غیبی و بشری.

خراسان ← ستید خراسانی

خرافات و بدعت‌ها ← آسیب شناسی مهدویت

خروج دجال ← دجال

۱. غیبت نعمانی، ص ۳۳۴، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۲. کمال الدین، صدوق، ص ۴۲۲.

۳. ریاحین الشریعه، محلاتی، ص ۲۷۴.

خروج سفیانی ← سفیانی

خروج یمانی

از علائم حتمی ظهور، قیام مردی از یمن و دعوت مردم به حق و عدالت است. امام صادق علیه السلام فرمود: خروج سه نفر، یعنی خراسانی، یمانی و سفیانی در یک سال، یک ماه و یک روز اتفاق می افتد و هدایت کننده ترین پرچم، پرچم یمانی است که به حق رهنمون می شود.^۱ در حدیث دیگر آن حضرت، یکی از پنج علامت حتمی به شمار آمده است: «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مُحْتُمَاتٍ: الْيَمَانِيُّ، وَالسُّفْيَانِيُّ...»^۲ در حدیث امام باقر علیه السلام است که پرچم یمانی پرچم هدایت است، زیرا شمارا به صاحبان فرامی خواند... هرگاه یمانی خروج کرد به سوی او بشتاب، چون پرچمش پرچم هدایت است، روانیست که هیچ مسلمانی از او روی گردان شود، چون او به حق و صراط مستقیم دعوت می کند.^۳

در روایات، علاوه بر نقش فعال و مؤثر یمانی ها در نصرت امام زمان و فرمانبرداری او، بر خروج یمانی دلالت دارد و توصیفات و تأییداتی که از او و حرکتش به عمل آمده، نشان می دهد که او از یاران خاص و پیشگامان نهضت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و خروج او در بستر تمهید و زمینه سازی ظهور است و مردم را به تبعیت از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا می خواند.^۴

← یمانی، علائم ظهور، یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نقش یمانی ها در عصر ظهور.

خسف در بیداء

خسف در بیداء، یکی از علائم حتمی ظهور بیان شده است. منظور، فرو رفتن در زمین است. معنای خسف، فرو رفتن زمین (چیزی شبیه رانش و نشست زمین) است. بیداء، هم به معنای زمین و فلات گسترده است، هم نام محلی در سرزمین حجاز و میان مکه و مدینه

۱. «ولیس فیها رایة یأهدی من رایة الیمانی، یهدی إلى الحق» (غیبت نعمانی، ص ۲۵۲، ترجمه، ص ۲۹۹).

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ۲۰۴.

۳. همان، ص ۲۳۲، ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۶۸.

۴. درباره نقش یمانی ها در صدر اسلام و حمایت از پیامبر و علی علیه السلام و نقش مؤثر آنان در دولت امام زمان رک: «الیمانیون قادمون»، علی کورانی، و ترجمه اش به نام «پیشگامان یمانی».



است. در روایات است که قبل از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در آستانه ظهور، سفیانی خروج می‌کند و سپاهش به مدینه می‌رسد و از آن جا وقتی به «بیداء» می‌رسند خداوند آنان را به کام زمین فرو می‌برد «حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى الْبَيْدَاءِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ»^۱. در حدیث دیگر آمده است: مردی از اهل بیت من در حرم قیام می‌کند، خبر به سفیانی می‌رسد، سپاهی به سوی او می‌فرستد که شکست می‌خورند و سفیانی و همراهانش حرکت می‌کنند، تا آن که به بیداء از زمین می‌رسند، زمین

آنان را فرو می‌برد و همه نابود می‌شوند، مگر اندکی که خبر آنان را به دیگران برسانند.^۲ در روایاتی از خسف در مشرق و مغرب هم سخن به میان آمده است.^۳ همچنان که در قرآن از اقوامی ستمکار و کافریاد شده که دچار عذاب الهی شدند و در کام زمین فرو رفتند «وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ»^۴، یا تهدید به آن شده‌اند.^۵ درباره جریان سفیانی و لشکرهای کفر و فساد که در مقابل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌ایستند، در مقاطعی از حوادث به چنین سرنوشتی دچار می‌شوند و این از نمونه‌های تأیید الهی از قیام آن حضرت است. در حدیث است: «عَلَامَةُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ خُسْفٌ يَكُونُ بِالْبَيْدَاءِ بِجَيْشٍ فَهُوَ عَلَامَةُ خُرُوجِهِ»^۶، نشانه خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرو رفتن سپاهی در زمین است، در بیداء.

← علائم ظهور، دجال، چگونگی غلبه بر جهان، سفیانی.

خسوف و کسوف در ماه رمضان

در روایات، از جمله نشانه‌های قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی در

۱. ینابیع المودة، قندوزی، ص ۴۲۷.

۲. تاریخ الغیبة الکبری، محمد الصدر، ص ۶۰۰.

۳. ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۶۸.

۴. عنکبوت، آیه ۴۰.

۵. سبأ، آیه ۹.

۶. معجم احادیث الامام المهدی، ص ۴۹۸.

ماه رمضان در یک سال است. این پدیده در طول سال ممکن است اتفاق بیفتد و طبیعی باشد، اما کسوف در نیمه و خسوف در آخر رمضان در یک سال، پدیده شگفت و هشدار دهنده است. به فرموده امام باقر علیه السلام: خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر همان رمضان می گیرد و این حادثه ای است که از زمان هبوط حضرت آدم (و به نقلی: از زمان خلقت آسمان و زمین) اتفاق نیفتاده است.^۱ در نقلی دیگر، فرموده است: و در این هنگام است که حساب منجمان به هم می ریزد «وَعِنْدَ ذَلِكَ يَسْقُطُ حِسَابُ الْمُنَجِّمِينَ»^۲، زیرا معمولاً آفتاب گرفتگی در اواخر ماه است و ماه گرفتگی در نیمه های ماه. البته در روایات دیگری در این که خسوف و کسوف در چه روزی از رمضان اتفاق می افتد، به صورت های مختلف هم نقل شده است، ولی در وقوع این حادثه در یک ماه رمضان، همه متّحدند.^۳

← علائم ظهور، شرایط ظهور.

خضرو مهدی علیه السلام

حضرت خضر علیه السلام که در قرآن و روایات، از او با عنوان «عبد صالح» هم یاد شده است و به سبب خوردن از چشمه آب حیات عمری دراز یافته، در دوره غیبت از همراهان و همدمان امام عصر علیه السلام است که تنهایی او را با انس و معاشرت برطرف می سازد^۴ عمر طولانی خضر را هم از مؤیدات ممکن ساز طول عمر حضرت مهدی علیه السلام شمرده اند. او را در شمار یاران آن حضرت نیز شمرده اند. امام صادق علیه السلام در حدیث مفصّلی که به سؤالات گوناگون مفصّل بن عمرو و همراهانش پاسخ می دهد و فلسفه غیبت را بیان می کند، می فرماید: اما عبد صالح (یعنی خضر علیه السلام) خداوند عمر او را طولانی نکرد تا به او نبوت دهد، یا کتابی نازل کند، یا شریعتی عطا کند که شریعت پیامبران قبلی را نسخ کند، یا امامتی بدهد که بندگان او ملزم به اطاعت او باشند، بلکه چون در تقدیر ازلی و علم الهی این بود که عمری طولانی در ایام

۱. بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۱۵۳ و ج ۵۲ ص ۲۱۴.

۲. کمال الدین، ص ۶۵۵.

۳. رک: دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۹۷.

۴. کمال الدین، ص ۳۹۰، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

خَلَفِ صَالِح

غیبت به حضرت قائم بدهد، و می دانست که مردم آن عمر طولانی را قبول نمی کنند، عمر خضر را طولانی ساخت، تا بشود بر عمر بلند قائم به آن استدلال کرد و حبست بر معاندان تمام شود.^۱ طبق احادیث، همچنان که امام زمان عجل الله تعالی فرجه همه ساله در مراسم حج شرکت می کند و حضور می یابد، خضر هم حضور همه ساله در مراسم حج دارد.^۲

← یاران امام زمان، طول عمر امام زمان، بعد غیبی امام زمان، حضور در موسم.

خَلَفِ صَالِح

جانشین خوب و شایسته، جانشین و وارث همه انبیا و اوصیای گذشته و خلف انبیا و اوصیاء و وارث همه علوم و معارف الهی. این صفت درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه به عنوان یکی از القاب او به کار رفته است. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْخَلَفُ الصَّالِحُ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ الْمَهْدِيُّ إِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ...»^۳، خلف صالح از فرزندان من است، او «مهدی» است، نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم است و در آخر الزمان ظهور می کند. «او کمال صفوت آدم و رفعت ادريس و آرامش نوح و بردباری ابراهيم و شدت و صلابت موسى و شکوه و بهای عيسى و صبر اتيوب» را دارد. روایاتی هم که دارا بودن او نسبت به سنت هایی از انبیای گذشته را بیان می کند، مؤید همین خلف صالح بودن اوست. در دعای «رَضِيْتُ بِاللّهِ رَبّاً...» هم از امام عصر، با عنوان «وَالْخَلَفُ الصَّالِحُ الْمَهْدِيُّ» یاد شده است.

← وارث سنت های انبیایی، نام ها و اوصاف و القاب، سیره مهدوی و سیره نبوی.

خليفة الله

جانشین خدا، کسی که در روی زمین، جانشین خداوند در اجرای احکام اوست، مصداق راستین «خليفة الله» که به معنای انسان کامل است، حجت خداوند است. همه پیامبران و اوصیای الهی «خلفاء الله» اند.^۴ در زیارت آل یاسین، به آن حضرت با همین عنوان سلام

۱. کتاب الغیبة، طوسی، ص ۱۷۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲، حدیث ۴.

۳. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۱۷۸.

۴. السلام علی انصار الله و خلفائه (زیارت جامعه کبیره).

می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ».^۱ در دعای زیارت سرداب مقدس هم که با این جمله آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ»^۲ از او به عنوان ولی و خلیفه و حجت خدا یاد شده است.

— نام‌ها و اوصاف و القاب.

خواسته‌های مهدوی

دعاها و خواسته‌هایی که از خداوند، در ارتباط خودمان و امام زمان داریم، نشانه محبت و دلدادگی و پیوند ما با آن حضرت است. این خواسته‌ها در ضمن دعا‌های معتبر و زیارت‌نامه‌ها دیده می‌شود و فراوان است. به شماری از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. خدایا، مرا از یاران و یاوران و پیروان و شیعیان او قرار بده.^۳
۲. خدایا، حجت خود را به من بشناسان، چون که اگر حجت خودت را به من شناسانی از دینم گمراه می‌شوم.^۴
۳. خدایا، مرا بر غیبت او صبور و شکیباساز، تا در آن چه به تأخیر انداخته‌ای تعجیل را نخواهم و در آن چه جلو انداخته‌ای خواستار تأخیر نباشم، آن چه را پوشانده‌ای در پی کشف آن نباشم و در آن چه تدبیر فرموده‌ای منازعه نکنم.^۵
۴. خدایا مشاهده او را آشکار ساز، پایگاه‌هایش را استوار کن، ما را از آنان قرار ده که با دیدارش چشم ما روشن می‌شود و ما را به خدمت او بگمار، بر آیین او بمیران و در زمره او محشور فرما.^۶
۵. خدایا، به سبب طول کشیدن دوران غیبتش و بی‌خبری ما از او، یقین ما را از ما بگیر.^۷

۱. مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

۲. همان، ص ۵۴۱، دعا برای امام زمان (عج).

۳. وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ... (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۳).

۴. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي... (بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۲۷).

۵. اللَّهُمَّ صَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ... (همان).

۶. أَبْرِزْ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ وَثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ... (همان، ص ۳۲۸).

۷. اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ... (همان، ص ۳۲۸).

۶. خدایا، ما را از یاد او، انتظار او، ایمان به او، یقین به ظهورش و دعا و درود بر او غافل مگردان.^۱
۷. خدایا، ما را بر اطاعتش نیروبخش و در پیروی‌اش ثابت قدم بدار و ما را در حزب و گروه و یاوران و مشتاقان کارش قرار بده.^۲
۸. خدایا، ما را از یاورانش، از تقویت‌کنندگان حکومتش و مجریان فرمانش و راضیان به کارش و تسلیمان به حکم‌هایش قرار بده.^۳
۹. خدایا، همچنان که دلم را به یادش آباد ساختی، سلاحم را دریاری‌اش آخته گردان.^۴
۱۰. خدایا، اگر مرگ مقدر، میان من و دیدارش فاصله انداخت، هنگام ظهورش مرا از قبرم برانگیز، تا در رکابش در صفی استوار و پولادین جهاد کنم.^۵
۱۱. خدایا، ما را از محبتش بهره‌مند گردان و ما را در زمره او و وزیر پرچم او برانگیز.^۶
۱۲. خدایا، ما را یاری کن که حق او را ادا کنیم و در اطاعتش بکوشیم و از نافرمانی‌اش پرهیزیم.^۷
۱۳. خدایا، به سبب او نمازمان را مقبول و گناهانمان را آمرزیده و دعایمان را مستجاب کن.^۸
۱۴. خدایا، این اندوه و گرفتاری را به برکت حضورش از این امت برطرف کن و در ظهورش برای ما شتاب نما.^۹

۱. اَللّٰهُمَّ لَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَ اِنْتَظَارَهُ وَ الْاِيْمَانَ بِهِ ... (همان).
۲. اَللّٰهُمَّ قَوِّنَا عَلٰی طَاعَتِهِ وَ ثَبِّتْنَا عَلٰی مُتَابَعَتِهِ ... (همان).
۳. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ اَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّیَةِ سُلْطَانِهِ ... (بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۳۰).
۴. اَللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا ... (مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان).
۵. اَللّٰهُمَّ اِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ لِقَائِهِ الْمُتَوْتُّ ... فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ... (همان).
۶. اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنَا بِحُبِّهِ وَ اَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ ... (همان).
۷. اَللّٰهُمَّ ... اَعِنَّا عَلٰی تَاْدِيَةِ حُقُوْقِهِ اِلَيْهِ ... (همان).
۸. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً ... (همان).
۹. اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ بِظُهُورِهِ ... (همان، دعای عهد).

۱۵. خدایا، آن چهره رشید و آن سیمای نیکو و ستوده را به ما بنمایان و سرمه دیدارش را به دیدگانمان بکش.^۱

از این گونه دعاها بسیار است، به عنوان نمونه این ها برگزیده شد.^۲

ای چراغ شب تنهایی دل بی تو هر شب، شب یلداست، بیا^۳
 شعر اشتیاق، دعا برای فرج، دعا های مهدی (عج) .

خورشید پشت ابر

تشبیهی است که در روایات غیبت امام زمان (عج) و بهره بردن مردم از وجود او که غایب است بیان شده است. وقتی خورشید پشت ابر است، هر چند به چشم دیده نمی شود، ولی نورش جهان را روشن می سازد، حرارتش تداوم بخش حیات و رشد در جهان و گیاهان است و ده ها خاصیت دیگر بر وجود خورشید پنهان مترتب است. وقتی پیامبر یا امامان از حتمیت غیبت آن حضرت و طول کشیدن زمانش سخن می گفتند، این سؤال در ذهن کسانی پیدا می شد که وقتی مردم دسترسی به امام ندارند و او را نمی توانند ببینند، پس چگونه از وجود او بهره مند می شوند؟ در پاسخ، مسأله خورشید پشت ابر مطرح می شد. رسول خدا (ص) در جواب سؤال جابر بن عبد الله انصاری فرمود: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ، إِيَّاهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ»^۴.

سوگند به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت، مردم از وجود او بهره می برند و از فروغ ولایتش در زمان غیبتش روشنی می گیرند، آن چنان که از خورشید بهره می برند، وقتی که ابر آن را بپوشاند. این مضمون در روایات فراوانی با عبارت های متفاوت آمده است و بزرگان در تفسیر و تحلیل نحوه سود بردن از وجود این خورشید پشت ابر و برکات وجودی اش در عصر غیبت، سخن ها گفته و نوشته اند، حتی به قوام جهان و برپایی زمین و آسمان در سایه وجود آن

۱. اَللّٰهُمَّ ارِنِي الظِّلَّةَ الرَّشِيْدَةَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ... (همان).

۲. با بهره گیری از «جان جانان»، موگهی.

۳. زهره نارنجی.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۳، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۶۹.

حجت خدا هم پرداخته اند.^۱

علامه مجلسی در ذیل این احادیث، بحثی درباره تشبیه آن حضرت به خورشید پنهان در پس ابر دارد و به هشت نکته ظریف اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد، همچون: رسیدن نور وجود و هدایتش به خلق، چشم به راه بودن مردم برای کنار رفتن ابرها و دیدن جلوه خورشید، همانندی منکرو وجودش با منکرو وجود خورشید پشت ابر، سودمندتر بودن خورشید پشت ابر برای مردم در بعضی اوقات، ورود شعاع خورشید به خانه‌ها به اندازه پنجره‌ها و روزنه‌هایی که در خانه‌ها هست و این که هر که هر کس هر چه بیشتر موانع را کنار بزند، بیشتر از خورشید نفع می‌برد...^۲

مسأله غیبت، فلسفه ضرورت وجود امام را از بین نمی‌برد و به سبب پنهان بودنش از دیده‌ها، نمی‌توان منکرو وجودش شد، همچنان که پنهان بودن خورشید در پشت ابر، دلیل نبودن خورشید نیست و آثار مفید خورشید، از پشت ابر هم به جهانیان و موجودات می‌رسد. وجود غایب او امیدآفرین و انگیزه بخش است و انتظار آمدنش سازنده انسان‌هاست.

امام عصر علیه السلام در پاسخ به نامه پراز سؤالات اسحاق بن یعقوب، در توقیعی نوشت: اما وجه بهره‌مندی از وجود من در دوران غیبت، مثل بهره‌مندی از خورشید است، آنگاه که ابر، آن را از دیده‌ها پوشیده دارد: «وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلَا يُتَفَاعَى بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ».^۳

ای شه دنیا و دین، ای خلف بوتراب

لیک ز لطف تواند، خلق جهان کامیاب

از سویی وجود امام برای جامعه، ضرورت دارد، از سوی دیگر حکمت الهی برای او غیبتی

مقدر کرده، و زمانی ظهور می‌کند و میان این دو تناقض نیست، بخصوص اگر در نظر بگیریم

۱. رک: مقاله «نعمت در پس پرده غیبت»، فصلنامه انتظار، شماره ۱۲-۱۱، ص ۲۰۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۴. صغیر اصفهانی.

که عامل غیبت، کوتاهی مردم در شناخت و تبعیت از امام است. یکی از علما نکاتی سودمند در انتفاع مردم از امام غایب بیان کرده که خلاصه آن چنین است:

الف: هدایت‌های معنوی امام نسبت به برخی از تشنگان سیروسلوک و صالحان.

ب: یاری دادن به برخی کسان که در حالت خاص به او متوسل می‌شوند.

ج: دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان در مظان دعا.

د: دفع برخی از شرور با عنایت امام به خواص یا طرفداران حق.

ه: هدایت تسبیبی آن حضرت به وسیله نمایندگان خاص و عام در عصر غیبت.

و: ایصال فیض الهی به انسان‌ها به خاطر وجود او.

ز: تصویب امور سال در شب‌های قدر که مقدرات به امضای امام می‌رسد.^۱

چهره بگشای که رخسار تو دیدن دارد سخن از لعل توای دوست شنیدن دارد

پرده، ای ماه فروزنده، ز رخسار فکن تا جهان را کنی از ماه جمالت روشن^۲

بهره‌مندی از مددهای غیبی آن حضرت و تأثیری که در تربیت نفوس، تدبیر امور، دفع آفات و فتنه‌ها و هدایت‌های معنوی او چه بسا برای ما روشن نباشد، ولی هست، مثل همان خورشید که نفع آن از پشت ابر، به انسان و جهان می‌رسد، هر چند اغلب مردم فهمی از چگونگی انتفاع ندارند.

آن شاخ گل، ارچه هست پنهان ز چمن از فیض وجود اوست عالم گلشن

خورشید اگر چه هست در ابر، نهان از نور وی است باز، عالم روشن

→ آثار وجودی امام غایب، امن و امان، آزمایش و امتحان، فلسفه غیبت.

۱. سید محسن خرازی، ویژه‌نامه «شمس ولایت»، تبریز، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۲.

۲. قدسی مشهدی.

د . د

دَابَّةُ الْأَرْضِ

به معنای جنبنده زمین است.^۱ در برخی روایات به عنوان یکی از علائم ظهور یا علائم قیامت به شمار آمده است (خروج دَابَّةُ الْأَرْضِ). این کلمه، غیر از آن چه که بر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام تفسیر شده است، می تواند اشاره به رجعت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در آخر الزمان و پیش از قیامت باشد. در روایتی هم آمده که روز سَوم ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، دَابَّةُ الْأَرْضِ خارج می شود (وَتُخْرِجُ دَابَّةُ الْأَرْضِ).^۲ احادیث مختلفی در منابع شیعی و اهل سنت درباره خروج دَابَّةُ الْأَرْضِ آمده که مؤمن و کافر را نشانه می گذارد که برای همگان شناخته شوند.

فرهنگ
انتظار

در روایتی که به نقل دیدار علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام پرداخته و امام، سؤالات او را پاسخ می دهد، امام می فرماید من در حال تقیّه ام، تا وقتی که به من اذن خروج داده شود. می پرسد کی خواهد بود؟ می فرماید: در سال فلان و فلان، دَابَّةُ الْأَرْضِ از بین صفا و مروه بیرون می آید، عصای موسی و خاتم سلیمان در دست اوست، و مردم را به سوی محشر سوق می دهد...^۳ در روایتی هم امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام به ابی الجارود درباره آیه **﴿إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً﴾**^۴ فرمود: خداوند در آخر الزمان آیاتی را به تونشان خواهد داد که دَابَّةُ الْأَرْضِ،

۱. در قرآن آمده که هیچ دابه و جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی آن بر خداست **﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا﴾** (هود، آیه ۶)، در روایاتی دابه الْأَرْضِ در آیه دیگر (نمل، ۸۲) بوجود امام علی عَلَيْهِ السَّلَام هم تأویل شده است. (الكافي، ج ۱، ص ۱۹۸)
۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.
۳. همان، ص ۱۲.
۴. انعام، آیه ۳۷.

دجال، نزول عیسی بن مریم و طلوع خورشید از مغرب از آن جمله است.^۱ اگر تفسیر دابة الأرض را به وجود امام علی علیه السلام بدانیم، همچنان که خود آن حضرت در احادیث متعددی فرموده است: «أنا دابة الأرض»^۲، می تواند اشاره به رجعت آن حضرت در عصر ظهور، یا حضور و نقش آفرینی او در آستانه قیامت باشد.

← مهدی در قرآن، نام ها و اوصاف و القاب.

دادگری ← عدالت

دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی علیه السلام



این نهاد فرهنگی که زیرمجموعه «سازمان تبلیغات اسلامی» بود، با برگزاری اجلاس های سالانه و جذب مقالات و چاپ جزوات به «فرهنگ مهدوی» می پرداخت و هر سال موضوع خاصی مورد نظر بود. در پنجمین اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت

مهدی علیه السلام که با عنوان «مهدویت در عصر حاضر» در سال ۱۳۸۵ ش برگزار شد، اقدام به نشر ۴ جزوه و کتابچه با موضوعات مختلف مرتبط با مهدویت، به قلم محققان و نویسندگان گوناگون پرداخت. عنوان بعضی از کتابچه ها عبارت بود از: مهدویت از گذشته تا حال، ضرورت وجود امام زمان، شبهات مهدوی دوران ما، مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه، موعود در قرآن، حکومت جهانی امام عصر، شکوفایی حقوق شهروندی در عصر ظهور، آسیب شناسی مهدویت، لزوم تفکیک علائم حتمی ظهور، امام مهدی علیه السلام و سیره نبوی و ... دبیرخانه دائمی این اجلاس که مسئول جذب مقالات و نشر آن ها بود، در قم قرار داشت.

← مراکز مهدویت پژوهی، مهدویت و محورهای پژوهش.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱.

۲. همان، ج ۳۹، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

دجال

خروج دجال، از نشانه‌ها و علائم ظهور شمرده شده است. دجال از ریشه دَجَل به معنای دروغ و فریب است و معنای دجال، کذاب و مکار و فریبنده است. در برابر حرکت انقلابی و اصلاحی امام زمان عجل الله تعالی فرجه و دعوت به خدا و دین حق، موجی از جبهه مخالف دین و ضد ارزش‌های الهی به راه می‌افتد که از آن به «خروج دجال» یاد شده است. ویژگی‌هایی در شیوه دعوت و تبلیغات دارد که گروه بسیاری را فریب می‌دهد و به خود جذب کرده، در مقابل حرکت ظهور می‌ایستد. در این که آیا دجال، نام یک شخص است، یا عنوانی برای یک جریان باطل و اغواگر و ضد حق است، مثل مسأله سفیانی دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد. در یکی از سخنان حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده است: خداوند هیچ پیامبری بر نیانگيخت، مگر آن که آن پیامبر، قوم خود را از «دجال» بیم داد. خداوند آن را تا زمان شما به تأخیر انداخته است، روزی سوار بر الاغی می‌شود و همراه خود وسایل فریب دهنده‌ای دارد و بیشتر پیروانش یهودیان و زنان و بادیه‌نشینان اند و به همه آفاق زمین نفوذ می‌کند مگر به مکه و مدینه.^۱

فرهنگ
انتظار

حقیقت دجال چندان روشن نیست، که آیا شخصی اغواگر و دروغگو و مردم فریب است، یا یک جریان فاسد و مفسد در سطح جهان است، یا کنایه از فرهنگ کفر و الحاد و بی‌دینی است، ولی به هر حال از علائم حتمی قبل از ظهور و همراه ظهور شمرده شده و برای مردم جهان یک آزمون سخت و پیچیده است، چون با لطایف الحیلی مردم را از حق و دین روی گردان کرده به باطل و ضدیت با دین و اخلاق، سوق می‌دهد و مثل جریان سفیانی، مزورانه مردم را به مبارزه با حق می‌کشاند. بعضی دجال را «کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان» دانسته‌اند و این که استکبار، با ظاهری فریبنده، مردم را، به ویژه مسلمانان را می‌فریبد و با قدرت مادی و صنعتی و فتی عظیمی که در اختیار دارد، آنان را به شدت مرعوب خویش می‌سازد، به گونه‌ای که مسلمانان احساسن خود باختگی می‌کنند...»^۲.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۷.

۲. چشم به راه مهدی، ص ۲۹۵.

احادیث گوناگون دجال و خروج او و اوصاف و ویژگی هایش را در منابع روایی مطالعه کنید.^۱

«علائم ظهور، سفیانی، خسف در بیداء، دینداری در عصر غیبت، آزمایش و امتحان.

دشمن شناسی

بدون شک، تفکر مهدی باوری و عقیده و انتظار برای ظهور منجی، دشمنان و مخالفانی داشته و دارد که یا با اصل این باور مقابله می کنند، یا نمونه های جعلی و بدلی برای آن می تراشند تا مسأله را لوث کنند، یا با تحریف محتوایی و به انحراف کشاندن این عقیده و معتقدان به مهدویت، به آن ضربه بزنند، یا با ایجاد فرقه ها و گروه های انحرافی، در میان پیروان دین، شکاف و اختلاف پدید آورند، یا از راه های مختلف به پیروان اهل بیت و دوستان و منتظران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه له ضربه می زنند و تضعیف می کنند.

در دعای افتتاح، وقتی به درگاه خدا شکوه می کنیم که: امام ما غایب است و ولی ما پنهان، دشمنانمان زیاد است و مخالفان و زمانه علیه ما همدست شده اند (كَثْرَةُ عَدُوِّنَا، تَظَاهَرُ الزَّمَانُ عَلَيْنَا)، خبر از این دشمنان و دشمنی ها می دهد. دشمنانی خطرناک ترند که عداوت خود را پنهان می کنند و نقشه های سری علیه این تفکر و پیروانش دارند. به تعبیر امام علی علیه السلام: «أَكْبَرُ الْأَعْدَاءِ أَخْفَاهُمْ مَكِيدَةً»^۲ بزرگترین دشمنان آنان اند که نیرنگ و نقشه دشمنی خود را پنهان می کنند.

دشمنان مهدویت، باره انداختن جریان بهائیت و بابیت و حمایت از قادیانی گری، دشمنی خود را اعمال کردند. فرقه هایی که با مبارزه با استکبار مشکل دارند و مخالف انقلاب اند، به نحوی در زمین دشمن بازی می کنند. مهدی نماها و مدعیان دروغین مهدویت یا نیابت یا وکالت یا رؤیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له که در پی مرید بازی و جلب منافع اند، از دشمنان این تفکر حساب می شوند. صهیونیسم و مسیحیت که با راه اندازی شبکه ها و سایت ها در

۱. همچون بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۸۶، کمال الدین، ص ۵۲۵، باب ۴۷.

۲. الحیة، ج ۱، ص ۱۳۳، به نقل از مستدرک نهج البلاغه، ۱۵۷.

دعا برای فرج

فضای مجازی و استفاده از رسانه‌های جمعی و فیلم‌های هالیوودی و آخرالزمانی، در پی وحشت‌آفرینی و اسلام‌هراسی و مهدی‌هراسی‌اند، جزو دشمنان مهدویت‌اند. منتظران باید هوشیار باشند و با دشمن‌شناسی در دام شیادان و دشمنان نیفتند و ساده‌لوحانه هر مدّعی ارتباط و دیدار را قبول نکنند.

— مدّعیان دروغین، دجال، انجمن حجتیه، صهیونیسم مسیحی، متمهدی، آسیب‌شناسی مهدویت، اعوجاج فکری، آرماگدون.

دعا برای فرج

عصر غیبت، دوران ابتلای مسلمانان به فقدان امام معصوم و غربت دین و مظلومیت دینداران و محرومیت مردم از دیدار و ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. منتظران ظهور، باید پیوسته دعا کنند تا این هم و غم برطرف شود و فرج امام زمان و اهل بیت و مؤمنین و شیعیان برسد. از تکالیف ما در دوران غیبت، دعا برای تعجیل در ظهور آن حضرت است. این که پیوسته در صلوات‌هایمان بر محمد و آل محمد، جمله «وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» می‌گوییم و هرگاه نام و یاد از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر زبان جاری می‌شود، با تعبیری همچون: عجل الله تعالی فرجه، اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه درخواست فرج داریم، همه در راستای توصیه‌های دینی برای چنین دعایی است.

امام زمان به شیعیان توصیه فرموده که: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ فَرْجَكُمْ»^۱ برای تعجیل در فرج، زیاد دعا کنید، چون فرج و گشایش شما هم در همین است. هم دعا برای فرج، زمینه‌ساز گشایش در امور منتظران است، هم اگر مستجاب شود و فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد، گشایشی در امور همگان پیش می‌آید. سرتاسر دعای ندبه، استغاثه و درخواست فرج و اظهار اشتیاق برای رؤیت آن حضرت و درک ایام حضور اوست. در دعای عهد نیز پس از سلام و درودها بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تجدید پیمان با او و دعا برای ظهور و بازسازی سنت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله، درخواست می‌کنیم که غم و اندوه امت اسلام در عصر

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۱.

غیبت، با ظهور و حضور او برطرف شود و توفیق دیدار جمالش فراهم آید: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظَهْرَهُ»^۱. در دعای معروف «اللَّهُمَّ اِدْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ» نیز همین مضامین نهفته است.^۲

از آن جا که دعا باید همراه با تلاش مناسب برای تحقق آن باشد، دعای منتظران برای فرج مولایشان باید در زندگی و رفتار و فعالیت های زمینه سازانه آنان اثر بگذارد و زندگی در خور چشم به راهان آمدن آن حضرت داشته باشند. این گونه دعاها در ایجاد حالت روحی خوب و ارتباط باطنی با امام زمان و انس بیشتر با او نیز مؤثر است. «بخوان دعای فرج را، دعا اثر دارد». — العجل، عجل الله فرجه، استعجال، دعای فرج.

دعاهای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در بخش «احادیث مهدوی» از سخنان و احادیث آن حضرت چه به صورت کتبی یا شفاهی و توقیعات و دعاها و منابع آن ها اشاره شد. در این جا جداگانه به موضوع دعاها و آن حضرت پرداخته می شود. آن چه از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان متن دعا روایت و نقل شده و توصیه به خواندن آن ها انجام گرفته زیاد است، از جمله این دعاها:

۱. دعای «إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرَحَ الْخَفَاءُ»
۲. دعای «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ»
۳. دعای فرج «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ»
۴. دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي أَطْعُمُكَ فَأَلْحَمِدُكَ لَكَ»
۵. دعای «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمُعَصِيَةِ»
۶. دعای سهم اللیل «اللهم إني أسألك بعزیز تعزیز اعتزاز عزتك»
۷. دعای «إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»
۸. دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ وَلاَهُ أَمْرِكَ» (در هر روز ماه رجب)

۱. مفاتیح الجنان، دعای عهد، ص ۵۴۰.

۲. همان، ص ۵۴۱.

۹. دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْئُودَيْنِ فِي رَجَبٍ» (دعای هرروز ماه رجب)

۱۰. دعای «يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ، وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ» (هرروز رجب)

این دعاها در کتب ادعیه (مفاتیح و دیگر کتب) از جمله «دانشنامه امام مهدی» ج ۶ آمده است.

→ احادیث مهدی، زیارت آل یاسین، خواسته های مهدوی.

دعای افتتاح

یکی از دعاهای معروف و با فضیلت که در شب های ماه رمضان خوانده می شود دعای افتتاح است. دعا در کتاب «اقبال» سید بن طاووس، از قول احمد، پسر محمد بن عثمان (نایب دوم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت صغری) نقل شده است.^۱ بعضی آن را تعلیم امام زمان به وی می دانند. بخش اول آن ستایش خداوند و استغفار از گناهان و رحمت و فضل گسترده الهی است. در بخش دوم صلوات و تحیات بر پیامبر خاتم و اهل بیت او و امامان معصوم، به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این قسمت، هم به شئون امامت آن حضرت و نقش عدالت گستری او پس از ظهور و دعا برای عزت و نصرت و فتح او اشاره شده است، هم به شوق و رغبت ما به دولت کریمه آن حضرت که عزت بخش اهل ایمان و خوارکننده منافقان است پرداخته هم به الفت و وحدت امت که با ظهور او فراهم می آید، هم شکوه به درگاه الهی نسبت به فقدان نبی و غیبت ولی و کثرت دشمنان و کمی نفرات و شدت فتنه هاست و دعا برای فتح سریع برای آن امام غایب. در واقع، زمزمه انتظار و اشتیاق دیدار و تکرار امیدها و آرزوها برای فرج آن حضرت در این دعای شریف نهفته است.

→ دعا برای فرج، دولت کریمه، آثار وجودی امام غایب، حجت شناسی.

دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

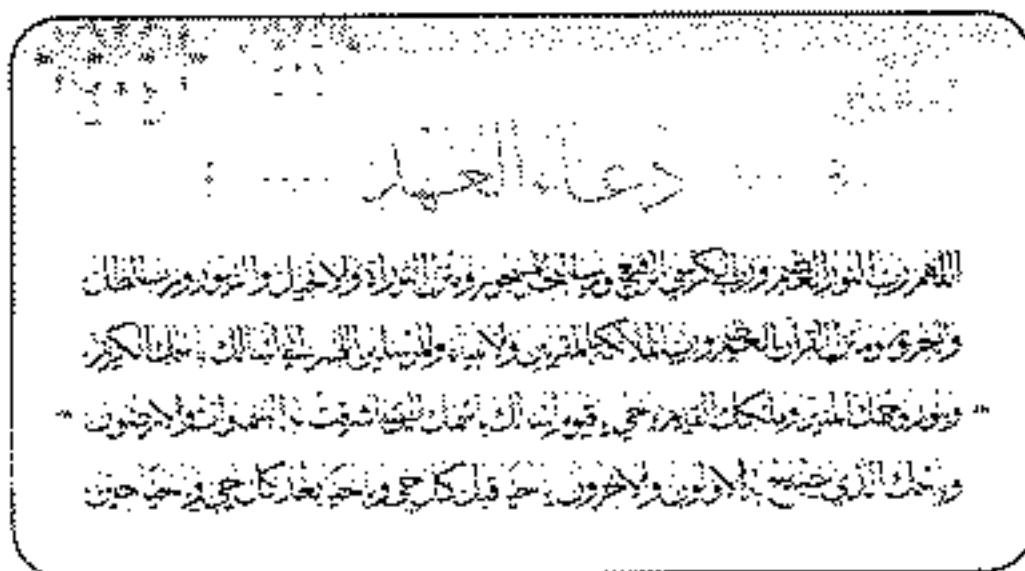
دعا برای سلامتی آن حضرت و دوری از هرگزند، نشانه اوج عشق و محبت ما نسبت به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و رابطه ما را با او تقویت می کند و از وظایف ما در عصر غیبت شمرده

۱. شهر الله فی الكتاب والسنة، ص ۲۱۷.

شده است. در میان مردم، دعای «اللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ...» دعای سلامتی و فرج شمرده می شود، چون از خداوند درخواست پشتیبانی و حفاظت از او می شود (ولياً و حافظاً...) ولی در دعاها و زیارت های دیگری هم این خواسته برای او مطرح است. در دعایی که پس از زیارت آل یاسین خوانده می شود، این تعبیرات آمده است: «اللّٰهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ...»^۱ خدایا او را از شر هرستمگرو طغیانگری و از شر همه مخلوقات نگهدار، و او را از پیش رو و پشت سرو چپ و راست محافظت کن و نگهبان او باش و از این که بدی و سوئی به او برسد حفظ کن. در دعای عهد نیز جمله «وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ»^۲، همین مضمون را دارد و دعا برای صیانت او از ستم و ضربه تجاوزکاران است. همچنین در دعای دیگری که با «اللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَن وَلِيِّكَ...» آغاز می شود، دعا می کنیم که خداوند از او دفاع کند و از شر همه مخلوقات و از همه سوبا حفاظت خاص خویش نگه دارد و در کنف حمایت خویش بگیرد.

← دعا برای فرج، دعا های مهدی علیه السلام، خواسته های مهدوی.

دعای عهد



همچنان که میان خداوند و بندگانش، عهد و میثاق بندگی و اطاعت است^۳، میان پیامبر و امتش و امام و پیروانش نیز عهد و میثاق پیروی و فرمانبرداری است. انجام این پیمان به صورت های مختلف است، در

زمان حیاتشان، بیعت حضوری و دیدار و اعلام ولایت است. پس از وفاتشان حضور بر سر مزار و انجام زیارت، نوعی تجدید میثاق است. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا

۱. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (دعای پس از زیارت آل یاسین).

۲. همان، دعای عهد.

۳. عهد آلت و «قَالُوا بَلَىٰ» گفتن انسان و عالم ذر و میثاق فطرت، در کتب توحیدی بیان شده است «وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ» (اعراف، آیه ۱۷۲).

فِي غُنْقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ...»^۱ هرامامی بر گردن دوستان و پیروانش عهد و میثاقی دارد. از جمله نشانه‌های وفای به این عهد و انجام نیکوی پیمان، زیارت قبور آنان است.

بر اساس همین اصل، میان ما و امام زمان عجل الله تعالی فرجه عهد و پیمانی است که باید آن را همواره به یاد داشته باشیم و به مضمون آن توجه کنیم و پای بند آن باشیم. توصیه به خواندن «دعای عهد» در هر روز، در راستای توجه به این عهد است. دعای عهد در بحار الأنوار علامه مجلسی و در مفاتیح الجنان هم آمده است.^۲ امام صادق ع فرمود: هر کس چهل صبح این دعا را بخواند، از انصار امام زمان خواهد بود و اگر بمیرد، هنگام ظهور، خداوند او را از قبرش بیرون می‌آورد تا در خدمت امام عصر باشد. شروع دعا چنین است: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ». در این دعا، خدا را به اسماء شریفش و به کتب آسمانی و پیامبران الهی سوگند می‌دهیم که به امام مهدی و قائم، از طرف ما و همه مؤمنان در شرق و غرب عالم، به اندازه سنگینی عرش خود و کلمات و علمش صلوات و درود فرستد. سپس موضوع تجدید پیمان با آن حضرت است در این روز و همه ایام و سراسر عمر، پیمانی استوار و تخلف ناپذیر و درخواست این که ما را از یاوران و مدافعان و مجریان فرمانش و شهیدان در رکابش قرار دهد و اگر مرگ، میان ما و آن حضرت فاصله انداخت، ما را در دوره رجعت به دنیا برگرداند تا لبیک گوی دعوتش باشیم. در دعای عهد، همچنین آرزوی دیدار آن حضرت و دعا برای تعجیل در فرج و ظهورش برای نجات مظلومان و احیای احکام اسلام و سرکوبی ظالمان و محفوظ ماندن از شر تجاوزکاران شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي غُنْقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ...».

خواندن این دعا هر روز پس از نماز صبح و بعد از هر نماز واجب و در روزهای جمعه

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۱۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱، مفاتیح الجنان، ص ۵۳۹.

دعای فرج

مستحب است. در زیارت آل یاسین هم که به توصیه خود آن حضرت، مستحب است خوانده شود، ضمن بیان اوصاف و اهداف و مسئولیت های آن حضرت در عصر ظهور و ترسیم شخصیت نورانی او، تعهد و پای بندی به خط امامت و دعا برای توفیق وفای به این عهد و میثاق با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح است «حَتَّىٰ الْفَاقَ وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِثَاقِكَ». در فرازهای پایانی دعای ندبه نیز از خداوند درخواست می کنیم که ما را از پیروان و اداکنندگان حقش قرار دهد و توفیق تلاش در اطاعتش و پرهیز از نافرمانی اش عطا کند. دعای کوتاهی که پس از دعای ندبه در بحار الأنوار آمده و همین مضامین را دارد، با این جمله پایان می یابد: «اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱.

ما منتظریم از سفر برگردد امید رهایی بشر برگردد
یک عمر نشسته ایم با این امید تا صبحدمی، روح سحر برگردد^۲
— زیارت آل یاسین، دعای ندبه، دعای افتتاح، آیین انتظار، یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

دعای فرج

دعایی که در عصر غیبت امام زمان برای فرج و گشایش امور با ظهور آن حضرت خوانده می شود. دعاهاى مختلفى در این زمینه وجود دارد، معروف ترین آن ها دعای «الهی عظم البلاء...» است.^۳ این دعا را امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شخصی آموخت که محبوس بود و آزاد شد. دعا برای فرج و رهایی از مشکلات و غصه ها و بیماری ها بسیار است. علامه مجلسی در بحار الأنوار، فصلی برای دعاهاى فرج گشوده است (ادعیه الفرّج) و دهها دعا

دعای فرج

الهی عظم البلاء و برّج الحفّاء و انکفّ البطّاء و قطع
الرجاء و ضائف الارض و منعت السماء و انت المانع
و البک المثنی و علیک المول فی الشدة و الرجاء
اللهم صلّ علی محمد و آل محمد اُولی الامر الذین
فرضت علینا طاعتهم و عرفنا بذلک منزلة لهم ففرج
عنا بهم قدرنا علیهم فربما کلمج البصر او فو افرج
بالحمد باعلی باعلی بالحمد اهل البانی فانکم کما فبان
واضربانی فانکم اَصْران بامولانا باصاحب الزمان
الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی ادرکنی الشیعة
الشیعة الشیعة العجل العجل العجل با ارحم
الرحیمین محمداً و آله الطاهیرین امین یا رب العالمین

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.

۲. سعید موحدی نیا.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۱۱۵.

برای رفع گرفتاری‌های مختلف نقل کرده است.^۱ دعای هفتم صحیفه سجادیه نیز (یا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقْدُ الْمُسْكَارِ) در جای خود یک دعای فرج است. اما در دعای فرج مشهور، پس از توسل به اهل بیت و درخواست کمک از پیامبر و حضرت علی علیه السلام به مولایمان صاحب الزمان استغاثه و درخواست شتاب در رفع مشکل می‌کنیم. همچنین دعای «الهی بحق مَنْ نَاجَاک...» و دعای «سَلامُ اللَّهِ الْکَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ...» نیز که در مفاتیح آمده است، از دعاها برای استغاثه و درخواست فرج است.

دعای فرج دیگری که مشهور است، آغازش «یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیلَ وَ سَتَرَ الْقَبِیْحَ...» است که به نیت دعا برای تعجیل در ظهور خوانده می‌شود. همچنین دعا برای سلامتی امام زمان «اللَّهُمَّ کُنْ لَوْلِیکَ الْحَجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ...» نیز در میان مردم به دعای فرج مشهور است. زیارت آل یاسین نیز نوعی دعا برای فرج است، همچنین دعای ندبه که روزهای جمعه خوانده می‌شود.

مرحوم محدث قمی پنج دعای فرج ذکر کرده که غیر از آن چه یاد شد، دعای «یا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ...» و دعای «الهی طُمُوخُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَّا لَدِیکَ...» و دعای «اللَّهُمَّ یا وَدُودُ، یا وَدُودُ، یا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِید...» هم از آن جمله است.^۲

← دعا برای فرج، فرج، فرج بعد از شدت، انتظار، خواسته‌های مهدوی.

دعای ندبه



دعایی است که توصیه شده در روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر (چهار عید اسلامی) و شب جمعه خوانده شود. این دعا از امام صادق علیه السلام نقل شده و همچنین آن که از اسمش برمی‌آید (ندبه: گریه و ناله و تضرع) استغاثه به درگاه خدا در فراق امام زمان و

۱. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۸۰.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۱۹.

درخواست رؤیت و حضور و ظهور اوست. در خود دعا هم «فَلْيَنْدُبِ التَّادِبُونَ» آمده است. جمعه‌ها که انتساب به امام عصر دارد، خواندن این دعا و شکوه به درگاه خدا و تمنای وصال آن حضرت، رابطه قلبی و ولایی منتظران را با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تقویت می‌کند و نوعی تعهدنامه برای یاد کرد مداوم او و دعا برای ظهور و فرج است. مضامین این دعا از آغاز تا پایان از این قرار است:

ستایش و حمد پروردگار و صلوات و درود بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم
برگزیدگی پیامبران الهی و اولیای خدا با شرط زهد و پارسایی در دنیا
واسطه بودن پیامبران در هدایت بشر و رسیدن به رضوان الهی
بیان ویژگی‌های برخی از انبیاء، همچون آدم و ابراهیم و موسی و عیسی و پیامبر خاتم صلوات الله علیهم
شخصیت رسول اکرم صلوات الله علیهم و برگزیدگی او و بعثت و معراج و هجرت و نزول قرآن و آیه تطهیر و مودت

غدیر و ولایت علی علیه السلام و منزلت آن حضرت و بیان فضایل شیعیانش
حوادث عمر علی علیه السلام از جهادهای زمان پیامبر تا نبرد با قاسطین و مارقین و ناکشین
انزوای علی علیه السلام و اهل بیت پس از پیامبر و سرگذشت تلخ اهل بیت و حبس و تبعید و شهادت امامان

حسرت روزهای عزت و کرامت خاندان پیامبر و جای خالی اولیای دین و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

وعده‌های الهی بر نابودی کفر و شرک و طاغوت‌ها و مفسدان در سایه حکومت جهانی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

اوصاف و ویژگی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و فضایل عترت پیامبر و تبار نورانی امام زمان
غیبت امام و هجران امت از ولی خود و سوز و گداز عاشقانه مبتلایان به این فراق
شکوه از محرومیت از دیدار و آرزوی توفیق زیارت مهدی موعود و فرج امت و شیعه
صلوات و درود بر خاندان عصمت و طهارت و فرزندان پاک رسول خدا صلوات الله علیهم

دعا برای تعجیل در فرج امام زمان و تحقق آرزوهای دیرین برای عدالت گستری آن امام غایب

این دعای شریف و طولانی که در مفاتیح الجنان و کتب دعایی و حدیثی دیگر هم آمده است^۱ هم دارای سند معتبر است، هم مضامین آن و عباراتش شیوا، بلیغ و استوار است، هم مروری بر تاریخ انبیا و اوصیاست، هم سنت ندبه خوانی در میان مردم در صبح های جمعه با این دعا رواج دارد. کتاب هایی هم در شرح این دعا نوشته شده است.^۲

«صبحگاه جمعه ها، آفتاب یاد تو ز «ندبه» های ما طلوع می کند. آن که شب پس از دعا، با سرود اشتیاق خواب رفته است، روز را به شوق دیدنت شروع می کند. ای تو معنی امید و آرزو، عشق های پاک، در میان خنده ها و گریه های عاشقان، پیش عصمت الهی ات خضوع می کند».^۳

برخی این دعا را دعای صاحب الزمان گفته اند. متن آن در منابع کهن (مزار کبیر ابن مهدی و مصباح الزائر سید بن طاووس و اقبال سید) آمده است.

← دعا برای فرج، خواسته های مهدوی، دعا های مهدوی، دعای ندبه.

دکترین مهدویت ← مهدویت

دوازده امامی ← اثنی عشریه

۱. همچون بحار الأنوار، تحفۃ الزائر، مصباح الزائر، زاد المعاد، کتاب مزار مهدی، اقبال سید بن طاووس، مکیال المکارم و ...
۲. همچون: عقد الجمان (میرزا عبدالرحیم تبریزی)، کشف الکرب (محدث ارموی) وسیلة القربة (علی خویی)، شرح دعای ندبه (صدر الدین محمد حسنی یزدی)، شرح دعای ندبه (ملاحسن تربتی سبزواری)، فروغ الولاية (صافی گلپایگانی)، شرحی بر دعای ندبه (علوی طالقانی)، شرح و ترجمه دعای ندبه (محب الاسلام)، وظایف الشیعه فی شرح دعاء الندبه (ادیب اصفهانی)، ندبه و نشاط (احمد زمردیان)، حدیث آرزومندی (کریمی جهرمی)، شرح و تفسیر دعای ندبه (سید جعفر رفیعی)، شرح فراق (علی اصغر همتیان) و ... کتابی هم به نام «دعای ندبه و توثیقه من الکتاب والسنه» از سوی مؤسسه امام هادی منتشر شده که مستندات قرآنی و حدیثی همه فقرات و مضامین دعا را توضیح داده است، همچنین «سند دعای ندبه» از سید یاسین الموسوی، درباره سند این دعا بحث کرده است.
۳. از نویسندگان، برگ و بار، ص ۱۲۳.

دوران صلح و صفا

مردمی که از ظلم و بی عدالتی و کینه و دشمنی به ستوه می آیند، در آرزوی دوران صلح و صفا و همزیستی مسالمت آمیزند. این آرزو در عصر حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد. در احادیث آخر الزمان و مهدویت، نسبت به برقراری صلح و آشتی و دوستی و امنیت بسیار سخن گفته شده است. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَأُمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ»^۱. این گویای زمانی است که عدالت در دوره آن حضرت حکمفرما می شود و ستم برچیده شده، راه ها به سبب او امن می گردد. از امام صادق علیه السلام روایت است که: «لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»^۲ و «فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا»^۳ کینه ها از دل بندگان می رود. هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند. در روایاتی آمده که درنده ها هم با هم از در دوستی در می آیند و با حیوانات اهلی همزیستی دارند، آتش فتنه ها خاموش و راه ها امن و حیوانات وحشی رام می شوند و گرگ و میش در یک محل با هم می چرخد.^۴

← صلح جهانی، امن و امان، آرمان شهر، عصر ظهور.

دوران غیبت ← غیبت، عصر غیبت

دولت کریمه

از حکومتی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برپایه حق و عدل و اسلام به وجود می آورد، با عنوان «دولت کریمه» یاد می شود، یعنی حکومتی با کرامت، ارجمند، ارزشی و براساس تکریم انسان و رعایت حقوق انسانی. ویژگی هایی که در روایات برای دولت مهدوی پس از ظهور بیان شده، نشانه ها و اوصاف دولت کریمه است و آن ها مورد علاقه و خواسته انسان های مؤمن و آزاده است.

در دعای افتتاح که در شب های ماه رمضان خوانده می شود، ما علاقه و رغبت خود را به

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴، کتاب الغیبه، طوسی، ص ۱۸۸.

دولت کریمه بیان می‌کنیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ»، اما ویژگی‌های این دولت کریمه مورد خواست ما که خواست خداوند و اولیای دین است از این قرار است:

۱. عزت اسلام و مسلمین در سایه آن حکومت ۲. ذلت و خواری نفاق و منافقان ۳. دعوتگری به طاعت الهی ۴. پیشگامی و پیشوایی برای هدایت به راه خدا ۵. برخورداری از کرامت دنیا و آخرت. ۱ در ادامه، خواستار حق شناسی، حق‌گزاری، وحدت و همبستگی، سامان‌یابی و انسجام، افزونی نفرات، عزت پس از ذلت، توانگری مالی و جبران کاستی‌های معیشتی، رفع نیازها، تبدیل سختی‌ها به آسانی، آزادی اسیران گرفتار، آبرومندی و کامیابی در دنیا و آخرت می‌شویم، همه در سایه آن دولت کریمه. این خواسته‌ها جلوه‌هایی از آن حکومت مطلوب و الهی و مردمی و عدالت‌گستر و حق‌محور است.

در عصر غیبت هم هر حکومتی که بخواهد زمینه ساز آن دولت و در راستای اهداف حکومت قائم عَلَيْهِ السَّلَام باشد، باید تأمین این اهداف و خواسته‌ها را از اولویت‌های خود بداند، وگرنه نمی‌تواند نام دولت کریمه بر خود بنهد. دولت کریمه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام حق‌محور و دین‌بنیان و مکتبی است، که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: وقتی قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نمی‌ماند مگر آن که شهادت به یکتایی خدا و رسالت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آن طنین‌انداز می‌شود^۱، و عدالت به همه خانه‌ها می‌رسد و فقر و فقری یافت نمی‌شود و امنیت بر جهان سایه می‌افکند و ... سایر اوصافی که از آن دوران گفته شده است و این همان مدینه فاضله‌ای است که همه در پی و در آرزوی آنند. در دولت کریمه مهدوی، ارزش انسان و کرامت او حفظ می‌شود و با انسان‌ها با کرامت برخورد می‌گردد و برنامه‌ها همه در جهت بسط عدالت و کرامت است و آن چه تضعیف و تحقیر می‌شود، ستمگران و نظام‌های سلطه‌جو و جباران

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْزِمُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ». این جملات، در بخشی از دعا برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در روز جمعه و عیدین (اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ) هم آمده است. (بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۶)، همچنین در دعای خطبه دوم نماز جمعه (دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۹۸ به نقل از کافی).

۲. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُؤَدِّي فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰).

و طاغوت‌هاست.

«سیره مهدوی و سیره نبوی، سیمای جهان در عصر ظهور، حکومت صالحان، حکومت واحد جهانی، دولت مستضعفین»

دولت مستضعفین

مستضعفین یعنی ضعیف شمرده شدگان، تضعیف شدگان، محرومان و مظلومان. از جمله آیاتی که به ائمه و قائم آل محمد علیهم‌السلام تفسیر شده است آیه ۵ سوره قصص است «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ...». در کاربرد قرآنی و حدیثی، یک معنای مستضعف، کسی است که کشش فکری و قدرت درک و چاره‌جویی ندارد که به او «مستضعف فکری و معنوی» گفته می‌شود. در قرآن هم با تعبیر «إِلَّا الْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا»^۱ یاد شده و روایات، آن را بر کسانی که قدرت فکری برای درک کفر و ایمان و قرآن و... ندارند تفسیر کرده است. نوع دیگر مستضعف، کسی است که مورد ستم و حق‌کشی و محرومیت از سوی دیگران قرار گرفته است. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم نگاه به علی و حسن و حسین علیهم‌السلام کرد و فرمود: شما مستضعفین بعد از من هستید: «أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي»^۲.

مستضعفان یعنی محروم شدگان از حقوق اجتماعی و اقتصادی، افراد تحت ستم و مظلومان. اگر وعده الهی بر نجات و وراثت و امامت مستضعفان است، یعنی خودکامگان قلدر و سلطه‌جویان مستکبر از بین خواهند رفت و مظلومان به حق خود می‌رسند و حاکمیت می‌یابند و از محکومیت و مظلومیت تاریخی و دراز مدت رها می‌شوند و این در عصر ظهور مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریفات تحقق می‌یابد. اگر در روایات، آیات وراثت و امامت مستضعفان برائمه و اهل بیت علیهم‌السلام تطبیق و تأویل شده است، درست است. امامان اهل بیت، گرچه ولایت تکوینی دارند و امور عالم به برکت وجود آنان می‌چرخد و علم و قدرت الهی و لدنی دارند، ولی از نظر اجتماعی حقشان غصب شد و مورد ستم ظالمان حاکم قرار گرفتند. وعده امامت این

۱. نساء، آیه ۹۸.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۸.

دودمان پاک در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این منظر، وعده‌ای راست و قابل تحقق است. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای که از آینده سخن می‌گفت و این که پس از روی گردانی دنیا از ما، روزی هم خواهد آمد که دنیا به طرف ما روی می‌آورد، در پی آن آیه **«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ...»** را تلاوت کرد.^۱ در حدیث دیگری از آن حضرت، در ذیل همین آیه فرمود: **«هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ، فَيُعِزُّهُمْ وَيُذِلُّ عَدُوَّهُمْ»**، مستضعفین، آل محمدند، خداوند مهدی آنان را برمی‌انگیزد، و پس از آن سختی‌ها و تلاش‌ها آنان را به عزت می‌رساند و دشمنانشان را خوار می‌سازد. در احادیث متعددی، ائمه فرموده‌اند که ما همان مستضعفانیم.^۲ پس می‌توان دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دولت مستضعفان نامید، چون هم خود اهل بیت مظلوم به حق الهی خود می‌رسند و حکومت الهی تشکیل می‌دهند، هم محرومان و مظلومان جهان در حمایت دولت حق مهدوی قرار می‌گیرند و از اسارت و محرومیت نجات می‌یابند.

← دولت کریمه، حکومت صالحان، عدالت، حکومت واحد جهانی، شیعه در عصر ظهور.

دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

دیدار با امام زمان در دوره حیات امام عسکری علیه السلام برای شماری از خواص شیعه فراهم شد. با آغاز غیبت صغری در سال ۲۶۰، تنها سفرای اربعه ارتباط مستقیم با او داشتند. با وفات وکیل چهارم، علی بن محمد سیمری غیبت تامّ واقع شد و دیدار به پایان رسید. البته در دوره غیبت کبری هم مواردی توفیق دیدار آن حضرت برای بعضی فراهم شده است که این لیاقت و زمینه خاصّ می‌طلبد و کسانی هم به دروغ ادّعای رؤیت و دیدار داشته‌اند. دیدار او محال نیست، ولی سخن هر مدعی هم پذیرفتنی نیست.

دیدارها هم گاهی با علم و آگاهی و توجه بوده، و گاهی پس از پایان دیدار فهمیده‌اند که او حضرت حجت بوده است. برخی هم در رؤیا آن حضرت را دیده‌اند. در مورد ملاقات با

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۲. رک: بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۷ تا ۱۷۳.

امام عصر، کتاب‌ها و مقالات بسیار نوشته شده و سرگذشت تشرّف یافتگان هم منتشر شده است و نمونه‌هایی هم در کتب حدیثی، همچون بحار الأنوار، الغیبه، کمال الدین و... آمده است. در بخش‌های دیگر این کتاب هم مباحثی پیرامون آن وجود دارد که مراجعه کنید. ادعای دیدار مهدی عجل الله تعالی فرجه هم به دروغ از بعضی افراد دیده شده که بیشتر آنان عوام‌فريب و دروغ‌گو بوده‌اند.^۱

ارتباط با امام زمان، تشرّف یافتگان، غیبت، عصر ظهور و حضور، مدعیان مهدویت.

دینداری در عصر غیبت

دوران غیبت کبری، دوران محنت و سختی و آزمون است که باید در حفظ ایمان و عقیده کوشید و دچار تردید نشد و امید را از دست نداد و از سختی‌های این دوره به ستوه نیامد و در بعد عملی هم با پایبندی به حلال و حرام گرفتار فساد و گناه نشد. در روایات آمده است که در دوران طولانی غیبت حجت خدا، شیعیان دچار حیرت می‌شوند و فضیلت از آن کسانی است که باور و عقیده خود را حفظ کنند و دچار قساوت قلب و شک و شبهه نشوند، چون دسترسی به امام معصوم نیست، اختلاف زیاد است، افراد از یکدیگر تبری می‌جویند. دوران آزمایش و غربال شدن است و در آن زمان تنها مخلصان بر این عقیده باقی می‌مانند، آنان که عقیده به امامت در دلشان تثبیت شده و متعهد به ولایت اهل بیت‌اند و از تأییدات الهی برخوردارند. این نکات در روایت متعدد و با عبارات گوناگون بیان شده است. از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «... فَلَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَكُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»^۲ جز مخلصانی که برخوردار از روح یقین‌اند بر دین خود ثابت نمی‌مانند، آنان که خدا از ایشان پیمان بر ولایت ما گرفته و ایمان را در دلشان ثابت ساخته و با روحی از سوی خود تأییدشان کرده است.

۱. درباره دیدار و رؤیت و پژوهش درباره آن، از جمله رک: «دانشنامه امام مهدی»، ج ۵، و «چشم به راه مهدی»، ص ۳۶ به بعد.

۲. کمال الدین، ص ۳۰۴.

از کسانی که در عصر غیبت بر دین خود ثابت می مانند ستایش شده و پاداشی پنهان برابر برایشان بیان شده و ثابت قدمان بر عقیده به امامت امام غایب را در آن عصر بسیار کمیاب دانسته اند که در قیامت، در مرتبه ائمه جای خواهند داشت «فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱. امام باقر (ع) درباره آن دوره و دینداران آن فرموده است: «طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ»^۲. امام سجاد (ع) هم پاداش و اجر شهدای جنگ بدر و احد را برایشان نوید داده است: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مَوَالَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ»^۳.

در روایات متعددی از فسادها، بی دینی ها، بی حجابی ها، گرانفروشی ها، کسب های حرام، رواج فسق و فجور در میان مردم و روی آوردن به لذت حرام و شهوات، و وجود ظواهری از اسلام و قرآن، به عنوان امور رایج در آخر الزمان یاد شده است که در اغلب روایات هم «سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، يَأْتِي زَمَانٌ وَ...» وجود دارد که خبر از تحقق این اوصاف و ویژگی ها در عصر غیبت دارد و همین وضع ناهنجار، دینداری را دشوار و البته ارزشمند و دارای ثواب می کند. به همین جهت در احادیث، توصیه به حفظ دین و تقوا و مراعات حلال و حرام و ثابت قدم بودن در دین و زندگی بر مدار شریعت و مکتب شده است.

ای همه لطف و جوانمردی، بیا از غمت دل غرق خون کردی، بیا
یا بیا این عشق را از ما بگیر یا غم هجرت از این دل ها بگیر
— علائم ظهور، شرایط ظهور، آزمایش و امتحان، آیین انتظار، زندگی مهدوی، پاداش دینداری در عصر غیبت.

ذخیره الهی

یکی از القاب امام زمان «ذخیره الله» است. خداوند آن حضرت را به عنوان مهدی موعود و مصلح جهان، ذخیره کرده است تا روزی ظهور کند و عدالت جهانی را تحقق بخشد. اعتقاد به مصلح جهانی در فرقه ها و ادیان گوناگون وجود دارد. حتی کسانی مثل برتراند راسل

۱. همان، ص ۳۰۳، از امام علی (ع).

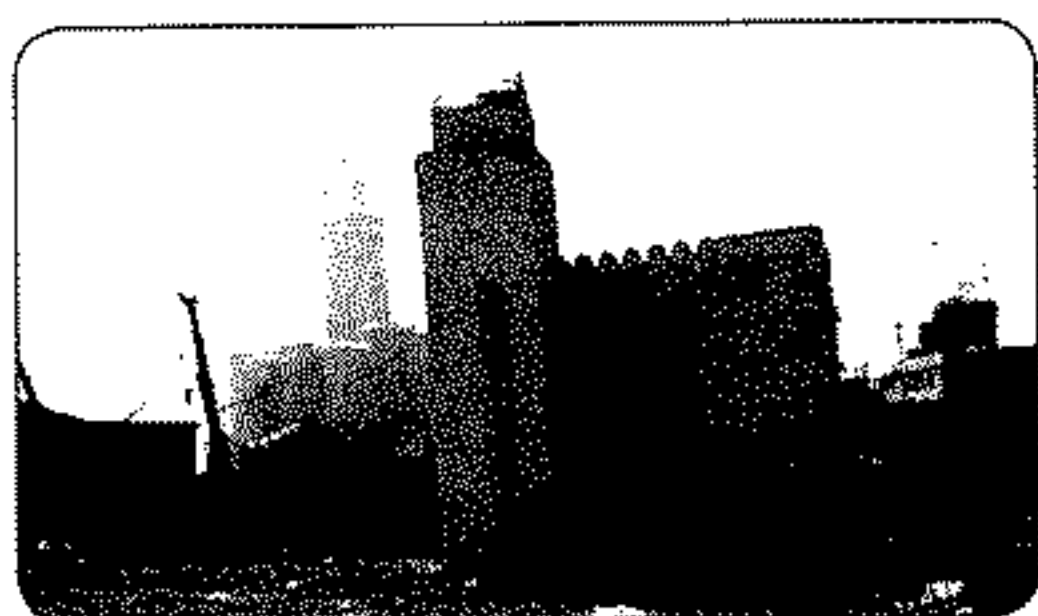
۲. همان، ص ۳۳۰.

۳. همان، ص ۳۲۳.

هم در کتاب «آیا جهان آینده‌ای دارد؟» از حکومت واحد جهانی یاد کرده است. کسانی هم که بحث «مدینه فاضله» را مطرح کرده‌اند، از آرمان شهری یاد می‌کنند که روزی به دست یک مرد بزرگ شکل می‌گیرد. وعده‌ای را که خداوند برای به حکومت رسیدن مؤمنان صالح داده است و موضوع «استخلاف» که در آیات و روایات آمده، اشاره به همان ذخیره الهی برای آخرالزمان است. این که در احادیث است اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند که قائم ظهور کند و دنیا را پراز عدل و قسط کند، گواه دیگری بر این «ذخیره الله» است. خود آن حضرت در حدیثی از خویشان به عنوان «بقیه آدم و ذخیره نوح» یاد می‌کند (فَأَنَا بَقِيَّةُ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ)^۱ که این نیز ذخیره الهی بودن اورا می‌رساند.

ذخیره الله بودن آن حضرت با عبارت «الْمُعَدُّ» هم بیان شده است، یعنی فراهم و آماده شده برای ریشه‌کن کردن شوکت ستمکاران و فاسقان و طاغیان و زدودن آثار کفر و شرق و نفاق و گمراهی و عزت بخشی به مؤمنان. در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيُّنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّالِمَةِ»، که با توجه به آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ»، می‌توان ذخیره و پشتوانه بودن آن حضرت را از سوی خداوند برای احیای سنن انبیا و برانداختن نظام‌های طاغوتی دانست.

به غیر از قائم آل محمد جهان را نیست پشتیبان دیگر
بیا ای نوح، طوفانی به پا کن که می‌خواهد جهان طوفان دیگر^۲
← مؤمل، انتظار، صبر در عصر غیبت، آیین انتظار، آرمان شهر.

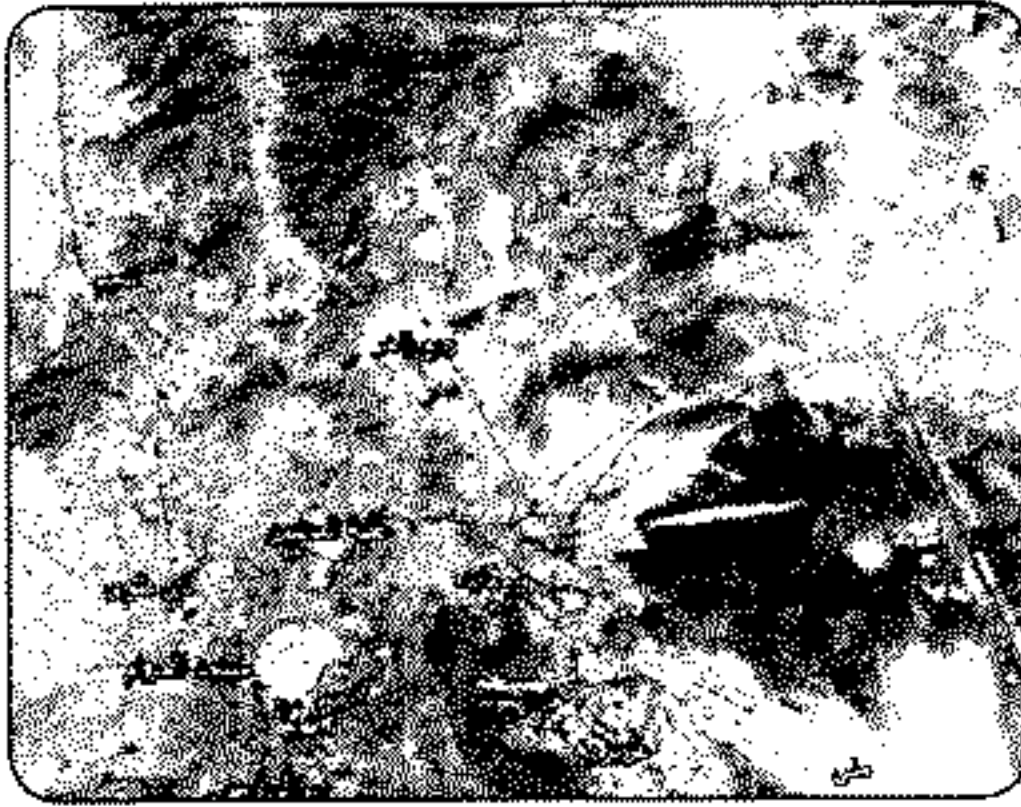


ذی طوی

نام محلی است نزدیک مکه و در محدوده حرم که در بعضی روایات به عنوان یکی از جاهای استقرار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

۲. عبدالعلی نگارنده.



ظهور نام برده شده است. در دعای ندبه نیز خطاب به آن حضرت گفته می‌شود: کاش می‌دانستم در کجا قرار گرفته‌ای؟ یا کدام سرزمین تورا در بر گرفته است؟ در رضوی، یا غیر آن یا ذی طوی! ممکن است یکی از مکان‌هایی باشد که امام برای عبادت به آن جا هم می‌رود، ولی نمی‌توان به عنوان قرارگاه وزیستگاه اودانست.

در قرآن نیز دوبار از سرزمین طور با عنوان «وادی مقدس طوی» یاد شده که عبادتگاه حضرت موسی بوده^۱ ولی این طوی با ذی طوی فرق دارد.

← مکان امام زمان علیه السلام امکان منسوب به امام زمان، غیبت.

۱. طه، آیه ۱۲ و نازعات، آیه ۱۶.

ر.ز

رایة المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ← پرچم قائم

رجعت

بازگشت، زنده شدن و بازگشت به دنیا پیش از قیامت در آخر الزمان، یکی از اعتقادات ویژه شیعه، عقیده به این است که در عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسانی زنده می شوند و دوران آن حضرت را درک می کنند، هم از مؤمنان خالص، برای بهره مندی از دولت حق و عدل مهدوی، هم از منافقان و بدان برای کیفر دنیوی اعمالشان.

اصل زنده شدن دوباره افرادی قبل از قیامت، در آیات قرآن هم آمده است (مثل آیه ۵۶ و ۲۴۳ بقره و داستان اصحاب کهف در سوره کهف آیات ۱۸ تا ۲۵ و...) همچنین آیه ۲۵۹ بقره درباره زنده شدن عزیز پس از مرگی صد ساله. حدود ۲۰۰ روایت در مورد رجعت وجود دارد (به گفته علامه مجلسی در بحار الأنوار، ج ۵۳) که به ابعادی از این موضوع می پردازد. طبق روایات، رجعت برای همه نیست، بلکه برای مؤمنان خالص یا مشرکان خالص است «لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضًا»^۱.

در روایات رجعت، از زنده شدن کسانی از زمان آدم تا خاتم، از قوم موسی، اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، مالک اشتر، ابودجانه انصاری و... یاد شده است. امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه الشریف و امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از جمله آنان اند که در آخر الزمان زنده می شوند. از رجعت همه امامان

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

هم یاد شده و در زیارت جامعه، تعبیر «يُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَيَكْرِي فِي رَجْعَتِكُمْ» گواه آن است. هر چند جزئیات زیادی از رجعت روشن نیست، اما اصل اعتقاد به آن، از باورهای قطعی شیعه است. مأمون از امام رضا علیه السلام پرسید: یا ابا الحسن، درباره رجعت چه می‌گویی؟ فرمود: رجعت حق است، در امت‌های پیشین هم بوده و قرآن از آن یاد کرده است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده: هر چه در امت‌های گذشته بوده، در این امت هم خواهد بود.^۱

علمایی چند هم درباره رجعت و اثبات آن کتاب‌های مستقلاً نوشته‌اند از جمله «الایقاظ من الهجعه» از شیخ حرّ عاملی، «دلائل الرجعه» شیخ حسن علامی، «اثبات الرجعه» علامه مجلسی، «اثبات الرجعه» علامه حلی و آثار دیگر.^۲

امید است طبق خواسته ما در زیارت جامعه، از کسانی باشیم که خداوند توفیق پیروی از اهل بیت و محشور شدن در زمره آنان و بازگشت به دنیا در دوره رجعت آنان و برخورداری از قدرت و عافیت و چشم‌روشنی در ایام دولت و حکومت آنان را به ما عطا کند (وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ أَثَارَكُمْ...).^۳ این خواسته در زیارت‌ها و دعاها متعّدی از خداوند خواسته شده است، مثل دعای عهد (اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ) و زیارت جامعه کبیره (وَيَكْرِي فِي رَجْعَتِكُمْ). در زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام در سرداب مطهر هم پس از ذکر دوران طولانی انتظار و شتمانات دشمنان و دشواری‌های فراوان دوران غیبت، آرزوی رؤیت چهره آن ولی خدا مطرح است، چه در دوران حیات و چه پس از مرگ و دوره رجعت و اعتقاد به رجعت بیان شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِّ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ».^۴

← شیعه در عصر ظهور، یاران امام زمان علیه السلام، رستاخیز ظهور.

۱. همان، ص ۵۹. روایات رجعت در بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۹ تا ۱۴۴ آمده است. در کتاب «الایقاظ» شیخ حرّ عاملی، بیش از ۵۰۰ حدیث آورده است.

۲. در «الدّریعه» ج ۱، کتب متعددی با عنوان «اثبات الرجعه» معرفی شده است. در کتاب «موعودنامه» هم با عنوان «کتابنامه رجعت» از ۷۳ کتاب نام برده شده است.

۳. زیارت جامعه کبیره.

۴. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر در سرداب غیبت، ص ۵۲۹.

رستاخیز ظهور

مقصود، بیان وجوه مشترک برپایی قیامت و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ظهور امام زمان و آمدن آن موعود، حادثه‌ای مهم و تحوّل‌ی شگفت در جهان است و رستاخیزی از جهاد و ایمان و عدالت و حضور مردم و احقاق حق و محرومیت زدایی به وجود می‌آورد و زمان و تاریخ به دو بخش عمده «قبل از ظهور» و «بعد از ظهور» تقسیم می‌شود. شباهت‌هایی میان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی قیامت است و از این رو از آن با عنوان «رستاخیز ظهور» یاد می‌کنیم. این شباهت‌ها از این قرار است:

۱. پیشگویی و وعده، هم درباره قیامت، هم نسبت به دوران ظهور و آخر الزمان، وعده‌هایی از سوی خدا و پیامبران الهی داده شده است، تا مردم خود را آماده آن دوران کنند.

۲. حتمی بودن. هم حادثه قیامت، حتمی و قطعی و تردید ناپذیر است و به تعبیر مکرر قرآن، وعده الهی حق است و «لَا رَيْبَ فِيهَا»^۱ هم حادثه ظهور قطعی و حتمی است و وعده الهی حتماً به وقوع خواهد پیوست و آن همه تأکید در روایات بر این که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا آن موعود ظهور کند و... تأکید بر حتمیت وقوع آن وعده است.

۳. اجتماع بزرگ بشری. هم قیامت، روز گرد آمدن مردم و يوم الجمع و يوم النشور و رستاخیز عمومی است و خداوند می‌فرماید هر کجا باشید، خداوند شما را گرد می‌آورد «أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً»^۲، هم در روز ظهور قائم، یاران او از هر سو بر گرد او جمع می‌شوند. امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه فرمود: به خدا سوگند آن هنگام، زمانی است که قائم ما قیام می‌کند و خداوند شیعیان ما را از تمامی شهرها به سوی او گرد می‌آورد.^۳

۴. ناگهانی بودن. رستاخیز کبری و قیامت، ناگهانی است «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ

۱. کهف، آیه ۲۱.

۲. بقره، آیه ۱۴۸.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۴.

تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً^۱، آیا جز منتظر قیامت اند که ناگهانی بر آنان فرارسد؟ درباره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم روایات می گوید که نامعلوم است و ناگهانی اتفاق خواهد افتاد و خداوند امر آن حضرت را یک شبه اصلاح کرده و سامان می بخشد.

۵. روز احیای مردگان. هم قیامت روز زنده شدن و قیام مردگان از گورهاست و خداوند اموات را زنده می کند و در صحرای محشر حاضر می کند، هم در عصر ظهور، گروهی از مردگان که از یاران آن حضرت اند زنده می شوند و یارایش می کنند. مسأله رجعت در آن دوره اتفاق می افتد و برخی از یاران او از انسان های قرون گذشته اند. در دعاهای متعدد از جمله دعای عهد، از خدا می خواهیم که اگر مردیم و زمان ظهور را درک نکردیم، ما را دوباره زنده کند و به دنیا برگرداند تا در رکاب او جهاد کنیم و در راه یاری او به شهادت برسیم.

۶. نزدیکی حادثه. قیامت را منکران معاد بسیار دور می پندارند. خدا می فرماید: ﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾^۲ مردم قیامت را دور می بینید و ما نزدیک می بینیم، و سخن از نزدیکی قیامت است ﴿أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ﴾^۳ و این دور پنداری برای رسیدن به هوس های دنیایی است. در بعضی روایات و در دعای عهد، همین آیه ﴿وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾ بر ظهور آن حضرت تفسیر شده است. از سوی دیگر هم منتظران باید پیوسته چشم به راه آن حادثه باشند و هر روز جمعه ای انتظار ظهور داشته باشند.

۷. حاکمیت مطلق خدا. هم در قیامت، حاکمیت و مالکیت و سلطه او را همگان درمی یابند و اراده او حاکم است و خداوند ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ است و ملک و فرمانروایی از آن اوست ﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ﴾^۴، هم با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حاکمیت اراده الهی و قدرت برتر او تحقق عینی می یابد. آیاتی که سخن از غلبه دین حق بر همه ادیان می گوید (لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ) در بعضی روایات به عصر ظهور تفسیر شده است.

۱. زخرف، آیه ۶۶، محمد، آیه ۱۸.

۲. معارج، آیه ۶-۷.

۳. قمر، آیه ۱.

۴. فرقان، آیه ۲۶.

۸. روز مجازات. قیامت، روز کیفر و مجازات کافران، مستکبران و ظالمان است و فرصت جبران نیست و توبه‌ای هم از کسی پذیرفته نمی‌شود. عصر ظهور هم پایان مهلت است و دیگر عذری پذیرفته نیست و گردنکشان و طاغوت‌ها به سزای اعمالشان می‌رسند و کاخ‌های ظلم ویران می‌شود. فرازهایی از دعای ندبه (أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ) و ادعیه دیگر پیر از این وعیدها و تهدیدهاست. آیه «أَوَيَاتِي رَبُّكَ أَوْ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ» که به معنای سود نبخشیدن ایمان آوردن در روز قیامت است، در بعضی روایات به دوره ظهور هم تأویل شده است.

۹. هم قیامت از «ایام الله» است، هم روز قیام قائم. ایام الله روزهایی است که قدرت و عظمت الهی بر همگان آشکار و متجلی می‌شود. حضرت موسی علیه السلام مأمور بود که قوم خود را به سوی نور هدایت کند و ایام الله را به یاد آنان بیاورد: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ»^۲ در روایات هم آمده است که ایام الله سه روز است: یکی روز قیام قائم، یکی روز رجعت، دیگری هم روز قیامت.^۳

۱۰. هم قیامت روز موعود است «وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ»^۴، «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ»^۵، هم ظهور آن حضرت از وعده‌های حتمی خداست. هم خودش موعود است هم روز ظهورش. «السَّلَامُ عَلَى الْمُسَهِّدِي الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَمَ».

۱۱. قیامت، روز جدایی مؤمن از کافر، متقی از فاسق و بهشتیان از دوزخیان است: «وَأَمَّا زُورَ الْيَوْمِ أَتُهَا الْمُجْرِمُونَ»^۶ در روایات است که روز ظهور، منادی آسمانی ندا می‌دهد: ای اهل حق، جدا شوید، ای اهل باطل جدا شوید.^۷ دولت او دولت صالحان است و دوره

۱. انعام، آیه ۱۵۸.

۲. ابراهیم، آیه ۶.

۳. معانی الأخبار، ص ۳۶۵.

۴. بروج، آیه ۲.

۵. مریم، آیه ۷۵.

۶. یس، آیه ۵۹.

۷. تفسیر عتاشی، ج ۱، ص ۲۰۷.

حکومتش، فاسقان و مجرمان به انزوا کشیده می‌شوند.

۱۲. قیامت، روز خواری و ذلت کافران و ظالمان و روز عزت مؤمنان مسقی است. آیات قرآن بسیار از ذلت و حقارت و خواری اهل فساد و گناه و نفاق گفته است.^۱ امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند شناخت چهره‌ها را به او عطا می‌کند، آنگاه مهدی علیه السلام فرمان می‌دهد کافران را با پیشانی‌ها و قدم‌هایشان بگیرند و از دم شمشیر بگذرانند.^۲ این‌ها برخی از شباهت‌های قیامت و روز ظهور مهدی علیه السلام است.

← روایت ظهور، اشراف الساعه، حتمیت ظهور، پیاده‌روی اربعین و آخر الزمان، آخر الزمان و قیامت.

رشیق

نام مأموری که از سوی خلیفه عباسی، همراه چند نفر دیگر برای دستگیری امام مهدی علیه السلام پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام به سامرا و به خانه آن حضرت رفت. پس از وفات امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن مهدی علیه السلام بر پیکر پدر، جعفر کذاب از فرزند داشتن امام عسکری علیه السلام با خبر شد و خبر به دربار خلیفه داد. مأموران به خانه امام یورش بردند و حجت خدا را نیافتند. در سرداب خانه، مهدی علیه السلام روی فرش مشغول نماز بود. وارد آن جا شدند و نزدیک بود در آبی که اطراف فرش بود غرق شوند. مبهوت شدند و ناکام از آن جا بیرون آمدند و نزد خلیفه رفته گزارش دادند. خلیفه هم از آنان تعهد گرفت که این ماجرا را که معجزه الهی بود به هیچ کس نگویند. این ماجرا به تفصیل در کتب حدیثی از زبان رشیق نقل شده است.^۳

← بعد غیبی مهدی موعود، معجزات امام زمان علیه السلام.

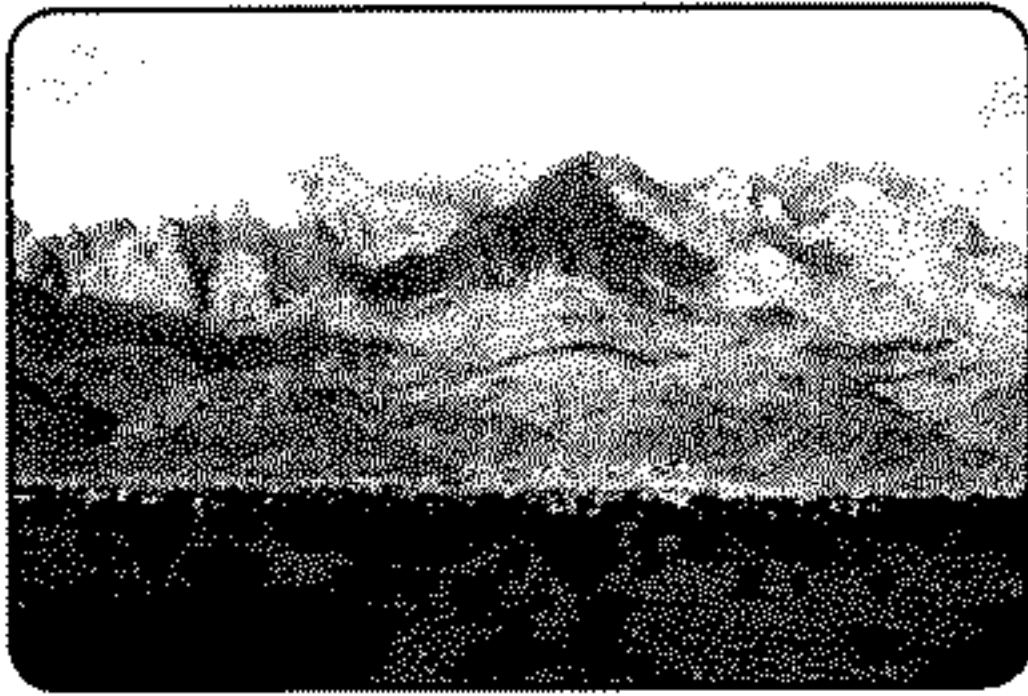
رضوی^۱

نام کوهی است در حجاز و در اطراف مدینه، که در بعضی روایات و ادعیه، محل حضور و زندگی امام زمان علیه السلام دانسته شده و در دعای ندبه هم جمله «أَيُّ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تُرَى

۱. از جمله معارج ۴۴، ابراهیم ۴۹، زمر ۳۱ و آیات دیگر.

۲. بصائر الدرجات، ص ۳۵۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۵۱، الغيبة، طوسی، ص ۲۴۹.



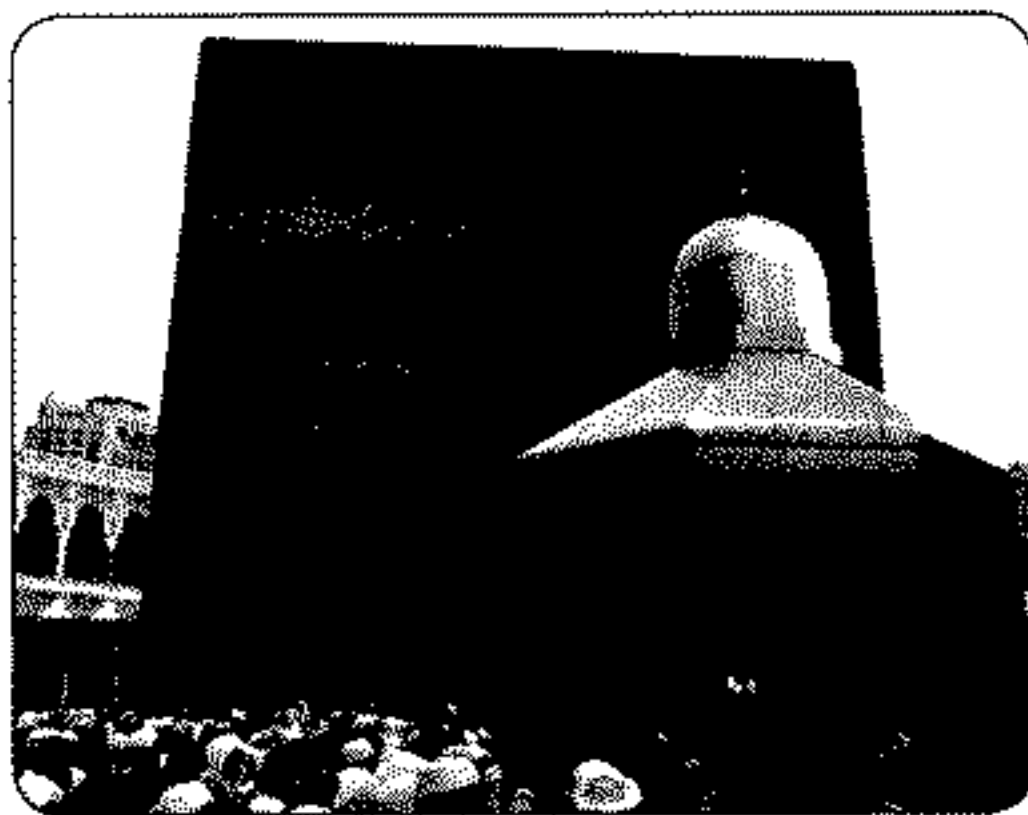
أَبْرَضُوى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوى» می‌گوید
نمی‌دانم در کدام سرزمینی؟ در رضوی یا
ذی طوی یا جای دیگری؟ این که محلّ
زندگی آن حضرت باشد، با اعتقادات شیعه
سازگار نیست و محلّ آن حضرت مخفی
است. کیسانیه که به امامت محمد حنفیه

معتقدند، می‌گویند او نمرده، بلکه در کوه رضوی پنهان است و روزی برمی‌گردد و او را مهدی
موعود می‌دانند.

← کیسانیه، مکان امام زمان، غیبت، ذی طوی.

رُعب ← سپاه رعب

رکن و مقام



در احادیث مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
مکرّر از رکن و مقام و بین رکن و مقام یاد شده
است. به هر گوشه از کعبه مقدّس، رکن گفته
می‌شود، که یکی هم رکن حجر الاسود است.
مقام ابراهیم هم جایگاه خاصی نزدیک آن
است که جای پای حضرت ابراهیم روی
سنگ در محفظه‌ای نگهداری می‌شود.

پس بین رکن و مقام، جایگاه ویژه‌ای در مسجد الحرام است که فضیلت بسیار دارد و مدفن
جمعی از پیامبران هم آن جاست. در روایات، سخن از این است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در
آغاز ظهور، بین رکن و مقام می‌ایستد، جبرئیل از سوی او ندای ظهور سر می‌دهد، «نفس زکیّه»
بین رکن و مقام، سربریده می‌شود، اصحاب قائم در این مکان با او بیعت می‌کنند. در روایتی
حضرت رسول صلی الله علیه و آله خبرهای روشنی از آینده به امام علی علیه السلام می‌فرماید و از اوصیای خود که

دوازده امام اند یاد می‌کند، از جمله از «محمد، مهدی امت» نام می‌برد که زمین را پیر از قسط و عدل می‌کند و می‌فرماید: به خدا قسم من همه آنان را که بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند و نامشان و نام پدران و قبیله‌هایشان را می‌شناسم.^۱

— ظهور، روایت ظهور، عهد نامه یاران مهدی، بیعت، نفس زکیه.

روایت ظهور

سیمای جهان در عصر ظهور و تحقق وعده الهی و سیر وقایع و رفتار آن حضرت و یارانش در روایات فراوان بیان شده است. آنچه می‌خوانید، متنی روایت‌گونه از مجموعه آن حوادث و ویژگی‌هاست و همه مستندات روایی دارد:

دوران ظهور، عصر ظهور اسلام و دین، روز گسترش عدل و داد، روز احیای زمین و زمینیان از مرگ و تباهی است.

مردم، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با نشانه‌های آرامش و وقار می‌شناسند و به حلال‌شناسی و حرام‌شناسی‌اش و به نیاز مردم به او و بی‌نیازی او از مردم.

وقتی قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، منادی از آسمان، ظهور او را نوید می‌دهد و زوال سلطه جباران را اعلام می‌کند. از مکه ظهور می‌کند، پشت به خانه کعبه داده، جهانیان را به «حق» فرا می‌خواند. هنگام ظهور، بر «حجر الاسود» تکیه می‌زند و دنیا را به دولت خویش دعوت می‌کند. از جمله سخنان او چنین است: «من بازمانده‌ای از آدم و ذخیره‌ای از نوح و برگزیده‌ای از ابراهیم و انتخاب شده‌ای از محمد». آنگاه مردم را به کتاب خدا و سنت رسول و «ولایت» فرا می‌خواند و از هر مسلمانی برای دفع باطل و احقاق حق یاری می‌طلبد. اولین آیه‌ای که بر زبان می‌آورد «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۲ است و می‌گوید: من «بقیه الله»م و حجت خدا و خلیفه او بر شما.

نیکان و شایستگان، از همه جا به ندایش پاسخ می‌دهند و یارانش از شهرها و مناطق

۱. کمال الدین، ص ۲۸۵.

۲. هود، آیه ۸۶.

گوناگون پیرامون او جمع می‌شوند. یارانی که زاهدان شب و شیران روزند، دل‌هایی استوار و فولادین دارند و با آن امام در مکه بین رکن و مقام بیعت می‌کنند. پرچمداران و یاران خاص او، صبح ظهور در مکه به حضورش می‌رسند، گویی که برباد و ابرسوار شده و خود را به او رسانده‌اند.

کارگزاران دولت وی، بر کافران سختگیر و شدیدند و در راه خدا با دشمنان تا آن جا مبارزه می‌کنند که خدا خشنود گردد. یارانش اگر در زمین هم گمنام باشند، در آسمان شناخته شده‌اند. توانمندانی پاک و پارسا و مهذب و شیردل‌اند و نستوه و استوار، که اگر بخواهند کوه‌ها را از جای برکنند، می‌توانند. آنان خدا را به شایسته‌ترین وجه، موحدانه عبادت می‌کنند. شب‌هایشان با چشمانی اشکبار است و دل‌هایشان بر اساس «محبت» و «نصیحت»، متحد.

۳۱۳ نفر اصحاب و یثؤه او، برگفتن حق و اجرای عدالت و حاکمیت اسلام برمی‌خیزند و با او بیعت می‌کنند و دریاری او به جهاد با دشمنان می‌پردازند، پیمان یارانش با او بر این است که: دزدی و زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، حاجی مُحرمی را نکشند، حریمی را نشکنند، بی‌جهت و ناروا کسی را نزنند و وارد خانه‌ها نشوند، زرو سیم و جو و گندم نیندوزند، مال یتیم نخورند، ندانسته شهادت ندهند، شراب ننوشند، مسجدی را ویران نکنند، با ابریشم و طلا خود را نیارایند و لباس خشن بپوشند و غذای ساده بخورند. راهزنی نکنند، راه‌ها را ناامن نسازند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، چهره بر خاک و سر بر بالین زمین گذارند، در راه خدا به شایسته‌ترین وجه جهاد کنند، این بیعت نامه آنان با امامشان است.

در دولت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف یاری خدا پشتیبان اوست، زمین برای او در نور دیده می‌شود، گنجینه‌های نهان برایش آشکار می‌شود، قدرت و سلطه‌اش شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد. وقتی بیاید، بیماران خوب می‌شوند، ضعیفان قدرت می‌یابند، دل‌ها استوار می‌گردد، هر کس خود را به توان سیصد نفر می‌بیند، ستم‌دیدگان جهان، نفس راحت می‌کشند، شمشیر ایمان را برگردن کفر می‌بینند و عزت و سربلندی را از آن خدا و مؤمنان به تماشا می‌نشینند.

آن روز فتح بزرگ و پیروزی نهایی، روز حکومت صالحان و امامت مستضعفان، روز استخراج گنج‌ها، فتح شهرهای بزرگ و سقوط پایگاه‌های کفر است.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید، رایت اسلام در دست، زبور داود در بر، مشعل هدایت در پیش، «تابوت سکینه» همراه، عصای موسی در کف، تبر ابراهیم بردوش، دم عیسی در کام، پرچم پیامبر را می‌گشاید، سپاه «رُعب» از هر طرف به یاری او وارد عمل می‌شود. جبرئیل و میکائیل و اسرافیل به جانب‌داری او وارد عمل می‌شوند و ملائکه خدمتگزار او می‌گردند. هر کس هر کجا باشد، صدای او را می‌شنود و خود او را می‌بیند.

وقتی ظهور کند، آثار محمد صلی الله علیه و آله را تبیین می‌کند، احکام قرآن را تبیین کرده، عقول مردم را افزون می‌سازد، حجت را بر همگان تمام می‌کند، با سلاح، دشمنان خدا و دین خدا را به هلاکت می‌رساند، پهنه زمین را همان‌گونه که از ستم پر شده باشد، از عدل و داد می‌آکند. اسلام را بر کافران عرضه می‌کند، اگر پذیرفتند، به نماز و زکات مأمور می‌شوند، اگر نه کشته می‌شوند، بیعت با او بیعت با خداست و دست خدا بالاترین دست‌هاست.

وقتی حکومت او برپا شود، گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند، پریشانی‌های دراز مدت پیروان را سامان می‌بخشد، به سیره نبوی عمل می‌کند، زندگی‌اش همچون حیات علی علیه السلام است. پس از ظهور، وقتی مردم «مکه» اطاعتش کردند به «یثرب» می‌رود، دامنه دعوتش از حجاز، به شام و فلسطین کشیده می‌شود، انقلاب در دمشق می‌شکفتد، روز به روز بر پیروانش افزوده می‌گردد، چین و قسطنطنیه و روم را فتح می‌کند، مسیحیان با رهبری عیسیای مسیح، به او می‌گروند و پشت سرش نماز می‌خوانند، خوف و هراس از دل شیعیان برداشته می‌شود و خداوند آن ترس را در دل دشمنان جایگزین می‌سازد.

نامش پرآوازه، فرمانش نافذ و آشکار و حکومتش غالب می‌گردد و حق در همه جا می‌درخشد. ظلم‌ها کنار می‌رود، ظالمان و گردن‌کشان درهم می‌شکنند، بناهای ستم و بیداد ویران می‌شود، شهرها ایمن و مردم در امان می‌گردند. سرهای گران و متکبر می‌شکنند، حیل‌ها به نیرنگ بازان بر می‌گردد، فاسقان حدّ می‌خورند، فرعون‌ها و طاغوت‌ها هلاک

می شوند، پرچم های مخالفان سرنگون، نیزه های معاندان شکسته، نیروهای دشمنان از هم پاشیده، و منبرها و تریبون های دروغ و تزویر و خیانت به آتش کشیده می شود، بت ها (ی قدیم و جدید) خرد و شکسته می شود، قلعه ها و دژها باز گشوده می گردد، کاخ های به ناروا افراشته ویران می شود، وادی ها و دشت ها پیموده می گردد و خانه ها تفتیش می شود.

وقتی ظهور کند و به حق فراخواند، عده ای هم رو در رویش می ایستند و در این میان، شمشیر است که قاضی است. مخالفانش برخی مستکبرانند، برخی جاهلان بی خرد، برخی هم عالم نمایان هواپرست و مقام دوست. هر که مطیعش گردد عزیز است و هر که با او در افتد ذلیل می شود و خونش هدر است.

به بیت المقدس رفته، ذخایر انبیا را بیرون می آورد، به مصر می رود و زمین را با عدل، منور می سازد. فروغش همه کوه خاک را فرا می گیرد. «میزان عدالت» را در میان مردم می نهد. دیگر کسی به کسی ستم نمی کند.

این ها گوشه هایی از جلوه روزگار و سیمای جهان و وضع مردم در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن روز دیدنی است. آن روز، آوای گرم جبهه ایمان شنیدنی است.^۱
← رستاخیز ظهور، منتقم، یوم الخلاص، چگونگی غلبه بر جهان، حکومت واحد جهانی.

روز جهانی مستضعفین ← نیمه شعبان

رهبری دینی در عصر غیبت ← ولایت فقیه

روز ظهور

سرانجام دوران غیبت به پایان رسیده، «روز ظهور» فرا می رسد. ولی روز دقیق آن، چه روزی از ایام سال یا ایام هفته خواهد بود؟ در روایات، بیان های گوناگونی دیده می شود. امام باقر علیه السلام فرموده است: «يَخْرُجُ الْقَائِمُ يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ»^۲ حضرت در روز شنبه، روز عاشورا ظهور

۱. درباره سیمای جهان پس از ظهور، کتاب ها نوشته شده است، از جمله: «تاریخ ما بعد الظهور»، محمد الصدر، سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، محمد امینی گلستانی، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، نجم الدین طیبی، عصر زندگی، محمد حکیمی.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

می‌کند. در حدیثی آمده است: «يَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ»^۱. در حدیث دیگر آمده است که نوروز، روزی است که حضرت قائم آشکار می‌شود: «وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ قَائِمُنَا وَوَلَاةُ الْأَمْرِ»^۲. روزی که آن حضرت ظهور می‌کند و بردجال غلبه می‌یابد و هیچ نوروزی نیست مگر آن که ما در آن انتظار فرج را داریم و از این گونه روایات متعدد است.

جمع‌بندی این‌ها به این است که: اولاً بین روز عاشورا و نوروز تضادی نیست، یکی در ماه شمسی است یکی در قمری و ممکن است روز جمعه، یا روز عاشورا مصادف با نوروز باشد. در مورد روز جمعه و شنبه هم می‌توان گفت که روز جمعه مقدمات قیام فراهم می‌شود و شنبه قیام رسماً آغاز می‌گردد. یا روز جمعه آغاز قیام و روز شنبه جهانی شدن آن است، یا جمعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای یاران خاص خود ظاهر می‌شود و شنبه دعوتش عمومی و علنی می‌گردد.

پنهان مکن جمال خود از عاشقان خویش خورشید را برای ظهور آفریده‌اند

← جمعه و انتظار، ظهور، روایت ظهور، توقیت.

فرهنگ
انتظار

رهبران فاسد

در روایات پیشگویی از حوادث آخر الزمان، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بارها از تغییر روش حاکمان و شیوه حکومت خبر داده و نگرانی خود را ابراز کرده است. از جمله این که: پس از پیامبر، خلفا، سپس امرا، سپس ملوک، و بعد از آنان جبار خواهند بود، یعنی فاصله گرفتن تدریجی از نبوت و سنت نبوی و تغییر شیوه خلافت به امارت و پادشاهی گزنده و طاغوت‌گری جبارانه و گسست تدریجی بندها و علقه‌های دینی پیش می‌آید و در پایان، باز هم خلافت به شیوه رسول خدا خواهد شد (چیزی که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه هم به آن اشاره کرده است: «سَيُعْطَى الْهُوَى عَلَى الْهُدَى»^۳).

تعبیر دیگری هم در روایات نبوی آمده است، مثل: امارت سفیهان، امیران دروغگو، وزیران

۱. همان، ج ۵۶، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۹۲.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

فاجر، امینان خائن، قاریان فاسق، کارگزاران زشتکار، قاضیان گمراه.^۱ پیشگویی از فاصله افتادن بین قرآن و حاکمان «إِنَّ الْكِتَابَ وَالسَّلْطَانَ سَيَفْتَرِقَانِ»^۲ نیز اظهار نگرانی او از رهبران گمراه‌گریش از دَجَال «أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ عِنْدِي مِنَ الدَّجَالِ: أُمَّةٌ مُضِلُّونَ»^۳ و خبر دادن از این که کنیزان و بردگان به حکومت می‌رسند، همه این‌ها در عصر پیش از ظهور اتفاق می‌افتد و مؤمنان در هراس و خوف قرار می‌گیرند و گوش به فرمانان طاغوت‌ها در امان‌اند. در پی این پیشگویی‌ها حضرت نوید می‌دهد که مردی از خاندان من ظهور می‌کند که حماسه می‌آفریند و اسلام را غالب می‌سازد. این وعده تخلف ناپذیر الهی است.

ای دست خدا، دست برآور که زدشمن
بس ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم
شمشیر کجاست راست کند قامت دین را
هم قامت ما را که ز هجرت تو خمیدیم^۴
← عدالت، حکومت صالحان، فسادهای آخر الزمان، جهان پراز ظلم.

زبور



زبور، یا مزامیر داود، کتاب حضرت داود علیه السلام و نیایش‌های اوست و خداوند فرموده است: ما به داود علیه السلام، زبور دادیم: «وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا»^۵ در قرآن کریم آمده است که: ما در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان صالح ما به ارث می‌برند «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۶ تحقق این آیه را مربوط به زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقصود از «عباد صالح» را هم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او دانسته‌اند.

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۶ و ۳۱.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۳۳.

۴. علی اکبر نوغانی.

۵. نساء، آیه ۱۶۳، اسراء، آیه ۵۵.

۶. انبیاء، آیه ۱۰۵.

پس نوید آمدن مصلح جهانی در آخرالزمان، در کتب آسمانی پیشینیان هم آمده است. برخی این جملات زیور را مصداق همان وعده الهی دانسته اند: «قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد نمود. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرّش نماید. صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترّثم خواهند نمود، به حضور خداوند، زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد، و قوم‌ها را به امانت خود... عدل و انصاف قاعده تخت اوست. آتش پیش روی وی می‌رود و دشمنان او را به اطرافش می‌سوزاند. برق‌هایش ربع مسکون را روشن می‌سازد... آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند و جمیع قوم‌ها جلال او را می‌بینند، همه پرستندگان بت‌های تراشیده خجل می‌شوند.»^۱

← اشارات و بشارات، مهدویت در ادیان و آیین‌های دیگر، مهدی در قرآن.

زمان و مهدی علیه السلام

فرهنگ
انتظار

حضرت صاحب الزّمان علیه السلام ارتباط ویژه‌ای با زمان دارد و در موضوعات مختلف مهدویت پای زمان به میان می‌آید و بی‌جهت نیست که او امام زمان و صاحب الزّمان است. دوران پیش از ظهورش «آخرالزمان» نام دارد. عمر طولانی او با مسأله گذشت زمان مرتبط است. غیبت طولانی هم در «زمان» انجام می‌گیرد. ظهور آن حضرت هم «ناگهانی» است که باز پای زمان در میان است. در احادیث متعدّدی از «توقیت» و تعیین زمان برای ظهورش نهی شده است و «زمان ظهور» نامعلوم و از اسرار الهی است. در بحث طول عمر، از «معمّرين» یاد می‌شود، کسانی که سالیان درازی عمر کرده‌اند. در دعاها ایمان مسأله تعجیل در ظهور است که باز هم امری زمانی است. تقسیم دوران غیبت آن حضرت به غیبت صغری و کبری نیز به زمان مربوط می‌شود. این که مدّت حکومتش از ۷ سال تا ۳۱۳ سال هم مطرح شده و این که خداوند، امر او را «یک شبه» سامان می‌دهد و این که پایان دوران حکومت مهدوی به قیامت وصل می‌شود، همه مربوط به زمان است. حدیث می‌گوید: با آن که عمر طولانی

۱. زیور داود، مزمور ۹۶، جمله ۱۰ تا ۱۳ و مزمور ۹۷ جمله ۳ تا ۷.

کرده است ولی در سیمای «جوان» آشکار می شود، این هم موضوعی زمانی است. «انتظار»، چشم به راه زمان آمدن او بودن است. این که فرموده اند: برای آمدنش عجله نکنید و به خدا و تقدیر او واگذار نمایید، این که اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی می کند تا قائم ظهور کند، این که روز جمعه، روزی است که انتظار ظهورش می رود، صبح ظهور، یاران ۳۱۳ گانه اش در مکه به حضورش می رسند و با او بیعت می کنند، مدت حکومتش را هفت سال یا هفتاد سال گفته اند، روز ظهورش از «ایام الله» است، بحث «رجعت» و بازگشت دوباره به دنیا در عصر ظهور و... مسائلی دیگر، نقش «زمان» را به عنوان ظرف تحقق این حادثه عظیم و الهی می رساند. او پیشوای زمان است و هیچ دوره ای زمین خالی از حجت نمی ماند و او حجت الهی و بقیه الله در زمان ماست.

با یادت ای سپیده چه شب ها که داشتیم در باغت ای امید، چه گل ها که کاشتیم
عمری در انتظار تو بودیم و پیر شد آن طفل انتظار که بر در گماشتیم^۱
«امام زمان علیه السلام، طول عمر امام زمان علیه السلام، پیر جوان نما، توقیت، استعجال.

زمینه سازان ظهور

مقصود آنان اند که در عصر غیبت، با ایمان و جهاد و تلاش گسترده و مبارزات مستمر با مفسدان و طاغوت ها، زمینه را برای ظهور امام زمان فراهم می کنند. آنان «آماده ساز» اند، نه «آماده خواه» و چون منتظر «مُصلح» اند، حرکت های «اصلاحی» در خود و خانواده و جامعه بشری دارند. در روایات، به این حرکات تمهیدی از سوی زمینه سازان اشاره شده و از «المُمَهِّدُونَ» یاد شده است.^۲

در روایات، از حرکت قومی از سوی مشرق با پرچم های سیاه یاد شده که در پی حق هستند و جهاد می کنند و پیروز می شوند و پرچم را به مردی از اهل بیت می سپارند که همانم پیامبر صلی الله علیه و آله است و جهان را پراز عدل و داد می کند. این دسته از روایات را با احادیث «رایات

۱. حمید سبزواری.

۲. رک: المُمَهِّدُونَ لِلْمَهْدِيِّ علیه السلام، علی الکورانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۴۰۵ ق.

سود» (پرچم‌های سیاه) یاد می‌کنند. برخی احادیث، از صاحبان پرچم سیاه از خراسان یاد می‌کند «هُم أَصْحَابُ الرَّايَاتِ السُّودِ» که مبارزان شکست ناپذیرند. در احادیثی سخن از رشد علمی و دینی اهل قم است که حجت بر همه مردم می‌شوند و این در زمان غیبت امام زمان و نزدیکی ظهور قائم است و نوعی زمینه‌سازی فرهنگی و بصیرتی است. یا از مردانی مؤمن از طالقان که گنجینه‌های خدا و یاوران مهدی در آخر الزمان اند. یا از پرچم‌های قوم سلمان (ایرانی‌ها) و خروج مردم از قم که دعوتگر حق است و مردانی استوار و آهنین اراده و نستوه که برگرد او جمع می‌شوند و از جنگ نمی‌ترسند و توکلشان بر خدا است «رَجُلٌ مِّنْ قَوْمٍ يَدْعُوا النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ...». روایاتی که از اهل مشرق و ایرانی‌ها سخن می‌گوید که از یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زمینه‌سازان ظهورند، کم نیست. در روایت امام باقر علیه السلام که با «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ...» آغاز می‌شود، از جهاد مستمر آن حق طلبان خستگی ناپذیر و سلاح بردوش ستایش می‌کند و این که «وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ» پرچم مبارزه را جز به صاحب و پیشوای شما تحویل نمی‌دهند، کشته‌هایشان شهید است.^۱

فرهنگ
انتظار

زمینه ساز ظهورند شاهدان شهید
اگر چه ماتمشان داغ بر جگر بسته است
هزار سدّ ضلالت شکسته‌ایم و کنون
قوام ما به ظهور تو منتظر بسته است^۲
— زمینه‌سازی برای ظهور، آیین انتظار، انتظار سرخ، قیام قبل از ظهور.

زمینه سازی برای ظهور

برای تحقق هر هدفی، زمینه‌سازی لازم است. حرکت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت واحد بر اساس عدالت، از این قاعده مستثنی نیست. در روایات مربوط به عصر غیبت و ظهور نیز این مسأله آمده است و تعبیر «تمهید» گویای همین منظور است. این آماده‌سازی جهان و زمینه‌سازی برای ظهور، هم در بعد تبلیغی و فرهنگی است، که باید افکار جهانیان را برای چنین آینده و دولتی آماده ساخت، هم در بعد رفتاری خود منتظران

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۲. قادر طهماسبی (فرید).

ظهور است و بایستگی‌هایی که زمینه‌سازان در فکر و اخلاق و عمل و تعهد باید داشته باشند، هم ایجاد حالت شوق و انتظار، هم فراهم آوردن امکانات و سلاح و پشتیبان‌های لازم، هم تربیت نیرو و سرباز برای جبهه گسترده مهدوی، هم آمادگی برای جهاد بی‌امان و شهادت در راه این آرمان مقدس. هر چند ظهور او و تسلطش بر جهان و اقامه قسط و عدل، امری الهی است، ولی به معنای سقوط تکلیف از منتظران نیست.

در بستر همین زمینه‌سازی است که منتظران واقعی از مدعیان انتظار شناخته می‌شوند و با آزمایش‌های گوناگون، غربالگری می‌شوند. در روایات انتظار، سخن از غربال شدن، تمحیص و تمییز دیده می‌شود.^۱ اگر در روایات فراوان سخن از «انتظار فرج» است، اوصاف منتظران و وظایفشان هم مطرح است. به طور کلی صبر، انتظار، اصلاح خویش، دعا برای فرج، عهد بستن با امام زمان، دعای ندبه و... از جمله این کارهاست.

در روایاتی از کسانی صحبت و ستایش شده که از شرق خارج می‌شوند و زمینه‌ساز حکومت آن حضرت می‌شوند: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَيِّدُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ».^۲ حتی آمادگی نظامی و فراهم کردن سلاح هم از توصیه‌ها به منتظران است. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيُعَدَّنَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتَ أَنْ يُنْسَأَ فِي عُمَرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ».^۳ هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه و وسایل آماده کند، هر چند یک تیر یا نیزه، چون وقتی خداوند این آمادگی را در نیت او ببیند، امیدوارم که خداوند عمر او را طولانی کند و اجلس را به تأخیر اندازد تا زمان ظهور او را درک کند و از یاوران او باشد.

به تعبیر زنده یاد محمد رضا حکیمی: «کسانی که آماده طلبند و تصور می‌کنند که با ظهور امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف همه چیز به سرعت روبه راه می‌گردد و بدون هیچ رنجی و گرفتاری و جهادی، مصائب انسان رفع می‌شود و مشکلات بشریت حل می‌گردد و دین خدا به همه

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۲ (فَعِنْدَ ذَلِكَ تُمَيِّزُونَ وَتُمَخِّصُونَ وَتُعْرَبِلُونَ)، (حَتَّى تُمَيِّزُوا).

۲. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۳۱۹، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۴۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

سوی می‌رسد و این همه قدرت‌های شیطانی و وسایل و ابزار و ارتش‌ها، به آنی از پای در می‌آید و سپس جهانی آماده و مرفه و سراسر عدل و احسان را بر آقایان عرضه می‌دارند، این کسان در اشتباهند و این کسان در واقع منتظران نیستند، منتظران به مفهوم اسلامی و تعلیم شیعی. این‌گونه کسان، که در دوره‌های قبل از ظهور، خود را به راحت افکندند و از هر درگیری با ستم و ستمکاران کناره گرفتند و از هر اقدام اسلامی و اجتماعی تن زدند و نوعی مقدس‌مآبی پیشه ساختند... این‌گونه کسان به اصطلاح کور خوانده‌اند... مردان حق باید خویشتن را آماده یاری علی بن ابی طالب ثانی بسازند و گوش به سخن تنبلان و تن پروران و آماده طلبان یا ضعیف النفسان و ناتوانان ندهند و دل به «آماده‌طلبی» خوش نکنند و مرد عمل و مجاهد باشند...»^۱.

زمینه‌سازی برای ظهور، هم در محور طرح و برنامه‌های اجرایی برای ورود به آن مرحله است، هم توجه دادن افکار به رهبری این حرکت و شناخت او در سطح عموم مردم، هم آماده‌سازی یاران و تربیت نیروهای بصیر و جان برکف و کاردان، هم فراهم آوردن امکانات و ابزار و وسایل کاربردی در میدان عمل، هم آماده‌سازی عمومی و بسیج افکار و همت‌ها و دغدغه‌ها برای تحقق یافتن آن ایده‌های مقدس و پشتیبانی مردمی در سطح جهان برای حرکت ظهور. در سطح کلان، با تشکیل حکومت دینی، بهتری می‌توان امکانات مالی، فرهنگی، تبلیغی، اقتصادی، سیاسی و نظامی را برای فراهم کردن زمینه حکومت جهانی آن حضرت به کار گرفت، چون صرفاً تبلیغات و کارهای فرهنگی کافی نیست. کاری که امام خمینی رحمه‌الله با طرح حکومت اسلامی و ولایت فقیه و تأسیس و بنای انقلاب اسلامی انجام داد. هم اقدام گفتاری و هم عملی کرد و زمینه ساز شد. پس زمینه‌سازی برای ظهور، در حیطه وظایف منتظران در عصر غیبت قرار می‌گیرد.

کسانی برای توجیه سکوت و بی‌تفاوتی و عدم اقدام خود به احادیثی تمسک می‌کنند که

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۳۸۴.

پاسخ دارد.^۱

فشرده بررسی این موضوع در چند نکته خلاصه می شود:

۱. «احادیث نهی از قیام، به معنای مخالفت اهل بیت علیهم السلام با تلاش جهت برقراری حکومت صالحان و به معنای تن دادن به حاکمیت زمامداران جائز و فاسد نیست، بلکه مقصود آن ها این است که پیروان اهل بیت علیهم السلام نباید با نهضت هایی که رهبری آن ها با افرادی ناصالح مانند ابومسلم خراسانی یا مدعیان مهدویت است، همکاری کنند، همچنین نباید قبل از فراهم آمدن زمینه های لازم برای قیام، قیام نمایند.

۲. وجوب تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی به عصر حضور و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص ندارد، بلکه با توجه به ضرورت اجرای احکام اسلام در همه زمان ها و زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام به رهبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهم ترین وظیفه مسلمانان به ویژه پیروان اهل بیت، تلاش برای تشکیل حکومت دینی است.

۳. بر فرض صحت سند احادیث نهی از قیام و پذیرش دلالت آن ها بر وجوب خودداری از تشکیل حکومت دینی به طور مطلق، باز نمی توان به مفادشان عمل کرد، زیرا با قرآن و سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام و حکم عقل، معارض هستند. افزون بر این می توان گفت: اهل بیت به خاطر رعایت مسائل امنیتی در جامعه خفقان آلود معاصر خود، چنین سخن گفته باشند.^۲

← زمینه سازان ظهور، آیین انتظار، یاران امام مهدی، قم، قیام، قائم، دعا برای فرج، مهتدین.

زمینه سازی برای غیبت

پدیده غیبت امام از جامعه و مردم و عدم دسترسی آنان به حجت خدا، چون ممکن بود برای بعضی ایجاد شک و سستی در عقاید کند، می بایست برای آن زمینه سازی شود تا هنگام وقوعش مردم دچار وحشت و تزلزل نشوند.

زمینه سازی برای غیبت امام زمان در دو زمینه انجام گرفت. «یکی» پیشگویی و اخبار از

۱. بحث مبسوط وظیفه قیام در عصر غیبت و نقد دلایل ساکتان یا مخالفان نهضت و بررسی احادیث مورد تمسک آنان را در «دانشنامه امام مهدی»، ج ۶، ص ۱۹ تا ۴۷ مطالعه کنید.

۲. دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۴۶.

آن، که در احادیث فراوانی از معصومین در زمان پیامبر و ائمه مطرح شده است. «دیگری» در مرحله عملی. این مرحله از زمان امام هادی علیه السلام آغاز شد و زمان امام یار هم تداوم یافت. به نقل مسعودی: «امام هادی علیه السلام خود را از بسیاری از شیعیان پنهان می داشت، مگر از خواص شیعه. در زمان امام عسکری علیه السلام آن حضرت چه با خواص شیعه چه با دیگران از پشت پرده حرف می زد، مگر در اوقاتی که سوار می شد تا نزد خلیفه برود. این شیوه از جانب او و امام هادی علیه السلام مقدمه برای غیبت صاحب الزمان بود، تا شیعه به این مسأله عادت کند و غیبت را انکار نکند و پنهان زیستی و اختفا، عادی شود»^۱.

امام عسکری علیه السلام خود را از مردم پنهان می داشت، مگر از اصحاب و یارانش، و نقش تبلیغ احکام و آموزش ها را به شیوه مکاتبه و نامه نگاری میان خود و یارانش واگذار کرده بود، چون می دانست روش عمومی فرزندش حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت صغری هم همین خواهد بود. وکلایی را هم برای همین مراجعات تعیین کرده بود تا به کارها و مشکلات مردم رسیدگی کنند.^۲ این سیره هوشمندانه و تدریجی، زمینه فکری پذیرش «دوره غیبت» را در میان شیعه فراهم می کرد، تا خلأ حضور امام، برای آنان بحران اعتقادی ایجاد نکند و وظیفه خود را در آن دوران بدانند.

همین که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مکرر درباره غیبت او سخن گفته و اهمیت حفظ عقیده و ثبات بر آن را و مایوس نشدن به خاطر طول زمان غیبت را بیان کرده و روایات فراوانی روی موضوع «طول غیبت» تکیه دارد، نوعی دیگر از زمینه سازی برای غیبت و پذیرش آن از سوی مردم است.^۳ امامان، هم از نزدیکی تولد حضرت مهدی علیه السلام سخن می گفتند، هم بلافاصله از غیبت او یاد می کردند و به صبر و ثبات و حفظ ایمان در عصر غیبت دعوت می کردند. کار دیگر، کاستن از ارتباط مستقیم با شیعیان بود و همچنان که اشاره شد، این چهره

۱. منتخب الأثر، لطف الله صافی، ج ۲، ص ۴۳۹، به نقل از اثبات الوصیه مسعودی.

۲. رک: تاریخ الغیبة الصغری، محمد الصدر، ص ۲۰۹ تا ۲۲۶.

۳. در «کمال الدین» صدوق، فصل مفضلی درباره روایات مربوط به غیبت طولانی است، همچنین در کتب روایی دیگر مثل بحار الأنوار.

پوشانی و اختفاء، عادی سازی غیبت برای شیعه محسوب می شد. تکیه بر نظام وکلایی و تعیین نمایندگانی در شهرهای مختلف، گام دیگری برای زمینه سازی غیبت بود.
— غیبت، فلسفه غیبت، تشکیلات وکالت.

زوراء

نام شهر و منطقه ای در عراق، بین دجله و فرات، که در احادیث مهدویت از آن یاد شده است که پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آن جنگ های خونینی رخ می دهد، سرزمینی که عذاب ها و کشتارها اهل آن جا را نابود و سرزمینشان را ویران می کند. این حوادث پیش از «خروج حسنی» در آستانه ظهور است. در روایت است که وقتی مردم از ویرانه های آن سرزمین عبور می کنند، می گویند: «زوراء» اینجا بوده است.^۱ پیام خدا صلی الله علیه و آله فرمود: واقعه ای در زوراء رخ خواهد داد. پرسیدند زوراء چیست یا رسول الله؟ فرمود: شهری است در مشرق، میان نهرهای آب، که بدترین آفریده های خدا و جبارانی گردنکش از امت من در آن ساکن می شوند، با چهار نوع عذاب مورد هدف قرار می گیرند: با شمشیر، با فرورفتن زمین، با کوبیده شدن و با مسخ....^۲

— علائم ظهور.

زنان مهدی یاور

از یاران امام عصر شماری زن هستند و طبق روایات، در آغاز ظهور که اصحاب ۳۱۳ گانه او در مکه به او می پیوندند، ۵۰ نفرشان از زنانند «فیهم خمسون امرأة».^۳ یک گروه ۴۰۰ نفری نیز از نسل های پیش که رجعت خواهند کرد، از یاران اویند.^۴ زنان مهدی یاور، گروهی یاران ویژه اند که از نام و شمار آنان یاد شده است، گروهی هم به صورت عمومی، هرزنی که اهل ایمان و تقوا و پاک و بصیر و در انتظار فرج باشد از یاران او خواهد بود و این مرحله از یاری حجت خدا

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۳۵۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۴. معجم الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۳۴.

خاص مردان نیست. در دعا‌های فراوانی می‌خواهیم که خداوند ما را از انصار و اعوان او قرار دهد و توفیق حضور و جهاد در رکابش و امتثال اوامرش را عطا کند. نقش زنان مهدی یاور بیشتر نقش امدادگراست، همچنان که در جنگ بدر و احد چنین فعالیتی داشتند. در نقل دیگری سخن از رجعت ۱۳ زن است، با این نام‌ها:

«قنواء»، دختر رشید هجری، از شیفتگان و پیروان علی علیه السلام.

«ام ایمن»، از زنان پرهیزکار و خدمتکار پیامبر، که در جبهه‌های جنگ نیز به مداوای مجروحین می‌پرداخت.

«نسیبه»، دختر کعب مازنی، معروف به ام عماره، از زنان فداکار صدر اسلام و مجروح در جنگ احد.

«صیانه ماشطه» همسر حزقیل نبی که آرایشگر دختر فرعون بود و چون به خداپرستی او پی بردند، شهیدش کردند.

«سمیه» مادر عمار یاسر، هفتمین نفری که در مکه مسلمان شد و همراه یاسر، زیر شکنجه‌های ابوجهل به شهادت رسید.

«ام خالد»، زنی با ایمان که در زمان امام سجاد علیه السلام در کوفه بود و به جرم شیعه بودن، دستش را قطع کردند.

«زبیده»، زن هارون الرشید، زنی با ایمان و اهل قرآن و از هواداران اهل بیت علیهم السلام که خدمات زیادی از جمله به حاجیان در عرفات داشت.

«حُبابه و البیه»، زنی با فضیلت و عابد در صدر اسلام و زمان ائمه علیهم السلام.

«ام سعید حنفیه» و «ام خالد جهنی»، همچنین «وتیره» و «احبشیه» از آن جمله‌اند.

نقش زنان در حکومت امام زمان علیه السلام تنها آنچه یاد شد (امدادگری) نیست. بر اساس حدیث امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر که به زنان همراه آن حضرت اشاره فرمود و نقش آنان را مداوای مجروحان و پرستاری از بیماران دانست (يُدَاوِينَ الْجُرْحَى، وَيَقُفْنَ عَلَى الْمَرْضَى)

۱. پرچم برافراشته، ص ۱۶۳ به نقل از: دلائل الامامه، طبری، ص ۲۶۰ و ۳۱۴.

توضیحی اضافه دارد و می‌فرماید به همان وضعی که در زمان رسول خدا ﷺ بود (کَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ).^۱

در بررسی زنان حاضر در رکاب پیامبر در غزوات، به نقش‌های دیگری هم برمی‌خوریم، همچون: امدادگری، آب‌رسانی به مجروحان، آوردن دارو به جبهه برای درمان، نگهداری وسایل رزمندگان و انبارداری، انتقال مجروحان از جبهه به مدینه، پختن غذا، پرکردن مشک‌ها و بردن به جبهه عملیاتی، اصلاح و تعمیر وسایل، انتقال اجساد شهدا. از این رو می‌توان زنان مهدی‌یاور را فعالان عرصه امدادگری، خدمات، درمان، پشتیبانی، تغذیه و... دانست. البته نمی‌توان از فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی هم چشم پوشید.

— یاران امام زمان (عج)، سیصد و سیزده.

زندگی مهدوی

دوستاناران امام زمان (عج) و معتقدان به فرهنگ مهدوی و چشم به راهان ظهور منجی، باید اخلاق، رفتار و زندگی متناسب با این عقیده و انتظار داشته باشند و آن‌گونه زندگی کنند که مورد رضایت و پسند حضرت مهدی باشد. آراستگی به این اوصاف و ویژگی‌ها «زندگی مهدوی» است. این اوصاف و اخلاق، در سه بخش اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اوصاف منتظران از این قرار است:

اخلاق فردی:

۱. ایمان و خداباوری به نحوی که در زندگی فرد، نقش آفرین باشد
۲. زندگی معنوی و توجه به عبادات و تقیّد به انجام تکالیف دینی و نماز و حجاب و...
۳. بصیرت دینی، به عنوان پشتوانه تشخیص تکلیف و عمل به وظیفه شرعی
۴. یاد خدا و ذکر، نه به لفظ، بلکه به قلب و با عمل، در همه صحنه‌ها که موجب ترک گناه می‌شود
۵. یاد مرگ و قیامت، به عنوان عاملی غفلت‌زدا و آماده‌ساز برای مراحل پس از مرگ

۱. دانشنامه امام مهدی (عج)، ج ۸، ص ۲۹۸، به نقل از دلائل الامامه.

۶. انس با قرآن، با تلاوت و فهم و تدبیر و تطبیق اعمال خود با قرآن کریم
۷. انس با مسجد، به عنوان کانون تعلیم و تربیت و پیوند با مؤمنین و کسب آرامش روحی
۸. اهل دعا، عبادت، تهجد و توسل بودن و اختصاص بخشی از اوقات به این امور
۹. تعهد به آداب و سنن دینی و داشتن زندگی رساله‌ای و منطبق با فتوای فقیه
۱۰. تقوا و ترک گناه و جهاد با نفس و خودسازی اخلاقی
۱۱. اخلاص و عمل برای خدا و دوری از تظاهر و ریا و تدلیس و مردم فریبی
۱۲. قناعت و ساده‌زیستی، پرهیز از تجمل‌گرایی و زندگی اشرافی
۱۳. صبر و شکیبایی در برابر سختی‌های معیشتی، بلاها، نیش‌خندها و طعنه‌های مخالفان

۱۴. ادب در گفتار و معاشرت و حفظ زبان از سخنان رکیک و دروغ و تهمت
۱۵. محاسبه نفس و نظارت و حساب‌رسی روزانه و هفتگی از خود و اعمال و حالاتش
۱۶. تمیزی، نظافت، مراعات بهداشت و آراستگی ظاهری به عنوان الگوی یک مسلمان
۱۷. همدلی با اهل بیت و شادی و غم در ایام ولادت‌ها و وفات‌ها و حفظ شئون مناسب‌های دینی

اخلاق و رفتار اجتماعی

۱. حسن خلق و برخورد مؤدبانه با همه و دارا بودن عفو و گذشت و خوشرویی و خوشخویی
۲. محبت و دوستی با دیگران، داشتن روحیه انس و ارتباط با اهل ایمان و بهره‌گیری از آثار دوستی
۳. صدق و امانت (راستگویی و درست‌کرداری) به عنوان دو شاخصه مهم در دینداری و مسلمانی
۴. رعایت حقوق دیگران (پدر و مادر، همسایه، معلم، همسر، فرزندان، دوستان و برادران دینی) و پرهیز از اجحاف و ظلم و حق‌کشی در حق دیگران
۵. تقدیر و سپاس و قدرشناسی و حق‌شناسی از زحمات و خدمات و احسان دیگران

۶. نقدپذیری و بهره‌گیری از تذکرات خیرخواهانۀ دیگران در مسیر اصلاح خود و جبران کاستی‌ها
۷. وفای به عهد، عمل به وعده‌ها، خوش قولی و تعهد نسبت به امضاها و قراردادهای وعده‌ها
۸. عفاف و حجاب و پاک چشمی و پرهیز از خودنمایی در زنان و دختران و چشم‌چرانی در پسران و مردان
۹. عمل به وظیفۀ مهم امر به معروف و نهی از منکر، به خصوص در مرحلۀ تذکرزبانی و بی‌تفاوت نبودن نسبت به مفاسد و گناهان و ناهنجاری‌های اجتماعی، احساس مسئولیت در برابر جامعه
۱۰. عمل به تکلیف پس از شناخت وظیفه، نتیجه هرچه باشد و نداشتن هراس از قضاوت این‌و آن و حرف و حدیث‌های دیگران
۱۱. دقت در کسب و کار و درآمد از راه حلال و پرهیز از شغل‌ها و درآمدهای نامشروع و شبهه‌ناک و پرداخت خمس و زکات و حقوق شرعی.
۱۲. وحدت و همبستگی با مردم، پرهیز از هرگونه تک‌روی، اختلاف افکنی، تحریک تعصبات دیگران و وارد نشدن در دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های تفرقه‌آمیز و دشمن‌ساز
۱۳. ولایت‌مداری و پیروی از علمای دین در مسائل اجتماعی که توصیه‌ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک رجوع به عالمان دین و فقها در مسائل مستحدثه و امور نوپدید است و تبعیت از ولی فقیه که محور وحدت و وفاق است
۱۴. تولی و تبری نسبت به دوستان خدا و رسول و اهل بیت و دشمنان آنان و مرزبندی با صفوف دشمنان و داشتن خط و موضع نسبت به استکبار و نفاق و دشمنان
۱۵. عصر غیبت را معیار برای عصر حضور دانستن، چون عملکرد دینی و اجتماعی مادر این عصر، نشان‌دهندۀ وضع ما در زمان حضور است.

اوصاف منتظران

این اوصاف و ویژگی‌ها، ترسیم‌کننده خطوط کلی «زندگی مهدوی» در ارتباط با امام عصر و عمل به وظایف در عصر غیبت آن حضرت است:

۱. انتظار فرج، که از بزرگترین عبادات است و امید به آینده روشن طبق وعده‌های خدا و رسول و امامان علیهم‌السلام و مایوس نشدن و بی‌انگیزه نگشتن
۲. شناخت حجت خدا و آشنایی خوب با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و زندگی و فضایل و ویژگی‌هایش

۳. عهد و پیمان اطاعت و همسویی با امام زمان و تجدید پیمان هر روزه، با خواندن دعای عهد

۴. اصلاح جامعه در حدّ توان و مبارزه با مفاسد و پرهیز از بی‌مسئولیتی

۵. دعا برای ظهور و تعجیل در فرج، با خواندن مداوم دعا‌های وارد شده برای عصر غیبت

۶. آمادگی برای جهاد و فداکاری در رکاب آن حضرت و داشتن روحیه شهادت طلبی و ایثار

۷. صبر بر هجران و طول کشیدن غیبت و حفظ ایمان و سست نشدن باورها به ظهورش

۸. زمینه‌سازی و تمهید برای دوران حضور و ظهور به قدر توان، حرکت تمهیدی در جامعه و برانگیختن افکار و توجهات به آن حضرت

۹. تربیت ولایی فرزندان و تربیت سرباز برای جبهه مقدس سربازی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

۱۰. بصیرت و بینش در تحولات اجتماعی و بروز افکار مختلف و دعوت‌های انحرافی و فریب نخوردن از عوام فریبان شیاد

۱۱. یاد امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در شب و روز به عنوان پیشوایی که ناظر بر اعمال ما و دوستدار ماست و ما پیوسته در حضور و محضر او ایم و اعمال ما بر او عرضه می‌شود

۱۲. تقوا، پاک‌دستی، پاک‌چشمی و دوری از حرام، به عنوان عوامل زمینه‌ساز برای توفیق دیدار آن حضرت

۱۳. با توجه به خصال یاران مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بکوشیم آن اوصاف را در خود پیاده و زنده

کنیم، همچون: معرفت، اخلاص، جهاد، اطاعت، استقامت، تلاش روزانه، عبادت و تهجد شبانه، شجاعت و دلاوری، یاری حق و...

۱۴. عمل به توصیه‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در نامه‌ها و توقیع‌های شریف از آن امام نقل شده است.

۱۵. الگو بودن خود و خانواده برای جامعه و نشان دادن عملی و عینی یک «منتظر واقعی»، نه با شعار و حرف و ادعا، بلکه با عمل و رفتار

۱۶. تبلیغ فرهنگ انتظار و ترویج این عقیده و یادکرد آن حضرت در جمعه‌ها و دعای ندبه‌ها و توسلات و زیارت‌ها.^۱

— آیین انتظار، آثار تربیتی انتظار، تربیت مهدوی کودکان.

زیارت آل یاسین

«آل یاسین»، آل پیامبر است که در این زیارتنامه، ابتدا به آنان سلام می‌دهیم. یکی از وظایف ما در عصر غیبت، زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با زیارتنامه‌هایی است که به ما آموخته‌اند. زیارت آل یاسین یکی از مشهورترین آن‌هاست که با ۲۳ سلام آغاز می‌شود و در این سلام‌ها مناقب و اوصاف آن حضرت بیان شده است، از قبیل: آل یاسین، بقیه الله، حجة الله، خلیفه الله، دلیل ارادته، دیان دینه، ربانی آیاته، الرحمة الواسعه، السلام، وعد الله، که هریک از این‌ها مستند قرآنی و حدیثی دارد و گوشه‌ای از ویژگی‌های شخصیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان می‌کند. راوی این زیارت، محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری است که از قول و توقیع صاحب الزمان آن را نقل کرده که فرمود: هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند توجه پیدا کنید و به ما روی آورید، چنین بگویید: سلام علی آل یاسین... تا آخر.^۲

در این زیارت، علاوه بر درودهای خاص به آن حضرت و بیان جایگاه والای امامان اهل بیت، نکاتی درباره موالات، تبعیت، توحید، همسویی با اولیای خدا و نیز دعا برای سلامتی و

۱. آن چه ذکر شد، فشرده‌ای از اصول زندگی امام زمان پسند بود که به طور تفصیل در کتاب «زندگی مهدوی» از نویسنده مطرح شده است، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قم.

۲. احتجاج، طبرسی (چاپ اسوه). ج ۲، ص ۵۹۱، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

نصرت برای آن حضرت و شیعیان اوست و به خواندن آن هرجا و هر زمان توصیه شده است، کتاب‌هایی هم در شرح این دعا نگاشته شده است، از جمله: «سلوک سبز»، شرح عرفانی زیارت آل یاسین، مهرداد ویس کرمی.

هر شب زمین به یاد تو مدهوش می‌شود این بیرق سیاه فلک، سوگوار کیست؟
خورشید در فراق که می‌سوزد این چنین؟ او از ازل به یاد که و داغدار کیست؟
— آیین انتظار، نام‌ها و اوصاف و القاب، زیارت امام زمان، دعای عهد.

زیارت امام زمان علیه السلام

زیارت امام زمان هم به معنای دیدار حضوری و تشرّف به محضر اوست، چه در زمان قبل از غیبت، چه دوران غیبت صغری، چه غیبت کبری، که این در بخش «تشرّف یافتگان» و «دیدار امام زمان» گذشت. مفهوم دیگر آن خواندن زیارت‌نامه آن حضرت در عصر غیبت است که در کتب دعا آمده و در مناسبت‌های مختلف، سفارش به زیارت امام زمان علیه السلام شده و متون زیارتی هم بیان گشته است (غیر از دعا‌هایی مثل ندبه که دعاست نه زیارت). بعضی از این زیارت‌ها از این قبیل است:

۱. زیارت آل یاسین (سلام علی آل یاسین...)
 ۲. زیارت (سلام الله الكامل الثام الشامل العام...)
 ۳. زیارت (السلام عليك يا خليفة الله وخليفة آبائه المهديين...)
 ۴. زیارت آن حضرت در سرداب مطهر (الله اكبر، الله اكبر، لا اله الا الله...)
 ۵. زیارت آن حضرت در روز جمعه (السلام عليك يا حجة الله في ارضه...)^۲
- با خواندن این زیارت‌ها در این اوقات و اماکن، هم ارتباط روحی و معنوی با آن حضرت قوی‌تر می‌شود، هم نوعی تجدید عهد و وفای به پیمان با امام است و درخواست دعای

۱. اروج‌علی شهودی.

۲. مجموعه بیشتری از این زیارت‌ها و زیارت‌های منسوب به آن حضرت و بحث‌های سندی برخی از آن‌ها را در «دانشنامه امام مهدی»، ج ۶، ص ۳۶۸ تا ۴۴۵ ملاحظه کنید. نیز در کتاب «جامع زیارات المعصومین»، مؤسسه امام هادی علیه السلام، ج ۴، ص ۱۲۳ تا ۲۶۰.

خیر از آن حضرت و نوعی دعا و نیایش است در قالب زیارت، هم آشنایی بیشتر با مقام و فضایل و مناقب او و رسالت عظیم او پس از ظهور و وظیفه منتظران در ارتباط با آن پیشوای عدالت گستر.

← زیارت آل یاسین، احادیث مهدوی، دعای مهدی، آیین انتظار.

زیارت ناحیه مقدسه

زیارتی که از ناحیه امام معصوم صادر شده باشد. در زمان امام هادی و امام عسکری علیه السلام



که دسترسی مردم به این دو امام، کم و دشوار بود، نامه ها و دستورهایی که از امام می رسید، می گفتند: از ناحیه چنین صادر شده است و این عبارتی رمزگونه و متداول بین شیعه بود. در دوره غیبت صغری که این محدودیت

بیشتر بود، توقیعات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک هم از ناحیه او به دست وکیلان و نمایان می رسید و آنان هم به اطلاع شیعیان می رساندند و می گفتند که از ناحیه مقدسه است.

زیارت ناحیه مقدسه، زیارتنامه ای است که از سوی امام زمان، یا امام عسکری، یا امام هادی بیان شده و در سال ۲۵۲ هجری توسط شیخ محمد بن غالب اصفهانی اعلام شده است^۱ و چون در این تاریخ، هنوز امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریک به دنیا نیامده بود، احتمال قوی تر آن است که از ناحیه امام دهم یا یازدهم باشد. آغاز آن چنین است: «السلام علیک یا اول قتیل من نسل خیر سلیل...» و مضمون آن سلام و درود به سید الشهداء علیه السلام و سایر شهدای کربلاست و نام یکایک آنان یا نحوه جهاد و شهادتشان بیان شده است. شبیه این، زیارت رجبیه است که در آن نیز نام شهدا برده شده است.^۲

اقا «زیارت ناحیه مقدسه» ای که معروف و متداول است و روز عاشورا خوانده می شود و

۱. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۰۹.

۲. همان، ص ۳۴۰.

شیخ مفید آن را از مصباح کفعمی نقل کرده، بدون آن که بگوید از ناحیه امام زمان است، آغازش چنین است: «السلام علی آدم صفوة الله...»^۱ علامه مجلسی، روایتی مشابه این را از «مزار کبیر» نقل می‌کند که مؤلفش گفته از ناحیه برای یکی از ابواب و وکلای حضرت صادر شده است.^۲

در این زیارت ناحیه، سلامی است بر پیامبران گذشته، بر پیامبر خدا ﷺ و یکایک امامان شیعه، و سلامی است بر شهدای کربلا و سالار شهیدان، با بیانی خاص و سوزناک و در واقع، مرثیه‌ای جانگداز است که از مصیبت‌های اهل بیت و زخم‌های پیکر امام حسین ﷺ و چهره خون‌آلود و سربریده او و غارت خیمه‌ها و لباس‌ها و آتش زدن خیام می‌گوید و فهرستی مفصل از ظلم‌هایی است که در حق خاندان رسول ﷺ انجام گرفته و اظهار می‌دارد که اگر روزگار، او را به تأخیر انداخته و نبوده تا یاری‌اش کند، صبح و شام بر آن شهید ندبه می‌کند و می‌گرید و به جای اشک، خون گریه می‌کند و اشاراتی دارد به بدعت‌ها و تحریف‌هایی که توسط مخالفان در دین الهی و سنت نبوی صورت گرفته است «لَأَنْدُبَنَّكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً أَوْلَئِكَ لَكَ بَدَلُ الْمَوْتِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ وَتَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ...».^۳ روضه‌ای است باز و مکشوف، با ذکر جزئیات آن چه در آن روز سرخ در کربلا اتفاق افتاده است. البته میان محققین درباره این که تمام این زیارت، یا بخشی از آن از ناحیه امام زمان است، یا نه، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و درباره انتساب آن به امام زمان نیز برخی تأمل و نظر دارند.

شب‌های جمعه زائرشش گوشه می‌شوی	با یاد کربلای خودت گریه می‌کنی
با خواندن زیارت ناحیه تا سحر	با سوز و روضه‌های خودت گریه می‌کنی

← زیارت آل یاسین، پیوند حسین و مهدویت، منتقم.

۱. همان، ص ۳۱۷.

۲. همان، ص ۳۲۸، به نقل از المزار الکبیر، ابن مهدی، ص ۱۶۵ تا ۱۷۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۲۸.

س . ش

ساختن و ویران کردن

در هر نهضتی و قیامی، اموری ویران و نابود می‌شود و چیزهایی ساخته و بنیان می‌گردد، مثل نهضت اسلام و انقلاب حضرت محمد ﷺ. در حکومت جهانی امام زمان ﷺ نیز این ساختن و ویران کردن وجود دارد. از جمله بنیان‌هایی که می‌نهد و سازندگی‌های قیامش بر اساس روایات، این‌هاست: آباد ساختن زمین، زنده کردن بندگان، احیای حق و عدل، پناه بودن برای مظلومان و یاور برای بی‌پناهان، تجدید حیات احکام تعطیل شده قرآن، استوارسازی معالم و مظاهر دین، زنده کردن سنت‌های نبوی، آکندن زمین از قسط و عدل: «أَيْنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ»^۱.

آن چه راهم که برهم می‌زند و ویران می‌کند بسیار است، از جمله: از هم پاشاندن باطل، درهم کوبیدن جباران کافر، کشتن کافران و منافقان و ملحدان، زدودن بدعت‌ها، درهم کوبیدن دشمنان و سرکردگان گمراهی و بدعت و هواداران باطل، ذلیل ساختن گردن‌کشان، پاک کردن زمین از لوث وجود ملحدان و باطل پرستان: «أَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمُدَهُ وَدَعَائِمَهُ وَأَقْصِمْ بِهِ رُءُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ...»^۲. کنگره‌های مساجدی را که بر خانه‌ها و گذرگاه‌های مردم اشراف دارد خراب می‌کند و در یک کلمه تحوّل اساسی در جامعه بشری پدید می‌آورد و سنت‌های غلط رایج را می‌زداید. روایات در این زمینه‌ها زیاد است، تنها به این بسنده کنیم که امام باقر علیّه السلام فرمود: «يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

۱. دعای ندبه.

۲. مفاتیح الجنان، دعا برای امام زمان ﷺ، ص ۵۴۱.

وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً^۱ آن چه را پیش از خودش بوده (بدعت ها و قوانین و افکار غلط) ویران می کند، همچنان که رسول خدا ﷺ چنان کرد و اسلام را دوباره و نواز سر می گیرد. «تا پیریشان نشود کار، به سامان نرسد!»

← احیاءگری، کارکردهای انقلاب مهدوی.

ساعت ← روز ظهور، ظهور

سامرا



سامرا (سرمن رأی) یکی از شهرهای عراق و محل تولد و زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران پدر بزرگوارش است. امام هادی و امام عسکری علیه السلام نیز با دسیسه خلفای عباسی به اقامت اجباری در این شهر محکوم بودند. مرکز خلافت عباسی که بغداد بود، از سال

۲۲۱ هجری به سامرا منتقل شد^۲ و به مدت ۵۹ سال (تا سال ۲۹۷) ادامه یافت. در این مدت، خلفای عباسی عبارت بودند از: معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهتدی، معتمد و معتضد. از زمان متوکل عباسی و به دستور او امام هادی علیه السلام به این شهر جلب شد، تا هم بر آن حضرت و فعالیت ها و ارتباطاتش تسلط و اشراف داشته باشند، هم میان او و شیعیان جدایی اندازند و امام را از پایگاه مردمی اش دور سازند. به سامرا چون شهری نظامی بود، عسکرو معسکر هم گفته می شد و به همین سبب امام یازدهم به «عسکری» لقب یافت. منزل امام هادی و امام عسکری و زادگاه امام زمان در همین شهر بود.

در مدت یاد شده، ارتباط حدّ اقلی میان امامان و شیعیان برقرار بود و از طرف خلفا به شیعیان فشار وارد می شد و آنان از پست ها و موقعیت های اجتماعی اخراج می شدند و دچار

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۲، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۲. برای اطلاع بیشتر از تاریخچه سامرا، رک: «موسوعة العتبات المقدسه»، ج ۱۲ سامرا، جعفر الخلیلی، «سیمای سامرا»، محمد صحتی سردرودی.

مضيقه های مالی می گشتند. امام دهم و یازدهم پس از وفات، در همین شهر و در خانه خود دفن شدند. حرم این دو امام که در این شهر است و زیارتگاه شیعیان است، قبر حکیمه خاتون و نرجس خاتون (عمه امام عسکری و مادر امام زمان) را هم در بر دارد. سرداب مقدس هم کنار حرم عسکریین علیهما السلام است و غیبت امام عصر نیز از همین سرداب که محل عبادت امامان بود آغاز شد. سامرا در شمال بغداد قرار دارد و فاصله آن تا بغداد حدود ۱۲۰ کیلومتر است.^۱

سرداب مقدس، اماکن منسوب به امام زمان علیه السلام.

سپاه رعب

یکی از عوامل پیروزی در جنگ ها، افتادن ترس در دل دشمن است که روحیه خود را از دست می دهند و شکست می خورند. امروز هم در جنگ ها استفاده از تاکتیک های روانی و جنگ تبلیغاتی و رسانه ای و ایجاد فضای رعب و وحشت در دل دشمن، نقش مؤثری دارد. در قرآن نیز سخن از رعبی است که در دل کفار افتاد: «وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا»^۲ خدا در دل آنان رعب و هراس افکند، تا عده ای را بکشید و گروهی را به اسارت در آورید. همچنان که پیامبر خدا در نبرد با کفار، از امداد غیبی «رعب» بهره مند بود، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم طبق روایات از این مزیت برخوردار است و به فرموده امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ...»^۳ در انقلاب اسلامی ایران، رعبی در دل طاغوت و طرفدارانش افتاد که نابود شدند. در جنگ تحمیلی وحشتی که صدامیان از نیروهای بسیجی و رزمندگان داشتند، به تزلزلشان می افکند. در عصر ظهور هم، علاوه بر جهاد یاران امام و افزون بر نصرت و حمایت فرشتگان و جبرئیل و میکائیل از نهضت مهدوی، سپاه رعب هم دل های دشمنان را تهی می کند و پی در پی عقب نشینی می کنند: «الرُّعْبُ يَسِيرُ مَسِيرَةَ شَهْرٍ

۱. برای اطلاع بیشتر از تاریخچه سامرا، رک: «موسوعة العتبات المقدسه»، ج ۱۲، سامرا، جعفر الخلیلی، «سیمای سامرا»، محمد صحتی سردرودی.

۲. احزاب، آیه ۲۶. نیز در آیات ۱۵۱ آل عمران، ۱۲ انفال، ۲ حشر هم از سپاه رعب یاد شده است.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

أَمَامَهُ وَخَلْفَهُ...»^۱ رعب، به اندازه مسافت یک ماه پیشاپیش و سمت راست و چپ او همراه فرشتگان مقرب الهی حرکت خواهد کرد. در حدیثی از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که خروج او با شمشیر (سلاح) است، دشمنان خدا و رسول خدا را می کشد و جباران و طاغوت ها را از بین می برد و با شمشیر و رعب (وسیله نظامی و روانی) پیروز می شود و پرچمی از او باز نمی گردد و مغلوب نمی شود «أَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَبِالرُّعْبِ»^۲.

← بعد غیبی مهدی موعود، چگونگی غلبه بر جهان.

سپاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سپاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیر از آن ۳۱۳ نفر که اصحاب خاص و فرماندهان اصلی اند و ویژگی ها و کارآمدی های بالایی دارند، هزاران نفر را شامل می شود که در عصر غیبت، خود را آماده می کنند و در عصر ظهور به آن حضرت می پیوندند و دریاری او و امتثال و اجرای فرمان ها و حضور در صحنه های جهاد و مبارزه با ظالمان شرکت می کنند. در بعضی روایات، سخن از حلقه ده هزار نفری است،^۳ یا از همراهی جبرئیل و میکائیل سخن می گوید، یا اصحاب او را ۳۱۳ نفر معرفی می کند که در آغاز کار با او بیعت می کنند. سپاه انبوه جان برکف او در معرکه هایی که تا رسیدن به پیروزی نهایی در خدمت آن حضرت اند، فداکارانه و مطیع و با بصیرت و نصرت اند و ایمان و تقوا و شجاعتشان بالاست.

پدر که تیغ به کف رفت، مژده داد که من به روی اسب سفیدی سوار خواهم مرد

تمام زندگی من در این امید گذشت که در رکاب تو با افتخار خواهم مرد^۴

← سیصد و سیزده، یاران امام زمان، سپاه رعب، اصحاب و انصار، زنان مهدی یاور

سرداب مقدس

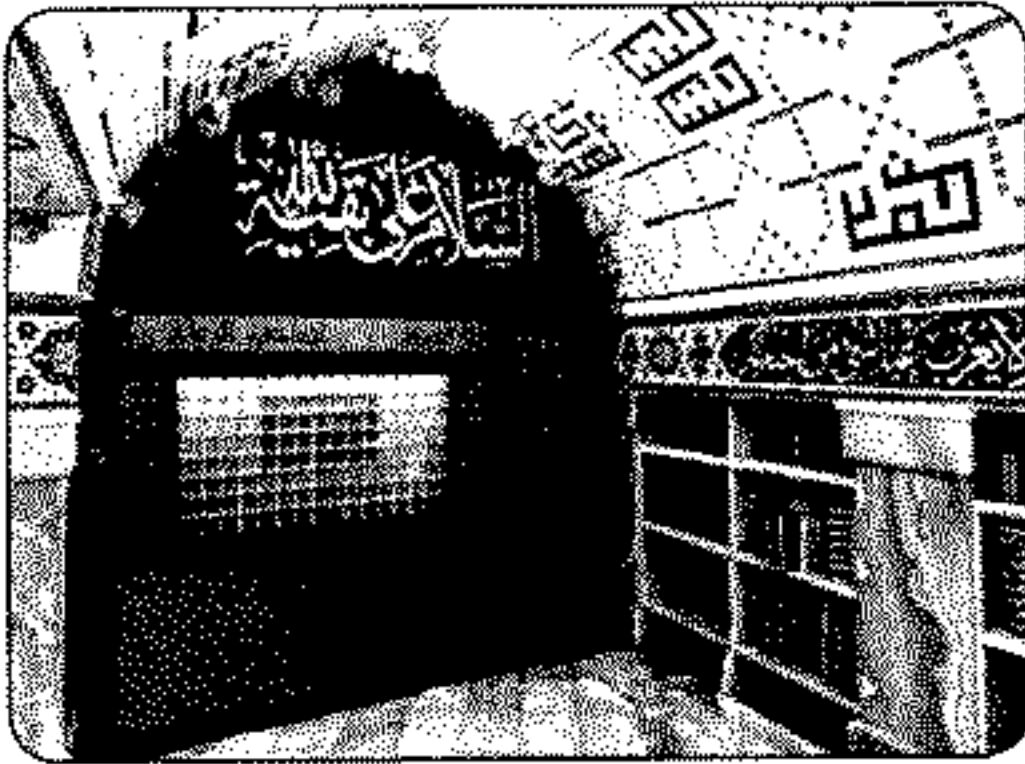
یکی از مکان های منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سرداب نزدیک حرم شریف سامرا است.

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۴، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۲. کمال الدین، ص ۳۲۷، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۴. محسن حسن زاده لیل کوهی.



برخلاف تصوّر یا القای نادرست بعضی، آن
جا محلّ اختفای زندگی آن حضرت نیست،
بلکه طبق معمول خانه‌های عراق که اغلب
زیرزمین و سرداب داشته که در گرمای شدید،
در آن جا به سرمی بردند، خانه امام هادی
و امام عسکری علیه السلام هم در سامرا چنین

سردابی داشته که محلّ زندگی و عبادت این دو امام و حضرت مهدی علیه السلام بوده است و
قداست آن از این جهت است. علامه امینی هم مخفی شدن امام در سرداب را از افتراءات
بر شیعه می داند و سرداب را در خانه‌های سامرا امری طبیعی می شمارد و مقدس بودن آن را
به آن جهت می داند که محلّ زندگی سه امام بوده است.^۱ به نقلی، وقتی سپاهیان خلیفه
برای دستگیری فرزند امام عسکری علیه السلام وارد خانه شدند و به تفتیش پرداختند، صدای
قرائت قرآن از سرداب خانه شنیدند و جلوی در سرداب جمع شدند، امام مهدی علیه السلام از
مقابل چشمان آنان عبور کرد و رفت، سپاهیان دیدند، ولی فرماندهشان ندید. از آن به بعد
آن حضرت دیگر دیده نشد.^۲ شاید همین قضیه سبب شده که به شیعه نسبت دهند امام
زمانشان در سردابی مخفی شده است و دروغ‌هایی بافته‌اند.

نقل دیگری که علامه مجلسی آورده چنین است: معتضد عباسی سه نفر را مأمور می کند
که پنهانی به خانه آن حضرت بروند و هر که را دیدند او را کشته و سرش را بیاورند. آن سه در
سامرا به آن خانه می روند و به تفتیش می پردازند و به یک اتاق پنهانی می رسند که پرده‌ای زیبا
بر در آن آویخته بود. پرده را کنار می زنند، اتاق بزرگی می بینند که گویا دریایی از آب است و در
انتهای آن حصیری روی آب است و کسی روی آن ایستاده و هیئتی آراسته دارد و روی حصیر
به نماز ایستاده است و به آنان توجهی نمی کند. دو نفر از مأموران وارد آب می شوند و نزدیک

۱. الغدير، ج ۳، ص ۳۰۸.

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۹۰.

است که غرق شوند و به کمک همراهان بیرون آورده می شوند و مبهوت کناری می ایستند. از صاحب خانه عذرخواهی می کنند و بیرون می روند و نزد خلیفه رفته گزارش می دهند. خلیفه هم از آنان تعهد می گیرد که این خبر را به کسی نقل نکنند.^۱

به هر حال، این سرداب مقدّس که چند بار بازسازی شده است، هم اکنون در سمت غرب صحن عسکرتین علیه السلام در سامرا قرار دارد و شیعیان هنگام زیارت بارگاه این دو امام، به آن جا نیز می روند و نماز و دعا می خوانند و تبرک می جویند^۲ و در آن محلّ که روزی محلّ زندگی و عبادت امام عصر علیه السلام بوده، او را یاد می کنند. هر چند حدیثی برای زیارت آن مکان وارد نشده است.^۳ محدّث قمی در مفاتیح، آداب و نماز و دعای در این مکان را از قول شهید در کتاب مزار نقل کرده است.

«سامرا، اماکن منسوب به امام زمان علیه السلام»

سردابیه

نام گروهی از غلات شیعه دوازده امامی که منتظر خروج امام زمان علیه السلام از سردابی در شهری بودند و هر بامداد جمعه پس از نماز، اسبی لگام کرده بدانجا می بردند و سه بار می گفتند: یا امام، بسم الله.^۴

«انتظار، انتظار و امید، انتظار فرج»

سرّمن رأی ← سامرا

سفرای اربعه ← توّاب اربعه

سفارت ← توّاب اربعه

سفیانی

یکی از علائم حتمی قبل از ظهور که در روایات بسیاری آمده «خروج سفیانی» است.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۵۱.

۲. در مفاتیح الجنان، آداب و اعمال این سرداب مطهر آمده است، در بخش زیارت سامرا و امام عصر علیه السلام.

۳. المهدی، صدرالدین صدر، ص ۱۶۶.

۴. لغت نامه دهخدا.

سفیانی مردی پلید و خونریز و بی رحم است که با امام زمان مخالف است و در آستانه قیام امام، به فتنه و کشتار و لشگرکشی می پردازد. او را از نسل ابوسفیان دانسته اند و به همین جهت عنوان او سفیانی است و نام اصلی او در برخی نقل ها «عثمان بن عنبسه» آمده است. مردی بدقیافه و هول انگیز که وقتی از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با خبر می شود با سپاهی عظیم به جنگ او می رود، بخش هایی از سرزمین عراق مثل کوفه و بصره را تصرف می کند و در مناطق مختلف آشوب به پا می سازد و جمعی کشته می شوند. در منطقه عراق به شام، سپس به طرف حجاز می رود تا در ادامه آشوب های ۹ ماهه یا یک ساله اش با سپاه مهدی نبرد کند. در نهایت، در منطقه «بیداء» بین مکه و مدینه با سپاه امام روبرو می شود و به قدرت الهی او و لشکریانش در زمین فرو می روند و نابود می شوند.

به فرموده امام صادق علیه السلام، پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج علامت حتمی وجود دارد: یمانی، سفیانی، صبیحه، قتل نفس زکیه و خسف. نیز فرمود: «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأُمُورِ الْخُتُومِ وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ»^۱، مسأله سفیانی از امور حتمی است و خروج او در ماه رجب خواهد بود. در این که «سفیانی» آیا شخص است یا جریان، دودیدگاه است. اگر شخص باشد، به عنوان سردمدار شرک و طغیان و بی عدالتی است، و اگر جریان باشد، جریانی است که با دعوت و حرکت اصلاحی و عدالتخواهانه مخالف است و در مناطق مختلف جهان اسلام دست به توطئه و حرکت های ضد دینی و کشتار و فتنه انگیزی می زند و در مقابل موج اسلام و عدالتخواهی در جهان می ایستد و جلوی موج ظهور و فرج می ایستد و در نهایت با شکست مواجه می گردد. شکست حرکت سفیانی یکی از دلایل و شواهد تأیید حرکت الهی امام زمان از سوی خداوند و امداد غیبی است.^۲ سفیانی در تداوم خط ابوسفیان و امویان است. در حدیثی امام صادق علیه السلام آل ابی سفیان و آل محمد را دو خط و جریان می داند که تقابل این دودودمان، بر سر «خدا» است و این که اهل بیت می گویند خدا راست گفته و آنان خدا را

۱. کمال الدین، ص ۶۵۰.

۲. درباره سفیانی و تحركات او رک: عصر ظهور، علی الکورانی.

دروغ می‌پندارند. در ادامه می‌فرماید: ابوسفیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگید، معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام جنگ کرد، یزید با حسین بن علی علیه السلام مبارزه کرد، سفیانی هم با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌جنگد!

— علائم ظهور، اشراط الساعة، هرج و مرج.

سلاح امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ← قیام به سیف

سلام بر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در دعاها و زیارت‌ها، فراوان به زبان عربی بر آن حضرت سلام داده شده است و در آن سلام‌ها، به فضایل، مناقب، اوصاف، ویژگی‌ها، عملکرد، ظهور، عدالت و مطالب دیگر اشاره شده است. مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چگونه به او سلام دهیم؟ فرمود: می‌گویی: «السلام عليك يا بقیة الله»^۱، سلامی هم به زبان خودمان و به شیوه‌ای ادبی می‌آوریم، تا دل نوشته و زبان حال امت مشتاق و منتظر و دوستدار و امیدوار باشد:

سلام بر مهدی!

سلام به فجر موعود، هادی امم، مهدی منتظر،

سلامی به سرسبزی انتظار و به طراوت بهار،

سلام بر تو و هنگام و هنگامه ظهورت که وعده نصرت مؤمنان است،

سلام به زلالی عشق و شکوه محبت،

سلام بر تو، ای بهار دل‌ها، ای امید آفرین قرن‌ها خزان، ای احیاگر شریعت و قرآن،

سلام بر تو، ای تکسوار عصر ظهور، ای امام عدالت و نور.

سلام بر تو، که گل‌ها و غنچه‌ها به شوق تومی رویند و می‌شکفند،

سلام بر تو، که بهار را می‌رویانی و غم‌ها را می‌زدایی،

سلام بر تو، ای گل نرگس، ای پناه شیعه در این عصر بی‌پناهی،

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰، حدیث ۱۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۲.

ای همنام پیامبر، که مسیحای این امتی و قرار دل‌های بی‌قراری،	آ
سلام بر خورشید جمالت، ای آفتاب حسن، ای مهدی،	ا
سلام بر تو که وارث رسولان، یادگار امامان و پیشوای زمین و زمانی،	ب
سلام بر تو، که در صورت و سیرت، چونان پیامبر، و در خلق و خُلق، همتای رسولی،	پ
سلام بر تو، که امام حکمت و هدایی، در دل مایی هر چند از جمع ما جدایی،	ت
ما چشم انتظاران سپیده‌امید، دیده به دروازه سحر دوخته‌ایم،	ث
از جمعه تا جمعه، چشم به راه خورشید در پس ابریم،	ج
از آدینه تا آدینه، لحظه‌ها را می‌شماریم،	چ
ای مهدی عزیز، ای چشمه کرامت غیب،	ح
خونین کفن‌ان شهید ما، جان در مقدم تو فدا کردند،	خ
و به شوق دیدارت، خاک نشین سنگرها و خاکریزها شدند تا زمینه ساز ظهور گردند،	د
سلام بر تو، ای رایتِ اسلام در دست، زبور داود در بر، مشعل هدایت در پیش،	ذ
عصای موسی در کف، هیبت سلیمان در قامت،	ر
سلام بر تو، بر آن روزی که می‌آیی و «یوم الله» عظیمی رخ می‌دهد،	ز
روزی که آفتاب جمالت از افق انتظار برآید،	ژ
آن روز، دیدنی است، آن روز، آوای گرم جبهه ایمان شنیدنی است	س
سلام بر تو، ای عزیز دل‌ها، ای فروغ جان‌ها، ای امید زمان‌ها، ای مهدی!	ش
سلام بر تو، که تجلّی وعده‌های خدا به همه پیامبران و نوید نجات همه مستضعفانی	ص
ای تجسّم نماز و قرآن، ای صاحب زمین و زمان،	ض
کدام حضور، چون غیبت تو، زمان و تاریخ را آکنده است؟	ط
حاضرترین حاضران به گرد پای «حضور غایبانه» ات نمی‌رسد	ظ
ای معنای حضور در غیبت، ای مفهوم غیبت حاضر، ای مجمع غیت و شهود	ع
سلام بر تو ای عدالت موعود!	غ
	ف
	ق
	ک
	گ
	ل
	م
	ن
	و
	ه
	ی

سلام بر تو که برکت خدا در زمینی
اهل قبله به نامت تکیه می‌کنند و در سایه انتظارت به سر می‌برند
سلام بر تو، که جمعه‌هایمان روز تجدید بیعت با توست،
تو معنای قبله و نمازی، روح کعبه و مروه و صفایی، ای وعده سربه مهر پروردگار
ای بهانه زندگی، ای مرد برگزیده اعصار، ای چشمه شوق و انتظار
سلام، ای بوستان معطر رسالت، ای حجت خدا، ای زاده زهرا، ای اذان صبح ظهور
سلام بر تو، ای مهدی، ای تکرار محمد، ای دوباره حیدر، ای منتقم خون ثار الله،
ای حجت بالغه الهی، ای شمشیر برنده خدا، ای صفحه پایان دفتر حسن.
سلام بر تو، ای حیات دل‌های خزان زده،
ای بهاری ترین نام، ای شاهد رحمت و شمیم هدایت،
سلام بر تو، ای نوید روشن تاریخ، ای عصا هستی، ای واسطه فیض الهی،
جمعه‌ها و جماعت‌هایمان به یاد تو عطر آگین و شیرین است
صف‌های نمازمان به اشارت تو، موزون،
سلام بر تو، ای گل زهرا، ای امتداد وجود پیامبر و علی، ای تکرار حسین!
تو میراث دارد دعوت انبیایی، خورشید عاشقانی، پشت و پناه شیعیانی،
صلات و مصلائی ما، نماز و نیاز ما، قیام و قنوت ما آکنده از یاد توست،
ای مظهر میثاق خدا با انسان، ای وعده حق برای اصلاح آخر الزمان،
ای مژده عرش برای به منزل رساندن کاروان،
سلام بر تو، که زیر سایه نامت، جهان به سکون و قرار می‌رسد،
وقتی بیایی، کوثر فیض الهی و طراوت بهار می‌رسد،
سلام بر تو، که کام جانمان از شهد نامت و عطریادت شیرین است.
ای روح جاری همه عصرها و دوران‌ها
ای معنای سلام، ای مفهوم قیام، ای ذخیره خدا برای روزگار قحطی انسان!

ای کاش فصل انتظار به سرآید و خورشید جمالت از مشرق انتظار برآید.
سلام، ای یوسف مدینه ایمان، ای بشارت آزادی، ای طلوعه صبح روشن عدالت
سلام بر تو ای عزیز دوران ها.
صلابت مشتهایمان به اتکای «فلسفه انتظار» است
در دنیای پراز فرعون و نمرو، به یاد تو استوار و سربلند ایستاده ایم.
خوشا روزی که ذوالفقار علوی در دستان مهدوی از نیام انتقام برآید،
وداد مظلومان از جباران و مستکبران بستانند
خوشا آن طلوع، که پایان شب انتظار است.
سلام بر تو که عطریادت چون نسیم بهاری احیاگر جانهاست
سلام بر تو، که سوره یقین و آیه ایمانی و سبب پیوند زمین و آسمانی
سلام بر تو، ای آفتاب پرده نشین که نقاب غیبت بر چهره داری.
سلام بر تو، ای رنگین کمان عصمت و هدایت
ای کهکشانشان آرزوهای بی نهایت!

سما و صاف و القاب، بقیه الله، زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

سودانی



مهدی سودانی یکی از مدعیان دروغین
مهدویت بود. وی در سال ۱۸۴۸ میلادی در
سودان به دنیا آمد، در خارطوم به تحصیل دانش
پرداخت و مدتی هم به ریاضت مشغول شد.
اهل سودان را به فتح جهان و نشر عدالت مژده
می داد و از مردی که جهان را از عدالت پر خواهد

کرد سخن می گفت. در چهل سالگی به تدریج خود را «مهدی موعود» نامید و پیروانی یافت و
در سال ۱۳۰۰ ق افرادی را نزد شیوخ قبایل فرستاد تا به او پیوندند. حاکم سودان با او جنگید،

ولی او بر همه سودان تسلط یافت. سرانجام در ۱۸۸۵ میلادی درگذشت.^۱
— مدعیان مهدویت، آسیب شناسی مهدویت، متمدنی.

سیاست کلی دولت مهدوی

خط مشی کلی حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه در امتداد سیره نبوی و علوی و براساس اجرای احکام خدا و قوانین قرآن است، چون او احیاگر احکام تعطیل شده اسلام و ادامه دهنده سیره و سنت نبوی است. علاوه بر سیره شخصی که بر همان منوال پارسایی و ساده زیستی و حق مداری است، در سیره اجتماعی و حکومتی هم، لازمه احیای قسط و عدل در سطح جهان، تحوّل همه جانبه در تمام شئون حکومت و مدیریت و تلاش شبانه روزی در مسیر اهداف متعالی است. اگر سیاست کلی دولت مهدوی ترسیم شود، براساس روایات فراوان، حاصل آن چنین خواهد بود:^۲

۱. خطوط کلی و سرنوشت ساز:

— ظلم ستیزی و عدالت محوری «يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ»^۳. این خط اساسی در صدها حدیث مهدوی بیان شده و سرنوشت سازترین سیاست حکومتی آن حضرت است.

۲. سیاست های فرهنگی:

- توسعه و تعمیق معرفت و بصیرت
- آشناسازی کامل با معارف قرآن
- توسعه مساجد و مراکز فرهنگی
- مبارزه قاطع با فساد و انحراف و گمراهی
- تعمیق و کمال بخشی به ایمان و عقاید
- زنده کردن معنوی زمین در سایه عدالت و دین باوری
- فراگیر شدن حکومت اسلامی در جهان و وحدت ادیان

۱. مدعیان مهدویت، ص ۸۰ (با تلخیص).

۲. برگرفته و تلخیص شده و با تغییرات اندک، از «دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه»، ج ۹، ص ۴۲۲ تا.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

۳. سیاست‌های اجتماعی

- تقویت روابط اجتماعی و اخوت دینی بین افراد در سایه حکومت جهانی اسلام
- تأمین امنیت فراگیر در سطح جهان و مقابله با عوامل ناامنی و تهدیدآمیز
- بهداشت و درمان و تأمین سلامت برای همگان
- جلب رضایت جهانیان و مردمی سازی حکومت و اجرای مقررات و افزایش توانمندی‌های ارتباطی و روحی و جسمی

۴. سیاست‌های اقتصادی

- فقرزدایی و رفاه عمومی، چه با عدالت گستری، چه با تدبیر و فن‌آوری
- استرداد اموال عمومی و ثروت‌های نامشروع و حفاظت از بیت المال و حقوق مردم
- به کارگیری اندوخته‌های ثروتمندان و چرخش صحیح مال
- استخراج منابع زیرزمینی و معادن (تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا...)
- توزیع عادلانه ثروت ملی و عدالت اقتصادی (يُقَسِّمُ بَيْنَهُمِ بِالسَّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي الرِّعَايَةِ)
- تحریم سود گرفتن مؤمن از مؤمن و انجام معاملات براساس خدمت رسانی
- عمران و آبادی زمین از نظر کشاورزی، عمران، تولید، محیط زیست و فضای معنوی

۵. سیاست‌های نظامی

- بهره‌گیری از نیروهای جوان و توانمند (إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ...)
- نقش زنان در قیام مهدوی (شماری از یاران خاص او - پنجاه نفر - زن هستند)
- ساز و برگ نظامی در قیام مهدوی، قدرت نظامی در کنار نصرت و یثرة الهی
- قاطعیت در برخورد با مستکبران، مدعیان دروغین تشیع، فتنه‌گران ضد عدل، با رعایت ارزشهای اخلاقی

۶. سیاست‌های قضایی

- نو سازی سازمان قضایی (يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ)^۱

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

- داوری و قضاوت بر پایه علم، نه صرفاً بینه و قسم (قضاوت داودی و سلیمانی)
 - فراهم کردن امکانات دادرسی دقیق و سریع و منشور جامع و واضح برای قضاوت
 - برکناری قضات ناشایست
 - انتخاب قاضیان شایسته و دادگرو مکتبی
 - ریشه کن کردن رشوه خواری
 - به کارگیری زنان در امر قضاوت، با ارتقاء دانش دینی و قضایی (إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ)^۱
 - داوری ویژه برای پیروان ادیان (يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ ...) ^۲
- ← سیره مهدوی، حکومت واحد جهانی، حکومت صالحان، کارکردهای انقلاب مهدوی.

سید حسنی

در روایات علائم ظهور، سخن از «خروج سید حسنی» به میان آمده که پس از بروز اختلاف فرزندان عباس و سست شدن قدرت و حکومت آنان و ظهور شامی و یمانی، حسنی به حرکت در می آید و صاحب الأمر هم از مدینه به مکه می آید.^۳ و چون از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه می شود به سمت مکه می رود و اهل مکه او را می کشند و پس از آن مردم با امام زمان بیعت می کنند. این مضمون در احادیث با تفاوت هایی نقل شده است، ولی محققان آن را از علائم حتمی و مورد وثوق نشمرده اند. در حدیث مفصل امام صادق علیه السلام به مفصل که حوادث هنگام ظهور و قبل از آن را بر می شمارد، از جمله می فرماید: «سپس حسنی خروج می کند، جوانی خوش سیما از منطقه دیلم که با صدایی رسا آل احمد را ندا می دهد و کسانی به او می پیوندند و با ستمگران می جنگند تا این که به کوفه می رسد و آن جا را پناهگاه خود می سازد...»^۴ نهایت کار او به شهادت می رسد و طبق روایات، سر او را نزد شامی می فرستند.

۱. همان، ص ۳۵۲.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۲۹، علل الشرایع، ص ۱۶۱.

۳. دانشنامه امام مهدی علیه السلام، ج ۷، ص ۴۴۰، به نقل از روضة الکافی، ص ۲۲۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵.

پس از آن است که صاحب الأمر خروج می‌کند.

سه علائم ظهور، قیام قبل از ظهور.

سید خراسانی

در روایات عصر ظهور و از علائم پیش از ظهور، خروج و حرکت انقلابی «سید خراسانی» آمده که شعیب بن صالح هم فرمانده نظامی اوست و جنگ‌هایی در منطقه ایران، ترکیه و عراق می‌کنند و به سمت شام و فلسطین و قدس حرکت می‌کنند.^۱ همچنین در روایات، سخن از پرچم‌های سیاه (رایات سود) است که از خراسان به سمت عراق حرکت می‌کنند و با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت کرده و در حرکت جهانی او مشارکت می‌کنند. البته خراسان، شامل منطقه وسیعی می‌شود که خراسان امروز، بخشی از آن است. در این که حرکت خراسانی، اشاره به یک موج انقلابی است، یا نام شخص است، اختلاف نظر است، همچنان که درباره شعیب بن صالح هم چنین است. در روایتی از قول رسول خدا صلى الله عليه وآله آمده است: هرگاه دیدید رایات سود (پرچم‌های سیاه) از سوی خراسان آمدند، خود را به آن پرچم‌ها برسانید، اگر چه خویشتن را به روی برف بکشید، زیرا که مهدی خلیفه الله در میان آنان است. پرچم‌هایی از سوی خراسان می‌آیند. مردمی که با آن پرچم‌ها حرکت می‌کنند دل‌هایی دارند چون پاره‌های پولاد... آنان راهبان شب‌اند و شیران روز...^۲ در روایتی هم از امام صادق عليه السلام آمده است که خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز است و پرچم‌های یمنی‌ها هدایت یافته‌ترین پرچم‌هاست.^۳

در منابع حدیثی، معمولاً عبارات رایات سود و رایات خراسان به سید خراسانی تعبیر می‌شود و ویژگی افراد زیر این پرچم غلبه و پیروزی است. در حدیث نبوی آمده است: «تَخْرُجُ

۱. عصر الظهور، علی الکورانی، ص ۱۸۰.

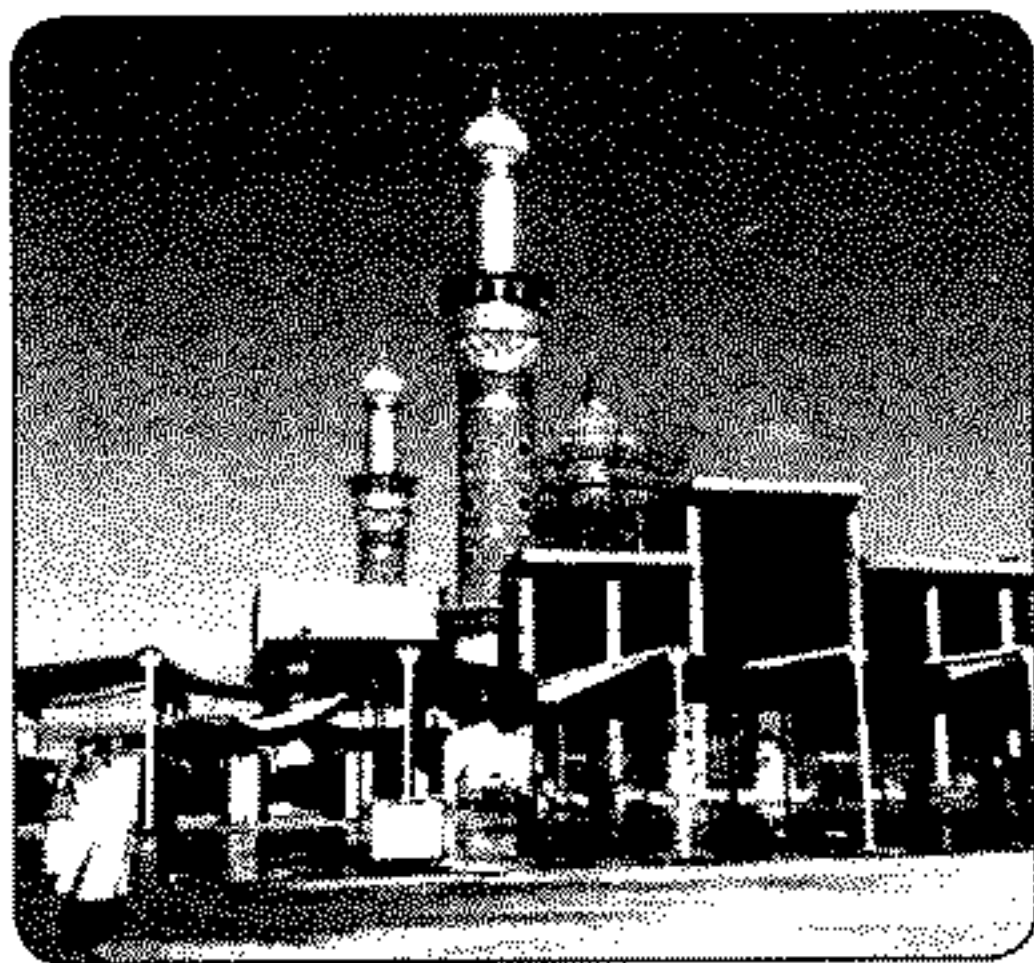
۲. خورشید مغرب، ص ۴۱۲ (به نقل از البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، علاء الدین متقی)، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۲ و ۸۳ و ۸۴.

۳. تاریخ الغیبة الکبری، ص ۶۳۲ به نقل از غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۷، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

روایات من خراسان سود، فلا یزدها شیء حتی تُنصب فی ایلیم»^۱ پرچم های سیاهی از خراسان خروج می کند که هیچ چیز نمی تواند آن ها را برگرداند و شکست دهد، تا آن که در «ایلیا» نصب شود. این حدیث، ضمن مجموعه روایاتی است که از قیام مردانی استوار از مشرق و پیکار و پیروزی نهایی آنان و سپردن پرچم پیروزی به مردی از اهل بیت، همانم پیامبر ﷺ سخن می گوید که جهان را پراز عدالت می کند. در اینگونه روایات، منظور از قومی از مشرق، یا از خراسان، ایرانیانند.

زمینه سازان ظهور، علائم ظهور، قیام قبل از ظهور

سید محمد



سید محمد ابو جعفر، پسر بزرگ امام هادی و برادر امام عسکری علیه السلام است که عموی امام زمان محسوب می شود. بسیار مورد علاقه امام حسن عسکری علیه السلام بود، به حدی که آن حضرت در فوت سید محمد، گریبان چاک کرد. تولدش در سال ۲۲۸ و وفاتش در ۲۵۲

فرهنگ
انتظار

بود. وی نزد مردم عراق نیز بسیار مورد توجه است و برای او نذر ها می کنند و به زیارت می روند و حاجت می گیرند. مرقده وی در جنوب سامرا است و تا بغداد و کاظمین ۸۰ کیلومتر فاصله دارد.^۲ او فرزند بزرگ امام هادی بود و شیعه تصور می کرد که او امام بعدی است، اما پیش از فوت پدر از دنیا رفت. برخی هم گفته اند درباره امامت او «بداء» حاصل شده است. امام هادی علیه السلام در پاسخ نامه یکی از شیعیان که پس از فوت ابو جعفر محمد دچار اضطراب و نگرانی شده بود و از امام، کسب تکلیف کرد، مرقوم فرمود که امام شما پس از من پسر امیر ابو محمد (امام عسکری) است.^۳

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳.

۲. حیاة الامام العسکری، باقر شریف القرشی، ص ۲۴.

۳. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۸۹.

محدث قمی از کتاب «نجم الثاقب» چنین نقل کرده است: «مزار سید محمد مذکور در ۸ فرسنگی سامره نزدیک قریه بلد است و از اجلاء سادات و صاحب کرامات متواتره است، حتی نزد اهل سنت و اعراب بادیه که به غایت از او احترام می کنند و از جنابش می ترسند...»^۱

— بدء در زمان ظهور

سیره مهدوی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، حجت خدا و اسوه حق و الگوی کمال است. آشنایی با سیره آن حضرت، به منتظران ظهورش کمک می کند که به خلق و خوی مهدوی آراسته باشند. نمونه هایی که از سیره رفتاری او در روایات آمده است، از این قرار است:

۱. امام صادق علیه السلام: هرگاه قائم ماقیام کند، همچون علی علیه السلام لباس می پوشد و به شیوه و روش او عمل می کند.^۲ جامه او جز خشن و خوراک او جز غذای سخت و ساده نیست.^۳
۲. امام باقر علیه السلام: سنت و شباهتی که او از جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله دارد این است که شمشیر از نیام برمی کشد و دشمنان خدا و دشمنان پیامبر و جباران و طاغوت ها را می کشد و به وسیله سلاح و رعب، پیروز و یاری می شود.^۴
۳. امام صادق علیه السلام: مردم امام خود را (در عصر غیبت) از دست می دهند، پس آن حضرت در موسم حج حضور می یابد، او مردم را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند.^۵
۴. همراه مهدی پرچم پیروز رسول خدا صلی الله علیه و آله است و بر آن نوشته شده است: «البيعة لله»، نیز بر پرچم او نوشته است: بشنوید و اطاعت کنید.^۶
۵. آن حضرت در دوره غیبت، به یاد شیعیان و پیگیر اخبار و اوضاع آنان است و چیزی از

۱. همان.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۵۹.

۳. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۳۲۹.

۴. همان، ص ۲۸۶.

۵. همان، ص ۲۴۸، کتاب الغیبة، طوسی، ص ۱۶۱.

۶. موسوعة احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه، ج ۱، ص ۲۲۲.

اخبار پیروان از او پنهان نیست و اگر توجه و عنایت او نباشد و به یاد شیعه نباشد، دشمنان، شیعه را نابود و دچار انواع شداید می‌کنند.^۱

۶. رسول خدا ﷺ: قائم از فرزندان من و همنام من است. شمایلش همچون شمایل من و روش او روش و سیره من است، مردم را بر آیین و شریعت من استوار می‌دارد و به کتاب پروردگارم فرامی‌خواند و در خلقت و اخلاق، شبیه‌ترین افراد به من است.^۲

۷. امام باقر علیه السلام: امام مهدی آن چه پیش از او بوده (بدعت‌ها و تحریف‌ها) را درهم می‌ریزد، همان‌گونه که رسول خدا ﷺ کار جاهلیت را درهم ریخت، او هم اسلام را دوباره آغاز می‌کند.^۳

۸. خداوند به وسیله او «حق» را حاکم و استوار می‌گرداند، «باطل» را نابود می‌کند، دوستان خدا را به دولت و قدرت می‌رساند و دشمنان خدا را خوار و ذلیل می‌سازد، دین را به ظهور و حاکمیت می‌رساند، بدعت‌ها را می‌زداید.^۴

۹. دشمنان دین را درهم می‌کوبد و فرق آنان را می‌شکافد، هر نقشه و نیرنگشان را خنثی می‌کند، بر فاسقان حد الهی را جاری می‌سازد، هر فرعون طغیانگری را سرنگون می‌کند.

۱۰. او عزت بخش مؤمنان و خوار کننده دشمنان است. خدا او را ذخیره برای یاری دین و عزت بخشی به مؤمنان و انتقام از کسانی قرار داده که دین را انکار کرده و از آن خارج می‌شوند. دولت او دولت کریمه است که اسلام را عزت و قدرت می‌بخشد و نفاق و منافقان را ذلیل می‌کند.^۵

۱۱. امام عسکری علیه السلام: هرگاه حضرت مهدی ظهور کند، دستور می‌دهد منبرها و

۱. موسوعة سيرة اهل البيت عليه السلام، قرشی، ج ۳۵، ص ۹۴.

۲. منتخب الآثار، ج ۲، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.

۳. همان، ص ۳۲۲.

۴. المحجة فی ما نزل فی الحجة، ص ۱۴۳.

۵. دعای افتتاح: دولة کریمه تعزبها الاسلام و اهله....

مقصوره‌ها را که در مساجد احداث کرده‌اند از بین برند.^۱
 ۱۲. امام صادق علیه السلام: وقتی ظهور کند، همچون حضرت داود میان مردم قضاوت می‌کند، احتیاج به بینه و دلیل و شاهد ندارد، خداوند با علم خود، حکم صحیح را به او الهام می‌کند.^۲

۱۳. امام باقر علیه السلام: قائم، امر جدیدی می‌آورد و کتابی جدید و قضاوتی جدید (یعنی احکام تعطیل شده و فراموش شده را احیا می‌کند) نسبت به عرب، شدید و سخت گیر است. شأن و کار او جز با شمشیر نیست، از کسی نمی‌خواهد که توبه کند (چون قبلاً اتمام حجّت شده است) و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت‌گری باک ندارد.^۳

۱۴. امام رضا علیه السلام: آنگاه که قائم ما خروج کند، چیزی جز مرگ و خون و عرق نخواهد بود (جهاد شهادت و تلاش)، افراد همواره بر پشت اسب‌ها (برای نبرد) هستند و لباس و غذای او ساده و خشن است.^۴

۱۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله: نشانه مهدی آن است که بر عاملان و کارگزاران حکومتی سختگیر است، نسبت به مردم بخشنده مال است و نسبت به بینوایان، مهرورزی می‌کند.^۵

در مجموع، آن چه از روایات برمی‌آید، سیره مهدوی همراه با ساده‌زیستی، حق محوری، عدالت گستری، تلاش شبانه‌روزی و جهاد مستمر در این راه است، نه یک زندگی آرام و بی‌دغدغه و آسوده و دور از تکاپوی سخت، این تصوّر خام در ذهن برخی از شیعیان در عصرائمه هم بوده که پاسخ‌های روشن امامان، تکلیف و وضع را روشن ساخته است. نزد حضرت رضا علیه السلام سخن از «قائم» به میان آمد. حضرت فرمود: شما امروز راحت‌تر و آسوده‌تر از آن دورانید. پرسیدند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما خروج کند، چیزی جز عرق ریختن، خون،

۱. مقصوره، اتفاقی که خطیب جمعه و جماعت را از مردم جدا می‌کند. این از زمان بنی امیه رواج یافت.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۵۰.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۴. همان، ص ۳۵۴.

۵. همان، ص ۳۵۹.

۶. موسوعة احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۴۶.

خواب بر روی زین اسب‌ها نخواهد بود. لباس و غذای او خشن خواهد بود، سیاست شب و تلاش روز، مثل امیرالمؤمنین علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله.^۱

— سیره مهدوی و سیره نبوی، دولت کریمه، عدالت.

سیره مهدوی و سیره نبوی

از آن جا که دولت مهدوی استمرار و مکمل بعثت پیامبر و اهداف اسلام است. سیره امام زمان علیه السلام هم با سیره پیامبر، همسان و همگون است. این همگونی و مشابهت در روایات بسیاری آمده و آن حضرت شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله در سیما و سخن و سیره معرفی شده است. در حدیث نبوی است: «... أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ»^۲، مهدی امت من از همه مردم در شمایلش و سخنان و کارهایش به من شبیه‌تر است. و به فرموده امام صادق علیه السلام: چون خداوند به قائم ما اذن خروج دهد، بر فراز منبر می‌رود، مردم را به خویش فرا می‌خواند و آنان را به خدا قسم می‌دهد و به حق او دعوت می‌کند و قول می‌دهد که در میان مردم به سیره و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار کند: «... وَأَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَيَعْمَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ»^۳ در حدیث امام صادق علیه السلام است که او همان کاری را می‌کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کرد، آن چه را پیش از خودش بوده، ویران می‌کند. همچنان که پیامبر، امر جاهلیت را منهدم ساخت، و اسلام را از نو آغاز می‌کند.^۴

در سیره فردی، بجز همگونی در سیما و شمایل، در ساده زیستی و ساده پوشی و غذای ساده و زندگی مردمی و دور از تجمل، چونان پیامبر خداست. در سیره اجتماعی و حکومتی هم بر اساس شاخصه‌هایی که در روایات بسیار دیده می‌شود، شباهت فراوانی به سیره اجتماعی رسول الله صلی الله علیه و آله دارد، که در این محورها خلاصه می‌شود:

۱. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۹۰ تا ۱۹۳.

۲. النجم الثاقب، ج ۱، ص ۲۷۲.

۳. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۲.

۴. یصنع كما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله، یهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله امر الجاهلیة و یستأنف الاسلام جدیداً (غیبة نعمانی، ص ۲۳۱).

۱. تبلیغ و تحکیم دین خدا و اقامه احکام الله در جامعه
 ۲. احیای سنت نبوی و مبارزه با بدعت‌ها و زدودن باطل
 ۳. نشر دانش و ترویج علم و اکمال عقول و علوم بشر
 ۴. ایجاد امنیت اجتماعی و سازگاری مردمی و رعایت حقوق عامه
 ۵. عدالت اقتصادی و ایجاد قسط و عدل در گستره جهان
 ۶. عزت بخشی به اهل ایمان و تقوا و خوار کردن منافقان و کافران
 ۷. فتح در سایه جهاد و «قیام به سیف» و «وامان محمد بالخروج بالسیف»^۱
 ۸. ظلم ستیزی و یاری مظلومان و احقاق حق محرومان
 ۹. اصلاح عقاید و جاهلیت زدایی از باورها و رسوم و مراسم
 ۱۰. آمیزه مهر و قهر، شدت عمل با مفسدان و رحمت و لطف با مؤمنان
 ۱۱. وحدت آفرینی در امت و زدودن اختلاف‌ها و تألیف قلوب و توحید صفوف
- در دعاها و احادیث متعدد، از او به عنوان «احیاگر سنت پیامبر و تجدید کننده آثار رسول خدا» یاد شده که نشان می‌دهد سیره و روش و اهداف و جهت‌گیری دولت کریمه او همسور همسان با پیامبر اکرم ﷺ است.^۲
- در این مورد، حدیث‌های فراوان نقل شده است، از جمله این کلام نبوی ﷺ: «إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَشَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَسُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَشَرِيعَتِي وَيَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي»^۳ نام او نام من، کنیه او کنیه من، شمایل او شمایل من و سنت او سنت من است، مردم را بر اساس آیین و شریعت من برپا می‌دارد و آنان را به کتاب پروردگارم (قرآن) فرا می‌خواند. در روایاتی که آن حضرت، خود را بقیه آدم، ذخیره‌ای از نوح، و برگزیده‌ای از ابراهیم و محمد ﷺ می‌داند، اشاره به این همسانی سیره او با انبیا دارد.^۴

۱. منتخب الآثار، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲. در این زمینه از جمله رک: «همگونی سیره نبوی و سیره مهدوی» از نویسنده، انتشارات به نشر آستان قدس.

۳. کمال الدین، صدوق، ۴۱۱، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۴. الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۱.

ای مهر سپهر حق و توحید احیاگر سنت رسولان
ای قبله قسط و کعبه عدل وی محور دین و روح قرآن
تو مهدی و هادی و هدایی ای جان جهان، امید انسان^۱
← سیره مهدوی، سیمای مهدی، سیمای جهان در عصر ظهور.

سیصد و سیزده

اصحاب حضرت قائم طبق روایات ۳۱۳ نفرند که تعدادی از آنان هم از زنان اند. روایاتی اصحاب او را به تعداد اصحاب جنگ بدر (۳۱۳ نفر) دانسته که با ظهورش همچون پاره‌های ابر، از هر سو سراغ او رفته و گرد او جمع می‌شوند.^۲ در حدیثی هم از امام سجاد علیه السلام نقل شده که عهده الهی است با پیامبر که نزد امام باقر علیه السلام است، هرگاه مردی از این خاندان خروج کرد که همراه او ۳۱۳ نفرند و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله با اوست و به سوی مدینه می‌رود... همراه آنان باش....^۳ چنین مضمونی از امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر آیه ۱۴۸ بقره «أَئِنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِي بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا» روایت شده که مقصود اصحاب قائم اند که سیصد و اندی شمار آنان است و اقامت معدوده همانان اند که در یک ساعت، همچون ابرهای پائیزی جمع می‌شوند.^۴ البته این عدد، یاران خاص و فرماندهان و مسئولان نظام او هستند، وگرنه هر مؤمن مخلص و مجاهدی می‌تواند یاور او باشد و اصحاب و یاران او هزاران نفرند و ما دعا می‌کنیم که توفیق یاری و همراهی او را داشته باشیم. در برخی منابع، نام این ۳۱۳ نفر و نام شهرشان به ترتیب آمده است.^۵

یکی از مراکز و مؤسسات مهدوی، شماره حساب جاری خود را برای واریز وجوه نقدی ۳۱۳ قرار داده است، که این نوعی کاربرد ذوقی از این عدد است.
← یاران امام زمان علیه السلام، آمار و ارقام، اصحاب و انصار.

۱. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۲۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۵.

۳. همان، ص ۵۶.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۵. از جمله: المعجم الموضوعی لأحادیث الإمام المهدی، ص ۳۸۱، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۵۸۶.

سیمای جهان در عصر ظهور

براساس آن چه در روایات آمده است، در دنیای پس از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل دولت کریمه الهی، تحولات گوناگون فکری، اخلاقی، اعتقادی، اقتصادی، مدیریتی، حکمرانی و قضایی پیش خواهد آمد و با جهان مطلوب تری روبه رو خواهیم بود که در سایه حکومت و حاکمیت ارزش های اسلامی و انسانی است. فشرده و خلاصه آن موارد را می توان چنین بازگو کرد:

زمین، پراز عدالت و امنیت می شود، «میزان» عدالت نهاده می شود و کسی به کسی ظلم نمی کند، عدالت درون خانه ها نفوذ می کند، آن گونه که سرما و گرما وارد خانه ها می شود، درندگان هم با هم در صلح و آشتی به سر می برند. سران ضلالت و گمراهی نابود می شوند، جهان با فروغ الهی روشن می گردد، کافران مؤمن می شوند و تبه کاران صالح می گردند. دل های بندگان خدا از کینه و دشمنی پاک می شود، مردم اهل ایثار و مواسات می شوند. عقل و اخلاق مردم به حد کمال می رسد، زمین گنجینه های خود را بیرون می افکند، بهبودی معیشت مردم به جایی می رسد که زکات پردازان فقیری نمی یابند که به او زکات بدهند. مردم به نحوبی سابقه ای از نعمت های الهی بهره مند و برخوردار می شوند، آسمان پر باران و زمین پر محصول و درختان پرمیوه می گردند. بیت المال، برابر و عادلانه میان مردم تقسیم می شود، همه ویرانی های زمین آباد می گردد، زنا، دزدی، رشوه، ربا، شرابخواری، دروغ و قمار رخت بر می بندد، امانت ها ادا می شود، احکام قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله احیا و اجرا می گردد، مسلمانان عزیز و منافقان خوار می شوند، شکوه و شوکت طاغوت ها و تجاوزگران درهم می شکند، کاخ ها و بناهای بیداد و ستم ویران می شود، دین اسلام جهانگیر می گردد و دین واحدی بر همه عالم سایه می افکند و در سرتاسر زمین، شهادت به یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله طنین می اندازد. مردم اهل فکر و فرهنگ و حکمت می شوند، تا آن جا که زنان هم در خانه خود براساس قرآن و سنت قضاوت می کند. بدعت های دینی و تحریف ها زدوده می شود، مخالفان با حکومت الهی اگر زیر بار نروند کشته می شوند، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پناه و پشتیبان مردم و محبوب آنان می‌گردد، همه جا خیمه‌های آموزش قرآن برپا می‌شود، بیماری و آفت و مرض از جامعه ایمانی رخت برمی‌بندد، رشد دانش به حداکثر خود می‌رسد، بردگان مسلمان همه آزاد می‌شوند، تجمل‌گرایی به خصوص در مسئولان برجیده شده و ساده زیستی رواج می‌یابد، بزرگراه‌ها توسعه می‌یابد و امن می‌گردد، کسی به کسی ضرر نمی‌زند، کسی از دیگری هراسان نمی‌شود، حقی از کسی ضایع نمی‌گردد، شروران نابود شده، صالحان باقی می‌مانند، مساجدی که بر سر راه مردم باشد برداشته می‌شود، پنجره‌ها و بالکن‌های روبه خانه مردم و دارای اشراف، بسته می‌گردد، بر کارگزاران حکومتی سختگیری می‌شود و با عموم مردم با رأفت و گذشت رفتار می‌گردد.

همه این موارد، در روایات مربوط به امام زمان و عصر ظهور و دولت آن حضرت بیان شده است.^۱

فرهنگ
انتظار

حضرت صاحب زمان آید همی	ای خوش آن روزی که گویند این خبر
دوره امن و امان آید همی	بگذرد این فتنه و جور و فساد
سبز و خرم بوستان آید همی	آب‌های رفته باز آید به جوی
ظلم یزدان سایبان آید همی ^۲	بر سر این خلق، از لطف خدا

← شرایط ظهور، علائم ظهور، اشراط الساعة، روایت ظهور، کارکردهای انقلاب مهدوی، دوران صلح و صفا، شکوفایی عقل و علم، آرمان شهر.

سیمای مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریف

در روایات، خصوصیات ظاهری امام زمان عجله الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است که به آن‌ها «شمایل» گفته می‌شود. از این قبیل: چهره‌اش نورانی است، چون ماه درخشان، برگونه راست او خالی هست، خوش سیماست. دندان‌هایش مانند شانه، مرتب و منظم است، گشاده‌رو

۱. از جمله رک: «سیمای جهان در عصر امام زمان»، محمد امینی گلستانی، «چشم اندازی به حکومت مهدی» و «نشانه‌هایی از دولت موعود»، نجم الدین طبسی، «عصر زندگی» محمد حکیمی، «منتخب الآثار» (ج ۳) لطف الله صافی، «تاریخ مابعد الظهور» محمد الصدر، «بحار الأنوار» علامه مجلسی، ج ۵۲، «عصر الظهور» و عصر ظهور، علی الکررانی، «ارشاد»، شیخ مفید، ص ۳۸۶، «موعود شناسی» علی اصغر رضوانی.
۲. محمد حسین آیتی بیرجندی.

و چهره‌اش جوان است، گونه‌هایی کم گوشت دارد، پیشانی اش گشاده، ابروهایش کشیده و چشمانش سرمه کشیده و مشکی است، بینی باریک و نیکو خمیده دارد، ران‌هایش پرگوشت، شانه‌هایش عریض، موهایش برشانه‌ها ریخته، در سن و سال چهل سالگی به نظر می‌رسد، با گذشت زمان پیر نمی‌شود، آرامش و وقار دارد.

خلاصه‌ای از ویژگی‌ها با قلم استاد محمد رضا حکیمی چنین است:

«چهره‌اش گندم‌گون، بینی اش کشیده و زیبا، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت و جذاب، شانه‌اش پهن، دندان‌هایش براق و گشاده، بینی اش کشیده و زیبا، پیشانی اش بلند و تابنده، استخوان بندی اش استوار و صخره‌سان، دستان و انگشتانش درشت، گونه‌هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی - که از بیداری شب بر او عارض شده - برگونه راستش خالی مشکین، عضلاتش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله گوش ریخته، اندامش متناسب و زیبا، هیأتش خوش منظر و رباینده، رخساره‌اش در هاله‌ای از شرم بزرگوارانه و شکوهمندانه غرق، قیافه اش از حشمت و شکوه رهبری سرشار، نگاهش دگرگون کننده، خروشش دریا سان و فریادش همه گیر»^۱

در منابع حدیثی معمولاً شمایل او ذکر شده است،^۲ به یک نمونه از قول امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می‌شود: «هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الشَّعْرِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ إِلَى مَنْكَبَيْهِ، وَيَعْلُو نُورُ وَجْهِهِ سَوَادَ لَحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ...»^۳ جوان است و چهارشانه و خوش سیما و خوش موی، مویش بر شانه‌هایش افتاده، نور چهره‌اش بر سیاهی موی ریش و سرش غلبه دارد.

این دیده نیست قابل دیدار روی تو	چشمی دگر بده که تماشا کنم تو را
تو در میان جمعی و من در تفگرم	کاندر کجا بر آیم و پیدا کنم تو را ^۴

نام‌ها و اوصاف و القاب، ویژگی‌های امام عصر علیه السلام.

۱. خورشید مغرب. محمد رضا حکیمی، ص ۳۲.

۲. مانند بحار الأنوار، ج ۵۱، کشف الغمه، ج ۳، منتخب الأثر، ج ۲، منتهی الآمال، ج ۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۴. سید رضا مؤید.

شباهت‌های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موسی علیه السلام

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجی جهان است و موسی علیه السلام منجی بنی اسرائیل بود. میان این دو شخصیت الهی از جهات فراوان شباهت‌هایی وجود دارد که بیان می‌شود:

۱. کاهنان پیشگویی کرده بودند که در میان قوم بنی اسرائیل، فرزندی به دنیا خواهد آمد که زوال تاج و تخت فرعون به دست اوست، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم نوید داده بود که مهدی و قائم از فرزندان او روزی بساط ظالمان را از جهان برخواهد چید.

۲. فرعون برای ایمنی از موسی، برنامه‌های کنترل فرزندان و زایمان‌ها را اجرا کرد و مدت‌ها پسران متولد شده را می‌کشت^۱ تا آن موسای موعود به دنیا نیاید. خلفای عباسی هم برای حفظ بساط قدرت خود، خانواده‌ائمه، بخصوص از زمان امام هادی و امام عسکری رازیر نظر داشتند، تا مهدی موعود به دنیا نیاید. همچنین در پی از بین بردن پدران او بودند و می‌دانستند که آنان خروج نمی‌کنند و در انتظار دوازدهمین امام بودند تا او را بکشند و از بین ببرند. مأمور گذاشته بودند و پس از وفات امام عسکری علیه السلام خانه او را زیر نظر داشتند، مثل داستان موسی علیه السلام که فرعون مانع ازدواج افراد بود و بر زنان حامله هم مأمور گماشته بود.^۲ نعمانی در «الغیبة» می‌گوید: میان داستان حضرت موسی و ولادتش و آن کشتار که نسبت به کودکان به وجود آمد و در پی یافتن آن کودک و کشتن او بودند و ناکام ماندند، و قصه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت‌هایی وجود دارد که نباید از آن غافل بود.^۳

این تشابه در مورد ابراهیم و نمرود هم هست، که چون دانست زوال حکومتش به دست ابراهیم خواهد بود، زنانی را از قوم خود بر زنان حامله گماشت و مردان را از زنان جدا کرد و در آن سال هر فرزند پسر را می‌کشتند.^۴

۱. «يَذْبَحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص، آیه ۴)، نیز: منتخب الآثار، ج ۲، ص ۲۵۲ در شباهت او به موسی علیه السلام.

۲. كشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۷.

۳. الغیبة، نعمانی، ص ۱۵۷.

۴. اعلام الوری، ص ۴۳۷.

۳. بارداری مادر موسی نامشخص بود و کسی نمی دانست و تولدش را مخفی کردند تا مأموران فرعون در پی کشتن او برنیایند. تولد مهدی علیه السلام از مادرش نرجس هم مخفیانه بود و آثار حمل در او دیده نمی شد و شب نیمه شعبان وقتی امام عسکری علیه السلام به عمه اش حکیمه خاتون فرمود که شب این جا بمان، خداوند از نرجس فرزندی به ما خواهد داد، او تعجب کرد، که مگراو حامله است؟

۴. موسی که متولد شد، مادرش به امر خدا آن نوزاد را در صندوقی گذاشت و به رود نیل افکند، تا به دست مأموران نیفتد، ولی خدا نگهبان موسی بود و او را در داخل قصر فرعون نگهداری کرد.^۱ برنامه غیبت برای حضرت مهدی هم برای حفاظت او از خلفای جور بود.

۵. خدا وعده داده بود که موسی را حفظ کند و به مادرش برگرداند و گزندى به او نرسد و چنان هم شد.^۲ خداوند حضرت مهدی را هم علی رغم نقشه ها و تفتیش های دشمنان حفظ کرد و روزی هم از پس پرده غیبت آشکار خواهد شد.^۳

۶. مادر و خواهر موسی در کتمان ولادت او جدی بودند و هشیارانه عمل کردند که حتی قابله ها هم نفهمند و دربار فرعون در صدد کشتن او برنیاید. امام عسکری علیه السلام و خاندانش و اصحاب خاص و مورد اطمینان مواظب بودند که ولادت حجت خدا به گوش درباریان خلیفه نرسد و امام عسکری علیه السلام فرزند خود را جز به تنی چند از شیعیان خاص، نشان نداد و معرفی نکرد.

۷. جای موسی مدتی پنهان بود. از مصر گریخت و به مدین رفت و سال ها چوپانی گوسفندان حضرت شعیب را بر عهده داشت، تا آنکه به سوی بنی اسرائیل بازگشت و رهبری

۱. «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ» (قصص، آیه ۷) شعر معروف پروین اعتصامی: مادر موسی چو موسی را به نیل / در فکند از گفته رب جلیل.

۲. «إِنَّا رَأَوْنَاهُ إِلَيْكَ وَجَّاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ» (قصص، آیه ۷).

۳. حضرت مهدی علیه السلام را مدتی در سامرا نگه داشتند، بعد به مدینه فرستادند که پیش مادر امام عسکری بود، به نقلی ۴۰ روز هم به جای نامعلومی فرستادند و نرجس خاتون هم او را نمی دید و دسترسی نداشت، آنگاه نزد مادرش برگرداندند. نرجس خاتون پس از شهادت امام عسکری علیه السلام مدتی هم بازداشت و تحت نظر دستگاه خلافت بود.

آنان را عهده دار شد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه هم مدت ۶۹ سال در غیبت صغری بود و پس از آن هم تا کنون مخفی و غایب است و مردم جای او را نمی دانند و روزی خواهد آمد و عزت مسلمانان را باز خواهد آورد.

۸. در تولد، غیبت، هجرت، بعثت و نبوت موسی، در همه مراحل دست غیبی و قدرت الهی نقش داشت. در مورد امام زمان هم از جهات فراوان، زندگی و غیبت و برنامه های آینده اش آمیخته به قدرت نمایی پروردگار و جنبه های غیبی و فوق طبیعی است (← بعد غیبی مهدی موعود).

۹. نقشه و تدبیر الهی آن بود که بر مستضعفین بنی اسرائیل متّ نهد و آنان را وارثان زمین و پیشوایان دوران قرار دهد و فرعون و هامان و لشکریانش را نابود سازد که چنان هم اتفاق افتاد. اراده الهی نیز بر آن است که در آخر الزمان امت های مؤمن و مستضعف را در سایه دولت کریمه مهدوی و پیشوایی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، سروران جهان سازد و طاغوت ها و قدرت های استکباری را ریشه کن سازد.

فرهنگ
انتظار

۱۰. موسای کلیم، پیشوای الهی بنی اسرائیل شد، آنان را از چنگ فرعونیان و ذلّت در مصر رهانید و به سرزمین موعود رساند و طاغوت آن زمان در رود نیل، همراه با سپاهیان غرق شد. امام زمان هم وقتی ظهور کند، در جهادی بی امان همه خودکامگان را نابود و همه کاخ های ستم را ویران خواهد کرد.

۱۱. بنی اسرائیل در سایه رهبری منجی خود حضرت موسی، به قدرت و عزت و نعمت رسیدند و برکات زمین و آسمان بر آنان سرازیر شد و ملوک زمین و فرمانروایان زمان گشتند. در دوره امام عصر نیز طبق روایات، همه به رفاه و ثروت و عافیت می رسند. فقر ریشه کن می شود، قسط و عدالت همه جا حاکم می گردد و حکومت واحد جهانی بر پایه احکام خدا در جهان مستقر می گردد (← سیمای جهان در عصر ظهور).

۱. «وَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» (قصص، آیه ۴ و ۵) آیه درباره موسی و بنی اسرائیل است، ولی به موضوع آخر الزمان و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هم تفسیر شده است.

۱۲. در احادیث فراوانی که بیانگر سنت‌هایی از پیامبران گذشته در وجود امام عصر است، در تشابه آن حضرت با حضرت موسی علیه السلام هم آمده است: «أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ مُوسَى فِدَوَامُ خَوْفِهِ وَطُولُ غَيْبَتِهِ وَخَفَاءُ وِلَاكَتِهِ»^۱، که موسی هم خائف و مترقب بود، و مدتی طولانی از خانواده و قوم خود غایب بود، و لادش هم پنهانی بود.

۱۳. حضرت موسی برای مناجات سی روزه به میعادگاه طور سینا رفت، ده روز بیشتر طول کشید و در غیاب او، امتش به تفرقه و انکار و گوساله پرستی کشیده شدند.^۲ بعضی از منتظران امام زمان نیز با طول کشیدن غیبت، به تردید و شک و انکار افتادند. از این رو در دعاهای دوران غیبت، درخواست صبر و شکیب و ثبات ایمان از خداوند و حفظ یقین است: «فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ... وَلَا أَنَا زِعْكَ فِي تَذْيِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ... اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَإِنْ قَطَعَ خَبْرُهُ عَنَّا...»^۳.

در سری نیست که سودای سرکوی تو نیست	دل سودازده را جز هوس روی تو نیست
عارفان را ز کمند تو گریزی نبود	دام این سلسله جز حلقه گیسوی تو نیست
نسخه دفتر حسن تو کتابی است مبین	ور بود نکته سربسته، به جز موی تو نیست

← قضاوت داود و سلیمان، منجی باوری، وارث سنت‌های انبیایی.

شب قدر ← ليلة القدر

شرایط ظهور

تحقق ظهور حضرت مهدی علیه السلام، پیش شرط‌ها و اسباب و شرایطی لازم دارد که برخی را خداوند فراهم می‌آورد و به امر او است، برخی بستگی به وضع کلی عالم دارد، برخی هم به عملکرد مردم و تمهیدات منتظران بستگی دارد. می‌توان فشرده‌ای از شرایط ظهور را چنین گفت:

۱. منتخب الآثار، ج ۲، ص ۲۸۶.

۲. اعراف، آیات ۱۴۸ تا ۱۵۲.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۵۸۸ (دعا در غیبت امام زمان: اللَّهُمَّ عِزَّنِي نَفْسِكَ...).

۱. تحقق علائم ظهور. آن چه در روایات به عنوان علائم و نشانه های ظهور بیان شده (چه حتمی چه غیر حتمی، چه وضع کلی چه حوادث خاص) باید محقق شود تا ظهور هم تحقق یابد.

۲. شرایط در منتظران. آن چه بر عهده منتظران است، اگر انجام شود در نزدیک تر شدن حادثه ظهور مؤثر است.

۳. فساد عالمگیر و ظلم جهانی. بر اساس روایات فراوان، وقتی آن حضرت ظهور می کند که جهان پراز ستم شده باشد و او می آید تا جهان را پراز قسط و عدل سازد. این شرایط، جریان طبیعی و رایج را بیان می کند که چنین خواهد شد. نه آن که ما باید این وضع را به وجود آوریم (مثل برخی کج اندیشان که معتقد بودند باید گناه و فساد را زیاد کنیم تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زودتر بیاید). امام باقر علیه السلام در بیان این شرایط می فرماید:

«لَا يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلَزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ تَشَتُّتٍ فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِيرٍ فِي حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَتَّى الْمُتَمَتِّي الْمَوْتَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عَظِيمٍ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً فَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْإِيَّاسِ وَ الْقُنُوطِ مِنْ أَنْ يَرَى فَرَجاً...»^۱ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار نمی شود مگر آنگاه که مردم گرفتار ترس شدید و زلزله و فتنه و طاعون باشند. پیش از ظهور، میان عرب کشتار و میان مردم اختلاف شدید و پراکندگی در دین و دگرگونی در حالشان پدید می آید، تا آن جا که از شدت هاری مردم و این که یکدیگر را می درند، مردم صبح و شام آرزوی مرگ می کنند. خروج او هنگامی است که مردم دچار نومیدی از فرج و گشایش شده باشند. در حدیث دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که: پس از من فتنه هایی رخ خواهد داد که گریزی از آن ها نیست، فرار و جنگ و فتنه هایی یکی سخت تر از دیگری، هر چه زمان بگذرد فتنه ها سخت تر شود تا آن جا که هیچ خانه و خانواده ای از عرب و مسلمان نمی ماند مگر این که این

۱. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۲۰، غیبت نعمانی، ص ۲۵۴.

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
ک
ل
م
ن
و
ه
ی

فتنه‌ها و آشوب‌ها به آن وارد می‌شود، تا آن که مردی از خاندان من ظهور می‌کند^۱ از این گونه روایات در بخش علائم ظهور فراوان است.

۴. ویژگی دیگر، یأس از نظام‌های بشری و داعیه‌داران اصلاح جهان است. مردم پس از دیدن حکومت‌های متداول که همه به صحنه حکومت می‌آیند ولی گره کور جهان گشوده نمی‌شود، مدعیان حکومت جهانی و نظم‌نویین جهانی شدن ناکام می‌شوند و مخالفت‌های مردمی با سلطه‌ها زیاد می‌شود و زمینه برای ظهور فراهم می‌گردد. به فرموده امام صادق علیه السلام: «ما یكون هذا الأمر حتى لا يبقى صنف من الناس إلا وقد ولوا على الناس، حتى لا يقول قائل: إنا لوؤلینا العدلنا! ثم يقوم القائم بالحق والعدل».^۲ امر ظهور تحقق نخواهد یافت مگر آنگاه که هیچ صنف و گروهی از مردم نمی‌مانند مگر آن که بر مردم حکومت می‌یابند، تا کسی نگوید که اگر ما به حکومت می‌رسیدیم، عدالت گستر می‌شدیم، سپس قائم، قیام به حق و عدل می‌کند. نظیر این را در رژیم‌ها و دولت‌ها و جناح‌های سیاسی دیده‌ایم که پیروان احزاب و تشکّل‌ها و جناح‌های مختلف هر کدام می‌گویند اگر ما به قدرت برسیم و دولت تشکیل دهیم، وضع را اصلاح می‌کنیم. همه جناح‌ها و حزب‌ها به قدرت می‌رسند اما مشکلات مردم و مسائل جهانی و کشوری لاینحل می‌ماند و مردم از همه این‌ها ناامید می‌شوند. در روایات متعددی آمده که ظهور وقتی خواهد بود که مردم از فرج و گشایش ناامید شده باشند.

۵. آزمون و ابتلاء، از شرایط دیگر ظهور است. بادیدن ناملازمات و سختی‌ها و طول کشیدن غیبت و نیامدن امام زمان و افزایش طعن‌ها و زخم زبان‌ها و اقلیت انسان‌های با ایمان و مهجور شدن پاکی‌ها و ارزش‌ها و تعهد‌ها و افزوده شدن بر شبّهات فکری و تشکیک‌های اعتقادی، مردم غربال می‌شوند و استواران بر این عهد، اندک می‌شوند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بِشِيرِ الْيَغِيبِ الْقَائِمُ مِنْ وَلَدِي بِعَهْدِ مَعْهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ، وَيَشْكُ آخِرُونَ فِي وَلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ، وَلَا يَجْعَلْ

۱. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۵۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

لِلشَّيْطَانِ عَلَيْهِ سَبِيلًا يَشْكُهُ فَيُزِيلُهُ عَنْ مِلَّتِي وَيُخْرِجُهُ مِنْ دِينِي...»^۱ سوگند به آنکه مرا به حق، بشارت دهنده فرستاد، قائم از فرزندان من غایب خواهد شد، طبق عهدی که با من است، تا آن جا که بیشتر مردم گویند: خدا به آل محمد نیازی ندارد! کسانی هم در ولادت او شک می کنند. هر کس آن زمان را درک کند، دین خود را محکم نگه دارد و اجازه ندهد که شیطان با ایجاد شک در او نفوذ کند و او را از دین و آیین من بیرون کند.

امیرمؤمنان علیه السلام هم به اصبع بن نباته فرمود: «لَيَغِيبَنَّ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ»^۲، او غایب خواهد بود، تا آن جا که شخص نادان گوید: خدا را نیازی به آل محمد نیست! این اوج سرخوردگی و یأس مردم را از فرج و گشایش می رساند. از این رو روایاتی که در آن ها از مردم آخر الزمان و ایمان استوارشان ستایش شده و در دعاها از خداوند، ثبات بر این عقیده را می خواهیم، معنی پیدا می کند. باید زمان بگذرد، سختی ها پیش آید، افراد غربال شوند و صف مؤمنان راستین از مدعیان انتظار مشخص گردد. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدِرُ وَيَبْقِيَ الصَّفْوُ»^۳ فرج ما نخواهد بود مگر آنگاه که مردم غربال و غربال شوند، تاثیرها بروند و صاف ها و زلال ها بمانند.

۶. شرط دیگر، تحوّل مردم است، هم در افراد، هم در جامعه. هم تک تک افراد از عمق جان عدالت خواه و حق دوست شوند، هم موج عدالتخواهی در جامعه پیش آید و به صورت یک خواسته و مطالبه عمومی درآید و آثار این تشنگی در مردم دیده شود و مردم از دل و جان در انتظار آن دوره باشند و آمادگی هرگونه فداکاری را از خود نشان دهند. در زیارت امام زمان می خوانیم: «فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَمَتَدَتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَلَكَ إِلَّا حُبًّا...»^۴، اگر روزگاران طولانی شود و عمرها به درازا بکشد، یقینم درباره تو بیشتر و عشقم به تو افزون تر و اعتمادم به تو و انتظار و چشم به راهی ام برای آمدنت بیشتر و آمادگی و شوقم برای جهاد در

۱. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۵۶.

۲. کمال الدین، ص ۳۰۲.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

۴. مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان علیه السلام.

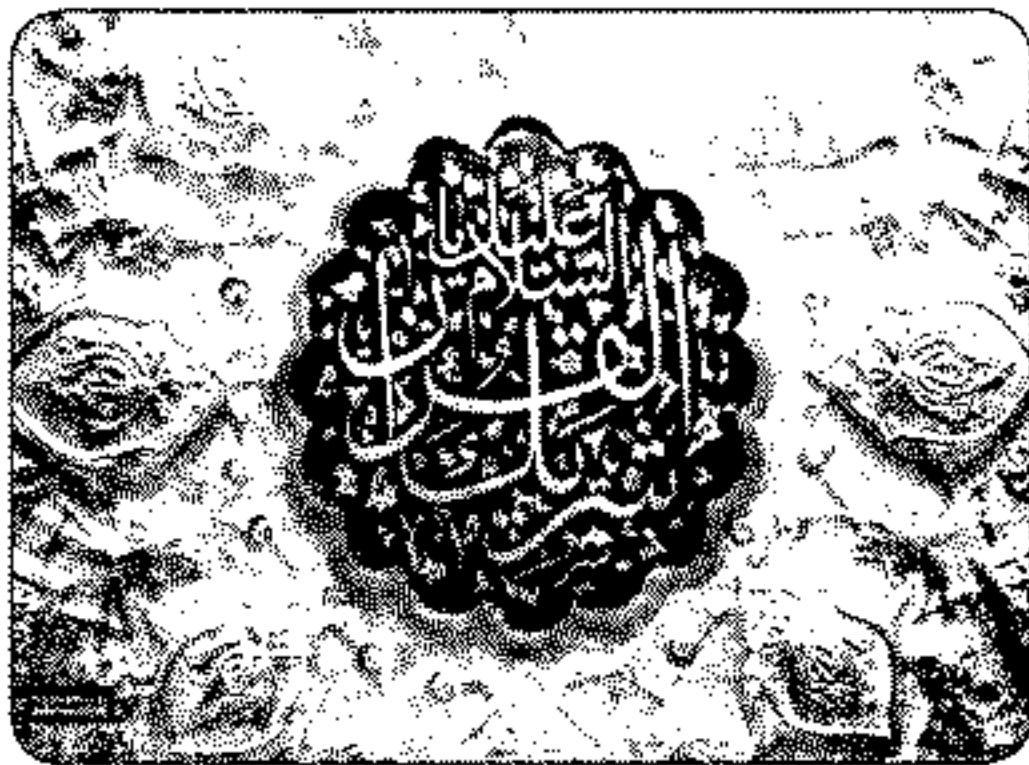
پیش روی توافزون ترمی گردد. آماده‌ام تا جان و مال و فرزندانم و خانواده‌ام و هرچه را خدا به من بخشیده، در راه تو نثار کنم.

۷. شرایط ظهور در کتاب «تاریخ الغیبة الکبری»^۱ چنین بیان شده است: ۱. وجود رهبر کارآمد و بزرگ که توانایی کامل برای رهبری همه جهان داشته باشد. ۲. وجود طرح جامع و کامل و قابل اجرا در همه جا و همه زمان‌ها متناسب با همه جهانیان ۳. وجود یاوران و همراهان فداکار و گوش به فرمان رهبر (برای تفصیل این سه شرط ظهور، به آن کتاب مراجعه شود).

به تمنای طلوع تو، جهان چشم به راه
به امید قدمت، کون و مکان چشم به راه
نازنینا، نفسی اسب تجلی زین کن
که زمین گوش به زنگ است و زمان چشم به راه^۲
«علائم ظهور، آخر الزمان، فسادهای آخر الزمان، فرق شرایط ظهور و علائم ظهور، سیمای جهان در عصر ظهور، جهان پراز ظلم»

شریک القرآن

شریک به معنای همتا و لنگه است. از آن جا که در روایات، اهل بیت و قرآن به عنوان



دو میراث گرانقدر پیامبر خدا ﷺ شمرده شده‌اند (ثقلین) و توصیه آن حضرت به حفظ این دو وزنه سنگین است که از هم جدا نمی‌شوند و باید با هم باشند، پس اهل بیت و عترت، شریک قرآن است. در سخنان پیامبر، فراوان از «کتاب الله و عترتی» یاد شده

است. براین اساس امام زمان هم همتای قرآن به شمار آمده است. «شریک القرآن» یکی از القاب امام زمان است که مردم نیز هنگام سلام دادن به آن حضرت، او را با القاب صاحب

۱. محمد الصدر، ص ۴۷۵ تا ۴۸۵.

۲. زکریا اخلاقی.

الزمان، شریک القرآن، امام الانس والجان، خلیفة الرحمان... یاد می کنند.
 ← نام ها، اوصاف و القاب.

شعار یاران مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف ← یالثارات الحسین

شعراشتیاق

در بخش «کتابشناسی شعر مهدوی» منابع متعددی معرفی شده که مجموعه اشعار مهدوی را گرد آورده اند. برای آن که این مجموعه، از شعر مهدوی و انتظار خالی نباشد، تکبیت ها، رباعی ها و قطعه هایی از شاعران مختلف را می آوریم، تا مورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد. در این ابیات، هیچ ترتیبی از نظر زمان، شاعر، موضوع و... وجود ندارد، صرفاً برای ترنم به سروده های پراشتیاق درباره امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف آورده شده است:

به تمثای طلوع تو، جهان چشم به راه	به امید قدمت، کون و مکان چشم به راه
آفتابا! دمی از پرده برون آ، که بود	بی تو منظومه امکان، نگران، چشم به راه

□

طلوع می کند آن آفتاب پنهانی	ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
تویی بهانه آن ابرها که می گریند	بیا که صاف شود این هوای بارانی

□

وقت است تا به نام بهاران رقم زنی	در خشکسال عاطفه تقویم آب را
خورشید با نگاه تو بیدار می شود	ای قاصد سپیده، برافکن نقاب را

□

سوار موج می آیی تو در اوج پریشانی	تبسم می کنی خورشید را از شرق پیشانی
چنان لبریزم از شوق تماشایت که می خواهم	مرانذر نگاه شرقی ات هر شب بسوزانی

□

فردا کسی می گشاید، دروازه آسمان را	می بارد آجیل لبخند، سوغاتی کودکان را
ای آن که آبی ترین، چشم بهار آفرینی	چشم انتظارند گل ها، آدینه ناگهان را

□	دل‌ها ز طول غیبت آن شه، ملول گشت	بزداید آن که از دل مارنگ غم، کجاست؟
□	کجایی ای همه‌خوبی، کجایی ای همه‌عشق؟	بیا که منتظرانت به خون وضو کردند
□	برگشته‌ کویریم، موسای شوق، برگرد	یک طور اضطرابیم، ازبانگ «لن ترانی»
□	یک جمعه دوباره، یک ناگهان ستاره	تا شعله‌ور تر آید، سودای جانفشانی
□	گفتند می‌آید از راه، صبح همین جمعه ناگاه	عمری است چشم انتظاریم، حتی غباری نیامد
□	آدینه‌های غریبی، بر موج دل‌ها سپردیم	آن تکسوار خروشان، با ذوالفقاری نیامد
□	میان غربت این کوچه‌های تو در تو	دل‌م گرفته به یاد تو، ای گل شب بو
□	بیا که از نفست صد بهار گل بدهد	بیا که سبزه بروید دوباره بر لب جو
□	نگاه منتظران عاشقانه می‌خواند	که آفتاب شب انتظار، در راه است
□	کسی که بیا نفس آفتابی‌اش دارد	سر شکستن بت‌های تار، در راه است
□	کدام جمعه، ندانسته‌ام ولی پیدا است	که آن ودیعه پروردگار، در راه است
□	جمال را بنماید اگر ز پرده غیبت	قرار بر دل یاران بی‌قرار بیاید
□	کتاب عشق گشایید و «وان یکاد» بخوانید	دعا کنید که آن یار غمگسار بیاید
□	نور دل آدم تویی، کام همه عالم تویی	هر خسته را مرهم تویی، ای درد دل‌ها را دوا
□	ای رویت آیه نور، وی نور وادی طور	سر حجاب مستور، از رویت آشکارا

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ی
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

ای هر دل از تو خرم، پشت و پناه عالم	□	ببگر دچار صد غم، یک مشیت بینوا را
این جمعه هم گذشت، تو امانیامدی	□	ای روح آسمانی دریا، نیامدی
ای از تبار آینه‌ها، ای حضور سبز	□	ای آخرین ذخیره طاه‌ها، نیامدی
به دیر پای شب‌های انتظار قسم	□	کبوتر دلم ای نازنین، هوایی توست
خدا کند تو بیایی و صبح سربزند	□	سپیده منتظر نور کبریایی توست
غبار راه تو، گل قطره‌های باران است	□	بیا که بی تو بهار دلم زمستان است
فروغ برق نگاهت در آسمان امید	□	کویر تشنه جان را نوید باران است
تا بسته محبت دنیایی‌ام هنوز	□	در شهر بند عشق تو سودایی‌ام هنوز
چون آفتاب، جلوه کن از پشت ابرها	□	من عاشق تجلی زیبایی‌ام هنوز
بی روی تو تمامی دل‌ها مکز است	□	بنمای رخ، که خانه آینه شد خراب
افتاد در ره تو دو صد کاروان شهید	□	وقت است آن که پای گذاری تو در رکاب
به شوق دیدن صبحی که باز خواهی گشت	□	پگاه را به هر آدینه جستجو کردند
هنوز بوی تو را می‌دهند شب بوها	□	که خاک پای تو را عاشقانه بو کردند
فشارها به ره عشق دیده‌ایم و خوشیم	□	شود اگر چه جهان از فشار، بر ماتنگ
کجایی ای مه تابنده سپهر امید	□	که گشته حوصله از انتظار، بر ماتنگ
یارب آن آهوی مشکین به چمن بازرسان		و آن سهی سرو خرامان به چمن بازرسان

آ	دل آزرده ما را به نسیمی بنواز	یعنی آن جانِ زتن رفته به تن بازسان
ا		□
ب	مهدی است آن که حسن دلارای احمدی	از چهره مبارک خود رو نما کند
پ	مهدی است آن که از نظری بر جمال او	هر دردمند غمزده کسب شفا کند
ت		□
ث		
ج	زال چشمه تویی، روح سبزه، رمز بهار	بیا که با تو شود فصل‌ها بهار، بیا
چ	بیا که دشت شقایق به داغ آذین گشت	تو ای تسلی صحرای سوگوار، بیا
ح		□
خ		
د	سوز هجران تو داریم، کجایی ای دوست	جمله بی صبر و قراریم، کجایی ای دوست
ذ	سال‌ها منتظر روی دلارای تویم	بی تو دلخسته و زاریم، کجایی ای دوست
ر		□
ز		
ژ		
س	نه همین چشم به راه تو مسلمانانند	عالمی را نگران کرده‌ای از غیبت خویش
ش		□
ص		
ض	دست تو باز می‌کند، پنجره‌های بسته را	هم تو سلام می‌کنی رهگذران خسته را
ط	شب به سحر رسانده‌ام، دیده به ره نشانده‌ام	گوش به زنگ مانده‌ام، جمعه عهد بسته را
ظ		□
ع		
غ	می‌نشینم چو گدا بر سر راهت ای دوست	شاید افتد به من خسته نگاهت ای دوست
ف	به امیدی که بینم رخ زیبای تو را	می‌نشینم همه شب بر سر راهت ای دوست
ق		□
ک		
گ	ای آفتاب چهره نهان کرده در سحاب	دل‌ها برای دیدن تو گشته بی‌قرار
ل	خرم شود جهان و عدالت به پا شود	روزی که در کف تو بود تیغ ذوالفقار
م		□
ن		
و	عطر جمعه دوباره پیچیده است	در هوای غریب و خسته من
ه	کاش می‌شد دوباره پر بکشد	دل تنها و پر شکسته من
ی		

- آدینه و صبح و ندبه خوانی تا چند
یک عمر نشسته‌ایم، با این امید
- لب بستن و این سنگ پرانی تا کی؟
تا کی پس این پرده بمانی، تا کی؟
- یک عمر نشسته‌ایم، با این امید
تا صبح دمی روح سحر برگردد
- مرغ دل ما را که به کس رام نگردد
آرام تویی، دام تویی، دانه تویی تو
- گر قسمتم شود که تماشا کنم تو را
این دیده نیست قابل دیدار روی تو
هر صبح جمعه ندبه‌کنان دردعای صبح
از کردگار خویش تمنا کنم تو را
- رواق منظر چشم من آشیانه‌ی توست
کرم نما و فرود آ، که خانه‌ی توست
- روی تو را ز چشمه‌ی نور آفریده‌اند
پنهان مکن جمال خود از عاشقان خویش
لعل تو از شراب طهور آفریده‌اند
خورشید را برای ظهور آفریده‌اند
- تو آفتابی و من ذره‌دار، جذب جمالت
تو نور چرخ جلالی و من غبار زمینم
- چه خوب می‌شد اگر مرد آسمانی ما
هنوز منتظرم یک نفر خبر بدهد
به جمع خاکی خوبان شهر برگردد
که باز یوسف کنعان به شهر برگردد
- شب فراق تو جاننا خدا کند که سرآید
دمی که بی تو سرآید، خدا کند که نباشد
سرآید و تو بیایی، خدا کند که بیایی
الا که هستی مایی، خدا کند که بیایی

□	اهل ولا چو روی به سوی خدا کنند	□	اؤل به جان گمشده خود دعا کنند
ب	ای یوسف زمانه، خدا را برون خرام	ب	تا با نظاره، در دل خود دوا کند
پ	از ما جمال خویش میپوشان، که گفته اند	پ	اهل نظر معامله با آشنا کنند
ت		ت	
ث		ث	
ج	در مسیر دیدارت، ای سپیده موعود	ج	کوچه باغ چشمم را کرده ام چراغانی
چ		چ	
ح		ح	
خ	یک عمر میزبان غمت بوده ام، توهّم	خ	یک شب به میهمانی چشم ترم بیا
د		د	
ذ		ذ	
ر	ای در هوای تو جاری، عطر نسیم بهاران	ر	آوای گرم کلامت پیچیده در کوچه ساران
ز	در خانه های دل ما، عشق تو مأوا گزیده است	ز	شوق وصال تو برده است تاب از دل بی قراران
ژ		ژ	
س		س	
ش	عمری در انتظار تو بودیم و پیر شد	ش	آن طفل انتظار که بر در گماشتیم
ص	می آیی ای عزیز سفر کرده، ای دریغ	ص	شایسته نگاه تو چشمی نداشتیم
ض		ض	
ط		ط	
ظ	باید این کوچه پرهممه را آب زنم	ظ	حتماً از کوچه ما رهگذری می گذرد
ع		ع	
غ		غ	
ف	امید بال زدن را قفس نمی فهمد	ف	بیا، سکوت مرا هیچ کس نمی فهمد
ق	که سرنوشت زمین با تو می شود معلوم	ق	تویی تو نقطه پایان چهارده معصوم
ک		ک	
گی		گی	
ن	ای مشرقی تراز دل خورشید، نور تو	ن	کی می رسد سپیده سرخ ظهور تو؟
م		م	
ن		ن	
و	دل را برای آمدنت، مهربان من	و	روزی هزار بار شکستم، نیامدی
ه	گفتند: سبز پوش تو از کعبه می رسد	ه	هر جمعه رو به قبله نشستم نیامدی
ی		ی	

□

طی شد دوباره جمعه دیگر، نیامدی
چشم انتظار جمعه دیگر نشسته‌ایم

□

ای منتظران، گنج نهان می‌آید
بر بام سحر طلایه‌داران ظهور

□

در سری نیست که سودای سرکوی تونیست
عارفان را ز کمند تو گریزی نبود

□

آن که در پرده، دل خلق جهانی بر باید

□

ای آفتاب برج ولا، وقت آن نشد
ای صبح روشن ازلی، کو دمیدنت؟

□

ای مهربان که نام تو را یار گفته‌اند
برخیز و پرده برکش از آن روی، تا که ما

□

گفتم که روی ماهت، از من چرانهان است؟
گفتم که از که پرسم جانا نشان کویت؟

□

عکس تو را به صفحه پندار می‌کشم
با هر نفس که می‌گذرد در فراق تو

□

معنای ناب سوره کوثر نیامدی
این هفته هم گذشت و تو آخر نیامدی

آرامش جان عاشقان می‌آید
گفتند که: صاحب الزمان می‌آید

دل سودازده را جز هوس روی تو نیست
دام این سلسله، جز حلقه گیسوی تونیست

چه قیامت شود آن لحظه که از پرده در آید

کانوار خود عیان کنی از مشرق حجاز؟
مهجور را کم است صبوری و شب دراز

چشم تو را فروغ شب تار گفته‌اند
باور کنیم آن چه ز دیدار گفته‌اند

گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است
گفتا نشان چه پرسی، آن کوی بی‌نشان است

عمری بود که حسرت دیدار می‌کشم
آه از خلال سینه تبار می‌کشم

ای بهتر از فرشته به زیبایی خود رفته‌ای نهان به حجاب اندر	آ ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ
تا چند خو گرفته به تنهایی جمعی نموده واله و شیدایی	ی
به یازده خم می، گرچه دست ما نرسید	ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ
بریز باده، که یک خم هنوز سر بسته است	ی
خدا کند که بیایی و صبح سر بزند بیا که دیدن رویت بهشت موعود است	ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ
که بی ستاره‌ترین شب، شب جدایی توست بهشت، آیتی از جلوۀ خدایی توست	ی
خرّم آن روز که مشتاق به یاری برسد لذّت وصل ندانست مگر سوخته‌ای	ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ
آرزومند نگاری به نگاری برسد که پس از دوری بسیار، به یاری برسد	ی
گر دیده‌ام ندید رخ دلربای تو خواهم که جای پای تو را بوسه‌ها زنم	ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ
دل پرزند به سینه من در هوای تو در حیرتم که هست کجا جای پای تو	ی
یعقوب وار، دیده شد از دوری ات سپید مولا بخوان تو آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ» را	ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ
ای صد هزار یوسف مصری فدای تو زیرا که می‌رسد به اجانب دعای تو	ی
گم گشته‌ام به اشک که پیدا کنم تو را چون باغ گل، گشوده هزاران هزار چشم	ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ
دل شسته‌ام زجان که تمنا کنم تو را تا یک نگاه بر رخ زیبا کنم تو را	ی

← کتاب شناسی شعر مهدوی، انتظار و ادبیات و هنر، شعر مهدوی.

شعر مهدوی

مقصود از «شعر مهدوی» سروده‌هایی است که به زبان فارسی، عربی و زبان‌های دیگر درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سروده شده است، چه آن چه در کتب و مجموعه‌ها چاپ شده، چه آن چه به مرحله نشر نرسیده است (← کتاب شناسی شعر مهدوی). معتقدان به آن حضرت و

منتظران ظهور، ذوق و عشق و توان ادبی خود را به کار گرفته و در طول چهارده قرن، اشعاری درباره حضرت مهدی سروده‌اند. هرچه به سده‌های اخیر و دوره‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، بر شمار شاعران و اشعار مهدوی افزوده شده و کتاب‌های متعددی با گردآوری و نشر این اشعار به صورت مجموعه منتشر شده است، چه اشعار فارسی چه عربی. افزون بر شعرهای موزون و سنتی در قالب‌های مختلف غزل، قصیده، مثنوی، رباعی و نیمایی، سرودها و شعرهای مردمی و محلی را هم باید به این مجموعه افزود.^۱ اگر به مضامین گوناگون این اشعار دقت شود، می‌توان مفاهیم اشعار مهدوی را به این محورها تقسیم کرد:

۱. میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیمه شعبان
 ۲. اوصاف و فضایل و مناقب آن حضرت
 ۳. انتظار و چشم به راهی برای ظهور و اشتیاق دیدار
 ۴. فراق و دوری و شکوه از هجران و مسأله غیبت آن حضرت
 ۵. عدالت جهانی و حکومت آن امام و امید به آن دوران
 ۶. جمعه و ندبه و استغاثه و توسل به آن حضرت
 ۷. امید به ظهور و انتقام از ظالمان و عزت بخشی به مؤمنان و مستضعفان
 ۸. درمان دردها و مرهم زخم‌های دل شیعه و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام
 ۹. در جستجوی او بودن، پنهانی آن خورشید عالم‌تاب در پس پرده غیبت
 ۱۰. جمال یوسف زهرا، حسن ظاهر و جلوه نگاهش و شمایل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
 ۱۱. نقش تکوینی آن حضرت در جهان هستی و مدار خلقت بودنش و فیض وجودش
 ۱۲. بُعد ظلم ستیزی و مقابله با استکبار و ضدیت با استعمار جهانی و سلطه جویان و ...
- موضوعاتی دیگر از این دست، که اگر نگاهی تحلیلی به اشعار مهدوی شود، تحول محتوایی و نوشتن مضامین و جهت‌دارتر شدن اشعار را به تناسب شرایط روز و اوضاع جهان در آن‌ها

۱. برای تجزیه و تحلیل اشعار و مجموعه‌ها و تقسیم‌بندی آن به دوره‌های مختلف، رک: «دانشنامه امام مهدی»، ج ۱۰.

را خواهیم دید.

برخی از اشعار مهدوی در ضمن قصاید و سروده‌های کلی درباره اهل بیت و ائمه علیهم‌السلام است که بخشی هم به وجود آن حضرت اختصاص می‌یابد.
 ← کتابشناسی شعر مهدوی، شعر اشتیاق، آسیب‌شناسی شعر مهدوی، انتظار و ادبیات و هنر.

شعیب بن صالح

نام جوانی ایرانی است که در روایات از او یاد شده، به عنوان کسی که پیش از ظهور حضرت مهدی در ایران خروج می‌کند و پیش‌تازیک حرکت نظامی به سود قیام امام زمان است. نام او اغلب همراه با سید خراسانی آمده است. یکی از محققان می‌نویسد: نام دو شخص از اصحاب امام زمان در احادیث آمده که به نظر می‌رسد در ایران آشکار می‌شوند و نزدیک ظهور آن حضرت، از نقش‌آفرینان حرکت ظهور مقدس‌اند. یکی سید خراسانی، دیگری فرمانده نظامی او شعیب بن صالح. وی فرمانده کل سپاه مهدی خواهد بود که نقش تصفیة اوضاع داخلی عراق را از مخالفان برعهده دارد.^۱ وی او را جوانی گندم‌گون و با محاسنی کم پشت و اهل ری می‌شناسد و می‌گوید بر اساس روایات، این دو، پرچم را به امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریک تحویل می‌دهند و در سپاه آن حضرت در حرکت ظهور مشارکت دارند.^۲ از او به عنوان پرچمدار آن حضرت هم یاد شده است: «ثُمَّ يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ وَعَلَى لَوَائِهِ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ»^۳. در این که این دو نام (سید خراسانی و شعیب بن صالح) نام اصلی است، یا اسامی و عنوان‌های رمزی و کنایی است، بحث است.

← یاران امام زمان، سیصد و سیزده، اصحاب و انصار، علائم ظهور، تطبیق علائم ظهور.

شکوفایی عقل و علم

عصر ظهور، دوران شکوفایی عقل و علم بشر است. سطح دین‌شناسی مردم بالا می‌رود و چهره درخشان اسلام آشکارتر می‌شود، به حدی که به تعبیر روایات، با دعوت امام عصر به

۱. عصر الظهور، علی‌الکورانی، ص ۱۸۰.

۲. همان، ص ۱۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

سنت رسول خدا ﷺ در آغاز، گمان می‌رود که دین تازه‌ای آورده است. در تفسیر آیاتی که سخن از زنده شدن زمین پس از مرگش آمده، روایاتی آن‌ها را به حیات زمین براساس عدالت و قسط در عصر آن حضرت تفسیر کرده است. در دعاها هم از امام زمان با تعبیر «ربیع الأنام و نضرة الأيام» یاد شده است.^۱ در روایات متعدد آمده است که وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، دست بر سر بندگان خدا می‌گذارد و بدین وسیله عقل‌ها و اخلاق و افکارشان را جامع و کامل می‌سازد: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ (احلامهم)».^۲ در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود: علم، بیست و هفت حرف است، همه آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، وقتی قائم ما خروج کند، بیست و پنج حرف دیگر را هم بیرون می‌آورد و میان مردم نشر می‌کند و آن دو حرف را هم به آن می‌افزاید تا بیست و هفت حرف کامل شود: «فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ...».^۳

فرهنگ
انتظار

پس دوران حکومت آن حضرت، «عصر شکوفایی» است. وقتی خرد و دانش و ایمان مردم شکوفا گردد، زندگی اقتصادی و رفاه و امکانات معیشتی هم رشد خواهد داشت و به فرموده امام علی علیه السلام هدایت و عقل، جایگزین هوای نفس خواهد شد و نتیجه‌اش شکوفایی همه جانبه حیات است.^۴

شلمغانی

شلمغانی که نامش محمد بن علی، ابن عزراست، ابتدا از علمای شیعه و از اصحاب امام عسکری علیه السلام و فردی مورد وثوق و مراجعه مردم و صاحب تألیفات و نقل روایات بود، که بعداً منحرف و مطرود و کشته شد. شلمغان از نواحی واسط عراق است و او اهل آن روستا بود. در دوره غیبت صغری نسبت به نایب سوم امام زمان عجل الله تعالی فرجه حسین بن روح حسد ورزید

۱. مفاتیح الجنان، بخش زیارت آن حضرت.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳. همان.

۴. يعطى الهوى على الهدى... (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸).

و از مذهب شیعه فاصله گرفت و انحرافات در عقیده پیدا کرد، معتقد به حلول و تناسخ شد، خود را ابتدا شریک حسین بن روح در سفارت آن حضرت می‌پنداشت، سپس ادعای سفارت کرد. عده‌ای پیرو او شدند که به «شلمغانیه» مشهورند. حسین بن روح از او برائت جست و او را لعن کرد. شیعیان هم او را طرد کردند. از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز توقیعی در ردّ و لعن او صادر شد.^۱ پیروان او را شلمغانیه و عذاقره گویند.

بر اساس نوشته کتاب «الفرق بین الفرق» وی در سال ۳۲۲ در بغداد پیروانی پیدا کرد و ادعا داشت روح القدس در او حلول کرده و کتابی نوشت و ادعاهایی داشت. موج مخالفت با او زیاد شد، در زمان خلیفه عباسی الرّاضی بالله، علما و قضات، مجلسی ترتیب داده و او را محاکمه کردند و فتوا به قتلش دادند و به دستور خلیفه در همان زمان به دار آویخته شد.^۲ وی از مصادیق کسانی بود که با آن که علم دین و قرآن و حدیث داشت و به موقعیت اجتماعی خوبی هم رسیده بود، هوای نفس و حسد او را به سقوط کشاند و بدعاقبت گشت. شلمغانیه در عصر حاضر دارای تشکیلات سری‌اند و در عراق و جاهای دیگر فعالیت پنهانی دارند و مدعی‌اند که نماینده امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف‌اند و دستورها و راهنمایی‌هایی برای عمل پیروان از او دریافت می‌کنند و با شیوه‌ها و بیان‌های عرفانی افرادی را به خود جذب می‌کنند.^۳

← مدعیان مهدویت، متمهدی، نواب اربعه.

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ← سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شمشیر

در روایات ظهور و احادیث دیگر، مکرر از شمشیر (سیف) یاد شده که کنایه از قدرت نظامی و اجرایی است و این سلاح نبرد و دفاع و مبارزه، در زمان‌های مختلف ممکن است فرق کند. در شباهت‌های سیره مهدوی و سیره نبوی آمده است که آن حضرت مانند رسول

۱. احتجاج طبرسی (چاپ اسوه)، ج ۲، ص ۵۵۳، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۸۰.

۲. الفرق بین الفرق، عبدالقاهر بغدادی، ص ۲۶۴.

۳. المعجم الموضوعی لأحادیث الامام المهدی، الکورانی، ص ۱۱۱۳.

خدا ﷻ اهل شمشیر است و شمشیر از نیام می‌کشد و دشمنان خدا و رسول ﷺ و جبّاران و طاغوت‌ها را می‌کشد.^۱ تعبیر «قیام به سیف»، مفهوم قیام مسلحانه دارد و می‌رساند که آن حضرت با موعظه و سخن کار خود را پیش نمی‌برد و پس از اتمام حجّت‌های کافی، نوبت به استفاده از سلاح می‌رسد. به فرموده امام باقر (ع): شأن و کار او جز با شمشیر نیست «لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا بِالسَّيْفِ»^۲ در شباهت‌های او به پیامبران، اوصافی ذکر شده و شباهتش به سیره نبوی آن است که آثار محمد ﷺ را تبیین می‌کند و ۸ ماه با شمشیر می‌جنگد تا خداوند راضی شود: «وَيَضَعُ السَّيْفَ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ...»^۳.

در حدیث امام صادق (ع) است که آن حضرت با ۳۱۳ نفر از یارانش در مسجد الحرام حضور می‌یابد، یارانی با شمشیرهایی که روی هر شمشیر، نام شخص و نام و مشخصات پدر و دودمانش نوشته، و منادی ندا می‌دهد که اینک این مهدی است که به شیوه داوود و سلیمان قضاوت می‌کند.^۴ هنگام قیام قائم شمشیرهای پیکار فرود می‌آید که روی هر شمشیر نام شخص و پدرش نوشته شده است.^۵ جهاد او مسلحانه و شهادت در سایه شمشیر است «وَمَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ».^۶ روایاتی از این دست بسیار است و مفهوم کلی آن‌ها این است که با استفاده از قوه قهریه، حق را جاری و ستم را برطرف و دشمنان عدالت را سرکوب می‌کند و میان او و عرب و عجم، حاکمی جز شمشیر نیست، اگر حق را می‌ستانند یا حق کسی را می‌دهد در سایه شمشیر و استفاده از قدرت است: «لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ إِلَّا السَّيْفُ، لَا يَأْخُذُهَا إِلَّا بِالسَّيْفِ وَلَا يُعْطِيهَا إِلَّا بِهِ»^۷ روشن است که لزوماً کلمه سیف در آن دوره، به معنی شمشیر نیست، ممکن است سلاح مناسب آن دوره برای حق‌خواهی و

۱. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۸۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۳. همان، ص ۳۴۷.

۴. همان، ص ۳۶۹.

۵. همان، ص ۳۵۶.

۶. همان، ص ۳۵۵.

۷. همان، ص ۳۸۹، حدیث ۲۱۰.

عدالت گستری و کیفر مجرمان و سرکوب معاندان باشد. «شمیر کجست راست کند قامت
دین را».

— قیام به سیف، چگونگی غلبه بر جهان.

شهر منتظران

ترسیم جامعه آرمانی و مردمی که در انتظار ظهور مهدی موعود علیه السلام به سر می برند، بر
اساس روایاتی که شرایط عصر ظهور و اوصاف منتظران و تکالیف مختلف مردم را بیان
می کند، دشوار نیست. رهنمودها روشن و تکالیف معین است و اگر آن ها در جامعه و شهری
تحقق یابد، می توان به آن شهر منتظران یا کشور منتظران نام نهاد. استاد محمد رضا حکیمی
با بیان ظریفی این نکته را چنین ترسیم کرده است:

«تصور کنید که به داخل شهری رسیده اید. در آن جا به شما می گویند: این شهر، شهر
منتظران است، مردم این شهر در حالت انتظار و چشم به راهی به سر می برند. می پرسید:
اینان منتظر چه کسی اند و در انتظار چه چیزی به سر می برند؟ می گویند این مردم چشم به راه
مردی هستند آسمانی، که هم اکنون زنده است و از نظرها پنهان است، او امام آنان است و
ناظر کردار آنان. چشم به راهند که این مرد آسمانی ظاهر شود و جهان را از ظلم و ستم بپیراید
و با صلاح و اصلاح بیاراید و از عدل و فضیلت بیاکند و انسانیت مهضوم را به مقام شامخ
خود برساند و بلوغ روز و بلوغ آفتاب و بلوغ انسانیت و بلوغ خرد را اعلام دارد. این مردم دارای
چنین آرمانی اند و چشم به راه چنین واقعه ای و منتظر چنین پیشوایی.

هنگامی که در دروازه آن شهر چنین بشنوید، با خود می گوئید: به به، آفرین، چه با عظمت
مردمی، چه روشن اندیش قومی، چه پاکدل امتی... آیا اجتماع اینان، روابط انسانی اینان، داد
وستد و معاملات اینان، انصاف و مروت اینان، پاکدامنی و عفاف اینان، انسانیت و فضیلت
اینان، تعهد و تقوای اینان... شور و حماسه و پایداری و صلابت اینان، امید و فعالیت اینان،
نظافت و ظرافت اینان، ذوق و هنر و زیبایی گرایی اینان، توجه به خدا و مناجات اینان،
اقدام و درگیری و سلحشوری اینان، مربیان و عالمان و واعظان و بازارها و معاشر و مساجد

و مدارس اینان، سیاست و مدیریت و حکومت حاکمان اینان، قاضیان و قضاوت اینان چگونه است؟ آیا این مردم چه کسانی اند؟ یکی به درون این شهر روم، شهر منتظران و چشم به راهان. و یکی در احوال آنان بنگرم و لذت برم و روح گیرم و امید اندوزم و پُرشوم و گسترش یابم و عمق پذیرم و ایمان استوار دارم و خویشتن انسانی خویش باز یابم، و بر عظمت والای این عظمت شناسان نماز برم... باید حوزه منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخگوی آنچه یاد شد باشد. و هنوز بهتر و بالاتر... عینیت تشیع منتظر، باید این باشد و این چنین...»^۱.

این آرمان‌های متعالی و اوصاف شایسته در جامعه مهدوی و اقامت منتظر باید تحقق عینی داشته باشد و به صرف ادعای انتظار، نمی‌توان کسی و جامعه و اقامتی را «منتظر ظهور» دانست.

← آرمان شهر، آیین انتظار، انتظار، زندگی مهدوی، حکومت صالحان.

شهرها در روایات عصر ظهور

به جز «اماکن منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» که در این کتاب یاد شد و مواردی چون: سرداب مطهر، مسجد سهله، مقام صاحب الزمان، مسجد جمکران و ... را شامل می‌شد، در روایات عصر ظهور و حوادث مربوط به آن دوره، نام شهرها و مناطق بسیاری آمده است. یکی از محققان شیعه با کاوشی گسترده همه آن‌ها را استخراج کرده و همراه

فرهنگ
انتظار

معجم بلدان عصر الظهور



عبد الرسول زین الدین

روایات و منابعی که این نام‌ها در آن ذکر شده، به صورت یک فرهنگ نامه الفبایی درآورده است و نام آن «معجم بلدان عصر الظهور» است.^۲ در مقدمه، یک تقسیم‌بندی کلی از مناطق

۱. خورشید مغرب، ص ۳۹۲ (با اندکی تلخیص).

۲. اثر عبد الرسول زین الدین، چاپ «منشورات الفجر»، بیروت، چاپ اول ۱۴۳۰ قمری، در ۷۳۵ صفحه.

برخورد و درگیری نیروهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه با معارضان به صورت جبهه شام، جبهه حجاز، جبهه عراق، جبهه خراسان، جبهه روم، جبهه مصر و مغرب، و جبهه غیبی و نیروهای غیر بشری پدید آورده و شهرهای مهم هریک از این جبهه ها را یاد کرده است. در این کتاب نام بیش از ۵۰۰ مکان آمده است، از قبیل: آذربایجان، انطاکیه، ابله، ارض کنعان، بصره، تکریت، جبال رضوی، جلولا، خراسان، دمشق، دجله، ری، زوراء، سواحل الشام، شاطیء الفرات، صنعاء، طائف، ظهر الکوفه، عمورا، غری، فلسطین، قرقسیا، قم، کرخ، کرادیس، لد، مشرق، منبج، مدائن، نجران، نجد، وادی السلام، واسط، یمن، یثرب و

اماکن منسوب به امام زمان، مکان امام زمان، یاران امام زمان. روایت ظهور.

شیعه در عصر ظهور

پیروان اهل بیت علیهم السلام شیعیان علی علیه السلام از آغاز خلافت سقیفه و کنار زدن امامان حق، در مظلومیت و مهجوریت و انزوا قرار گرفتند. دوران امویان و عباسیان، ظلم های بسیاری به ائمه و پیروانشان انجام گرفت، حتی در مقاطعی از تاریخ چهارده قرنه که شیعه در جاهایی به حاکمیت رسید، باز هم مثل دوران محکومیت، مظلوم بود. اما بر اساس روایات، در عصر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه این ظلم برطرف شده و شیعیان در عزت و امنیت و قدرت خواهند بود. از احادیث فراوان، چکیده ای از مضامین آن ها آورده می شود:

امام صادق علیه السلام: شیعیان ما در دولت قائم، سروران و زمامداران زمین می شوند و به هر کدام از آنان نیروی چهل مرد قهرمان داده می شود.^۱

امام صادق علیه السلام: خداوند، خوف و ترس را از دل شیعیان ما برمی کند و آن را در دل دشمنان ما می افکند. هریک از شیعیان ما در آن دوران، بُرنده تراز نیزه و دلیرتر از شیر می شود و دشمنش را با نیزه و شمشیرش زخم و ضربه می زند و پایمال می کند.^۲ شبیه این مضمون از امام باقر علیه السلام هم نقل شده است.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۲. همان، الاختصاص، ص ۸.

امام علی علیه السلام: گویا می نگرم که شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه ها برافراشته اند و به مردم قرآن می آموزند.^۱

امام باقر علیه السلام: هر کس که دارای نقص و معلولیت جسمی باشد و قائم خاندان ما را درک کند، به برکت وجود او از هر ضعف و بیماری بهبود می یابد و قوی می شود.^۲

امام باقر علیه السلام: وقتی مهدی علیه السلام ظهور کند، هریک از مردان شما نیروی چهل مرد را پیدا می کند، دل هایتان همچون پاره های آهن (استوار و محکم) می شود که اگر بخواهید با آن ها کوه ها را در هم بکوبید می توانید و شما آن روز استواران و استوانه های زمین و خزانه داران آن خواهید بود.^۳

امام صادق علیه السلام: وقتی قائم ما قیام کند، خداوند به شنوایی و بینایی شیعیان ما کشف و امتداد می بخشد، تا آن جا که میان آنان و قائم، پیک و واسطه ای نخواهد بود. آن حضرت سخن می گوید و آنان هر جا که هستند، سخن او را می شنوند و چهره او را می بینند.^۴ و در حدیث دیگری است که مؤمن اگر در شرق باشد برادرش را که در غرب است می بیند و آن که در غرب است برادر مؤمن خود را در شرق می بیند (نظیر آن چه امروز با رسانه ها و تلفن های هوشمند ممکن شده است).

امام باقر علیه السلام: در عصر ظهور آن حضرت، مردم مالیات و خراج سرانه خویش را به آن حضرت می پردازند، خداوند هم بر شیعیان ما وسعت و گشایشی می دهد تا حدی که اگر درک سعادت نبود، در اثر این رفاه و امکانات، طغیان می کردند.^۵

مجموعه این ها گویای عزت و اعتلا و قدرت و حاکمیت شیعیان در دولت کریمه امام زمان علیه السلام است و همچنان که در دعای افتتاح آمده است، در دولت مهدی، اسلام و اهل

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۳۱۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

۳. همان، ص ۳۳۵.

۴. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۷، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

ایمان و حق، عزت‌مندند و منافقان و بی‌دینان در ذلت خواهند بود: «تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا التِّفَاقَ وَأَهْلَهُ»

— دولت کریمه، سیمای جهان در عصر ظهور، معزالاولیاء، کارکردهای انقلاب مهدوی.

شیوه‌های فراطبیعی

در نهضت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و غلبه بر قدرت‌ها و تشکیل حکومت جهانی، علاوه بر نقش مردم و فداکاری‌ها و نصرت‌هایشان، مجموعه‌ای از روش‌ها و عوامل فوق طبیعی وجود دارد که به آن رنگ اعجاز می‌دهد. در روایات به نمونه‌هایی از این عوامل و شیوه‌ها اشاره شده است، از جمله:

۱. ورود امام زمان به سرزمین عراق، با هفت کوبه نوری که معلوم نیست او در کدام یک از آنها است.^۱

۲. فرماندهان و کارگزاران و قضات او در محلّ مأموریت، بدون نیاز به ارتباط تلفنی یا پیک و مأمور، به کف دست خود می‌نگرند و «چه باید کرد؟» را می‌بینند.^۲

۳. شیعیان او در اقصی نقاط دوردست جهان، او را می‌بینند و صدایش را می‌شنوند.^۳

۴. در اولین ساعات ندای ظهورش، یاران ۳۱۳ گانه او و همچنین یاران ۱۰ هزار نفری، به سرعت به او می‌پیوندند و در مکه حاضر می‌شوند (سوار بر ابرها، یا با طیّ الأرض یا شیوه‌های دیگر).^۴

۵. ابری آسمانی و ندایی آسمانی در جهان طنین می‌افکند و خبر ظهورش را به گوش همه می‌رساند. یا آن که جبرئیل ندا می‌دهد: «الحقّ مع علیّ و شیعته».^۵

۶. زمین برای او و یارانش در نور دیده می‌شود (طیّ الأرض) و ارتفاعات، برای او پست و

۱. عصر الظهور، ص ۱۳۷.

۲. غیبت نعدانی، ص ۳۱۹.

۳. یوم الخلاص، ص ۳.

۴. همان، ص ۲۸۹.

هموار می‌شود.^۱

۷. مکتوم بودن حاملگی مادر بزرگوارش و ولادت آن حضرت و نبودن علائم حمل، سجده هنگام تولد و خواندن آیاتی از قرآن، نمونه‌های دیگری از بعد فراطبیعی حیات اوست.
 ۸. این که خداوند، کار ظهور او را یک شبه سامان می‌دهد «يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ».
 ۹. این که او از نظرها پنهان است و در دوره غیبت به چشم دیده نمی‌شود.
 ۱۰. عمر طولانی او و ظهورش در سن ۴۰ سالگی با نیرو و نشاط جوانان و... نمونه‌های دیگر.
- گرچه بعضی می‌کوشند این‌ها را به نوعی با پیشرفت دانش بشری و اختراعات و صنایع نو پیوند دهند و آن‌گونه امور را در سایه رشد علمی و ابزار نو طبیعی جلوه دهند، ولی در زندگی انبیای گذشته و قصه‌های حضرت ابراهیم و نوح و یونس و داود و سلیمان و یوسف و موسی و عیسی مسیح و اصحاب کهف و حوادث زمان پیامبر خدا ﷺ هم نمونه‌هایی از عوامل فراطبیعی وجود داشته و تحقق یافته که بعد الهی و قدرت پروردگار را می‌رساند. در قیام جهانی حضرت مهدی عجل تعالی فرجه الشریف هم این‌گونه جلوه‌های ویژه از قدرت خدا وجود دارد که الهی بودن حرکت او را می‌رساند.

← بعد غیبی مهدی موعود، عوامل غیبی و بشری، معجزات امام زمان، ویژگی‌های امام عصر، طول عمر امام زمان، چگونگی غلبه بر جهان.

فرهنگ
انتظار

۱. همان، ص ۲۸۳.

ص

صاحب الأمر

صاحب امر و فرمان. در تعابیر روایات، کلمه «امر» بسیاری از اوقات به مفهوم امامت و رهبری اهل بیت علیهم السلام است و به همین معنی اطاعت از «اولی الامر» در قرآن به اطاعت از ائمه تفسیر شده است. «امر»، هم به معنای کنایی خلافت و زعامت است، هم به معنای دستور و فرمان که از سوی حاکم صادر می شود. بنابراین همه امامان «صاحب الامر» ند، اما این لقب، اختصاصاً در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه به کار می رود. علی علیه السلام فرمود: «صاحبُ هذا الأمر من ولدی»^۱ صاحب این امر، از فرزندان من است. احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام درباره صاحب این امر (یعنی مقام و امر امامت) پرسیدم.^۲ در حدیث است: در صاحب الامر سنتی از موسی است. امام باقر علیه السلام فرمود: صاحب این امر، خانه ای دارد به نام «بیت الحمد». امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عمر صاحب الامر را طولانی می کند همچنان که به نوح، عمر طولانی بخشید.^۳ مواردی از این قبیل که در روایات زیاد است، نشان می دهد که این لقب و اصطلاح در مورد آن حضرت، رایج بوده است. به ما هم می آموزد که او صاحب امر و فرمان است و ما باید مطیع فرمان او باشیم که حجت خدا بر همگان است. سرود معروف «سلام فرمانده» هم به این نکته اشاره دارد.

«امر، امر الله، صاحب الزمان، نامها و اوصاف و القاب.

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. همان، ص ۲۷.

صاحب الدّار ← نامها و اوصاف و القاب

صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

لقب مشهور امام دوازدهم. هرامامی صاحب زمان خویش و حجت خدا در آن عصر و برای مردم زمان خود است، ولی صاحب الزّمان به صورت مطلق، عنوانی برای امام عصر است که از زمان امام عسکری علیه السلام تا کنون، حجت الهی در زمین و صاحب اصلی جهان است. این تعبیر در روایات و زیارت نامه ها درباره او به کار رفته است. امام صادق علیه السلام درباره امامان حق فرمود: آخرین آنان قائم به حق و بقیه الله در زمین و صاحب الزمان است.^۱ در حدیث نبوی هم آمده است: هر کس دوست دارد خدا را با ایمان کامل ملاقات کند و اسلامش نیکو باشد «فَلْيُؤَالَ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمانِ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ الْمُهْدِيَّ»^۲، با صاحب الزمان، حجت، قائم، منتظر و مهدی موالات و دوستی داشته باشد. ابوهارون گفته است: صاحب الزمان را دیدم، با چهره ای نورانی همچون ماه.^۳ در یکی از دعاها هم آمده است: «الْعَجَلُ، الْعَجَلُ؛ يَا مَوْلای یا صَاحِبَ الزَّمانِ».^۴

فرهنگ
انتظار

به هر حال، القابی که با «صاحب» شروع می شود درباره آن حضرت متعدد است، همچون: صاحب الأمر، صاحب الدعوه، صاحب العصر، صاحب السیف، صاحب الدّار، صاحب الغیبة، صاحب الناحیه، صاحب الرجعه، صاحب الدّوله.^۵

ای تو صاحب زمان، ای تو صاحب زمین

ای بهار جاودان، ای بهار آفرین

۱. کمال الدین، ص ۳۴۲.

۲. الفضائل، ص ۱۶۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵.

۴. همان، ج ۵۳، ص ۹۷.

۵. یکی از دانشمندان ادیب لبنایی در یکی از کنگره های نهج البلاغه که در ایران برگزار می شد، تعبیری ذوقی از صاحب الزمان داشت، می گفت: معنای آن این است: صاح بالزّمان، یعنی زمان را صدا بزن، زمان را فرا بخوان، چرا که او فریادگر عصرها و زمان هاست و تاریخ و زمان را به حق فرامی خواند. طبق این تعبیر می توان درباره القاب دیگر هم گفت: صاح بالأمر، صاح بالعصر، صاح بالسیف....

دل جدا زیاد تو، آشیانه‌ای خراب و بی صفاست

یاد سبز و روح بخش تو

یاد لطف بی نهایت خداست

ای بهار جاودان، ای امید آخرین^۱

← صاحب العصر، زمان و مهدی، حجت شناسی، امام زمان علیه السلام.

صاحب الغیبه ← نامها و اوصاف و القاب

صبر در عصر غیبت

صبر و مقاومت، در هر زمان و نسبت به هر چیز، شکل خاص دارد. در روایات مربوط به غیبت امام زمان علیه السلام از صبر و فضیلت آن بسیار یاد شده است. با توجه به اینکه زمان غیبت بسیار طول می کشد، شوق دیدار در منتظران زیاد است، فتنه ها و فسادها در آخر الزمان افزایش می یابد، طعنه ها، طنزها، تحقیرها و استهزاءها نسبت به مؤمنان منتظر وجود دارد، بلاهای اجتماعی افزون می شود، در همه این موارد باید صبر کرد. بعضی از طول کشیدن زمان غیبت به ستوه می آیند و گاهی هم به تردید می افتند، «صبر بر طول غیبت» در این مورد کارساز است. بعضی منتظران از مخالفان، طعنه و استهزاء می شنوند. در راه عقیده باید برای آزارهای روحی صبور بود. بعضی تاب تحمل سختی ها و بلاهای دوران غیبت را ندارند، صبر به آنان نیروی مقاومت می بخشد، بعضی به سبب رواج فساد و حرام و گناه، به آلودگی های اخلاقی کشیده می شوند. صبر در این گونه موارد، گوهر تقوا را برای مؤمن حفظ می کند. در روایات از دینداران در آخر الزمان ستایش شده است، چون در راه حفظ عقیده و ایمان خود مقاومت می کنند. حفظ ایمان در آن دوره به نگه داشتن آتش در کف دست تشبیه شده که طاقت فرسا است. به فرموده امام علی علیه السلام: برای آن حضرت، غیبت و دوران حیرت است که اقوامی در آن مدت گمراه می شوند و عده ای دیگر بر هدایت باقی می مانند.^۲ امام صادق علیه السلام

۱. از نویسنده. برگ و بار، ص ۱۲۲.

۲. کتاب الغیبه، طوسی، ص ۱۶۵.

درباره کسانی که با عقیده و انتظار قائم از دنیا بروند فرمود: آنان همچون کسانی اند که در خیمه آن حضرت با اویند، یا مثل همراهان رسول خدا ﷺ هستند و امام سجّاد علیه السلام فرمود: «مَنْ ثَبَتَ عَلَى وَلَايَتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ»^۱، کسی که در دوره غیبت قائم ما بروایت ما باقی بماند، خداوند پاداش هزار شهید همچون شهدای بدر و احد به او می دهد. ثابت قدم ماندن در عصر غیبت برایمان و عقیده و عمل به وظیفه و داشتن زندگی تقوایی و دچار تزلزل نشدن، جایگاه «صابران» است و پاداش مضاعف دارند.

سربه این در تا به محشر می زنیم	جمعه ها بر درگهت در می زنیم
ما همه گمگشته و پیدا تویی	ما همه لب تشنه و سقا تویی

— آزمایش و امتحان، دینداری در عصر غیبت، آیین انتظار.

صلح جهانی

همزیستی مسالمت آمیز انسان ها و پایان تعدی ها و تجاوزها به حقوق دیگران و برخورداری همه از امنیت و صلح، از آرزوهای دیرین انسان است که آن را در «مدینه فاضله» و «آرمان شهر» می جوید. دستیابی به این مقصود، زیرساخت های فکری و اجتماعی و تضمین های عملی و رفتاری می طلبد. در عصر ظهور، طبق وعده های اولیای دینی چنین وضعیتی پیش خواهد آمد و جهان عاری از خشونت و تجاوز و ناامنی تحقق خواهد یافت. گرچه در طلیعه دولت کریمه مهدی، جنگ های متعددی رخ خواهد داد، ولی آن جنگ ها برای تأمین صلح است و سپاه امام زمان علیه السلام با مستکبران و ظالمان جنگ افروز می جنگد، تا جنگی نباشد، همچنان که نبردهای رسول خدا ﷺ با مشرکین و منافقین برای از بین بردن جنگ و تجاوز و ایجاد صلح و عدالت و امنیت برای عموم بود. خداوند دستور داد با کفار متجاوز بجنگد تا «فتنه» ای نماند: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ»^۲.

با خصم می جنگیم تا جنگی نباشد بر دامن نام آوران ننگی نباشد

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۲. بقره، آیه ۱۹۳.

با نیزه خون، فتنه‌ها را می‌شکافیم تا هر فراز نیزه، نیرنگی نباشد^۱
 از بین بردن سلاح‌های کشتار جمعی، منع مسابقه تسلیحاتی، از بین بردن زرادخانه‌های
 عظیم و تهدید آمیز برای رسیدن به فضای امن و صلح آمیز، ضروری است، و این در صورتی
 تحقق می‌یابد که مردم جهان، زیر چتر «امت واحده» سامان پذیرند، حرص و آزو طمع، افزون
 طلبی، استعلاء، جاه‌طلبی، قدرت‌طلبی فرعون‌ی و تکاثر قارونی از بین برود، ملی‌گرایی و
 ناسیونالیسم، جای خود را به انسان‌گرایی بدهد، زرمنداری و زورمنداری، به حق‌گرایی تبدیل
 شود، قدرت تحمل و شکیبایی مردم بالا برود، قانون‌مندی و تعهد نسبت به حقوق دیگران
 ارزش به حساب آید، ثروت‌های ملی عادلانه و با رعایت عدل تقسیم گردد، مردم فروتنانه تن
 به عدالت و قسط بدهند، این‌ها در دوره ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل خواهد گرفت.
 بر اساس روایات، در دولت مهدوی، امنیت اقتصادی، روانی، قضایی، سیاسی و
 حکومتی، عقیدتی و فرهنگی پدید می‌آید، آن حضرت دست بر سر مردم می‌نهد و عقول آنان
 به کمال می‌رسد، چون قائم قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها می‌رود، حیوانات هم با هم سازگار
 خواهند بود، راه‌ها امن می‌گردد، تا آن جا که یک زن به تنهایی با همه زیورآلاتش از عراق تا
 شام می‌رود و کسی متعرض او نمی‌شود.^۲ این‌ها مصداق‌هایی از صلح جهانی است که
 در سایه اجرای قوانین الهی و رشد و تعالی انسان‌ها در فکر و عمل و از بین رفتن قدرت‌های
 سلطه‌جو و افراد توسعه طلب و نظام‌های استعماری به دست می‌آید.
 صلح جهانی با امنیت عمومی هم در ارتباط است. اگر امنیت نباشد صلح هم نیست.
 اگر صلح نباشد امنیت هم نخواهد بود. حکومت امام زمان، هم دوران حاکمیت عدل
 است، هم صلح. وعده الهی به مؤمنان صالح آن است که به خلافت روی زمین می‌رسند
 (استخلاف) و دین پسندیده الهی حاکم و متمکن می‌شود، و خوف‌بندگان به امنیتی تبدیل
 می‌گردد که بی‌هراس و بی‌شرک، خدای یکتا را عبادت می‌کنند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا ...»

۱. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۶۱.

۲. خصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۱۸.

وَلْيُبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا^۱. همچنان که اشاره شد، اگرپیکاری هم در آیین الهی تشریع شده است برای رفع ستم از مظلومان است: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتَهُمْ ظُلْمُوا»^۲. خلاصه آن که مهدی باوری و موعودگرایی، رویکردی به «صلح جهانی» دارد که در سایه حاکمیت دین و حکومت دینداران صالح فراهم می شود و «نگرش قرآنی و انسان شناختی دینی، بدین نوید و امید فرجام می پذیرد که بشریت، نه تنها می تواند جامعه یگانه برخورداری از صلح و صمیمیت تشکیل دهد، که برپایی و استقرار جامعه عاری از خوف، ترس، فقر، ستم، جهل و نگرانی، و آکنده و لبریز از صلح، عدالت، آشتی، امنیت، رفاه فوق نیاز و دانشوری همگانی و تکامل عقلانی، غایت قطعی، فرجام گریزناپذیر و ایستگاه پایانی سیر تاریخ انسانی است. این هندسه فکری وحدت گرا، صلح طلب، غایت نگر و نوید بخش اسلامی با کد «فرهنگ انتظار» تعریف و بارهبری مردان برتر و صالح، عملیاتی می شود.»^۳

—امن و امان، حکومت واحد جهانی، کارکردهای انقلاب مهدوی، فرج.

صهیونیسم مسیحی، مسیحیت صهیونیستی

مقصود از این ترکیب، جریانی ضد اسلامی و ضد شیعی است که با همکاری و نقشه های گسترده یهودیان و مسیحیان متعصب پدید آمده است. در این زمینه گفتنی بسیار است، اما فشرده موضوع چنین است که: شاخه ای افراطی از مسیحیان پروتستان آمریکایی وجود دارد که حامی سرسخت اسرائیل و صهیونیسم اند و چون معتقدند که باید دوباره به انجیل برگردند و زمینه بازگشت مسیح را فراهم سازند و در آمریکا حکومتی بر بنیادهای انجیل و باتکیه بر قدرت مطبوعات و رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی و فیلم های هالیوودی به وجود آورند و در مراکز قدرت نفوذ کنند، یهودیان سراسر جهان را به فلسطین آورند، اسرائیل بزرگ را از نیل تا فرات بوجود آورند و یهودیان جهان را به مهاجرت به آن جاتشویق کنند. همین تصورات و ایده ها، منتهی به تشکیل اسرائیل از راه غصب فلسطین شد. از دید آنان، در آخر الزمان و

۱. نور، آیه ۵۵.

۲. حج، آیه ۳۹.

۳. گفتمان مهدویت، گفتمان نهم، ج ۱، ص ۱۹۶.

به عنوان مقدمه بازگشت مسیح، جنگی عظیم رخ می دهد (آرماگدون)، مسیحیان دوباره متولد می شوند و به بهشت منتقل می گردند و با این جنگ، مسیح ظهور می کند و دشمنان شکست می خورند.

براین مبنا، میان صهیونیست های یهودی و مسیحی اتحاد به وجود می آید و با برخورداری از حمایت مسیحیان سراسر جهان، کشورهای اسلامی را در همه عرصه ها تضعیف می کنند. برای دست یافتن به این هدف، باید بر سرزمین بابل (عراق) تسلط یابند، فرات را خشک کنند، فلسطینیان و عرب ها را نسل کشی و نابود کنند و از راه تسلط بر وسایل ارتباط جمعی، مردم دنیا را به این باور برسانند و نفرت جهانیان را علیه عرب ها و مسلمانان برانگیزند. حادثه ۱۱ سپتامبر، اشغال افغانستان و عراق، در همین راستا شکل گرفت. نویسندگان غربی هم این اعتقادات را «تروریسم مقدس» نامیدند و از طریق فیلم های سینمایی هالیوودی و بازی های کامپیوتری و رسانه ها در چند دهه اخیر، به القای آموزه های آخرالزمانی توراتی پرداختند و موج نفرت از مسلمانان و شیعیان را به راه انداختند، حتی در اسرائیل، پژوهشکده ها و سمینارهایی برای شیعه شناسی برپا کردند^۱ و با تمسک به قریب الوقوع بودن ظهور حضرت مسیح و حتمی جلوه دادن سلطه یهود و مسیحیت بر کل جهان به ایجاد تفرقه میان مسلمانان پرداختند. تأسیس و ترویج فرقه هایی همچون بهائیت، بابیت و شیخیه را باید از همین منظر تحلیل کرد و دست آنان را در این ماجراها خواند.

از آن جا که تفکر اسلامی و شیعی و ایده مهدویت با قرائت تشیع، تهدیدی علیه فرهنگ و تمدن الحادی و سیاست استکباری آمریکا و غرب بود، هجمه خود را بیشتر متوجه این جریان ساختند و اظهار نمودند که شیعه با «نهضت سرخ عاشورا» و «باور سبز مهدوی» مانع تحقق این اهداف است، پس باید این دو بال پرواز شیعه را قیچی کرد. از این رو علیه عاشورا و مهدویت برنامه ریختند تا این دو بال را بشکنند و به انحراف و ضعف بکشانند و چهره مقدس موعودی را که شیعه برای آخرالزمان نوید می دهد مخدوش کنند و آخرالزمانی

۱. رک: تشیع، مقاومت و انقلاب، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو، ۱۹۸۴.

به روایت خودشان را جا بیندازند. محصول کارهای تبلیغی و فیلم و رسانه‌های آنان نشان دادن چهره‌ای خشن از اسلام و «مهدی موعود» بود. این حرکت، یعنی اتحاد نامقدس صهیونیسم و مسیحیت، بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گسترده‌تر شدن طرح مهدویت و پیدایش جبهه مقاومت در سال‌های اخیر، شکل ویژه‌تری به خود گرفته و فعال‌تر شده است. با ایجاد کینه علیه مسلمین و بسیج همه نیروها و امکانات علیه موج اسلام‌گرایی و کشورهای اسلامی و نابود ساختن سرزمین‌های اسلامی به عنوان رفع موانع پیش روی اسرائیل، به سرکوب حرکت‌های عدالت‌خواه مسلمانان و شیعیان می‌پردازند و همه جافته می‌آفرینند.

پس می‌توان گفت: «صهیونیسم مسیحی و مسیحیت صهیونیستی»، جریانی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی علیه رشد اسلام و تشیع است، که در قالب‌های گوناگون به فعالیت مشغول است و پشت صحنه دولت استکباری آمریکا هم، همین جریان پرنفوذ قرار دارد و برای آمریکا و دنیا طرح و نقشه می‌کشد. طرح انتقال پایتخت اسرائیل به قدس و تلاش برای عادی‌سازی رابطه کشورهای عربی با رژیم اشغال‌گرنیز در همین راستا است.^۱ البته این‌ها طرح‌ها و آرزوهای آنان است، ولی موج بیداری در جهان و رشد حرکت‌های انقلابی و محور مقاومت و فروریختن هیمنه استکبار و آشکار شدن ضعف و شکست‌پذیری اسرائیل، خلاف آن را می‌رساند. امید آن که تحولات جهانی، مقدمه ظهور و زمینه ساز آمدن منجی موعود باشد.

← آرمادون، دشمن شناسی، مدعیان مهدویت، آخر الزمان، آسیب شناسی مهدویت، بال سرخ شهادت.

صیحه آسمانی ← ندای آسمانی

۱. اقتباس از مطالب مربوط در «موعودنامه» تونه‌ای و «موعودشناسی» رضوانی و منابع دیگر، در این موضوع، از جمله رک: پژوهش صهیونیست (جمعی از نویسندگان)، مؤسسه ضیاء اندیشه.

ط . ظ

طالقان ← یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

طاووس بهشتیان



برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعاها و روایات، اوصاف فراوانی ذکر شده است، یکی هم طاووس بهشتیان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم سیمای آن حضرت را زیبا همچون ماه دانسته، هم فرموده است: «أَلْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلُ الْجَنَّةِ»^۱ روشن است که طاووس در میان پرندگان زیباترین است.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در میان اهل بهشت، برترین جلوه و زیبایی را دارد.

چو مصطفی که بود ختم انبیای عظام به اوصیا خَلَف خاتم است و نور هُداست
شجاعتش چو حسین و محاسنش چو حسن بتول عصمت و حیدر سخا و کانِ عطاست
چه شهر علم بود باقر العلوم زمان به زهد و حلم، چو سجاد، در نهان و مَلاست^۲
سَنام‌ها و اوصاف و القاب، سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

طلوع خورشید از مغرب ← علائم ظهور، اَشراط الساعه

طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از مباحث کهن دربارهٔ امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف طول عمر آن حضرت است، با توجه به ولادت او در سال ۲۵۵ هجری در سامرا و قطعی بودن این حادثه با دلایل بسیار و این که تا

۱. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۷۱، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۹۱.

۲. صابر همدانی.

کنون زنده است و روزی ظهور خواهد کرد، مسأله عمر بلند او مورد بحث بوده که چگونه یک انسان می‌تواند هزار و چند صد سال عمر کند؟ در روایات، از عمر طولانی و غیبت دراز مدّت او بسیار سخن گفته شده، حتّی به شک و تردید افتادن بعضی به سبب زمان بلند غیبت و این که صاحبان ایمان قوی برای عقیده استوار می‌مانند نیز اشاره شده است.

بعضی مسأله را به قدرت و مشیّت خداوند و اعجاز الهی ربط داده‌اند، بعضی هم کوشیده‌اند ثابت کنند که عمر طبیعی انسان اگر سالم و صحیح زندگی کند، می‌تواند طولانی‌تر از این ۷۰ - ۸۰ سال هم باشد، پس دلیلی ندارد که بی‌جهت، عمر آن حضرت به همین اندازه‌ها باشد. برخی هم با مثال آوردن از عمرهای بسیار طولانی کسانی که در گذشته بوده‌اند و نام بردن از معمرین، مسأله را ممکن و بی‌اشکال بدانند و استدلال کنند که مهم‌ترین دلیل بر امکان یک چیز، وقوع و تحقق آن است، وقتی در گذشته کسانی عمر هزار ساله داشته‌اند، طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چندان شگفت نیست. استدلال‌های فلسفی، تاریخی، عقلی و علمی بر امکان دراز زیستی انسان و طول عمر، اثبات می‌کند که زیستن دراز مدّت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بی‌اشکال است. افزون بر این که اگر خداوند که پدید آورنده همه قواعد طبیعی حاکم بر حیات انسان‌ها و جهان است بخواهد، می‌تواند به کسی عمری طولانی عطا کند و او را از بیماری و کهنسنت و ضعف و حوادث و مرگ و میر حفظ کند و چون درباره آخر الزّمان و پایان دنیا، آن حضرت را ذخیره کرده تا جهان را اصلاح و عدالت را حاکم سازد، شرایط آن را هم تدبیر کرده است. طول عمر هم یکی از سنّت‌های پیامبران پیشین است که در امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم وجود دارد. باری در این زمینه، مباحث بسیار است و علاقه‌مندان به کتاب‌های دیگر مراجعه کنند.^۱ در این جا چند نکته مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. در کتاب «کمال الدین» صدوق، ص ۵۵۵ به بعد، فهرستی از معمرین که عمرهای چند صد ساله داشته‌اند آورده است، همچون اوس بن ربیع، نصر بن دهمان، ثعلبة بن کعب، عدی بن حاتم، سیف بن وهب، لقمان حکیم، معدی کرب، عوف بن کنانه و بسیاری دیگر،

۱. از جمله: رک: دیرزیستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدی کامران.

و می افزاید: اخبار صحیح از معصومین درباره غیبت حجت های الهی در قرون گذشته نقل شده، پس راهی برای انکار قائم علیه السلام به خاطر غیبت و طول عمرش نیست و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر چه در امت های گذشته بوده، عیناً در این امت هم نمونه و نظیر دارد.^۱

۲. علامه مجلسی در بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۵ تا ۲۹۳ انبوهی از روایات و نمونه های تاریخی را درباره معمرین نقل کرده است و منابع کهن هم با نقل این نمونه ها، می گویند که منکرین و مخالفین، هیچ دلیلی برای محال بودن طول عمر ندارند، تنها آن را بعید و غیر معمول می دانند (استبعاد) و این نمونه ها استبعاد را هم نفی می کند. علوم پزشکی و تحقیقات آن هم ثابت می کند که عمر انسان به این اندازه معمول محدود نیست و برای زیستن و ادامه حیات طولانی تر ساخته شده، ولی بی تدبیری ها و مراقبت نکردن ها از میزان آن می کاهد. تأثیر غذا، استداد طول عمر هم روشن است، عوامل مؤثر در پیری زودرس هم فراوان است.

۳. در منابع مختلف، این گونه عمرهای طولانی نقل شده است: خضر ۱۰۰۰ سال، نوح ۲۵۰۰ سال، لقمان ۳۵۰۰ سال، شیث فرزند آدم ۹۱۲ سال، آدم ۹۳۰ سال، ادریس ۸۶۲ سال، سلیمان ۷۱۲ سال، سام پسر نوح ۶۰۰ سال، سلمان فارسی ۲۵۰ سال، ذوالقرنین ۳۰۰۰ سال، سطیح کاهن ۶۰۰ سال و طهمورث ۱۵۰۰ سال و ...

۴. کتاب های متعددی نیز از دیرباز درباره معمرین نوشته شده است، همچون: «المعمرین»، هشام بن محمد کلبی، «المعمرون والوصایا»، سهل بن محمد سجستانی، «الامام المهدی»، علی محمد دخیل.^۲

۴. امام عسکری علیه السلام فرمود: فرزندانم، قائم پس از من است. سنت های پیامبران قبلی یعنی عمر طولانی و غیبت درباره او هم جاری می شود و غیبت او آن قدر طول می کشد که به خاطر این زمان دراز، دل ها را قساوت می گیرد و جز آنان که خداوند در دلشان ایمان را تثبیت کرده و

۱. کمال الدین، ص ۵۷۶.

۲. خورشید مغرب، ص ۲۴۹، نیز رک: کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۳۳.

با روح خود تأییدشان نموده، براین سخن و باور ثابت نمی مانند: «... هُوَ الَّذِي تَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ بِالتَّعْمِيرِ وَالْغَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو قُلُوبُ لَطُولِ الْأَمَدِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدُهُ بِرُوحٍ مِنْهُ»^۱.

به امید پایان یافتن این انتظار و فرارسیدن فرج آن حضرت.^۲

حکیمی کاین جهان پاینده دارد تواند حجتی را زنده دارد
بعد غیبی مهدی موعود، ویژگی های امام عصر، شیوه های فراطبیعی، عوامل غیبی
و بشری، چگونگی غلبه بر جهان، معمرین

طی الارض

طی الارض یعنی پیمودن زمین. هر که در روی زمین راه می رود، زمین را می پیماید، ولی این اصطلاح، پیمودن به صورت غیر عادی و سریع است و در اولیای الهی و معصومین رخ می دهد، به نحوی که از شهری به شهری و از جایی به جایی را در کمترین لحظه طی می کنند. از ویژگی های امام زمان یکی هم این است که زمین زیر پای او در نور دیده می شود، یا یارانش از اطراف و مناطق دور و نزدیک در کمترین زمان با طی الارض در آغاز ظهور آن حضرت خود را به مکه می رسانند و کنار کعبه با امام زمان بیعت می کنند. امام باقر (ع) در حدیثی ضمن بیان خصوصیات آن حضرت می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ»^۳ او کسی است که زمین برای او در نور دیده و طی می شود. امام صادق (ع) چنین ویژگی و قدرت را برای اوصیای

فرمانی
انتظار

۱. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۷۲. آیه الله صافی گلپایگانی در باورقی کتاب خود در ذیل این احادیث، بحثی مبسوط و مستند و علمی درباره طول عمر آن حضرت و دفع شبهه ها و ذکر مؤیدات دارد.

۲. منابعی که درباره مسأله طول عمر آن حضرت، بحث کرده است بسیار است، از جمله رک: مهدی موعود، علی دوانی، مشکلات مذهبی روز، شهید هاشمی نژاد، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، شهید پاک نژاد، ج ۲، دادگستر جهان، ابراهیم امینی، موعودی که جهان در انتظار اوست، علی دوانی، نوید امن و امان، لطف الله صافی، روز رهایی، کامل سلیمان (ترجمه يوم الخلاص)، خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، «الامام المهدي»، علی محمد دخیل، کشف الغمّه، اربلی، ج ۳، معارف مهدوی، جمعی از محققان، مقاله «حیات امام مهدی (ع)»، امامت و مهدویت، لطف الله صافی.

۳. کمال الدین، ص ۳۷۲ و ۳۷۸، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱ و ۳۲۲ و ۳۹۰.

الهی دانسته و فرموده است: «إِنَّ الْأَوْصِيَاءَ لَتُطَوَّى لَهُمُ الْأَرْضُ وَيَعْلَمُونَ مَا عِنْدَ أَصْحَابِهِمْ»^۱ زمین برای اوصیا در نور دیده می شود و آنان از آن چه نزد اصحابشان است با خبرند. قدرت بر طی الارض، مخصوص اوصیا نیست. بندگان صالحی هم بوده اند که با طی الارض در یک چشم به هم زدن از شهری به شهر دیگر رفته اند و قصه های آنان در کتاب های کرامات بزرگان آمده است. در حدیثی امام صادق علیه السلام این کرامت را برای اصحاب خاص امام زمان هم بیان کرده و فرموده است: پیروان آن حضرت با طی الارض از اطراف زمین خود را نزد اومی رسانند تا در آغاز ظهور با او بیعت کنند: «فَيَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطَوَّى لَهُمُ الْأَرْضُ طَيًّا حَتَّى يُبَايَعُوهُ»^۲.

— ویژگی های امام عصر، بعد غیبی مهدی موعود، شیوه های فراطبیعی، عوامل غیبی و بشری —

ظهور

ظهور در مقابل غیبت و خفاست. امام زمان علیه السلام در دوره ای ظهور داشته، اما او را از نظرها پنهان می کردند. مثل زمان امام عسکری علیه السلام. در دوره ای هم در خفا بوده، ولی با چهار نماینده خاص با اقامت در ارتباط بوده است، یعنی دوره ۶۹ ساله غیبت صغری، از آن پس غیبت تام واقع شد و نهان زیستی داشت تا امروز و تا زمانی که خداوند اذن ظهور دهد. از این مرحله در روایات، با تعبیر ظهور، خروج، قیام یاد شده است و عصر حضور آشکار او را «عصر ظهور» گویند، در مقابل عصر خفا و غیبت. اکنون هم به یک معنی او غایب نیست، بلکه حاضر است ولی دیده نمی شود.

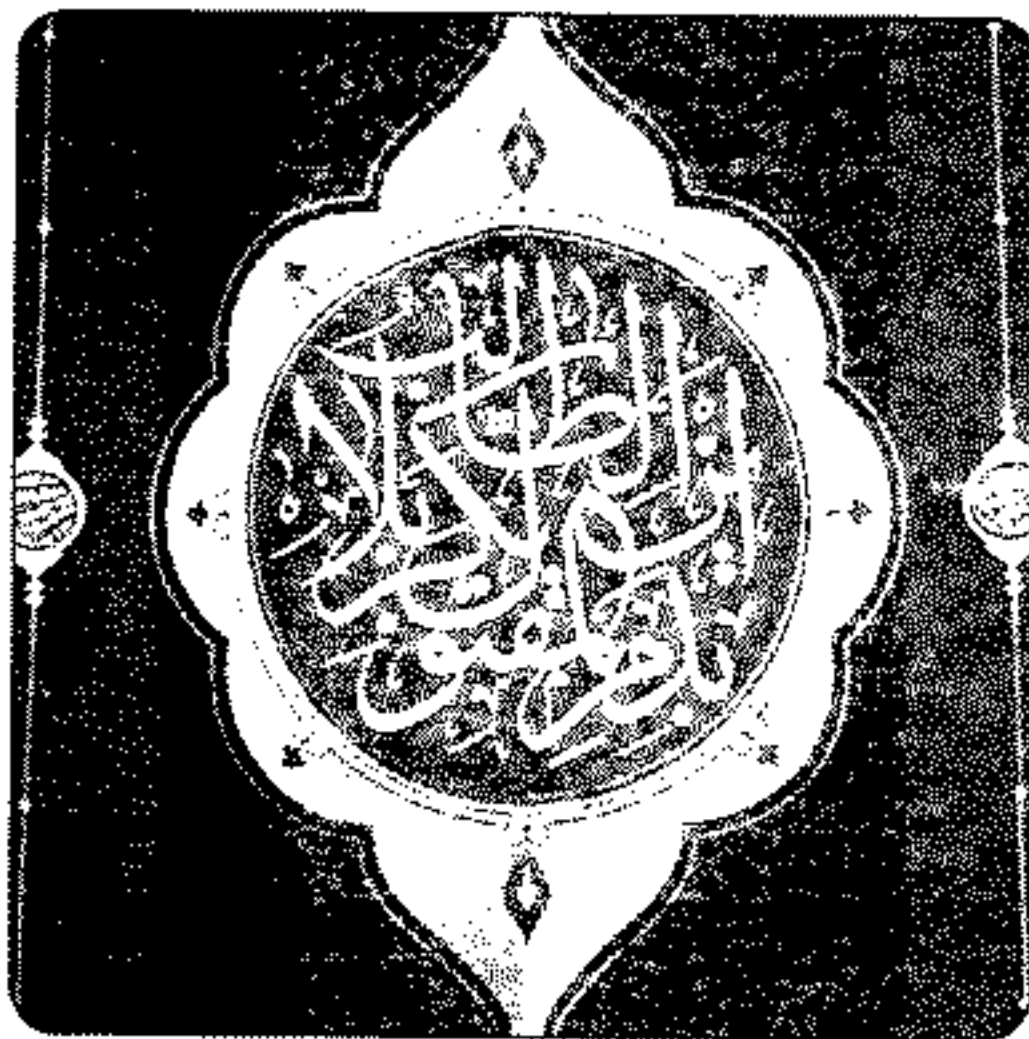
— غیبت شأیه و حضرت شئونیه، غیبت، عصر ظهور —

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۷۰.

۲. فرهنگنامه مهدویت، ص ۲۶۵ به نقل از روضة الواعظین، ص ۲۶۳.

ع . غ

عاشورا و انتقام



فرهنگ
انتظار

واقعه عاشورا، بزرگترین ظلمی بود که در حق اهل بیت عصمت انجام گرفت و خون‌هایی به ناحق ریخت. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات و زیارت‌نامه‌ها به عنوان منتقم و خونخواه کشتگان عاشورا معرفی شده است: «أَيُّنَ الظَّالِمُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ» و در زیارت عاشورا از خداوند می‌طلبیم که ما را از خونخواهان سید الشهدا علیه السلام در رکاب

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دهد: (أَنْ يَرْزُقَنِي ظَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ)^۱. امام باقر علیه السلام نیز در کیفیت تسلیت گویی به یکدیگر در روز عاشورا، فرمود چنین بگویید: خداوند پاداش ما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ داد و ما و شما را از خونخواهان او در رکاب امام مهدی آل محمد قرار دهد.^۲ شعاریاران امام زمان علیه السلام نیز هنگام حرکت برای این خونخواهی بزرگ، «يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ» است.^۳

← يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ، منتقم.

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

۲. همان، اعمال روز عاشورا.

۳. الملاحم والفتن، ص ۵۲.

عاقبة الدّار ← نامها و اوصاف و القاب

عبدالله ← نامها و اوصاف و القاب

عثمان بن سعید ← نواب اربعه

عَجَّلَ اللهُ فَرْجَهُ

دعایی است که هنگام نام بردن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته می شود، یعنی خداوند، فرج و گشایش او را زود قرار دهد و در ظهورش تعجیل کند. درخواست فرج و تعجیل در ظهور در دعاها و زیارت نامه ها آمده است و خوب است که انسان منتظر، آرزوی قلبی اش ظهور هر چه زودتر آن حضرت باشد و هنگام یاد و نام بردن از آن امام، چنین دعا کند، تا با ظهور او گرفتاری ها و نابسامانی ها برطرف شود و دولت حق و عدل، برپا گردد. در روایتی امام زمان توصیه می فرماید که برای تعجیل فرج دعا کنید، چرا که فرج شما در همین دعاست.^۱ این تعبیر و دعا، گاهی هم به صورت «وَعَجَّلَ فَرْجَهُ» گفته می شود.

«العجل، دعا برای فرج، دعای فرج، استعجال، یاد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».

عدالت

از شاخصه های حکومت مهدوی «عدالت» است. برپایی عدالت جهانی و از بین بردن ظلم از پرکاربردترین واژه ها و موارد درباره آن حضرت است و این نکته که وقتی جهان پر از ظلم و ستم شده باشد، قیام می کند و دنیا را پر از قسط و عدل می سازد، فراوان در روایت آمده است و اگر او را «پیشوای عدالت گستر» و تجسم عدالت جهانی بشماریم درست گفته ایم. حدیث نبوی «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»^۲ مشهور است. بالا تر از این، آن که او «عدالت موعود» است: «الْعَدْلُ الْمُنْتَظَر»^۳.

در دولت امام زمان، هم قضاوت ها عادلانه و از سوی قاضیان عادل است، هم تقسیم

۱. أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ فَرْجَكُمْ (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷).

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۲۵۷ و ۲۶۲.

۳. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

مال بین مردم به صورت برابر و عادلانه است، هم بهره‌برداری از منابع طبیعی و ذخایر زمین و امکانات موجود در جهان و صرف آن‌ها در راه مصالح عموم، براساس عدالت است، سایه عدالتش همه جا را می‌گیرد و به تعبیر امام صادق علیه السلام: همان‌گونه که سرما و گرما به خانه‌ها نفوذ می‌کند، عدالت او هم به همه خانه‌ها وارد می‌شود: «لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ»^۱. امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی قائم اهل بیت قیام کند، تقسیم ثروت را یکسان و رفتار با مردم را به عدالت خواهد داشت: «قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ»^۲. حتی در امور دینی هم عدالت او به جامعه می‌رسد. به فرموده امام صادق علیه السلام: اولین عدالتی که از حضرت قائم آشکار می‌شود، آن است که از طرف او نداداده می‌شود: آنان که حج مستحبی انجام می‌دهند، حجرالأسود و طواف کعبه را برای آنان که حج واجب دارند واگذارند،^۳ تا بتوانند راحت‌تر به فریضه دینی خود و دور از ازدحام، عمل کنند.

شیوه عدالت اقتصادی او برپایه مساوات، پیروی از سنت نبوی و سیره علوی است که آن حضرات هم حقوق و بیت المال و غنایم را به تساوی قسمت می‌کردند. در اثر عدالت مهدوی، دیگر نیازمند به زکات باقی نمی‌ماند و همه به رفاه می‌رسند.^۴

آن لحظه‌های سبز فرج آرزوی ماست
خوش فرصتی است فرصت آدینه ظهور
پایان انتظار، سراغاز دیگری است
آغاز روزگار سرافرازی و سرور^۵
— عصر ظهور، عدالت جهانی، قضاوت داود و سلیمان، سیره مهدوی.

عدالت جهانی

بیشترین رنجی که بشر دیده و چشیده است، از سوی ظالمان حاکم و ستم حکومت‌هاست. بیشترین نویدی هم که برای آینده بشریت داده شده، «عدالت جهانی» است. در احادیث

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

۴. همان، ص ۳۹.

۵. محسن صافی.

بیشماری آمده که وقتی جهان پراز ظلم و جور شده باشد، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید و جهان را پراز قسط و عدل می کند. سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله: «تَاسِعُهُمْ قَائِمٌ أُمِّي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْنَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا» این مضمون با عبارت های مختلف در صدها حدیث آمده و تکرار این موضوع در احادیث مهدوی، نشان می دهد که این هدف و دستاورد، در حکومت صاحب الزمان نقش محوری دارد و حتمی است.

شمول عدالت او تا آن جاست که به فرموده امام صادق علیه السلام عدالت او به درون خانه های مردم نفوذ می کند، آن گونه که سرما و گرما وارد خانه ها می شود: «لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ»^۱. جهانیان منتظر روزی اند که بساط ظلم برچیده شود و عدالت سایه گستر گردد. امام زمان هم تجلی این خواسته عمومی و آرمان مقدس است و عدالت یکی از شاخصه های برجسته دولت کریمه اوست و خودش نه تنها عادل، بلکه عدالت مجسم است و در دعاها می گوئیم: «اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكِ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ»^۲. او مایه امید مردم است و عدالت مورد انتظار. اگر به محتوای دعاها می مربوط به آن حضرت نگاه کنیم، پراز این نکته هاست: حاکم سازنده عدالت، درهم شکننده سلطه جباران، ویران کننده بناهای کفرو ستم، پناه مظلومان، کسی که حقوق پایمال شده را برمی گرداند، اموال غارت شده را باز پس می گیرد، قاضیان و حاکمان فاسد را برکنار می کند. حکومت او «عدالت جهانی» را مجسم می سازد.

به امید قدمت، کون و مکان چشم به راه
که زمین گوش به زنگ است و زمان چشم به راه^۴
— مصلح جهانی، حکومت واحد جهانی، عدالت.

به تمنای طلوع تو، جهان چشم به راه
نازنینا، نفسی اسب تجلی زین کن

۱. کمال الدین، ص ۲۶۲.
۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
۳. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
۴. زکریا اخلاقی.

عریضه نویسی

یکی از راه‌های توسل به امام زمان و عرض حال و حاجت، عریضه نویسی خطاب به آن حضرت است. متنی که در بعضی منابع به عنوان نامه به ساحت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده، حاوی شکوائیه و دادخواهی و توسل برای رفع حاجت‌ها و مشکلات است. در توصیه‌ها آمده که عریضه را یا در خاک دفن کنند، یا در نهر و چشمه آب یا چاه عمیقی بیندازند و کنار نهر یا بالای چاه، یکی از نایبان آن حضرت را - عثمان بن سعید، محمد بن عثمان ... - صدا بزنند و بخواهند که این نامه را به دست امام برساند. علامه مجلسی چندین نمونه از این عریضه‌ها و دعا‌های همراه آن را نقل کرده است.^۱

این کار، صرفاً در حد توسل به آن حضرت و ارتباط روحی و معنوی است، هر چند گاهی وسیله سودجویی از سوی برخی قرار گرفته و چاهی درست می‌کنند و عریضه‌های فروشی را عرضه می‌کنند و از برخی زائران می‌خواهند در چاه خاصی آن‌ها را بیندازند!

— آسب‌های مهدویت، یاد مهدی.

فرهنگ
انتظار

عشق به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عشق و محبت به اهل بیت پیامبر و امامان معصوم، به ویژه نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نهاد هر شیعه است و در احادیث، از حب اهل بیت، بسیار ستایش شده و گنجی پر بها شمرده شده است. محبتی که منتظران نسبت به مهدی موعود ابراز می‌کنند ویژه است و در دعاها، توسلات، ندبه‌های جمعه، زیارت‌های جمکران و اعیاد نیمه شعبان مشهود است.

نکته بسیار مهم این است که این عشق و محبت، باید همراه با تبعیت و اطاعت و معرفت باشد. هم محبت بی معرفت کم اثر است، هم عشق بدون همسویی و همرنگی، ادعایی بیش نیست. در واقع، عشق راستین هر کس نسبت به امام زمان را از میزان تعبد و تعهد و زندگی تقوایی و عمل طبق رضای آن حجت خدا می‌توان فهمید. مدعیان عشق فراوانند،

۱. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۸.

ولی مطیعان او امر و نواهی و توصیه‌های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهل بیت، اندک‌اند. در حدیثی امام باقر علیه السلام فرموده است: هر کس دوستدار ما باشد از ما اهل بیت است. در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرموده است: هر کس از شما که اهل تقوا و صلاح و اصلاح باشد از ما اهل بیت است^۱، نتیجه آن که محبتی کارساز است که همراه با تقوا و دینداری باشد. در کنار آن همه فضیلت که برای محبت اهل بیت نقل شده، چنین احادیثی هم داریم که: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلْيَتَجَلَّبِ الْوَرَعَ»^۲. هر که ما را دوست می‌دارد، مثل عمل ما رفتار کند و جامه پرهیزکاری برتن بپوشاند. عشق به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را باید به معنویت و تقوا و پارسایی و ترک گناه آراست، تا نجات بخش باشد.

— آیین انتظار، زندگی مهدوی، آزمایش و امتحان، یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

عصر حیرت

دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را که مردم دسترسی به آن حجت خدا ندارند و در شناخت تکلیف و صحت عقاید دچار تردیدهایی می‌شوند و مدّعیانی بر نیابت و وکالت ظهور می‌کنند، «عصر حیرت» هم نامیده‌اند. در روایات ائمه که پیشگویی غیبت آن حضرت را دارند به این سرگشتگی اشاره شده و این که در آن فتنه‌های فکری و مجادلات کلامی و شبهه افکنی‌ها مردم نمی‌دانند چه کنند و به که تکیه نمایند و به این سو و آن سو می‌روند.^۳ البته امامان، با بیان‌های صریح و هدایت‌های روشن‌گر، تکلیف شیعه را در آن عصر بیان کرده‌اند. بصیرت و آگاهی لازم است تا از این مرحله سرگشتگی بگذرند و در مرحله غربالگری، بر این عقیده ثابت و استوار بمانند. امام هادی علیه السلام با داود بن قاسم جعفری درباره امام پس از خود سخن می‌گفت و فرمود: جانشین من فرزندم حسن است، چگونه خواهید بود با جانشین او؟ می‌پرسد: چرا؟ مگر چگونه است؟ فرمود: شخص او را نمی‌بینید و نام بردن از

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲. تنبیه الخواطر، وزام، ج ۲، ص ۱۷۶.

۳. رک: الغیبة، نعمانی، ص ۱۹۳.

او هم برایتان حلال نیست.^۱ که این اشاره به ویژگی دوران امامت او و ابتلائات شیعه است. در حدیث نبوی آمده است: «تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى تَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَذْيَانِهِمْ»^۲ و در نقل دیگری است: «حَتَّى تَضِلَّ فِيهَا الْأُمَمُ» برای مهدی عجل الله تعالی فرجه غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم از دینشان گمراه می شوند، یا در آن دوره حیرت، امت ها دچار گمراهی می شوند، برخی هم به توفیق الهی در دین خود ثابت و استوار می مانند.^۳

← صبر در عصر غیبت، حجت شناسی، آزمایش و امتحان.

عصر ظهور

دورانی است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه به اذن الهی از پس پرده غیبت بیرون می آید و آشکار می گردد و قیام خود را برای اصلاح جهان و گسترش عدالت می آغازد. در مقابل آن، عصر غیبت است، غیبت صغری و غیبت کبری. وقتی دوران نهان زیستی آن حضرت به پایان برسد، ظاهر شده و امامت مستضعفان جهان را بر عهده می گیرد. روایات فراوانی با تعبیر قیام، خروج، ظهور، مژده آن دوران را داده است. کتاب هایی نیز با همین عنوان به بررسی علائم ظهور و ویژگی های دولت مهدوی و سیره حکومتی آن امام و ترسیم سیمای جهان در عصر ظهور بر اساس روایات اسلامی تألیف شده است. اینک گرچه امام عصر عجل الله تعالی فرجه در این دنیا و همه جا «حاضر» است، ولی «ظاهر» نیست و دیده نمی شود.

← ظهور، عصر ظهور و حضور، رستاخیز ظهور، علائم ظهور، سیمای جهان در عصر ظهور.

عصر ظهور و حضور

بعضی میان ظهور و حضور فرق گذاشته اند. توضیح این که: حضور در مقابل غیبت است و ظهور در مقابل خفا. ممکن است کسی در میان مردم جامعه باشد، ولی دیده نشود و از چشم ها پنهان باشد. چنین شخصی را نمی توان «غایب» نامید، چون واقعاً هست، هر چند به چشم نیاید. امام زمان عجل الله تعالی فرجه در میان مردم هست، ولی دیده نمی شود، پس مخفی و در

۱. کمال الدین، ص ۳۸۱.

۲. همان، ص ۲۸۷.

۳. همان، ص ۴۰۸.

خفاست، نه غایب، چون غایب کسی است که حضور فیزیکی نداشته باشد. از این دیدگاه، اکنون عصر غیبت نیست، بلکه عصر خفاست و آنگاه که ظهور کند دیده می‌شود.

بر این ادعا، گواه آورده‌اند که پیامبر یا امام گاهی با آن که در کنار مردم و در جمع هست، دیده نمی‌شود. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز طبق روایات، در بین مردم است، در مجالس مؤمنان شرکت می‌کند، روی فرش‌های آنان قدم می‌گذارد، ولی شناخته نمی‌شود. در دعای ندبه می‌گوییم: جانم فدای آن که از جمع ما بیرون و دور نیست.^۱ در تفسیر آیه **﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّشُورًا﴾**^۲ وقتی قرآن می‌خوانی، میان تو و آنان که ایمان نمی‌آورند، حجابی پوشیده قرار می‌دهیم، نقل شده است که ام‌جمیل، زن ابولهب پس از نزول سوره تبت که در نکوهش ابولهب و زن اوست، خشمگین شد و سنگی برداشت و به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت. یکی از همراهان پیامبر گفت: ام‌جمیل با عصبانیت می‌آید و سنگی در دست دارد تا به تو بزند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او مرا نمی‌بیند! آمد و پرسید پیامبر کجاست؟ اگر او را ببینم این سنگ را به طرفش پرتاب می‌کنم. جلو آمد ولی پیامبر را ندید، چون خدا جلوی دید او را گرفت.^۳ در روایتی ابوبصیر می‌گوید: همراه امام باقر علیه السلام وارد مسجد النبی شدیم در حالی که مردم در رفت و آمد بودند. حضرت فرمود: مردم مرا نمی‌بینند. وی می‌گوید: من از هر که پرسیدم آیا امام باقر علیه السلام را دیدی؟ گفت: نه، در حالی که امام همانجا ایستاده بود. امام فرمود: از ابوهارون مکفوف (که نابینا بود) نیز پرس. از او پرسیدم، گفت: مگر این جانا ایستاده است؟ گفتم: تو که نابینایی، از کجا فهمیدی؟ گفت: چگونه ندانم، در حالی که نوری است درخشان. درست است که من چشم ظاهری ندارم، ولی چشم دلم باز است.^۴ همچنین در روایات است که آن حضرت همه ساله در موسم حج

۱. «بَنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَحُلْ مِنَّا...» (مفاتیح الجنان، دعای ندبه).

۲. اسراء، آیه ۴۵.

۳. المیزان، ج ۱۳، ص ۱۳۰ در ذیل این آیه، به نقل از تفسیر الدر المنثور و تفسیر علی بن ابراهیم، در تفسیر سوره تبت.

۴. سیمای جهان در عصر امام زمان، ج ۱، ص ۱۹۶، به نقل از مکیال المکارم، ج ۱، ص ۵۰۰.

حضور می یابد، مردم را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند: «يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمُؤَسِّمَ يَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»^۱

نتیجه آن که امام عصر، غایب به معنای غیبت فیزیکی نیست، بلکه حاضر است ولی دیده نمی شود و هر وقت خدا اراده کند، ظاهر می شود نه حاضر، چون هم اکنون هم حاضر است. زمان خروج و قیامش عصر ظهور است نه عصر حضور. اگر غیبتی کند، ظاهر می شود نه حاضر، چون هم اکنون هم حاضر است. زمان خروج و قیامش عصر ظهور است نه عصر حضور. اگر غیبتی هست، غایب بودن ما از درک حضور اوست، آن هم به خاطر گناهانمان. «پس غیبت به معنای عدم ظهور است نه عدم حضور، او همیشه در بطن جامعه و در همه جای حوزه مأموریتش که به وسعت تمامی کره زمین است، حضور دارد نه ظهور، و در همه جا حاضر است، نه ظاهر»^۲.

فرهنگ
انتظار

دوست نزدیک تراز من به من است وین عجب تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که دوست در کنار من و من مهجورم^۳
← روز ظهور، غیبت، غیبت شائیه، عصر ظهور.

علائم آخر الزمان ← آخر الزمان، علائم ظهور

علائم ظهور

حوادث، تحولات طبیعی، وقایع غیرمنتظره و امور خارق العاده و غیر طبیعی را که پیش از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه رخ می دهد و نشانه های نزدیکی آن وعده مقدس است، «علائم ظهور» گویند. در کتب حدیث، نشانه های فراوانی بیان شده که بعضی را علائم حتمی و برخی را نشانه های غیر حتمی می دانند. در روایاتی هم علائم آخر الزمان ذکر شده، که نشانه ها و توصیف های کلی از آن روزگار و تغییرات نامطلوب در افکار و عادات و اعمال مردم است، به نحوی که وقتی کارهای نسنجیده و خلاف در میان مردم دیده می شود، می گویند: مثل این

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۱۷۵.

۲. سیمای جهان در عصر امام زمان، گلستانی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳. سعدی، گلستان، باب دوم، حکایت ۱۰.

که آخر الزمان شده است.

برخی این نشانه‌ها را تقسیم کرده‌اند به: نشانه‌های نزدیک ظهور، نشانه‌های حتمی و غیر حتمی ظهور. نشانه‌هایی که ممکن است در آن‌ها به دلایلی بداء و تغییر پیش آید، غیر حتمی شمرده شده و نشانه‌هایی همچون: صیحه و ندای آسمانی، خروج یمانی، خروج سفیانی، خروج دجال، کشته شدن نفس زکیه از علائم حتمی به شمار آمده است. برخی حوادث نیز که از همین مجموعه رخ داده‌است، با عنوان «أشراط الساعة» و علائم نزدیک شدن قیامت بیان شده است، همچون خروج دجال، نزول عیسی از آسمان، طلوع خورشید از مغرب.

بعضی برخی نشانه‌ها را بر حوادث و جنگ‌ها و چهره‌ها و تحولات خاصی که در این زمان‌ها اتفاق افتاده، یا می‌افتد تطبیق می‌دهند و بعد، عدم انطباق آن‌ها با علائم ظهور روشن می‌شود و موجب سستی باورها می‌گردد، مثل آن چه در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی یا سال‌های دفاع مقدس پیش آمد. بنا به اهمیت موضوع امام زمان و مهدویت و ظهور، در این مورد زمینه برای برخی سوء استفاده کنندگان و عوام فریبان هم فراهم می‌شود و کسانی هم به آن دامن می‌زنند. البته در میان روایات علائم ظهور، روایات ضعیف هم هست. ولی این سبب نفی اصل باور به برخی نشانه‌های بیان شده در روایات نمی‌گردد. در این جا، بی‌آن که بخواهیم این علائم را تفکیک کنیم، یا روی صحت و سقم آن‌ها یا حتمی و غیر حتمی بودن آن‌ها سخن بگوییم، فهرستی از آن علائم را می‌آوریم. به برخی از این حوادث که جنبه فتنه و آشوب در سطح جهان و منطقه دارد، «ملاحم و فتن» هم گفته می‌شود، همچنین به حوادثی که توسط امامان معصوم، به خصوص امیرالمؤمنین علیه السلام پیشگویی شده است، «فتن و محن» گفته می‌شود.^۱

از جمله علائم ظهور بر اساس روایات، این‌هاست:

صیحه و ندای آسمانی مبنی بر ظهور امام زمان که همه آن‌را می‌شنوند، نشانه‌هایی آسمانی مثل ظهور ستاره‌ای از مشرق، خسوف و کسوف در ماه رمضان، دشمنی‌ها و جنگ‌ها و

۱. کتاب «الملاحم والفتن»، سید بن طاووس و «بحار الأنوار»، علامه مجلسی، ج ۲۸ تا ۳۳.

حوادثی مثل زلزله‌ها و طوفان‌های سهمگین. هرج و مرج و فتنه در عالم، فراگیری ظلم و جور، کشتارها و مرگ و میرهای فراگیر، بلا و رنج فراوان در میان مردم، کشته شدن نفس زکّیه، خروج دجال، خروج سفیانی، خروج سیّد خراسانی، ظهور پرچم‌های سیاه از خراسان، قیام‌هایی در مشرق زمین، خسف و فرو رفتن زمین میان مکه و مدینه، گسترش طاعون سفید و سرخ و مرگ‌های ناگهانی، خروج یاجوج و ماجوج، افزایش گناهان و معاصی، طلوع خورشید از مغرب، طلوع ستاره‌ای نورانی از مشرق، طغیان رود فرات، شورش بردگان و کشتن امیران، مسخ شدن گروهی از بدعتگذاران، ویرانی دیوار و برج کوفه.^۱

البته باید بین نشانه‌های عمومی فساد در آخر الزّمان، نشانه‌های ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه و نشانه‌های نزدیک شدن قیامت تفکیک نمود. هر چند بعضی از این‌ها با هم متداخل اند. از مجموع احادیث، به یک مورد اشاره می‌شود، عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُومَاتٍ: الْيَمَانِيُّ، وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالصَّيْحَةُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ»^۲، پیش از قیام قائم، پنج علامت حتمی است: یمانی، سفیانی، صیحه، کشته شدن نفس زکّیه، فرو رفتن زمین در بیداء (فلات). (توضیح درباره این پنج نشانه را در جای خود در همین کتاب ببینید).^۳

بعضی علائم ظهور را به سه بخش تقسیم کرده‌اند: ۱. علایم و نشانه‌های عمومی که از انحرافات گسترده فکری، عقیدتی، عملی و ... که در سراسر جهان و کشورها و ممالک اسلامی پدید می‌آید حکایت دارد. ۲. علایمی که نزدیک به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پدیدار می‌گردد اما نشانگر آن نیست که ظهور در همان سال خواهد بود، بلکه طی اعصار و دوران‌هایی تا هنگام ظهور پدیدار می‌گردد. ۳. علایم و نشانه‌هایی که در همان سال ظهور

۱. ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲. کمال الدین، ص ۶۵، غیبت نعمانی، ص ۲۵۲.

۳. درباره نشانه‌های ظهور، از جمله رک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۱، کمال الدین، ص ۶۴۹، نوائب الذّهور فی علائم الظهور، میرجهانی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۵، چشم به راه مهدی، ص ۲۴۵، اندیشه انتظار، ص ۳۸۵، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۶۵، مأتان و خمسون علامة، محمد علی طباطبائی.

رخ خواهد داد و این‌ها برخی علائم قطعی اند و برخی غیر قطعی، که البته معنی و مفهوم دقیق و روشن اینگونه علایم در هاله‌ای از ابهام و پیچیدگی است.^۱

شیخ مفید، از مجموعه اخباری که از علامات زمان قیام حضرت مهدی به دست می‌آید و حوادثی که پیش از خروج آن منجی رخ می‌دهد، فهرستی مبسوط ارائه کرده است که آوردن آن مفید است: جنبش سفیانی، قتل سید حسنی، جنگ قدرت بنی عباس، خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان، ماه گرفتگی در آخر ماه رمضان، شکافته شدن زمین و فرو بردن متجاوزان. فرورفتن زمین در مشرق و مغرب، توقف خورشید در نیمروز وسط آسمان، طلوع خورشید از مغرب، قتل «نفس زکّیه» پشت دروازه کوفه در زمره هفتاد نفر از صالحان، بریده شدن سر مردی از بنی هاشم میان رکن و مقام، ویران شدن دیوار مسجد کوفه، آمدن پرچم‌های سیاه از سمت خراسان، قیام و جنبش یمانی، پیدایش مردی مغربی در مصر، فرود آمدن ترک‌ها در جزیره و رومیان در رمله، طلوع ستاره‌ای درخشان مثل ماه، پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق. پیدایش ستونی از آتش در مشرق از سه تا هفت روز، خیزش امت عرب و برکناری زمامداران عرب به دست مردمان، خروج جهان عرب از سلطه عجم، کشته شدن امیر مصر به دست مردم، ویرانی شام و جابه‌جا شدن پرچم‌های سه‌گانه در آن، ورود پرچم‌های قیس و عرب به مصر و پرچم‌های کنده به خراسان، ورود سپاهی از مغرب و رسیدن آن به دروازه شهر حیره، آمدن پرچم‌های سیاه از مشرق، شکستن دیوار فرات و جریان آب در کوچه‌های کوفه، خروج ۶۰ پیامبر دروغین و ۱۲ امام دروغین، به آتش کشیده شدن مردی گرانقدر از بنی عباس بین جلولا و خائقین، ایجاد پل ارتباط بین کرخ و بغداد، وزش بادهای سیاه در آغاز روز، زلزله‌ای عظیم که بخش بزرگی را فرو می‌برد، ترس و ناامنی فراگیر در عراق، مرگ‌های سریع و دردناک و آسیب‌های مالی و جانی و ثمرات، آمدن آفتِ ملخ در کشاورزی‌ها، برداشت اندک محصولات زراعی، جنگ قدرت میان عجم و خون‌ریزی‌های بسیار، شورش بردگان بر ضدّ برده‌داران و کشتن ارباب‌ها، مسخ شدن گروهی از بدعتگذاران و تبدیل شدن به میمون

۱. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۴۸۳.

و خوک، تسلط بردگان و کشورهای عقب مانده بر کشورهای قوی و ثروتمند، طنین افکندن ندایی در آسمان که به گوش همه جهانیان با همه زبان ها می رسد، پدیدار شدن چهره و سینه ای در آسمان در چشمه خورشید، خیزش گروهی از مردگان از قبرها و بازگشت به دنیا و دیدار و آشنا شدن با مردم زنده، بارانی در ۲۴ نوبت که زمین را زنده و آباد می کند. در پایان این حوادث، که بعد از این ها رنج و آفت ها و دردها از شیعیان مهدی (عج) برطرف می شود، مردم ظهور آن حضرت را در مکه آگاه می شوند و برای یاری او به سمتش روان می گردند.^۱

← شرایط ظهور، اشراف الساعه، نشانه های ظهور، آخر الزمان.

علل غیبت ← فلسفه غیبت امام زمان (عج)

علی بن محمد سیمری ← نواب اربعه

عنایت خاص به شیعه



حضرت مهدی (عج) با آن که به ظاهر، از نظرها غایب و از اجتماعات مردم دور است، اما عنایات خاص او معطوف به شیعیان و پیروان است، هم در حقشان دعا می کند، هم ارشاد و راهنمایی دارد، هم مشکلات را

برطرف می سازد، هم در بحران های گوناگون فکری و اجتماعی، مدیریت و هدایت از پشت صحنه دارد و به راستی که اگر آن حجت الهی و توجهاتش نباشد، پیروان اهل بیت در موج فتنه ها و نقشه ها و توطئه های دشمنان نابود می شوند. این عنایت خاص را، از فرازهای متعدد نامه آن حضرت به شیخ مفید (از علمای بزرگ شیعه در قرن چهارم) می توان فهمید. در کتب حدیثی دو نامه از امام زمان خطاب به شیخ مفید ثبت شده است. نخستین نامه در ماه صفر سال ۴۰۱ هجری به دست او رسیده است. مطلع نامه چنین است:

سلام علیک ایها المخلص فی الدین، المخصوص فینا بالیقین....

۱. ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۶۸، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.

در بخشی از این نامه آمده است: «فَاتَا نُحَيْطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ، وَلَا يَعْزُبُ عَنْ شَيْءٍ مِنْ أَخْبَارِكُمْ...» «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَلْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ...»^۱ ما بر اوضاع و اخبار شما به خوبی آگاهیم و هیچ چیز از اخبار و رخداد های شما بر ما پوشیده نیست و شرایط غمبار و دردناکی را که گرفتار آنید می دانیم... ما هرگز از سرپرستی و رسیدگی به امور شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم، و اگر جز این بود، سختی ها بر شما فرود می آمد و دشمنان کینه توز شما را نابود می کردند....

کرامات متعددی که از آن حضرت ظاهر گشته و امدادهایی که نسبت به مردم داشته، در داستان های مختلفی نقل شده است.

← معجزات امام زمان، ناردانه، شیعه در عصر ظهور، آثار وجودی امام غایب.

عوامل غیبی و بشری

در پیروزی نهضت جهانی مهدوی دو عامل مؤثر است: عامل غیبی و عامل بشری و این دو با هم در ارتباط اند. عوامل غیبی همچون: اعجاز الهی، نصرت الهی، امدادهای غیبی، نصرت فرشتگان، سپاه رعب، دخالت و اراده خدا و... عوامل بشری و انسانی از قبیل: آمادگی و انتظار مردم، آگاهی و اعتقاد، امکانات و تجهیزات و نیروهای مردمی، پیروی از رهبری، وحدت کلمه، جهاد و اقدام، فداکاری و جانفشانی. سنت الهی (جز در موارد استثنایی) چنین بوده که ورود عامل غیبی و نصرت و امدادهای الهی به صحنه، پس از اقدام و حضور و عمل مردم و عوامل انسانی و عمل به وظیفه از سوی آنان باشد. نصرت الهی وقتی است که مردم هم دین الهی را یاری کنند «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۲.

تا چنان بودیم، بودیم آن چنان چون چنین گشتیم، گشتیم این چنین این مفهوم و ارتباط تحولات اجتماعی مردم با اراده الهی بر تغییر و تحول، در آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۳ هم دیده می شود. پس تغییرات و تحولات

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲. محمد، آیه ۷.

۳. رعد، آیه ۱۱.

اجتماعی در درجه اول متکی به عناصر و عوامل بشری است، به دنبال آن عوامل غیبی و الهی وارد عمل می شود. از تو حرکت از خدا برکت. از مطالعه در سرگذشت انبیای گذشته و تاریخ اسلام هم این حقیقت روشن می شود. در به ثمر رسیدن قیام امام زمان و تحقق عدالت جهانی هم این دو عامل مرتبط به هم وجود دارد. گرچه خداوند اراده کرده است که به دست امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قسط و عدل را در جهان حاکم سازد و جباران را براندازد و دین خود را غلبه دهد و به همین جهت، آن حضرت را برای این منظور ذخیره کرده است، ولی نقش و تکلیف و عمل مردم را هم جزئی از این جریان باید دانست. اگر بنا بود مسأله صرفاً غیبی باشد، اصلاً چه نیازی بود به اصل غیبت امام زمان، فضیلت انتظار فرج، تمهید و زمینه سازی برای ظهور، تهیه سلاح و امکانات، دعا برای تعجیل فرج، فراهم آمدن ۳۱۳ نفر یاران خاص، مبارزات و جبهه های خونین نبرد با سفیانیان برای تحقق آن وعده الهی و از بین بردن ظالمان و مستکبران؟! به تعبیریکی از محققان^۱: نقش عوامل مردمی و عامل غیبی مثل نقش نیروهای پیاده و رزمندگان در جبهه است و نقش پشتیبانی توپخانه و پوشش هوایی میدان نبرد، که بدون پیشروی نیروهای پیاده و اقدام آنان، صرفاً آتش توپخانه و بمباران هوایی، کاری از پیش نمی برد.

— بعد غیبی مهدی موعود، سپاه رعب، شیوه های فراطبیعی، چگونگی غلبه بر جهان.

عهدنامه یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویژگی های یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جای جای این کتاب آمده است. یکی از آن ها هم عهد و میثاقی است که با آن حضرت در آغاز حرکت الهی می بندند و شیوه و سیره رفتاری آنان با مردم و اجرای فرمان امام و همکاری در جهاد را بیان می کند. متن این عهدنامه در کتب روایی آمده است. به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی طولانی درباره ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن حضرت به یارانش می فرماید: من هرگز کاری را اجرا نمی کنم و به قطعیت نمی رسانم مگر آن که با من براساس سی خصلت لازم بیعت کنید و در آن ها تغییری ندهید. من هم در

۱. سید صدرالدین قبانچی در «الحركة الاصلاحية من الحسين الى المهدي»، ص ۱۱۰.

مقابل، به هشت نکته متعهد می شوم. می گویند: حاضریم، آن چه مورد نظرتان است بگویید
ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، آنگاه همه به سمت صفا (در مسجد الحرام) می روند. حضرت به
آنان می فرماید: «أَنَا مَعَكُمْ عَلَى أَنْ لَا تُؤْلُوا، وَلَا تَسْرِقُوا، وَلَا تَزْنُوا، وَلَا تَقْتُلُوا مُحَرَّمًا...» من با شما
هستم، براین اساس و پیمان که: پشت به جبهه نکنید، دست به سرقت نزنید، زنا نکنید،
به ناروا کسی را نکشید، مرتکب فحشا نشوید، کسی را جز به حق و به جا نزنید، طلا و نقره و
گندم و جو ذخیره و جمع نکنید، مال یتیم نخورید، جز به آن چه یقین دارید شهادت ندهید،
مسجدی را ویران نسازید، مسلمانی را تقبیح نکنید، اجیری را لعنت نکنید مگر آن که
حقش باشد، شراب ننوشید، لباس زربفت و حریر و دیبا نپوشید، ربا نخورید و نگیرید، خون
محترمی را نریزید، به کسی که امان داده اید (یا امان خواسته) نیرنگ نزنید، کافرو منافقی را
بر جای نگذارید، لباس زبر و خشن بپوشید، هنگام خواب سر بر بالشی از خاک بگذارید، در
راه خدا به شایستگی جهاد کنید، دشنام ندهید، نجاست را زشت شمارید، امر به معروف و
نهی از منکر کنید. اگر این ها را عمل کردید، بر من است که برای خود دربان نگمارم، جز آن چه
شما می پوشید و سوار می شوید، نپوشم و سوار نشوم، به اندک قانع باشم و زمین را پراز عدل
و داد کنم، آن گونه که پراز ستم شده باشد و خدا را به شایستگی عبادت کنم، به پیمان خود
با شما وفا کنم شما هم با من وفا کنید. آنگاه گویند: راضی هستیم و براین میثاق از تو پیروی
می کنیم. امام با یک یک آنان دست می دهد و...^۱

البته این پیمان، با عبارات دیگر و گاهی کوتاه تر هم نقل شده است. در حدیث دیگری از
امام باقر علیه السلام ضمن بیان ظهورش در مکه، چنین آمده است: هنگام عشاء در حالی که پرچم
و پیراهن و شمشیر رسول خدا صلی الله علیه و آله با اوست با صدای بلند ندا می دهد و مردم را به خدا و قرآن
و اطاعت رسول و احیای قرآن فرامی خواند: «... فَأَيُّ أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَالْعَمَلِ بِكِتَابِهِ
وَأِمَاتِهِ الْبَاطِلِ وَأَحْيَاءِ سُنتِهِ»^۲ سیصد و سیزده نفر از یاران او به شمار اصحاب بدر از هر سو

۱. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۲۸، نقل از عقد الدرر، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۹۴.

۲. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۹۵.

• یاران امام زمان، بیعت، روایت ظهور، دعای عهد.

عیسی علیہ السلام ← مہدی فرجہ الشریف عجل اللہ تعالیٰ مقتدای مسیح

غائب

پنهان، ناپیدا، از اوصاف و القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه که به اراده الهی از دیده‌ها پنهان است و دوره نهان زیستی او را که پس از وفات امام عسکری علیه السلام آغاز شد، دوران غیبت نامند. آن حضرت گرچه از دیده‌ها پنهان است، اما در میان ماست و در جاهای مختلف زندگی می‌کند و حیات مخفی دارد و امام غایب، هدایت عمومی امت را بر عهده دارد.

ای غایب از نظر که شدی همنشین دل می‌گویمت دعا و ثنا می‌فرستمت^۱

ای غایب از نظر به خدا می سپارمت
جانم بسوختی و به جان دوست دارمت^۲

← غیبت، نام‌ها و اوصاف و القاب، خورشید پشت ابر، دیدار امام زمان، عصر حضور و ظهور.

غُرْبَلَهُ وَبَلْبَلَهُ

غربال شدن، الک شدن، زیرو رو شدن. دوران طولانی غیبت، وسیله امتحان و غربالگری شیعیان و جدا شدن صف منتظران راستین و ثابت قدم بر عقیده مهدویت از دیگران است. در روایات به این آزمون و تفکیک مؤمنان واقعی از دیگران، با عباراتی مختلف که همه گویای این غربالگری است اشاره شده است، تعبیری همچون: **يُخْصَوْنَ، يُخَصَّصُونَ، يُمَيِّزُونَ، يُغْرَبَلُونَ، يُخْلَصَوْنَ، يُفْتَنُونَ**.^۳ امام باقر (ع) فرمود: **«وَاللَّهِ لَتُغْرِبَلَنَّ كَمَا يُغْرِبَلُ الزُّوَانُ مِنَ الْقَمْحِ»**^۴، به خدا سوگند امتحان و تصفیه می شوید، همچنانکه گندم از دانه های دیگر مخلوط شده، غربال و جدا می شود.

١. حافظ.

٢. حافظ.

۳. در نهج البلاغه، خطبه ۱۶ هم آمده است: «وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِيُثْبِتَ لِقَاءَ بَلْبَلَةٍ وَلِتُغَرِّبَ غُرْبَلَةً».

٤. بحار الأنوار، ج ٥٢، ص ١١٤، نيز «باب التمهيد والنهي عن التوقيف»، ص ١٥١ تا ١٢١.

شداید، طول انتظار، سخنان مخالفان و... وسایل آزمون شیعیان در عصر غیبت است، تا پخته شوند صفات پیروان حقیقی آراسته گردند.
← آزمایش و امتحان، دینداری در عصر غیبت، زندگی مهدوی.

غرب و مهدویت ← صهیونیسم مسیحی

غریم و شرید

در روایات، از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با این لقب بسیار یاد شده است. «غریم» به معنای طلبکار و بدهکار است و شیعیان در آن عصر تقیه، چون می خواستند مالی نزد آن حضرت یا وکلایش بفرستند یا وصیت کنند، با این نام یاد می کردند. محدث قمی معنای اول را ترجیح می دهد، چون امام از غالب کشاورزان و تاجران و صاحبان حرفه و صنعت طلبکار بود و آنان می بایست وجوه شرعی خود را به او برسانند، پس آن حضرت، «غریم مستتر» است.

«شرید» هم به معنای رانده شده است، چون به تعبیر مؤلف منتهی الآمال، آن حضرت رانده شده از این خلق منکوس بود که نه جنابش را شناختند و نه قدر وجود نعمتش را دانستند و نه در مقام شکرگزاری و ادای حقش برآمدند و دشمنان با زبان و قلم در مقام نفی و طردش از قلوب برآمدند و خاطرهای را از یادش محو نمودند...^۱

امروز هم جای آن حضرت نامعلوم و از چشم ها پنهان است. عالمی هم بدهکار اویند و او طلبکار نصرت و معرفت و تمهید برای ظهور و آمادگی برای یاری و همراهی است، پس هم غریم است و هم شرید.

← نام ها و اوصاف و القاب.

غلام احمد خان ← قادیانی گری

غیب

غیب، هر چه که پوشیده و پنهان باشد. یکی از متعلقات ایمان هم غیب است، یعنی «ایمان به غیب» مثل ایمان به خدا، وحی، قیامت. غیبت امام زمان و اعتقاد به او بدون

۱. رک: منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۵۸، بخش اسماء و القاب شریفه آن حضرت.

دیدنش و ایمان به وجودش علی رغم عمر طولانی و انتظار ظهورش با همه شداید و یأس آفرینی‌ها، یکی از مصادیق ایمان به غیب است. امام صادق علیه السلام درباره آیه «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^۱ فرمود: ایمان به غیب و اقرار به قیام قائم و حق بودن او هم ایمان به غیب است و متقون هم در این آیه شیعیان علی علیه السلام اند و غیب، حجت قائم است: «الْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيٍّ وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ»^۲ امام بر این نکته شاهد قرآنی می آورد که: قرآن از زبان مردم می گوید: چرا نشانه‌ای از سوی پروردگار بر او نازل نمی شود؟ بگو: غیب از سوی اوست، پس منتظر باشید، من با شما از منتظرانم.^۳

در حدیثی دیگر آمده است روزی پیامبر در حضور جمعی از اصحابش اظهار اشتیاق به برادرانی کرد که در آخر الزمان می آیند و بی آن که پیامبر را دیده باشند، ایمان می آورند،^۴ و پیامبر به علی علیه السلام فرمود که یقین آنان بسی بزرگ تر است. در سخنی دیگر آن حضرت از دوره‌ای که مردم امام خود را نمی بینند یاد کرده و بر صابران در غیبت او درود می فرستند، آنان که بر راه خود استوار و ثابت قدم اند. سپس می فرماید: اینان همان اند که خدا درباره ایمانشان فرموده است: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» پس مهدی باوری و ثبات بر عقیده در عصر غیبت و از دست ندادن امید و باور داشتن بر صحت وعده پیامبر و ائمه علیهم السلام، جلوه‌ای از همان ایمان به غیب است که در قرآن ستوده شده است.

در روی تو می بینم، مهر رخ سرمد را	در وصف تو می خوانیم «ما کان محمّد» را
هم پای رُسل بسته، در حلقه زنجیرت	هم قلب ملک روشن، در مکتب تدبیرت
ای عرش زمین بوست، ای چرخ زمین گیرت	حسن ازلی پیدا بر خاک ز تصویرت

سه غایب، فلسفه غیبت امام زمان، غیبت کبری، آزمایش و امتحان، غیبت.

۱. بقره، آیه ۲ و ۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

۳. یونس، آیه ۲۰.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴ و ۱۳۲ و ۱۲۵.

غیبت

از مهم ترین مباحث مهدویت، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن حضرت، در دوره امام عسکری علیه السلام نیز معمولاً از دیده ها پنهان بود و جز خواص شیعه از وجود او خبر نداشتند. پس از شهادت پدر، به اراده الهی از دیده ها پنهان شد و در دوره ۶۹ ساله غیبت صغری از طریق چهار نماینده اش با شیعه در ارتباط بود و پس از آن غیبت کبری شروع شد که تا کنون ادامه دارد. غیبت (نہان زیستی) از اسرار الهی است و مدت آن را خدا می داند و کیفیت زندگی آن حضرت در این مدت هم از شگفتی ها است.

در منابع دینی و حدیثی مباحثی چند بر محور غیبت وجود دارد، از قبیل: اصل غیبت آن حضرت، غیبت کوتاه و بلند مدت، حتمیت غیبت، طول کشیدن غیبت، تزلزل عده ای با طولانی شدن غیبت، عمر طولانی آن حضرت، حفظ ایمان و ثبات عقیده در زمان غیبت، وظیفه شیعه در دوران غیبت، ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره غیبت، زمینه سازی برای غیبت از سوی امامان، دلیل و فلسفه غیبت، فایده غیبت و نحوه انتفاع مردم از او در این مدت، غیبت در زندگی و سیره پیامبران گذشته، انتظار فرج در این دوران، دیدار کنندگان با او در زمان غیبت و موضوعات دیگر. روایات بسیاری درباره موضوعات یاد شده وجود دارد. تنها به چند حدیث کوتاه در این مورد اشاره می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ شِيعَتِهِ وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةُ مَوَالِيهِ»^۱، قائم ما دو غیبت دارد، یکی کوتاه و دیگری طولانی، در غیبت کوتاه، تنها افراد خاصی از شیعیانش جای او را می دانند و در غیبت طولانی، جز دوستان اران ویژه، کسی جای او را نمی داند. نیز فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً، الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ»^۲ صاحب الامر غیبتی خواهد بود. کسی که در دوره غیبت، دین خود را حفظ کند، همچون کسی است

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. همان، ص ۳۳۵.

که شاخه خاردار را با دست خود لمس می‌کند و دست بر آن می‌کشد (کنایه از سختی فوق العاده).

مرحوم شیخ صدوق هم برای طبیعی نشان دادن غیبت امام از میان امت، نمونه‌هایی از زندگی پیامبرانی چون ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف و موسی علیهم‌السلام آورده که هر کدام در برهه‌ای از زمان از قوم خود غایب بوده‌اند.^۱ این پدیده شگفت، نوعی آزمون پیروان نیز هست و پاداش انجام وظیفه در عصر غیبت هم بیشتر است. امام سجاد علیه‌السلام فرمود: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى مُوَالَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ»^۲ هر کس در دوره غیبت، بر موالات و دوستی و ولایت ما ثابت قدم بماند، خداوند پاداش هزار شهید همچون شهدای بدر و احد به او می‌دهد. البته صاحبان دل روشن، در عصر غیبت هم او را مشاهده می‌کنند، نه با چشم سر، که با چشم دل.

در مردمک دیده و از دیده نهانی پیدا و نهان، غیر خداوند، که دیده؟

پنهان ز عدویی، ز محبتان ز چه‌ای دور؟ جان‌ها به لب از هجر تو ای ماه، رسیده^۳

«غیبت صغری، غیبت کبری، عصر ظهور و حضور، ویژگی‌های امام زمان، غیبت شأنیه»

«غیبت شأنیه» و «حضرت شئونیه»

این نظریه را که امام زمان علیه‌السلام نسبت به یک شأن از شئون امامت، یعنی حضور در جامعه و هدایت مستقیم بشر «غایب» است، اما در سایر شئون امامت و واسطه فیض بودن در عصر غیبت هم دارای نقش است، به عنوان «غیبت شأنیه» در کلام مرحوم محمد رضا حکیمی مطرح شده است. وی می‌نویسد:

«غیبت حجت خدا، غیبت کلی نیست، بلکه این غیبت و عدم حضور، غیبت جزئی است یعنی غیبت و عدم حضور است در شأنی از شئون ولایت، و آن شأن، معاشرت با مردم و هدایت مستقیم اجتماع بشری و تشکیل حکومت حقّه است. امام در «عصر غیبت» در

۱. کمال الدین، ص ۱۲۷ تا ۱۵۷.

۲. همان، ص ۳۲۳.

۳. شیخ فضل الله نوری.

همین یک شأن از شئون ولایت و مقامات و تصرفات خویش غایب است و در دیگر شئون حاضر است و نافذ و فعال، بلکه به تعبیر درست‌تر، غیبت برای امام و خلیفه الله در همه جهات و شئون معنی ندارد، بلکه تصور ندارد... با توجه به بحث «واسطه فیض» که در فصل پیشین گذشت، هر کس در وجود هر چیز از جمله در وجود خود و حیات خود و حرکات خود، آثار «حضور و ساطتی» حجت را مشاهده می‌کند. این یک واقعیت شناختی بزرگ است و ما از این «واقعیت شناختی» در ابواب معرفت، یعنی این که غیبت فقط در یک جهت است و بس، به «غیبت شأنی» تعبیر کردیم. امام در عصر غیبت، دارای «غیبت شأنی» است و «حضرت شئونی». او بجز یک شأن، در همه شئون دیگر خویش حاضر است، زیرا که این شئون و حضور در ارتباط مستقیم است با بقاء و امتداد و تکون کائنات. و تا این تکون ادامه دارد و جهان بر سرپاست، علت افاضی آن نیز هست.^۱

این نکته از احادیث مربوط به نقش حجت خدا در برپایی و قوام هستی و این که اگر حجت خدا نباشد، زمین اهلش را در کام خود فرو می‌برد «لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»^۲ نیز بر می‌آید. در دعای عدیله نیز آمده است که «الَّذِي بَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبَيُّمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَبُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»^۳ امامی که بقای دنیا وابسته به بقای اوست و مردم به یمن وجود او روزی می‌خورند و به برکت وجود او زمین و آسمان در جای خود ثابت و استوار است. آثار وجودی امام غایب، خورشید پشت ابر، امن و امان.

غیبت صغری

دوران غیبت کوچک و کوتاه مدت امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از وفات امام حسن عسکری در ۸ ربیع الأول ۲۶۰ هجری، امامت به آن حضرت منتقل شد و پس از نماز بر پیکر پدر بزرگوارش، چون مأموران حکومتی در پی دستگیری او بودند، آن حضرت به سرداب خانه خود رفت و مأموران در تعقیبش بودند. از همان جا از چشم‌ها پنهان شد و غیبت صغری آغاز گشت که

۱. خورشید مغرب، ص ۲۳۰.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

تا سال ۳۲۹ هجری ادامه داشت. این مدت که ۶۹ سال است، در مقایسه با غیبت کبری که تا کنون ادامه دارد، صغری و کوچک به حساب می‌آید. در این مدت، ارتباط آن حضرت با شیعیان از طریق سفرای چهارگانه (نواب اربعه) بود که عبارت‌اند از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان (پس‌او)، حسین بن روح و علی بن محمد سمري (یا سیمري). عثمان بن سعید در زمان امام عسکری علیه السلام نیز وکیل آن حضرت بود و پیش از وفات، او را به اصحاب خود معرفی و به عنوان وکیل امام عصر معرفی کرده بود. او نیز پس از ده سال و پیش از وفاتش، پسرش محمد را به عنوان نایب و وکیل امام زمان تعیین و معرفی کرد. او دوره‌ای طولانی نیابت داشت و پس از درگذشت او، حسین بن روح نوبختی به این سمت رسید و با درگذشت او، نیابت به محمد بن علی سمري رسید. قبل از رحلت او، امام زمان طی نامه‌ای او را از زمان مرگش آگاه کرد و توصیه نمود که کسی را برای بعد از خود معرفی نکند و این آغاز غیبت کبری بود.

فرهنگ
انتظار

سفیران چهارگانه در این دوره، نامه‌ها، سؤال‌ها و نیازهای شیعه را به امام می‌رساندند و جواب می‌گرفتند و همه این فعالیت‌ها سری بود. آنان افرادی مطمئن، رازدار، متقی و غیر مشهور بودند تا حساسیتی برانگیخته نشود و اغلب، شغل‌های عادی داشتند. آنان ضمن پنهان نگه داشتن نام و جای حضرت مهدی علیه السلام، نظرات امام را به شیعه منتقل می‌کردند و مانع تفرق و انشعاب می‌شدند و با مدعیان دروغین نیابت هم مقابله می‌کردند. دریافت اموال از مردم و مصرف آن در موارد معین به دستور امام انجام می‌گرفت و به نحوی سازماندهی و حفظ ارتباط با وکلای امام در مناطق مختلف را بر عهده داشتند. شرح حال آنان در کتاب‌های مربوط به امام زمان علیه السلام معمولاً نقل شده است.

شرایط اجتماعی این دوره، ویژه بود. خلفای عباسی عصر غیبت صغری عبارت بودند از: معتمد، معتضد، مکتفی، مقتدر، القاهر بالله، الرضا بالله، که بیشتر به خاطر غلبه ترکان بر دستگاه خلافت و ضعف خلفا، تدبیر امور عملاً در دست آنان بود و در عزل و نصب خلیفه، مؤثر بودند یا نقش اساسی داشتند. در همین دوره بود که مرکز خلافت، دوباره از سامرا به بغداد

منتقل شد. فتنه قرمطی‌ها، قیام‌های علویون، قیام صاحب زنج و قیام اطروش در همین دوره رخ داد و دولت‌های خودمختار در طبرستان و مصر به وجود آمد و اختلافات مذهبی زیاد بود و دربارها هم به عیاشی و اسراف و خوشگذرانی مشغول بودند.

— غیبت، دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشریف یافتگان، غیبت کبری.

غیبت کبری

دوران غیبت بزرگ و طولانی که بعد از چهارمین سفیر امام عصر (علی بن محمد سمری) شروع شده و تا کنون و زمان ظهور ادامه دارد. در روایات بسیاری که از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می‌گوید، اشاره، بلکه تصریح به این که او دو غیبت دارد که یکی طولانی‌تر است وجود دارد که با تعبیر «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ»^۱، قائم دو غیبت دارد، یکی کوتاه و دیگری بلند.

در دوران غیبت کبری دسترسی به او وجود ندارد و نایب خاصی هم نیست. علمای دین و فقها و مراجع تقلید، به عنوان نایب عام آن حضرت، پاسخگویی به مسائل دینی مردم را به عهده دارند و مکلفین هم موظفند در عمل به تکلیف دینی، از نظرات فقهی و فتاوی آنان پیروی کنند. به این دوره، غیبت تامه یا غیبت ثانیه هم گفته می‌شود. مواردی استثنایی هم وجود دارد که بعضی از پاکان و نیکان، توفیق دیدار آن حضرت را پیدا می‌کنند.

در این دوره، نه تنها تکلیف از شیعه ساقط نیست، بلکه تکلیفی مضاعف و سنگین‌تر بر عهده دارند و باید بر فتنه‌ها و ابتلائات و فشارها صبر کنند و اعتقاد خود را حفظ نمایند و با پیروی از علمای دین، زمینه ساز ظهور باشند و عنصر «انتظار» را به عنوان عامل امیدبخش و انگیزه‌آفرین در جامعه حفظ کنند. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوره، گرچه از نظرها دور است، ولی هدایت کلی جامعه اسلامی و صیانت از اساس دین را بر عهده دارد. در نامه‌ای که به شیخ مفید نوشت، از جمله خطاب به شیعیان چنین آمده است: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

غیبت کبری

لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا تَأْسِينَ لِمَذْكُرِكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْآلَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»^۱، ما رسیدگی و مراقبت از شما را رها نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم و اگر این نبود، بلا و ناگواری بر شما نازل می‌شد و دشمنان شما را نابود می‌کردند.

غیبتت بس به طول انجامید کی شود صبح، این شب یلدا؟

کور شد ز انتظار، دیده دل کی به روی تو می‌شود بینا؟^۲

← غیبت صغری، ولایت فقیه، تشریف یافتگان، ارتباط با امام زمان.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۸ (چاپ اسوه)، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲. سید رضا مؤید.

ف . ق

فارس الحجاز

فارس به معنای اسب سوار و تکسوار است (از ریشه فَرَس: اسب) هم به معنای قهرمان و دلاور است، هم به معنای تکسوار. در فرهنگ عرب به عمرو بن عبدود^۱، فارس یلیل و فارس العرب می گفتند. به زبیر فارس قریش و به امیرالمؤمنین علیه السلام، فارس المؤمنین و فارس المسلمین گفته می شد. این تعبیر در برخی منابع در توشل به حضرت ولی عصر علیه السلام آمده و این که اگر کسی در بیابانی راه را گم کرد، با گفتن یا فارس الحجاز ادرکنی، ادرکنی (ای تکسوار حجاز، مرا دریاب) آن حضرت را به یاری بخواند و به او متوسل شود، تا از راهنمایی او بهره مند شود.^۲ به گفته یکی از نویسندگان: «فارس به معنای اسب سوار است. سواری که از دور می آید، پیش از آن که خودش برسد و دیده شود، گرد و غباری که از زیر پای اسبش بر می خیزد دیده می شود. گرد و غبار آشوب ها و ناآرامی های جهان در روزگار ما خبر از نزدیک شدن فارس الحجاز یعنی امام زمان می دهد».^۳

← نام ها و اوصاف و القاب.

فایده امام غایب ← آثار وجودی امام غایب

فتن و ملاحم ← علائم ظهور

فتنه آخر الزمان ← فسادهای آخر الزمان

۱. رک: الأمان، سید بن طاووس، مؤسسه آل البيت، ص ۱۲۲.

۲. مصباح الهدی، مهدی طیب، ص ۳۲۳.

فتوحات مهدویه

وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه ظهور کند، برای اقامه عدالت در سراسر گیتی، ناچار به نبردها و فتوحاتی خواهد شد، تا جهان را از سلطه ظالمان و قدرت های طاغوتی برهاند و عدالت و دین خدا را حاکم سازد. مقاومت هایی که در برخی جاها صورت می گیرد، کار را به نبرد می کشاند. برای گشودن راه عدالت، باید به گشودن شهرها یا کشورهای دست زد. در روایات ظهور، هم از این فتوحات یاد شده است، «يُفْتَحُ لَهُ الْفَتْوح»^۱، هم نام مناطقی یاد شده است، مانند کوه های دیلم، قسطنطنیه، شهرهای مشرکان، روم، هند، سند، کابل شاه، خزر، بلاد چین، که به نحوی شرق و غرب عالم را در بر می گیرد.

در روایات، مبدأ قیام و حرکت او شهر مکه عنوان شده، سپس به سمت عراق و کوفه و شام می رود و بیت المقدس را فتح می کند. میدان های نبرد و جهاد یاران او و شکست دادن سفیانی و دیگر جبهه های معارض، گواه این فتوحات است. در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «خداوند همه زمین را در اختیار او قرار می دهد و همه وسایل را برای او فراهم می سازد، به شرق و غرب جهان می رسد، هیچ کوه و دشت و سرزمینی که ذوالقرنین در آن جا پانهاده نمی ماند مگر آن که او گام می نهد...»^۲ امام باقر علیه السلام می فرماید: وقتی قائم خروج کند، خداوند او را به وسیله فرشتگان و کزوبیان که جبرئیل پیشاپیش آنهاست، و میکائیل از سمت راست و اسرافیل از سمت چپ و سپاه رعب از همه طرف او را احاطه کرده است یاری می کند و خداوند روم و چین و ترک و دیلم و سند و هند و کابل شاه و خزر را برای او فتح می کند^۳ که این ها اشاره به گستره جهانی و قلمرو فتوحات آن حضرت است.

← حکومت واحد جهانی، دولت کریمه، چگونگی غلبه بر جهان.

۱. عقد الذرر، ص ۵۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳.

۳. همان، ص ۳۴۸.

فتوریسم^۱

همواره بشررنج دیده و ستم کشیده، در انتظار روزگاری بوده است که دوران ظلم ها و تبعیض ها به سرآید و کسی با قدرت فوق بشری از راه برسد و بساط ظلم و ستم را برچیند. این امیدواری به آینده و انتظار یک مصلح و منجی را «فتوریسم» گویند. این باور و امید، در ادیان و مذاهب و در میان همه انسان ها و اقوام از دیرباز وجود داشته است.

«فتوریسم، یعنی اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی، عقیده ای است که در کیش های آسمانی یهودیت و زردشتی و مسیحیت و مدعیان نبوت عموماً و دین مقدس اسلام خصوصاً به مثابه یک اصل مسلم قبول شده است و درباره آن در مباحث تئوریک مذاهب آسمانی، رشته تئولوژی بیبلیکال، کاملاً شرح داده شده است».^۲

این حقیقت در فرهنگ اسلامی، به صورت روشن تر و دقیق تری از زبان پیامبر خدا ﷺ و امامان بیان شده است، چیزی که در قالب موضوعات آخر الزمان، انتظار ظهور، قسط و عدل جهانی، مهدی موعود و... در صدها روایت آمده است. در کتب آسمانی تورات و انجیل و در آیین هندو و بودایی و زردشتی هم مطرح است. اگر در آیین های مختلف، به صورت یک منجی و موعود کلی است، در اسلام همه جزئیات و اشخاص و مراحل و حوادث و اماکن و ظهور و بروز آن بیان گشته و از مسلمات دین ماست. کتاب های فراوانی که احادیث مهدویت را از صدر اسلام تا کنون گردآورده اند، منبع و پشتوانه این اعتقاد است.^۳ حتی قبایلی در آفریقا، دور از هر تمدن و فرهنگ و اعتقاد هم چشم به راه یک منجی اند که آنان را از وضعی که دارند برهاند.

← آخر الزمان، مهدی موعود، مهدویت، منجی باوری.

فراگیری ظلم ← جهان پراز ظلم

۱. Fotorism.

۲. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۶۶.

۳. درباره فتوریسم از نظر اسلام، رک: «مصلح جهانی»، سید هادی خسروشاهی، مقاله اول.

فَرَج

گشایش، آسایش و آسودگی پس از رنج و غم. در مباحث انتظار، فرج بعد از شدت، دعای فرج، فرج برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه و... مطرح است. از آن جا که جهان بر اساس «نظام احسن» استوار شده و هستی، خدا محور است و خلقت جهان «هدف مند»، قانون مندی و سیر تکاملی جهان ایجاب می کند که پایان مشکلات و غم ها و ستم ها، گشایش و فرج و رفع اندوه ها و پایان سختی ها باشد و جهان به وضع آرمانی برسد. این غایت در دوران آخر الزمان به دست حضرت قائم و بایاری خداوند به دست خواهد آمد. از این رو انتظار فرج، از برترین عبادت ها است، چون هم برخوردار از مثبت نگری و امیدواری به آینده است، هم مایه زمینه سازی برای تحقق آن چشم انداز و تلاش برای سوق جهان و جامعه به سوی آن هدف مطلوب. در روایات هم توصیه شده برای فرج و تعجیل فرج دعا کنید: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ»^۱. علامه طباطبایی با اشاره به قانون هدایت عمومی که در همه انواع آفرینش جاری است و آرزویی که انسان برای کمال دارد، این آرزوی نهادی را قابل تحقق بلکه برای آینده جهان ضروری می داند و می گوید: «آینده جهان روزی را دربر خواهد داشت که در آن روز، جامعه بشری پراز عدل و داد شده و با صلح و صفا همزیستی نماید و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال شوند، و البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه ای منجی جهان بشری و به لسان روایات، «مهدی» خواهد بود»^۲.

خدا کند تو بیایی، عدالت موعود که فصل روشن تو فصل خوب همدردی است
— دعای فرج، دعا برای فرج، انتظار فرج، آرمان شهر.

فرج بعد از شدت

وَعْدَةُ اللَّهِ هِيَ أَنْ يَخْلُقَ الْفَرَجَ بَعْدَ الشَّدَّةِ، وَفَرَجٌ وَغَشَايُشْ وَبَعْدَ مِنْ سَخْتِهَا أَسَانِي بِأَشَدِّ، «إِنَّ

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۱.

۲. شیعه در اسلام، ص ۱۵۰، چاپ نخست.

مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»^۱، «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»^۲. در آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ»^۳ هم خداوند به عنوان پاسخ دهنده و اجابت کننده دعای مضطربین و برطرف سازنده گرفتاری‌ها معرفی شده است. و در روایاتی هم «مضطرب حقیقی» حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار آمده است. در تعقیبات نمازها هم از جمله خواسته‌های ما یُسْر بعد از عُسْر، فرج بعد از کرب و رخاء بعد از شدت است.^۴

با توجه به این سنت الهی، که برای مردم پس از سختی‌ها، هجران‌ها، رنج‌ها و ابتلائات، خدا دری از رحمت و فرج به روی آنان می‌گشاید و در تاریخ بشری نمونه‌های فراوان داشته است،^۵ ظهور امام زمان پس از سپری شدن دوره طولانی غیبت کبری و گرفتاری‌های مردم از سوی ظالمان، یکی از مصداق‌های بارز «فرج بعد از شدت» است. آمدن منجی و قیام آن حضرت و نتایج و آثار رسالت کریمه مهدوی و اقامه قسط و عدل جهانی و تأمین آسایش و آرامش و امنیت برای مردم پس از سختی‌ها و محنت‌ها و مشکلات، گشایش عمومی است. در روایات، ظهور آن حضرت در وقتی بیان شده که مردم به نهایت شدت و سختی گرفتار شده باشند، تا حدی که از گشایش و فرج ناامید گردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: ظهور مردی از اهل بیت من پس از گسسته شدن مردم از زمان (کنایه از نومیدی) خواهد بود: «عِنْدَ انْقِطَاعِ مِنَ الزَّمَانِ». امام باقر علیه السلام هم فرموده است: خروج او وقتی است که مردم مأیوس و ناامید شوند از این که گشایشی ببینند «إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ». رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در توصیف آن دوره سخت فرموده است: «حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يُلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ»^۶، تا آنجا که کسی

۱. انشراح، آیه ۶.

۲. طلاق، آیه ۷.

۳. نمل، آیه ۶۲.

۴. تعقیبات نماز عصر.

۵. کتاب «فرج بعد از شدت» از قاضی تنوخی، شامل حکایات گوناگون در این مورد است.

۶. غیبت نعمانی، ص ۲۵۴ و ۲۰۸.

۷. المصنّف، صنعانی، حدیث ۲۰۷۶۷.

پناه و ملجایی نمی یابد که از ستم به آن پناه ببرد.

— مضطر حقیقی، امن یجیب، شرایط ظهور، فرج.

فرق شرایط ظهور و علائم ظهور

میان شرایط ظهور از قبیل حضور رهبر و شمار کافی از یاوران و علائم ظهور از قبیل خروج دجال و ندای آسمانی تفاوت هایی است. از این قرار:

۱. ارتباط ظهور با شرایط آن، ارتباطی واقعی است، یعنی تا آن شرایط نباشد، ظهور هم نخواهد بود، اما ارتباط آن با علائم، ارتباط کشف و اعلام است، یعنی علائم، دخالتی در ظهور ندارد، فقط نشان نزدیک شدن ظهور است، ممکن است آن علامت، تحقق هم نیابد.

۲. علائم ظهور، تعدادی از حوادث است و چه بسا ربطی هم به حادثه ظهور نداشته باشد، اما شرایط ظهور ارتباط اساسی با برنامه الهی ظهور دارد و پیوند سبب و مسبب میان آن هاست.

۳. علائم ظهور لازم نیست همه آن ها در یک زمان جمع شوند، چه بسا برخی پدید آید و به پایان برسد و علامت دیگری رخ دهد، اما شرایط ظهور همه باید در نهایت جمع شود، هر چند به تدریج، ولی نشانه ها باقی است و تکمیل می شود و ظهور تحقق می یابد.

۴. علامت ظهور گاهی حادثه ای است که اتفاق می افتد و دوام ندارد، برخلاف شرایط ظهور که طبق نقشه الهی باقی می ماند تا ظهور صورت گیرد.

۵. علائم ظهور، پدید می آید و همه آن ها قبل از ظهور پایان می یابد، ولی شرایط ظهور نزدیکی های ظهور یا در هنگام ظهور به طور کامل فراهم می آید و پایان نمی پذیرد، وگرنه شرط و مشروط از هم جدا می شود.

۶. شرایط ظهور در نقشه و تدبیر الهی دخیل است و روز موعود متوقف بر آن است و کل بشریت از آغاز تا روز ظهور همه در پی ایجاد روز ظهورند، اما علائم ظهور چنین مداخلیتی ندارد و نهایت اثر آن آماده سازی ذهن مسلمانان برای استقبال از روز ظهور است.

۱. برگرفته از نظریات سید محمد الصدر، در کتاب «تاریخ الغیبة الکبری»، ص ۴۶۹ به بعد.

۷. علائم ظهور را می‌توان با توجه، جستجو و دقت و تحقیق شناخت و فهمید که کدام فراهم شده و کدام نشده است، اما نسبت به شرایط ظهور نمی‌توان اطمینان یافت، مثلاً آیا تعداد کافی از یاران مخلص فراهم شده؟ و آمادگی مردمی به مرز کفایت رسیده است؟ چندان نمی‌توان اطمینان به دست آورد.

← شرایط ظهور، علائم ظهور، عصر ظهور و حضور، جهان پراز ظلم، اشارات و بشارات.

فرود آمدن عیسی علیه السلام ← مهدی علیه السلام مقتدای مسیح

فرهنگ انتظار ← آیین انتظار

فسادهای آخر الزمان

دوره آخر الزمان، به دوره‌ای گفته می‌شود که ناهنجاری‌های رفتاری و فسادهای اخلاقی و معصیت‌های عمومی به اوج خود می‌رسد و نیاز به یک اصلاح جهانی را آشکار می‌سازد. این مفاسد، چه بسا پیش درآمد عصر ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی علیه السلام باشد. در روایات بسیاری این گونه پیشگویی‌ها از زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امامان، با تعبیر «سیأتی زمان» و «یأتی زمان» بیان شده است. یعنی روزی خواهد آمد که چنین و چنان می‌شود. طولانی‌ترین حدیثی که بیش از ۱۲۰ نشانه را از علائم آن دوره فساد بیان می‌کند، سخن امام صادق علیه السلام است که پس از پایان این موارد، که به صورت «هرگاه دیدی چنین و چنان شد» است، توصیه می‌کند که بکوش تا از این گونه جماعت‌ها و اعمال دور باشی و از خداوند، نجات و رستگاری بطلب. شماری از این فسادها فهرست وار از این قرار است:

از میان رفتن حق و پیروان حق، فراگیری ستم، فرسودگی احکام قرآن و رواج بدعت‌ها و هوس‌ها، برتری جویی اهل باطل بر اهل حق، آشکارا بودن شر و منکرات و ترک امر به معروف و نهی از منکر، شیوع فسق و لواط و همجنس‌گرایی میان مردان و زنان، افزایش دروغ، رواج قطع رحم، چاپلوسی و تملق، همسایه‌آزاری، شرابخواری، کاهش خیر و فزونی شر، تعطیلی کعبه، رواج مجالس بزم و هوسرانی مردان، عزت یافتن پولداران و تحقیر مؤمنان، رواج ربا و رشوه و زنا و شهادت به ناحق، تفسیر احکام دین طبق تمایلات شخصی، عادت کردن

مردم به شهادت ناحق، حرام شدن حلال و حلال شدن حرام، خرج کردن مال زیاد در راه گناه، نزدیکی حاکمان به کافران و دوری گزیدن از نیکان، رشوه گرفتن قاضیان و داوران، قتل با تهمت و سوء ظن، کسب مردان از فحشای همسران، تسلط زنان بر مردان، واداشتن زنان و کنیزان به تن فروشی از سوی شوهران، سوگندهای دروغ، گسترش لهو و لعب، رقابت در حرف زور و ناحق، بیزاری از شنیدن صوت قرآن و گرایش به سخنان باطل، احترام به همسایه از ترس شرّاء، طلاکاری مساجد، محبوب شدن مفتریان و دروغ‌گویان، سفر حج و جهاد برای غیر خدا، کسب درآمد از راه کم‌فروشی، آسان شمردن خونریزی، سبک شمردن نماز و ندادن زکات، کفن دزدی با نبش قبور، عمل زشت با حیوانات، خواری حلال طلبان و ستایش از حرام‌خواران، ظهور آلات لهو و لعب در مکه و مدینه، متروک شدن راه‌های خیر، توهین و تحقیر فقیران، انجام عمل جنسی در ملاعام، آزار پدر و مادر، غلبه زنان بر مردان در پست‌های حساس، احتکار مواد غذایی از سوی حکومت، مداوای با شراب، سرو صدا و جلوه‌گری منافقان، اجرت گرفتن برای اذان و نماز، پرشدن مساجد از آنان که خدا ترس نیستند، حرمت نهادن به مستان و شراب‌خواران، خوردن مال یتیم و قضاوت برخلاف حکم خدا، موعظه مردم بر منابر ولی عمل نکردن واعظان به حرف‌های خود، پرداخت صدقه نه از روی قصد قربت بلکه با اصرار دیگران، اهتمام بیشتر به شکم و شهوت بدون توجه به حلال و حرام آن، روی آوردن به دنیا، از جلوه افتادن حق و ...^۱

نیز از آن حضرت منقول است که: بر اتم زمانی بیاید که فرمانروایان به ستم روی می‌آورند، عالمان اهل طمع و ناپرهیزگاری می‌شوند، عبادت‌کنندگان اهل ریامی گردند، تاجران رباخوار می‌شوند و درد داد و ستد، عیب کالا را پنهان می‌کنند، زنان به زیورآلات دنیا و آراستن روی می‌آورند، در آن زمان است که بدان بر آنان مسلط می‌شوند، نیکان هم دعا می‌کنند، ولی

۱. متن حدیث در روضه کافی، از کلینی، ص ۵۲، حدیث ۷، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴ است. نیز رک: موعودنامه، ص ۶۷۹.

دعایشان متسجّاب نمی‌شود: «يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكُونُ أُمَرَاؤُهُمْ عَلَى الْجَوْرِ...»^۱.
 ← آخر الزمان، شرایط ظهور، علائم ظهور.

فلسطین ← قدس

فلسفه انتظار ← فلسفه غیبت

فلسفه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

با آن که نقش امام در جامعه، هدایت مردم و حمایت از قرآن و دین است، چرا امام عصر از دید مردم پنهان است و فلسفه آن چیست؟ در روایات، به علّت‌ها و حکمت‌هایی اشاره شده است، از جمله:

۱. فلسفه اصلی آن، به فرموده امام صادق علیه السلام به عبدالله بن فضل هاشمی، از اسرار الهی و از غیب‌های پروردگار است و چون خدای متعال را حکیم می‌دانیم، کارهای او را هم حکیمانه می‌دانیم، هر چند جهت آن برای ما آشکار نباشد.^۲

ولی نکات و جهاتی از برخی روایات برمی‌آید، مثل: امتحان بندگان خدا با غیبت امام، آزمایش میزان معرفت و تسلیم و ایمانشان به وحی و قرآن، رشد و کمال انسان‌ها در مسیر آمادگی برای ظهور با طول کشیدن غیبت و اصل غیبت و دسترسی نداشتن به حجت خدا، فراهم آمدن همه یاران، بیم جان و خطر قتل او، چون دشمنان در صدد کشتن او بودند، چون می‌دانستند که زوال حکومت‌های ظالم به دست او خواهد بود، مثل فرعون که در پی قتل موسی علیه السلام بود، چون شنیده بود که زوال حکومتش به دست فرزندی از بنی اسرائیل است. در مجموعه روایات غیبت، نکات یاد شده مطرح است.

۲. در حدیثی امام صادق علیه السلام از حتمیت غیبت او سخن می‌گوید که عده‌ای به شک می‌افتند. راوی می‌پرسد: پس غیبت برای چه قرار داده شده است؟ می‌فرماید: علّتی دارد که ما مجاز به کشف آن برای شما نیستیم. می‌پرسد: پس حکمت در غیبت او چیست؟

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۸۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

می‌فرماید: همان حکمتی که در غیبت حجت‌های الهی پیش از او بوده و حکمت آن جز پس از ظهور روشن نمی‌شود، مثل داستان خضر و موسی و کارهایی که کرد و موسی رمز آن‌ها را نمی‌دانست. این سرتی از اسرار الهی است و اگر خدا را حکیم می‌دانیم، پس حکمتی در کار او هست.^۱

۳. این نکته هم در روایات است که علت غیبت، آن است که وقتی ظهور می‌کند، بیعت و عهد و تعهد هیچ کس بر گردنش نباشد: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَلَا عَقْدٌ وَلَا ذِمَّةٌ».^۲ امامان در حال حضور، به نحوی تعهد داشتند که قیام مسلحانه علیه خلفای اموی و عباسی نکنند. این نکته و علت، در یکی از توقیعات امام زمان (عج) هم آمده است. آن حضرت در پاسخ مفصلی که به سؤالات اسحاق بن یعقوب داده و توسط محمد بن عثمان عمری از ناحیه او صادر شده، می‌فرماید: اما علت غیبت، آن است که خداوند در قرآن می‌فرماید: از چیزهایی نپرسید که اگر برایتان آشکار شود، شما را ناراحت می‌کند، هیچ یک از پدرانم نبودند مگر آن که بیعتی در مقابل طاغوت زمانشان برگرد نشان بود، اما من وقتی ظهور کنم، هیچ یک از طاغوت‌ها برگردن من بیعتی ندارند.^۳ در همین حدیث، به نحوه بهره‌مندی از وجودشان در عصر غیبت و تشبیه آن به استفاده از خورشید در پس ابر هم اشاره می‌فرماید.

۴. یکی دیگر از حکمت‌های غیبت امام، قدرشناسی از وجود او در میان امت و آماده شدن برای فداکاری در راه او و اطاعت از او امر است. اگر وجود امام، لطفی از سوی خدا نسبت به بندگان و امت است، غیبت او به خاطر خطاها و ناسپاسی و عصیان و قدرشناسی امت است. به قول خواجه نصیر طوسی: «وُجُودُهُ لُطْفٌ وَتَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَعَدَمُهُ مِنَّا»^۴، وجود او لطف است، تصرف و اعمال او لطف دیگر است و نبود او از ناحیه ماست.

۵. آشکار شدن ناتوانی مکاتب بشری که مدعی اصلاح جهان‌اند و تحقق این هدف با

۱. منتخب الأثر، صافی (۳ جلدی)، ج ۲، ص ۲۶۵، کمال الدین، ص ۴۸۲.

۲. همان، ص ۲۹۵ و ۲۶۶.

۳. کتاب الغیبه، طوسی، ص ۲۹۲.

۴. کشف المراد، خواجه نصیر، ص ۳۶۲.

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی دیگر از حکمت‌ها و فلسفه‌های غیبت است. به تعبیر امام باقر علیه السلام: تا وقتی مردم سیره و روش حکومتی ما اهل بیت را بینند، نگویند که اگر ما هم به حکومت رسیده بودیم، همین گونه رفتار می‌کردیم.^۱

حدیث از شوق آن شه گوی و سر غیبتش کم جو که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معمارا
مپرس سر نهان بودن امام، ای فیض که کارهای خدا را سؤال، بی ادبی است^۲
۶. وجود غفلت‌ها و گناهان در امت، عامل دیگری در محرومیت از حضور امام است. او همیشه هست، ولی وقتی مردم پشت به خورشید کنند، از فروغ آن محروم می‌گردند.

گفتم که روی ماهت، از من چران نهان است؟ گفتا تو خود حجابی، ورنه رخم عیان است^۳
۷. آزمایش مردم، یکی دیگر از حکمت‌های غیبت به عنوان یک سنت الهی است که در زندگی پیامبران گذشته هم وجود داشته است. «اتفاق می‌افتد که گاه معلمی برای مدتی، از اطاق درس بیرون رود، تا وضع شاگردان و چگونگی رفتار و انضباط و کوشایی، یا اهمالگری آنان را در غیاب خویش بنگرد و جوهر آنان را بهتر معلوم دارد و ارزشهای آنان را بیشتر به محک بزند؛ و تا کسانی را که با وجود غیبت معلم از کلاس مانند حالت حضور معلم، می‌کوشند و درس می‌خوانند و انضباط را رعایت می‌کنند، به مرتبه‌ای که در خور آنان است برساند».^۴

تقصیر ماست غیبت طولانی شما بغض گلو گرفته پنهانی شما
بر شوره زار معصیت گریه می‌کنی جانم فدای دیده نورانی شما
— غیبت، تشریف یافتگان، آزمایش و امتحان، غیب.

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

ایستا، برپا، قیام کننده، برخاسته. از القاب امام زمان است که در روایات، فراوان با این تعبیر از آن حضرت یاد شده است. گرچه همه امامان قائم‌اند، ولی این عنوان مخصوص

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲. فیض کاشانی.

۳. همان.

۴. خورشید مغرب، ص ۲۰۹.



امام زمان است. او را «قائم آل محمد» نیز گویند و این تعبیر و مشابه آن در احادیث آمده است مثل: قائم از ما، قائم از فرزندان من، امام باقر علیه السلام فرمود: «لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْبَتَانِ...»^۱ قائم آل محمد دو غیبت دارد، یکی طولانی تر از دیگری است. در یکی از دعاها و حرزهای امام سجاده علیه السلام از امام مهدی هم به عنوان «الحجة القائم المهدی» یاد شده و هم

طلب رؤیت قائم آل محمد است: «وَأَرْزُقْنِي رُؤْيَا قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ»^۲. در حدیث امام سجاده علیه السلام است که خداوند به وسیله قائم از قاتلان حسین علیه السلام انتقام خواهد گرفت.

این عنوان، شیعه منتظر را اهل قیام و حرکت معرفی می کند، به خصوص که توصیه شده هنگام شنیدن این نام، برخیزید، این توجه دادن به قیام و امامی که اهل قیام است نه قعود و تکلیف آمادگی برای نهضت و قیام را می رساند. مرحوم طالقانی می گوید: «این دستور قیام، شاید برای احترام نباشد، و آلا باید برای خدا و رسول و اولیای مکرم دیگر هم به قیام احترام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن برای پشتیبانی این حقیقت است... دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون اسم صریح «قائم»، مؤسس دولت حقه اسلام برده می شود به پا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مرد»^۳. او قائم است، چون در آخر الزمان قیام می کند و زمین را پراز عدالت می سازد. محدث قمی نقل می کند: روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام اسم مبارک آن جناب برده شد، حضرت به جهت تعظیم و احترام آن برخاست. وقتی هم که دعبل خزاعی قصیده خود را در محضر امام رضا علیه السلام خواند و به بیت «خروج امام...» رسید، حضرت امام رضا علیه السلام

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۷. امام باقر علیه السلام: «يَكُونُ تِسْعَةُ أُمِّيَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَأْسِغُهُمْ قَائِمُهُمْ» (الغيبة، نعمانی، ص ۹۴).

۲. همان، ج ۹۱، ص ۲۶۶ به نقل از مهج الدعوات.

۳. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۳۳۸ (به نقل از مجموعه حکمت، شماره ۱ و ۲).

برخاست و بر روی پاهای مبارک خود ایستاد و سرنازنین خود را خم کرد به سوی زمین و کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود و گفت: «اللهم عجل فرجه و مخرجه...»^۱.

«قائم بامر الله» در روایات، به هرامامی که قیام به حق کند نیز گفته شده است که امامان ما بارزترین نمونه و مصداق آن هستند.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا او را قائم می گویند؟ فرمود: «لأنه يقوم بعد ما يموت، انه يقوم بأمر عظیم، يقوم بأمر الله سبحانه»^۲، زیرا او پس از آن که یادش مرده باشد قیام می کند، به امر عظیمی قیام می کند، امر خدای سبحان را برپا می دارد. همچنان که یاد شد، از او به عنوان «قائم آل محمد» در روایات یاد شده است. امام صادق علیه السلام درباره شیوه حکومت و قضاوت او فرمود: «إذا قام قائم آل محمد حكم بحكم داود و سليمان، لا يسأل الناس بيته»^۳، وقتی قائم آل محمد قیام کند، به حکم داود و سلیمان حکم و داوری می کند و از کسی بیته و شاهد نمی طلبد (بلکه به علم خود عمل و قضاوت می کند).

← قائمیه، مهدیه، قیام برای «قائم»، قضاوت داود و سلیمان.

قائم آل محمد ← قائم

قائمیه

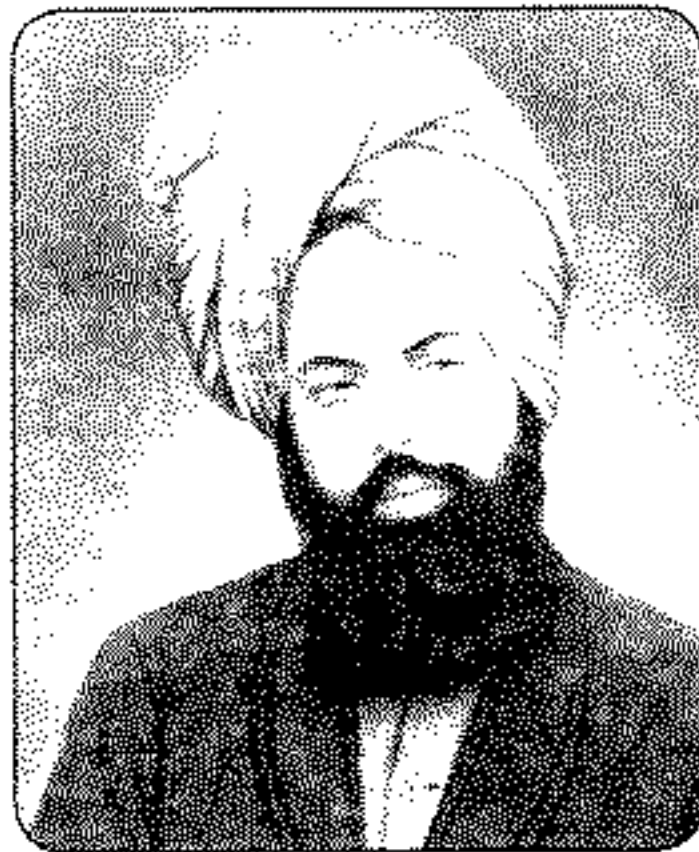
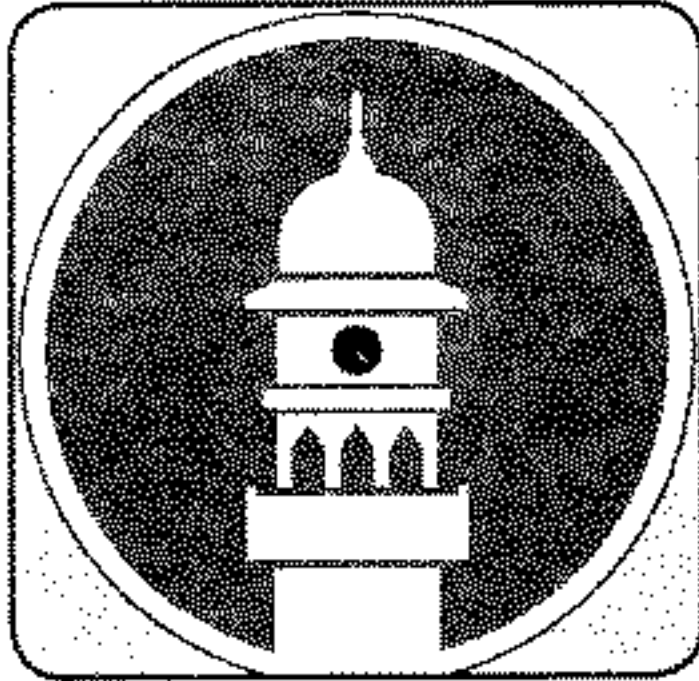
منسوب به «قائم» که از لقب های امام زمان است، همچون مهدیه و حجتیه که منسوب به مهدی و حجت است. به شیعه دوازده امامی «قائمیه» هم گفته شده است. مراکز و مؤسسات و اماکنی به احترام این لقب، قائمیه نامیده شده است، همچون «مؤسسه تحقیقاتی رایانه ای قائمیه در اصفهان که درباره کتاب و منابع پژوهشی، خدمات ارائه می دهد، نیز قائمیه نام شهری کوچک در غرب استان فارس و نزدیک کازرون است. نامگذاری قائم شهر، شهر قائم نیز با همین دیدگاه است. روستاهایی در مناطق مختلف ایران هم قائمیه نام دارد.

← مهدیه، حجتیه، اماکن منسوب به امام مهدی علیه السلام.

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۶۵، چاپ هجرت، به نقل از کتاب نیران الأحزان.

۲. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۴۳.



فرهنگ
انتظار

قادیانیگری

از فرقه‌های گمراه مدّعی مهدویت است. غلام احمد قادیانی اهل قادیان از توابع هند در سال ۱۲۵۵ هجری به دنیا آمد و پس از تحصیلات دینی وارد خدمت در دولت انگلیس شد و در مدّت خدمتش (۱۸۶۰ تا ۱۸۶۵ م) با انگلیسی‌ها رابطه صمیمی یافت و پس از مدّتی گوشه‌گیری، در ۴۰ سالگی کتابی با نام «براهین احمدیه» منتشر کرد و در سنّ ۵۰ سالگی ادعای وحی نمود و در سال ۱۹۰۴ خود را مسیح و مهدی موعود خواند و در سال ۱۹۰۸ م در سنّ ۶۹ سالگی درگذشت.^۱

فرقه قادیانیه، مسلمانان را کافر می‌دانستند و با آنان مثل اهل کتاب رفتار می‌کردند. به این فرقه، احمدیه هم می‌گویند

و پیروان آن بیشتر در انگلستان اند. پیدایش و گسترش این فرقه، بیشتر با دسیسه‌های انگلیس برای ایجاد اختلاف در میان مسلمانان بود. همچنان که فرقه بهائیت را در ایران پدید آوردند و در عصر سلطه انگلیسی‌ها در هندوستان، با توطئه آنان به رشد و توسعه رسیدند.^۲

مذّعیان مهدویت، آسیب‌شناسی مهدویت، متمهدی، بهائیت.

قاعده لطف

یکی از دلایل اثبات امامت به طور عام و اثبات وجود امام زمان به طور خاص، «قاعده لطف» است و خلاصه‌اش این است که خداوند چون به بندگان لطف و مهربانی دارد، آنان را به حال خود رها نمی‌کند، بلکه راهنمایی می‌فرستد که بندگان را به خدا و خیر و بندگی و بهشت راهنمایی کنند. پیامبران و بعثت آنان گواه و دلیل لطف خداست. در مناظره‌ای که

۱. معارف مهدی، ص ۲۸۷، به نقل از فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۹.

۲. رک: نقشه‌های استعمار در راه مبارزه با اسلام، ص ۳۲۲.

هشام بن حکم با عمرو بن عبید داشت، با سؤال‌های متعدد، سرانجام از او پرسید: خدایی که برای درست عمل کردن اعضای بدن مثل چشم و گوش و دست و پا و... «قلب» را قرار داده تا شک و تردید از اعضا برطرف سازد، چگونه ممکن است این همه خلاق را بدون امام و راهنما رها کند تا به تردید و سرگردانی بیفتند؟^۱

در روایات، چنین استدلال‌هایی بر لزوم بعثت انبیا به عنوان حجت‌های الهی بیان شده است.^۲ حتی در وضع احکام و وجوب اعمال دینی هم به این قاعده استدلال شده، چون این‌ها راهگشای ورود انسان به حیطة رضایت الهی و بهشت برین است. اتمام حجت الهی بر بندگان هم جلوه دیگری از لطف خداست، روایاتی می‌گوید: زمین هرگز خالی از حجت نمی‌ماند.^۳ و این که خداوند بر ترو بزرگتر از آن است که زمین را بدون امام عادل رها کند.^۴ پس وجود امام، لطف است، تعلیم و هدایت او و تصرفاتش در امور، لطفی دیگر است، معصوم بودن امام هم لطف الهی است، ذخیره کردن حجت دوازدهم برای روزی که ظهور کند و جهان را پر از قسط و عدل کند، این هم لطف خداست. پس با «قاعده لطف» می‌توان بسیاری از مسائل را اثبات کرد و همه اموری را که برای رسیدن انسان به کمال، لازم است مستند به آن کرد و اگر خدا چنین نمی‌کرد، با حکمت مطلقه او ناسازگار بود. خواجه نصیر طوسی به این قاعده این‌گونه اشاره کرده است: «وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرُ وَعَدْمُهُ مَنَّا».^۵ وجود او لطف است، تصرفات او لطفی دیگر است و نبود و غیبت او از ناحیه ماست.^۶

— حجت‌شناسی، حجت، غیبت.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱ تا ۶۱.

۳. الکافی، ج ۱، کتاب الحجّه.

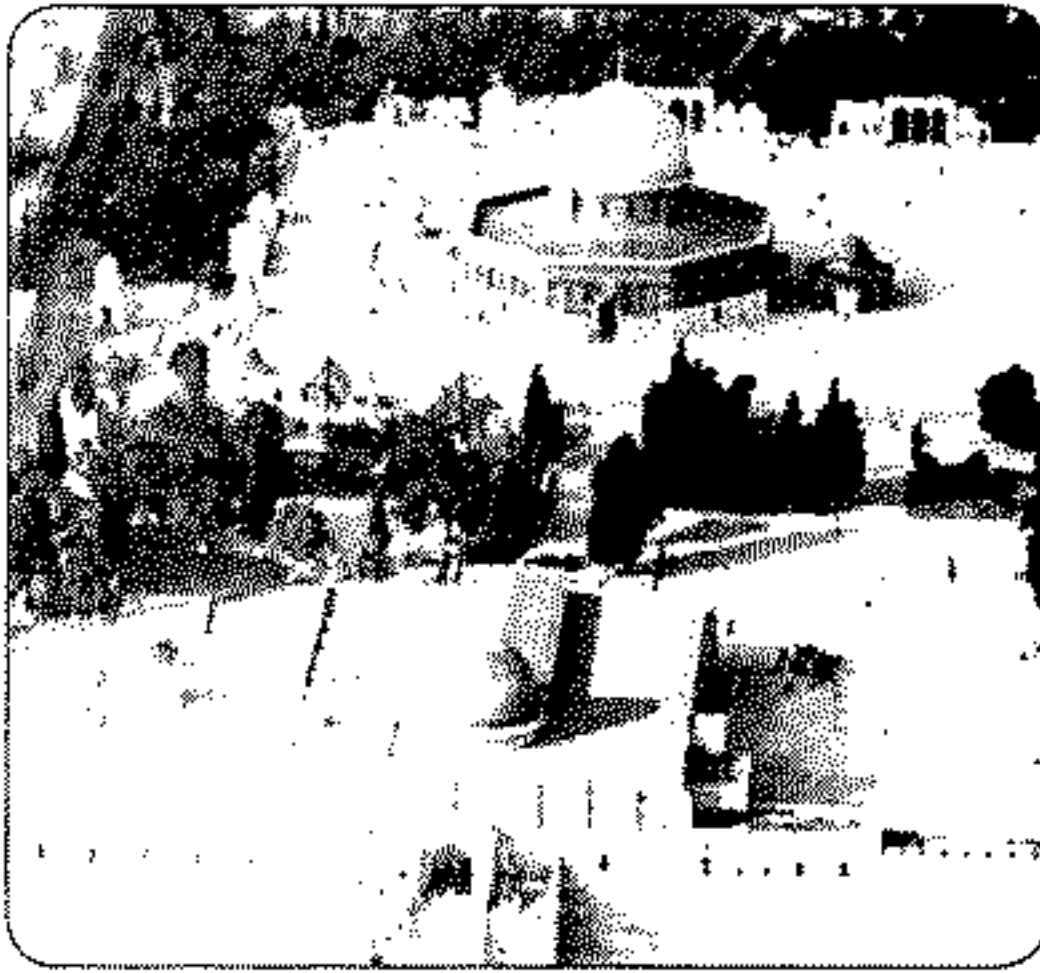
۴. همان، ص ۱۷۸.

۵. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۶۲.

۶. درباره قاعده لطف، بحث مفصلی در «بشارة الأمان بموعده الأديان»، محمد امامی کاشانی، ج ۱، ص ۳۳۱، و ترجمه آن، خط امان، ج ۱، ص ۲۹۳ آمده است.

قتل نفس زکیه ← نفس زکیه، علائم ظهور

قدس



بخشی از حوادث آخرالزمان و نبردهای قبل از ظهور، همچنین حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحابش در سرزمین فلسطین و بیت المقدس اتفاق خواهد افتاد. در بیشتر روایات مهدویت، از این منطقه با عنوان «شام» یاد شده است، چون در گذشته، شام به منطقه وسیعی شامل سوریه، اردن، لبنان و فلسطین گفته می شد، گاهی هم نام «ایلیاء»

برده شده که از شهرهای فلسطین است. به این موارد توجه کنید:

فرهنگ
انتظار

- فتنه ای در شام پیدا خواهد شد و تا زمان ندای مهدی ادامه خواهد داشت.
- ای جابر، قبل از قیام قائم، فتنه ای مردم را در شام فرا خواهد گرفت، تا آن که منادی آسمانی ندا دهد.
- سفیانی بر مناطق پنجگانه (کور الخمس) مستولی می شود، یعنی دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب.
- پرچم های سیاه از خراسان ظهور می کند و کسی جلودارش نیست، تا برسد به ایلیاء.
- مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از بیعت مردم با او، به سمت شام حرکت می کند و در بیت المقدس فرود می آید، عیسی مسیح نازل می شود و آن جا پشت حضرت نماز می خواند.
- مهدی و یارانش با سپاه سفیانی می جنگند و دمشق و بیت المقدس را فتح می کنند و... امثال این گونه نقل ها نشان می دهد که حکومت آن حضرت تا آن جا گسترش می یابد و در نبردهایی که با یهودیان صورت می گیرد فلسطین تحت پرچم حکومت مهدی قرار

می‌گیرد.^۱ در حدیث آمده است: «يَنْزِلُ الْمَهْدِيُّ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ، ثُمَّ يَكُونُ خَلْفًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ...»^۲، مهدی عجل الله فرجه در بیت المقدس فرود می‌آید و پس از او خاندانش تا مدتی طولانی جانشین او می‌شوند.

← حکومت واحد جهانی، چگونگی غلبه بر جهان، روایت ظهور.

قریسا

قریسا شهری کوچک، نزدیکی‌های دیرالزور در سوریه است که نزدیک مرز سوریه و عراق و سوریه و ترکیه است.^۳ در روایات آخرالزمان به عنوان محل نبرد عظیمی که در آستانه ظهور اتفاق خواهد افتاد از آن یاد شده است.^۴ این نبرد مورد تحلیل‌ها و تطبیق‌های مختلفی قرار گرفته است. یهودیان بر اساس باورهای خود، بر محور آن نبرد بزرگ و ملحمه کبری، فیلم‌ها ساخته‌اند.

← آرماگدون، شهرها در روایات عصر ظهور.

قسط و عدل ← عدالت

قضاوت داود و سلیمان علیهما السلام

در روایات است که امام عصر عجل الله فرجه، بر اساس علم خود قضاوت می‌کند، مثل قضاوت حضرت داود و سلیمان. حضرت سلیمان در داوری میان اشخاص و در حکم و قضاوت در منازعات، با علم الهی خود قضاوت می‌کرد و از اشخاص، دلیل و برهان و شاهد بر مدعایشان نمی‌طلبید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر اساس بینه و یمین (شاهد و قسم) داوری می‌کرد، با آن که حقیقت را و صاحب حق را می‌شناخت. این شیوه، مبنای قضاوت شرعی در اسلام در دوره پیامبران و امامان و پس از آنان است. اما امام زمان عجل الله فرجه مثل داود و سلیمان بر اساس علم خداداد خود که از قضایا آگاه است قضاوت خواهد کرد و از اشخاص، بینه

۱. رک: «المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی»، فصل ۲۵ و «عصرالظهور» از علی الکوثرانی.

۲. معجم احادیث الامام مهدی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی عجل الله فرجه، ص ۴۶۹.

۴. الاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۵۶.

و شاهد درخواست نمی‌کند. به فرموده امام صادق علیه السلام: «... حَتَّى يُخْرِجَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ آلِ دَاوُدَ، لَا يَسْأَلُ النَّاسَ بَيِّنَةً»^۱، «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيِّنَةً»^۲. از این گونه روایات متعدد است.

بعضی گفته‌اند: علاوه بر علم و اطلاعی که خداوند در اختیارش می‌گذارد، در سایه پیشرفت علوم و امکانات و تجهیزات، مستندات حکم و قضاوت آن قدر فراهم و روشن است که نیازی به برهان و شاهد برای اثبات مدعا نیست. در حدیث آمده است که نیاز به بیینه ندارد، چون خداوند به او الهام می‌کند و او به علم خود داورى و حکم می‌کند و از باطن اشخاص هم خبر دارد و حقیقت ایمان و نفاق اشخاص را هم می‌داند: «يَحْكُمُ بِحُكْمِ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الَّذِي عَلَّمَهُ اللَّهُ شُبْحَانَهُ، لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ وَلَا الشَّهَادَةَ»^۳.

در قبضه‌ات قضاوت داود در دست تو نگین سلیمان

میراث دار خط شهادت خونخواه کربلا و شهیدان^۴

← ویژگی‌های امام زمان علیه السلام، سیره مهدوی.

فرهنگ
انتظار

قطب عالم امکان

از القاب و اوصاف حضرت مهدی است، چون که به عنوان حجت الهی، محور عالم وجود و مایه ثبات گیتی است. وقتی در روایات آمده است که اگر «حجت» نباشد، زمین، اهل عالم را در کام خود فرو می‌برد. و این که آن حضرت، مایه «امان» برای زمینیان است و این که به برکت وجود امام زمان، دنیا باقی و زمین و آسمان پابرجاست (بوجوده شَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ...) ^۵، پس او «قطب عالم امکان» است و جهان بر مدار وجود او می‌چرخد.

← آثار وجودی امام زمان، حجت، امن و امان، نام‌ها و اوصاف و القاب، حجت‌شناسی.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۷، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.

۳. بیان الأئمه، ج ۳، ص ۲۰۶.

۴. از نویسنده.

۵. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

قم، قائم، قیام

ارتباط خاصی بین شهر قم و قیام در راه خدا و حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه وجود دارد و تاریخ هم گواه این ارتباط است. امام صادق علیه السلام به عقیان بصری فرمود: می دانی چرا قم را قم گویند؟ گفت: خدا و رسولش و تودانانتری. حضرت فرمود: «لَإِنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ». ' زیرا مردم قم با قائم آل محمد و همراه او گرد می آیند و قیام می کنند و در این راه پایدارند و آن حضرت رایی می کنند.

راوی نقل می کند: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که این آیه را خواند «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا...»^۱ که خبر از گروهی از بندگان ویژه خدا می دهد که پس از دوبار طغیان بنی اسرائیل در روی زمین، خداوند آن بندگان پرتوان و جنگاور را (اولی باس شدید) بر آنان می گمارد و سراغ آنان می فرستد که در لابه لای سرزمین ها آن یهودیان را جستجو می کنند. پرسیدیم: آنان کیانند؟ حضرت سه بار فرمود: به خدا قسم آنان اهل قم اند «هُمُ وَاللَّهِ أَهْلُ قَمٍ»^۲.

در روایت دیگر آمده است: امام کاظم علیه السلام فرمود: مردی از قم مردم را به حق دعوت می کند. گروهی پیرامون او جمع می شوند استوار، همچون پاره های آهن، که طوفان ها آنان را از جا تکان نمی دهد، از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند و بر خدا توکل می کنند و عاقبت از آن متقین است.^۳ این روایات، ارتباط قیامی و جهادی را با حضرت قائم بیان می کند. درباره گسترش علوم دینی از این شهر به همه آفاق دنیا در عصر غیبت، که پیش درآمد عصر ظهور است نیز احادیث متعددی آمده که موقعیت علمی، دینی و فرهنگی این شهر را بیان می کند و این که خداوند اهل قم را حجت بر مردم روی زمین قرار می دهد و با مردم قم بر مردم شهرهای دیگر احتجاج می کند «وَذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبَةِ قَائِمِنَا إِلَى ظَهْرِهِ»^۴. سرآزیر شدن علم و دانش از

۱. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۲. اسراء، آیه ۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۴. همان.

۵. همان، ص ۲۱۳.

قیام برای «قائم»

این شهر به جاهای دیگر (که اکنون شاهد آنیم) به عنوان یکی از نشانه‌های نزدیک به ظهور حضرت مهدی آمده است. پیشتازی مردم قم در انقلاب اسلامی و حمایت از مراجع دینی و رهبران مذهبی هم به عنوان حرکتی زمینه‌ساز برای ظهور مطرح است.

شهر علم و شهر ایمان و صفاست	تربت قم، قبله عشق و وفاست
بوده در مهد هدایت‌ها مقیم	قم همیشه رفته راه مستقیم
شهر فقه و حوزه، علم و اجتهاد	شهر خون، شهر شرف، شهر جهاد
برق تیغ بی نیامند اهل قم	نقطه قاف قیامند اهل قم
در قیام و پیشتازی دائم‌اند ^۱	اهل قم از یاوران «قائم» اند

← زمینه‌سازان ظهور، یاران امام زمان، علائم ظهور، ایرانیان در عصر ظهور.

قیام برای «قائم»

یکی از القاب امام زمان، «قائم» است. از ویژگی‌های آن حضرت یکی هم این است که توصیه شده هنگام شنیدن این لقب خاص، به احترام آن برخیزیم و دست بر سر بگذاریم. این امر، نشان آن است که ما هم به صاحب این نام احترام می‌گذاریم، هم قیام او را در آخر الزمان برای اجرای عدالت جهانی پاس می‌داریم، هم آماده قیام به دعوت او هستیم. ریشه این عمل به سیره حضرت رضا علیه السلام برمی‌گردد. وقتی دعبل خزاعی در محضر امام، قصیده معروف خود (مدارش آیات) را خواند، چون به بیت رسیده که نام حضرت حجت همراه با قیام او به نام خدا در آن بود (خروج امام لا محالة خارج...) حضرت رضا علیه السلام متواضعانه به پا خاست و دست بر سر نهاد و برای فرج آن حضرت دعا کرد.^۲ البته لقب «قائم» در شعر نیست، بلکه «يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ» است و ادای تواضع و احترام حضرت رضا علیه السلام برای یاد کرد خود امام عصر است، نه کلمه قائم. نیز در روایتی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌شود به چه سبب هنگام یاد کردن از حضرت حجت با لقب قائم، قیام می‌شود؟ فرمود: چون او را

۱. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۳۳، شعر «نگین قم».

۲. تنقیح المقال، مامقانی، ج ۱، ص ۴۱۸.

غیبتی طولانی است و به خاطر رأفت بسیار او به دوستدارانش، هر که او را با این لقب بخواند که یادآور حکومت اوست و حسرت برای غربتش را داراست، آن حضرت با نظر عنایت به او می‌نگرد. رسم ادب آن است که غلام، هنگام نگاه مولایش به او بایستد و از خداوند، ظهور و تعجیل در فرج را بخواهد.^۱

— قائم، نام‌ها و اوصاف و القاب، ویژگی‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه.

قیام به سیف

قیام به سیف، یعنی قیام مسلحانه و با شمشیر. از آن حضرت با عنوان «صاحب السیف» هم یاد شده که برای برپایی دولت ایمان و عدالت که مورد انتظار مردم است، تکیه به شمشیر و سلاح می‌کند.^۲ امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شرایطی که بر همه اتمام حجت شده و حقایق روشن گشته، ولی عده‌ای در برابر حق و عدل می‌ایستند و مانع تحقق حکومت جهانی عدل می‌شوند، از قدرت قهریه و سلاح استفاده می‌کند، چون کار از سخن و موعظه گذشته است. امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت قائم، امر جدید و کتاب جدید و قضاوت جدید می‌آورد که بر عرب سخت است (یعنی تحریف‌ها و تعطیلی احکام خدا آن قدر است که وقتی دین راستین را اجرا می‌کند، می‌پندارند که دین تازه‌ای آورده است) شأن و کار او جز شمشیر نیست، از کسی درخواست توبه نمی‌کند و در راه خدا از هیچ ملامتی و ملامتگری هم نگرانی ندارد: «... لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفُ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَلَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَا أَمٍّ». ^۳ تعبیراتی از قبیل «لا يَظْهَرُ إِلَّا بِالسَّيْفِ»^۴ و «وما هوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ»^۵، زیاد است، که کنایه از آن است که در راه اجرای عدالت و مبارزه با طاغوت‌ها و مفسدین، با کسی مسامحه و سازش نمی‌کند و دست به شمشیر می‌برد، چون مخالفانش جز زبان شمشیر نمی‌فهمند و

۱. دانشنامه امام مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۳۳۴ به نقل از الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۴۲.

۲. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۴۰.

۳. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۳، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۵. سیره معصومین، ج ۵، ص ۳۹۴، به نقل از غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۹.

چنین جهادی با مستکبران، عزّت آفرین و ستم سوز است.
امام صادق علیه السلام فرمود: «اِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَالْقُرَيْشِ إِلَّا السَّيْفُ وَمَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ» وقتی قائم خروج کند، میان او و عرب و قریش جز شمشیر نخواهد بود و از آنان جز شمشیر نمی گیرد.

معنای خروج بالسیف، این نیست که کارش کشت و کشتار و خونریزی است (که البته این ها هم در قیام او خواهد بود)، بلکه به این معناست که در راه اجرای عدالت، از قدرت نظامی و سلاح استفاده می کند، همچنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مبارزه با کفار و منافقین و پیمان شکنان خائن، با زبان شمشیر سخن گفت و به جهادی بی امان با آنان پرداخت که فرمان قرآن بود، با آن که آن حضرت، پیامبر رحمت بود، ولی نبرد مسلحانه با دشمنان حق و عدل و انسان، عین رحمت بر بشریت است. معلى بن خنيس از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا سیره قائم، برخلاف سیره امیرالمؤمنین علیه السلام است؟ فرمود: آری، زیرا علی علیه السلام با ممت و گذشت با مردم و مخالفین (در جنگ جمل در بصره) برخورد کرد، چون می دانست شیعیانش پس از او مغلوب خواهند شد (چنان کرد تا مردم بعداً گرفتار انتقام اصحاب جمل نشوند) ولی حضرت قائم وقتی قیام کند، رفتارش با مخالفان با شمشیر و کشتن و اسیر گرفتن است، چون می داند پس از خودش شیعیانش هرگز مغلوب دشمن نخواهند شد: «إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَفِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَالسَّبِيِّ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهَرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا».^۱

علی علیه السلام در جنگ جمل با بصریان بازمانده با رأفت رفتار کرد، آنان را از دم تیغ نگذراند و به تعبیر امام صادق علیه السلام این روش برخورد علی علیه السلام با اهل بصره برای شیعیانش بهتر از هر آن چه بود که خورشید بر آن تابیده است، چون می دانست پس از او امویان به حکومت می رسند و اگر آنان را اسیر می کرد، شیعیان خودش به اسارت گرفته می شدند، ولی امام قائم برخلاف آن رفتار می کند، چون می داند که پس از دولت او، حکومتی برای مخالفان نیست.^۲

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۴.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۲، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۳۱۶.

۳. همان، به نقل از کلینی در کافی، کتاب الجهاد، ج ۵، ص ۳۳.

در احادیث مربوط به شباهت مهدی به پیامبران گذشته و برخورداری از سنت‌های انبیا، شباهتش به پیامبر خدا ﷺ قیام مسلحانه و کشتن دشمنان خدا و رسول و جباران و طاغوت‌ها شمرده شده است. به تعبیر امام باقر (ع) : «وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَغِيتَ وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبِ»^۱. نتیجه این که: اولاً خروج و قیام با شمشیر، الزاماً شمشیر نیست، منظور سلاح است و مبارزات مسلحانه. ثانیاً این روایات، نباید بهانه و دستاویزی برای دشمنان اسلام باشد که اسلام و مهدی دولت آخر الزمان را آیین شمشیر و حکومت خشونت و کشتار معرفی کنند. با روشنگری‌های زمینه‌سازان و رشد عقلی و فرهنگی مردم و به ستوه آمدنشان از سلطه جباران، رویکرد عمومی جهان پذیرش آن حرکت آزادی بخش از سوی منجی موعود است، چون خود مردم در انتظار آن تحوّل بزرگند، اما سلطه‌های استعماری و قدرت‌های استکباری و عواملشان قطعاً زیر بار حق و عدل نمی‌روند و در برخورد با آنان چاره‌ای جز جهاد و استفاده از سلاح نیست. این است که با جباران نمی‌توان سازش کرد و امامان فرموده‌اند که: «خروج المهدی بالسيف»^۲، قیام و خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شمشیر است. و مگر می‌شود بر پایی حکومت جهانی عدالت، در عصری که ستم و ظلم بر جهان سیطره یافته باشد، جز با پیکار خونین و نابودی سران و سردمداران استکبار و جور به سامان برسد؟

در احادیث فراوانی این تصوّر که کارها به سادگی و سهولت پیش خواهد رفت و همه کارها به راحتی درست خواهد شد ردّ شده است و خبر از پیکار و تلاش و عرق ریختن و جهاد و خون و شهادت است. مگر جزو آرزوها و دعا‌های ما شهادت در رکاب آن حضرت نیست؟ مفضل بن عمر می‌گوید: در خدمت امام صادق (ع) بودیم، سخن از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شد، گفتم: امیدوارم که کار او به سهولت انجام گیرد، حضرت فرمود: چنان نیست، حکومت او برپا نخواهد شد مگر آن که خون و عرق را از چهره و پیشانی بزدايید: «لا يكون ذلك حتى تمسحوا

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸.

۲. منتخب الأثر، ج ۲، ص ۳۱۷.

الْعَلَقَ وَالْعَرَقَ»^۱، آن چنان که استقرار حکومت نبوی در مدینه هم با جهادها و شهادت‌ها و شکستن پیشانی و دندان رسول خدا ﷺ در جنگ أحد و زخم‌های فراوان بر پیکر مجاهدان و امیرمؤمنان علیؓ بود.

آزادگی به قبضه شمشیر بسته است مردان همیشه تکیه خود را بدو کنند
مردی بزرگ باید و عزمی بزرگ‌تر تا حل مشکلات به نیروی او کنند^۲
← چگونگی غلبه بر جهان، آیین انتظار، زمینه‌سازان ظهور، شمشیر، منتقم.

قیام قبل از ظهور

از دیرباز، بعضی مخالف قیام بر ضد حکومت و دستگاه سلطنت بودند. از سوی دیگر جهاد با ظلم و مبارزه با کفر و ستم و استبداد، یک وظیفه دینی همیشگی و همه‌جایی است و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله بر پایه اعتقادات دینی و اصول شرعی انجام گرفت و پیروز شد. مخالفان قیام، به روایت‌هایی از جمله حدیثی منقول از امام صادق علیہ السلام تمسک می‌کنند که فرمود: «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (یا: رَايَةُ الْقَائِمِ) فَصَاحِبُهُ طَاغُوتٌ»^۳ قبل از قیام قائم (یا پیش از پرچم قائم) هر پرچمی که برافراشته شود، صاحب آن پرچم طاغوت است.

بر فرض درستی سند و اتقان آن، برافراشتن پرچم قیام، گاهی برای دفاع از حق و مبارزه با ظلم و برپایی نظام اسلامی است، که عیبی ندارد و یک تکلیف است. گاهی هم قیام و پرچم افراشتن با ادعای «مهدی بودن» است که بیراهه است و چنین دعوت‌گر و داعیه‌دار و پرچمداری طاغوت است و حرکتش نامطلوب. در روایات هم اشاره شده که قبل از خروج قائم، دوازده نفر از بنی هاشم خروج می‌کنند که همه ادعای مهدویت دارند و به خود دعوت می‌کنند.^۴ این گونه قیام‌ها با ادعای مهدویت، محکوم و مردود است، نه قیام‌های عدالت‌خواهانه

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۸۴.

۲. نیمتاج سلماسی.

۳. الغیبة، نعمانی، ص ۱۱۴ و ۱۱۵، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵.

۴. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۳۷.

قیام ناگهانی

و متکی به تکلیف دینی و جهاد شرعی با طاغوت‌ها.

— آیین انتظار، یاران امام زمان، قم، قائم قیام، امام خمینی و انقلاب اسلامی.

قیام ناگهانی

از ویژگی‌های قیام حضرت قائم ناگهانی بودن آن است. هرچند در روایات، بحث از لزوم تمهید و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت آمده است (حرکت تمهیدی) و از سوی دیگر علائم و نشانه‌های حتمی و غیر حتمی فراوانی برای زمان ظهور بیان شده است (— اشراط الساعة) ولی آن ناگهانی و این مقدمات قابل جمع است. احادیثی بیان می‌کند که خداوند، یک شبه کار خروج و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه را سامان می‌بخشد «يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ»^۱. این جا هم مقدمات هست، دوره ظهور او نزدیک می‌شود و علائم و نشانه‌هایی نزدیکی آن دوران را می‌رساند. ولی این که دقیقاً این هفته یا آن هفته باشد به طوری که مردم پیش از وقوعش، زمان دقیق آن را بدانند چنین نیست، بلکه ناگهانی وقوع خواهد یافت و این وقوع ناگهانی منافات با زمینه‌های قبلی و انتظار و آمادگی و تحقق شرایط و... ندارد. از این روایت منتظر باید آماده باش کامل باشند و همواره خود را آماده ظهور و تحقق وعده الهی نگه دارند.

— ظهور، دولت کریمه، رستاخیز ظهور، شرایط ظهور.

۱. کمال الدین، ص ۱۵۲، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱.

ک . گ

کارکردهای انقلاب مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نهضت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک تحوّل عمیق و گسترده و دارای ابعاد مختلف در سطح جهان پدید می‌آورد و سیمای دنیا را عوض می‌کند. خلاصه‌وار به کارکردهای انقلاب مهدوی به این صورت می‌توان اشاره کرد:

۱. کارکردهای تربیتی: مانند ارتقای دانش و معرفت عمومی بشر و کمال عقلی و انسانی افراد. در روایات است که همه علوم بشر تنها دو حرف از حروف ۲۷ گانه علم است و در عصر آن حضرت، همه ۲۷ حرف علم آشکار می‌شود.^۱ نیز روایات می‌گویند در آن عصر، حتی زنان خانه نشین به سطحی از معرفت دینی می‌رسند که در خانه خود طبق آیات خدا و سنت رسول صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کنند.^۲

۲. کارکردهای معرفتی: در آن عصر، شبهات و باطل‌ها کنار می‌رود، حق آشکار می‌گردد، حقانیت راه خدا و دین خدا روشن می‌شود و دین الهی حاکم می‌گردد. در ذیل آیه «حَقِّ يَتَّبِعِينَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^۳ (ما آیات آفاقی و انفسی خود را به آنان نشان می‌دهیم تا برایشان روشن گردد که او حق است)، در حدیث آمده که: مقصود از آن، خروج و ظهور قائم است، چرا که او حق از جانب خداوند است.^۴

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۳۵۲.

۳. فصلت، آیه ۵۳.

۴. یعنی بذلک خروج القائم هو الحق من الله (غیبت نعمانی، ص ۱۴۳).

۳. کارکردهای اجتماعی: شاید این مهم‌ترین کارکرد و ثمره حکومت مهدوی باشد، مثل زدودن ظلم و جور و فساد و پرکردن جهان از عدل و داد، آباد کردن زمین، گسترش رفاه، تقسیم عادلانه ثروت، ایجاد امنیت جهانی، از بین رفتن اختلافات دینی و دنیوی، مواسات و برادری اسلامی و ... که این‌ها به طور گسترده در روایات مهدوی آمده است.^۱

۴. کارکردهای کیهانی و آفاقی: مقصود همساز شدن آسمان و زمین و نیروهای طبیعت با انسان‌های عصر مهدی موعود و حکومت عدل آن حضرت است، آسمان بارش‌های فراوان و مفید خواهد داشت، زمین آباد و سرسبز و پر محصول و میوه می‌شود، زمین گنجینه‌های خود را آشکار می‌سازد^۲، هم آسمانیان هم زمینیان از دولت موعود، راضی خواهند بود (يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئاً إِلَّا صَبَّتْهُ مِدْرَاراً، وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ)^۳.

۵. کارکردهای دینی: در سایه دولت مهدوی، دین خدا جهانگیر می‌شود، غلبه نهایی اسلام بر ادیان آشکار می‌گردد، آن دوره، دوره تجدید حیات اسلام و اقامه احکام الهی و احیای سنت‌های فراموش شده دین، از بین رفتن ضلالت‌ها و بدعت‌ها، و رونق دینداری در همه جای عالم خواهد بود. به فرموده امام صادق علیه السلام: «سَيُمِيتُ اللَّهُ بِه كُلَّ بِدْعَةٍ وَيَمْحُو كُلَّ ضَلَالَةٍ وَيُحْيِي كُلَّ سُنَّةٍ»^۴. اما باقر علیه السلام نیز فرمود: خداوند، علی‌رغم میل مشرکان، به وسیله او دین خود را غالب و حاکم می‌سازد.^۵

آثار تربیتی انتظار، فتوحات مهدویه، آرمان شهر، صلح جهانی، امن و امان، حکومت واحد جهانی، عدالت جهانی.

۱. از جمله رک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ۳۳۷، مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶ و ۶۷.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۶۸ و ج ۵۳ ص ۳۲۳.

۳. عصر الظهور، ص ۲۶۲.

۴. همان، ص ۲۵۹.

۵. وَيُظْهِرُ اللَّهُ بِهِ دِينَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱).

کافی (شیخ احمد) ← مهدیه

کتاب الغیبة ← کتابشناسی مهدویت

کتابشناسی شعر مهدوی

شاعران دینی درباره امام زمان علیه السلام و مسأله انتظار، غیبت، فضایل آن حضرت، دوران ظهور، اشتیاق دیدار، ولادت او و نیمه شعبان، از دیرباز تا کنون اشعار بسیاری سروده‌اند. به زبان فارسی، عربی، ترکی، اردو و زبان‌های دیگر. اگر مجموعه اشعار مهدوی گردآوری شود، خودش یک کتابخانه مستقل و موضوعی می‌شود. به محتوا و مضمون این اشعار در جای دیگر اشاره شده است (← شعر مهدوی).

کتاب‌های شعر مختص امام زمان، گاهی محصول خلاقیت شعری یک شاعر است، یعنی همه سروده‌های کتاب از یک شاعر است، گاهی گردآوری شده از اشعار شاعران گوناگون در یک زمان و دوره، یا در ادوار مختلف است. پرداختن به همه اینگونه مجموعه‌ها در مجال این اثر نمی‌گنجد و نیازی هم به آن است. در این جا شماری از این مجموعه‌ها را یاد می‌کنیم:

آفتاب انتظار، بابک نیک طلب، زیتون، تهران، ۱۳۸۰ ش.

آه عاشقان، محمد علی مجاهدی، سرور، قم، ۱۳۷۹ ش.

الموسوعة الشعرية المهدوية (۱۰ جلد)، عبدالقادر علی ابوالمکارم، دارالعلوم، بیروت، ۱۴۳۱ ق.

امید آینده، اسدالله داستانی بنیسی، انتشارات بنیسی، قم، ۱۳۸۱ ش.

ای کاش برگردی بهارم، مهدی خلیلیان، زائر، قم، ۱۳۸۸ ش.

به احترام آفتاب (برای نوجوانان)، سید علی کاشفی خوانساری، نشر موعود، ۱۳۷۹ ش.

۱. این مجموعه‌ها، تنها کتبی است که اختصاصاً اشعار مهدوی را در بردارد و کتاب‌ها و مجموعه‌هایی که اشعار مربوط به اهل بیت علیهم السلام را داراست و بخشی هم به امام زمان علیه السلام مربوط می‌شود، در این فهرست مورد نظر نبوده است.

- ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ن
و
ه
ی
- بوی بهبود، ابوالقاسم حسینجانی، نشر موعود عصر، ۱۳۸۹ ش.
- پرنده که بیاید، انجمن شعرو قصه استان قم، دارالهدی، ۱۳۸۰ ش.
- تذکره انجمن قدس (۲ جلد)، اشعار شاعران دوره قاجار، مسجد جمکران، ۱۳۸۷ ش.
- خوشه‌های طلایی، محمد علی مجاهدی (پروانه)، مسجد جمکران، ۱۳۶۹ ش.
- دانشنامه شعر مهدوی (۲۹ جلد)، عبدالله شرعی، مؤسسه فرهنگی هنری عاشورا، قم، ۱۳۹۶ ش.
- دانشنامه شعر مهدوی (۲ جلد)، طاهره مسلمی زاده، ۱۳۶۲ ش.
- در آستانه خورشید: مسجد آیه الله انگجی تبریز، نور ولایت، تبریز، ۱۳۷۶ ش.
- سروده‌های مهدوی، محمد غفاری، نشر باهوش، ۱۳۹۷ ش.
- سروش منتظران، تدوین: محمد حسن یوسفی، عصر ظهور.
- سوار مشرقی، عباس براتی پور، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- سیمای امام مهدی در شعر عربی، محمود عبداللهی، انتشارات مسجد جمکران، ۱۴۱۹ ش.
- سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی، محمد علی مجاهدی، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰.
- طلیعه ظهور، صالح عطارزاده، بسیج اساتید قم، ۱۳۸۵ ش.
- عصر انتظار، محمد علی مردانی، نشر مردانی، ۱۳۷۶ ش.
- غمنامه هجر، علیرضا لطفی، حامد اصفهانی، مرکز فرهنگی شهید مدرس، اصفهان، ۱۳۷۸ ش.
- فردا صبح است، مریم سقلاطونی، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، ۱۳۸۶ ش.
- نوای فراق، علی اصغریونسیان، آفاق، ۱۳۷۶ ش.
- نوبهار عالم جان، احمد احمدی بیرجندی، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- هزاره کبود، حامد حجتی، ناشر مؤلف، قم، ۱۳۸۹ ش.

یار غایب از نظر، محمد حجتی، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ش.
← شعر اشتیاق، شعر مهدوی، کتابشناسی مهدویت.

کتابشناسی مهدویت

بنابراهمیت موضوع مهدویت از دیدگاه اعتقادی مسلمین، از دیرباز کتاب‌های مختلفی درباره این موضوع نگاشته شده است^۱، چه به فارسی، یا عربی، یا اردو و زبان‌های دیگر. این کتاب‌ها برخی صرفاً جمع‌آوری احادیث مرتبط است، برخی تاریخی و زندگینامه است، برخی هم تحلیلی و در قالب‌های متنوع دیگر. محورهای محتوایی این آثار را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱. زندگی‌نامه حضرت مهدی و شمایل و اوصاف او
۲. احادیث پیامبر خدا و ائمه معصومین علیهم‌السلام درباره آن حضرت
۳. تدوین و تفسیر آیات قرآن مرتبط با امام زمان
۴. تبیین مسأله مهدویت و امام عصر از بعد کلامی، اعتقادی و اجتماعی
۵. معجزات و کرامات آن حضرت
۶. ویژگی‌های حکومت جهانی امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف
۷. علائم ظهور مهدی و آخر الزمان
۸. تشریف یافتگان به دیدار مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف
۹. فلسفه انتظار و مفهوم آن
۱۰. غیبت و اسرار و آثار آن
۱۱. طول عمر حضرت و امکان عقلی و نقلی و علمی آن
۱۲. پاسخ به شبهات پیرامون مهدویت
۱۳. اشعار مهدوی
۱۴. کتابشناسی و مأخذشناسی آثار نگاشته شده در موضوع مهدویت (کتاب و مقاله)

۱. به بحث مبسوط «مهدویت نگاری» و سیر تاریخی آن در «دانشنامه امام مهدی»، ج ۱۰ مراجعه شود.

پیش از معرفی شماری از این کتاب‌ها، ابتدا چند کتاب که کتابشناسی آثار تألیفی درباره مهدویت است معرفی می‌گردد تا تقدیر از زحمات آنان شده باشد:

۱. المنتظر المهدی عند الشيعة الاثني عشرية، جواد علی، منشورات الجمل، بیروت، ۲۰۰۷ م.
۲. إقرأ حول المهدی، مهدی حسن علاء الدین، الدار الاسلامیة، بیروت، ۱۹۹۹ م.
۳. معجم ما کتب عن الامام المهدی (ج ۹ از مجموعه ما کتب عن الرسول واهل البيت)، عبد الجبار الرفاعی، قم، ۱۳۷۱ ش.
۴. کتابنامه امام مهدی، انجمن حجتیه، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۵. مهدی منتظرا بهتر بشناسید، مهدی فقیه ایمانی، مسجد الهادی، اصفهان، ۱۳۸۴ ش.
۶. کتابنامه امام مهدی، پژوهشکده باقر العلوم، قم، ۱۳۷۰ ش.
۷. کتابنامه حضرت مهدی، علی اکبر مهدی پور (۲ جلد)، قم، ۱۳۷۵ ش.
۸. کتابنامه و کتابشناسی امام مهدی، علی جلیلی، پایگاه پژوهشگران جوان، تبریز، ۱۳۸۰ ش.

۹. در جستجوی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید مجید پور طباطبایی، مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۰. اما برخی از کتاب‌های تألیفی درباره موضوع مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دو بخش عربی و فارسی از این قرار است:

الف: کتب عربی

- اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، شیخ حرّ عاملی، المطبعة العلمیه، قم، ۱۳۳۹ ش.
- الامام المهدی، سید حسین میلانی، انتشارات جمکران، قم.
- الامام المهدی موعود الأمم، عزالدین رضائزاد.
- الایقاظ من الهجعة، شیخ حرّ عاملی، دلیل ما، قم، ۱۳۸۰ ش.
- الحركة الاصلاحية من الحسين عليه السلام الى المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید صدرالدین القبانچی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۴۲۷ ق.

الزام الناصب فی اثبات الحجّة الغائب (۲ جلد)، شیخ علی یزدی حائری، مكتبة الرضی، قم، ۱۳۶۲.

الشموس المضيئة فی الغيبة والظهور والرجعة، علی سعادت پرور، پیام آزادی، ۱۴۱۶ ق.

الغيبة، محمد بن ابراهيم نعماني، مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

الغيبة الصغرى والسفراء الأربعة، فاضل مالکی، انتشارات جمکران، قم.

الفصول العشرة فی الغيبة، شیخ مفید، نجف، ۱۳۷۰ ق.

المحجّة فی منازل فی القائم الحجّة، سید هاشم بحرانی.

المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی، علی الکورانی، نشر معروف، قم، ۱۴۲۷ ق.

الملاحم والفتن، سید بن طاووس، مؤسسه صاحب الأمر، اصفهان، ۱۴۱۶ ق.

الممهدون للمهدی، علی الکورانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۵ ق.

المهدی، سید صدرالدین صدر، ایران، ۱۳۵۸ ش.

المهدی المنتظر، حقيقة أم خرافه؟، امیر عرب، دار المحجّة البيضاء، بیروت، ۱۴۱۸ ق.

المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف فی الفكر الاسلامی، سید ثامر هاشم العمیدی، مرکز الرساله، ۱۴۱۷ ق.

المهدی الموعود المنتظر (۲ جلد)، نجم الدین جعفر العسکری، مؤسسة الامام المهدی، ۱۳۶۰.

المهدی فی القرآن، سید صادق شیرازی (براساس منابع اهل سنت).

النجم الثاقب، میرزا حسین نوری، انتشارات جمکران، ۱۴۱۶ ق.

اليوم الموعود، سید محمد الصدر، کتابخانه امیر المؤمنین، اصفهان، ۱۳۶۲ ش.

بحار الأنوار، علامة مجلسی (ج ۵۱ تا ۵۳)، مؤسسة الوفاء، بیروت.

بحث حول المهدی، شهید سید محمد باقر صدر، نشر موعود، نیز: الغدير، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

بشارة الأمان بموعود الأديان (۲ جلد)، محمد امامی کاشانی، ۱۴۳۴ ق.

- تاریخ الغيبة الصغرى، سيد محمد الصدر، مكتبة الرسول الأعظم، ۱۳۹۲ ق.
- تاریخ الغيبة الكبرى، سيد محمد الصدر، دارالتعارف، بيروت، ۱۳۹۵ ق.
- تاریخ ما بعد الظهور، سيد محمد الصدر، دارالتعارف، بيروت، ۱۴۰۳ ق.
- عصر الظهور، على الكوراني، دار الهدى، قم، ۱۴۰۸ ق.
- عقد الدرر في اخبار المنتظر، يوسف بن يحيى مقدسى شافعى، جمكران ۱۴۱۶ ق.
- عوالم العلوم والمعارف (۵ جلد)، عبدالله بحراني.
- في انتظار الامام، عبدالهادي الفضلي.
- مأتان وخمسون علامة حتى ظهور الامام المهدي، محمد علي طباطبائي حسني، مؤسسة البلاغ، ۱۴۲۹ ق.
- معجم احاديث الامام المهدي (۸ جلد)، على كوراني وديگران، مؤسسة المعارف الاسلاميه، قم، ۱۴۱۱ ق.
- منتخب الأثر، لطف الله صافي گلپايگاني، (۳ جلد)، دفتر نشر آثار، قم، ۱۴۲۸ ق.
- موسوعة الامام المهدي، محسن عقيل، دارالمحجة البيضاء، بيروت، ۱۴۳۲ ق.
- موسوعة الامام المهدي الصالح (۲ جلد)، نجاح الطائي، دار الهدى لإحياء التراث الاسلامي.
- موسوعة الامام المهدي في الكتاب والسنة والتاريخ (۷ جلد)، محمد محمدى رى شهرى، دار الحديث، قم، ۱۳۹۸ ش.
- موسوعة بقیة الله الأعظم، جعفر حسين عتريسى (۳ جلد)
- موسوعة سيرة اهل البيت (ج ۳۵)، باقر شريف القرشي، نشر معروف، قم، ۱۴۳۰ ق.
- موسوعة كلمات الامام المهدي عليه السلام، پژوهشكده باقرالعلوم، گروهى، ۱۳۹۳ ق.
- مكيال المكارم، سيد محمد تقى موسوى اصفهاني، ۱۳۴۸ ق.
- كتاب الغيبة، شيخ طوسى، مؤسسه معارف اسلامى، قم.
- كرامات المهدي، واحد تحقيقات مسجد جمكران، ۱۳۷۷ ش.

- کمال الدین و تمام التعمه، شیخ صدوق، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳.
- ینابیع الموده، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، اسوه، قم، ۱۴۱۶ ق.
- یوم الخلاص، کامل سلیمان، دارالکتاب اللبنانی، ۱۳۹۹ ق.
- ب: کتب فارسی
- آخر الزمان در ادیان ابراهیمی، مرکز تخصصی مهدویت، قم.
- آخرین امید، داوود الهامی، مجله مکتب اسلام، قم، ۱۳۷۲ ش.
- آینده بشریت از نظر مکتب ما، سید محمود طالقانی، حسینیۀ ارشاد، تهران.
- ادیان و مهدویت، شهید سید محمد بهشتی، مطبوعات حسینی، ۱۳۶۱ ش.
- العبری الحسنان (۹ جلد)، شیخ علی اکبر نهاوندی، کتابفروشی اسلامیہ، تهران و نشر جمکران، قم.
- امام مهدی از تولد تا بعد از ظهور (ترجمه)، سید محمد کاظم قزوینی، ترجمه حسین فریدنی، آفاق، ۱۳۷۹ ش.
- امام مهدی از ولادت تا ظهور (ترجمه)، سید محمد کاظم قزوینی، علی کرمی و سید محمد حسینی، الهادی، ۱۳۷۸ ش.
- امام مهدی در آینه قلم (کارنامه منابع پیرامون امام مهدی و مهدویت)، پایگاه پارسا، قم، ۱۳۸۸ ش.
- انتظار پویا، محمد مهدی آصفی، ترجمۀ تقی متقی، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.
- انتظار و انسان معاصر، عزیزالله حیدری، مسجد جمکران، قم، ۱۴۱۹ ق.
- اندیشه انتظار، احمد زمانی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ ش.
- برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات، مؤسسه انتظار نور، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.
- بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، مهدی اکبرنژاد، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.

- بشارات عهدین، محمد صادقی تهرانی، دارالکتب الاسلامیه و شکرانه، ۱۳۹۲.
- به سوی حکومت جهانی امام مهدی، علی اکبر حصاری، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
- پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص، علی غفارزاده، انتشارات نبوغ، قم، ۱۳۸۳.
- پیشوای دهم، مؤسسه در راه حق، قم، ۱۳۶۳ ش.
- پیشگویی و آخر الزمان (۱-۲)، مؤسسه فرهنگی موعود، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی و دیگران، نشر حضور، قم، ۱۳۷۹ ش.
- تاریخ غیبت صغری، محمد الصدر، ترجمه حسن افتخارزاده، مؤسسه الامام المهدی، تهران، ۱۳۶۱ ش.
- جان جهان، مهدی طیب، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۹۵ ش.
- جهانگشای عادل، جمال الدین دین پرور، مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۵۷ ش.
- چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نجم الدین طبسی، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
- چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جمع نویسندگان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۵ ش.
- چندگام تا ظهور، جواد محدثی، نشر معروف، قم، ۱۳۸۹ ش.
- حضرت مهدی، فروغ تابان ولایت، محمد محمدی اشتهااردی، قم، ۱۳۶۶ ش.
- حکومت جهانی امام عصر، مجموعه گفتار فلسفی، نصایح، قم، ۱۴۱۶ ق.
- حکومت جهانی مهدی، ناصر مکارم شیرازی، نسل جوان، قم، ۱۳۸۸ ش.
- خط امان (۲ جلد)، محمد امامی کاشانی، ناشر مؤلف، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- خوشه های طلایی، محمد علی مجاهدی (پروانه)، اشعار، مسجد جمکران، ۱۳۶۹ ش.
- در انتظار امام (ترجمه)، عبد الهادی فضلی، ترجمه مهدی امینی، مؤسسه امام مهدی، ۱۳۸۵ ش.
- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۷.
- در جستجوی قائم، سید مجید پورآقایی (کتاب های مربوط به امام زمان)، ۱۳۷۰ ش.

- در فجر ساحل، محمد حکیمی، نشر طباطبائی، قم، ۱۳۵۰ ش.
- راه مهدی، سید رضا صدر، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۸ ش.
- رواق‌های انتظار، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۹۰ ش.
- زندگانی امام عصر حضرت مهدی، باقر شریف قرشی، ترجمه ابوالفضل اسلامی، فقاہت، قم، ۱۳۸۱ ش.
- زندگی مهدوی، جواد محدثی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، قم، ۱۳۹۲ ش.
- سرود سرخ انار، الهه بهشتی (ملاقات کنندگان)، مسجد جمکران، ۱۴۱۹ ق.
- سفرای امام زمان، علی دوانی، دبیرخانه اجلاس حضرت مهدی، ۱۳۸۵ ش.
- سوار سبزپوش آرزوها، کمال السید، ترجمه حسین سیدی، نشر معارف، قم، ۱۳۸۵.
- سیره مهدوی، جواد محدثی، به نشر، مشهد، ۱۳۹۵ ش.
- سیمای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تاج لنگرودی، نشر ممتاز، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- سیمای جهان در عصر امام زمان (۲ جلد)، محمد امینی گلستانی، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۹ ش.
- سیمای حضرت مهدی در قرآن (ترجمه)، سید هاشم بحرانی، سید مهدی حائری قزوینی، آفاق، ۱۳۷۶ ش.
- شمس ولایت (چندین جلد)، مسجد آیه الله انگجی، تبریز، ۸-۱۳۸۳ ش.
- شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، قم.
- صبح امید، جواد محدثی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ ش.
- عصر زندگی، محمد حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بوستان کتاب، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ ش.
- عصر ظهور، علی الکوثرانی، ترجمه مهدی حقی، دارالهدی، قم، ۱۳۸۲ ش.
- غیبت نعمانی (ترجمه)، سید احمد فہری، دارالکتب الاسلامیہ، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- فرجام شناسی حیات انسان، غلام حسین تاجری نسب، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران ۱۳۸۷.

- فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، علی کورانی، نشر معروف، قم، ۱۳۹۴ ش.
- فرهنگ موعود، حسین کریمشاهی بیدگلی، ناصر، قم، ۱۳۷۷ ش.
- فرهنگنامه آخرالزمان، عباس حیدرزاده، اندیشه ماندگار، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
- فرهنگنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، قم، ۱۳۸۳ ش.
- قیام و انقلاب مهدی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۵۴ ش.
- گفتمان مهدویت (چند جلد)، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دانشمندان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹ ش.
- گفتمان مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، مسجد جمکران، قم ۱۳۷۷ ش.
- مجموعه مقالات (دهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت)، ۵ جلد، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۳ ش.
- مرجع مهدویت (فهرست و چکیده منابع پیرامون مهدویت)، بنیاد فرهنگی امام مهدی، قم، ۱۳۸۲ ش.
- مصلح جهانی، ابوالاعلی مودودی و...، ترجمه سید هادی خسروشاهی، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
- معارف مهدوی، علی دوانی، دبیرخانه اجلاس حضرت مهدی، ۱۳۸۵ ش.
- معارف مهدویت، گروهی از محققین، بوستان کتاب، قم ۱۳۹۳ ش.
- معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، سید محسن طباطبایی و همکاران، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹ ش.
- مفرد مذکر غایب، علی مؤذنی، نمایش، ۱۳۹۰، ۱۴۱۹ ق.
- مهدویت (پیش از ظهور)، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، جلد ۲۷، رحیم کارگر، معارف، قم، ۱۳۹۰.
- مهدویت از دیدگاه اسلام و ادیان، علی ربانی گلپایگانی، نشر ائمه، ۱۳۹۹ ش.
- مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هدف، قم، ۱۳۷۵ ش.

مهدی شناسی، سید عباس طباطبایی فر، مسجد جمکران، قم، ۱۳۹۸ ش.
 مهدی مقتدای مسیح، علی کریمی جهرمی، احرار، ۱۳۷۴ ش.
 مهدی موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار الأنوار)، علی دوانی، محمدی، تهران.
 مهدی موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار الأنوار)، میرزا محمد حسن ارومیه‌ای، مسجد جمکران، ۱۳۷۶.

موعود شناسی، علی اصغر رضوانی، مسجد جمکران، ۱۳۹۰ ش.
 موعود قرآن، سید صادق حسینی شیرازی، مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۶۰ ش (ترجمه).
 موعود نامه، مجتبی تونه‌ای، مشهور، قم، ۱۳۸۳ ش.
 موعودی که جهان در انتظار اوست، علی دوانی، دبیرخانه اجلاس حضرت مهدی، ۱۳۸۵ ش.
 ناپیداولی با ما، واحد تحقیقات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۵ ش.
 نشانه‌هایی از دولت موعود، نجم الدین طبسی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.
 نظریه انتظار در اندیشه آیه الله خامنه‌ای، سید حامد شاهرخی، پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۹ ش.

نقش اجتماعی انتظار، حسن عبدی پور، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶ ش.
 نوید امن و امان، لطف الله صافی گلپایگانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۹ ش.
 و آن که دیرتر آمد، الهه بهشتی (ملاقات کنندگان)، مسجد جمکران، ۱۴۱۹ ق.
 همه در انتظار اویند، حسن سعید، کتابخانه مسجد جامع تهران، ۱۳۵۳ ش.
 یا مهدی، محمد خادمی شیرازی، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ش.
 — کتاب شناسی شعر مهدوی.

کتاب غیبت

غیر از «کتاب الغیبه» شیخ طوسی و «غیبت نعمانی» کتاب‌های فراوانی درباره غیبت امام زمان نگاشته شده است. از آن جا که موضوع غیبت آن حضرت از زمان پیامبر خدا ﷺ و امامان دیگر مطرح بوده و روایات آن ثبت می‌شده است، راویان و عالمانی چند به گردآوری

و نشر آن‌ها پرداخته‌اند، تا مجالی برای انکار منکران و تردید شگاکان باقی نماند. بعضی از کتاب‌های غیبت، قبل از ولادت آن حضرت نگاشته شده و به ثبت احادیث غیبت پرداخته‌اند، کسانی همچون علی بن حسن طائسی طاهری، علی بن اعرج کوفی، ابراهیم بن صالح انماطی، حسن بن علی بن ابی حمزه، عباس بن هشام ناشری، فضل بن شاذان و ابراهیم بن اسحاق از آن جمله‌اند. کتاب‌هایی هم پس از امام حسن عسکری علیه السلام نوشته شده است، همچون نوشته‌های حسن بن حمزه بن عبدالله، عبدالله بن جعفر حمیری، ابن ارخی طاهر، محمد بن ابراهیم نعمانی، محمد بن قاسم بغدادی، سلامة بن محمد ارزنی، محمد بن شلمغانی، حنظلة بن زکریا تمیمی، احمد بن محمد بن جنیدی، شیخ صدوق، شیخ مفید و دیگران.^۱ این می‌رساند که موضوع غیبت آن حضرت از مسائل مهم و گاهی مورد اختلاف بوده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در جلد ۱۶ «الذریعة»، در ذیل حرف غین، ده‌ها کتاب را نام برده که با عنوان‌های الغیبه، رساله فی الغیبه، کتاب الغیبه و... معروف است و نام کسانی همچون: فضل بن شاذان، شیخ صدوق، بهاء الدین نیلی نجفی را یاد کرده است.^۲ گفتنی است که اغلب نویسندگان کتاب در این مورد، خوشه چین آثار گرانسنگ شیخ طوسی، شیخ صدوق، شیخ مفید و سید مرتضی هستند.

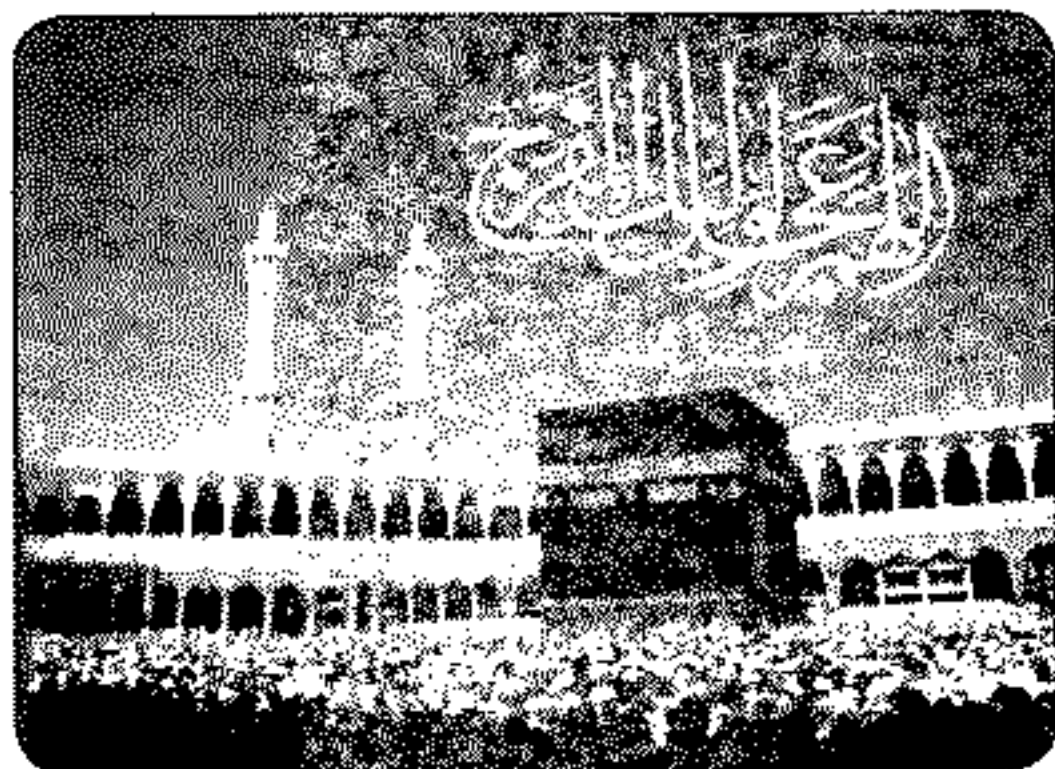
کتاب‌شناسی مهدویت، زمینه‌سازی برای غیبت، غیبت.

کعبه و مسجد الحرام

خانه مقدس خداوند در مسجد الحرام و مکه قبله‌گاه مسلمانان است. در روایات مهدوی فراوان از این مکان مقدس یاد شده است. از جمله این که وقتی امام زمان ظهور کند، در مسجد الحرام با یاران ۳۱۳ گانه خود بیعت می‌کند، قبل از ظهور او، در بین رکن و مقام کنار کعبه «نفس زکّیه» کشته می‌شود، در آغاز ظهور، بین رکن و مقام خود را معرفی می‌کند و از

۱. رک: نشریه ویژه‌نامه «پیدای پنهان»، مسجد آیه الله انگجی تبریز، سال ۱۴۱۹ ق، ص ۱۲، موعودی که جهان در انتظار اوست، علی دوانی، ص ۲۳۵.

۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۶، ص ۷۴ تا ۸۴.



جدّ شهیدش امام حسین علیه السلام یاد می‌کند که تشنه به شهادت رسید، در سمت صفا در مسجد الحرام، با یاران خود عهد و پیمان می‌بندد که رفتاری دینی و اخلاق خوب و تلاش مجاهدانه داشته باشند (← عهدنامه یاران مهدی)، ظهورش در مکه است و از آن جا

به مدینه و عراق می‌رود، آغاز اعلام ظهورش در حرم شریف الهی است، به مسجد الحرام می‌آید، کنار مقام ابراهیم نماز می‌خواند، به حجرالأسود تکیه می‌دهد و سخن می‌گوید، پرچم پیروز خود را کنار حجرالأسود به اهتزاز در می‌آورد، اصحاب او از همه سو خود را در آن جا به حضرت می‌رسانند، بیعت او با یارانش بین رکن و مقام است، ابتدا بر مسجد الحرام تسلط می‌یابد، سپس بر شهر مکه مسلط می‌شود، حدّ الهی را بر سارقان کعبه شریفه (شاید منظور حاکمان قبلی حجاز باشد) جاری می‌سازد. این‌ها مجموعه‌ای از نقل‌های احادیث است که به ظهور آن حضرت مربوط می‌شود. تکیه دادن به کعبه و آغاز حرکت اصلاحی و قیام از کنار خانه خدا در مکه معظمه، جهت‌گیری توحیدی و الهی قیام او را می‌رساند.
← روایت ظهور، بیعت، رکن و مقام، قیام ناگهانی.

فرهنگ
انتظار

کمال الدین ← کتابشناسی مهدویت

کودکان و مهدویت

پایه هر پیوستگی و انسجام با یک موضوع، فرهنگ یا شخص، معرفت و علاقه است. از آن جا که موضوع مهدویت در فرهنگ دینی، اختصاص به بزرگترها ندارد، انتقال این فرهنگ به کودکان و نوجوانان نیز باید در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی خانواده‌های مسلمان قرار گیرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّي وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَالْقُرْآنِ»، «فرزندان خود را

۱. احقاق الحق، ج ۱۸، ص ۴۹۸. در زمینه تربیت ولایی فرزندان و ایجاد محبت اهل بیت در کودکان و نوجوانان، از جمله رک: «عشق برتر»، از نویسنده، نشر بوستان کتاب.

با محبت من و خاندان من و قرآن تربیت کنید. موعود منجی و عدالت گستر جهان، قائمی از آل محمد و دودمان پیامبر است که نوید ظهورش در آخر الزمان داده شده است. از راه های گوناگون، هم می توان معرفت کودکان را نسبت به امام زمان افزایش داد، هم محبت آنان را. «برگزاری جشن های میلاد امام زمان در این میان اهمیت خاصی دارد و ایجاد شوق به مناسبت تولد امامی که هنوز هم زنده است و حاضر و ناظر بر ماست و ما چشم به راه آمدن اویم، بُعد عاطفی و عشق آفرینی بیشتری دارد. زمینه آن نیز به طور طبیعی در میان کودکان و نوجوانان وجود دارد و نیمه شعبان، خاطره ای فراموش نشدنی برای آنان است»^۱.

البته ایجاد عشق و علاقه به آن حضرت، نه منحصر به نیمه شعبان است، نه برگزاری جشن میلاد. در طول سال و در هر مناسبتی می توان این فرهنگ و علاقه را نهادینه و بارور کرد، به خصوص در عصر حاضر که امکانات تبلیغی و رسانه ای و فضای مجازی، گسترده و متنوع است. برای این هدف، می توان از شعر، سرود، بازی های کودکانه، قصه، نمایش، انیمیشن و پویانمایی، کلیپ، مسابقات مختلف، نقاشی، نامه نگاری با امام زمان، دل نوشته، چیستان، نشریات مخصوص کودکان، کانال های رادیویی و تلویزیونی، سایت های خاص کودکان، کتاب های مخصوص این گروه سنی، نماهنگ، حفظ احادیث مهدوی بهره گرفت و موضوعاتی همچون تولد آن حضرت، مادر بزرگوارش، انتظار، جمکران، دعا برای فرج، دنیای زیبای عصر ظهور، تشریف یافتگان به محضر امام، اخلاق منتظران و... را مطرح کرد، و البته همه با رعایت سطح فکر و زمینه متناسب با آنان و بهره گیری از ادبیات کودک و نوجوان.^۲

← تربیت مهدوی کودکان، انتظار و ادبیات و هنر.

کوه رضوی^۱ ← رضوی

۱. عشق برتر، ص ۵۷.

۲. سایت «دردانه» وابسته به مرکز تخصصی مهدویت و سایت های دیگری در این زمینه وجود دارد.

کیسانیه

نام فرقه ای از شیعه در اواخر قرن اول، که محمد حنفیه را «مهدی موعود» می دانستند. این فرقه، چون معتقد بودند امام، کسی است که «قیام به سیف» کند، پس از امام حسین (علیه السلام)، به جای امام سجاد (علیه السلام)، محمد حنفیه را امام می دانستند، چرا که در بصره و در جنگ جمل، پرچمدار سپاه بود و رشادت های زیادی از خود نشان داد و شجاعانه جنگید. پیروانش پس از وفات او، او را «مهدی موعود» نامیدند و معتقد بودند که نمرده است، بلکه روزی برمی گردد. کیسانیه پس از محمد حنفیه به چندین فرقه تقسیم شدند و همه عقیده داشتند که او در کوه «رضوی» مخفی است و روزی ظهور خواهد کرد. بنابراین، آنان اولین فرقه متمهدی (مدعیان دروغین مهدویت) بودند. علت نامگذاری این فرقه را به کیسانیه آن گفته اند که مختار ثقفی که با اذن محمد حنفیه قیام کرد، لقبش کیسان بود، یا کیسان نام رئیس پلیس مختار بود.^۱ شیخ صدوق در مقدمه بسیار مفصل «کمال الدین»، پاسخ هایی به شبهات و دیدگاه های کیسانیه، واقفیه، زیدیه و... آورده است.^۲

فرهنگ
انتظار

← مدعیان مهدویت، متمهدی، آسیب شناسی مهدویت.

گل نرگس

گل نرگس، گلی سفید، زیبا و خوشبوست. به عربی نرجس گفته می شود. از آن جا که مادر امام زمان (علیه السلام) نرجس نام داشت و امام زمان در دامن او روییده و پدید آمده است، به عنوان تعبیری ادبی از امام زمان به «گل نرگس» هم یاد می شود، همچنان که به او گل زهرا و گل باغ مصطفی هم می گویند و در اشعار فارسی و سرودهای دینی این تعبیر زیاد به کار رفته است، به عنوان نمونه:

می کند مرغ سحر، زمزمه بر شاخه گل	که ز نرگس ثمری پاک به دوران آمد
میوه باغ رسالت که به ذرات وجود	روشنی بخش چو خورشید درخشان آمد

۱. رک: الفرق بین الفرق، عبدالقاهر بغدادی، ص ۳۸، تاریخ مذاهب اسلام، ترجمه محمد جواد مشکور، ص ۱۹.

۲. کمال الدین، ص ۳۲ به بعد.

گم گشتگان

عرضه فرمود حکیمه، گل نرگس به امام
آفرین باد بر آن خامهٔ رشام ازل
وه چه گل! مظهر آیات خداوند حکیم
که کند شبه رسول مدنی را ترسیم^۱
← نرجس خاتون.

گم گشتگان

تعبیری که دربارهٔ یاران خاص امام عصر علیه السلام به کار رفته است، به صورت «فَقْدَا» جمع فقید. امام سجاد علیه السلام فرمود: فقدا، گروهی از یاران امام اند که از بسترها و رختخواب‌های خود مفقود و گم می‌شوند و صبح ظهور در مکه‌اند، این همان سخن خداوند است که فرموده است: «هر کجا باشید، خداوند همهٔ شما را می‌آورد»^۲، اینان اصحاب ۳۱۳ گانهٔ امام عصرند که از هر سوبه امام می‌پیوندند.^۳ در حدیث دیگری آمده که امام صادق علیه السلام با ابان بن تغلب در مسجد مکه بودند. امام دست او را گرفته بود و فرمود: ای ابان، خداوند ۳۱۳ نفر را در این مسجد فراهم می‌آورد که هنوز خودشان و یارانشان خلق نشده‌اند، همراهشان شمشیرهایی است که نام هر کس و نام پدر و نسب او بر آن شمشیر نوشته شده، آنگاه منادی ندا می‌دهد: اینک این مهدی است که همچون داود و سلیمان قضاوت می‌کند...^۴

احادیث مشابه دیگری هم هست که می‌گویند یاران او ۳۱۳ نفرند، در بسترهای خودشانند که بدون قرار و وعده، با قائم در مکه دیدار می‌کنند. یا: جوانانی از شیعه که بر پشت بام‌های خود خوابیده‌اند، که ناگهان با حرکتی در شب (یا سوار بر ابرها) بدون قرار قبلی در مکه امام خود را ملاقات می‌کنند.^۵ همهٔ این‌ها نشان می‌دهد که حضور ناگهانی آنان در مکه با احساس جای خالی آنان در شهرها و خانه‌های خود همراه است، چنان که گویی مفقود شده‌اند.
← قیام ناگهانی، رکن و مقام، یاران امام زمان، طی الأرض، بعد غیبی مهدی موعود.

۱. دکتر قاسم رسا.

۲. «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِي بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» (بقره، آیه ۱۴۸).

۳. الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۳.

۴. همان، ص ۳۱۵.

۵. همان.

ل . م

لقبهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ← نامها و اوصاف و القاب

لیلة القدر

ارتباط «لیلة القدر» با امام زمان بر اساس روایاتی است که می‌رساند ملائکه الهی در شب قدر، مقدرات یکساله را نزد ولی خدا در هر زمان می‌آورند و عرضه می‌کنند. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، بر آن حضرت نازل می‌شدند و در عصر امامان بر آن بزرگواران.^۱ امروز که ولی مطلق زمین و زمان حضرت حجت است، و برنامه نزول فرشتگان هم طبق آیه «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ...» حتمی و همیشگی است، بنابراین بر آن حضرت نازل می‌شوند. از این روبره آن حضرت «صاحب شب قدر» هم گفته‌اند.^۲

← نامها و اوصاف و القاب، مهدی در قرآن.

ماء معین

از القاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات است، یعنی آب جاری و گوارا. در آیه قرآن آمده است که اگر آب‌های شما خشکد و فرورود، کیست که برای شما آب روان و گوارا بیاورد؟ «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»^۳ در روایات چنین تفسیر و تأویل شده که: اگر امام شما از شما پنهان و غایب گردد و ندانید که در کجاست، کیست که برای

۱. رک: الکافی، ج ۱. کتاب الحجة، ص ۲۴۲ باب فی شأن انا انزلناه فی لیلة القدر.

۲. خورشید مغرب، ص ۱۶۱.

۳. ملک، آیه ۳۰.

شما امام ظاهر و آشکاری بیاورد؟ این آیه از آیاتی است که به وجود مبارک آن حضرت تفسیر شده است، چرا که آن گونه که آب، مایه حیات است و کم آبی و خشکسالی سبب هلاک مردم می شود، امام زمان علیه السلام هم مایه حیات بشریت و روح و جان عالم هستی است و همگان تشنه نوشیدن از این سرچشمه فیض ربّانی اند. در عصر غیبت، دسترسی به این چشمه جوشان نیست. ولی روزی آشکار و ساری و جاری خواهد شد. در روایات، از آن که حضرت «بثر معطله» هم تعبیر شده است، یعنی چاه آبی که متروک مانده و مردم سراغ نوشیدن و برداشت آب از آن نیستند.

← نام ها و اوصاف و القاب، آثار وجودی امام غایب.

مُتْمَهْدِی

مَدّعی مهدی بودن، مهدی نما، مهدی دروغین. کسی که به دروغ ادعا می کند که مهدی موعود است. این تعبیر، مثل متجاهل و متمارض است، یعنی کسی که خود را به نادانی می زند، یا وانمود می کند که مریض و جاهل است. سوء استفاده از اعتقاد به امام مهدی علیه السلام و منجی موعود، نه تنها در اسلام و شیعه، بلکه در فرقه های دیگر اسلامی و در سایر ادیان هم بوده است.^۱ استعمارگران نیز با مذهب سازی و فرقه سازی و حمایت و تبلیغ از بعضی از این گونه مدّعیان بازیگر، به تفرقه میان مسلمانان پرداخته اند، چنین مدّعیان از زمان غیبت صغری تا کنون بوده اند و عده ای را فریب داده و مذهب سازی کرده اند و پیروانی کم یا زیاد هم داشته اند. اکنون نیز گاه و بیگاه این گونه شیادان پیدا می شوند. فرقه بهائیت و قادیانی گری پدید آمده از ادعاهای چنین کسان است.

← مدّعیان مهدویت، آسیب شناسی مهدویت.

مثَلت برمودا ← جزیره خضراء

مَجَلّات و نشریات مهدوی

مجله های متعدّدی با محوریت موضوع امام زمان، مهدویت، انتظار و... از سال ها

۱. رک: دانشنامه امام مهدی علیه السلام، ج ۴، بحث مبسوط، «مدّعیان دروغین».

پیش منتشر می شده و می شود. برخی از این نشریات تعطیل شده اند و بعضی همچنان در حال انتشارند و برخی هم اخیراً در فضای مجازی منتشر می شوند. این مجلات، بعضی تخصصی، علمی و پژوهشی اند، بعضی علمی ترویجی و عمومی، بعضی هم خاص جوانان و نوجوانان. بعضی از مؤسسات مانند «مرکز تخصصی مهدویت» در حوزه علمی قم، چندین نشریه برای مخاطبان مختلف دارد.

هدف، پژوهش و آمار کامل و جامع از این نشریات نیست، ولی عمده آنان از این قرار است:

۱. امان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، شماره ۶۸ در تیر ۱۴۰۰.
۲. انتظار موعود، علمی پژوهشی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، شروع از سال ۱۳۸۰، شماره ۶۷، ۱۴۰۰.
۳. انتظار نوجوان، مؤسسه آینده روشن، قم، شماره ۱۵۵، دی ماه ۱۳۹۷.
۴. پژوهش های مهدوی، علمی ترویجی، فصلنامه، سال هشتم، آذر ۹۹، شماره ۳۴.
۵. دیدار آشنا.
۶. خورشید مکه، شروع از سال ۱۳۸۱، آخرین شماره ۴۲ در سال ۱۳۸۵.
۷. جامعه مهدوی، دو فصل نامه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۹۹.
۸. موعود، ماهنامه فرهنگی اجتماعی و اعتقادی، شروع از سال ۱۳۶۷، شماره ۲۳۳، بهار ۱۳۹۹.
۹. ملیکا، دوماه نامه فرهنگی برای کودکان، شماره ۱۴۸ در سال ۱۳۸۸ (سال ۱۴).
۱۰. مشرق موعود، علمی پژوهشی، با همکاری مؤسسه آینده روشن، شماره ۲۹.
۱۱. مطالعات مهدوی (فصلنامه علمی تخصصی)، شماره ۴۹ در شهریور ۱۴۰۰.
۱۲. پژوهشنامه مهدویت (فصلنامه علمی پژوهشی)، انجمن علمی حوزه، قم.
۱۳. نوعهدان، برای نوجوانان (زیرمجموعه موعود)، شماره ۶۴ در اسفند ۱۳۹۸.
۱۴. عصر آدینه، فصلنامه، شماره ۲۱ در سال ۱۳۹۷.

۱۵. انتظار جوان، شماره ۷.
 ۱۶. موعود پژوهی، تخصصی، جامعة المصطفی العالمیه، بهمن ۱۳۹۷.
 ۱۷. منجی، سال ۱۱، زمستان ۱۳۹۹.
 ۱۸. سه، یک، سه (ضمیمه مجله امان برای نوجوانان)، مرکز تخصصی مهدویت، آغاز نشر، ۱۳۹۱.
 ۱۹. موعود، (ماهنامه علمی تخصصی)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، شروع ۱۳۸۰، تا پاییز ۱۳۹۲.
 ۲۰. مهدیار، کانون مهدویت دانشگاه اراک.
 ۲۱. قائم، نشریه دانشجویی کانون مهدویت، اهواز، ۱۳۹۷.
 ۲۲. مهدی، (مجله عربی، ماهنامه فرهنگی)، بیروت.
 ۲۳. تمنای وصال، جلسه اخلاق حضرت زهرا علیها السلام، اهر، شماره اول ۱۳۸۰.
- ← کتابشناسی مهدویت، مراکز مهدویت پژوهی.

م.ح.م.د. عجل الله تعالی فرجه الشریف

این رمزنام «محمد» است که نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از دیرباز رسم مؤلفان بوده که طبق توصیه روایات، نام اصلی و صریح آن حضرت را نمی نوشتند و با این حروف مقطعه به او اشاره داشتند. در منابع حدیثی، فصلی گشوده اند با عنوان نهی از نام بردن از حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و روایاتی هم از آن نهی کرده و حتی تعبیر حلال نبودن تسمیه (اسم بردن) به کار رفته است و چه بسا این پرهیز از ذکر نام خاص او جنبه تقیه و مسائل امنیتی در شرایط خفقان اموی و عباسی بوده است. کسانی هم در این موضوع، کتابی مستقل نوشته اند.



این که در احادیث پیامبر، معمولاً چنین تعبیر شده است که «اسمهُ اسمی» نام او نام من است و تصریح به نام «محمد» نفرموده، یا در دعای عهد از آن حضرت چنین یاد

شده که: «المُسَمَّى بِاسْمِ نَبِيِّكَ» (همنام پیامبر است)، در همین رابطه بوده و تمرینی است برای یاد کردن از آن امام غایب بدون تصریح به نامش. البته در روایات و منابعی هم تصریح به نام او شده است، مثلاً کنیه امام عسکری علیه السلام «ابا محمد» است، امام یازدهم گوسفند ذبح شده ای برای محمد بن ابراهیم کوفی فرستاد و فرمود: این از عقیقه فرزندم محمد است.^۱ حمزه بن ابی الفتح به حسن بن منذر خبر و مرده داد که دیشب در خانه امام ابی محمد فرزندی به دنیا آمد و دستور داد که آن را کتمان کنند. می پرسد: اسمش چیست؟ می گوید نامش را «محمد» گذاشتند و کنیه اش را جعفر.^۲ نیز حضرت عسکری علیه السلام به نرجس گفته بود: تو فرزند پسری را باردار خواهی شد که نامش «محمد» است و او پس از من «قائم» است.^۳ از آن حضرت پرسیدند: ای پسر پیامبر، حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود: پسر محمد، او امام و حجت بعد از من است. هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است: «ابن محمد، هو الإمام والحجة بعدی...».^۴ روایاتی از این قبیل، گواه آن است که علی رغم نهی از نام بردن او، گاهی خودشان به نامش تصریح کرده اند تا بعدها مشکلی پیش نیاید.

← تسمیه، نام ها و اوصاف و القاب، ویژگی های امام زمان علیه السلام.

محمد بن عثمان ← نواب اربعه

محور وحدت

پراکندگی و آشفتگی فکری، اعتقادی و رفتاری، از آسیب های اجتماعی است و آن چه به جامعه، قدرت و عزت می بخشد «وحدت» است. هر وحدتی محور و مبنایی می خواهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در عصر خود محور وحدت بود، حتی در دوره جاهلیت نیز. دعوت قرآن و سنت هم به همبستگی است و اعتصام به حبل الله. در عصر ظهور، امام عصر علیه السلام محور وحدت خواهد بود و همه تشبث ها و تفرقه ها به همدلی و همبستگی مبدل خواهد گشت،

۱. کمال الدین، ص ۴۳۲.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۰۸.

۴. همان، ص ۴۰۹.

از این رو از آن حضرت به عنوان «جامع الکلم» هم یاد شده است. در دعای افتتاح از خدا می‌خواهیم که پراکندگی و تفرقه و از هم گسیختگی ما را به برکت وجود آن حضرت به وحدت و انسجام برساند (اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهْ شَعْنَنَا وَاشْعَبْ بِهْ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهْ فَتَقْنَا) در دعا برای امام زمان (اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ) نیز از جمله خواسته‌های ما همین نکته است: (اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهْ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهْ الْفَتْقَ) روشن‌تر از این‌ها تعبیری است که در سلام بر آن حضرت به کار رفته است: «السَّلَامُ عَلَى الْمُهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهْ الْأُمَمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهْ الْكَلِمَ وَيُلْمَ بِهْ الشَّعَثَ وَيَمْلَأَ بِهْ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا...»^۱، خدایا خروج و ظهور او را مایه برون رفت از غم و اندوه و سبب همبستگی و وحدت امت قرار بده.

← حکومت واحد جهانی، آرمان شهر.

مخفی بودن ولادت ← ویژگی‌های امام زمان

مدّت حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

برای پیاده کردن اهداف حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، زمان کافی لازم است. آن چه در روایات آمده است مختلف است، هفت سال، ده سال، بیست سال، نوزده سال، سیصد و نه سال (به تعداد سال‌های ماندن اصحاب کهف در غار) و کم‌تر و بیشتر هم ذکر شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام که به عبدالکریم خثعمی فرموده، مدّت حکومت آن حضرت هفت سال طول می‌کشد و هر سالش به مدت ده سال از سال‌های عادی است، پس زمان آن هفتاد سال خواهد بود.^۲ به نقل ابی الجارود از امام باقر علیه السلام حکومت او ۳۰۹ سال خواهد بود، همان اندازه که اصحاب کهف در غار درنگ کردند. اگر همه نقل‌ها صحیح باشد، شاید به دلیل تقیّه یا جهات دیگر، ائمه پاسخ‌های مختلف داده‌اند. ممکن است بعضی روایات هم ضعف سند داشته باشد. در روایت دیگری مفضل از امام صادق علیه السلام مدّت فرمانروایی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌پرسد. امام آن را موکول به اراده و مشیت خداوند می‌داند

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱، مفاتیح الجنان، دعای سرداب مطهر، ص ۵۳۰.

۲. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۳، ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۸۱.

که کسی از آن جز خدا آگاه نیست «أَمْرًا لَا يَبْطُلُ إِلَّا بِاخْتِيَارِ اللَّهِ وَمَشِيتِهِ وَإِرَادَتِهِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ»^۱. برخی هم برای هریک از عددهای یاد شده، تفسیر و تأویلی بیان کرده‌اند تا درست درآید و آغاز شکل گرفتن آن را ۵ یا ۷ سال، تکاملش را ۴۰ سال و دوران نهایی‌اش را ۳۰۹ سال دانسته‌اند.^۲ علامه مجلسی هم در این باره گفته که این اختلاف نقل‌ها یا ناظر به تمام مدت حکومت یا مدت استقرار دولتش یا با حساب سال و ماه به سال و ماه‌های ماست و زمان دقیق آن را تنها خدا آگاه است.^۳

به هر حال، امید است که طولانی و برای تحقق آن وعده‌ها کافی باشد، همچنان که در دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از خداوند درخواست می‌کنیم که تمکن و حکومت او در زمین، طولانی باشد «حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

— دولت کریمه، آمار و ارقام، رجعت.

مدعیان مهدویت

هر تفکر ناب، هر شیء ارزشمند و هر جنس گرانبها، مشابه‌های تقلبی و بدلی هم پیدا می‌کند که موجب فریب خوردن اشخاص می‌شود، مثل عرفان‌های تقلبی، سگه قلب، جواهرات مصنوعی و اجناس بدلی. در مسائل فکری و معنوی هم چنین است.

«مهدی موعود»، حجت خداست و عقیده به آن موعود الهی، عقیده‌ای اصیل و مقدس است و همین سبب شده در طول تاریخ، کسانی برای جلب عوام یا کسب درآمد یا ارضای شهرت طلبی خود، ادعا کنند که مهدی موعودند، یا ادعای دروغین نیابت و وکالت از جانب او داشته باشند. در دو قرن اخیر هم عاملی جدید برپدید آمدن این مدعیان اثر داشته و آن فرقه‌سازی‌های استعمارگران بوده است، نمونه‌اش جریان بهائیت. امامان ما نیز پیشگویی این جریانات انحرافی را داشته‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ أَشْنَا

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵.

۲. سیمای جهان در عصر امام زمان، ص ۳۷۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

عَشْرَمِنْ بَنِي هَاشِمٍ كُلُّهُمْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ^۱، قائم خروج نمی کند تا آنکه پیش از او دوازده نفر از بنی هاشم ظهور می کنند که همه، مردم را به خود فرامی خوانند. برخی از این مدعیان از این قرارند:

۱. سید علی محمد باب. وی که شاگرد سید کاظم رشتی بود، ابتدا ادعای بابیت کرد (واسطه بین مردم و امام زمان) و در شیراز مریدانی پیدا کرد، سپس خود را همان امام غایب و مهدی موعود دانست و کتابی به نام «بیان» نوشت و یک فرقه انحرافی به وجود آورد.

۲. میرزا حسینعلی بهاء، او هم پس از علی محمد باب همان ادعاها را داشت و فرقه بهائیت، پدید آمد که تحت حمایت انگلیس بود.

۳. قادیانیه فرقه دیگری بود که توسط میرزا غلام احمد قادیانی در قرن ۱۶ میلادی پدید آمد. وی نیز وابسته به انگلیس بود.^۲ کسانی هم ادعای وکالت داشتند، همچون ابو محمد شریعتی، محمد بن نضیرنمیری. احمد بن هلال کرخی، ابوبکر بن محمد بغدادی، اسحاق احمر، ابودلف کاتب و...^۳

البته اگر مردم شناخت درست و عمیق از معارف مهدویت و ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشند، هرگز فریب این گونه شیادان تزویرگرا نمی خورند. بصیرت دینی، باطل السحرا این گونه مدعیان است. مدعیان دروغین، یا ادعای کرده اند که «مهدی موعود» اند، یا ادعای بابیت و نیابت خاص یا وکالت داشتند. این سه نوع مدعیان را چنین شمرده اند:

۱. مدعیان دروغین مهدی موعود:

عبیدیان (عبید الله بن محمد فاطمی) قرن چهارم، حاکم بامر الله در مصر، قرن چهارم، محمد بن تومرت، مؤسس سلسله الموحّدین در مراکش. تهامی دریمین قرن ۱۲ میلادی، بابا

۱. کشف الغمّه، اربلی، ج ۳، ص ۲۴۹.

۲. در کتاب «ادیان و مهدویت»، محمد بهشتی، ص ۵۴ لیستی بلند از کسانی که ادعای مهدویت داشته اند آمده است.

۳. رک: اندیشه انتظار، احمد زمانی، ص ۳۰۵.

اسحاق محمد قرمانی در قرن هفتم در آناتولی، عباس الریفی در مغرب در قرن هفتم، الرجل الجبلی به نام عبدالله یا قرطیاوس در جبل، قرن هشتم، ملاعرشی کاشانی در اصفهان، قرن نهم، میرزای بلخی در قرن نهم، شیخ عبدالقدیر بخارایی در بخارا سال ۹۰۰ هـ محمد جونپوری هندی در قرن دهم، شمش الدین محمد فریانی در قرن نهم در مغرب، شیخ مغربی در قرن دهم در مغرب، شیخ زاده کردستانی در قرن یازدهم در کردستان، عبدالله العجمی در قرن یازدهم در مسجد الحرام، بنگالی در مسجد الحرام سال ۱۲۰۳ هـ سنگالی در سال ۱۲۴۴ هـ در سنگال، شیخ سعید یمانی در سال ۱۲۵۶ در یمن، محمد سودانی معروف به مهدی سودانی در سال ۱۲۶۰ هـ در سودان، صومال در سال ۱۳۱۷ هـ در اتیوپی، علی محمد شیرازی در سال ۱۲۳۵، غلام احمد قادیانی، مؤسس فرقه قادیانه یا احمدیه در پنجاب هند و کسان دیگر.

۲. مدعیان باب بودن و نایب خاص بودن:

ابودلف مجنون، محمد بن سعید شاعر کوفی، احمد بن حسین رازی، حسین بن علی اصفهانی کاتب، علی بن محمد سجستانی، سید محمد هندی، ساکن مشهد، شیخ محمد مشهدی، سید محمد علی شیرازی معروف به باب در قرن ۱۳...^۱

۳. مدعیان وکالت از طرف آن حضرت نیز نوعی ادعای نیابت خاص داشتند و زمان امام عسکری علیه السلام و دوره غیبت صغری هم بوده‌اند. شریعی در زمان امام هادی و امام عسکری، همچنین احمد بن هلال، شلمغانی و دیگران از این زمره‌اند. در عصر حاضر و دوره‌های اخیر نیز از این نمونه‌ها دیده شده است.^۲

برخی انواع ادعاها را بیش از این سه بر شمرده‌اند و در گونه‌شناسی مدعیان، ادعاهای مهدی بودن، وکالت، باییت، نیابت، مشاهده، ارتباط و ملاقات، مکاتبه، خواب، همسری

۱. نقل به تلخیص از: تاریخ غیبت صغری، پورسید آقایی و دیگران، ص ۴۰۷ به بعد.

۲. از قبیل احمد الحسن، محمود الحسنی، ضیاء الکرعاوی، احمد اسماعیل سویلی، سید محمود حسینی صرخی و در این موارد، رک: دانشنامه امام مهدی علیه السلام، ج ۴.

و فرزندى را ياد کرده‌اند.^۱

ویژگی‌ها و زمینه‌ها:

مدعیان دروغین، ویژگی‌های فکری و رفتاری خاصی داشته‌اند که آنان را به چنین راهی کشانده است. از جمله این مشخصه‌ها عبارت است از: عقل‌گریزی، خرافه‌پردازی، عوام‌زدگی، خودمحوری، عالم‌گریزی، به‌کارگیری نصوص متشابه، تعصب و فرقه‌گرایی، درشت‌گویی و غلو، ادعاهای متناقض و رنگارنگ، پیروی از تمایلات نفسانی، تأویل‌گرایی، سوء استفاده از وضعیت سیاسى و اجتماعى، تناقض ادعا و عمل، کم‌سوادی، تظاهر به زهد و شریعت‌گریزی.^۲

آن‌چه این مدعیان را به چنین اظهارات و ادعاها و فرقه‌سازی‌هایی واداشته است، علاوه بر اصل اعتقاد به منجى که مقدس و پرجاذبه است، کم‌اطلاعى و جهل مردم، مشکلات اقتصادى و معیشتى مردم، زیاده‌خواهى مدعیان، رقابت‌های اجتماعى با چهره‌های محبوب، سوء استفاده‌های مالی و انگیزه دنیا طلبی، نگاه سطحی و عوامانه به مسائل مهدویت است. البته نقشه‌های استعمار و حمایت‌های بیگانگان و تفرقه‌انگیزی‌های دشمنان را هم نمی‌توان از نظر دور داشت. از سوی دیگر چون مردم کشش به سوی اباحی‌گری و مسئولیت‌گریزی و بهانه قرار دادن این دعوت‌ها برای گریز از تکلیف‌های عملی در مقابل خدا و دین همواره وجود داشته، چنین مدعیانی بازار مناسبی برای طرح ادعاهای پوچ خود می‌یافته‌اند و زهد فروشان و عوام‌فریبانه عده‌ای را دور خود جمع کرده و در پی اهداف مادی و دنیوی خود می‌شتافته‌اند.

تا وقتی جامعه، به بصیرت دینی عمیق نرسد، و تا وقتی فضای عوام‌زدگی و سطحی‌نگری و بسنده کردن به آیین‌های سطحی و رایج حاکم باشد و مردم تنها از مهدویت و انتظار، به شعارهای دور از تعهد عملی و شعائر مرسوم بسنده کنند، این آسیب‌ها و خطرهای انحرافات

۱. رک: «قبیله تزویر»، ص ۴۱.

۲. توضیح این مشخصه‌ها را در کتاب «قبیله تزویر»، امیر محسن عرفان، ص ۴۳ به بعد مطالعه کنید.

وجود دارد و اختصاص به عصر غیبت و آخر الزمان هم ندارد.

ادعای مهدویت در زمان ائمه هم بود، یا کسانی برخی افراد را مثل محمد حنفیه، ابوهاشم بن محمد، زید بن علی، ابوالخطاب و... را امام می‌پنداشتند و فرقه‌هایی همچون هاشمیه، جارودیه، صالحیه، ناووسیه، اسماعیلیه، فطحیه، واقفیه از همین رهگذر پدید آمد. امامان معصوم نیز می‌کوشیدند با ترسیم دقیق و روشن خصوصیات حضرت حجت، هم راه را بر چنین مدعیان ببندند، هم افکار مردم را روشن سازند و هم ادعاهای مدعیان را به صراحت رد کنند. امام زمان علیه السلام در یکی از توقیعات خود خطاب به عثمان بن سعید نوشت: مردم در پی هوای نفس نباشند، آن چه راهم که خدا نهان کرده دنبال کشف آن نباشند که پشیمان می‌شوند و بدانند که حق با ما و در خاندان ماست و هر کس بجز ما این ادعا را بکند دروغگو و افترازننده است. از ما به همین اندازه بسنده کنند و اشاره ما را درک کنند و از ما تصریح نخواهند!

فرهنگ
انتظار

این جریان عوام فریب، همچنان ادامه دارد و در زمان ما نیز بسیار بوده‌اند آنان که به دروغ، ادعای رؤیت، نیابت، وساطت، وکالت یا مهدویت یا فرزند و همسر امام زمان بودن داشته‌اند و جمعی را فریفته‌اند و پس از مدتی دستگیر و زندانی شده‌اند، چه در ایران، چه در عراق یا کشورهای دیگر. تنها معرفت و بصیرت است که می‌تواند جلوی این مدعیان را بگیرد و اسباب فریب را رسوا کند.

به حسن و خلق و وفا، کس به یار ما نرسد	تو را در این سخن، انکار کار ما نرسد
اگر چه حسن فروشان، به جلوه آمده‌اند	کسی به حسن و ملاحه به یار ما نرسد
هزار نقد به بازار کائنات آرند	یکی به سگه صاحب عیار ما نرسد ^۲

مدینه فاضله ← آرمان شهر

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱. در این زمینه: رک: «برخورد ائمه با مدعیان مهدویت»، غلام رسول محسنی ارزگانی، بوستان کتاب، قم.
۲. حافظ.

مراکز مهدویت پژوهی

مراکز و مؤسساتی که فعالیت‌های علمی، پژوهشی، ترویجی، انتشاراتی، اطلاع‌رسانی، مطبوعاتی دارند، همچنین پایگاه‌ها، سایت‌ها، وبلاگ‌ها، خبرگزاری‌ها و پست‌های الکترونیکی که بر محور مباحث مهدویت و امام زمان علیه السلام فعالیت و برنامه دارند، در داخل و خارج کشور و به زبان فارسی، عربی و زبان‌های دیگر، بسیار فراوان و از عهده این کتاب بیرون است. از این رو، تنها به معرفی اجمالی برخی از مراکز بسنده می‌شود:^۱

۱. مؤسسه آینده روشن، تأسیس ۱۳۸۳ در قم، دارای کتابخانه تخصصی مهدویت و انتشارات مجلاتی چون: فصلنامه مشرق موعود، فصلنامه عصر آدینه، ماهنامه انتظار نوجوان، ماهنامه ملیکا، خبرگزاری آینده روشن...

۲. مرکز جهانی تخصصی حضرت ولی عصر، تأسیس در سال ۱۳۶۴، تحت عنوان مهدیه میرداماد، با هدف تبلیغ جهانی مهدویت و تعامل با مراکز و اندیشمندان، و احیای آثار خطی جد مؤسس این مرکز.

۳. پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، تأسیس ۱۳۷۷، ابتدا با نام مؤسسه فرهنگی انتظار نور بود، زیرمجموعه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی قم، پژوهشهای میدانی و کتابخانه‌ای در مورد مهدویت و تدوین کتاب و برگزاری گفتمان و جشنواره.^۲

۴. الامام مهدی، مؤسسه تبلیغ و ترویج مسائل مهدویت به زبان انگلیسی، اصفهان، خیابان چهارباغ.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی (پارسا)، قم، بلوار شهید صدوقی.

۶. مؤسسه موعود، تأسیس در سال ۱۳۷۴، با هدف نشر فرهنگ مهدوی و تلاش مطبوعاتی، انتشاراتی و پژوهشی در قم، و تألیف دایرة المعارف موعود آخر الزمان و کتابشناسی تحلیلی

۱. علاقه‌مندان، از جمله به مقاله «آشنایی با پایگاه‌ها و مراکز مهدویت» در فصلنامه «فرهنگ کوثر»، شماره ۷۴ (تابستان ۱۳۸۷) مراجعه کنند.

۲. این مرکز و چند مؤسسه دیگر، همه زیرمجموعه «مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم» است.

مهدویت.

۷. مرکز مجازی مهدویت، پایگاهی چند منظوره برای ارتباط با موعودگرایان، با محوریت مسائل آموزشی، پژوهشی و تبلیغ، تأسیس ۱۳۸۴ و دارای کتابخانه دیجیتالی مهدویت.

۸. مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر علیه السلام، تأسیس در سال ۱۳۷۰ زیر نظر آیه الله خزعلی در قم، در زمینه پاسخگویی به سؤالات دینی و مهدوی، در سه بخش: فقه، رجال و حدیث، دارای محصولات نرم افزاری و فعالیت اینترنتی.

۹. اجلاس حضرت مهدی علیه السلام، زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی، با هدف گسترش فرهنگ انتظار، تأسیس در سال ۱۳۷۴ و برگزاری اجلاس های دوسالانه مهدویت و دارای سایت و کتابخانه.

۱۰. مسجد آیه الله انگجی، در تبریز، برگزاری جشن های نیمه شعبان و فعالیت های مطبوعاتی و انتشار ویژه نامه «شمس ولایت» در ۱۴ شماره و فعالیت های دینی دیگر.

فرهنگ
انتظار

۱۱. مسجد مقدس جمکران، دارای بخش های اداری، فرهنگی، انتشارات، کتابخانه و فروش کتاب و لوح فشرده، با موضوع امام زمان و فعالیت های گوناگون در زمینه مهدویت و برگزاری جلسات و دوره های آموزشی.

۱۲. مرکز مطالعات و مباحث ادیان، با هدف ترویج و گسترش معارف مهدوی و مقابله با افکار منحرف، دارای انتشارات بهار قلوب و پایگاه جهانی اطلاع رسانی، تأسیس بخش فارسی در سال ۱۳۸۰.

۱۲. مؤسسه تبلیغ و انفاق امام زمان، با هدف پشتیبانی از جلسات مذهبی و فعالیت های مهدوی و برگزاری جلسات فرهنگی و دعا و زیارت، چاپ کتاب و بروشور و اهدای کتاب، نوار و لوح فشرده و اجرای مسابقات.

۱۳. انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، تأسیس ۱۳۸۰ در قم با هدف آموزش، پژوهش، نشر کتاب و مجله، دارای بانک اطلاعات، کتابخانه تخصصی و کتابشناسی مرجع، فصلنامه انتظار نور.

۱۴. مؤسسه آرماگدون، در تهران، با هدف انجام تحقیقات و فعالیت های فرهنگی و گسترش معارف مهدوی و پژوهشی در زمینه آخر الزمان، مهدویت، صهیونیسم، فیلم ها و بازی های کامپیوتری.

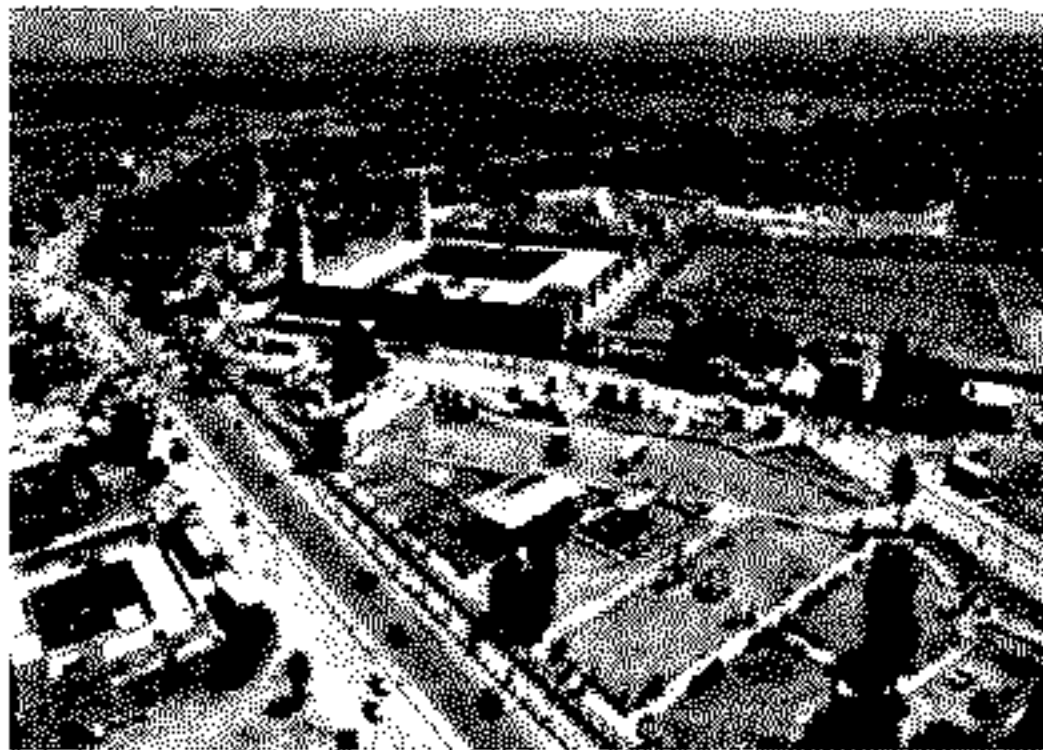
۱۵. مؤسسه فرهنگی انتظار، وابسته به حوزه علمیه و دفتر تبلیغات اسلامی قم، فعالیت های پژوهشی، فرهنگی و انتشاراتی.

۱۶. کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر در اصفهان.

۱۷. کتابخانه تخصصی صاحب الزمان، قم، مسجد جمکران، افتتاح در سال ۱۳۸۸ ش.

۱۸. کتابخانه تخصصی حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مشهد، خیابان فدائیان اسلام. - مجلات و نشریات مهدوی، اماکن منسوب به امام زمان، مهدویت و محورهای پژوهش.

مرکز حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف



طبق روایات، مرکز حکومت و محل استقرار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور، کوفه خواهد بود. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای که از کوفه زمان ظهور ستایش می کند و سوابق تاریخی آن را که مسکن حضرت نوح بوده یاد می کند، می فرماید: «ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ

فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا»^۱ به کوفه روی می آورد و منزلگاهش در کوفه خواهد بود. نیز در روایات آمده است که مسجد کوفه را توسعه می دهد و در کنار آن مسجد بزرگی با هزار در بنا می کند که گنجایش جمعیت عظیم را داشته باشد و کوفه ارزش و جایگاه والایی پیدا می کند. وقتی وارد کوفه شود آن جا را مرکز حکومتش قرار دهد، مردم آرزو می کنند که کاش در کوفه و ساکن آن بودند.^۲ امام صادق علیه السلام در حدیثی به مفضل فرمود: «دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ الْحُكْمِ

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۲۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.

جامعُها...»^۱ مرکز حکومتش کوفه خواهد بود و مرکز قضاوتش در مسجد جامع کوفه و محل بیت المال و تقسیم غنائم مسلمین مسجد سهله خواهد بود.

نسیم بال ملائک ز دور می‌آید کلیم نور ز معراج طور می‌آید
کسی که مثل کسی نیست، از شروع طلوع به دست، مشعل سبز ظهور می‌آید^۲
کوفه، اماکن منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه، مسجد هزار در.

مرگ جاهلی

در روایات متعدد آمده است که: هر که بمیرد ولی امامی نداشته باشد، یا امام خود را نشناسد، یا امام زمان خود را نشناسد، یا امام زنده‌ای نداشته باشد که او را بشناسد، یا بمیرد و برگردن او بیعتی نباشد، یا هر کس بر غیر طاعت الهی بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است. «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۳. این تعابیر مختلف در یک چیز مشترک اند و آن این که شناخت امام و حجت الهی، معرفت و هدایتی ارزشمند است که زیستن بدون امام شناسی و امام باوری، زندگی جاهلانه است و هر که با این وضعیتی بمیرد به مرگ دوران جاهلیت مرده است. از این رو توصیه شده که در این روزگار دعای «اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ...» را بخوانیم که در آن آن می‌گوییم: خدایا حجت خود را به من بشناسان، که اگر حجت خود را به من شناسانی از دینم گمراه می‌شوم. البته مقصود از مرگ جاهلی «مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» آن نیست که کافرو مشرک می‌میرد، بلکه مقصود، ضلالت و گمراهی از راه روشن اسلام است. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌پرسند: به مرگ جاهلیت مرده است، یعنی مرگ کافران؟ می‌فرماید: نه، مرگ گمراهانه (لا، مِيتَةً ضَالًا)^۴. در روایتی هم تعبیر جاهلیت شناختن امام و جهالت حق پوشانه و نفاق و ضلال به کار رفته است، که در واقع، کسی که امام شناس و

فرهنگ
انتظار

۱. همان، ج ۵۳، ص ۱۵.

۲. احمد خوانساری.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۷۸.

۴. همان، ص ۷۶.

حجت شناس نباشد، در جهالت به سر می برد، هر چند علوم مختلف را هم داشته باشد. ← حجت شناسی، ارکان اعتقادی مهدویت، آیین انتظار، سیمای مهدی، انکار مهدی.

مرگ سرخ و سفید

از نشانه های ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، فراوانی دو نوع مرگ در میان مردم ذکر شده است، یکی مرگ سرخ با شمشیر و سلاح که به وسیله جنگ ها پیش می آید، دیگری مرگ سفید که به وسیله طاعون مردم بسیاری را به کام مرگ می کشد. این دو پدیده، که نوعی بیانگر آشفتگی عصر قبل از ظهور است، از نشانه های ظهور به شمار آمده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «قَدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرٍ وَمَوْتُ أَبْيَضٍ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خَمْسَةٌ، الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَالْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونُ»^۱ پیش از آمدن قائم دو مرگ است، مرگ سرخ و مرگ سفید، تا آن که از هر هفت نفر پنج نفر بروند. مرگ سرخ شمشیر است و مرگ سفید، طاعون.

در روایاتی از نابودی دو سوم مردم در اثر جنگ های ویرانگر و بیماری های مسری چون طاعون سخن به میان آمده است^۲ و روایت دیگری می گوید: مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نمی کند مگر آنگاه که یک سوم کشته شوند، یک سوم بمیرند و یک سوم باقی بمانند.^۳ در جنگ جهانی اول و دوم، ده ها میلیون انسان در کشورهای مختلف کشته شدند. در این سال ها بیماری های واگیردار متعددی هم جان میلیون ها انسان را گرفته است. پس آمار یاد شده در روایات، چندان شگفت نیست.^۴

← علائم ظهور، شرایط ظهور، تطبیق علائم ظهور.

مستضعفین ← دولت مستضعفین، وراثت مستضعفین

مستور ← نام ها و اوصاف و القاب

۱. کمال الدین، ص ۶۵۵ (مشابه آن در ارشاد ۳۷۲/۲، کشف الغمه ۲۴۹/۳ است).
۲. همان، ص ۶۵۶.
۳. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۷.
۴. در اثر بیماری و ویروس کرونا در دو و نیم سال اخیر تا کنون (تیر ۱۴۰۱) بیش از ۷ میلیون نفر در سراسر دنیا جان باختند و این مرگ و میر ادامه دارد.

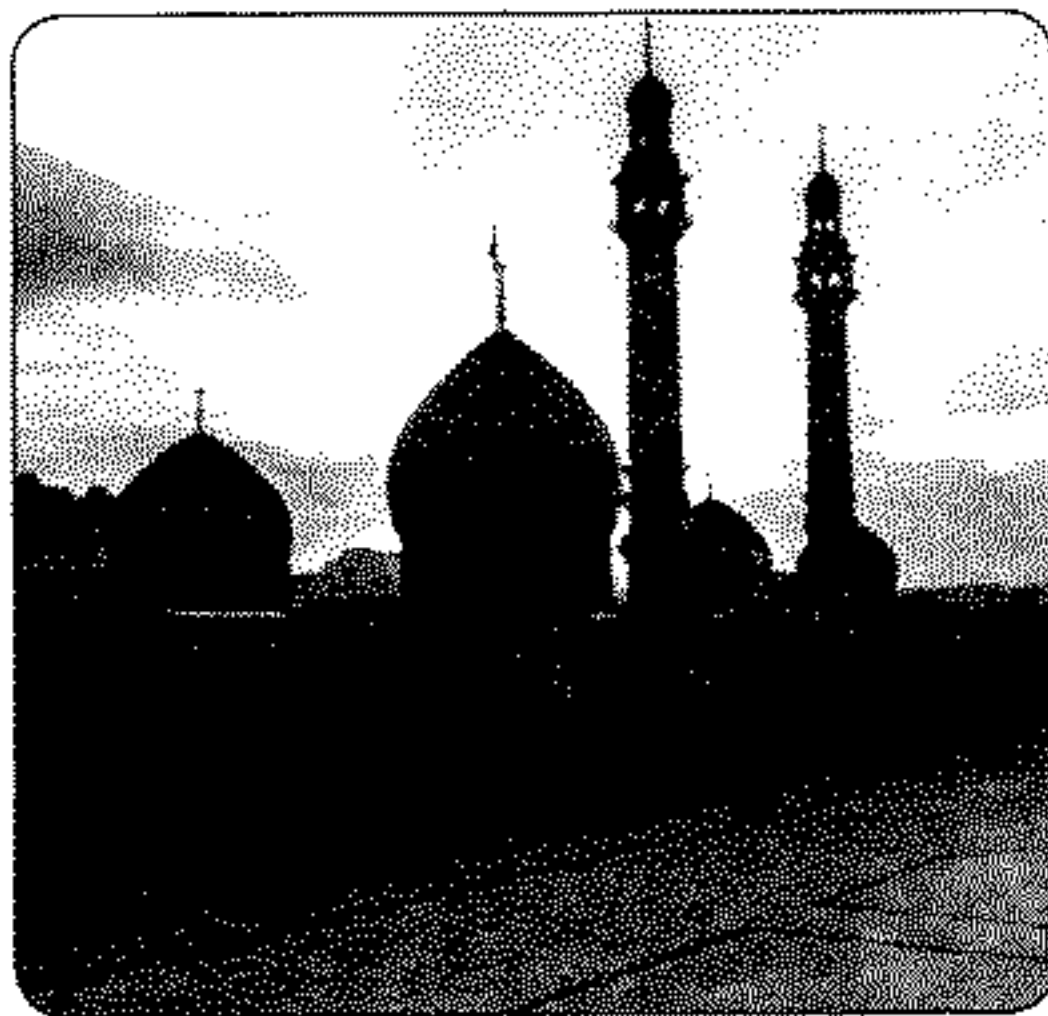
مسجد آیه الله انگجی

یکی از کانون‌های فعال دربارهٔ آئین جشن‌های نیمهٔ شعبان و فعالیت‌های فرهنگی، مسجد آیه الله انگجی در تبریز بود. ستاد بزرگداشت نیمهٔ شعبان در این مسجد، فعالیت‌های «مهدوی پژوهی» داشته و دارد. این مسجد که در مرکز شهر و محلهٔ بازار قرار دارد، نوسازی و در نیمه شعبان سال ۱۳۵۴ افتتاح شد و مرحوم آیه الله سید ابوالحسن مولانا از مؤسسان آن بود. در زمان انقلاب و دفاع مقدس نیز از مساجد انقلابی و فعال به شمار می‌رفت. با شروع فعالیت بسیج در مسجد، برنامه‌های نیمهٔ شعبان در سال ۱۳۶۷ شکل گرفت و در کنار برگزاری جشن، انتشار مجلات و کتاب‌های مهدوی از فعالیت‌های بارز آن بود. نشریات نور ولایت، تمنای وصال، پیدای پنهان، شمس ولایت که همه ساله با مقالات پربار در نیمهٔ شعبان منتشر می‌شد، از جمله فعالیت‌های این مسجد است. بعدها آن ستاد تبدیل به بنیاد شد و فعالیت‌های خود را در قالب «بنیاد نیمهٔ شعبان» ادامه داد.

← مراکز مهدویت پژوهی، مجلات و نشریات مهدوی.

فرهنگ
انتظار

مسجد جمکران



مسجد مقدس جمکران، در ۶ کیلومتری جنوب شرقی شهر قم، یکی از اماکن منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و به امر آن حضرت بنا شده و نماز خاصی دارد و شیعیان بسیاری برای عبادت و نماز، به خصوص در شب‌های جمعه و چهارشنبه و نیمهٔ شعبان به آن جا می‌روند و به یاد امام زمان دعا و نماز می‌خوانند و متوسل به آن حضرت می‌شوند و

ارتباط معنوی و روحی با حضرتش برقرار می‌کنند. این مسجد، ابتدا محلی کوچک و بقعه‌ای ساده در روستای جمکران قم بود و محل توجه افرادی خاص و معدود قرار می‌گرفت. بارها

توسعه یافته تا به وضعیتی کنونی از نظروسعت و ساختمان و تجهیزات و امکانات رسیده است.

خلاصه بنای این مسجد از این قرار است: در ماه رمضان سال ۳۹۳ هجری، شخص صالح و مخلصی به نام حسن بن مثله جمکرانی در خانه خود خوابیده بود که سروصدایی می شنود که او را صدای زنند که برخیز، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تورا نزد خود فرا خوانده است. او همراه جمعیت می رود و در مکانی که محل فعلی مسجد است، امام زمان را که در میان جمعی بود می بیند. امام به او دستور می دهد که نزد حسن بن مسلم برود و بگوید که این زمین، محلی برگزیده است که تو آن را تصرف کرده ای. وقتی وی نشانه اطمینان بخشی از امام می طلبد، حضرت او را به سید ابوالحسن ارجاع می دهد که او حسن بن مسلم را احضار کند و سود چند ساله زمین را از او بگیرد و به مردم بدهد تا با آن در این مکان مسجدی بسازند. و امام توصیه می کند که به مردم بگویید به این مکان روی آورند و آن را گرامی داشته در آن چهار رکعت نماز بخوانند (جزئیات دو نماز دور کعتی با صد بار «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و...). حسن بن مثله به خانه اش برمی گردد، فردا نزد سید ابوالحسن می رود و شرح واقعه می دهد، به اتفاق او نزد حسن بن مسلم می روند و طبق دستور عمل می کنند و در آنجا مسجدی می سازند.^۱

به این مسجد به سبب حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن شب یاد شده در زمین آن، مسجد صاحب الزمان هم می گفتند. اکنون مسجد مقدس جمکران، علاوه بر تجمعات مردم در شب های چهارشنبه و مناسبت های ویژه، فعالیت های فرهنگی، خدماتی، انتشاراتی و کتابخانه ای غنی دارد و مراسم فراوانی در آن برگزار می گردد. امروز مسجد جمکران، به نماد

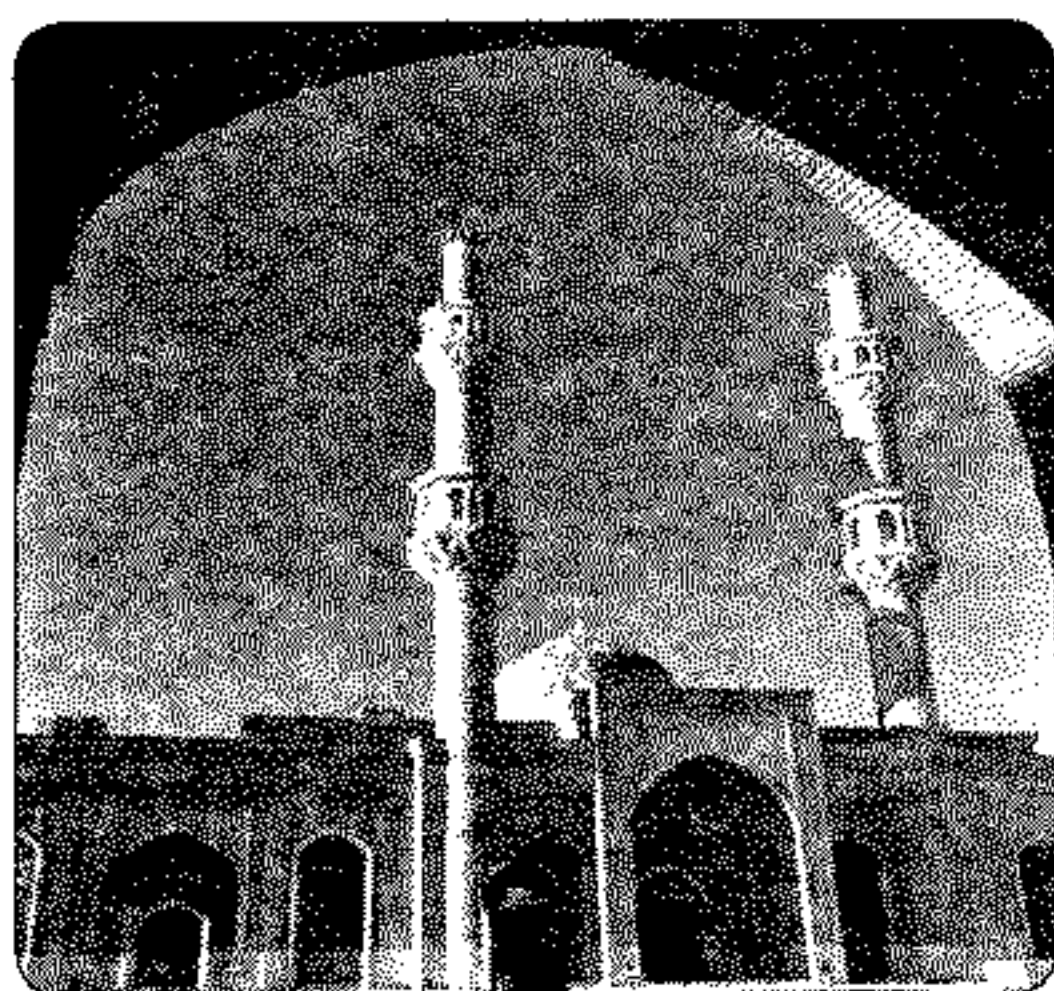
۱. درباره تاریخچه مفصل بنای این مسجد، رک: جنة المأوی، محدث نوری، ص ۲۳۰، العبقري الحسان، علی اکبر نهاوندی، ج ۲، ص ۱۴۳، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰، مونس الحزین، منسوب به شیخ صدوق، تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، ص ۲۷۲، موعودنامه، تونه ای، ص ۶۴۴، اندیشه انتظار، احمد زمانی، ص ۳۷۵، تاریخچه تأسیس مسجد مقدس جمکران، انتشارات مسجد جمکران، نجم الثاقب، محدث نوری، ص ۲۱۲، انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۴۱ و منابع دیگر. نیز «مسجد جمکران المقدس»، به عربی، نشر مسجد جمکران.

توجه و مهرورزی و توسل به آن حضرت و به عنوان پایگاه منتظران تبدیل شده و از اقصای نقاط کشور، در شب‌های چهارشنبه، هیئت‌ها و کاروان‌های زیارتی به قم می‌آیند.

«ای بهانه‌ای برای زیستن! اشتیاق، همچو سبزه بهاره هر طرف دمیده است. انتظار، همچو غنچه‌ای به شاخسار دل شکفته است. «جمکران»، جلوه‌ای از انتظار و شوق ماست، ای بهار جاودان، ای بهار آفرین، ای امید آخرین». اکنون حدود ۱۰۷۰ سال از بنای این مسجد می‌گذرد و همچنان امیدبخش و آرامش‌آفرین دل‌های بی‌قرار است.

عقیق سرد به زیر زبان تشنه نهم چو یاد آید از آن شکرین دهان، بی‌تو
 گزاره غم دل را مگر کنم چو «امین» جدا ز خلق، به محراب جمکران، بی‌تو^۲
 — اماکن منسوب به امام زمان، مکان امام زمان، یاد مهدی، مراکز مهدویت پژوهی.

مسجد سهله



فرهنگ
انتظار

مسجدی با فضیلت و پرخاطره در نزدیکی کوفه در عراق است و در قسمت غربی مسجد کوفه به فاصله ۲ کیلومتر قرار دارد که در قرن اول هجری ساخته شده است. سهله که به معنای آسان و نرم است، به این خاطر به این مسجد گفته شده که در محل ماسه‌ای سرخ رنگ و نرم مسیل‌های قدیم ساخته شده است. از اماکن منتسب

به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است. به گفته روایات، اقامتگاه حضرت صاحب الامر خواهد بود: «إِنَّهُ مَنَزِلٌ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ»^۳ وقتی ظهور کند، به سوی مسجد سهله حرکت می‌کند و آن جا را اقامتگاه دائمی خود می‌سازد. مسجدی است که نماز خواندن در آن ثواب بسیار

۱. برگ و بار، جواد محدثی، ص ۱۲۴.

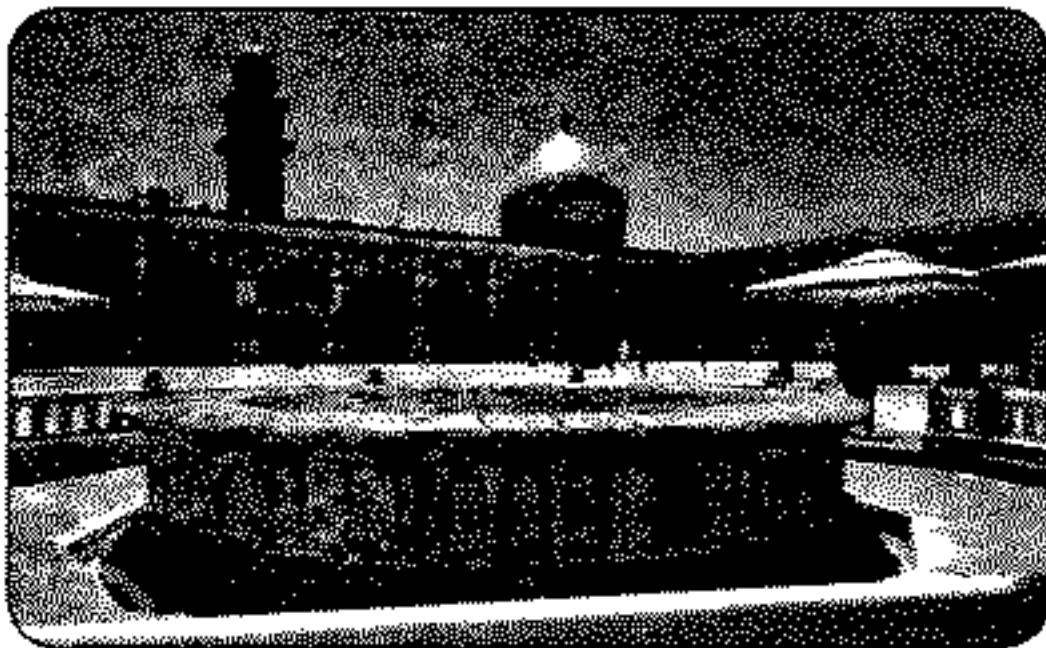
۲. مقام معظم رهبری.

۳. تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۲۷۷، ارشاد، مفید، ج ۲، ص ۳۸۰.

دارد. پیامبران بسیاری در آن نماز خوانده‌اند. بسیاری از تشرّف یافتگان به محضر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این مکان مقدّس او را دیدار کرده‌اند، از جمله سیّد بحر العلوم. از دیرباز، علاقه‌مندان به حضرت حجّت، از اماکن دور و نزدیک به آن جا رفته و شب‌هایی را به عبادت می‌گذرانند تا به دیدار حضرتش نائل آیند. عبادت‌ها و نماز و آداب خاصی دارد که در کتب دعا آمده است.^۱ جایگاه‌ها و مقام‌های متعدّدی به نام پیامبران دارد: مقام حضرت ابراهیم، مقام حضرت ادریس و... یکی از آن‌ها هم مقام امام زمان است که دو رکعت نماز و دعای خاصّ دارد. سید بن طاووس توصیه کرده که شب چهارشنبه بین نماز مغرب و عشاء آن نماز خوانده شود. حضور چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله و عبادت و نماز به قصد تشرّف به حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از قدیم بین شیعه رواج داشته و چنین برنامه‌ای را در مسجد کوفه و مسجد جمکران هم انجام می‌دهند. بارها این مسجد تعمیر و بازسازی شده و توسعه یافته است.

اماکن منسوب به امام زمان، مکان امام زمان، مسجد جمکران.

مسجد کوفه



مسجد کوفه، از مساجد مهم و با فضیلت و تاریخی در شهر کوفه است که در صدر اسلام ساخته شد و در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، محلّ نماز و ایراد خطبه آن حضرت و مرکز تجمع نیروها بود. نماز خواندن

در آن بسیار ثواب دارد و یکی از چهار مسجدی است که سفر به آن و نماز و عبادت در آن، مثل مسجد النبی، مسجد الحرام و مسجد الاقصی توصیه شده و به فرموده امام صادق علیه السلام یک نماز در مسجد کوفه، برابر هزار نماز در مساجد دیگر است.^۲

۱. رک: مفاتیح الجنان، بخش اعمال مسجد کوفه و مسجد سهله.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۲۶.

مسجد کوفه یکی از جاهای منتسب به امام زمان است و طبق روایات، مرکز حکومت آن حضرت و مقر قضاوت و دادرسی‌های او خواهد بود و در آن، نماز جمعه و جماعت اقامه خواهد کرد. به فرموده علی علیه السلام در عصر ظهور، شیعیان در این مسجد خیمه‌هایی زده و به مردم قرآن می‌آموزند، همان‌گونه که نازل شده است.^۱ امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: کوفه، مرکز حکومت او و مجلس قضاوتش مسجد جامع کوفه خواهد بود.^۲

به لحاظ انتساب این مسجد به آن حضرت، مورد توجه شیعیان بوده و کسانی با عبادت در این مسجد و توسل به حضرت مهدی علیه السلام توفیق دیدار او را داشته‌اند. خاطرات بسیاری از این مسجد در زمان خلافت علی علیه السلام نقل شده و در زمان امام زمان هم یکی از مراکز اصلی وابسته به او خواهد بود. در کنار همین مسجد، قبر مسلم بن عقیل، هانی بن عروه و مختار ثقفی است و قبله و محراب آن محل ضربت خوردن امیرمؤمنان علیه السلام است. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ بَنِي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدَ آلِهِ أَلْفُ بَابٍ، وَاتَّصَلَتْ بِيُتُوتِ أَهْلِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِي كَرْبَلَا»^۳، هرگاه قائم آل محمد قیام کند، در پشت کوفه مسجدی بنامی کند که هزار در داشته باشد و خانه‌های مردم کوفه به دو نهر کربلا متصل می‌گردد. این نشان‌دهنده جایگاه حساس این شهر و این مسجد در دوران ظهور آن حضرت است.

— مکان امام زمان، اماکن منسوب به امام زمان، مسجد هزار در.

مسجد هزار در

در دوره ظهور، طبیعی است که به مقتضای شرایط و نیازها و حکومت جهانی آن حضرت، تغییرات یا بناها و اماکنی احداث شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام که به تحولات عصر ظهور می‌پردازد، آمده است: آن حضرت پس از ظهور، در بیرون کوفه (ظهر الکوفه) مسجدی بنامی کند که هزار در دارد و خانه‌های کوفه به شهر کربلا و حیره متصل می‌شود و چنان وسعت می‌یابد که شخص، روز جمعه سوار بر قاطر از خانه‌اش برای شرکت در نماز جمعه بیرون

۱. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۱۷. نیز رک: فصلنامه انتظار، شماره ۷، بهار ۱۳۸۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۳. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۰.

می شود، ولی به نماز جمعه نمی رسد.^۱ که اشاره به وسعت شهر و دوری مسافت و راه است. امام باقر علیه السلام نیز می فرماید: حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور، وقتی وارد کوفه می شود، وارد مسجد گشته، به منبر می رود و خطبه می خواند و مردم از شوق دیدار و گریه، نمی فهمند که او چه می گوید. در جمعه دوم مردم می گویند: نماز پشت سر تو همچون نماز پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است، مسجد گنجایش ما را ندارد. آن حضرت هم موافقت می کند، بیرون شهر به سمت غری (نجف) می رود و خط و نقشه ای ترسیم می کند برای مسجدی با هزار در، که گنجایش مردم را داشته باشد.^۲

در حدیثی هم مسجد پانصد در مطرح است، به نقل حبه عرنی: امیرمؤمنان علیه السلام به سمت حیره بیرون رفته بود، با دست خود اشاره به دو ناحیه کوفه و حیره کرد و فرمود: این دو منطقه به هم متصل خواهد شد و هر ذراع از زمین آن به چند دینار فروخته می شود. در حیره مسجدی ساخته می شود با ۵۰۰ در که جانشین قائم در آن نماز می خواند، چون مسجد کوفه برایشان تنگ می شود. دوازده امام عادل در آن نماز می خوانند. به آن حضرت گفتم: آیا این مسجد کوفه گنجایش آن مردم را دارد؟ فرمود: چهار مسجد برای آن ساخته می شود که مسجد کوفه کوچکترین آنهاست، این مسجد، مسجد کوفه و دو مسجد در دو طرف کوفه به سمت نجف و بصره.^۳

— مسجد کوفه.

مصلح جهانی

جهان آلوده به ظلم و فساد و سلطه جباران، نیازمند «اصلاح» است. طبق نویدهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و بشارت های انبیا، این «اصلاح جهانی» در آخر الزمان به دست حضرت بقیه الله وَجَاءَ مُحَمَّدٌ خواهد بود و دامنه حکومت عدل او همه گیتی است. در روایات مهدوی تعبیر «الأرض» بسیار به کار رفته است، یعنی کره زمین، و این گستره حکومت

۱. کتاب الغیبه، طوسی، ص ۴۶۸.

۲. همان، ص ۴۶۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۴، به نقل از تهذیب شیخ طوسی.

مصلحانۀ او را در سطح جهان می‌رساند. «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» که در احادیث است، جهان شمولی اصلاحات آن حضرت را می‌رساند، همچنین تعبیر «مُشَارِقُ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا» که دایره و وسعت حکومت او را بر شرق و غرب عالم بیان می‌کند. امام باقر علیه السلام در حدیثی ضمن بیان این که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را پر از قسط و عدالت می‌کند، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد، می‌افزاید: «فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ...»^۱، خداوند شرق و غرب زمین را برای او فتح می‌کند، تا آن جا که دینی جز دین محمد صلی الله علیه و آله باقی نمی‌ماند. این حدیث و امثال آن، هم اصلاح جهان را از نظر ظلم ستیزی و عدالت گستری می‌رساند، هم از نظر فکری و عقیدتی و برچیده شدن بساط افکار غلط و اعتقادات باطل.

او جهان را غرق شبنم می‌کند	ابتلای سایه را کم می‌کند
او رسول سوره‌ها در آیه‌هاست	امپراطور تمام سایه‌هاست
قرن او قرن سلام و معبد است	عشق در دوران او صد در صد است ^۲

۱- حکومت واحد جهانی، دولت کریمه، حکومت صالحان، مهدی علیه السلام، فتوحات مهدی.

مضطرّ حقیقی



مضطرّ به معنای درمانده، بیچاره، زیان دیده و گرفتار است و به معنای خاصی در مورد امام عصر علیه السلام به کار می‌رود. قرآن کریم، خدا را با این وصف ستوده که: اجابت کننده مضطرّ است، وقتی که او را بخواند و بدی و گرفتاری را برطرف می‌کند «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»^۳. خداوند، پناه و دادرس درماندگان و گرفتاران است. رسم است که این آیه را در مجالس

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲. احمد عزیزی.

۳. نمل، آیه ۶۲.

هنگام دعا و توسل می خوانند و به «ختم امن یجیب» معروف است. بعضی هم هنگام دعا، خدا را به مضطرّ حقیقی (یعنی امام زمان) قسم می دهند. از آن جا که امام عصر علیه السلام بنده خاص و مستجاب الدعوه و موعود امت ها برای اصلاح جهان است، ولی به امر و اراده الهی در غیبت به سر می برد و منتظر امر خدا برای ظهور و عدالت گستری است، او را مضطرّ گفته اند. در روایات چنین اشاراتی دیده می شود. امام علی علیه السلام فرمود: «هُوَ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ، فِي قَوْلِهِ «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ...»^۱، این که خداوند در قرآن، خود را اجابت کننده دعای مضطرّ معرفی کرده، مضطرّ در کتاب خدا امام زمان است. البته ادامه آیه هم بر همین دلالت دارد، چون می فرماید: اوست که شما را خلفای زمین قرار می دهد، که اشاره به عصر ظهور و دولت کریمه آخر الزمان است.

امام صادق علیه السلام درباره آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ»، با بیان این که درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شده است، فرمود: «هُوَ اللَّهُ الْمُضْطَرُّ الَّذِي إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رُكْعَتَيْنِ وَدَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السَّوْءَ وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»^۲، به خدا سوگند، اوست مضطری که وقتی در مقام ابراهیم نماز بخواند و دعا کند، خداوند دعایش را اجابت می کند و بدی را برطرف می سازد و او را خلیفه در زمین قرار می دهد.

در روایات، این آیه از آیات تفسیر شده بوجود مقدس آن حضرت است. در دعای ندبه هم می خوانیم: «أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ أَذَاعِي»^۳، کجاست آن مضطری که وقتی دعا کند، اجابت می شود؟ که منظور، امام زمان علیه السلام است. استغاثه و دعا برای فرج، زمینه ساز گشایش در امور است و توصیه شده برای فرج امام زمان دعا کنید، که فرج شما نیز در همین است.

پی غمخواری دل، باز کسی می آید ز پی دادگری، دادرسی می آید
ای که فریاد زبیداد کنی، دل خوش دار که به فریاد تو فریاد رسی می آید^۴
— دعای مهدی علیه السلام، دعا برای فرج.

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۵، الغیبه، نعمانی، ص ۱۸۲.

۲. تفسیر البرهان، مقدمه صف ۲۱۸، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۶، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۹.

۳. علی نقی بنا.

معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

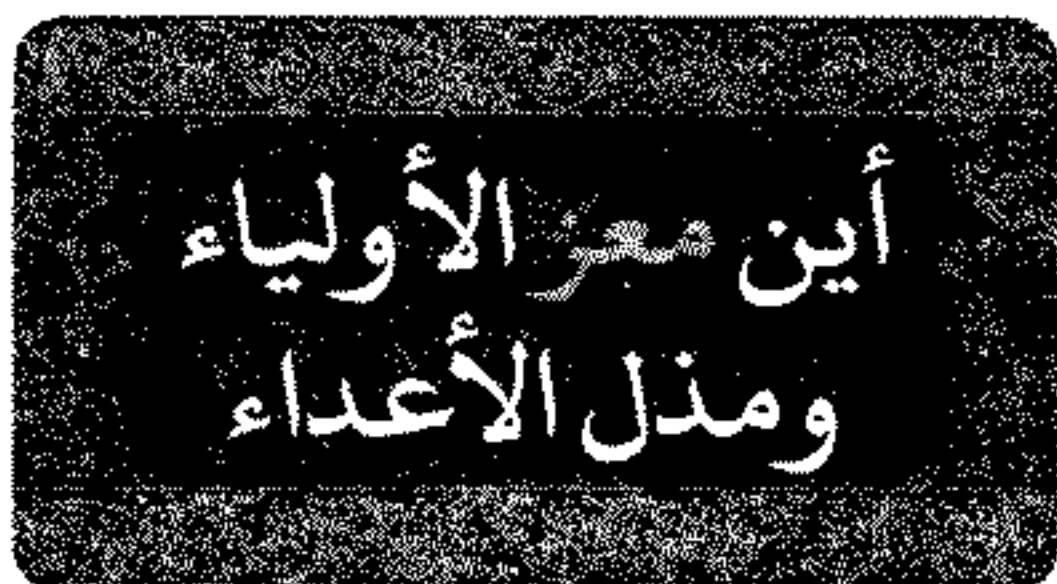
آن حضرت، مثل امامان دیگر، معجزات و کراماتی داشته که شاهد اتصال او به علم و قدرت الهی و سند امامت اوست، از قبیل شفا دادن بیماران، کرامت های خاص، کمک های مالی به نیازمندان و رفع گرفتاری ها و مشکلات مالی آنان، ارشاد و راهنمایی گم گشتگان، خبرهای غیبی از امور پنهانی و پیشگویی برخی حوادث، پاسخ به سؤال ها و درخواست های افراد در امور مختلف، خبر دادن از زمان فوت کسی یا ولادت فرزندی، تکلم به زبان های مختلف، رشد جسمی سریع و معجزه آسا، تلاوت قرآن در هنگام تولد و... که در کتب روایی نقل شده است. برخی از این معجزات هم در آستانه ظهور و پس از ظهور و در دولت کریمه او تحقق خواهد یافت.^۱ برخی از این معجزات و کرامات در سرگذشت تشرف یافتگان به حضورش نقل شده است. برخی هم در خلال حوادث ظهور و پس از آن اتفاق می افتد که این ها هم زیاد است و از ویژگی های آن حضرت به شمار می رود. به فرموده امام رضا علیه السلام: هرگاه ظهور کند، زمین زیر پای او در نور دیده می شود (طی الأرض دارد)، سایه ندارد، منادی از آسمان ندایی می دهد که همه زمینیان دعوت به سوی او را می شنوند که می گوید: هلا حجت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده است، به او پیوندید و از او تبعیت کنید.^۲

در حدیث امام صادق علیه السلام آمده که آن حضرت همه معجزات انبیاء را دارد: «ما من معجزة من معجزات الانبياء و الاوصياء الا يظهر الله تعالى مثلها على يد قائمنا لتمام الحجة على الأعداء»^۳، هیچ معجزه ای از معجزات پیامبران و اوصیاء نیست مگر آن که آن را خداوند به دست قائم ما آشکار می کند، تا اتمام حجت بردشمنان شود.

به شباهت های مهدی و موسی علیه السلام، وارث سنت های انبیایی، بعد غیبی امام زمان، شیوه های فراطبیعی.

۱. ر.ک: «اثبات الهداة بالانصوص والمعجزات»، شیخ حر عاملی، ج ۷، ص ۲۷۰ تا ۳۸۲، «منتهی الآمال»، شیخ عباس قمی، «بحار الأنوار»، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۲۹۳ به بعد. «ارشاد» مفید، ج ۲، ص ۳۵۵، «کتاب الغیبة»، شیخ طوسی، فصل ۴.
۲. کشف الغمه، اربلی، ج ۳، ص ۳۱۵.
۳. منتخب الأثر، ج ۲، ۳۴۲.

مُعْزَا الْأَوْلِيَاءِ



عزّت بخش اولیاء و دوستان، یکی از القاب امام عصر که در دعاها و زیارت‌ها آمده است. در دعای ندبه می‌گوییم: «أَيْنَ مُعْزَا الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ»، کجاست آن عزت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان.

در دوره حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه، اهل ایمان و دوستان خدا که در دوران جباران تحقیر و مظلوم شده‌اند، به عزّت و آقایی می‌رسند و دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام، خوار و زبون می‌گردند و این نتیجه حاکمیت عدالت در جهان است. در روایات مهدی و در دعاها این نکته که آن حضرت، حق را جاری می‌سازد، بساط ظلم و ستم را برمی‌چیند و اولیای خدا طعم شیرین امنیت و آزادی و عزّت را می‌چشند بسیار مطرح شده است.

— نام‌ها و اوصاف و القاب، شیعه در عصر ظهور.

مُعَمَّرِينَ

آنان که عمر طولانی داشته و دراز زیسته‌اند. از ریشه عُمر است. معمر یعنی دیرزیست، دراز عمر. در قرآن هم این اصطلاح به کار رفته است.^۱ در بحث از طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه و اثبات عقلی و تاریخی آن، به شواهدی از معمرین استناد می‌کنند که در گذشته هم سابقه داشته که کسانی چند صد سال یا بیش از هزار سال عمر کنند، پس شگفت نیست که امام زمان هم عمر طولانی و بیش از هزار سال داشته باشد. در کتب مربوط به آن حضرت، بحث طول عمر و نمونه‌هایی از چنین افراد آمده است و کتاب‌هایی نیز با عنوان «معمرین» یا درباره معمرین نگاشته شده است.^۲ از جمله معمرین: سلمان فارسی، نابغه جعدی، عبدالمسیح

۱. «وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ» (فاطر، آیه ۱۱).

۲. خورشید مغرب، ص ۲۴۹، از کتب حدیثی؛ بحار الأنوار، ج ۵۱ و کمال الدین صدوق و کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۷۶۰، کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۱۲ به بعد، الامام المهدی، علی محمد دخیل.

غسانی، عمرو بن ربیع، صالح بن عبدالله یمنی، عبید بن شریح جرهمی و...^۱
 ← طول عمر امام زمان، ویژگی های امام عصر.

مفاسد آخر الزمان ← فسادهای آخر الزمان

مقام صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقام به معنای مکان ایستادن یا حضور است. در اصطلاح به جایی گفته می شود که یکی از امامان یا پیامبران در آن جا حضور یافته یا پای نهاده اند. قدمگاه هم به این معنی به کار می رود. در اماکن مختلفی که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یا حضور یافته، یا عبادت کرده، یا با کسی دیدار داشته، جاهایی به نام «مقام صاحب الزمان» مشخص شده است و زائران آن جا را دیدار و به آن تبرک می کنند. چنین مقام ها و جایگاه هایی در مکه، کربلا، حله و امثال آن وجود دارد. همچنان که جای پای حضرت ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه^۲، جایگاهی شیشه ای محفوظ است و قرآن هم دستور داده که کنار «مقام ابراهیم» نماز خوانده شود.^۳
 ← اماکن منسوب به امام زمان، مکان امام زمان.

مکان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در عصر غیبت، جایگاه امام عصر و محل سکونت و زندگی او معلوم نیست. اگر معلوم بود که مردم در پی او می رفتند و دیگر غایب نبود. البته در همین کره خاکی و روی همین زمین و در همین شهرها و آبادی ها به سر می برد، لیکن به قدرت الهی از چشم مردم پنهان است و این نهان زیستی، از ویژگی های اوست. در بعضی روایات، نامی از جاهایی برده شده، مثلاً در کلامی که اوبه علی بن مهزیار فرمود، از سکونت در کوه های سخت و سرزمین های خشک و دور دست نام برده شده است، در حدیثی از امام باقر علیه السلام از طیبه (مدینه) یاد شده، یا در بعضی روایات از رضوی در اطراف مدینه سخن گفته شده که نام کوهی میان مکه و مدینه است. در دعای ندبه، در قالب سؤال آمده که: تو در کجا قرار گرفته ای؟ در رضوی؟ ذی طوی،

۱. کفایة الموحدين، ج ۲، ص ۷۶۳.

۲. «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره، آیه ۱۲۵).

یا جای دیگر. ذی طوی هم اطراف مگه است. کسانی هم براساس نقل های غیر موثق از جزیره خضراء یاد کرده اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی شباهت او را به حضرت یوسف بیان کرده و فرموده: صاحب الأمر میان مردم و در بازارهایشان راه می رود، بفرش های منزل دوستان قدم می گذارد و به آنان سر می زد ولی او را نمی شناسند «يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ فُرْشَهُمْ وَلَا يَعْرِفُونَهُ»^۱ و در روایتی نقل شده که همه ساله در موسم حج شرکت می کند و مردم را می بیند ولی مردم او را نمی بینند.^۲

ممکن است گاهی اقامت هایی در بعضی جاها داشته باشد، ولی آن چه نقل شد، هیچ کدام دلیل بر سکونت دائمی در این جاها نیست. نیز نقل شده است که: «لَا يَطْلُعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلَدِهِ وَلَا غَيْرِهِ...»^۳ هیچ یک از فرزندان او و نه دیگران از جای او مطلع نیستند مگر خدمتکاری که کارهای او را انجام می دهد. طبیعت غیبت هم همین را اقتضا می کند. از مسجد کوفه به عنوان محل حکومت و از مسجد مسهله به عنوان منزلگاه او پس از ظهور یاد شده است.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست هر کجا هست خدایا به سلامت دارش^۴
 — اماکن منسوب به امام زمان، سامرا، ظهور و حضور، رضوی.

ملاحم و فتن ← علائم ظهور

ملاقات با امام زمان ← تشرف یافتگان، دیدار با امام زمان علیه السلام

ملیکه ← نرجس خاتون

ممهّدون ← زمینه سازان ظهور

منتخب الأثر ← کتابشناسی مهدویت

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۱۶۴، کمال الدین، ص ۳۴۱، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳. الغیبه، طوسی، ص ۱۶۲.

۴. حافظ.

منتظر، منتظر

منتظر، کسی است که انتظار می‌کشد. منتظر، کسی است که دیگران انتظارش را می‌کشند. گرچه ما شیعیان منتظران ظهور و فرج حضرت بقیه الله هستیم، اما خود آن حضرت، هم منتظر است، هم منتظر. به ما گفته‌اند که منتظر او باشیم و انتظار فرج را از برترین عبادات دانسته‌اند. خود امام هم منتظر اذن پروردگار و فرارسیدن زمان خروج و ظهور است. امام جواد علیه السلام در پاسخ این سؤال که چرا به او منتظر گویند، فرمود: «يَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُنْتَظَرُونَ الْمَخْلُصُونَ...»^۱، زمان غیبت او طول می‌کشد. منتظران مخلص انتظار او را می‌کشند و تردید کنندگان انکارش می‌کنند. در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام او را منتظر نامید و فرمود: «يا زُرَّاءُ! وَهُوَ الْمُنْتَظَرُ وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ»^۲ او منتظر است، او کسی است که بعضی از مردم در ولادت او شک می‌کنند. در دعای روز عید فطر هنگام رفتن به سوی نماز عید، دعایی مستحب است که در بخشی از آن است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُنْتَظَرِ أَمْرِكَ الْمُنْتَظَرِ لَفَرَجِ أَوْلِيَاءِكَ»^۳ که خود او به عنوان منتظر فرمان خدا و منتظر فرج اولیای الهی خوانده شده است. در یکی از دعاها ی قنوت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم، با اشاره به وعده‌های الهی بر پیروزی مؤمنان و انتقام از دشمنان، چنین آمده است: خدایا ما مشتاقِ ورود فرمانت و چشم به راه تحقق بخشیدن به وعده‌ات و در انتظار برخورد شدید با دشمنانت هستیم.^۴ تعبیر مشتاق، مرتقب و متوقع که در این دعا است، بیانگر حالت انتظار خود او برای رسیدن زمان ظهور است.

پس خود امام زمان، هم منتظر است، هم مورد انتظار منتظران ظهور است.

ای منتظر، به منتظرانت عنایتی ما را سفید شد به ره انتظار، چشم

۱. کمال الدین، ص ۳۷۸.

۲. همان، ص ۳۴۲.

۳. شهر الله، ری شهری، ص ۵۳۲، به نقل از اقبال سید بن طاووس.

۴. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

گريپا نهی به بزم محبتان دمی ز مهر روشن شود ز روی تو در شام تار، چشم
 - انتظار، نام‌ها و اوصاف و القاب.

مُنْتَقِم

از القاب و اوصاف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، «منتقم» است، یعنی انتقام گیرنده. انتقام به معنای کیفر و مجازات است نه فرونشاندن خشم و خشونت داشتن. خداوند هم «شدید الانتقام» است و از مجرمان انتقام می‌گیرد.^۱ انتقام از مجرمان و ظالمان نشانه عدالت و حمایت از مظلوم و احقاق حق است. گرچه در موارد شخصی و فردی توصیه شده که از حق خود بگذرید و به جای انتقام، عفو کنید، ولی مجازات مجرمان اجتماعی و ظلم کنندگان به جامعه، احیای حقوق مردم است.

در روایات متعددی از امام زمان به عنوان «منتقم» یاد شده است. سخن خداوند با پیامبر در شب معراج چنین بود: «هَذَا الْقَائِمُ مُحَلِّلٌ حَلَالِي وَ مُحَرِّمٌ حَرَامِي وَيَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي»^۲، این ایستاده قائم، حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می‌کند و از دشمنانم انتقام می‌گیرد. در حدیث دیگر آمده است که: انتقام مرا از جبّاران و طاغوت‌ها، از قریش و بنی امیه و سایر مردم می‌گیرد. امام زمان پس از ظهور، بعد از اتمام حجت بر تبه‌کاران و مستکبران ظالم، اگر به حق و عدل گردن نهند، مورد کیفر و انتقام قرار می‌گیرند. کسانی هم که ظلم‌هایی دامن گستر کرده‌اند که آثار آن در طول تاریخ باقی مانده و مایه اختلاف در امت و انزوای اهل بیت و محرومیت جامعه از وجود امامان حق شده‌اند، از تیغ انتقام الهی که در دست قائم آل محمد است نمی‌توانند فرار کنند. این که در دعای ندبه او را به عنوان خونخواه همه پیامبران و پیامبرزادگان و خونخواه شهید کربلا می‌خوانیم، جلوه‌ای از همین انتقام‌گیری از ستمگران و مجازات آنان است: «أَيْنَ الظَّالِمُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ الظَّالِمُ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟»^۳. از این رو شعاع اصحاب او هنگام قیام جهانی، «یا لثارات الحسین» است، فرا خواندن خونخواهان سید

۱. «وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ» (مائده، آیه ۹۵)؛ «إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ» (سجده، آیه ۲۲).

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۹۴.

۳. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

الشهداء.

بهر خونخواهی خورشید قتیل العبرات شفق کرب و بلا منتظر توست، بیا
امام صادق علیه السلام نیز آن حضرت را خونخواه حسین بن علی علیه السلام دانسته و فرموده است:
«إِذَا خَرَجَ يَطْلُبُ بَدَمَ الْحُسَيْنِ»، هرگاه ظهور کند، خون حسین علیه السلام را خواهد طلبید. احمد
بن اسحاق، از امام عسکری علیه السلام پرسید: آیا نشانه ای اطمینان بخش وجود دارد که این کودک
(مهدی) امام و حجت خدا بعد از تو باشد؟ در همان لحظه، مهدی علیه السلام لب به سخن
گشود و با زبان فصیح عربی گفت: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ»^۱، من بقیة الله
در زمین خدا و انتقام گیرنده از دشمنان اویم، پس از این دیگر دنبال نشانه مباش، ای احمد
بن اسحاق!

امید به آمدن منجی موعود و جهانگشای عادل، در دل همه مستضعفان و ستمدیدگان
است.

فرهنگ
انتظار

تا نداده حق پرستی، جای خود بر بت پرستی
تا به کی چرخ ستمگر بر مدار ظلم گردد؟
بت شکن همچون خلیل و دفع خوی آزی کن
تا کند اندر مدار عدل گردش، محوری کن^۲
سه تار، یا لثارات الحسین علیه السلام، پیوند حسین علیه السلام و مهدویت.

منجی باوری، منجی گری

در باور مردم، این نکته نهفته است که روزی یک منجی برای نجات انسان و جهان
خواهد آمد. موعودگرایی، منجی گرایی و انتظار آخر الزمان، در همه ادیان و فرق و اقوام به
شکلی وجود دارد. در اسلام، این مسأله در قالب «مهدویت» و انتظار ظهور امام زمان و پایان
بی عدالتی ها به دست حضرت مهدی علیه السلام به وضوح بیان شده است و با آن چه که در
اعتقادات مسیحیان، یهود، هندوها، بودایی ها، زردشتی ها و ... است، تفاوت هایی دارد،
ولی در اصل «منجی» این اعتقاد مشترک وجود دارد و در اسلام، همه مشخصات آن منجی،

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۴.

۲. کمال الدین، ص ۳۸۴.

۳. محمد علی مجاهدی (پروانه).

نام خود و پدرانش، ویژگی‌های جسمی و اخلاقی و رفتاری اش، حوادث قبل و بعد از آمدنش و چگونگی حکومتش بر جهان بیان شده است. در تاریخ، نهضت‌های ضد ظلم و مبارزه بر ضد طاغوت‌ها برای رهایی مردم کم نبوده، و تلاش کسانی برای تطبیق آن‌ها بر «منجی موعود» هم وجود داشته، ولی معتقدیم که خداوند، این وعده حتمی را در آخر الزمان محقق می‌سازد و زمان آن بسته به اراده و علم الهی است و در قالب «امامت» که از باورهای عمیق شیعی است خواهد بود. آیات قرآن، مثل آیه مئت نهادن بر مستضعفان زمین، و پیشوا گشتن آنان (قصص/۵) آیه استخلاف مؤمنان صالح در زمین (نور/۵۵)، غلبه کلی دین حق بر همه ادیان (توبه/۳۳) نیز نوید این نجات و منجی است. هم منجی اسلام از غربت، هم منجی مسلمانان و همه بشریت از ستم و طاغوت و هم منجی عالم از حکومت ظالمان و مفسدان.^۱

غایت آشکار، یعنی تو رحمت کردگار، یعنی تو

حسرت انتظار، یعنی ما معنی انتظار، یعنی تو

قرن‌هایی قرار، یعنی ما در دل ما قرار، یعنی تو^۲

— مهدویت، فتورسم، حجت شناسی، آخر الزمان، انتظار.

منصور ← نام‌ها و اوصاف و القاب، سپاه رعب

منکران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

مهدویت و موضوع امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی جهانی و موعود امت‌ها، از باورهای قطعی مسلمانان (شیعه و سنی) است و احادیث متواتر در منابع شیعی و اهل سنت در این موضوع، آن قدر زیاد و روشن است که مسأله را از قطعیات می‌سازد. حتی مؤلفان بزرگ اهل سنت هم از دیرباز تا عصر حاضر کتاب‌های گوناگونی در این مورد نگاشته‌اند.^۳ با این

۱. بحث مهدویت از بعد عقلی و منطقی را در کتاب «بحث حول المهدی»، از شهید محمد باقر صدر، یا ترجمه‌اش به نام «مهدویت در پرتو خرد» مطالعه کنید.

۲. محمد جواد محبت.

۳. رک: خورشید مغرب، ص ۷۵، مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت، ترجمه سید هادی خسروشاهی و دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۲۲۵ به بعد، که شماری از تألیفات اهل سنت را در موضوع مهدویت معرفی کرده‌اند.

حال، برخی از علما و نویسندگان اهل سنت یا غیر آنان زیر بار این حقیقت روشن نرفته‌اند و یا به دلیل ضعف اطلاعات، یا از روی تعصب و لجاجت، یا به خاطر بغضی که با شیعه داشته‌اند، چشم بر این حقیقت بسته‌اند و آن را انکار کرده‌اند، یا گفته‌اند که هنوز «مهدی» به دنیا نیامده است! به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. محمد حسن شریعت سنگلجی (۱۲۷۱-۱۳۲۲ ش)، «رجعت».
۲. سید ابوالفضل برقعی قمی، ابن الرضا، (۱۲۸۷-۱۳۷۰ ش)، «بررسی علمی در احادیث مهدی».
۳. احمد امین مصری، «المهدی والمهدویة»، نگارش در ۱۹۵۱ م.
۴. حسن سعد محمد مصری، «المهدیة فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم»، ۱۳۷۳ ق.
۵. عبدالله بن زید آل محمود، «لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر»، ۱۴۰۰ ق.
۶. عبدالمعطی عبدالمقصود، «المهدی المنتظر فی المیزان»، ۱۴۰۰ ق.
۷. عذاب محمود حبش، «المهدی المنتظر فی روایات اهل السنة والشیعة الامامیة»، ۱۴۲۲ ق.
۸. احمد الکاتب، «الامام المهدی حقیقة تاریخیة ام فرضیة فلسفیة»، بیروت، ۱۴۲۸ ق.
۹. ابوانس مجدی محمود المکی، «افعال المهدی الشنیعة فیما زعمته عنه الشیعة»، قاهره، ۱۴۳۲ ق.
۱۰. عثمان محمد الخمیس، «متی یشرق نورک ایها المُنْتَظَر؟»، مدینه، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. عبدالعزیز ساشادینا، «بازخوانی تاریخ تشیع امامیة»، ترجمه و نقد محمود رضا افتخار زاده، ۱۳۹۰ ش.

البته برای این کتاب‌ها نقدهای متعددی نگاشته شده است.^۱ در برخی از کتب کسانی همچون ابن خلدون، ابن قیم جوزی، محمد بن عبدالعزیز المانع، محمد فرید وجدی و...

۱. رک: دانشنامه امام مهدی علیه السلام، ج ۱۰، ص ۲۸۶.

مطالبی وجود دارد که برخی برداشتِ مخالف و انکار نسبت به مسأله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن اشاره کرده‌اند، بعضی هم به این برداشت‌های سوء نقد نوشته‌اند.^۱

۱- کتاب‌شناسی مهدویت، مهدویت، مهدی در قرآن، مدعیان مهدویت، انکار مهدی.

موانع ظهور

درباره علل تأخیر در ظهور امام زمان و به تعبیر دیگر «موانع ظهور» سخنانی گفته‌اند، از قبیل: مصلحت الهی، عوامل فردی و اجتماعی، فراهم نبودن شرایط، عدم معرفت کافی نسبت به مقام و جایگاه حضرت حجت از سوی جهانیان، عدم احساس نیاز جدی در مردم عالم، ناسپاسی و کفران نعمت وجود امام، وجود صفات رذیله در مردم و وابستگی به دنیا، رواج گناه در میان خلائق و نکاتی از این قبیل. در توقیع و نامه آن حضرت به شیخ مفید نیز آمده است که: اگر پیروان ما همدلی و اجتماع قلوب در وفای به عهد داشتند، دیدار با ما به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت مشاهده ما زودتر انجام می‌گرفت. آن چه مانع این دیدار است، رفتارهای ناخوشایند پیروان ماست.^۲ البته این ممکن است اشاره به موانع دیدار در عصر غیبت باشد، نه ظهور اصلی برای اصلاح جهان.

شهید محمد باقر صدر درباره این که پس از این همه مدّت، چرا آن پیشوای موعود ظهور نمی‌کند، با آن که خودش آمادگی دارد، بحث مفصلی دارد که خلاصه‌اش این است: هر تغییر اجتماعی و موفقیت آن نیاز به شرایط و زمینه‌هایی دارد که به دون آن‌ها به ثمر نمی‌رسد. تغییرات مهم اجتماعی در سطح جهان که در عصر ظهور پیش خواهد آمد، افزون بر لزوم فراهم بودن زمینه‌های مردمی و شرایط اجتماعی، نیاز به یک عامل آسمانی و تقدیر و تدبیر الهی هم دارد که فراتر از عوامل مادی و اجتماعی است. در زمان بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم با آن که نیاز به بعثت جدید بود و جاهلیت و شرک هم حاکم بود، ولی آن تغییر ربّانی و الهی در سایه بعثت جدید چند قرن طول کشید تا بستر تحقق آن بعثت فراهم آید. سنّت خدا هم آن

۱. رک: مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنّت، سید هادی خسرو شاهی.
۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷ «فَمَا يَحْسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَنْصِلُ بِنَايِمًا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ».

نیست که با قدرت خود، همه زمینه‌ها و شرایط را ایجاد کند. رسالت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک تغییر جزئی و محدود نیست، بلکه تحوّل عظیم و کلی در همه جهان است و آن امام برای این منظور ذخیره شده تا همه بشریت را از ظلمات جور به نور عدالت خارج کند و چنین تغییر اصولی، تنها با وجود رسالت و آماده بودن رهبر صالح انجام نمی‌گیرد. وگرنه این زمینه‌ها در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله هم فراهم بود. نیاز است تا زمینه مناسب، خواهش جهانی، طلب عمومی در سطح دنیا باشد، تا آن دگرگونی عظیم رخ دهد و انسان‌ها به مرحله‌ای برسند که باور کنند کاری از خودشان ساخته نیست، و باید قدرتی غیبی و آسمانی چنین تحوّل آفرینی کند (دستی از غیب برون آید و کاری بکند). گرچه شرایط امروز و ارتباطات و کاهش مسیرها و ابزار نو و تأثیرگذار در آگاهی بخشی ملت‌های جهان پیشرفت کرده، ولی آن احساس ضعف دروغ درونی و ناکارآمدی قدرت‌های مادی برای اصلاح جهان، هنوز به مرحله عطش عمومی و در سطح جهان نرسیده است، تا اراده آسمانی خدا دخالت کند و مصلح جهانی را اذن خروج دهد. این خلاصه‌ای از دیدگاه آن شهید بود.^۱

فرهنگ
انتظار

در مجموع، همچنان که در روایات، اصل غیبت به عنوان سری از اسرار الهی دانسته شده، زمان مناسب ظهور هم از همان اسرار الهی است و عوامل یاد شده در آغاز هم گوشه‌ای از آن را بیان می‌کند.

سه غیبت، فلسفه غیبت امام زمان، طول عمر، شرایط ظهور.

موعود ← مهدی موعود

مؤمل و مأمول

به معنای آرزو شده، کسی که به او امیدوارند. از لقب‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در دعاها و زیارت‌نامه‌ها و روایات به کار رفته است. در دعای افتتاح که در شب‌های ماه رمضان می‌خوانیم به او چنین درود می‌فرستیم: «اللهم صلّ علی ولی امرک القائم المؤمل والعدل المنتظر»، او قائمی است که مورد آرزوی مردم است و عدالتی است که مردم در انتظار اویند. در

۱. رک: «بحث حول المهدی»، شهید محمد باقر صدر، فصل «لماذا لم يظهر القائد اذن؟»

دعای ندبه می‌گوییم: «أَيْنَ الْمُؤْمَلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ»، در زیارت آل یاسین می‌خوانیم: «السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَّمُ الْمَأْمُولُ» همچنین در زیارتی «الامام المأمول» هم آمده است. امید به ظهورش به عنوان منجی، از سوی خدا در دل همه نهاده شده و پیامبر خدا و امامان هم ما را به آمدنش مژده داده و امیدوار کرده‌اند، پس او امید همه امیدواران است.

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد^۱
 ← نام‌ها و اوصاف و القاب، منجی باوری، انتظار.

مهدویت

مهدویت به معنای مهدی باوری، مهدی گرایی و عقیده به ظهور منجی در آخر الزمان است. این کلمه ترکیبی است از مهدی که نام امام زمان است و یای نسبت (مهدوی) و تای مصدری (مهدویت)، یعنی هر فکر و ایده و اعتقاد و گرایشی و فعالیت علمی و فرهنگی و تبلیغی که در ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. وقتی «گفتمان مهدویت» گفته می‌شود، مقصود همین فرهنگ و اعتقاد و گرایش به این موضوع دینی و اجتماعی است.^۲ در این کتاب هم هر جا در مدخل‌های ترکیبی به کار رفته، به معنای مرتبط با امام زمان است، مثل مدعیان مهدویت، مهدویت در ادیان دیگر و...

← منجی باوری، منجی گری، مهدی، فتورسم، مهدویت در ادیان و آیین‌های دیگر.

مهدویت در ادیان و آیین‌های دیگر

عقیده به ظهور یک منجی و مصلح جهانی در آخر الزمان و پایان تاریخ و انتظار فرار سیدن دوران صلح و پایان فسادها و ستم‌ها، به گونه‌های مختلف در ادیان و فرق و مذاهب گوناگون وجود دارد.

در مسیحیت، در انجیل‌های چهارگانه، اشاراتی به بازگشت مسیح و ظهور منجی دیده می‌شود. در تورات یهودیان، در مزامیر داوود و کتاب حیقوق و دانیال نبی، وعده وراثت زمین

۱. حافظ.

۲. چندین جلد کتاب با عنوان «گفتمان مهدویت» منتشر شده که حاصل جلسات و اجلاس‌ها پیرامون این مسأله است که از سوی مؤسسه فرهنگی انتظار نور، از سال ۱۳۸۰ به بعد در قم برگزار شد.

برای صالحان و وحدت اقوام مختلف آمده است.^۱ زردشتیان نیز در بشارت‌های «اوستا» و در دعاها و نیایش‌های دینی‌شان در انتظار «سوشیانت سوم» هستند که نیکی و آبادانی را جایگزین نیرنگ‌ها و خرابی‌های جهان خواهد کرد. در آیین هندوئیسم و بودیسم هم انتظار موعود مشاهده می‌شود.

پیشگویی و بشارت ظهور منجی در سخن حکیمان گذشته و ملت‌های دیرین مطرح است. حتی آنان که اعتقادی به کتب و ادیان آسمانی ندارند، باز هم در عمق باورشان در انتظارند که روزی کسی با قدرتی فوق بشری از راه برسد و جهان آشفته را سامان بخشد و بر آلام بشری تسکین دهد، ولی این عقیده در ادیان، به خصوص در اسلام به نحوی واضح و شفاف و مستند، بیان شده و مسلمانان در انتظار ظهور مصلح موعودند.

۱- فتوریسم، منجی باوری، مهدویت و مشترکات مذاهب، انتظار.

مهدویت و غرب

آن چه به نام «مهدویت» در باور دینی مسلمانان و براساس قرآن و روایات وجود دارد، هر چند در بطن ادیان آسمانی و اعتقادات ملت‌ها و آیین‌های مختلف وجود دارد، ولی رویکرد دنیای غرب و مسیحیت و یهودیان معاصر با آن، خصمانه، منحرفانه، تحریف‌گرانه و مغرضانه است. آنان به مسأله آخرالزمان و موعودگرایی و ظهور منجی از دید خود و منطبق با گرایش‌ها و اهداف خود می‌نگرند و این اعتقاد را در راه مقاصد خویش «مصادره» می‌کنند و از عنصر «منجی موعود» سوء استفاده می‌کنند.

سال‌هاست که غرب، از طریق تولید و پخش فیلم‌های سینمایی، در صدد تحریف این حقیقت و ارائه چهره‌ای خشن از «مهدی موعود» و کشتارهای گسترده مردم جهان است. سینما و فیلم را در اختیار گرفته‌اند و به افکار عمومی در مسیر دلخواهشان شکل و جهت می‌دهند. تعبیر رایج فیلم‌های هالیوودی و آخرالزمانی گویای این حقیقت است. محتوای

۱. رک: «بشارت عهدین»، «موعودی که جهان در انتظار اوست»، علی دوانی، «خورشید مغرب»، محمد رضا حکیمی.

این گونه فیلم‌ها چهره‌ای سلطه‌جو، از اسلام ارائه می‌دهد که می‌خواهد بشریت را نابود سازد و با زور شمشیر بر جهان حاکم شود. براساس پیشگویی‌های «نوستر آداموس» و در فیلم‌های هالیوودی، پیروان اسلام را دجال آخرالزمان معرفی می‌کنند. همچنین القای نبرد بزرگ آخرالزمان که به پیروزی قوم یهود، یا غلبه مسیحیان و ظهور عیسی و شکست مسلمانان می‌انجامد، در درون مایه این القائنات هنری دیده می‌شود. از این رو با اعتقادات مسلمین به مهدویت و ظهور منجی و آمدن حضرت مهدی علیه السلام می‌جنگند. حتی این ایده‌ها را در بازی‌های کامپیوتری که برای کودکان می‌سازند پی می‌گیرند و با استفاده از جاذبه و تأثیر هنر و بهره‌گیری از تکنولوژی جدید، به شکل دادن به اذهان عموم می‌پردازند.

پدید آوردن فرقه‌های مذهبی منحرف، مذهب‌سازی و فرقه‌سازی، گاهی با هدف به انحراف کشیدن جوهره این اعتقاد ناب است که در اسلام است. حمایت غرب از فرقه بهائیت و به وجود آوردن علی محمد باب و پشتیبانی همه جانبه از مذهب سازان و مهدی‌های قلابی در این راستاست. هم مهدویت و موعودگرایی تخیلی و جعلی خود را ترویج می‌کنند، هم مهدویت اصیل و ناب شیعی را تحریف و تخریب می‌کنند، هم برتری نظام فرهنگی غرب و آمریکا را ترویج می‌کنند، هم با ترساندن ملت‌ها از اسلام و مسلمانان، جلوی رشد سریع اسلام، به خصوص مکتب اهل بیت را می‌گیرند. مهدی ستیزی در تولیدات رسانه‌ای غرب وجود دارد و علت آن تأثیرگذاری گفتمان مهدویت در انقلابی شدن و بیداری و ظلم ستیزی ملت‌هاست. تبلیغ صهیونیست‌ها در مورد مسیح‌های موعود و نبرد «آرماگدون» هم در راستای همین هراس افکنی‌هاست.

تصمیم غرب برای مقابله با اسلام‌گرایی که پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده و شدت و گسترش یافته است، به خاطر خوف و هراسی است که از گسترش این نگاه در جهان و حتی کشورهای غیراسلامی دارند، نگاه و تفکری که فرهنگ غرب را به چالش کشیده است. فعالیت ده‌ها اندیشکده غربی برای ضربه زدن به موضوع مهدویت و نشر هزاران مقاله و کتاب و تولید صدها فیلم سینمایی و بازی‌های کامپیوتری و کارتون

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

کودکانه، گواه این هراس و تقابل است.^۱ اگر بتوانند «مهدی» را انکار می‌کنند و اگر نتوانند، آن را مخدوش می‌سازند و آرمان مدینه فاضله مهدوی و حکومت جهانی توحیدی را تخریب می‌کنند. بی‌عَلت نیست که می‌کوشند تروریسم را در جهان به اسلام و مسلمانان نسبت دهند و با استخدام بنگاه‌های خبری و امپراتوری هالیوودی و رویکرد خصمانه رسانه‌ای نسبت به مقوله آخرالزمان و منجی‌گری، جلوی گسترش موج اسلام‌گرایی و معنویت‌خواهی را بگیرند.

امروز در غرب، توجه ویژه‌ای به مهدویت می‌شود، با رویکرد تحریف و تضعیف و تبدیل آن به سوژه‌ای علیه منجی‌گری شیعی و شایسته است در آموزه‌های ما تحلیل‌های روشن‌تری از این موضوع ارائه شود. خوشبختانه مدتی است دوره‌های آموزشی در مراکز مهدویت پژوهی برگزار می‌شود و کتاب‌های مستقلاً در همین زمینه تألیف شده است.^۲

← نوستراداموس، صهیونیسم مسیحی، آرماگدون، دشمن شناسی.

مهدویت و محورهای پژوهش

در موضوع «مهدویت»، پژوهش‌های بسیاری به صورت کتاب، مقاله و پایان‌نامه انجام گرفته و این موضوع، نظر اندیش‌مندان و محققان حتی غیرمسلمان را هم به خود معطوف داشته است، اما هنوز هم محورهای پژوهشی وجود دارد که نیازمند بررسی و نگارش است. آن چه می‌خوانید، محورهایی پیرامون این‌گونه پژوهش‌هاست و بیشتر آن‌ها در کتب مختلف مورد بحث قرار گرفته و موجود است، ولی برای علاقه‌مندان به تحقیق، می‌تواند مفید باشد.^۳

۱. برگزاری کنفرانس تل‌آویو با هدف تحلیل انقلاب‌های شیعی و حساسیت روی دوبال سرخ شهادت عاشورایی و بال سبز انتظار و مهدویت و تلاش برای به انحراف کشاندن این دو فرهنگ حرکت آفرین نیز در همین راستا بود که اوایل انقلاب انجام گرفت.

۲. از جمله رک: غرب علیه مهدی (نگاه آخرالزمانی غرب به مهدویت شیعه...)، مهدویت از نگاهی دیگر، رضا طالعی فر (بازخوانی و واکاوی طرح‌های غرب در ستیز با مهدویت)، غرب و مهدویت، رضا شجاعی مهر، هالیوود و پروژه منجی‌سازی شیطان و آثار دیگر.

۳. این مدخل، بازنوشته مقاله‌ای به قلم نویسنده است، در فصلنامه «فرهنگ کوثر»، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۸۷، که برای استفاده بیشتر این‌جا آورده شده است.

۱. صفات معنوی و مقام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد خداوند و جایگاه او به عنوان حجت الهی و خلیفه الله.
۲. شکل و شمایل ظاهری و سیمای خاص و قدرت جسمی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و خصوصیات چهره و قامت و اندام.
۳. بشارت‌های پیامبران گذشته و پیامبر اسلام و امامان درباره ولادت و غیبت و حتمیت آمدن و ظهور او و موعود بودنش برای امت‌ها و اشتراک ادیان و مذاهب در موعودباوری.
۴. نسب شریف و نام و القاب او و انتسابش به پیامبر و امامان و این که از «عترت» است و فرزند فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام است.
۵. خانواده و پدر و مادرش و کیفیت آمدن مادرش نرجس به عراق و ازدواج این دختر رومی با امامی قریشی و کیفیت ولادت و پنهان بودن حمل مادر و اعجاز الهی در این مسأله.
۶. طول عمر و بررسی آن از دیدگاه اعجاز و علم و مقایسه با معتمنین دیگر در طول تاریخ.
۷. غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پیشینه غیبت در انبیاء، حالات و اخبار او در زمان غیبت صغری و کبری و راز و فلسفه غیبت و نحوه انتفاع مردم از امام غایب و کیفیت تصرف او در امور جهان و مسلمین.
۸. مسأله ازدواج و همسر و فرزندان و محل زیستن او در جهان در دوره غیبت.
۹. علائم ظهور، فتنه‌های جهانی و وضع دنیا در آستانه ظهور منجی و نشانه‌های آخر الزمان و شرایط جهان در هنگام ظهور.
۱۰. ویژگی‌های اخلاق و رفتار مردم در آخر الزمان و فسادها و ناهنجاری‌های عمومی.
۱۱. دولت‌های اسلامی در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وضعیت قرآن و سنت نبوی و احکام دین و بروز بدعت‌ها و ضلالت‌ها و جریان‌های انحرافی و فرقه‌های باطل.
۱۲. وضع عمومی مسلمین از نظر معیشت و ابتلائات و تفرقه‌ها و سستی ارزش‌های اخلاقی و رواج گناهان.
۱۳. نقش علما در عصر غیبت در هدایت افکار و مقابله با بدعت‌ها و پاسخ‌گویی به

آ
ا
ب
پ
ت
ث
ج
چ
ح
خ
د
ذ
ر
ز
ژ
س
ش
ص
ض
ط
ظ
ع
غ
ف
ق
ک
گ
ل
م
ن
و
ه
ی

شبّهات و نقش علمای صالح و علمای سوء و اوصاف علمای ربّانی در امداد فکری و اعتقادی شیعه و افشای بدعتگذاران و مذهب سازان.

۱۴. وضع شیعه در عصر غیبت و تکلیف انتظار فرج، فضایل منتظران ظهور، تأثیر و نقش سازنده انتظار.

۱۵. وضع جهان عرب و اقوام منطقه و فتنه‌های دامنگیر مسلمین در حجاز و عراق و شام و یمن و سایر بلاد.

۱۶. نقش یمنی‌ها در قیام مهدی و یاری آن حضرت و نقش ایرانیان و مسأله خروج یمانی و پرچم‌های سیاه خراسان و حرکت‌های تمهیدی و زمینه‌ساز در منطقه.

۱۷. جایگاه فلسطین و بیت المقدس و ورود آن حضرت به قدس و پایان سلطه یهود و اسرائیل.

۱۸. قضایای مربوط به سرزمین مصر، مغرب، شام و اردن، بحران‌های منطقه‌ای، کشتارهای عظیم در آستانه ظهور، بروز جنگ‌ها، زلزله‌ها و آشوب‌ها در جهان قبل از ظهور.

۱۹. پدیده سفیانی و ماهیت او، دجال و ماهیت و فتنه‌انگیزی آن، اغوای مردم توسط دجال و قوای مخالف در منطقه عراق و شام و حجاز.

۲۰. تطبیق علائم ظهور و آخر الزمان بر جریانات و جنگ‌ها و فتنه‌های گسترده در جهان امروز و تطبیق نام‌هایی که در روایات آمده بر شخصیت‌ها و سران دول در عصر حاضر.

۲۱. تحرکات روم و ترک و جنگ‌های منطقه ارمنستان و آذربایجان که در روایات آمده و پیوند و ارتباط تحولات اخیر و موج بیداری اسلامی و انتفاضه با مفاهیم روایی.

۲۲. قوم یهود و نصاری و عملکرد و مواضعشان در عصر ظهور و برخورد آنان با امام عصر و میزان پذیرش یا تقابل و نزول حضرت عیسی از آسمان و حرکت به سمت بیت المقدس.

۲۳. یاران خاص و عام امام، لشکریان آن حضرت، ویژگی‌های یاران و تعداد و توان و امکانات آنان و جنسیت و قومیت و صفاتشان و نحوه ابلاغ حکم به آنها و همکاری با دولت کریمه امام.

۲۴. دشمنان امام زمان علیه السلام و مخالفان حرکت عدالت‌گستری آن حضرت از اقشار و طبقات مختلف از مسلمانان و غیرمسلمانان و نحوه برخورد آن حضرت با افراد و جماعت‌های مخالف و دشمن.
۲۵. کیفیت خروج و جهان‌گشایی و حوادث مرحله به مرحله ظهور تا استقرار حکومت و ویژگی‌های حکومت او از نظر دینی و عدالت‌گستری و نحوه دستگاه قضاوت و نشر اسلام، ساختار سلاح‌ها و نحوه غلبه بر سلاح‌های مدرن.
۲۶. فتوحات جهانی و گستره حکومت او و نحوه اداره جهان در سایه حکومت جهانی و تک قطبی شدن حاکمیت و جهانی‌سازی و نظم نوین برپایه قسط و عدل.
۲۷. ویژگی‌های جهان در دوره پس از ظهور، فراوانی نعمت‌ها، ریشه‌کنی فقر و محرومیت، برچیده شدن بساط ظلم و بهره‌کشی، استخراج معادن و نعمت‌های زمین و دریا، نزول برکات آسمانی.
۲۸. مدت حکومت امام زمان علیه السلام و سرانجام زندگی آن حضرت و نحوه تداوم آن حکومت.
۲۹. موضوع رجعت و بازگشت امامان به دنیا برای استمرار حکومت صالحان، اثبات و امکان رجعت قبل از قیامت و نمونه‌های رجعت در تاریخ پیشینیان و دلایل آن از قرآن و حدیث و تاریخ.
۳۰. خروج یا جوج و مأجوج و فتنه‌هایشان و شکست نهایی نیروهای کفر و طغیان.
۳۱. ارتباط عصر ظهور و حکومت مهدی علیه السلام با پایان عمر دنیا و علائم قیامت و نزدیکی رستاخیز و خروج «دَابَّةُ الْأَرْضِ» و مسخ و گرفتاری مجرمان و فاصله این زمان تا قیامت.
۳۲. عقیده شیعه و اهل سنت درباره مهدویت و شخص امام زمان و مشترکات میان آن دو و بررسی تطبیقی روایات فریقین.
۳۳. پیشگامان عرصه مهدویت پژوهشی در تاریخ اسلام و تشیع و کتاب‌ها و مجموعه‌های تألیفی در این موضوع و کتاب‌شناسی خاص مهدویت.

۳۴. فیلم‌های آخرالزمانی وهالیوودی و جهت‌گیری غرب در این زمینه و بسیج امکانات و ابزار جدید برای القای اسلام ستیزی و خشونت دینی در سایه طرح مسائل مهدویت.
۳۵. سوء استفاده شیادان از احساسات و عواطف دینی و مذهبی مردم نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و بروز فرقه‌ها و مذهب‌های باطل و دکان‌داری هواپرستان با سوء استفاده از اعتماد مؤمنان.
۳۶. مدعیان دروغین مهدویت در طول اعصار و قرون و مذاهب ساختگی برپایه اعتقاد دینی مردم و نقش استعمار و بیگانگان در پیدایش این فرقه‌ها مثل بابی‌گری، بهایی‌گری، قادیانی‌گری و...
۳۷. انگیزه استعمار از دامن زدن به فرقه‌های باطل و حمایت مالی و سیاسی و تبلیغاتی از آنان.
۳۸. قالب‌ها و روش‌های نو در تبیین موضوع مهدویت برای جامعه امروز و بشریت معاصر، بویژه نسل جوان.
۳۹. تصوّر غربیان (اروپا و آمریکا) از موضوع امام زمان و شیوه‌های آنان در مقابله با این تفکر شیعی و اسلامی و لوژ کردن آن و آمیختن به خرافات.
۴۰. آسیب‌شناسی آداب و سنن و شعائر مرتبط به امام زمان و خرافه‌زدایی از سیمای حقیقی مهدویت و انتظار.
۴۱. برنامه‌های عملی و کاربردی منتظران در زمینه‌سازی برای عصر ظهور و تناسب فعالیت‌ها با حجم و عظمت این اعتقاد.
۴۲. بازتاب مسأله مهدویت در رسانه‌های غربی و نگرش مردم آن سامان به مسأله.
۴۳. تولیدات سینمایی هالیوود و غرب و موضوع امام زمان و منجی در آثار هنری غربیان.
۴۴. سایت‌های خاص مهدویت و روش‌های بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی برای نشر تفکر صحیح مهدی باوری و مقابله با تهاجم مخالفان.
۴۵. کیفیت پیوند دادن میان انقلاب اسلامی و انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و

- تبیین مقدمه بودن انقلاب برای آن حرکت مهم.
۴۶. شباهت موسی و مهدی علیه السلام در حرکت نجات بخشی و فرعون ستیزی و ابعاد فوق عادی در دو حرکت موسوی و مهدوی.
۴۷. ابعاد غیرمادی و فوق بشری در موضوع امام زمان و تکیه آن به قدرت غیبی خدا، از ولادت، تا غیبت و ظهور و قیام و پیروزی و تشکیل حکومت جهانی.
۴۸. شبهه شناسی در باب موضوع مهدویت و پاسخ به شبهات و سوالات و انکارها.
۴۹. انعکاس مهدویت و انتظار عشق به امام زمان در اشعار شاعران و آثار ادبی و قصه ها و رمان ها.
۵۰. شباهت های میان ظهور امام زمان و برپایی قیامت کبری.
- ← مراکز مهدویت پژوهی، مجلات و نشریات مهدوی، کتابشناسی مهدویت.

مهدویت و مشترکات مذاهب

عقیده به مهدویت، مخصوص شیعه نیست بلکه موضوعی اسلامی است. گرچه در برخی موارد تفاوت هایی در دیدگاه شیعه و اهل سنت بر اساس روایات وجود دارد، مثل: اصل ولادت مهدی علیه السلام، شخصی یا نوعی بودن مهدی، سال و ماه و روز ولادت مهدی، نام پدر و نیاکان و اجداد آن موعود منجی، ولی مشترکات اعتقادی شیعیان و اهل سنت بر اساس روایات دو مذهب از این قرار است:

۱. مهدی همانم پیامبر است و قبل از برپایی قیامت ظهور می کند.
۲. مهدی از اهل بیت پیامبر و مردی از خاندان رسالت است.
۳. مهدی از نسل فاطمه علیها السلام و از فرزندان اوست.
۴. پیش از قیامت و پیش از قیام مهدی، جهان را ظلم و عدوان و فساد فرا می گیرد.
۵. قیام و خروج مهدی برای برقراری و گسترش قسط و عدل در سراسر گیتی است.
۶. در دوران حکومت مهدی، عمران و آبادی و وفور نعمت و فراوانی ارزاق خواهد بود.
۷. حکومت او نمونه کامل حکومت مردمی و جلب کننده رضایت عمومی است و اهل

- زمین و آسمان از او و حکومتش راضی اند.
۸. در دوره حکومت آن حضرت، مردم از نعمت‌های سرشار برخوردارند و برکات زمین و آسمان مردم را فرا می‌گیرد.
۹. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بذل و بخشش فراوان دارد و عطای او بی حساب است و فقر را ریشه کن می‌سازد.
۱۰. او مقتدای مسیح است و حضرت عیسی پس از ظهور وی، از آسمان فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌خواند.
۱۱. مکان بیعت با مهدی در مسجد الحرام و کنار کعبه بین رکن و مقام است.
- و برخی امور دیگر. این‌ها عمده‌ترین محورهایی است که هم در منابع شیعی و هم در کتب اهل سنت و در احادیث مهدوی آمده و به عنوان مشترکات بین مذاهب اسلامی می‌توان یاد کرد.

← مهدویت در ادیان و آیین‌های دیگر، مهدی در روایات اهل سنت.

فرهنگ
انتظار

مهدویون

نام یک گروه سیاسی مبارز، با مشی مسلحانه قبل از انقلاب اسلامی. گروه مهدویون، منشعب از سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بود که توسط مهدی و محمد شاه کرمی در اوایل سال ۱۳۵۳ در اصفهان به وجود آمد. چون به تغییر ایدئولوژی سازمان از اسلامی به مارکسیسم اعتراض و انتقاد داشتند از آنان جدا شدند و با عنوان «سازمان مهدویون» به فعالیت مسلحانه خود ادامه دادند تا آن که در سال ۱۳۵۷ پس از پیروزی انقلاب، با ائتلاف با چند گروه دیگر «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» را تشکیل دادند. نام گروه را به سبب این که معتقد بودند باید مقدمات ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم کرد، «مهدویون» نهادند.^۱

۱. رک: «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران»، رسول جعفریان، چاپ پنجم، ص ۷۳۹، «تاریخ شفاهی سازمان مهدویون»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نام امام زمان یعنی هدایت شده، همه امامان ما هم هادی اند، هم مهدی^۱، هادی خلق و هدایت شده از سوی خدا به همه خوبی ها، دانش ها و امور پنهان. در روایات بسیاری با این نام از او یاد شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي، إِسْمُهُ إِسْمِي، وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي...»^۲، مهدی از فرزندان من است، نامش نام من است و کنیه اش کنیه من است. از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا او را مهدی نامیده اند؟ فرمود: «لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى كُلِّ أَمْرٍ خَفِيٍّ...»^۳، زیرا او به هر امر پنهان هدایت و راهنمایی می کند، تورات و سایر کتب الهی را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و میان اهل تورات، با تورات داوری می کند و میان اهل انجیل با انجیل... احادیث مربوط به «مهدی» بیش از آن است که در این جا بگنجد. او که هدایتگر همه بشریت و راهنمای همه انسان ها است، حتماً باید از سوی خداوند هدایت شود و از عنایات ویژه الهی برخوردار باشد. امتی هم که در پی «مهدی» و در انتظار ظهور اویند، باید پیوسته در مسیر هدایت باشند و از ضلالت و جهالت و بدعت دور باشند.

ای مهدی، ای سلاله پاکان	ای آفتاب نیمه شعبان
ای مظهر عدالت موعود	معنای دین، تجسم قرآن
ای در سپهر سینه حق، دل	در پیکر جوان جهان، جان
حق، در قیام قسط تو قائم	باطل ز شوکت تو هراسان ^۴

— نام ها و اوصاف و القاب امام زمان، مهدی موعود، امام زمان.

مهدی بیا، مهدی بیا

در شعرها، نوحه ها، سرودها و آیین های مذهبی با این خطاب، از آن حضرت می خواهیم

۱. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ إِثْنَا عَشَرَ إِمَامًا هَادِينَ مَهْدِيَيْنِ» (کمال الدین، ص ۲۹۸)
۲. کمال الدین، صدوق، ص ۲۸۶، نیز: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ» (کتاب الغیبه، طوسی، ص ۱۸۲).
۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹، اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۹، حدیث ۵۹۳.
۴. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۱۸.

که بیاید و درخواست تعجیل در فرج داریم. این صرفاً یک دعا و استغاثه است، بی آن که بخواهیم به آن امام معصوم، تکلیفی معین کنیم و دستوری دهیم. در متون دینی و ادعیه هم این تعبیر، مشابه‌هایی دارد. هرگاه از او یاد می‌کنیم، می‌گوییم یا می‌نویسیم «عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ» و به درگاه خدا استغاثه می‌کنیم که «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ» یا «عَجِّلْ لَنَا ظَهْرَهُ» (دعای عهد)، یا در همین دعا: «العجل، العجل، یا مولای یا صاحب الزمان». در دعای فرج هم خطاب به مولایمان می‌گوییم: العجل، العجل، العجل. خود آن حضرت فرمود: برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید، زیرا فرج شما در همین است.^۱

یا صاحب الزمان، به ظهورت شتاب کن
عالم ز دست رفت، تو پا در رکاب کن
دعا برای فرج، عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ. استعجال، ظهور.

مهدی عجل الله تعالی فرجه در روایات اهل سنت

اعتقاد به مهدی عجل الله تعالی فرجه و نسب و ولادت و غیبت و مسائل مربوط به آن حضرت، از اختصاصات شیعه و روایات اهل بیت نیست. در کتب و روایات اهل سنت هم درباره آن مطالب فراوانی آمده است. غیر از روایاتی که در لابه لای کتب حدیثی اهل سنت وجود دارد و کسانی همچون بخاری، مسلم، احمد حنبل، طبرانی، ابونعیم اصفهانی، حاکم در مستدرک، سبط بن جوزی، خوارزمی، ابن حجر، قندوزی و دیگران آن‌ها را نقل کرده‌اند، بعضی از علمای اهل سنت، کتاب خاص در این مورد تألیف کرده‌اند، همچون «مناقب المهدی» و «نعت المهدی» و «الأربعون حدیث» ابونعیم اصفهانی. «البيان فی اخبار صاحب الزمان» ابوعبدالله گنجی، «البرهان فی ما جاء فی صاحب الزمان» ملا علی متقی، «اخبار المهدی» حماد بن یعقوب رواجنی، «العرف الوردی فی اخبار المهدی» و «علامات المهدی» جلال الدین سیوطی، «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر عسقلانی و کتب دیگر. روایات اهل سنت در این موضوع فراوان است و به اصطلاح حدیثی به حد استفاضه و تواتر می‌رسد.

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۱.

یکی از کتب مفید در این زمینه، کتاب «المهدی» تألیف سید صدرالدین صدر^۱ (پدر امام موسی صدر) است که با این که خودش از علمای برجسته شیعه است، با تتبع در منابع حدیثی اهل سنت، این تألیف ارزشمند را براساس روایات منقول از آنان تدوین کرده است.^۲ و در ۸ فصل ترتیب یافته است: نسبت و نژاد مهدی، اوصاف و فضائلش، ولادت و غیبتش، علامات ظهورش، حوادث ظهور و اخلاق و عملکرد و حکومتش از جمله مباحث این کتاب است.

احادیث مهدوی در کتب اهل سنت، عمدتاً از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در کتاب‌های تفسیری آنان نیز آیاتی که درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است بیان شده و برخی از این کتاب‌ها حتی پیش از تولد آن حضرت و یا در عصر غیبت صغری نگارش یافته است.^۳

در کتاب «کفایة الموحّدين» سید اسماعیل طبرسی (متوفای ۱۳۲۱ ق) در بخش امامت و مهدویت که در فصل ۱۲ آمده، احادیث فراوانی را از منابع اهل سنت همچون صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داوود، جامع ترمذی، جامع الأصول، فرائد السمطين، حلیة الأولیاء، تفسیر ثعلبی، البیان گنجی شافعی و... نقل کرده است.^۴

در کتاب سه جلدی منتخب الأثر، تألیف لطف الله صافی از علمای شیعه نیز که از آثار ارزشمند و مرجع در روایات مهدوی است، بخش عظیمی از منابع کتاب، کتب حدیثی و تاریخی اهل سنت است. این‌ها نشان می‌دهد که موضوع مهدویت، فراشیعی است و در متون اصلی احادیث (چه شیعه چه عامه) فراوان آمده است و نمی‌توان آن را از مباحث خاص شیعه پنداشت. وقتی موضوع حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بارها و بارها از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیان شده است، پس این عقیده، اسلامی است نه مذهبی و فرقه‌ای. کسی که به

۱. وی در حرم حضرت معصومه، مسجد بالاسر در کنار قبر مرحوم خوانساری مدفون است. تاریخ وفاتش در سال ۱۳۷۳ قمری (حدود ۷۰ سال پیش) است.

۲. کتاب «المهدی» از انتشارات بوستان کتاب، قم در سال ۱۳۷۹ ش است. کتاب «المهدی فی القرآن» سید صادق شیرازی نیز این ویژگی را (براساس روایات اهل سنت) دارد.

۳. خورشید مغرب، ص ۷۶.

۴. همان، ص ۹۴.

پیامبرایمان و اعتقاد داشته باشد، چگونه می‌تواند به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بی‌اعتقاد باشد، در حالی که این همه حدیث از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله در منابع حدیثی مورد قبول اهل سنت آمده است؟

← مهدویت و مشترکات مذاهب، مهدویت در ادیان و آیین‌های دیگر.

مهدی و جده الشریف در قرآن

در قرآن، نامی به صراحت از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برده نشده است، ولی آیات متعددی یا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأویل و تفسیر شده، یا مصداق آن را امام عصر دانسته‌اند. در آیاتی که نوید حکومت یافتن صالحان در جهان و وراثت زمین و پیشوایی مستضعفان و غلبه آیین الهی بر همه ادیان و استخلاف و جانشینی خوبان به جای فاسدان و خفت و خواری اهل نفاق و عزت یافتن اهل ایمان بیان شده، به آخر الزمان و دولت کریمه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است. کتاب‌های مستقلاً در مورد آیات مرتبط با آن حضرت تألیف شده است.^۱ کتاب «معجم احادیث الامام المهدی» بیش از ۲۶۰ آیه را درباره آن امام دانسته است.^۲ نزول فرشتگان در شب قدر هم طبق روایات و نظر برخی از عالمان، به محضر حضرت ولی امر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در کتب مهدویت در این زمینه بحث‌های مفصلی صورت گرفته است.^۳ از جمله این آیات، به اختصار می‌توان یاد کرد از:

۱. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».^۴
۲. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».^۵
۳. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...».^۶

۱. از جمله: المحجّه فی ما نزل فی القائم الحجّه، سید هاشم بحرانی، معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، سید محسن طباطبایی، سیمای حضرت مهدی در قرآن (ترجمه المحجّه)، سید مهدی حائری.

۲. تألیف علی الکورانی، ج ۵، مؤسسه المعارف اسلامیّه.

۳. از جمله: رک: خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، فصل ۸.

۴. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۵. قصص، آیه ۵.

۶. نور، آیه ۵۵.

۴. «بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ...»^۱.
 ۵. «اعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...»^۲.
 ۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا مَنْ يَّرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّوْنَهُ...»^۳.
 و آیات دیگر همچون: توبه ۳۳، اسراء ۸۸، صافات ۱۷۱ تا ۱۷۳.

خداست واصف و فهرست مدح تو، قرآن
 ز وصف غیر خدا و رسل، مبرای
 سروده‌های الهی تمام ممتاز است
 تو شاه بیت غزل‌های حق تعالی^۴

مهدی شخصی، مهدی نوعی

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بر اساس اعتقاد ما و مستندات فراوان روایی و متون تاریخی، از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ هجری در سامرا به دنیا آمد و تا کنون زنده است و به اذن الهی پس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد و همه مشخصات او روشن است. برخی از اهل سنت معتقدند که منجی و مهدی موعود هنوز به دنیا نیامده و یک عنوان کلی است و اوصاف مطرح شده بر شخصی در زمان ظهور منطبق می شود. به عبارت دیگر به «مهدی نوعی» معتقدند نه «مهدی شخصی». این سخن مردود است، صدها حدیث معتبر از پیامبر و امامان و در کتب شیعه و اهل سنت وجود دارد که نام و نسب او، نام پدر و مادر و اجدادش و سال تولد و محل تولد و مشخصات ولادت و خصوصیات جسمی و قیافه و شمایل و جمال و کیفیت ظهور و ویژگی اصحاب او را بیان می کند. نیز کسانی در دوران کودکی اش در عصر امام یازدهم او را دیده اند. همه این نکات، بر شخصی بودن «مهدی» دلالت دارد که هم اکنون هم با قدرت و عنایت الهی زنده است، ولی از نظرها پنهان است.

بر همین اساس که معتقدیم امام زمان و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه هم اکنون زنده و غایب است،

۱. هود، آیه ۸۶.
 ۲. حدید، آیه ۱۷.
 ۳. مائده، آیه ۵۴.
 ۴. علی اصغریونسیان.

آیه الله جوادی آملی در نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش روی «موعود موجود» تأکید می‌کند،^۱ تا این شبهه و اشتباه را که آن موعود، در زمان مقتضی به وجود خواهد آمد نفی کند. شهید محمد باقر صدر هم در کتاب «بحوث حول المهدی» همین نظریه را (مهدویت شخصی نه نوعی) تبیین می‌کند. در آثار و مطالعات مستشرقان غربی که اغلب یهودی یا مسیحی‌اند، بیشتر «مهدی نوعی» به چشم می‌خورد و یهودیان نگاهی انتقادی و غرض‌آلود به این مسأله دارند و گاهی مهدویت اسلامی را با آموزه «رجعت مسیح در آخر الزمان» که به آن معتقدند در رقابت می‌بینند.^۲ مرحوم سید صدرالدین صدر هم ضمن ردّ «مهدی نوعی» با دلایل مختلف، منشأ ادعای «مهدویت نوعی» را ریاست طلبی عده‌ای، یا دیدگاه گروه‌هایی از صوفیه یا برخی از پیروان بنی عباس دانسته است.^۳

← مهدی موعود، آرماگدون، صهیونیسم یهودی.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مقتدای مسیح

در روایات اسلامی آمده است که پس از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و آغاز حرکت اصلاحی و جهادی او حضرت عیسی علیه السلام به زمین باز می‌گردد و در تشکیل حکومت آن حضرت، مساعدت می‌کند، پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند، در دمشق به او ملحق می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود: «يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيْ خَلْفَهُ».^۴ این اقتدا کردن و پیوستن به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با توجه به جمعیت فراوان مسیحیان در جهان به ویژه در اروپا و آمریکا، موجب پیوستن آنان به حرکت جهانی امام زمان می‌شود و فتح جهان توسط امام، آسان‌تر و سریع‌تر انجام می‌گیرد. در روایاتی که در کتب اهل سنت هم آمده، وقتی عیسی بن مریم فرود می‌آید و به خدمت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رسد، امام روبه او کرده و می‌فرماید: پیش‌آی و با مردم نماز بگذار. اما عیسی نمی‌پذیرد و می‌گوید تو سزاوار نماز خواندنی. آنگاه عیسی پشت سر او

۱. رک: «امام مهدی، موجود موعود»، جوادی آملی.

۲. رک: «دانشنامه امام مهدی»، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳. رک: «المهدی»، ص ۹۷.

۴. کمال الدین، ص ۳۳۱.

نماز می خواند.^۱ در حدیث نبوی است: «کَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ وَأَمَامُكُمْ مِنْكُمْ». ^۲ چگونه خواهد بود وقتی فرزند مریم فرود آید، در حالی که امام شما از خودتان باشد! پس مهدی، مقتدای مسیح است. از رسول خدا ﷺ نیز روایت است که: «مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ»^۳، آن که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند، از ماست. نیز در حدیث آمده است: «الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَنْزِلُ عَلَيْهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَيُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَام»^۴.

پایگاه عدالت خود را مسجد کوفه انتخاب کند
عیسی از آسمان فرود آید اقتدا تا بر آن جناب کند^۵

← روایت ظهور، فتوحات مهدویه.

مهدی موعود



عنوان اولین کتاب جامع فارسی درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که ترجمه جلد ۱۳ بحار الأنوار (طبع قدیم) و جلد های ۵۱، ۵۲ و ۵۳ چاپ جدید بیروتی است. این ترجمه به قلم علی دوانی و به سفارش مرحوم آیه الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ چاپ شد و تا کنون بیش از ۳۰ بار تجدید چاپ شده است. ناشر آن محمدی در تهران است. کتاب دیگری با همین نام در دو جلد، که آن هم ترجمه جلد ۱۳ بحار الأنوار است، با ترجمه میرزا محمد حسن ارومیه ای (از علمای دوره قاجار)، از سوی مسجد مقدس جمکران در سال ۱۳۷۶ چاپ شده است.

← کتابشناسی مهدویت.

۱. تفسیر روح المعانی، ج ۲۵، در تفسیر آیه ۵۹ سوره زخرف، و منابع دیگر.
۲. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۶.
۳. المهدی، صدرالدین صدر، ص ۱۰۵، به نقل از عقد الدرر.
۴. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۳۴.
۵. سید رضا مؤید.

مهدی موعود

از نام‌ها و لقب‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه، از آن جا که وعده ظهورش از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امامان داده شده و وجود او به عنوان منجی جهان و وارث زمین و برپا کننده عدل و داد، معرفی شده است، به «مهدی موعود» مشهور شده است. هم در آیات قرآنی از این وعده یاد شده است «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ...»^۱ و هم در دعاها و زیارتنامه‌ها و روایات چنین بیان گشته است: «السلام علی المهدی الذی وعد الله الأمم...»^۲ در زیارت آل یاسین هم می‌خوانیم: «السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه... وعداً غیر مکذوب».

تو راز فراتر از بیانی
ای وعده سربه مهر یزدان
سر تو برون ز واژه و ما
بیهوده به وصف تو غزل خوان^۳
— مهدی شخصی و مهدی نوعی، مؤمل و مأمول، حتمیت ظهور.

مهدیه



آن چه که به «مهدی» منسوب باشد، در کشور ما، جاهای زیادی به نام مهدیه وجود دارد، ولی معروف‌ترین آن‌ها «مهدیه تهران» در خیابان ولی عصر است که در سال ۱۳۴۷ ش به دست مرحوم شیخ احمد کافی

تأسیس شد. وی که از وعاظ معروف بود، با همکاری بعضی از خیرین و کمک‌های مردمی این مهدیه را در ۱۲۰۰ مترمربع بنا کرد که اولین و قدیمی‌ترین مهدیه در تهران به شمار می‌رود. در توسعه‌های بعدی حدود ۳۰۰۰ مترمربع بر مساحت آن افزوده شد. برنامه‌های آن بیشتر جلسات دعای کمیل و دعای ندبه در صبح جمعه با سخنرانی و اجرای مرحوم کافی بود و جمعیت انبوهی شرکت می‌کردند و یکی از مکان‌های تجمع معترضان به رژیم طاغوت بود.

۱. نور، آیه ۵۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۶۵.

۳. از نویسنده، برگ و بار، ص ۱۲۰.

در سال ۱۳۵۵ بعد از تبعید کافی به مدت یک سال بسته بود و در سال ۵۷ دوباره بازگشایی شد و اکنون برنامه‌های مذهبی و فرهنگی و جلسات دعای کمیل و ندبه در آن برگزار می‌شود و در ایام نیمه شعبان یکی از باشکوه‌ترین جشن‌های میلاد مهدی علیه السلام در آن صورت می‌گیرد.

نامگذاری آن به مهدیه، به خاطر علاقه به امام زمان و برگزاری دعای ندبه در آن بود، همچنان که به احترام و یاد آن حضرت، اماکنی به نام قائمیه و منتظریه هم نامگذاری می‌شود. همچنین به نام مهدیه، بیمارستان‌ها، دارالقرآن‌ها، مدرسه‌ها، حوزه‌های علمیه خواهران، شهرها و شهرک‌ها، مؤسسات خیریه، صندوق‌های قرض الحسنه، هیئت‌های مذهبی و... وجود دارد. در ضمن نام «مهدیه» نامی دخترانه نیز می‌باشد که در دهه‌های اخیر رواج یافته است، معنای مهدی و مهدیه، هدایت شده به راه نیک و خیر و رستگاری است. گفتنی است که «مهدیه» ای در تبریز نیز در سال ۱۳۷۵ در کنار مسجد قدیمی کرامت احداث شد که فعالیت‌های فرهنگی از جمله برگزاری دعای ندبه در صبح‌های جمعه دارد.^۱

اماکن منسوب به امام زمان، دعای ندبه، جمعه و انتظار، مهدی.

۱. عاقبت روی نهان تو عیان خواهد شد
«مهدیه» اسم مکان است، ولی می‌دانم

عالم پیر به یکباره جوان خواهد شد
روزگاری برسد اسم «زمان» خواهد شد

ن

ناحیه مقدسه

آن چه از سوی یک امام معصوم، به خصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت نامه، سخن، سفارش، دعا و زیارت نامه صادر شده باشد از آن به «ناحیه مقدسه» یاد می شود، یعنی از جانب او و این تعبیری احترام آمیز است، به علاوه در عصر خلفا برای ایمنی و کتمان و تصریح نکردن به نام امام، از این تعبیر استفاده می شد. در مورد امامان دیگر نیز به کار می رفت.

«زیارت ناحیه مقدسه» که شیخ طوسی آن را نقل کرده است، از امام عسکری یا امام هادی یا امام زمان است. گاهی «ناحیه مقدسه» به عنوان لقبی برای امام عصر به کار می رفت و به صورت رمز میان شیعه در دوران تقیه یاد می شد و او را با این نام می شناختند.^۱ شبیه آن تعبیری است که امروز به صورت «بیت شریف» یا «دفتر آقا» یاد می شود. در روایات مربوط به نامه های آن حضرت، اغلب تعبیر «خَرَجَ» یا «وَرَدَ» آمده، یعنی از جانب او چنین جوابی صادر شد. در یکی از نامه ها هم که حاوی سؤالاتی از حضرت بود، امام در پاسخ آن نوشته بود: «و اما آن چه پرسیده بودی درباره وقف بر ناحیه ما و بر ما...» و تعبیر ناحیه را به کار برده بود.^۲

— زیارت ناحیه مقدسه، نام ها و اوصاف و القاب.

ناردانه

متن تعزیه نامه و شبیه نامه ای است که درباره نیرنگ یک وزیر سنی مذهب در بحرین

۱. کشف الغمه، اربلی، ج ۳، ص ۳۰۹.

۲. کمال الدین، صدوق، ص ۵۲۰.

و قالب سازی برای یک انار و حک نام خلفای دیگر بدون نام علی علیه السلام است و تبلیغ علیه شیعه است. با عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به محمد بن عیسی رمانی در تشرّف به حضورش، نیرنگ او بر ملا و حقانیت شیعه ثابت شد.^۱ شبیه نامه «ناردانه» که شعر است و مفصل، نخستین بار با همت دکتر جابر عناصری در سال ۱۳۷۹ ش چاپ شد.^۲ از دکتر عناصری شبیه نامه دیگری که مربوط به مجلس تزویج امام حسن عسکری علیه السلام و نرجس خاتون و تولّد امام زمان است چاپ شده که داستان ملیکا و خواب و اسارت و کیفیت آمدنش به سامرا و ازدواج با امام یازدهم را در قالب شعر تعزیه خوانی در بردارد.^۳

← معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشرّف یافتگان.

نامها و اوصاف و القاب

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به جز نام و کنیه های مشهور، لقب ها و اوصافی دارد که در روایات و دعاها و متون دینی و ادبیات به کار رفته و هر کدام جلوه ای از فضایل آن حضرت و بخشی از کارها و برنامه های او را نشان می دهد. در کتاب «النجم الثاقب» تعداد ۱۸۲ اسم و لقب و کنیه برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است. این اوصاف و عناوین و القاب بسیار است و درج همه آنها گسترده خواهد شد. در دو بخش اوصاف و القاب عربی و فارسی به برخی از آنها اشاره می شود:

القاب و اوصاف عربی:

آل یاسین، ابوالقاسم، امام الانس والجان، ابیصالح، امیر الأمراء، امین الله، امان، باب الله، البدر التمام، برهان الله، بقیة الله، بقیة الأنبیاء، البلد الامین، الشائر، جامع الکلم، جنب الله، الحجّة، الحجّة الثانی عشر، الحجّة البالغه، حجة الله، حجة بن الحسن، حق، حامد، خازن، خاتم الاوصیاء، خاتمة الأئمة، خلیفة الله، خلیفة الرحمان، خلف صالح، خائف، خاتم

۱. داستان مفصل آن در کتب حدیث و تاریخ تشرّف یافتگان آمده است، از جمله در بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸.

۲. شمس ولایت، ستاد بزرگداشت نیمه شعبان، ۱۳۷۹، ص ۵۰.

۳. تمنای وصال، ستاد بزرگداشت نیمه شعبان، ۱۳۷۶، ص ۵۹.

الأوصياء، الدّین المأثور، دابة الأرض، داعی، ذخیره، ربیع الأنام، ربیع الأیام، سیّد، سناء، سیّد الأوصیاء، سفینه النجاة، سبیل الله، سلالة النبوة، السیف الشاهر، سیف الله المنتقم، سرّ الله، شمس الظلام، شریک القرآن، شرید، صاحب الأمر، صاحب العصر، صاحب الزمان، صاحب الدّهر، صاحب الغیبة، صاحب الرّجعة، صاحب الدّار، صاحب الناحیه، صاحب الدّولة، صاحب الصّمصام، صالح، صبح مُسفر، الصمصام الأكبر، ضحی، ضیاء، طالب التّراث، طرید، عاقبة الدّار، عبد الله، عین الحیة، عین الله، عدل، علم الهدی، العدل المنتشر، العدل المنتظر، العدل المشتهر، غایب، غریم، غایة الطالبین، غوث الفقراء، غایة القصوی، فرید، فرج المؤمنین، الفردوس الأكبر، الفرّج الأعظم، فلاق الهام، القائم المنتظر، قائم الزّمان، قاطع البرهان، قابض، قطب، قائد، القمر الزاهر، القائم بالحق، الكتاب المسطور، الکھف الحصین، اللواء الأعظم، ماء معین، محمّد، مسیح المسیح، المنتظر المؤمل، مستور، منصور، منتقم، مهذب، مضطرّ، منتظر، منصور، موعود الأمم، مؤمل، موتور، منجی، مهدی، مذلّ الأعداء، مدار الدّهر، نجم، نور الله، نور الأصفیاء، نضرة الأیام، ناموس العصر، ناموس الدّهر، ناجی، وارث الأنبیاء، ولیّ العصر، ولیّ الله الأعظم، وحید، وجه الله، هادی، یعسوب الدّین.

القاب و اوصاف فارسی:

آخرین امید، آخرین بهار، آفتاب نهان در پشت ابر، آفتاب نیمه شعبان، امام عصر، امام زمان، ایزد نشان، امید منتظران، بنده یزدان، بهار عارفان، پناه بی پناهان، پادشه خوبان، پرچمدار عدالت، تکسوار، جان جهان، حجت حق، حجت ثانی عشر، خسرو خوبان، خاور انوار، خورشید تابان، خورشید پنهان، خورشید پرده نشین، خونخواه کربلا، درّ ثمین، دادگستر جهان، دلفروز، دلستان، ذخیره الهی، سروش ایزد، ساربان غم، سرهستی، سلیمان اقلیم وجود، سوار سبزپوش، شهر آشوب، شه دجال کُش، طاووس بهشت، عیسی دم، فیروز، فرخنده، فریادرس، قائم آل محمد، قائم منتظر، قطب عالم امکان، قبله شوق، کعبه دلها، کعبه وصال، کشتی نجات، کعبه مقصود، گل نرگس، گل باغ رسالت، ماه کنعان، مهدی

موعود، مصلح جهانی، مهر فروزان، مولود کریم، منجی بشریت، مسیح‌انفس، مصلح کل، موعود فرج، مهدی آخر زمان، ناموس دهر، واسطه فیض، وعده دوران، ولی امر، ولی عصر، یوسف گم گشته، یوسف زهرا، یوسف دوران، یوسف کنعان.

ملکا قدر بلند تو ز اسماء تو پیدا است خلف و قائمی و منتظرو حجت و مهدی
نظر رب تعالی همه بر آن قد و بالا چه فروغی، چه جلالی، چه شکوهی و چه مجدی^۱
← سلام بر مهدی.

نایب امام زمان علیه السلام

هم به نواب اربعه که در عصر غیبت صغری، واسطه میان امام زمان علیه السلام و مردم بودند گفته می‌شود، هم به فقها و علمای دین که در عصر غیبت، حجت بر مردم اند و نیابت بیان احکام خدا و سرپرستی امت را دارند و «نایب عام» شمرده می‌شوند.
← نیابت، نواب اربعه، ولایت فقیه، تشکیلات وکالت.

نثر ادبی و انتظار

درباره امام زمان علیه السلام و موضوع مهدویت و انتظار، غیر از شعرو مقاله پژوهشی و تاریخی، نوعی نوشته ادبی و احساسی همراه با صنایع ادبی و ظرافت‌های لفظی و تخیلی هم وجود دارد که از آن به «نثر ادبی» و گاهی هم «دلنوشته» یاد می‌شود. در این قسمت نمونه‌هایی از این گونه متون را از نویسندگان مختلف می‌آوریم:

۱. مهدی. انفجار نور است در استغراق ظلمت، هر چه جهان ظلمانی تر گردد، طلب روشنایی لازم تر و محسوس تر خواهد شد. هنگامی که آفاق را ظلمت فراگیرد، نورشناسان نور طلب به پا می‌خیزند و به بیداری جامعه و آماده سازی یاران مهدی دست می‌یازند، تا همه در جستجوی خاور انوار برآیند... انعکاس این آرزو در آفاق و اعصار پیچیده است و بانگ درای این کاروان در معبر بشریت طنین افکنده است و روزی این واقعه بزرگ، در جام خورشید خواهد ریخت و نسیم‌ها از کران تا کران دشت‌ها و آبادی‌ها بر فضای چنان دولتی

۱. حسان.

خواهد وزید... حماسه جاوید مرزبانان تجسم خواهد یافت و خون متبلور خورشید در راه تفسیر آفتاب، به آبادی‌ها و زندگی‌ها رنگ خواهد زد. آن روز عصمت جاودان زنده خواهد شد و عینیت ایمان قوام خواهد یافت. آن روز، از درون آبادی‌ها، فلات‌ها و از درون فلات‌ها آبادی‌ها یکسان دیده خواهد شد. آن روز دیوار مساجد کوتاه خواهد گشت، عدل و مساوات همه‌گیر خواهد شد، نابسمانی‌ها از میان خواهد رفت. آن روز قطرات نور از جام لحظه‌ها، در قالب وجود انسان خواهد ریخت و انسان فطری، با ترکیه و تعلیم، پرورش و آموزش، به سوی جاودانگی‌ها راه خواهد یافت. آن روز، فضای زمان زایل، به نمونه‌ای از دهر ثابت بدل خواهد گشت. آن روز همه جا و همه چیز نور خواهد بود و نور، روشنایی خواهد بود و روشنایی، ذات همه چیز نورانی خواهد شد و روح نور در همه جا و همه چیز حلول خواهد کرد.^۱

۲. در انتظار، این معنی نهفته است که فراموش نکنید، حقّی هست، زباطلی، چیرگی چند روزه باطل شما را مأیوس نکند، حق را از یاد نبرید، فضیلت را فراموش نکنید، انسانیت را به دست فراموشی نسپارید. همین درون جوشان است که مقدمه جهش‌ها و جنبش‌هاست، پس باید از آن چه برای فردا مقدمه است غافل نباشیم. اگر دل تسلیم شد و روان به وضع موجود تن داد و آن را زوال ناپذیر شناخت، دیگر اعضا را چاره‌ای جز تسلیم نیست. انتظار می‌گوید: فضیلت و تقوا را باید صیانت کرد، دل را باید زنده نگاه داشت، مبادا دل بمیرد و خود را از زبون و بیچاره به حساب آورد و به پستی‌ها تن دهد.^۲

۳. قصه آمدنت سینه به سینه و نسل به نسل می‌چرخد و هنوز هم شنیدن این قصه برایم تکراری نیست. تراز پشت کوه‌ها و مرزهای غیب می‌آیی و با هاله‌ای از نور پدیدار می‌شوی. می‌آیی و یکباره زمین که تا چند قرن پیش به کویر می‌مانست پراز گل و شکوفه می‌شود، می‌آیی و تمام جادوهای بی‌اثر می‌شود. تو با قلم موی عدالت و انصاف و رحمت، روی بوم سفید روزگار، تصویری از یک دنیای آرمانی می‌کشی، قفس‌ها را می‌شکنی و پرنده‌ها را برای

۱. محمد رضا حکیمی، تفسیر آفتاب، ص ۴۶۰ (با تلخیص).

۲. محمد حکیمی، در فجر ساحل، ص ۵۵.

همیشه رهامی کنی، به درخت شیوه ایستادن می آموزی و به ابر، طریقه باریدن. تمام غصه ها را پاک می کنی، همه آدم ها را خندان و شاد نقاشی می کنی.^۱

۴. یا ابا صالح المهدی، یا امام زمان! امام برای ما تمرین بیعت با تو بود، امتحان آمادگی دوست داشتن بود. امام را می خواستیم، چون به عطر تو آغشته بود، چون از گلستان تو گذر کرده بود، بوی تو در او پیچیده بود. به امام عاشق بودیم، چون فروغ خورشید تو در پشت نیزار مرگان او بود. به یک لحظه دیدارش سروجان می دادیم. چون به دیدار تو نائل آمده بود. ای منتقم خون حسین! بیا حسین زمان! این طومار اشک بیعت ماست. والله خیانت بردار نیست. امضای خون شهیدان و مهر ایثار شهید دادگان که پای نامه های بیعت ماست، به جذبه هیچ تعلقی پاک نمی شود.^۲

۵. اگر تو بیایی، من پرزانه وجود را در گرد شمع هستی ات می گردانم و آن قدر به دور این شمع می چرخم که از عشق این محور هستی، ذره ذره در خویش بسوزم. اکنون چشمانم در افق های دوردست، انتظارت را می کشند و هر شب باران عاشقی می بارد. اگر تو بیایی، آن روز بهاری ترین روز زمین خواهد شد. من تا آن روز شعر انتظار می سرایم. چشمه چشمانم آخرین گنجینه های اشک خویش را نثار قدومت خواهد کرد.^۳

۶. روزی ندای شکوهمند و عزت آفرینست زمین را بیدار خواهد کرد و خواب زدگان غفلت آلود را به خود وا خواهد داشت. آن جمعه، روز روشنی ها و اشتیاق ها خواهد بود. آن روز غم زدگان عالم و ستم دیدگان تاریخ سربلند خواهند کرد و حضور عشق و عدالت را با چشم های خسته خویش به تماشا خواهند نشست. کلمات از بیان توصیف چشم های تو عاجزند و قصیده های بلند در وصف بی کرانگی ات کوتاه.^۴

۷. پرچم پدر را در دست دارد، تان شان دهد نهضت و جنگی که در انتهای تاریخ برای

۱. سید حامد حسینی، نجوای شبانه، ص ۵۲ (با تلخیص).

۲. سید مهدی شجاعی، بوی سبز پونه ها، ص ۱۱۳.

۳. حامد حسینی، نجوای شبانه، ص ۳۵.

۴. همان، ص ۶۱.

استقرار عدالت آغاز می‌شود، درست همانند جنگ بدر است... شمشیر علی را در دست دارد، تا شیعه و معتقد به آزادی و حقیقت، نپندارند که علی در کوفه کشته شد و آن خون به خاک ریخت و همه چیز پایان پذیرفت. تاریخ دوباره این خون را احیا می‌کند و علی دو مرتبه پیروز می‌شود. آن انقلاب تحقق یافته نهایی و این جهانی حقیقی بود که ظلم و اشرافیت و جهل، آن را در کوفه شکست دادند، امانه برای همیشه. استبداد بر آزادی پیروز شد امانه برای همیشه. یعنی بشریت به حکومت علی می‌رسد و علی، علی‌رغم حکومت تقدس و تعصب جاهلانه و خیانت جاه طلبان و قدرت دشمنان مردم، به تاریخ برمی‌گردد و به سراغ انسان می‌آید... منتظر، انسان مسلمان متعهدی است که هر لحظه در انتظار انفجار قطعی نظام‌های ضد انسانی است و همواره خود را برای شرکت در چنین انقلاب جهانی و بدر دومی که با شمشیر علی و زره پیغمبر و به دست فرزند پیغمبر و علی برپا می‌شود، آماده می‌کند.^۱

۸. دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دولت حق و اسلام است. مهدی می‌آید، رأیت اسلام در دست، زبور داود در بر، مشعل هدایت در پیش، «تابوت سکینه» به همراه، عصای موسی در کف، پرچم پیامبر گرامی را می‌گشاید، سپاه «رعب» از هر طرف به یاری او وارد می‌شود... پس از ظهور، حکومت واحد جهانی تشکیل می‌دهد، جهان را آباد و عقول و اندیشه‌ها را کامل می‌سازد، چشم جهان را به روی عدل و احسان می‌گشاید، می‌آید تا اسلام و نور خدا را در سراسر گیتی سایه گستر سازد، وعده انبیا را جامه عمل بپوشاند و انتظار میلیون‌ها انسان را در سطح جهان، که چشم به راه «روز نجات» اند برآورد.^۲

۹. منتظران راستین او، در جبهه جهاد، بارگبار سلاحشان و آتش مداومشان بر سر دشمن، «انتظار» او را زمزمه می‌کنند. یاران راستین او، این یاران نبرد «تن» و «تانگ» هستند که با «یا مهدی» بر قلب سپاه سپاه تجاوز یورش می‌برند و با الهام از نام «قائم» قیامتی از حماسه برپا می‌کنند... بصیرت و عرفان را بر بال سلاح می‌نشانند و عارفان مسلح می‌شوند سراپا عشق

۱. علی شریعتی، انتظار مذهب اعتراض، ص ۴۸ و ۵۱.

۲. جواد محدثی، روایت انقلاب، ج ۱، ص ۲۱۳.

و معنویت و رهایی و آزادگی. دشت و دریا را به نام «او» آذین می‌بندند، کوه و کمر را به یاد «او» معطر می‌سازند، نام او را بر بام بلند زمان تکرار می‌کنند، انتظار آمدنش را بر گستره وسیع زمین فریاد می‌زنند. کافی است سری به جبهه‌ها بزنیم، تا تجسمی از این عشق زلال و معنویت ناب و انتظار سازنده و تعهد آور را ببینیم. «فجر» ها به نام و یاد او آغاز می‌شود و غروب‌ها و شب‌ها آکنده از حضور اوست.^۱

۱۰. ظلم حاکم در تمامت تاریخ، عطش عدالت‌خواهی مظلومان را روز به روز نیرومندتر کرده است و وعده خدای محمد ﷺ حاکمیت نهایی قسط و عدالت، و ویرانی کامل و همیشه کاخ‌های ظلم و بیدادگری است. از آدم تا خاتم، خداوند با هر فرستاده و پیامدار و پیامبرش حاکمان و قدرتمندان را هشدار داده است و به دادگری‌شان خوانده است. تاریخ گواه است و هنوز اشک شوق و درد بر نگاهش می‌لغزد که میراث‌دار آدم و هابیل و مدافع تازیانه خوردگان تاریخ و دوستدار انسان و بهترین یاران و اصحابی که در زیر بارش بی‌امان تازیانه‌های اشرافیت بی‌رحم قریش و جاهلیت پلید و پلشت غرب پوست انداختند... چنین دینی با چنین پیامبران و فرزندان و پیروانش چگونه می‌تواند امت خویش را در دنیایی سرد و سنگ و بی‌رحم، تنها و ناامید رها کند و بگذرد؟ مخصوصاً که هیچ دین و مذهب و پیامبری، پیروان خویش را بی «موعود»ی رها نکرده‌اند.^۲

۱۱. انتظار فرج، فلسفه مقاومت است، نه عامل تسلیم. «غیبت»، دوران «انتظار» جوشش دوباره غدیر عاشورایی در نینوای تاریخ است. در بستری از فراتِ ظهور و علقمه نور. «عصر ظهور»، رجعت دوباره بعثت در حرا و امامت در غدیر است. منتظران واقعی، سلاح بردوشان شهادت طلب‌اند که «استقامت»، مدال و نشان‌شان است و «ایمان»، رهتوشه حرکت‌شان و «توکل»، تکیه‌گاه همیشگی‌شان. منتظران، چشم به راه سپیده تاریخ‌اند، با «بصیرت و جهاد»، ظلمت شب ظلم را می‌شکافند و رها از تعلقات، خود را برای شهادت در رکاب مولا،

۱. همان، ج ۲، ص ۸۵.

۲. پرویز خرمسند، پیغام زخم، ص ۱۷۵ و ۱۷۷.

آماده ساخته‌اند. «انتظار»، درختی است که جز «اقدام» و «اصلاح» میوه‌ای نمی‌دهد.^۱

۱۲. اکنون عشق، سبزینه ایمان ماست و شهرهای ما پر جمعیت‌ترین اهالی «ولایت» را تشکیل می‌دهند، چه شقایق‌ها و لاله‌هایی که در کشور ما ظهور کرده‌اند. تنها در باغچه‌های ماست که گل نرگس می‌روید و شمیم یاس نیایش می‌پیچد. نگاه کن! مردان دنیای معاصر، همگی در صف «انتظار» پشت گردن ما ایستاده‌اند. تنها در مملکت ماست که خورشید از خراسان طلوع می‌کند. اینک ما باید گونه سرخ میهنمان را به همگان بنمایانیم و انوار الهی ایمان را از آئینه‌های «ثار» و «ایثار» به همه جای عالم بتابانیم. ما باید ذائقه زمین را از تجلی طور جمکران سرشار کنیم.^۲

۱۳. شکوفه نرگس، رسالت نبوت را از خاستگاه ولایت در گوش جان انسان‌ها نجوا می‌کند، به قحطی معنویت در عصر جاهلیت مدرن، خاتمه می‌دهد، بانی فصل نوینی از دوران طلایی زندگی انسان‌هاست، بزرگ‌ترین امیر لشکر پیروز خدا در طول تاریخ بشر است، اخذ کننده پست‌های کلیدی جهان از انسان‌های پست است، صاحب انگشتر سلیمان، عصای موسی و ذوالفقار علی است، پرکننده پیمانه زمین از شهد عدل و داد است، آفریننده بهار ایمان در پاییز روح انسان‌های مهجور از حق است.^۳

۱۴. تاریخ انتظار و شکیبایی ما به آن ظلم که در عاشورا بر ما رفته است برمی‌گردد. از آن زمان تا کنون، ما به آب حیات انتظار زنده‌ایم، انتظار ظهور منتقم خون حسین. تاریخ استقامت ما از آن زمان هم دورتر می‌رود، از عاشورا می‌گذرد و به بعثت پیامبر اکرم می‌رسد. او وعده می‌فرمود که کسی خواهد آمد، نامش نام من، کنیه‌اش کنیه من، لقبش لقب من، دوازدهمین وصی من خواهد بود و جهان را از توحید و عدل و عشق و داد پر خواهد فرمود. اما تاریخ صبر و انتظار ما به دورترها برمی‌گردد، به مظلومیت و تنهایی عیسی، به غربت موسی، به استقامت نوح و از همه این‌ها گذر می‌کند تا به مظلومیت هابیل می‌رسد. در آن زمان، هستی

۱. جواد محدثی، قطعات، ص ۳۵.

۲. جواد نعیمی، سرود سبز باران، ص ۴۷.

۳. عباسعلی کامرانیان، طپش قلم، ص ۱۲۳.

حیات خواهد یافت، عشق پروبال خواهد گشود و در رگ های خشکیده علم، خون تازه خواهد دوید. پشت هیولای ظلم و جهل با خاک، انس جاودان خواهد گرفت، شیطان خلع سلاح خواهد شد، انسان بر مرکب رشد خواهد نشست و عروج را زمزمه خواهد کرد.^۱

۱۵. من قسم می خورم که کلید طلایی خورشید، درهای کهنسال ظلمت را خواهد گشود و روزی همه ما در یک چمن مشترک صبحانه خواهیم خورد و تمام بشریت بر بال پروانه ای از اقیانوس الهی خواهد گذشت. من از امام زمان تقاضا دارم هر چه سریعتر نامه انسان را برای خداوند بخواند. من از امام زمان می خواهم هر چه تندتر از جاده های آسمان بیاید و گرد و غبار ملکوت را در جان بشریت بپاشد، دست درختان را بگیرد و تا جبروتی ترین ارتفاع جهان بکشد. من از امام زمان می خواهم شجره نامه زمین را به امضای سرخ مستضعفان برساند و پای شکوائیه شهیدان را گواهی کند و ورقه آماده به خدمت انسان را انگشت بگذارد... من از امام زمان می خواهم مملکت ما را به ملکوت وصل کند و کشور ما را بر کشتی نوح بگذارد و به ساحل سبز زیتون برساند. بر کوه ندبه بایستد در رودخانه خروشان حق ما را تماشا کند. حالا همه چیز آماده تجلی است. ذرات جهان پشت گردن ظهور ایستاده اند. همه اجزاء زمین گرسنه اند و یک تکه عدالت می خواهند... ایران، تنها شیعه جهان، که در جمکران بیتوته می کند، در سهله و در کوفه نماز می خواند، در قونیه چله می نشیند و در هند شعر می گوید.^۲

۱۶. سوار «جاء الحق» می آید، تا استخوان «زهد الباطل» را فرو کوید. قرآنی که سخن می گوید، نیایشی که لبخند می زند. محمد شمشیر به دست، مسیح جوشن پوش، موسای متکلم، منادی ابراهیم، منجی نوح، مرشد مسیح، مدرّس موسی، شمشیر می زند تا رگها بیاساید، خون می ریزد تا جراحات ها مرهم شوند، می کشد تا زنده کند. مرد ابدی، مرد موعود، مرد متعالی، مردی مالک ملکوت، مردی که با خدا قرار ملاقات دارد، مردی که بر سر برج قسط کار می کند، مردی که معادل عدالتش بالاست، مردی که در ترم آخر انسان قبول شده و

۱. سید مهدی شجاعی، خدا کند توبیایی، ص ۱۰۲.

۲. احمد عزیزی، رودخانه رؤیا، ص ۲۵ (با تلخیص).

اینک دارد تزا فرینش را می نویسد، مردی که میکروب شیطان را کشف و ویروس گناه را خنثی می کند، مردی که پاسپورت ابدیت را با خود دارد و ویزای جاودانگی می دهد.^۱

۱۷. کجایی ای بهار آوردل های خزان زده! ای باغبان بزرگ تمام فصل ها! ما شب زدگانیم در انتظار طلوع فجر. کی می آیی؟ ای دیرکرده بی تاب، ای بی تاب تراز ما، شتاب کن. ای پایان بخش همه ظلمت ها و ضلالت ها، درهم پیچنده طومار تباهی ها، بیاتاکلاف سردرگم اندیشه ما را با سرانگشت محبت سامان بخشی، ای آخرین پرواز در آسمان بی پرنده دنیا، ای قیامت زمین، رستاخیز آخرین خاک. پشت شکیمان شکسته، قامت صبرمان به سمت تاریک خمیدن خزیده است، تا کی؟ تا چند؟ تا کجاست تاب آوریم روزگاری آفتاب را؟ ای طلوع ناگزیر، کدام روز شمشیرتواز مشرق نیام خواهد تابید؟ کدام روز صحابه بزرگ توانتقام عاشورا را خواهند گرفت؟ کی می آیی تا عدالت مظلوم و سربه زیر، سر برافرازد؟ فتوت و جوانمردی برپای ایستد، ایمان گمشده راه قلب ها را پیدا کند؟ آخرین لبخند خدا بر زمین. خلاصه خوبی ها و عظمت ها. مدار همه زیبایی ها و بیداری ها، کی می آیی تا فرشی از قلب ها پیش پایت بگسترانیم؟^۲

۱۸. سلام بر مهدی، که یادگار پیامبران، خلاصه ابراهیم، عصاره محمد و زنده کننده سنت هاست. نیمه شعبان، مطلع خورشید فروزان مهدی در ظلمت تاریخ است. پیروان قائم آل محمد، همچون او اهل قیام و انقلاب اند. مهدی عجل الله تعالی فرجه کعبه مقصود و قبله موعود امت هاست. غیبت کبری، دوره آزمایش منتظران راستین حضرت مهدی است. وقتی نیمه شعبان می رسد، گلوازه های «انتظار»، «ظهور»، «فرج»، «حکومت جهانی»، «قسط و عدل»، «دیدار» و «مهدی» می شکفد. نیمه شعبان عید منتظران وراثت زمین برای مستضعفان و شکست سلطه های جباران است. نیمه شعبان، افروختن چراغ شوق در دل شیعیان و امید دادن به محرومان است.^۳

۱. احمد عزیزی، واژه نامه ابدی، ص ۲۱.

۲. محمد رضا سنگری، یادهای سبز، ص ۴۵ (با تلخیص).

۳. جواد محدثی، قطعات، ص ۱۵۱.

۱۹. ما در انتظار کسی هستیم که آبادی جهان را در التزام رکابش از کربلا آغاز کنیم. گفته‌اند: این آیت مبین خداوند، زیارت پدر را از کعبه به کربلا خواهد آمد؛ از خدا به حسین. و ما می‌رویم تا کربلا را برای آمدنش مهیا کنیم، آب و جارو کنیم. می‌رویم تا صحن را از جای پای کفار بشوییم. می‌رویم تا ظهورش را کنار حسین جشن بگیریم، و چه کنیم اگر شمشیرهایمان را با سنگ دل کفار صیقل ندهیم؟! می‌رویم تا از کربلا با امام زمان آغاز کنیم. امام زمان مرد می‌خواهد و ما می‌رویم تا مردانگی را به کمال تجربه کنیم. امام زمان روحی فداه، آن سپاه را که در دامن نایب کبیرش پرورش یافته است، چشم و دل به نگاه او سپرده است، گوش را وقف کلام او کرده است و نشان افتخار بوسه او بر بازوان خویش دارد و این چنین خود را آماده ظهور حضرتش کرده است، به سربازی نخواهد پذیرفت؟^۱

۲۰. اگر ۳۱۳ نفر یار فداکار داشت، می‌توانست هر چه سریع‌تر در زمان تحوّل ایجاد کند. به نظر می‌رسد که این ۳۱۳ نفر باید از محله فردا باشند، تا قدرت دخل و تصرف در زمان را داشته باشند، افرادی مثل امام راحل ما. باید بکوشیم تا در پرتو چراغ هدایت آن‌ها مسیری را که آن‌ها پیموده‌اند، تند و زود و سریع، با وسیله نقلیه اخلاص پیماییم تا به آن دیار برسیم. آن وقت است که به فرج می‌رسیم. فرج خودش به تنهایی نمی‌رسد. ما باید به فرج برسیم تا فرج ظهور آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه تحقق پذیرد. باید انتظار را در خود پیورانیم تا گل دهد و با دسته گل فرج که از درخت انتظار به ثمر می‌رسد به دیار فردا پای نهیم و آن دسته گل را تقدیم آقا و سرورمان کنیم. از آن پس، از کارگزاران آن حضرت خواهیم بود. برای تغییر و تحوّل در زمان حال، تا هر چه زودتر حال را به فردا تبدیل کنیم.^۲

۲۱. امروز، رسالت عظیم «تمهید» و زمینه‌سازی، بردوش امتی سنگینی می‌کند که با شهیدان برای تداوم راه، پیمان خون بسته‌اند. باید «باغ شهادت» را آبیاری کرد و علف هرزه‌های فساد را از مزرعه حیات برچید و دور افکند. این همان فلسفه «انتظار» و مبنای امید

۱. سید مهدی شجاعی، برمحمل بال ملائک، ص ۲۵.

۲. مرضیه صانعی (دست نوشته).

بستن به «فرج آل محمد» است و جزاین هر چه باشد «اعوجاج فکری» است. چه عنصری جز جهاد، زمینه ساز «دولت یار» خواهد بود؟ یاران او کیانند؟ سلاح «سپاه مهدی» چیست؟ ما در انتظار طلوع خورشید نیمه شعبان از «افق کعبه» ایم. برای برآمدن این انتظار، دستی به دعا برمی آوریم و نیاز به درگاه بی نیاز می بریم، تا خداوند امیدمان را برآورد و آن ذخیره «پرده نشین غیبت» را برساند.^۱

۲۲. بی تو در کویر بی کسی، چشمهایمان را به انتظار سپرده ایم و آمدن تو را به دردمندی دل هایمان مزدگانی داده ایم، تا یأس و پژمردگی دل ها و برگ ها را نبینیم و در گریه ها، خنده ها را ببینیم، تا باغ و بهار هماغوش شوند. ما هستیم و تهیدستی و تشنگی و این صحیفه ناتمام و چشمانی که در انتظار فضل و کرم توست. شب ها را به امید دیدن توبه صبح می رسانیم، ماییم و آفتاب، که در برابر چشمان تو حقیر و خوار است، راه آمدنت را آب می زنیم.^۲

۲۳. ای سبزتر از بهار، چشم به راه فردایی هستم که ریه های جهان هوای بازگشت تو را بازدم شوند. فردایی که عطر نفس هایت در گستره خاک پیچد و خزان باغ را جوانه باران کند، ساعت ها ثانیه شمار آمدنت هستند و جاده ها راه های ممکن رسدنت را امتداد می دهند. آفتاب نبودنت ذره ذره جانمان را به آتش می کشد. غبار روزها بی تاب ترم کرده است و من چراغ دردست، زمان را می کاوم تا رستاخیز جهان به وقوع پیوندد. توهنوز نیامده ای و من بادی به بادی انتظار را دویده ام. پلک هایم بر سر شاخه های خاک ایستاده است، تا نوید آمدنت باشد. احساس می کنم که حضورت به ظهور رسیده است.

۲۴. گرچه خسته ام، گرچه دلشکسته ام، باز هم گشوده ام دری به روی انتظار، تا بگویم هنوز هم به آن صدای آشنا امید بسته ام. ای تو صاحب زمان، ای تو صاحب زمین، دل جدا زیاد تو، آشیانه ای خراب و بی صفاست. یاد سبز و روح بخش تو، یاد لطف بی نهایت خداست. کوچه باغ سینه ام، ای گل محمدی به عطر نامت آشناست، آنکه در پی توییست،

۱. جواد محدثی. رواق روشنی. ص ۱۱۷.

۲. علیرضا علی جانی، شمس ولایت، ص ۲۷۳.

کیست؟ آنکه بی بهانه‌توزنده است، کیست؟ ای بهانه‌ای برای زیستن! اشتیاق، همچو سبزه بهاره هر طرف دمیده است. انتظار، همچو غنچه‌ای به شاخسار دل شکفته است. جمکران، جلوه‌ای از انتظار و شوق ماست. ای بهار جاودان، ای بهار آفرین، ما در انتظار مقدم تویم، ای امید آخرین!

← انتظار و ادبیات و هنر، شعر اشتیاق، جملات ادبی، سلام بر مهدی.

ندای آسمانی

یکی از نشانه‌های ظهور که در روایات آمده است، «صیحه» است. ندای آسمانی، صیحه آسمانی یا صدای آسمانی، به نشانه آغاز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در آستانه ظهورش شنیده می‌شود، این صدا را همه می‌شنوند و مردم را به سوی آن حضرت و پذیرش و پیروی او فرا می‌خواند. آن صدا و ندا، پرابهت و شکوهمند است، صدای جبرئیل است که در جهان می‌پیچد، خفته‌ها از هیبت آن بیدار می‌شوند، ایستاده‌ها می‌نشینند و زمین گیر می‌شوند، نشسته‌ها بر می‌خیزند. زمان این ندای آسمانی در روایات به صورت‌های مختلف نقل شده، مثل شب ۲۳ رمضان، شب جمعه، اول روز و... «صیحه»، یکی از چند نشانه حتمی ظهور شمرده شده است. محتوای آن ندا چنین است: «إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ»^۱ و «إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ». در روایات، این ندا با تعبیراتی همچون: ندا، صیحه، فزعه و صوت آمده است. این صدا و صیحه که همه آن را در شرق و غرب عالم می‌شنوند و دعوت به پیوستن و بیعت با آن حضرت است، قاعدتاً هر کس به زبان خود آن را می‌شنود و پیام را درک می‌کند. ندایی هم در روز ظهور شنیده می‌شود. به فرموده امام صادق علیه السلام: «جَبْرِئِيلُ عَلَى يَمِينِهِ يُنَادِي: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ»، گویا می‌بینیم که آن حضرت بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در سمت راست اوست و ندا می‌دهد، بیعت برای خداست. شیعیان او از اطراف زمین به سوی او روی می‌آورند، زمین زیر پای آنان در نور دیده می‌شود تا بیایند و با او بیعت کنند^۲. امام صادق علیه السلام فرمود: قائم

۱. جواد محدثی. برگ و بار، ص ۱۲۲.

۲. کمال الدین، ص ۶۵۲، کتاب الغیبه، طوسی، ص ۴۳۵ و ۴۵۴.

۳. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۲.

قیام نمی‌کند، تا آن که منادی از آسمان ندایی دهد که حتی دختران در حجاب و نهان خود و همه اهل مشرق و مغرب آن را بشنوند و آیه **«إِن نَّشَأُ نُنْزِلُ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً...»**^۱ در همین مورد نازل شده است.^۲ این ندا همچون یک اعلامیه جهانی خبر از ظهور قائم **«وَجَاءَ مُحَمَّدٌ رَّحْمَةً مِّنَ رَبِّكَ...»** می‌دهد و مردم را به بیعت و تبعیت و نصرت او فرا می‌خواند.^۳

← علائم ظهور، روایت ظهور، قیام ناگهانی.

ندبه

ندبه به معنای گریه و زاری در سوگ کسی یا در مصیبتی است که بر کسی وارد می‌آید، مرثیه خوانی برای یک مرده یا شهید. ابوطالب قمی به امام جواد **«عَلَيْهِ السَّلَامُ»** نامه نوشت و از او اجازه خواست که برای حضرت رضا **«عَلَيْهِ السَّلَامُ»** مرثیه بسراید. امام در پاسخ او نوشت: **«أُنْدِبْنِي وَأُنْدِبْ أَبِي»**^۴ برای من و پدرم ندبه و مرثیه بسرای. ندبه و مرثیه در سوگ سید الشهدا **«عَلَيْهِ السَّلَامُ»** هم سفارش شده و ثواب دارد. در زیات ناحیه مقدسه نیز این جمله از زبان امام زمان **«عَلَيْهِ السَّلَامُ»** آمده است که **«فَلَا تُنْدِبَنَّ صَبَاحًا وَ مَسَاءً...»**^۵ روز و شب بر توندبه می‌کنم و به جای اشک،

بِرْتُوخُونِ مِی‌گَریم. دعای ندبه که جمعه‌ها خوانده می‌شود، در مقام نالیدن و گریستن بر هجران و فقدان امام زمان است و این جمله در آن آمده است: **«وَأَيَّاهُمْ فَلَيَنْدُبُ التَّادِبُونَ»**^۶، ندبه کنندگان بر عترت پاک پیامبر خدا **«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»** و مظلومیتشان اشک بریزند و گریه و ندبه کنند و ضجه بزنند. در فرازهای دیگر این دعا نیز سخن از ندبه و گریه و اشک فراق و سوز و گداز درباره امام غایب از نظر است. ندبه در فراق و انتظار مهدی، نشان شوق دیدار و چشم‌انتظاری برای

فرهنگ
انتظار

۱. شعراء، آیه ۴.

۲. کتاب الغیبه، طوسی، ص ۱۷۷.

۳. توضیح بیشتر در «دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۱۹۰ به بعد.

۴. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۳۲، ج ۷۶، ص ۲۶۳.

۵. همان، ج ۹۸، ص ۳۲۰.

۶. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

ظهور است.

به ره تو بس که نالم، ز غم تو بس که مویم شده ام زناله، نایی، شده ام زمویه، مویی
 به دعای ندبه، دعا برای فرج، خواسته های مهدوی، جمعه و انتظار.

نرجس خاتون

مادر امام زمان و همسر امام حسن عسکری علیه السلام، داستان او مفصل است، ولی اجمال آن به این صورت است: نرجس (که نام های دیگرش ملیکه، سوسن، صیقل، حکیمه، ریحانه و ... است)، دختر یثوعا و از نسل حضرت شمعون از یاران مسیح بود و نوه قیصر روم محسوب



می شد و دوست داشت همسری پاک و شایسته داشته باشد. قیصر روم می خواست او را به عقد برادرزاده خود درآورد. مراسم مفصلی گرفت، ولی حوادثی شگفت، بساط آنان را برهم زد و برادرزاده قیصر از تخت به زیر افتاد. این حادثه دوبار اتفاق افتاد. ملیکه

شب خوابی شگفت دید. در رؤیا، پیامبر اسلام، حضرت عیسی و شمعون را دید. پیامبر، او را برای پسر خود (امام عسکری) خواستگاری کرد. از آن پس محبت امام عسکری در دل ملیکه افتاد و در اثر عشق به بستربیماری افتاد. سال ها گذشت. در عصر بنی عباس در درگیری های مسلمانان با رومیان، عده ای از آنان اسیر شدند که ملیکا (نرگس) هم جزء آنان بود و هویت خود را پنهان می کرد و در انتظار تقدیر الهی بود. نرگس سهم یک پیرمرد شد. آنان به بغداد برگشتند و اسیران همراه را به بغداد آوردند. امام هادی علیه السلام آن زمان در سامرا به سر می برد. غلامش کافور را نزد یکی از یاران مورد اعتمادش به نام بشر بن سلیمان فرستاد و او را فراخواند. امام نامه ای نوشت و به او مأموریت داد و همراه کیسه ای پول، او را به بغداد اعزام کرد تا در کنار پل فرات، کنیزی را که توسط خناس برده فروش عرضه می شود بخرد و به سامرا آورد (جزئیات شگفت حادثه مفصل است). نرگس خریداری و به سامرا آورده شد. در خانه امام، مدتی از

زبان حکیمه خاتون آداب و احکام اسلامی را فرا گرفت و در خانه حکیمه به سر می برد، تا آن که امام هادی، آن بانوی پاک و عفیف را به عقد امام حسن عسکری علیه السلام درآورد و در نهایت، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵، امام مهدی علیه السلام از او به دنیا آمد. به قول قاسم رسا: می کند مرغ سحر زمزمه بر شاخه گل که ز نرگس ثمری پاک به دوران آمد نرگس، مدتی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام زنده بود. سرانجام در سال ۲۶۱ هجری در سامرا از دنیا رفت و در کنار مرقد امام عسکری به خاک سپرده شد. درود خدا بر او که لیاقت یافت مادر چنین فرزندی باشد.

← حکیمه خاتون، نرجسیه. گل نرگس.

نرجسیه

نرجس، نام مادر امام زمان است (← نرجس خاتون) و معرب نرگس است. به احترام نام او و احیای یادش اماکنی همچون مدارس دخترانه، مجتمع های آموزشی، حوزه های علمیه خواهران، هیئت های دعا و توسل، پارک و بوستان، به نام نرجسیه وجود دارد، همچنان که به نام بزرگان دیگر دینی، اماکنی با عنوان حسینی، زینبیه، مهدیه، فاطمیه ساخته می شود.

← نرجس خاتون، اماکن منسوب به امام زمان، مهدیه.

نشانه های ظهور ← علائم ظهور

نظام وکلایی ← تشکیلات وکالت

نفس زکیه

یکی از علائم حتمی قبل از ظهور امام زمان علیه السلام کشته شدن جوانی پاک و بی گناه از دودمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مکه است که از آن در روایات با عنوان «قتل نفس زکیه» یاد شده است. به گفته روایات، در ۲۳ یا ۲۴ ماه ذیحجه، پانزده روز قبل از قیام امام عصر علیه السلام، آن

۱. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۶. درباره اواز جمله رک: «نرگس، همدم خورشید»، محمد باقر پورامینی، «امام مهدی از ولادت تا ظهور»، سید محمد کاظم قزوینی، درباره او رک: «پژوهشی نو درباره مادر امام زمان»، ناهید طیبی، بوستان کتاب.

حضرت جوانی از یاران و بستگان خود را می فرستد تا بیانیه ای برای مردم مکه بخواند. وی در حرم الهی و مسجد الحرام، بعد از نماز آن بیانیه را که از سوی امام صادر شده برای مردم می خواند که بلافاصله نیروهای خشن حکومتی حمله می کنند و وحشیانه او را بین رکن و مقام به قتل می رسانند. نام او در روایات، «محمد بن الحسن النفس الزکیه» یاد شده است.^۱ کشته شدن او تأثیری بر اهل زمین و آسمان می گذارد و مقدمه ای برای ظهور می شود. به فرموده امام صادق (علیه السلام) میان کشته شدن نفس زکیه و قیام امام زمان جز پانزده شب فاصله نیست: «لیس بین قیام قائم آل محمد و بین قتل النفس الزکیة الا خمسة عشر ليلة».^۲

ابوبصیر از امام باقر چنین نقل می کند: امام زمان (علیه السلام) به اصحابش می گوید: اهل مکه مرا نمی خواهند، ولی من کسی را نزد آنان می فرستم تا بدین وسیله با آنان احتجاج کرده باشم. مردی از یارانش را فرا می خواند و می فرماید: نزد اهل مکه برو و بگو: ای مردم مکه! من فرستاده فلانی به سوی شمایم، او می فرماید: ما خاندان رحمت و سرچشمه رسالت و خلافت و ذریه محمدیم، ما مظلوم و مقهور بوده ایم و از زمان پیامبر تا امروز، حق ما غصب شده است، از شما یاری می طلبیم، ما را یاری کنید. به محض این که آن جوان این سخنان را می گوید او را بی گناه بین رکن و مقام سرمی بُرند و به شهادت می رسانند...^۳ و این زمینه می شود تا به تدریج، قیام خود را آغاز کند و یارانش را فرا بخواند و با ۳۱۳ نفر از آنان، خروج کند.

← علائم ظهور، روایت ظهور.

نقش زنان در عصر ظهور ← زنان مهدی یاور

نقش یمنی ها در عصر ظهور

در احادیث نبوی و ائمه، از یمنی ها بسیار ستایش شده و به مهرورزی نسبت به آنان توصیه شده است. در مسلمانان زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در یاران امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیروهای فعال و فداکار و مخلص فراوانی از اهل یمن حضور داشتند. بشارت های فراوان نیز در مورد خروج و قیام

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲، حدیث ۲۴.

۲. کمال الدین، ص ۶۴۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، عصر الظهور، علی الکورانی، ص ۲۱۷.

«یمانی» آمده که او از یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیشگامان قیام اوست و «خروج یمانی» یکی از پنج علامت قطعی ظهور است. پرچم یمانی جزء هدایت یافته‌ترین پرچم‌ها در عصر ظهور است «لیس فی الرایات رایة اهدی من رایة الیمانی». ^۱ بخشی از سپاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از یمنی‌هاست که در نبردهای منطقه عراق و شام و قدس در کنار خراسانی‌ها حضور چشم‌گیر و مجاهدانه دارند. در روایات آمده که یمانی، هدایت به حق و دعوت به حق می‌کند و نیروهای یمانی از طرف صنعاء می‌آیند و قبل از خروج سفیانی و در نبردهای منطقه شام شرکت می‌کنند. جای تأمل: حزب الله لبنان، انصار الله یمن، سپاه قدس ایران، نجباء عراق! ← یمانی، یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، یمنی‌ها و آخر الزمان.

نماز امام زمان ← مسجد جمکران

نَوَاب اربعه

نایب‌های چهارگانه، مقصود چهار نفر از اصحاب ائمه اند که در عصر غیبت صغری، واسطه میان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعه بودند و نامه‌ها و حاجت‌ها و سؤالات و مشکلات مردم را به آن حضرت می‌رساندند و پاسخ کتبی یا رهنمود شفاهی دریافت می‌کردند. به آنان وکیل و سفیر و مندوب هم گفته می‌شود. این نَوَاب چهارگانه در چهار دوره، از افراد مورد اطمینان و امین و رازدار بودند و به عنوان نماینده خاص آن حضرت در میان مردم بودند و اغلب، شغل‌های عادی داشتند تا حساسیت دستگاه خلافت را برنیا نگیرند. وجود این سفیران، هم نوعی ایجاد آمادگی برای عصر غیبت کبری بود، هم عادت کردن مردم به غیبت امام و عادی سازی پنهان زیستی امام، هم سبب افشای مدعیان دروغین می‌شدند و به نحوی سامان بخش «نظام وکلایی» بودند که در شهرها و مناطق گوناگون، وکلای حضرت حضور داشتند. مدیریت اصلی این نظام ارتباطی با خود امام بود و وکیلان مجری اوامر بودند. خود سفیران هم نکات ایمنی و رازداری و کتمان را مراعات می‌کردند و چنان نبود که در میان همه مردم به عنوان «نماینده امام» مشهور باشند. به علاوه همه آنان از غیر علویون بودند، با آن که در

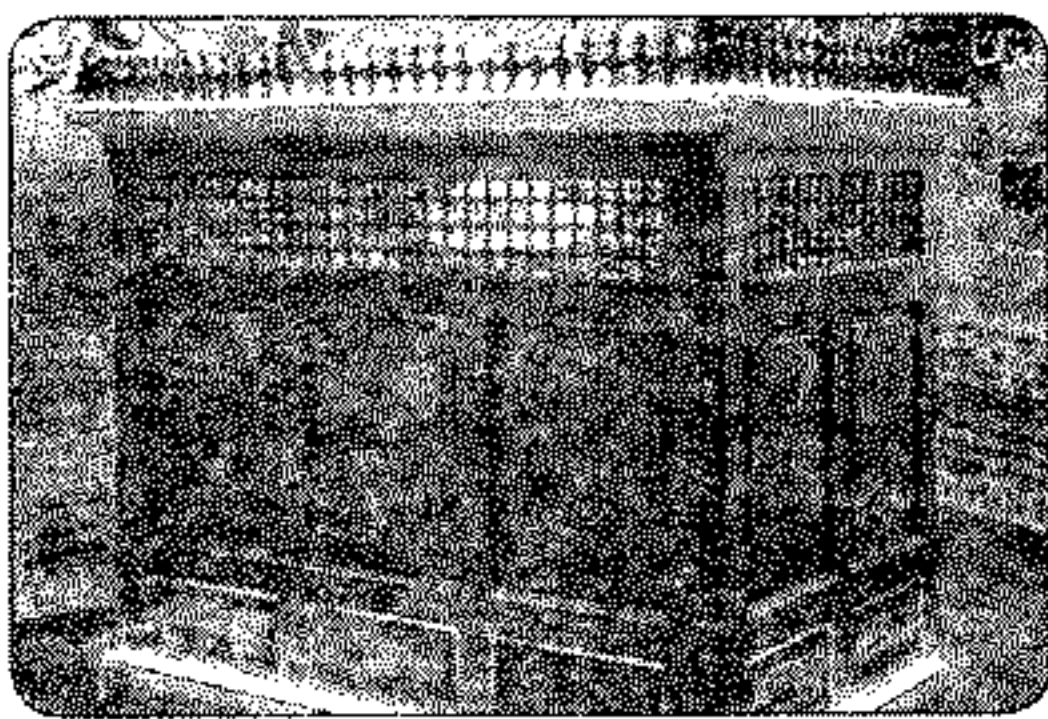
۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۳، المعجم الموضوعی لأحادیث الامام المهدی، ص ۶۱۸.

میان علویان کسانی با علم و فضیلت بیشتر بودند، ولی رعایت اصول امنیتی ایجاب می کرد که از غیر آنان و کمتر شناخته شده باشند. معیار، اخلاص و رازداری بود. به ابوسهل نوبختی گفتند: چه شد که سفارت و وکالت امام، به حسین بن روح منتقل شد، نه به تو؟ گفت: اهل بیت داناترند که چه کسی را انتخاب کنند، من شخصی هستم که با این جماعت، ملاقات و مناظره و بحث می کنم. چه بسا اگر جای امام را بدانم و تحت فشار قرار گیرم، جای او را لو بدهم، ولی ابوالقاسم حسین بن روح، اگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه زیر دامن لباسش هم باشد و او را قطعه قطعه کنند، لونمی دهد!

به هر حال، این نواب اربعه که همه در بغداد می زیستند (مقر خلافت هم از سامرا به بغداد منتقل شده بود) از این قرارند:

۱. عثمان بن سعید نسری

وی نخستین سفیر امام بود. در زمان امام هادی و امام عسکری علیه السلام هم وکیل مورد اعتماد آن دو امام و مورد ستایش آنان قرار گرفته بود. امام عسکری علیه السلام او را در مجلسی با حضور چهل نفر به عنوان وکیل خود اعلام کرد، هنگام وفات نیز به عنوان وکیل امام زمان علیه السلام او را معرفی کرد. به او عسکری هم می گفتند، چون در سامرا بود. زیات و سمان هم می گفتند، چون به



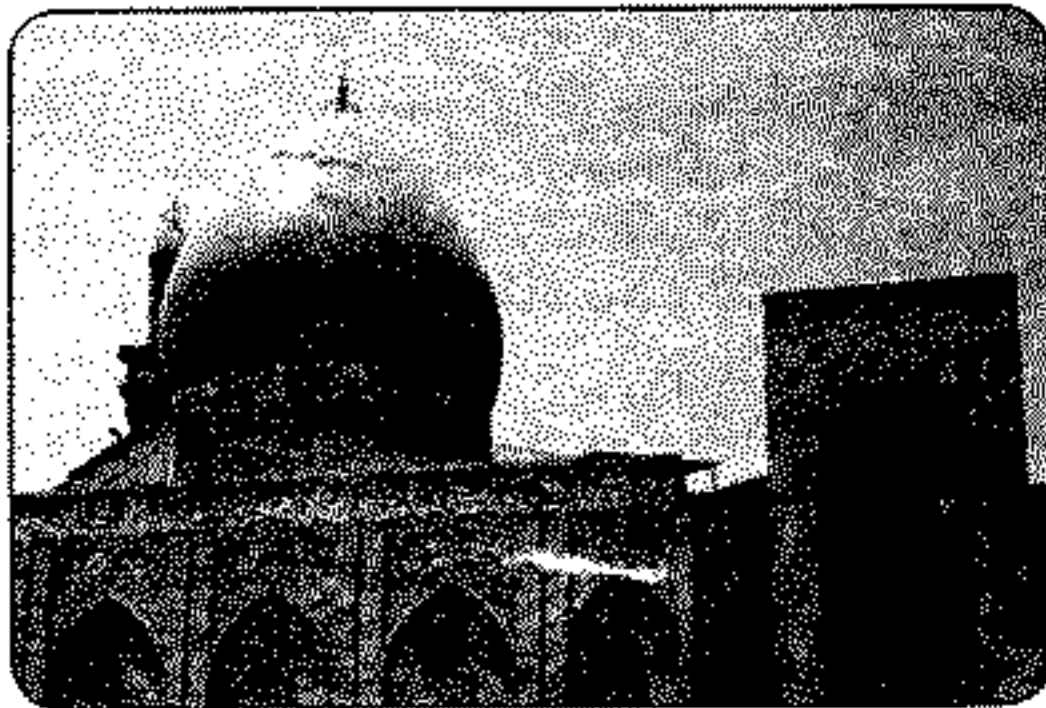
عنوان شغل پوششی، روغن فروشی هم می کرد و گاهی پول هایی را که شیعه می دادند تا به امام برسد، در ظرف روغن جاسازی می کرد و به امام عسکری علیه السلام می رساند. او از زمان امام جواد علیه السلام تا زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در خدمت ائمه و انجام وظایف محوله بود. وی

پس از شهادت امام یازدهم، و انجام امور مربوط به غسل و کفن و دفن امام، به بغداد رفت و در محله کرخ بغداد ساکن شد و تا سال ۲۶۷ هجری در منصب سفارت امام زمان بود و پس از وفات،

در غرب بغداد به خاک سپرده شد و وکالت به پسرش منقل گشت.^۱

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمري

او سفیر دوم امام عصر بود و پس از فوت پدرش عهده دار این مسئولیت شد. امام عسکری علیه السلام در حال حیات خود، او را و پدرش را مشخصاً به عنوان سفیر امام زمان معرفی کرده بود. پس از درگذشت عثمان بن سعید، توقیع تسلیتی از جانب امام زمان برای او صادر



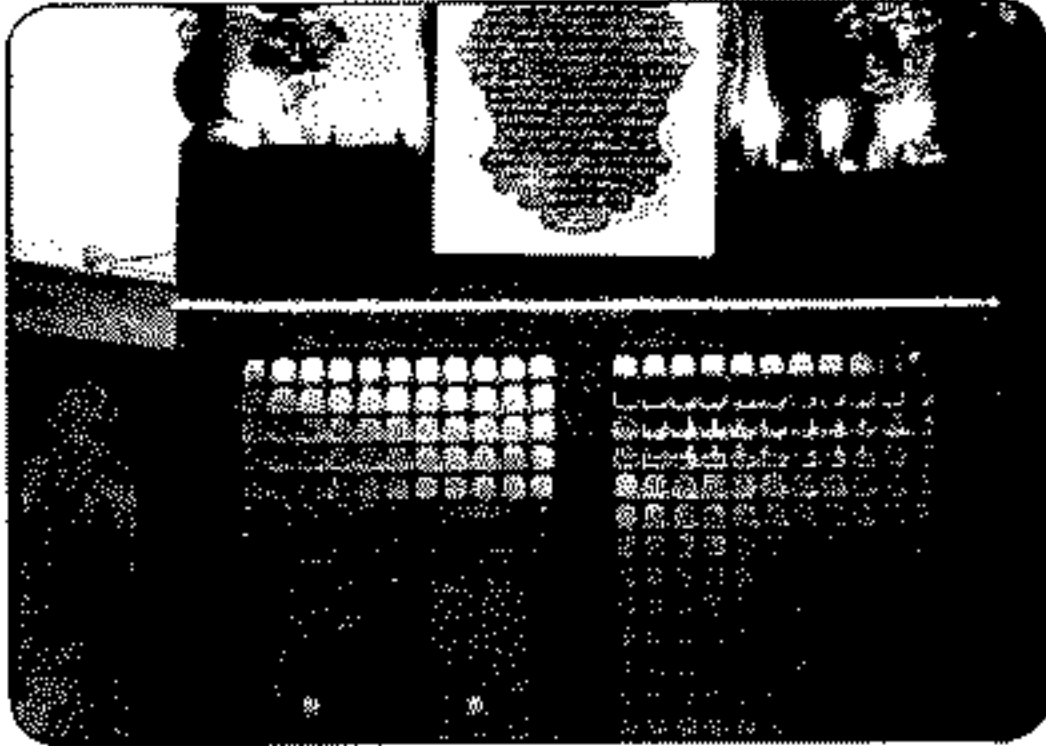
شد که هم تقدیر از زحمات پدرش بود، هم به نوعی تکریم محمد بن عثمان و لیاقت او به شمار می رفت. او طولانی ترین دوره نمایندگی امام را (تا سال ۳۰۵ هـ) بر عهده داشت. وی پیش از مرگ، حسین بن روح را به جای خود معرفی کرد و چون درگذشت، کنار قبر پدر

دفن شد. روی قبر این پدر و پسر ضریح نقره‌ای و گنبدی کاشی وجود دارد و در بغداد، زیارتگاه شیعیان است.

۳. ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی

وی از اصحاب رازدار محمد بن عثمان بود و نزد شیعه، منزلتی عظیم داشت و حدود ۲۱ سال منصب سفارت امام عصر را بر عهده داشت و به اقتضای شرایط سیاسی آن روز، بیش تر نکات امنیتی و تقیه را مراعات می کرد. تقوا و پارسایی او، موقعیتش را مستحکم تر می کرد و در زمان محمد بن عثمان هم بسیاری از امور مالی و وجوهات شرعی بر عهده او بود و به توصیه امام عصر، به این مسئولیت تعیین شد و امور مربوط به وکالت را بر عهده گرفت. در دوره او بود که ادعای دروغین سفارت پدید آمد و او بر ضد آن جریان موضع گرفت و مردم را آگاهانید. فتنه قرامطه و حمله آنان به کاروان های حجاج هم در زمان او پیش آمد. او چند

۱. وهابی ها با بمب گذاری، قصد منفجر کردن قبر او را داشتند که در آن حادثه چند نفر هم کشته و مجروح شدند، در رمضان ۱۴۳۰ ق.



سالی هم دستگیر و زندانی شد، ولی پس از آزادی باز هم کارها را ادامه داد و در سال ۳۲۶ هـ درگذشت و در بغداد به خاک سپرده شد. قبر او در محله «سوق العطارین» بغداد است. پیش از وفات، سفیر چهارم را به فرمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کرد.

۴. علی بن محمد (سیفوری)

دورهٔ وکالت او کوتاه بود و بیش از ۳ سال طول نکشید. وی مردی پارسا، امین و عالم بود و در زمان امام عسکری علیه السلام هم از یاران خاص او شمرده می‌شد. چون وفات او نزدیک شد، شش روز قبل از درگذشت، پیامی کتبی (توقیع) از سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف



به دستش رسید که مضمون آن چنین بود: تو تا شش روز دیگر خواهی مرد. به کارهای خود رسیدگی و آن را جمع و جور کن و کسی را به عنوان جانشین تعیین نکن، چرا که غیبت کامل واقع شده است و من دیگر آشکار نمی‌شوم جز بعد از اذن پروردگار و

گذشت زمان‌ها و قساوت دل‌ها و پرشدن زمین از ستم. به زودی کسانی پیدا می‌شوند که ادعا کنند مرا دیده‌اند، آن‌ها دروغ می‌گویند و...^۱. هنگامی که وفات او فرا رسید، شیعیان از او پرسیدند: پس از تو چه کسی جانشین است؟ پاسخ داد که مأمور نیستم کسی را معرفی کنم. شش روز پس از صدور نامهٔ حضرت، او در نیمهٔ شعبان ۳۲۹ هـ درگذشت و

۱. دربارهٔ زندگینامهٔ سفرای اربعه، رک: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۳، منتخب الأثر، لطف الله صافی، ج ۲، ۵۰۶، اعیان الشیعه، سید محسن الامین، ج ۲، ص ۴۶، تاریخ الغیبة الصغری، محمد الصدر، ص ۳۹۵، سفرای امام زمان، علی دوانی، خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۵۶، اندیشهٔ انتظار، احمد زمانی، ص ۱۹۳، موعود شناسی، رضوانی، ص ۳۴۵ و ... منابع دیگر.

با رحلت او غیبت کبری آغاز شد که تا کنون ادامه دارد. وی به صورت باشکوهی تشییع شد و در «سوق الخفاقین» بغداد به خاک سپرده شد.

← یاران امام زمان، غیبت صغری، تشریف یافتگان، نایب امام زمان، نیابت خاصه و عامه، تشکیلات وکالت.

نوسترآداموس

میشل نوسترآداموس، اهل فرانسه بود و در قرن ۱۶ میلادی می زیست. اشعار و نوشته هایی ادبی و شعرگونه دارد که در آن به پیشگویی حوادث آینده به زبانی سمبلیک و رمزگونه می پردازد، از جمله به حوادث آخرالزمان و پدید آمدن شخصیتی قدرتمند و غنی از عرب و سلطه بردنیا و فتح جهان و پیشگویی حوادث و چهره ها و شخصیت های معروفی که در قرن اخیر به وجود آمده اند پرداخته و تحولاتی را که در کشورهای عربی، به خصوص عربستان و سوریه و ایران و لبنان و ... پیش آمده، بیان کرده است. پیشگویی های نوسترآداموس به زبان های مختلف، حتی به فارسی ترجمه شده و براساس آن فیلم ها ساخته اند که رویکرد اصلی آن ها القای ترس از اسلام و مهدی آخرالزمان و نشان دادن چهره خشن از اسلام و رهبران اسلامی است. درباره پیشگویی های او و تطبیق آن ها بر حوادث قرن اخیر و مسائل غرب آسیا و نهضت امام خمینی (ره)، حرف ها و بحث های زیادی شده که این جا محل پرداختن به آن ها نیست. در سال ۱۹۸۲ م هم سریالی بلند براساس حرف های او در آمریکا ساخته و پخش شد. در رسانه های غربی نیز به بهانه آن علیه تفکر «مهدی موعود» و مصلح جهانی، هجوم هایی انجام گرفت.^۱

← آرماگدون، آخرالزمان.

نهان زیستی ← غیبت

نهج البلاغه و مهدویت

فرازهایی از نهج البلاغه، به موضوع مهدویت، آخرالزمان، حجت پنهان یا آشکار الهی و

۱. رک: مجله موعود، شماره ۳۷.

... اشاره دارد و البته تصریح به موضوع نیست که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. در سخنانی که با کمیل بن زیاد درباره مقایسه علم و مال و برتری صاحبان علم دارد و اندوه بر کمیابی کسانی که توان حمل علوم ناب و والای الهی و قدسی را داشته باشند، می‌فرماید: «اللَّهُمَّ بَلِّ لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا...»^۱. زمین خدا هرگز از حجت قائم الهی خالی نیست، یا ظاهر و آشکار و شناخته شده، یا خائف و پنهان، تا حجت‌ها و بینات الهی باطل و نابود نشود. این فراز را اشاره به حضرت حجت در عصر غیبت دانسته‌اند که حامل علوم الهی و حجت بالغه اوست.

۲. حضرت از دورانی پیشگویی کردند که دنیا پس از چموشی و رویگردانی از اهل بیت و عدم تمکین در برابر آنان، دوباره به اهل بیت روی می‌آورد، آن‌گونه که شتر چموش و تندخو به بچه‌اش روی می‌آورد و عاطفه و تمایل نشان می‌دهد: «لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا، عَظْفُ الضُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا»^۲ و در پی این سخن آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ...» (قصص، آیه ۵) را خواندند که اشاره به امامت و وراثت مستضعفان است و بر ظهور دولت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است.

۳. در ذکر ملاحم و حوادث آینده به دورانی اشاره می‌کند که هوا و هوس، به سمت هدایت و حق می‌چرخد، آنگاه که هدایت را به طرف هوای نفس بچرخاند: «يَعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى، إِذَا عَظِفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى» و آنگاه که رأی خود را بر قرآن تحمیل کنند، زمانی هم می‌آید که قرآن را بر آراء خودشان حاکم می‌کنند. سپس بیان می‌کند که فردایی خواهد آمد - فردایی که نمی‌شناسید - والی نسبت به عمال و کارگزاران نسبت به بدرفتاری‌ها مؤاخذه می‌کند، زمین گنجینه‌های دل خود را برای آن حاکم آشکار می‌سازد و کلیدهای گنجینه‌ها را به او تسلیم می‌کند و او و سیره و روش عدالت‌محور را به شما نشان می‌دهد و احکام مرده و فراموش شده کتاب و سنت را احیا می‌کند: «أَلَا وَفِي غَدٍ - وَسَيَاتِي غَدٍ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ - يَأْخُذُ

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

۲. همان، حکمت ۲۰۹.

الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِيءِ أَعْمَالِهَا وَتُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالَيْدَ كَيْدِهَا وَتُلْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا، فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرَةِ وَيُخَيِّ مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ...^۱. این اوضاع و شرایط بیشتر در عصر حکومت عدالت گستر امام عصر تحقق می یابد.

۴. علی علیه السلام در کلامی کوتاه که درباره علائم آخر الزمان است، می فرماید: هرگاه یعسوب دین ظهور کند (کنایه از حضرت مهدی علیه السلام) که نقشی چون ملکه زنبورهای عسل را دارد که دورش جمع می شوند) و حرکت خود را آغاز نماید و خشم مقدس خود را آشکار سازد، مردم دور آن پیشوا جمع می شوند، همچون ابرهای پاییزی باران را که پس از پراکندگی، جمع می شوند و متراکم می گردند: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ، ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِذَنْبِهِ، فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَزَعُ الْخَرِيفِ»^۲. این مضمون که اصحاب امام زمان در سپیده دم ظهور از هر جای عالم خود را همچون پاره های ابر که متراکم می شوند به او می رسانند، در روایات بسیاری که ویژگی های اصحاب او را بیان می کند آمده است.

فرهنگ
انتظار

۵. در خطبه ای دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله را به آسمانی پرستاره تشبیه کرده که هرگاه ستاره ای افول کند، ستاره دیگری می درخشد: «أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ، إِذَا خَوَى نَجْمٌ ظَلَعَ نَجْمٌ»^۳ که اشاره به ظهور امام زمان پس از غیبت دارد.

۶. در خطبه دیگر از خطبه های ملاحم و خبر از آینده، ضمن نکوهش از آنان که به بیراهه چپ و راست رفتند، خبر از آینده ای می دهد که چه قدر نزدیک است و سر آغاز ورود به آن موعود است که کسی از ما، با چراغی روشن، شیوه صالحان را پیش می گیرد، بردگان و گرفتاران را آزاد می کند، مایه الفت و همبستگی می شود، از مردم پوشیده است و از نگاه ها پنهان: «... يَصْدَعُ شَعْبًا وَيَشْعَبُ صَدْعًا، فِي سُتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَلَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ...»^۴ که به دوران ظهور امام غایب اشاره دارد.

۱. همان، خطبه ۱۳۸.

۲. نهج البلاغه، شماره ۱، از غریب کلامه، پس از حکمت ۲۶۰.

۳. همان، خطبه ۱۰۰.

۴. همان، خطبه ۱۵۰.

۷. در خطبه‌ای دیگر سخن از غیبت او در دوران غروب اسلام و با وصف «بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجَّتِهِ، خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ»^۱ بیان شده است.

— مهدویت، سیمای جهان در عصر ظهور، محور وحدت.

نیابت خاصه و عامه

نیابت آن است که کسی به عنوان «نایب»، تکالیف و مسئولیت‌های دیگری را بر عهده بگیرد. در عصر غیبت امام معصوم، وظایف و نقش او بر عهده عالمان و دین‌شناسان باتقوا و آگاه به زمان و شجاع و مدیری است که توان رهبری دینی و فکری پیروان اهل بیت علیهم‌السلام را داشته باشند. از این رو فقها به عنوان نایبان امام زمان شناخته می‌شوند و این مسئولیت به استناد حدیث امام عسکری علیه‌السلام است که فرمود: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...»^۲ و رجوع عموم مردم را به فقهای متقی و دور از هوای نفس، در عصر غیبت دانست و این همان نقش نیابت است. یا امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در نامه‌ای مردم را در «حوادث واقعه» به آنان ارجاع داد.^۳

برخی افراد، به عنوان «نایب خاص» بوده‌اند که با تعیین خود امام، واسطه بین او و مردم و مراجعات مؤمنین بوده‌اند، مثل «نواب اربعه» امام زمان در مدت ۶۹ سال غیبت صغری، کسانی هم منصب نیابت عامه دارند که همان فقهای دین‌شناس و جامع‌الشرایط‌اند که از سوی امام، حجت بر مردم قرار داده شده‌اند و نظر کارشناسانه دینی آنان بر مقلدان حجت است و عمل به آن لازم.

درباره «نواب خاص»، در جای خود بحث شده است، به آن جا مراجعه شود.

— غیبت صغری، ولایت فقیه، غیبت کبری، حجت، نواب اربعه.

نیمه شعبان

روز خجسته ولادت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از مادر بزرگوارش نرجس در شهر سامرا، در سپیده

۱. همان، خطبه ۱۸۲.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۳.

۳. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۹۱، کمال الدین، ص ۴۸۴.

دم نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری. آن حضرت در خانه امام حسن عسکری علیه السلام به دنیا آمد. جزئیات شب تولد از زبان حکیمه خاتون، عمه امام عسکری در منابع دینی بیان شده است.^۱

نیمه شعبان میان شیعیان جهان جایگاه مهمی دارد و بزرگ‌ترین جشن‌ها و چراغانی‌ها و مدح‌ها و سرودخوانی‌ها به این مناسبت برگزار می‌شود. شب نیمه شعبان نیز شبی بسیار مبارک است و پس از شب قدر، از با فضیلت‌ترین شب‌هاست و دعاها و اعمال و زیارت‌های مخصوص دارد و احیای آن مستحب است. روز نیمه شعبان هم با فضیلت است و زیارت آن حضرت به خصوص در سرداب مطهر سامرا استحباب دارد.^۲

در تقویم ایران، نیمه شعبان را با نام «روز جهانی مستضعفان» نامگذاری کرده‌اند و در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب، همایش‌ها و سمینارهای متعددی به این مناسبت برگزار شده است، از جمله سمینار «اسلام و مستضعفان» در سال‌های ۱۳۶۴ ش به بعد. نیمه شعبان برای ما خاطره‌های شیرین و امیدآفرین دارد. در تبریز هم از سوی «بنیاد نیمه شعبان» و مسجد آیه الله انگجی، سال‌ها آیین‌های باشکوه و فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی انجام می‌گرفت و مجموعه آثار و مقالات، همه ساله با نام «شمس ولایت» منتشر می‌شد.

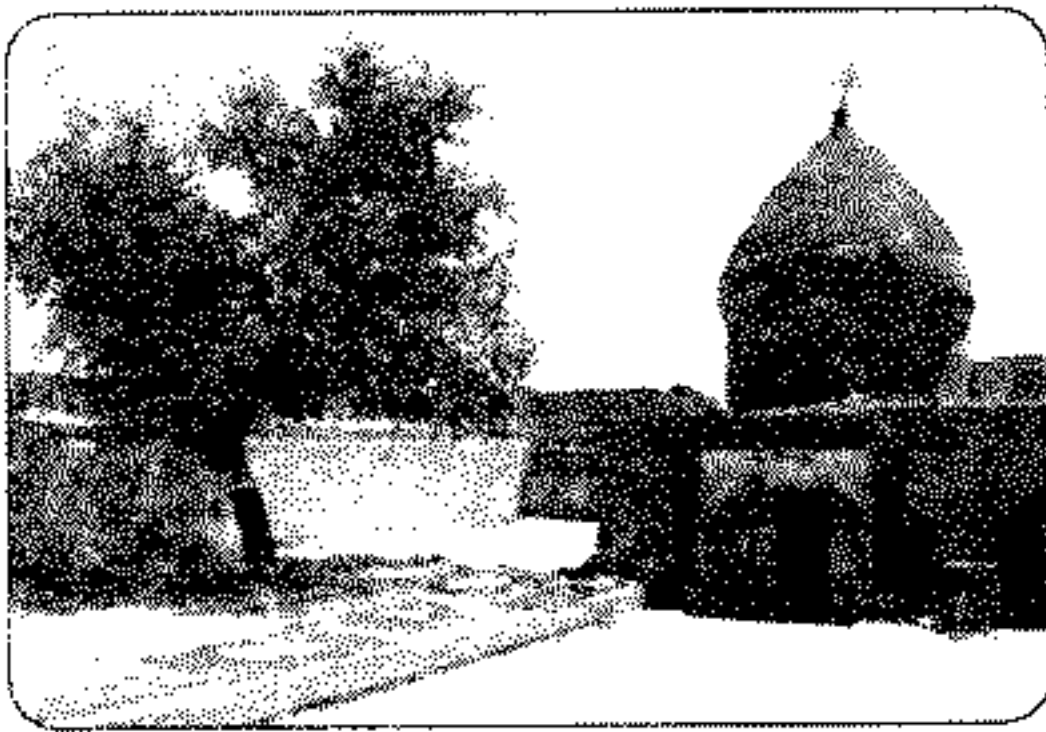
عاشقان را رسد این طرفه بشارت زسروش	که سحرگاه شب نیمه شعبان آمد
می‌کند مرغ سحر زمزمه بر شاخه گل	که ز نرگس ثمری پاک به دوران آمد
یادگار «حسن عسکری» پاک سرشت	که جهان را کند از عدل، گلستان آمد ^۳

← مهدیه، مسجد آیه الله انگجی، جشن‌های نیمه شعبان و ساواک.

۱. از جمله: کمال الدین، ص ۴۲۴، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲ و منابع تاریخی بسیار.
۲. برای آگاهی از اعمال و آداب شب و روز نیمه شعبان، رک: مفاتیح الجنان.
۳. دکتر قاسم رسا.

و. ه. ی

وادی السلام



یکی از مکان‌های منتسب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قبرستان وادی السلام در نجف اشرف است که به بزرگترین گورستان عمومی در جهان اسلام معروف است و فضیلت بسیار دارد. قبر حضرت هود و صالح در آن است و هزاران شخصیت علمی، اخلاقی،

معنوی در طول زمان در آن به خاک سپرده شده‌اند. طبق روایات، ارواح مؤمنین در پشت کوفه (که همان وادی السلام نجف است) حلقه حلقه گرد هم جمع می‌شوند و با هم مؤانست و گفتگو دارند.^۱ امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مؤمنی در شرق یا غرب زمین از دنیا نمی‌رود مگر آن که خداوند روح او را به وادی السلام می‌فرستد.^۲ یکی از جاهایی که در وادی السلام است، «مقام صاحب الزمان» است و در آن محرابی است منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، که یا در آن نماز خوانده، یا کرامتی از او ظاهر شده است، نیز کسانی در این مکان با امام زمان ملاقات داشته‌اند که یکی از آن ماجراها را علامه مجلسی هم نقل کرده است.^۳ در محراب آن

۱. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۲۳۵.

۲. همان، ص ۲۳۴.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۷۶.

مقام، زیارتنامه آن حضرت بر سنگی نقش بسته که مربوط به سال ۱۲۰۰ ق است. در روایاتی هم آمده است که محل منبر آن حضرت در آن جاست و امام صادق علیه السلام نیز در سفری به عراق، در آن سرزمین نماز خوانده و چون علت را پرسیده‌اند، فرموده است: «هذا موضع منبر القائم...». سید بحر العلوم هم گفته است که: محل منبر حضرت قائم در وادی السلام است که از آن به عنوان مقام حضرت مهدی روح الله تعالی یاد می‌شود، گنبدی با کاشی سبز دارد و پدرم آن را تعمیر کرده و در سال ۱۳۱۰ ق هم باز تعمیر شده و کراماتی به آن جا نسبت داده می‌شود.^۱ مجموعه این نکات و روایات، سبب توجه و اقبال اهل ایمان و معرفت به وادی السلام نجف است و بسیاری وصیت می‌کردند که پس از مرگ، در قبرستان وادی السلام دفن شوند. — اماکن منسوب به امام زمان، مقام صاحب الزمان.

وارث سنت‌های انبیایی

امام زمان که عصاره خلقت و کامل کننده هدف انبیا و نجات بخش بشریت است، خلاصه همه پیامبران است و نشانه‌هایی از همه آنان دارد و همچنان که سیره مهدوی، سیره نبوی هم هست (← سیره مهدوی و سیره نبوی) از انبیای دیگر هم سنت‌هایی در او جمع است و این نشان می‌دهد که راه و هدف و مقصد و منشأ، یکی است و قیامش تداوم نهضت پیامبران در دعوت مردم به حق و عدل و مبارزه با طاغوت‌ها و ستمگران و ارتقای معنوی و انسانی بشر است.

در احادیث است که او از پیامبران، سنت‌هایی دارد. سنت او از موسی، پنهان بودن ولادت و غیبت از قوم خود است. سنت او از ذوالقرنین، تمکین همه اسباب پیروزی برای او و نصرت با رعب است، سنت او از آدم و نوح، طول عمر است، سنت او از ابراهیم، پنهان بودن ولادت و کناره‌گیری از مردم است، سنت او از موسی، خوف و غیبت است. سنت او از عیسی، اختلاف مردم درباره او است، سنت او از ایوب، فرج بعد از ابتلاء است و سنت او از

۱. تحفة العالم، ج ۱، ص ۳۱۹ و ۲۵۶. در این زمینه رک: فصلنامه انتظار، شماره ۱۱ و ۱۲، تابستان ۱۳۸۳، ص ۴۳۱.

محمد ﷺ، خروج به سیف است.^۱

این سنت‌ها و شباهت‌ها، برخی تکوینی است، از نظر چهره و جسم و عمر و اثر ظاهری و نکات شاخص، برخی هم تشریعی است و به قول و فعل پیامبران مربوط می‌شود. توضیح بعضی از این‌ها از این قرار است:

طول عمر حضرت آدم ۹۳۰ سال بود (به روایت امام صادق علیه السلام در کمال الدین)، حضرت نوح ۹۵۰ سال قوم خود را دعوت کرد (طبق نقل قرآن) عمر او را تا ۲۵۰۰ سال هم گفته‌اند.

در مورد حضرت ابراهیم، نقل است که به دستور نمرود، پسران را نابود می‌کردند. مادرش که باردار او بود، ولادتش را پنهان کرد و هنگام وضع حمل، او را در غاری پنهان نمود و خودش مخفی از مردم و بستگان به او سر می‌زد، تا آن که بزرگ شد. حضرت موسی چون از سوی فرعونیان احساس ناامنی می‌کرد، از چشم آنان پنهان شد و از مصر کوچ کرد در حالت «خائفاً یَتَرَقَّب» و نزد شعیب رفت و سالیانی چوپانی گوسفندان او را بر عهده داشت. در مورد حضرت عیسی مردم دچار اختلاف شدند، که آیا او پیغمبر است یا مصلح است؟ زنده است یا کشته شده؟ چه کسانی او را کشتند؟ در زمین است یا به آسمان رفته است؟

حضرت ایوب دچار بلاها و امتحانات سختی از سوی خدا شد، هم در مورد خودش، هم همسر و فرزندانش، هم جسم و اموالش، و امتحان غربت و انزوا و عزلت از مردم را از سر گذراند تا از این بلوا و آزمون خارج شد.

پیامبر خدا ﷺ که خروج بالسیف داشت، یعنی اهل جهاد و قتال با مشرکین و منافقین در ده سال پس از هجرت به مدینه بود. این وضعیت درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم هست. حمل و تولدش پنهانی بود، دور از چشم‌ها زیست، دشمنان در پی کشتن او بودند، درباره او هم مردم اختلاف دارند که هست یا نیست؟ متولد شده یا بعداً به دنیا خواهد آمد؟ رنج و بلاهای آن حضرت هم در عصر غیبت فراوان است. همچون پیامبر خدا ﷺ با آن که مظهر

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷ (روایات مربوط به این سنت‌ها از ص ۲۱۵ تا ۲۲۵ آمده است)، نیز: منتخب الأثر، ج ۲، ص ۳۱۱، الغیبة، نعمانی، ص ۱۶۴.

رحمت الهی است و در زمانش عقل مردم به کمال خواهد رسید و پذیرای حکومت عدالت گسترش خواهند بود، ولی مخالفانی هم خواهند بود که تسلیم حق نمی شوند و چاره‌ای جز جنگ با آنان نیست و این همان «قیام بالسیف» است که در پیامبر خدا ﷺ هم بود. این سنت‌های مشترک و وجوه تشابه، نشان دهنده خط انبیایی مهدی عجل الله تعالی فرجه است که او را یادگار پیامبران و وارث رسولان می سازد و نشان می دهد که در نظام الهی، همه این بعثت‌ها، وصایت‌ها و وراثت‌ها در راستای یک هدف متعالی است.

در حدیث بسیار طولانی امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر که جزئیات فراوانی از ویژگی‌ها و غیبت و ظهور او را بیان می کند، آمده است که چون مهدی عجل الله تعالی فرجه بیاید، تکیه به کعبه داده و خطاب به همگان می فرماید: منم یادگار آدم و شیث!

هر که می خواهد آدم و شیث را ببیند، منم آدم و شیث

هر که می خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، منم نوح و منم سام.

هر که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، منم ابراهیم و اسماعیل

هر که می خواهد موسی و یوشع را ببیند، منم موسی و یوشع

هر که می خواهد عیسی و شمعون را ببیند، منم عیسی و شمعون

هر که می خواهد محمد و علی را ببیند، منم محمد و امیرالمؤمنین

هر که می خواهد حسن و حسین را ببیند، منم حسن و حسین

هر که می خواهد امامان دیگر را ببیند، منم امامان دیگر از نسل حسین...

هر که کتاب‌های آسمانی و صحف را می خواند، پس از من بشنود. آنگاه شروع می کند به خواندن کتاب‌هایی که خداوند بر آدم و شیث نازل کرده است، سپس از صحف نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و زبور می خواند، سپس از قرآن می خواند.^۱

پس او عصا و خلاصه خط همه پیامبران و اولیاء و اوصیای الهی است. به تعبیر زیبای زنده یاد استاد محمد رضا حکیمی:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ۹.

«مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان چون جد خویش محمد صلی الله علیه و آله که در ظلمات جاهلیت قیام کرد، در دل فسادها و تباهی‌ها و ظلمت‌های آخر الزمان قیام می‌کند و این پیشوای محمدی و دادگستر علوی و مصلح طالبی و شورشگر فاطمی و انقلابی حسینی و مرتبی جعفری و امام موسوی و قائد رضوی و حجت عسکری، با عصای موسی و انگشتی سلیمان پدیدار می‌گردد. او به روز عاشورا خروج می‌کند، در حالی که پرچم پیامبر را در دست دارد و زره پیامبر را به تن و عمامه پیامبر را بر سر و شمشیر پیامبر را در دست، و ۳۱۳ تن یاران خاص او به شمار یاران پیامبر در جنگ بدر، گرداگرد او جای دارند، آنان که حاکمان زمانند و وارثان زمین...»^۱.

آن که چون آید، به هر کس بازبان خویش گوید

آن که گویی من همانم، آنکه می‌خواهی همینم

آدم، نوح و خلیل، موسی ام، عیسی وقتم

انبیا و اولیا را، ز اولین تا آخرینم

آفتابم، آسمانم، واسطه رزق جهانم

هم زمانم، هم مکانم، هم شهرم، هم سنینم^۲

← معجزات امام زمان، نام‌ها و اوصاف و القاب، سیره مهدوی و سیره نبوی، قیام به سیف.

وجه الله

سیمای خدا، سیمای الهی، یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از آن جا که پیامبر خدا و ائمه معصومین علیهم السلام آینه خدا نما و نشان دهنده علم و حکمت و قدرت و رحمت خدایند، هریک از آنان «وجه الله» اند، یعنی نشان دهنده خدا، همچنان که هر کدامشان «آیه الله» و نشانه‌ای از خدایند. در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟» کجاست آن سیمای خدا، که اولیا به سوی او توجه می‌کنند و می‌نگرند؟ امامان، هم وجه خدایند، هم وجیه و آبرومند نزد خدا.

← نام‌ها و اوصاف و القاب.

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۴۴۴.

۲.

وحدت ادیان

گرچه دین مقبول نزد خدا «اسلام» است، یعنی تسلیم امر خدا بودن و بندگی کردن،^۱ ولی باگذشت زمان و تعدد ادیان و تعصب پیروان، امروز شاهد ادیان مختلفی در روی زمین هستیم، که حتی به آن‌ها هم که ریشه الهی و انبیایی دارند «ادیان ابراهیمی» گفته می‌شود. ریشه این اختلافات هرچه باشد روزی همه به وحدت می‌رسند و تنها یک آیین الهی بر جهان حکمفرما خواهد بود که در قرآن هم با تعبیر «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۲ بیان شده است و اسلام بر همه ادیان پیروز و غالب می‌شود.

طبق روایات متعدد، در زمان ظهور امام زمان (عج) در همه جهان خدای یکتا پرستیده می‌شود، اهل کتاب به اسلام می‌گروند، اسلام زنده می‌شود و یکتاپرستی و دین محمد (ص) پذیرش جهانی می‌یابد «حَتَّى لَا يُرَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ (ص)»^۳. امام صادق (ع) فرموده است: «... لَيُرفَعَنَّ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَيَكُونُ الدِّينُ كُلَّهُ وَاحِدًا»^۴. آن زمان، اختلاف از آیین‌ها و ادیان برداشته می‌شود و همه دین یکی می‌شود. این همان «وحدت ادیان» است و به این مضمون، روایات مختلفی نقل شده است. در برخی احادیث آمده است که آن حضرت، بین یهود و نصارا و مسلمانان و دیگران، بر اساس کتاب آسمانی هر فرقه قضاوت می‌کند، یعنی طبق تورات و انجیل و زبور و قرآن. این می‌رساند که در برهه اول هنوز پیروان ادیان دیگر هستند و الزامی به تغییر دین نیست و جزیه از اهل کتاب پذیرفته نمی‌شود، ولی در یک سیر تدریجی، این تعدد ادیان از بین می‌رود و در دولت مهدوی تنها یک دین که آن هم «اسلام» است پذیرفته می‌شود و بر آنان که معاند و لجوج اند سختگیری می‌شود تا در نهایت، حق را بپذیرند و موحد شوند. در روایتی آمده که امام مهدی (عج) و یاران او به جهاد خود ادامه می‌دهند تا آن‌جا که هیچ شرکی باقی نماند و همه به وحدانیت خدا معتقد شوند و اعتراف

فرهنگ
انتظار

۱. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، آیه ۱۹)

۲. توبه، آیه ۳۳؛ فتح، آیه ۲۸؛ صف، آیه ۹.

۳. از امام صادق (ع)، الغیبه، طوسی، ص ۴۷۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴.

کنند.^۱ این تحقق همان فرمان الهی است که به پیامبر فرموده است با مشرکان بجنگید تا فتنه ای نماند و همه دین از آن خدا باشد: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ».^۲

← مهدویت در ادیان و آیین های دیگر، کارکردهای انقلاب مهدوی، مهدویت و مشترکات مذاهب، چگونگی غلبه بر جهان.

وراثت صالحان ← وراثت مستضعفین

وراثت مستضعفین

از وعده های خداوند در قرآن، وراثت و حکومت مستضعفان جهان بردنیا و پیشوایی آنان و زوال قدرت طاغوت است: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».^۳ گرچه این آیه به تناسب سوره قصص و بیان سرگذشت بنی اسرائیل و زوال فرعون، به پیشوایی و سروری بنی اسرائیل مربوط می شود و در آیه بعد هم به این اشاره شده است، ولی طبق روایات، این وعده به صورت کامل در دوره ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد و این آیه به آن واقعه تفسیر شده است.



در حدیث مفصلی، سلمان فارسی از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نام امامان و پیشگویی وجود امام قائم را نقل می کند که آن حضرت در پایان فرمود: آن هنگام تأویل این آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...» تحقق می یابد.^۴ در نهج البلاغه نیز (خطبه ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۸۷) اشاراتی هست که دورانی خواهد آمد که دنیا به اهل بیت علیهم السلام روی می آورد و قرآن محور آراء و نظرها می شود که اشاره به عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در روایات متعددی «مستضعفین» به ائمه تأویل

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

۲. انفال، آیه ۳۹.

۳. قصص، آیه ۵.

۴. سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۳۶۱، به نقل از دلائل الامامه.

شده و وراثت آنان بر زمین، به امامت آنان تفسیر گشته است. این نویدی برای همهٔ مظلومان و محرومان جهان است که در انتظار فرج و ظهور آن منجی باشند. از امام علی علیه السلام دربارهٔ مستضعفین این آیه نقل شده که فرمود: آنان، آل محمدند، خداوند مهدی آنان را پس از تلاش برمی انگیزد و عزتشان می بخشد و دشمنشان را ذلیل می کند.^۱

ای مهدی، ای سلالهٔ پاکان	ای آفتاب نیمهٔ شعبان
باز آ، که در حکومت عدلت	فرمانروا شوند ضعیفان
آشفته ساز، قدرت قیصر	ویرانه، کاخ خسرو و خاقان
مستضعفان خاک نشین را	بتوازشان، به مائده بنشان
باز آ، که این جهان پر آشوب	گیرد به دست های تو سامان ^۲

← حکومت واحد جهانی، استخلاف، حکومت صالحان.

وظایف منتظران ← آیین انتظار

وقاتون ← توقیت

وکیل، وکلا ← تشکیلات وکالت

ولادت مخفی ← ویژگی های امام زمان علیه السلام

ولادت مهدی علیه السلام ← نیمه شعبان

ولایت فقیه

از موضوعات مرتبط با مهدویت و عصر غیبت امام زمان، ولایت فقیه است. امامان معصوم علیهم السلام در عصر حضورشان، حجت های الهی بر مردم و جانشینان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و رهبر جامعه و ولی امر مسلمانان اند. حقی که خدا برایشان قرار داده است و ولایت آنان همان ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله است. از آن جا که اسلام، دینی جاودانی است و مخصوص دورهٔ امامان نیست، و مسلمانان در عصر غیبت امام زمان هم نیازمند رهبر و پیشوایند، برای زمامداری

۱. کتاب الغیبه، طوسی، ص ۱۸۴.

۲. از نویسنده، بخشی از شعر «مهدی و انقلاب جهانی»، برگ و بار، ص ۱۱۸.

آنان در این عصر، تئوری «ولایت فقیه» پیش بینی شده که اندیشه سیاسی شیعه برای مدیریت جامعه و سامان بخشی به امور اسلام و مسلمین است.

ولایت فقیه به این معناست که مجتهد جامع الشرایط و دین شناس و زمان شناس و دارای قدرت مدیریت و بینش سیاسی و آگاهی به زمان و نیازها و برخوردار از تقوا و تعهد نسبت به احکام الهی، به عنوان «ولی» و «حاکم» عهده دار امور مسلمانان است و سرپرستی او بر اداره امور امت، از طرف امام زمان علیه السلام تصویب شده است. مجاری امور به دست آنان است که امین بر دین و دنیای مردم اند. ولایت فقیه، رهبری امت در عصر غیبت است که بر دوش فقهای پارسا و آگاه است و اگر در زمانی «بسط ید» داشته باشند و قدرت جامعه را به دست بگیرند و از پشتیبانی مردم هم برخوردار باشند، احکام اسلام را اجرا می کنند، ولایتشان مطلقه است و همه اختیاراتی را که پیامبر و امام در مدیریت امت اسلامی داشتند دارند.

ولایت فقیه در امتداد ولایت امام زمان علیه السلام و به نیابت از اوست و فقهای دین نابیان عام آن حضرت شمرده می شوند و مرجعیت دینی مردم با آنان است و اطاعتشان لازم. امام خمینی رحمته الله با طرح این مسأله و احیای این نظریه و با مبارزات سیاسی خود، حکومت اسلامی و حاکمیت ولی فقیه را تحقق بخشید. از گفته های اوست که: «تمام دلایلی که برای اثبات امامت، پس از دوران عهد رسالت آورده اند، به عینه درباره ولایت فقیه در دوران غیبت جاری است. احکام انتظامی اسلام مخصوص عهد رسالت نبوده یا عهد حضور نیست، لذا بایستی همان گونه که حاکمیت این احکام تداوم دارد، مسئولیت اجرایی آن نیز تداوم داشته باشد و فقیه عادل و جامع الشرایط، شایسته ترین افراد برای عهده دار شدن آن می باشد.»^۱

این بحث گسترده و علمی و فقهی، در این مختصر نمی گنجد، به کتاب های مفصل تر مراجعه شود.^۲

«غیبت کبری، حجت شناسی، شیعه در عصر ظهور، نیابت خاصه و عاقله».

۱. ولایت فقیه، محمد هادی معرفت، ص ۴۳.

۲. از جمله رک: ولایت فقیه، امام خمینی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، محمد تقی مصباح، ولایت فقیه، رهبری در اسلام، جوادی آملی، مبانی حکومت اسلامی، جوان آراسته، ولایت فقیه به زبان ساده، جوادی محدثی،

ولی الله اعظم عَلَيْهِ السَّلَامُ

ولایت از ارکان اعتقادی شیعه است. امامان ما دارای ولایت اند، از این رو «ولی الله» و «اولیاء الله» شمرده می شوند که در دعاها، زیارات و روایات با این عنوان از آنان یاد شده است. «ولی الله اعظم» از القاب امام عصر است، هم به این معنا که او ولی و دوست خداست، هم از جانب خداوند ولایت بر ما دارد، هم با قدرت ولایی خود و استفاده از قدرت خدایی اش، کارهای عظیم می کند. محتوای این ولایت الهی بزرگ، همان است که در القاب حجة الله، خلیفة الله و صاحب الامر نهفته است.

← نام ها و اوصاف و القاب، ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ

امام معصوم، از جانب خدا دارای مقام ولایت بر ماست، از این رو «ولی» نامیده می شود، همچنان که مولی بودن امام بر مؤمنین بر اساس همین ولایت است که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غدیر خم آن را اعلام کرد. امروز و در عصر و زمان ما که دوره غیبت است، امام و ولی ما از جانب خدا که اعتقاد به او و اطاعت از امرش واجب است، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است. از این جهت به او «ولی عصر» می گوئیم، همچنان که صاحب الزمان و امام زمان می گوئیم. ← نام ها و اوصاف و القاب، امام زمان، صاحب الزمان.

ویژگی های امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ خصائص و ویژگی های بسیاری دارد که به گوشه ای از آن ها اشاره می شود:

۱. خفای حمل و ولادت
۲. غیبت و نهان زیستی، خفای زندگی
۳. طول عمر و دراز زیستی

ولایت فقیه زیربنای حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان و کتب دیگر.

۴. حرمت تسمیه ونهی از بردن نام خاص او^۱
 ۵. لقب خاص «قائم»، با این که همه ائمه قائمند، ولی این لقب اختصاص به آن حضرت دارد. (← قائم)
 ۶. خصوصیات جسمی و جوانی سیما هنگام ظهور، با آن که سنّ او زیاد است (← سیمای مهدی (عجل الله تعالی فرجه))
 ۷. نداشتن باریعت و پیمان با هیچ کس هنگام ظهور^۲
 ۸. تقیه نداشتن و مأمور به تقیه نبودن در عمل به کتاب خدا
 ۹. حفظ جان و سلامت او به قدرت الهی در طول سالیان دراز
 ۱۰. نصرت الهی او و این که منصور به رعب است (← سپاه رعب)
 ۱۱. قیام مسلحانه و «قیام به سیف» برخلاف امامان دیگر (← قیام به سیف)
 ۱۲. در نور دیده شدن زمین در زیر پای او، طیّ الأرض^۳.
- یکی از نویسندگان معاصر، ویژگی ها و خصائص آن حضرت را در پنج بخش تقسیم کرده است (خصائص قبل از ولادت، خصائص ولادت، خصائص دوران غیبت، خصائص دوران ظهور، و سایر خصائص) و در نوشته خود بیش از ۵۰ ویژگی یاد کرده است، از قبیل: اخبار ائمه به وجود او، خفاء حمل، خفاء ولادت، تکلم در شکم مادر، سجده در نخستین لحظه ولادت، نقش آیه قرآن بر بازوی او (جاء الحق...)، همنام و هم کنیه بودن با پیامبر، شباهت به رسول خدا ﷺ، لقب اختصاصی قائم، برخاستن هنگام ذکر لقب خاص او، ندای آسمانی هنگام ظهورش، سالمند ولی در قیافه جوانان، رایت ویژه مهدی، رجعت در زمان او، نصرت با فرشتگان، نصرت با رعب، نزول عیسی از آسمان و اقتدا به او، جوان بودن اصحاب او...^۴

۱. به بحث «تسمیه» رجوع کنید، نیز: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۱ به بعد.
 ۲. امام صادق (ع): «يَقُومُ الْقَائِمُ ﷺ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَقْدٌ وَلَا عَهْدٌ وَلَا بَيْعَةٌ» (الغيبة، نعمانی، ص ۱۷۱ و ۱۹۱).
 ۳. «وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ» (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷).
 ۴. ویژه نامه «شمس ولایت»، سال ۱۳۸۲، مسجد آیه الله انگجی تبریز، مقاله خصائص الحجة، علی کریمی

محدث قمی نیز در منتهی الآمال، ۴۶ ویژگی تحت عنوان «خصائص حضرت صاحب الزمان» ذکر کرده است، همچون امتیاز نور ظل آن جناب، شرافت نسب، بردن ملائک او را به سراپرده عرش، بیت الحمد، حرمت بردن نام او، ختم وصایت به او، غیبت از روز ولادت، عدم معاشرت و مصاحبت با کفار، نبودن بیعت و عهدهی برگردن او، داشتن علامتی در پشت مبارک، ظهور آیات غریبه و علامات سماویّه، ندای آسمانی به نام او مقارن ظهور، ظهور مصحف امیر المؤمنین، رفتن وحشت و نفرت از میان حیوانات، تکمیل عقول مردم به برکت وجود آن حضرت و^۱

خلیلی، یوسفی، نوحی، سلیمانی؟ نمی دانم دم پاک مسیحا و کف موسی بن عمرانی
اگر حسن تورا وصفی شود، من فاش می گویم تو برتر از هزاران یوسف زیبای کنعانی^۲
- معجزات امام زمان، طول عمر، چگونگی غلبه بر جهان، سپاه رعب.

هرج و مرج

آشفته گی اوضاع و به هم ریختگی امور و گسیخته شدن نظام جامعه که از آن به «هرج و مرج» تعبیر می شود، یکی از مقدمات و علائم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. معنای دیگر هرج و مرج، فتنه و آشوب و کشتار است. قبل از ظهور، جهان دچار این وضع خواهد شد و این در روایات آمده است. امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حال امام عصر در دوران غیبت پرسید. حضرت از جمله اوضاع جهان را پر شدن عالم از ظلم و جور و هرج و مرج دانست و فرمود: «وَذَلِكَ عِنْدَ مَا تَصِيرُ الْأُمُورُ هَرْجًا وَ مَرَجًا وَيُغَارُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ...»^۳ این در دورانی است که کارها آشفته و دچار هرج و مرج می شود، افراد به یکدیگر شبیه خون می زنند، بزرگ به کوچک رحم نمی کند، قوی به ضعیف ترخم نمی کند، آنگاه است که خداوند به آن

فرهنگ
انتظار

جهرمی. نیز رک: خصایص المهدی، محمد راجی، خصایص المهدی، صادق کوهستانی، الخصایص المهدیه، محمد باقر فقیه ایمانی.
۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۶۳.
۲. سید عباس صدرالدینی.
۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

حضرت اذن خروج می دهد.

— آخر الزمان، علائم ظهور، فسادهای آخر الزمان.

همسرو فرزندان

از موضوعات مطرح درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که آیا آن حضرت، ازدواج کرده؟ همسرو فرزندانی دارد؟ آنان کجا هستند و در چه شرایطی زندگی می کنند؟ زندگی مخفی و نهان زیستی او چگونه با داشتن همسرو فرزندان هماهنگ می شود و سؤالاتی از این دست. از این جهت که او انسان است و غرایز انسانی دارد و پیرو شریعت آسمانی و پیشوای اسلام است، قاعدتاً باید خانواده و اولاد داشته باشد، ولی جواب روشن و قاطعی در این مسأله نمی توان داد و دیدگاه علما و محققان هم متفاوت است و مستندات روایی هم جواب قانع کننده نمی دهد. معتقدان به داشتن همسرو فرزند، به عباراتی که در برخی دعاها و زیارتنامه ها و روایات آمده، استناد می کنند. از قبیل این که در دعای زمان غیبت که از امام رضا علیه السلام روایت شده، این عبارت آمده است: «اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ وَتُسَرِّبُهُ نَفْسُهُ»^۱ خدایا به آن حضرت در جان خود و خانواده و فرزندان و ذریه و امتش آن چه را که مایه چشم روشنی و خوشحالی و رضای خاطر اوست به او عطا کن. در صلوات دیگری بر آن حضرت آمده است: «وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ وَالْأَمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ وَمُدِّي أَعْمَارِهِمْ»^۲ که درود بر آن حضرت و عهده داران عهد او و پیشوایان از اولاد او درود می فرستیم و خواستار طول عمر آنان هستیم. در روایتی هم از امام صادق علیه السلام است که وقتی آن حضرت ظهور کند، با خانواده و عیالش در مسجد سهله سکونت می کند و منزل می گیرد.^۳ درباره مسجد سهله حدیث است که وقتی صاحب الزمان با خانواده اش بیاید، منزلگاه او خواهد بود «مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَدِمَ بِأَهْلِهِ»^۴. چنین تعبیراتی البته یقین آور

۱. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۴.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۲۲.

۳. «كَأَنِّي أَرَى نَزُولَ الْقَائِمِ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ...» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷).

۴. همان، ص ۲۳۱.

نیست. از این رو بعضی هم معتقد به ازدواج او و داشتن همسر و اولاد نیستند و آن را با شرایط دوران طولانی غیبت که نه شخص آن حضرت و نه مکان زندگی اش برای مردم شناخته شده نیست مغایر می دانند و داشتن زندگی مخفی هزار ساله را مغایر با ازدواج و فرزندآوری و سکونت در اماکن عادی می شمارند.

بعضی هم در ارتباط با این موضوع، به «جزیره خضراء» استناد می کنند و این که فرزندان آن حضرت در آن جزیره رمزآلود حکومت و ریاست دارند که البته محققان به نقل های مربوط به آن جزیره به دیده اعتبار نمی نگرند و آن را ضعیف می شمارند. هر چند طبق قاعده و بر اساس عمل به سنت نبوی در مورد ازدواج، نمی توان داشتن همسر و فرزند را رد کرد، ولی دلیل محکمی بر اثبات آن هم نیست و روایتی صریح در این مورد وجود ندارد و از عبارات دعا و زیارت نامه هم نمی توان به نظر قاطع دست یافت. البته میان علما این دو دیدگاه وجود دارد و هر کدام نیز برای خود دلایلی می آورند، ولی با توجه به مخفی بودن و ناشناس بودن او، چنین مسأله ای دشوار به نظر می رسد. افزون بر این که این موضوع، چندان بعد اعتقادی ندارد و دانستن یا ندانستن آن هم مشکلی به وجود نمی آورد یا مشکلی را حل نمی کند و برای ما اهمیت ندارد.

— مکان امام زمان علیه السلام.

یاد مهدی علیه السلام

امام زمان، پیشوای غایب از نظر و موعود الهی است که فرهنگ انتظار، ما را به او پیوند می دهد. از این رو برای بهره وری و اثرپذیری از این فرهنگ و آیین، باید پیوسته به یاد او باشیم، انتظار فرجش را داشته و برای آن دعا کنیم، در مجالس و محافل و تعقیبات نماز و در دعاها از او یاد کرده، دل ها را متوجه او سازیم. در توصیه های دینی، اگر به خواندن دعای ندبه و فرج و استغاثه به نام او و دعا در شب های جمعه و صبح های آدینه و ایام زیارتی و شب های رمضان و نیمه شعبان تأکید شده است، برای زنده ماندن یاد او در دل های شیعه است. وقتی آن حضرت فرموده است که ما به یاد شما هستیم و شما را رها نکرده ایم «أنا غیر مُهمَلینَ

لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ^۱ ما هم باید پیوسته به یاد او باشیم. این یاد، امیدبخش و تقوا آفرین و بازدارنده از غفلت و گناه است. برگزاری جشن‌ها، مسابقات فرهنگی، کتابخوانی، کارهای هنری، شعرو سرود، فیلم و نمایش، مقاله نویسی و عکاسی، سمینار و همایش، جلسات دعای ندبه و توسل، جمکران و مسجد سهله و کوفه، دعای فرج و عهد و زیارت آل یاسین، برنامه‌های صدا و سیما، حفظ حدیث و... نمونه‌ها و مظاهری از یاد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. نباید از یادمان برود که او مولای ما و حجت خدا و امام زنده و ناظر بر اعمال ماست و ماتحت ولایت اویم.

→ زندگی مهدوی، زیارت آل یاسین، دعای عهد، دعا برای فرج.

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دو گروه‌اند، یکی یاران و اصحاب خاص که شمار آنان ۳۱۳ نفر است و اوصاف و فضایل و مشخصات آنان در احادیث آمده است، دیگری یاران عام، یعنی همه کسانی که در عصر غیبت، در انتظار اویند و زمینه سازی و صبر و مقاومت می‌کنند و در عصر ظهور هم به موج گسترده یاری کنندگان نهضت جهانی‌اش می‌پیوندند و مطیع و مجری فرمان اویند. هر مسلمان با ایمانی می‌تواند از یاران او (به معنای دوم) باشد. از این رو در دعاهای بسیاری از خداوند می‌خواهیم که ما را از یاوران و مدافعان و حامیان او و مجریان فرمانش و شهیدان در رکابش قرار دهد «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَمَثِّلِينَ لِأُؤَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ...»^۲ این گونه دعاها، نوع یاری و همکاری و نصرت را هم بیان می‌کند.

یاران خاص او به گفته روایات ۳۱۳ نفرند، به تعداد اصحاب بدر و یاران پیامبر در آن نبرد. ملیت و وطن آنان نیز از جاهای مختلف است و از مصر و عراق و شام و یمن و قزوین و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، در توقیع خطاب به شیخ مفید.

۲. مفاتیح الجنان، دعای عهد.

قم و طالقان و شهرهای مختلف اند^۱ و تعدادی از آنان نیز از زنان اند (۱۳ یا ۵۰ نفر).^۲ درباره ویژگی های اصحاب آن حضرت نیز، از نظر قدرت جسمی، سن و سال، فکر و ایمان، اخلاق و رفتار، شجاعت و نستوهی، عبادت و پارسایی، زهد و ساده زیستی، قاطعیت و صلابت و ... روایات بسیاری نقل شده است. مردانی خداترس، باتقوا، شهادت طلب، مطیع فرمان، ساده زیست، شیران روز و زاهدان شب، غیور و اهل صدق و صفا، عاشق مهدی و پیشتاز در اطاعت امر، اهل ایثار و گذشت و شب زنده داری، با چهره هایی نورانی، جوان و ... با آغاز ظهور، از همه سو خود را به مکه می رسانند و با آن حضرت بیعت می کنند و در پی اجرای مأموریت خود به اطراف می روند، اصحابی با دلهای فروزنده و روشن، آماده جان بازی و شهادت که شعارشان «یا لثارات الحسین» است.

رسیدن به این جایگاه ممتاز و افتخار بزرگ، خودسازی و تقوای خواهد. امام صادق علیه السلام به بیان شرایط خاص پذیرش اعمال بندگان از سوی خداوند پرداخت و ضمن بیان شهادت به توحید و رسالت و ولایت اهل بیت و برائت از دشمنان آنان و تسلیم و ورع و طمأنینه، «انتظار قائم» را هم از شرایط قبولی اعمال دانست و وعده دولت اهل بیت را داد و فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَحَسَنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ...»^۳ هر که دوست دارد از اصحاب قائم باشد، در انتظار او باشد. با ورع و پارسایی عمل کند، اخلاق

در برخی منابع، خطبه ای با عنوان «خطبة البیان» به علی علیه السلام نسبت داده اند که در آن نام تک تک اصحاب و نام شهر و قبیله و تعداد یاران او از هر شهر آمده است و بعضی هم آن اسامی را به صورت جدولی تنظیم کرده اند،^۴ ولی در منابع معتبر چنین خطبه ای نیست.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴ و ۳۰۹.

۲. در روایاتی عدد چند هزار هم آمده است. ممکن است ۳۱۳ نفر یاران ویژه یا فرماندهان اصلی سپاه او باشند و در میان اصحاب او درجه بندی هایی وجود داشته باشد.

۳. الغیبة، نعمانی، ص ۲۰۰.

۴. سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، امین گلستانی، ج ۲، ص ۶۱.

در کتاب «المحجة فيما نزل في القائم الحجة» سید هاشم بحرانی دو حدیث مفصل از امام صادق عليه السلام به همین صورت نقل شده است.^۱ نیز در «المعجم الموضوعی لأحادیث الامام المهدي»^۲ چهار روایت بیان کرده است که سند چندان معتبری ندارند. این ۳۱۳ نام در کتب مختلفی نقل شده و به خطبه «بیان» از حضرت علی عليه السلام نسبت داده می شود.

روایات زیادی درباره یاران آن حضرت وجود دارد که اوصاف و ویژگی های آنان را بیان می کند، از جمله جوان بودن آنان را: «اصحاب المهدي شباب لا كهول فيهم»^۳، اصحاب مهدی همه جوانند و پیر در میان آنان نیست.

برخی یاران امام را از نظر موقعیت و نقش و ویژگی هایشان به هفت قسمت تقسیم کرده اند:

۱. ابدال: که یاران ویژه او در زمان غیبت اند و مأموریت هایی را از طرف او انجام می دهند.
۲. وزراء: که یاران خالص او از نژاد غیر عرب اند و سنگینی های حکومت او را بردوش دارند.
۳. حکام: که همان ۳۱۳ نفر اصحاب ویژه امام و فرماندهان نهضت آخر الزمانند که ۵۰ نفرشان از زنان اند.^۴ انصار: که ۱۰ هزار نفر نیروی رزمی اند که پس از تکمیل عدد آنان، امام از مکه خارج می شود،^۵ و حلقه انصار نام دارند.
۵. اشیاع: که شیعیان قبل از آمدن امام اند که ایمان خود را در عصر غیبت حفظ می کنند.
۶. اتباع: اینان از زمان ظهور به امام اعتقاد پیدا می کنند و به نهضت او می گروند.
۷. اولیاء: دوستدارانی که به مرحله اعتقاد نمی رسند ولی دوستدار مهدی اند. (این تقسیم بندی ذوقی به نظر می رسد، نه علمی و مستند).

— سیصد و سیزده، عهدنامه یاران مهدی عليه السلام.

يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

شعار یاران امام زمان عليه السلام هنگام حرکت برای خونخواهی سید الشهداء عليه السلام، امام صادق عليه السلام درباره ی آنان فرمود: به شهادت فرامی خوانند و آرزویشان شهادت در راه خدا

۱. سیمای حضرت مهدی در قرآن (ترجمه المحجة ...)، حدیث ۱۵ و ۱۷.

۲. از: علی الکورانی، ص ۳۸۱.

۳. امام مهدی، از ولادت تا ظهور، ص ۵۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷.



و شعارشان «یا لثارات الحسین» است. معنای آن، یعنی: ای خونخواهان حسین! در نهضت توایین و قیام مختار ثقفی هم که به خوانخواهی سید الشهداء علیه السلام انجام گرفت، این جمله، شعار و علامت رمز

فراخوانان آنان بود. از آن جا که حضرت مهدی علیه السلام خونخواه سالار شهیدان است و در دعای ندبه هم «أَيْنَ الظَّالِمِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكربلاء» آمده است، شعار یاوران آن حضرت در قیام عدالتخواهانه اش نیز «یا لثارات الحسین» خواهد بود.^۱ «این شعار شورآور، از ظهر عاشورا از درون خاک خونین کربلا برخاست و در جام خورشید ریخت و به همه چیززنگ خون زد، شفق خونبار را بیاراست و فجر بیدار را بیاکند...»^۲

...منتقم، پیوند حسین علیه السلام و مهدویت.

یمانی

یمانی به معنای شخص یمنی است. جنبش یمانی یکی از علانم پنجگانه حتمی و قطعی ظهور است و در کنار خروج سفیانی و خروج خراسانی و خسف و ندای آسمانی از آن هم یاد شده است.^۳ در روایات از خروج شخصی یمنی که پرچمدار یک حرکت زمینه ساز برای قیام مهدی علیه السلام است یاد شده و پرچم یمانی هدایت یافته ترین پرچم شمرده شده است، یعنی جنبش او که مردم را به امام زمان علیه السلام فرامی خواند، از حرکت های مورد تأیید و در خط موعود جهانی است. امام باقر علیه السلام از خروج او خبر داده و به تبعیت از او سفارش کرده و از مخالفت و سرپیچی او نهی کرده و وعده آتش به مخالفانش داده است، زیرا او به حق و به صراط مستقیم دعوت می کند: «لأنه يدعوا إلى الحق وإلى طريق مستقيم»^۴. به فرموده

۱. الملاحم والفتن، سید بن طاووس، ص ۵۲، شعار هم یا لثارات الحسین.

۲. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۴۱۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴.

۴. همان، ص ۲۳۲.

امام صادق علیه السلام خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق خواهد افتاد.^۱ در روایات، از مردم یمن بسیار ستایش شده و از حرکت تمهیدی آنان برای ظهور، به خصوص قیام رهبر آن حرکت به نام «یمانی» یاد شده است و این به خاطر اخلاص، فداکاری و روحیه مقاوم آنان است. «پرچم یمانی» در روایات مهدویت زیاد آمده است.

— یمنی ها و آخر الزمان، خروج یمانی، نقش یمنی ها در عصر ظهور.

یمنی ها و آخر الزمان



یمنی های پیرو اهل بیت علیهم السلام همچنان که در صدر اسلام و دوره پیامبر خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام نقش آفرین بودند و در فتوحات اسلامی هم شجاعت ها و فداکاری ها به خرج دادند، در عصر ظهور امام زمان علیه السلام و در طلیعه آن قیام هم نقش آفرین خواهند بود و در عصر غیبت، از زمینه سازان و یاوران حضرت قائم اند.^۲ «یمانی»، و خروج او

یکی از علائم پنجگانه حتمی ظهور است و در روایات، از او به عنوان زمینه ساز و یاور و وزیر امام زمان یاد شده است که در یمن قیام می کند و حکومت را به دست می گیرد و با سپاه خود به یاری آن حضرت رفته و با دشمنانش می جنگد (خروج الیمانی من الیمن).^۳ پرچم یمانی پرچم هدایت است که به حق راهنمایی می کند «لیس فیها رایة بأهدی من رایة الیمانی، تهدی الی الحق». این نشان می دهد که موقعیت او و سپاهش نزد حضرت مهدی علیه السلام بالاست. پس از قیام، مردم را به آمدن امام بشارت می دهد و به پیروی از او فرا می خواند. روایات مربوط به «یمانی» نقش یمنی ها را هم مشخص می سازد. در روایتی نام یمانی، حسن، یا حسین و از نسل «زید بن علی» گفته شده است. طبق روایات، پس از ورود سفیانی به عراق، یمانی و

۱. همان، ص ۲۱۰.

۲. رک: «الیمانیون قادمون»، علی الکورانی و ترجمه فارسی آن «پیشگامان یمنی»، نشر معروف، قم.

۳. کمال الدین، ص ۳۲۸.

۴. الغیبة، طوسی، ص ۴۴۶.

نیروهای یمنی او با پشتیبانی نیروهای ایرانی برای نبرد با او وارد عراق می شوند و در منطقه خلیج فارس و کشورهای این حوزه هم فعال خواهند بود.

— یمنی، نقش یمنی ها در عصر ظهور.

یوم الله — ایام الله

یوم الفتح

روز پیروزی، روز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، روز غلبه دین خدا بر دین ها و شکست مستکبران و پیروزی جبهه حق. از آن جا که امام عصر در آخر الزمان همه دل ها، قلعه ها و قدرت ها را فتح خواهد کرد و دست به فتوحات بزرگی در سطح جهان خواهد زد،^۱ روز ظهور او «یوم الفتح» است. در دعای ندبه از آن حضرت به نام «صاحب یوم الفتح» یاد شده که رایت هدایت را می گسترانند. در روایات، سخن از فتح شرق و غرب جهان به دست اوست. امام صادق علیه السلام آیه «قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ»^۲ را بر روز فتح دنیا به دست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق داده است.^۳

— فتوحات مهدویه، چگونگی غلبه بر جهان، ایام الله.

یوم الخلاص

روز رهایی و نجات. هدف نهایی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و برپایی حکومت عدل جهانی، رها ساختن انسان ها از ستم طاغوت است. این وعده با قیام آن حضرت تحقق می یابد. از این رو، روز ظهور امام زمان «یوم الخلاص» نام دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبه ای که خبر از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و فتنه دجال و پاک شدن شهرها از خبث وجود دجال می داد، فرمود: «و يُدْعَى ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ الْخُلَاصِ»^۴ آن روز، روز خلاص و رهایی نامیده می شود.^۵

— جهان در عصر ظهور، ایام الله، فتوحات مهدویه.

۱. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۳۳ (و یفتح له فتوح).

۲. سجده، آیه ۲۹.

۳. منتخب الأثر، ج ۳، ص ۱۳۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۵. نیز نام کتابی از کامل سلیمان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رک: کتابشناسی مهدویت.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، شیخ حرّ عاملی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴. الاحتجاج، علامه طبرسی، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۵. الاختصاص، شیخ مفید، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۳ ش.
۶. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، مطبوعاتی حسینی، نشر نبأ، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۷. الارشاد، شیخ مفید، کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۸. اعیان الشیعه، سید محسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۹. امام مهدی از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی، الهادی، قم، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. انتظار، مکتب اعتراض، علی شریعتی، حسینیه ارشاد، تهران، ۱۳۵۰ ش.
۱۱. اندیشه انتظار، احمد زمانی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. انتظار، (فصلنامه) مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. بحث حول المهدی، شهید محمد باقر صدر، دارالتعارف، بیروت، ۱۹۷۷ م.
۱۵. برگ و بار (مجموعه شعر)، جواد محدثی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. بر محمل بال ملائک، سید مهدی شجاعی، محراب قلم، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. پیدای پنهان (نشریه)، مسجد آیه الله انگجی، تبریز، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. پیغام زخم، پرویز خرسند، نشر نقطه، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۹. تاریخ الغیبة الصغری، محمد الصدر، مکتبة الرسول الأعظم، ۱۳۹۲ ق.
۲۰. تاریخ الغیبة الکبری، محمد الصدر، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۵ ق.
۲۱. تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی، جباری و، نشر ظهور، قم، ۱۳۷۹ ش.

۲۲. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ش.
۲۳. تشیع، مقاومت و انقلاب (مقالات کنفرانس بین المللی دانشگاه تل آویو)، ۱۳۶۸ ش.
۲۴. تفسیر البرهان، سید هاشم بحرانی، مؤسسه بعثت، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۲۵. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، المكتبة العلمیه، قم، ۱۳۸۰ ق.
۲۶. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، نجف اشرف، ۱۳۸۷ ق.
۲۷. تفسیر نور الثقلین، الحویزی، المطبعة العلمیه، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، وزّام، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۹. تنقیح المقال، مامقانی، مطبعة مرتضویّه، نجف اشرف، ۱۳۵۲ ق.
۳۰. تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۳۱. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، نجم الدین طبسی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳۲. چشم به راه مهدی، مجموعه نویسندگان مجله حوزه، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۵ ش.
۳۳. الحیاء، محمد رضا حکیمی، دلیل ما، قم، ۱۳۸۴ ش.
۳۴. حیاة الامام العسکری علیه السلام، باقر شریف القرشی، دارالکتب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. الحركة الاصلاحیة من الحسین الی المهدی، سید صدرالدین القیانچی، مرکز تخصصی مهدویت، قم.
۳۶. خدا کند توییایی، سید مهدی شجاعی، انتشارات برگ، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۳۷. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۳۸. الخصال، (با ترجمه) شیخ صدوق، کتابفروشی اسلامیّه، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳۹. دانشنامه امام مهدی، محمدی ری شهری و گروه نویسندگان، دارالحديث، قم، ۱۳۹۳ ش.
۴۰. در فجر ساحل، محمد حکیمی، انتشارات طباطبایی، قم، ۱۳۵۰ ش.
۴۱. دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۴۳. رودخانه رؤیا، احمد عزیزی، انتشارات برگ، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۴۴. روضه کافی، کلینی، انتشارات علمیه اسلامیّه، تهران، ۱۳۵۰ ش.
۴۵. روزنامه قدس، آستان قدس رضوی.
۴۶. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ق.
۴۷. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق، قم، ۱۳۷۶ ش.

۴۸. زندگی مهدوی، جواد محدثی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم، ۱۳۹۲ ش.
۴۹. سیمای حضرت مهدی در قرآن، سید هاشم بحرانی، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، نشر آفاق، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۵۰. سیمای جهان در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه، محمد امینی گلستانی، جمکران، قم، ۱۳۸۹ ش.
۵۱. سیره معصومین (ج ۵)، جمع مؤلفان، نشر معروف، قم، ۱۳۹۷ ش.
۵۲. سفرای امام زمان، علی دوانی، دبیرخانه اجلاس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم، ۱۳۸۵ ش.
۵۳. شمس ولایت (نشریه سالانه)، مسجد آیه الله انگجی، تبریز، ۱۳۸۲ ش.
۵۴. شهر الله فی الكتاب والسنة، محمدی ری شهری، دار الحديث، قم، ۱۳۸۲ ش.
۵۵. شیعه در اسلام، علامه طباطبائی، چاپ اول، دار التبلیغ اسلامی، قم، ۱۴۴۶ ق.
۵۶. صحیفه نور، امام خمینی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۵۷. عصر الظهور، علی الکورانی، دار الهدی للطباعة والنشر، قم، ۱۴۲۵ ق.
۵۸. علل الشرایع، شیخ صدوق، مكتبة الداوری، قم، ۱۳۸۵ ق.
۵۹. الغدير، علامه امینی، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۳۸۷ ق.
۶۰. الفرق بین الفرق، عبدالقاهر بغدادی، مكتبة محمد علی صبیح، قاهره، بی تا.
۶۱. فرهنگ کوثر (مجله)، شماره ۷۴، آستان حضرت معصومه، قم، ۱۳۸۷.
۶۲. فرهنگنامه مهدویت، خدا مراد سلیمیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم، ۱۳۸۳ ش.
۶۳. قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه، شهید مرتضی مطهری، انتشارات وحی، قم، ۱۳۵۴ ش.
۶۴. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۶۵. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، مؤسسة المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۷ ق.
۶۶. کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، مكتبة الصدوق، تهران.
۶۷. کشف الغمّه، علی بن عیسی اربلی، دار الکتب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۶۸. کفایة الموحّدين، سید اسماعیل طبرسی نوری، مكتبة المصطفوی، قم، ۱۳۸۲ ق.
۶۹. کمال الدین، شیخ صدوق، انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین، قم، ۱۳۶۳ ش.
۷۰. کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۵ ق.
۷۱. گفتمان مهدویت، جمعی از نویسندگان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷ ش.
۷۲. مأتان و خمسون علامة حتی ظهور المهدی عجل الله تعالی فرجه، سید محمد علی طباطبائی حسینی، دار البلاغ، بیروت، ۱۹۹۹ م.

۷۳. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ ق.
۷۴. المحاسن، محمد بن خالد برقی، دار الکتب الاسلامیه، قم، بی تا.
۷۵. المحجّة فیما نزل فی القائم الحجّة، سید هاشم البحرانی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۷۶. مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت، سید هادی خسروشاهی، اطلاعات، ۱۳۹۴ ش.
۷۷. معانی الأخبار، شیخ صدوق، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۱ ش.
۷۸. معارف مهدوی، دبیرخانه اجلاس حضرت مهدی علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ش.
۷۹. معارف مهدویت، جمعی از نویسندگان، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.
۸۰. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، مؤسسة المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.
۸۱. المعجم الموضوعی لأحادیث الامام المهدی علیه السلام، علی الکورانی، نشر معروف، قم، ۱۴۲۶ ق.
۸۲. معجم بلدان عصر الظهور، عبدالرسول زین الدین، منشورات الفجر، بیروت، ۱۴۳۰ ق.
۸۳. معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، سید محسن طباطبایی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۹ ش.
۸۴. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی (خط طاهر خوشنویس)، تهران، ۱۳۷۰ ش.
۸۵. الملاحم والفتن، سید بن طاووس، مؤسسة صاحب الأمر، ۱۴۱۶ ق.
۸۶. منتخب الأثر (۳ جلدی)، لطف الله صافی گلپایگانی، نشر دفتر معظم له، قم، ۱۴۲۸ ق.
۸۷. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۲ ق.
۸۸. الممهّدون للمهدی، علی الکورانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۸۹. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴ ق.
۹۰. من هو المهدی؟، ابوطالب تجلیل، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۲۵ ق.
۹۱. موسوعة العتبات المقدسه، جعفر الخلیلی، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۹۲. موسوعة سيرة اهل البيت علیهم السلام، باقر شریف القرشی، نشر معروف، قم، ۱۴۲۰ ق.
۹۳. موعود شناسی، علی اصغر رضوانی، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ش.
۹۴. موعودی که جهان در انتظار اوست، علی دوانی، دبیرخانه اجلاس حضرت مهدی علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ش.
۹۵. موعودنامه، مجتبی تونه‌ای، انتشارات مشهور، قم، ۱۳۸۳ ش.
۹۶. مهدی، انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هدف، قم.

فهرست منابع

۹۷. المهدی، سید صدرالدین الصدر، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۹ ش.
۹۸. مهدی موعود، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۹۹. مهدی موعود، علامه مجلسی (۲ جلد)، ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای، مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۶ ش.
۱۰۰. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبائی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷ ق.
۱۰۱. النجم الثاقب، میرزا حسین نوری، انتشارات جعفری، مشهد، ۱۳۶۱ ش.
۱۰۲. نجوای شبانه، سید حامد حسینی و دیگران، نجوا، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۰۳. واژه‌نامه ابدی، احمد عزیزی، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۰۴. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ ق.
۱۰۵. ولایت فقیه، محمد هادی معرفت، انتشارات تمهید، ۱۳۷۷ ش.
۱۰۶. ینابیع المودّه، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، مکتبه الحیدریّه، نجف، ۱۳۸۴ ق.
۱۰۷. یوم الخلاص، کامل سلیمان، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، ۱۳۹۹ ق.

موضوعات و مفاهیم

دعای افتتاح	بعد غیبی مهدی موعود	آثار تربیتی انتظار
دعای سلامتی امام زمان	بهائیت	آثار وجودی امام غایب
دعای عهد	بیعت	آخر الزمان و قیامت
دعای فرج	بیست و هفت حرف علم	آزمایش و امتحان
دعای ندبه	پاداش دینداری در عصر غیبت	آسیب شناسی شعر مهدوی
دوران صلح و صفا	پرچم قائم	آسیب شناسی مهدویت
دولت مستضعفین	پرچم های سیاه	آمار و ارقام
دیدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	پیاده روی اربعین و آخر الزمان	آیین انتظار
دینداری در عصر غیبت	پیوند حسین و مهدویت	احادیث مهدوی
رجعت	تربیت مهدوی کودکان	احیاگری
رستاخیز ظهور	تشکیلات و کالت	ادعای ارتباط و رؤیت
روایت ظهور	تطبیق علائم ظهور	ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
زمان و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	تکلیف ما نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	ارکان اعتقادی مهدویت
زمینه سازی برای ظهور	جاء الحق و زهق الباطل	اشارات و بشارات
زمینه سازی برای غیبت	جمعه و انتظار	امامت در کودکی
زنان مهدی یاور	جملات ادبی	امام خمینی و انتظار فرج
زندگی مهدوی	جهان پر از ظلم	امن و امان
زیارت آل یاسین	جهانی شدن و مهدویت	انتظار
زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	چگونگی غلبه بر جهان	انتظار فرج
ساختن و ویران کردن	حتمیت ظهور	انتظار و ادبیات و هنر
سیاست کلی دولت مهدوی	حجت شناسی	انتظار و اعتراض
سیره مهدوی	حضور در موسم حج	انتظار و امید
سیره مهدوی و سیره نبوی	حکومت صالحان	انواع حضور و غیبت
سیمای جهان در عصر ظهور	حکومت واحد جهانی	اوضاع سیاسی عصر غیبت
سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	دشمن شناسی	صغری
شباهت های مهدی و موسی	دعا برای فرج	ایام الله
شرایط ظهور	دعای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	ایرانیان در عصر حضور
شعراشتیاق		بداء در وقت ظهور

موضوعات و مفاهیم

شعر مهدوی	قضاوت داود و سلیمان	مهدی، مقتدای مسیح
شکوفایی عقل و علم	قیام برای قائم	نام‌ها، اوصاف و القاب
شمشیر	قیام قبل از ظهور	نایب امام زمان
شهرها در روایات عصر ظهور	قیام ناگهانی	نثر ادبی و انتظار
شیعه در عصر ظهور	کارکردهای انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	ندبه
شیوه‌های فراطبیعی	کودکان و مهدویت	نقش یمنی‌ها در عصر ظهور
صبر در عصر غیبت	لیلة القدر	نواب اربعه
صلح جهانی	مجلات و نشریات مهدوی	نهج البلاغه و مهدویت
صهیونیسم مسیحی، مسیحیت	محور وحدت	وارث سنت‌های انبیائی
صهیونیستی	مدت حکومت مهدی	وحدت ادیان
طول عمر امام زمان علیه السلام	مدعیان مهدویت	وراثت مستضعفان
ظهور	مصلح جهانی	ولایت فقیه
عاشورا و انتقام	مضطر حقیقی	ویژگی‌های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
عدالت	معجزات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	هرج و مرج
عدالت جهانی	مکان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف	
عشق به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف	منتظر، منتظر	
عصر ظهور	منتقم	
علائم ظهور	منجی باوری، منجی‌گری	
عنایت خاص به شیعه	منکران مهدی موعود علیه السلام	
عوامل غیبی و بشری	موانع ظهور	
عهدنامه یاران مهدی علیه السلام	مهدویت	
غیب	مهدویت در ادیان دیگر	
غیبت	مهدویت و غرب	
فتوحات مهدویه	مهدویت و محورهای پژوهش	
فرج	مهدویت و مشترکات مذاهب	
فرج بعد از شدت	مهدی علیه السلام	
فرق شرایط ظهور و علائم ظهور	مهدی در روایات اهل سنت	
فسادهای آخر الزمان	مهدی در قرآن	
فلسفه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف		

اصطلاحات

آخر الزمان	دائبة الأرض	فقطب عالم امکان
آرمان شهر	دولت کریمه	قیام به سیف
آرماگدون	دولت مستضعفین	گل نرگس
آخرین دولت	ذخیره الهی	لیلة القدر
ابدال و اوتاد	سپاه رعب	ماء معین
اثنی عشریه	سلام بر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح	متممهدی
استعجال	سیصد و سیزده	مرگ جاهلی
استنصار	شریک القرآن	مرگ سرخ و سفید
اشراط الساعة	شهر منتظران	معز الأولیاء
اصحاب و انصار	صاحب الأمر	مؤمل، مأمول
اعوجاج فکری	صاحب الزمان	مهدی شخصی، مهدی نوعی
العجل	طاووس بهشتیان	ناحیه مقدسه
امر الله	طی الأرض	ناردانه
امر	عجل الله فرجه	ندای آسمانی
انتظار سبز	عریضه نویسی	نواب اربعه
انتظار سرخ	عصر حیرت	نیابت خاصه و عامه
ایام الله	عصر ظهور	وجه الله
باب	عصر ظهور و حضور	ولی الله اعظم
باب الله	غایب	یا ثارات الحسین
بال سرخ شهادت	غریله و بلبله	ایام الله
بقیة الله	غریم و شرید	
پیر جوان نما	غیبت شأنیه و حضرت شئونیه	
تسمیه	غیبت صغری	
توقیت	غیبت کبری	
ثائر	فارس الحجاز	
حجت	فتوریسم	
خلف صالح	قائم	
خلیفه الله	قاعده لطف	
خورشید پشت ابر		

جاها و شهرها

اماكن منسوب به امام زمان

بيت الحمد

جا بُلقا و جا بلسا

جزیره خضراء

جغرافياى ياران مهدى علیه السلام

دبيرخانه دائمى اجلاس حضرت مهدى

ذی طوی

رضوی

رکن و مقام

زوراء

سامراء

سرداب مقدس

شهر منتظران

قائمیه

قدس

قرقيسيا

قم، قائم، قیام

کعبه و مسجد الحرام

مراکز مهدویت پژوهی

مرکز حکومت مهدى علیه السلام

مسجد آية الله انگجی

مسجد جمکران

مسجد سهله

مسجد کوفه

مسجد هزار در

مقام صاحب الزمان

مهدیه

نرجسته

وادی السلام

اشخاص و القاب

ابا صالح

ابودجانه انصاری

احمد بن اسحاق

امام خمینی، انقلاب اسلامی، زمینه سازی ظهور

امام زمان علیه السلام

بشیر بن سلیمان

تشریف یافتگان

جعفر کذاب

حکیمه خاتون

خضرو مهدى علیه السلام

دابة الأرض

دجال

رشیق

سفیانی

سودانی

سید حسنی

سید خراسانی

سید محمد

شعیب بن صالح

شلمغانی

م. ح. م. د.

ملیکه

نفس زکیه

نوسترا داموس

ولی عصر علیه السلام

یمانی

گروه ها

انجمن حجّتیّه
انصارالحجّه
بهائیت
زمینه سازان ظهور
سپاه رعب
سردابیه
قادیانی گری
گم گشتگان
مدعیان مهدویت
معمّرین
مهدویون
یاران امام زمان

حادثه ها

جشن های نیمه شعبان و ساواک
خروج یمانی
خسف در بیداء
خسوف و کسوف در ماه رمضان
روز ظهور
نیمه شعبان
یوم الفتح
یوم الخلاص

کتاب ها

چند کتاب مهم
چهل حدیث مهدوی
کتاب شناسی شعر مهدوی
کتاب شناسی مهدویت
کتاب غیبت
مجلات و نشریات مهدوی
مهدی موعود
یوم الخلاص

